

فهرست مطالب

15.....	مقدمه
29.....	او با من است
30.....	در باره من
31.....	نور خدا:
33.....	ناجی:
35.....	چگونه مسیحی شوم؟
37.....	چرا مسیحی شدم؟ 12 / 11
41.....	متن اعلامیه جهانی حقوق بشر
47.....	کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده
47.....	کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده
59.....	تیراندازی لباس شخصی ها به سوی دو درویش در کوار
60.....	بازداشت پنجمین درویش از شهرستان کوار در یک ماه گذشته
61.....	بازداشت یک شهروند بهایی در قائم شهر
63.....	محکومیت شدید نقض حقوق بشر در ایران
65.....	آخرین وضعیت از نقض حقوق در اویش گنابادی ۱۶ درویش در زندان
67.....	کیوان دهقانی شهروند بهایی آزاد شد
68.....	پنجمین ماه بازداشت فرهود اشتیاق در زندان مشهد
68.....	تشدید فشارهای اقتصادی بر شهروندان بهایی کرمان و رفسنجان
69.....	انتقال مصطفی دانشجو وکیل در اویش گنابادی به بند عمومی زندان
70.....	انتقاد مولوی عبدالحمید از تخریب شخصیت‌های اهل سنت
72.....	بازداشت یک شهروند بهایی در اصفهان

برای شناخت محبت

- 72..... اتحادیه اروپا، ایران را به آزاد ساختن ندرخانی و دیگر زندانیان مسیحی ترغیب کرد
- 74..... احضار و بازداشت مولوی محمدعلی شه بخش
- 75..... وزیر اطلاعات کلیساهای خانگی را تهدیدی برای جوانان دانست!
- 77..... محکومیت علیرضا سیدیان، شهروند مسیحی به ۶ سال زندان
- 79..... نورالله قبیتی زاده نوکیش مسیحی در زندان شهر اهواز بسر می برد.
- 80..... دومین شماره خبرنامه مجذوبان نور منتشر شد
- 81..... اولین ملاقات خانواده مصطفی دانشجو با وی
- 82..... تجمع زرتشتیان در اعتراض به ساخت و سازها در حریم دخمه یزد
- 84..... افزایش فشار بر بهائیان شیراز
- 85..... گزارش آماری نقض حقوق بشر - ویژه آبانماه ۱۳۹۰
- 93..... تأکید سناتور بر «نشانه های هشداردهنده» در رفتار ایران با بهائیان
- 95..... تهران: صدور حکم پنج سال زندان برای آقای عزیزالله سمندری
- 96..... خبرهای کوتاه از ایران- مربوط به شهروندان بهائی
- 96..... تبریز: اخطار به پسر و عروس در زمینه مراقبت از گور پدر
- 97..... کارشناس مذهبی: کلیساهای معتبر رغبتی به تیشیر ندارند!
- 99..... شرایط وخیم چهار درویش گنابادی در زندان پیربنان شیراز
- 100..... ممانعت نیروهای امنیتی از بازسازی زیارت گاه اهل حق
- 101..... بازداشت و بی خبری از وضعیت سه شهروند اهل حق در کرمانشاه
- 101..... شش سال زندان برای مسلمان مسیحی شده؛
- 103..... تفکیک مذهبی زندانیان عقیدتی و سیاسی در زندان گوهردشت کرج
- 104..... کلینتون خواستار آزادی بدون قیدوشرط یوسف ندرخانی شد
- 105..... مهلت سه روزه به شعله طائف شهروند بهایی جهت اجرای حکم تبعید
- 107..... شرایط وخیم چهار درویش گنابادی در زندان پیربنان شیراز
- 108..... انتقال دو زندانی بهائی به زندان پیربنو
- 108..... علیرضا سیدیان به ۶ سال زندان محکوم شد.
- 110..... بازداشت دوباره یک دانشجوی نوکیش مسیحی در مشهد
- 112..... آزادی دو تن از درویش گنابادی
- 113..... محکومیت قطعی پنج شهروند مسیحی به ۵ سال حبس
- 114..... اخراج پویا محمدی دانشجوی بهائی
- 116..... در ایران، «می خواهند مسیحیان را بترسانند»
- 118..... محکومیت یک شهروند بهایی در سمنان به هفت سال حبس
- 120..... وزیر امور خارجه آمریکا خواستار آزادی کشیش یوسف ندرخانی شد
- 121..... محکومیت قطعی ۵ شهروند مسیحی به ۵ سال حبس
- 122..... کشته شدن یک شهروند پیرو «آیین یاری»
- 124..... یوسف ندرخانی یک سال دیگر در زندان خواهد ماند!

برای شناخت محبت

- 126..... روایت يك نوکیش مسیحی از شکنجه و ضرب شتم
- 130..... برگزاری دادگاه کامران رحیمیان و انتقال وی به زندان رجایی‌شهر
- 131..... یورش گسترده‌ی ماموران اطلاعات به منازل شهروندان بهایی سندانج
- 132..... کنکور سال ۹۱؛ اقلیت‌ها حق شرکت در کنکور را ندارند
- 133..... یدار و گفتگوی حمید حمیدی، با احمد شهید
- 138..... انتقال ۷ تن از درویش گنابادی به بند ۳۵۰
- 139..... انتقال وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور به بند ۳۵۰ زندان اوین
- 140..... بازداشت یک درویش گنابادی در تهران
- 140..... هجوم به کلیسای جماعت ربانی اهواز
- 140..... هجوم به کلیسای جماعت ربانی اهواز و بازداشت کشیش و خادمان آن در آستانه کریسمس
- 142..... تشدید مسیحیت ستیزی در ایام کریسمس در ایران
- 145..... گزارش تجمع اعتراضی به مناسبت 10 دسامبر در شهر برلین
- 148..... معرفی ناقضان حقوق شهروندان بهائی در شهر سمنان نقش داشته اند
- 150..... یوسف اسلام دوست از اقلیت‌های مذهبی ترک سنی اعدام شد
- 151..... آزادی شهلا رحمتی شهروند مسیحی بعد از هشت ماه
- 152..... تفهیم اتهام وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور
- 153..... بی‌خبری مطلق از نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت
- 154..... تعلیق حکم یکی از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی در دادگاه تجدید نظر
- 155..... نگرانی از وضعیت ۴ تن از بازداشت‌شدگان کلیسای جماعت ربانی
- 158..... یورش ماموران امنیتی و دلجویی از کودکان کانون شادی کلیسای اهواز
- 160..... آزادی يك تن از بازداشت‌شدگان جشن کریسمس در کلیسای اهواز
- 162..... کائن کتاب مقدس 9/8
- 162..... ۱- ب: معنی کائن
- 163..... ۲- ب: ملاک‌های کانی بودن یک کتاب
- 165..... ۲- ه: نیاز کلیسای اولیه
- 165..... ۳- ه: پدید آمدن بدعت‌ها
- 165..... ۴- ه: دست به دست گشتن نوشته‌های جعلی
- 165..... ۵- ه: فعالیت‌های بشارتی
- 165..... ۶- ه: جفا و آزار
- 167..... ۳- د: طبقه‌بندی کتاب‌های کانی
- 168..... بازداشت یکی دیگر از درویش گنابادی در کوار
- 168..... حکمت در کتاب مقدس
- 174..... افزایش فشار بر شهروندان بهائی در شهرهای شمالی ایران
- 175..... نگهداری نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت در بند ۲۰۹ اوین
- 176..... حمله و یورش نیروهای امنیتی به منزل یک درویش گنابادی

برای شناخت محبت

- 177..... روز شمار نقض حقوق شهروندان بهایی آذر ۹۰
- 178..... اقدام به بازداشت نظام ملکپور، از درویش گنابادی استان فارس
- 180..... رستاخیز مسیح: واقعیت یا افسانه
- 188..... بازداشت عدالت و فرامرز فیروزیان دو شهروند بهایی ساکن سمنان
- 189..... شهناز جیزان شهروند مسیحی به صورت موقت آزاد شد
- 190..... خدای تو خدای من است
- 191..... پیش‌زمینه
- 192..... زمینه تاریخی
- 193..... پیام نبوتی
- 194..... جایگاه روت
- 196..... شکست تاریکی: روایت یوحنا از تولد مسیح
- 200..... ممانعت از آزادی وحید محمودی از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی /
- 201..... مصاحبه با روزنامه نگار مسیحی ایرانی
- 204..... سقط جنین همسر وکیل زندانی به دلیل بی‌اطلاعی از وضعیت همسرش
- 205..... دادگاه پنج شهروند مسیحی فردا در رشت برگزار می‌شود
- 206..... حمله و یورش نیروهای امنیتی به منزل یک درویش گنابادی
- 206..... اخراج شروین فلاح دانشجوی بهایی دانشگاه بجنورد
- 208..... وضعیت نورالله قبیتی زاده زندانی مسیحی در زندان کارون اهواز
- 210..... مصاحبه کمپین بین المللی حقوق بشر ایران با اف سی ان ان
- 213..... آغاز دوران محکومیت فواد خانجانی شهروند بهائی
- 214..... جلوگیری از دفن یک شهروند بهائی در تبریز
- 215..... آغاز دوران محکومیت چهار سال حبس شاهرخ طائف شهروند بهایی
- 216..... نگاهی به وضعیت بهایی‌های زندانی؛
- 218..... ۱۰ تن از شهروندان اهل سنت در اهواز بازداشت شدند
- 219..... بهائیان ایران حتی در مرگ با تبعیض مواجه هستند
- 222..... تأیید 25 سال حبس تعزیری برای 6 تن از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی در دادگاه تجدید نظر
- 223..... افزایش فشار برای شهروندان بهایی سمنان، تبریز و گرگان
- 224..... انتقال ۳ تن از بازداشت شدگان مسیحی به زندان سپیدار اهواز
- 226..... محکومیت استادان دانشگاه آنلاین بهائیان به چهار تا پنج سال زندان
- 228..... سه تن از شهروندان اهل سنت در کامیاران بازداشت شدند
- 229..... بی‌خبری مطلق از سرنوشت ۳ شهروند بازداشتی مسیحی
- 230..... احضار پی در پی و محاکمه پنج شهروند بهایی سمنان
- 232..... نوکیش مسیحی توسط دادگاه انقلاب به دو سال زندان محکوم شد
- 234..... سخت‌گیری‌های تازه برای جلوگیری از رشد بهائیان ایران
- 236..... بدستور وزارت اطلاعات سرویس فارسی دو کلیسا در تهران تعطیل شد

برای شناخت محبت

- 238..... بازداشت مجید عنایت از نوکیشان مسیحی در اصفهان
- 240..... آزادی خانم گیتی حکیم پور
- 242..... انتقال فرین راسخی و فرحناز نعیمی به بند عمومی زندان کرمان
- 244..... بازداشت جمعی از نوکیشان مسیحی در کلیسای خانگی در کرمانشاه
- 246..... جزئیات کامل از بازداشت گروهی شهروندان بهایی شیراز
- 250..... بی‌خبری یک ماهه از فرشید یزدانی شهروند بهایی در شیراز
- 251..... بازداشت هومن زارعی شهروند بهایی در شیراز
- 252..... تداوم بازداشت و شناسایی تعداد دیگری از مسیحیان اصفهان
- 254..... آزادی فوری یوسف ندرخانی خواست مسیحیان ایران
- 256..... هومن زارعی، شهروند بهایی در شیراز بازداشت شد
- 257..... ناپاکی اسلام از نظر یک کشیش مسیحی
- 258..... تداوم پلمپ اماکن کسب بهاییان در سمنان
- 260..... تداوم بازداشت و شناسایی تعداد دیگری از مسیحیان در اصفهان
- 262..... بازداشت دسته‌جمعی اقلیت‌های دینی
- 266..... مجلس نمایندگان آمریکا خواستار آزادی فوری کشیش ایرانی
- 267..... افزایش روند سرکوب مسیحیان + گفتگو
- 272..... قطع انگشتان پاهای دو پناهجوی نوکیش مسیحی ایرانی در ترکیه
- 274..... محمد ملکی: آقایان، بس کنید!
- 278..... اعدام کودکان بس
- 280..... برگشته از اسلام در ایران به کلیساهای زیر زمینی متوسل شده اند
- 282..... شفافیت جامعه‌ی روستائی ایول با دو دین
- 306..... نوکیشان مسیحی ایرانی در ترکیه مورد تبعیض و حملات هستند
- 308..... روز شمار نقض حقوق شهروندان بهایی بهمن ۱۳۹۰
- 310..... در گذشت بانوی اول داستان نویسی ایران در سن نود سالگی
- 312..... احضار ۱۴ شهروند بهایی قروه به اداره اطلاعات این شهرستان
- 313..... دستگیر و زندانی شدن آقای شهرام چینیان میان‌دوآب
- 313..... شیراز: زندانی شدن آقای فرید عمادی و آقای ایمان رحمت پناه
- 314..... گنبد: اطلاعات تازه از دستگیری و آزادی خانم امیلیا اسماعیل پور
- 314..... بهائیان از تکمیل فرم تقاضای کارت معافیت سربازی منع می‌شوند
- 315..... هشدار و کنترل نسبت به نصب نمادهای مسیحی بر روی ساختمان‌ها
- 318..... آخرین خبرها از بهائیان ایران
- 319..... دو شهروند بهایی در مشهد بازداشت شدند
- 319..... مشهد: یورش به خانه‌ها و دستگیری ۸ بهائی
- 320..... وضعیت نامعلوم عنایت جعفری بازداشت شده مسیحی در اصفهان
- 322..... نوکیش مسیحی عباس سلمانپور توسط ماموران بازداشت شد

برای شناخت محبت

- 325..... نام ژان پل دوم به قدیسان کلیسای کاتولیک افزوده می‌شود.
- 326..... محکومیت چهار شهروند بهایی در مشهد به حبس تعزیری.
- 327..... عقیف نعیمی، از مدیران جامعه‌ی بهایی به بیمارستان منتقل شد.
- 328..... تمدید قرار بازداشت سه شهروند بهایی در کرمان به مدت دو ماه.
- 328..... آزادی ممتازیان و تسلیمی و تداوم بازداشت ۱۰ بهایی دیگر در شیراز.
- 330..... احضار ۱۴ شهروند بهایی قروه به اداره اطلاعات این شهرستان.
- 330..... نوکیش مسیحی پس از بازگشت باصفهان توسط ماموران بازداشت شد.
- 331..... آزادی موقت داوود علیجانی خادم کلیسای جماعت ربانی.
- 332..... آمار ازدواج دختران زیر ۱۰ سال رو به افزایش است.
- 333..... محکومیت یک درویش گنابادی به ۶ ماه حبس.
- 335..... انتقال حمید آرایش به مکانی نامعلوم.
- 337..... خامنه ایی و پیروی هوادارانش از سرکوب نوکیشان مسیحی در ایران.
- 343..... عوامل رژیم آقای کاظمینی بروجردی را مسموم کردند.
- 345..... اظهارات عجیب رئیس شورای خلیفه‌گری ارمنه در باب رهبران جمهوری اسلامی.
- 347..... کلیسای انجیلی ارمنه تهران از برگزاری مراسم به زبان فارسی و کلیسای مرکز از تشکیل کلاس برای نوایمانان منع شدند.
- 349..... واکنش‌ها به گزارش سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران.
- 351..... حجاب و عفاف باید از سنین کودکی اجرا شود.
- 351..... گرانی نسبت به وضعیت دو کودک بهایی پس از بازداشت والدین.
- 352..... بازداشت مجدد کسری نوری از درویش گنابادی.
- 353..... بازداشت فریبرز پارسی‌نژاد، شهروند مسیحی ساکن اصفهان.
- 354..... تایید حکم حبس پرویز ملکشاهی از درویش اهل لرستان.
- 354..... نگرانی نسبت به وضعیت دو کودک بهایی پس از بازداشت والدین.
- 355..... ایران کشور دشمن اینترنت ۲۰۱۱.
- 361..... رشد چشمگیر نومسیحیان جوان در کلیساهای ایران.
- 363..... کسری نوری از درویش گنابادی بازداشت شد.
- 364..... خشایار زارعی از تیم ملی جودو و دانشگاه به دلیل اعتقاد به آئین بهایی اخراج شد+رنجنامه وی.
- 365..... خانواده بهاییان بازداشت شده در شیراز: هیچ کس پاسخگو نیست.
- 367..... دو شهروند بهایی در مشهد به دو سال حبس محکوم شدند.
- 368..... بازداشت دو بهایی در یورش ماموران به منزل هفت تن در شیراز.
- 368..... آزادی موقت ۳ تن از نوکیشان مسیحی وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی.
- 370..... علیرضا سیدیان، شهروند مسیحی بازداشت شد.
- 371..... آزادی سه شهروند بهایی در مشهد.
- 371..... گزارشی از بازداشت نوکیشان مسیحی در سال ۱۳۹۰.
- 376..... گزارش آماری نقض حقوق بشر – ویژه اسفند ماه ۱۳۹۰.

برای شناخت محبت

- 385..... آخرین اخبار بازداشت و آزادی مسیحیان کشور در زمستان نود
- 390..... گزارشی از وضعیت زندانیان بهایی در پایان سال ۱۳۹۰
- 394..... فروش تجهیزات شنود و فیلترینگ اینترنت توسط چین به ایران
- 396..... آمار تعداد مهاجران در دنیا و اروپا بتفکیک ادیان و مقصد نهائی آنها
- 398..... اسلامگرایان افراطی الله اکبر گویان به صورت يك اسقف اسید پاشیدند
- 400..... شناسایی گروهی از وبلاگ و وبسایتهای سیاسی و مخالف حکومت
- 402..... عفو بین الملل: دست کم ۳۶۰ تن در سال گذشته در ایران اعدام شدند
- 404..... گزارشی از حمله به منازل شهروندان بهایی در شیراز
- 406..... داستان زندگی آرزو تیموری زندانی سابق مسیحی
- 412..... تعداد متقاضیان پناهندگی در اروپا باز هم افزایش یافت
- 414..... وزیر علوم جمهوری اسلامی مسیحی شده!
- 416..... نسل جوان ایران به دنبال جایگزینی برای اسلام هستند
- 418..... بلاتکلیفی یک خانواده‌ی بهایی پس از ۸۰ روز بازداشت موقت
- 418..... ممانعت از مرخصی و آزادی مشروط چهار شهروند بهایی
- 420..... ادعای آخوند حکومتی: تبلیغات مسیحیان در جهان اسلام با آزادی روبروست!
- 421..... جمهوری اسلامی ایران رکورد دار اعدام در سال 2011
- 422..... تداوم بلاتکلیفی ۱۲ تن از بهاییان بازداشتی ساکن شیراز
- 424..... پیام اسقف کلیسای کلدانی تهران به مسیحیان غرب
- 426..... حمایت از توقف روند مهاجرت مسلمانان به اروپا
- 428..... اعلام نگرانی امریکا از حقوق اقلیت ها در جمهوری اسلامی
- 429..... دستور وزارت آموزش و پرورش برای شناسایی دانش آموزان بهایی
- 430..... بازداشت یک شهروند بهایی در مشهد
- 430..... اسلامی کردن مهدهای کودک؛ رقص و آواز ممنوع
- 432..... پرتاب نارنجک توسط اسلامگرایان به یک گردهمایی مسیحی
- 434..... قبرستان تاریخی مسیحیان در کرمان زیر و رو شد
- 436..... انتشار کتاب عیسی نامه در گرجستان توسط جمهوری اسلامی! حمایت جمهوری اسلامی از دشمنان قسم خورده شیعیان در مصر برای حفظ اصول انقلابی و ایجاد خفقان
- 438.....
- 439..... ایقان شهیدی جهت اجرای حکم زندان احضار شد
- 440..... برنامه های تلویزیون مسیحی بهار را به خانه ایرانیان برد
- 442..... ردپای جمهوری اسلامی در سوء قصد به رهبر مسیحی لبنانی
- 444..... شرایط بحرانی و احتمال دیپورت پناهجویان مسیحی از سوئد
- 446..... خبر اجرای حکم اعدام یوسف ندرخانی
- 448..... صدور اخطاریه نسل کشی در دفاع از مسیحیان خاورمیانه
- 450..... آزادی یک زندانی نوکیش مسیحی پس از شش ماه اسارت در زندان

برای شناخت محبت

- 452.....انتقال یک شهروند بهایی به زندان رجایی شهر کرج.
- 452.....بازگشایی کلیسای بمبگذاری شده پس از شش سال.
- 454.....قدیمی ترین کلیسای تهران کجاست و چه قدر قدمت دارد؟
- 455.....بازداشت یک خانواده بهایی در بجنورد.
- 455.....محرومیت از تحصیل یک شهروند بهایی در مقطع کارشناسی.
- 457.....بازداشت شش شهروند بهایی در قائم شهر و تنکابن.
- 459.....انتقال وکیل در اویش گنابادی به بیمارستان پس از ماه ها تعلل.
- 460.....ده تن از در اویش گنابادی به محاربه و افساد فی الارض متهم شدند.
- 461.....فرشید فتحی، شهروند مسیحی به شش سال حبس محکوم شد.
- 463.....سالنامه آماری نقض حقوق بشر در سال ۹۰ منتشر شد.

مقدمه

با توجه به موج جدید گرویدن جوانان ایرانی به مسیحیت لازم دانستم به گوشه هایی از مشکلات مسیحیان ایران اشاره نمایم قوانین تبعیض آمیز اسلامی که در کشورهایی با رهبران بنیاد گرا همچون ایران اعمال میشود باعث رغبت بیش از پیش ایرانیان به مسیحیت شده است و آنها که در طول تاریخ چند هزار سالشان همواره خدا را از دید اسلام می جستند، اینک خدایشان را در کلیساهای خانگی و در قالب مسیحیت جستجو میکنند جمهوری اسلامی توسط مجامع حقوق بشری و نیز جامعه جهانی، تبعیض های مذهبی و نیز اعمال خشونت علیه آن بخش از دین باوران در کشور است که رهبران جمهوری اسلامی اساساً وجود آنان را خطری علیه خود مبیندارند.

بهائیان و دیگر مذاهب اقلیت، مانند یارسانیان (اهل حق) و ایرانیانی که به مسیحیت روی می آورند در زمره این "خطرات" بشمار می روند.

در مورد موج گرایش به مسیحیت، مقامات رژیم تاکنون باصطلاح ظرافت بیشتری بکار گرفته و مقابله دائم و بی تزلزلی را که علیه این گروه از شهروندان ایرانی بکار میگیرند، با احتیاط و رعایت پنهان کاری به سرانجام میرسانند.

بدون شک محاسبات دیپلماتیک بین المللی و چه بسا حضور غیر قابل انکار شهروندان ارمنی در سراسر کشور، که بخش دین باورشان همگی مسیحی مذهبند، مسئولان را واداشته است تا آنجا که ممکن است مبارزه سرسختانه ای را که علیه موج تغییر دین و گرویدن به مسیحیت به اجرا گذاشته اند، از دیده ها پنهان دارند و قربانیان خود را به روش های پیچیده تر و پنهان کارانه تری مورد تعرض و تهدید قرار دهند.

در ایران برخی از روحانیون مخالف معتقدند که خشونت و آزار علیه نودینان مسیحی به این دلیل شدت بیشتری پیدا کرده است، که موج اسلام گریزی در میان جوانان کشور گسترش بیشتری یافته است.

برای شناخت محبت

گزارشگر ویژه همچنان نسبت به آزار و اذیت سیستماتیک اعضای گروه های مذهبی به رسمیت شناخته نشده در ایران به خصوص جامعه بهائیان و اهل حقان و درویش که نقض میثاق نامه های بین المللی است هشدار می دهد.

به علاوه، مجوز دولت برای یک کمپین گسترده بدنام سازی که به منظور اعمال تبعیض و نفرت علیه بهاییان و دیگر مذاهب اقلیت است تعهدات ایران که در ماده ۵ میثاق از بین بردن همه نوع تبعیض نژادی است را نقض می کند.

بر اساس یک گزارش، ۴۴۰ نمونه از سخنانی های تهمت آمیز علیه، برای نمونه، بهاییان که در دو سال گذشته یا به نمایش درآمده یا منتشر شده است.

در یکی از چنین مقالاتی که خبرگزاری رسا آن را در ۸ مارس ۲۰۱۱ منتشر کرده است جامعه بهاییان را به تلاش برای تخریب اسلام محکوم کرده است.

دستگیری خودسرانه و بازداشت بهاییان برای باور هایشان و دستگیری بیش از پنجاه نفر و اعدام چندین نفر از هم میهنان آذربایجانی در اویچ تپه میاندواب، بخاطر اهل حق بودن و دفاع از آئین خود، علیرغم نقض میثاق نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنان ادامه دارد.

در گزارشی که به گزارشگر ویژه داده شده، ادعا شده است که:

۴۷۴ بهایی از اگوست ۲۰۰۴ تا کنون دستگیر شده اند که از آن تعداد ۹۷ تن هم اکنون در زندان هستند؛ ۱۹۹ نفر به قید وثیقه آزاد شده اند و در انتظار دادگاه هستند؛ ۲۶ نفر بدون وثیقه آزاد شده اند؛ ۹۶ تن دادگاهی شده و حکم دریافت کرده اند و تا زمان دادگاه تجدید نظر آزاد هستند یا برای سپری کردن مدت حکم زندان خود احضار شده اند؛ ۳۴ نفر دادگاهی شده، حکم گرفته و همه مدت زندان خود را سپری کرده اند و یا جریمه پرداخت کرده اند؛ ۱۴ حکم در دادگاه تجدید نظر شکسته شده است؛ و ۵ بهایی حکم زندان خود را سپری کرده و در حال گذراندن دوران تبعید داخلی هستند. تعداد ۳۵ بازداشت دیگر بر اساس گزارش ها بین اگوست و نوامبر ۲۰۱۱ صورت گرفته است.

بهاییان موضوع فشار طاقت فرسای اقتصادی-اجتماعی هستند که در نقض میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است؛ در برخی از موارد، آنها از مالکیت ملک، کار و تحصیل محروم شده اند.

در ماه های اخیر، برای مثال، ده مغازه متعلق به بهاییان در دو شهر استان سمنان توسط مقامات مهر و موم شده است.

متأسفانه چیزی که در گزارش سازمان ملل بندرت به آن اشاره می شود، مسئله سرکوب دوونیم میلیون اهل حق (یارسانی) هستند.

با تلاش یکی از مدافعان حقوق بشر و بویژه مدافع این آئین اقلیت، دکتر گلرمد مرادی مقیم آلمان، طی نامه ای به آقای کاپیتورن کانادائی گزارشگر وقت ویژه سازمان ملل برای ایران، در گزارش مربوط به ایران پاراگراف 82 تا 84 به اهل حقان (یارسانیان و سرکوب فرهنگی آئینی آنان) اختصاص داده شده است.

به علاوه، کپی های چندین سند دولتی که تاریخ آن به سال ۱۹۹۱ بر می گردد محروم کردن از تحصیل، برقراری دفتری برای مقابله با انتشارات بهاییان، نفی عدم پذیرش در مشاغل بانفوذ برای آنها و تجارت را توصیه کرده و آنها را برای بهاییان ممنوع کرده است. یکی از دانشجویان بهایی دریک مصاحبه از اینکه ۸۰۰ بهایی از پذیرش دانشگاه در همان سالی که او پذیرفته نشده پذیرفته نشدند خبر داد.

برای شناخت محبت

به علاوه، چندین بهایی که اخیراً دستگیر شدند وابسته به موسسه بهاییان برای تحصیلات عالی بودند، که دانشگاهی است طراحی شده برای تحصیل بهاییانی که از تحصیل محروم شده اند.

در اینجا لایق ذکر است که اهل حقانی (یارسانانی) که با زندگی دوگانه مراحل دانشگاه را هم پشت سر می گذارند و استخدام هم می شوند، به محض این که مأموران رژیم پی ببرند که فرد بر مرام اهل حق بودن (یارسانی بود) خود باقی مانده است، بلافاصله اخراج می شود و در هیچ مؤسسه دیگری اگر هم مورد نیاز مبرم باشد، استخدام نخواهد شد.

ما نمونه های زیادی را داریم که یا خنثه نشین شده اند و یا فراری هستند و پناهنده دیگر کشورها هستند. برخورد با اقلیت های دینی و مذهبی در ادامه تنگ نظری های است که نظام جمهوری اسلامی در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی و دینی در پیش گرفته است. تعریف خودی و غیرخودی برای آنها به تدریج محدودتر از گذشته می شود و دایره کسانی که غیرخودی به شمار می آیند تنگتر و تنگتر می شود.

در زمینه اقلیت های دینی، سالهای زیادی بهاییان سهم عمده ای از تضییع حقوق اقلیت های دینی را داشتند.

به مرور سهم مسیحیان، اهل حقان (یارسانیان)، صوفیان و حتی شیعیانی که به قرائت متفاوتی از اسلام شیعه معتقد بودند بیشتر هم شد.

امروزه از مسیحیان بشارتی تا آیت الله های معترض، و از بهاییان تا اهل حق (یارسانیان) و اهل سنت تحت فشار، تهدید و ارباب حاکمیت هستند.

جالب است که به گفته دکتر مرادی در تاریخ هفتصد ساله یارسان، به اندازه این 32 سال سابقه نداشته است که شیعیان مسلمان برای اهل حق جوز سر بشکنند (غسل تعمید، مانند مسیحیت).

اما یکی از جدی ترین دغدغه های امروز دستگاه روحانیت جمهوری اسلامی گرایش گسترده ایرانیان به مسیحیت است که دامنه آن به مقامات، مسئولان و اعضای خانواده آنان در داخل و خارج از کشور نیز رسیده است.

پیش از این نیز سایت «جهان نیوز» وابسته به بنیادگرایان مذهبی و سیاسی در ایران گزارش داد که با پیگیری های به عمل آمده مشخص شد که 40 سفیر و نماینده سیاسی ایران در سفارت خانه های خارج از کشور پس از پایان ماموریت و ارزیابی های کارشناسی و داشتن نمره منفی در کارنامه خود تغییر پیدا کرده اند.

جهان نیوز خبر داد که فرزند یکی از سفرای ایران با بیست سال سابقه مسیحی شده است و دیگر حتا به ایران هم بازنگشته است.

در مورد تعدادی از دیپلمات ها و اعضای خانواده سفارتخانه های جمهوری اسلامی در خارج از کشور که یا خود و یا برخی از اعضای خانواده آنها با وجود کنترل و نظارت شدید، در قلبهای خود به آئین مسیحیت گرویدند که بنا به دلایل امنیتی و حفظ حقوق آنان همین میزان توضیح کافی است.

اطلاعات بدست آمده و بررسی ها صورت گرفته از سوی صاحب نظران آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» در داخل کشور گویای این موضوع است که میزان گسترش مسیحیت در بین هموطنان به گونه ای است که حتی در سازمان های نظامی نظیر ارتش و سپاه و همینطور در میان خانواده و فرزندان مسئولین وابسته به این سازمان ها نیز به این آئین گرایش یافتند، یا درصدد تحقیق و مطالعه و آشنایی با کم و کیف آئین مسیحیت هستند. چندی پیش نیز یکی از افسران خلبان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (نام محفوظ) که خود از حافظین و قاریان قرآن بود در تماسی تلفنی با «محبت

برای شناخت محبت

نیوز» اعلام کرد که زمانی که در ایران بوده با حقیقت مسیحیت آشنا شده و از اسلام به مسیحیت گرویده و از این پس با محبت او زندگی خواهد کرد. این افسر خلبان سپس برای حفظ جان خود از راه زمینی مجبور به ترک ایران می شود و سپس با مشقت و سختی فراوان خود را به یکی از کشورهای اروپایی می رساند.

و اما عده ی بسیاری در ظلم و ستم جمهوری اسلامی هستند ایشان ماه ها و سالها بلا تکلیف و اسیرند در بند و اسیر.

قرار است حکم اعدام «یوسف ندرخانی»، مسلمان زاده ای که مسیحی شده، به زودی به وی ابلاغ شود؛ این در حالی است که بریتانیا و آمریکا از اعدام قریب الوقوع او ابراز نگرانی کرده اند و وکیل ندرخانی نیز می گوید جرم ارتداد در قوانین کیفری ایران وجود ندارد. آخرین جلسه دادگاه یوسف ندرخانی، کشیش متهم به ارتداد در حالی برگزار شد که او علیرغم درخواست های متعدد قاضی دادگاه حاضر به توبه نشد و در همان مذهب مسیحیت باقی ماند.

محمد علی دادخواه، وکیل یوسف ندرخانی، به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفته است:

«سه روز او را به دادگاه آوردند که توبه کند، هر سه روز او منکر توبه شد.»

دادخواه ادامه داده است:

«قبلا رای اعدام دادگاه تجدید نظر به دیوان عالی کشور فرستاده شده بود و از آنجا که فاقد پشتوانه قانونی و منطقی بود اعدام حذف شد اما دیوان خواسته بود از او توبه بگیرند و اگر توبه نکند باز هم اعدام شود. من در دادگاه گفتم از نظر قانون کشورمان، عرفان اسلامی، و نظرات فقه های مانند منتظری، اردبیلی و صانعی توبه گرفتن از نظر قانونی درست نیست.» وی تأکید کرده است:

«ما در نظام حقوقی و فهرست عناوین کیفری مان اصلا عنوانی تحت عنوان ارتداد نداریم.» یوسف ندرخانی، کشیش ۳۲ ساله است که از پدر و مادری مسلمان به دنیا آمده و در سن ۱۹ سالگی به دین مسیحیت گرویده است.

او تا قبل از بازداشتش کشیش جماعتی حدود ۴۰۰ نفر از مسیحیان اهل رشت بوده است.

ویلیام هیگ وزیر خارجه بریتانیا گفت که نگران گزارش هایی است که حاکی از طرح ایران برای اعدام قریب الوقوع یوسف ندرخانی یک کشیش مسیحی پس از خودداری از «بازگشت به اسلام» است. به گزارش بی بی سی، همزمان جان بینر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا نیز ایران را ترغیب کرد که از جان این مسیحی تیشیری بگذرد.

جامعه جهانی بهایی نیز به این حکم اعدام از سوی دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی اعتراض کرده است. این تشکل بین المللی، طی بیانیه ای به موج جهانی اعتراض به محکومیت کشیش یوسف ندرخانی پیوسته و حکم اعدام او را نمونه دیگری از قساوت مقامات ایرانی علیه مردم این کشور توصیف کرده است. انجمن فرهنگی جامعه یارسان در اروپا نیز طی نامه ای و جمع آوری امضاء حکم اعدام آقای یوسف ندرخانی، این کشیش جوان را محکوم نموده است.

یکی دیگر از قربانیان این قانون بی پایه و اساس جمهوری اسلامی فرشید فتحی است.

"فرشید فتحی" ۳۳ ساله و دارای دو فرزند پس از بازداشت، ماه های متمادی در سلول انفرادی در زندان اوین نگهداری می شد، وی توسط ماموران وزارت اطلاعات زیر شدید ترین بازجویی ها قرار داشت.

بازجویان از وی خواسته بودند تا اعتراف کند که تاکنون به چه کسانی بشارت مسیحیت را داده و با چه کسانی در خارج از کشور ارتباط داشته است.

برای شناخت محبت

وی سر انجام پس از گذشت حدود یک سال بلا تکلیفی به شش سال حبس محکوم شد. پرونده "فرشید فتحی" با اعتراض وکیل ایشان به دادگاه تجدید نظر ارسال خواهد شد و این حکم در مرحله رسیدگی مجدد به یقین تغییر خواهد کرد.

این حکم در حالی برای این هموطن مسیحی صادر می‌شود که وی ۱۵ ماه بازداشت غیر قانونی، و به صورت بلا تکلیف در زندان بسر برده است.

صدور چنین حکم ناعادلانه ایی از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای این نوکیش مسیحی که فقط به صرف انجام مراسم دینی و اعتقادات و باورهای مسیحی وی صادر شده است، بر اساس قوانین بین المللی و کنوانسیون های حقوق بشر و تبعیض علیه اقلیت های ملی و مذهبی که جمهوری اسلامی هم خود از امضا کنندگان آن است عملی غیر قانونی است.

و بسیارند مسیحیان ایرانی که در شهرهای مختلف کشور احضار و برخی از آنان نیز بازداشت شده اند. این افراد اغلب نوکیشان مسیحی ایران، یعنی کسانی که پیش از گرویدن به مسیحیت، مسلمان بوده‌اند مورد پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند و یا مسیحیانی هستند که به گفته مسئولان نظام فعالیت های تبشیری داشته‌اند!

با در نظر گرفتن اینکه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور صریح در مورد آزادی ادیان و پیروان مذاهب غیر اسلامی تاکید شده اما جمهوری اسلامی در عمل نشان داده نه تنها به قوانین داخلی خود بی توجه است حتی کمترین التزامی به اجرای معاهدات بین المللی را هم ندارد و چنین بی رحمانه و ظالمانه کمر به کشتن عشق و احساس هموطنان مسلمان و غیر مسلمان بسته اند که گویی جرمشان مرگ است.

مگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی برای پیروان ادیان تاکید نشده؟

پس چرا ندر خانی و فتحی و هزاران نفر دیگر در بند و اسیرند؟

و چرا این چنین بلائی سر مردم ایران آورده ؟

بعد از این مقدمه چکیده ای از مظالم و جنایات جمهوری اسلامی ایران به رهبریت ولایت فقیه را بطور خلاصه در 3 بخش عنوان و سپس نگاهی اجمالی به نقض حقوق بشر و خیانت های دولت مردان 5 ماهه آبان تا پایان اسفند 1390 خواهم انداخت.

1. کشتار سالهای 60 تا 67 :

لیستی که توسط فعالان حقوق بشر (ایران تریبون) تنظیم و در تاریخ شنبه ، 4 تیر 1390 به صورت کتاب در دسترس عموم قرار داده اند با آمار 10787 نفر اعدامی که در این آمار اسامی و محل اعدام افرادی که شناسائی شده اند کامل ذکر شده و بدیهیست که بخش عظیمی هنوز از اعدامیان شناسائی نشده اند.

2. کشتار در تابستان 1367 : که به کشتار تابستان خونین یاد میشود آمارهای متغیر وجود دارد و به علت این که جمهوری اسلامی ایران همچنان بر سر کار است تعداد دقیق اعدامها هرگز فاش نشده است و بین مراجع مختلف در مورد آنها اختلاف وجود دارد. عموماً کمتر از هزار نفر حداقل و ۱۲ هزار نفر حداکثر شمرده می‌شود. در این جا سعی می‌شود ابتدا به اعداد اعلام شده منابع مختلف رجوع می‌شود و سپس به لیست های مختلفی که از کشته شدگان منتشر شده اشاره می‌شود.

سازمان عفو بین الملل "بیش از ۲۵۰۰ نفر" را اعلام کرده است.

در ضمن لیست و نام های مشخص حداقل پنج هزار نفر توسط سازمان های مختلف اعلام شده است.

لیست کشته شدگان

اولین لیستی که از کشته شدگان انتشار یافت توسط سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بود که تا حد امکان وابستگی سازمانی و محل مرگ را نیز تعیین می‌کرد. این لیست که نام ۶۱۵ نفر را در برداشت تنها مربوط به اوین و گوهردشت بود و به هیچ وجه کامل نبود. در این لیست از ۶۱۵ نفر، ۱۳۷ نفر به مجاهدین، ۱۰۸ نفر به اکثریت، ۹۰ نفر به حزب توده، ۴۱ نفر به انشعابات دیگر فدایی، ۳۰ نفر به کومه‌له، ۱۲ نفر به راه کارگر، ۳ نفر به پیکار و بقیه به سایر تشکیلات چپی تعلق داشتند. در سال‌های پس از آن تلاش‌های زیادی برای تهیه لیستی از قربانیان بوده که حاصلش جمع نام‌های حدود پنج هزار نفر است.

کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران، کانون ایرانیان لندن، کانون حمایت از زندانیان سیاسی (در آخن، آلمان)، سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر)، سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، حزب توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) در سال ۶۷، حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، سازمان فداییان خلق (اقلیت) و دیگر انشعابات فدایی از جمله تشکلهایی هستند که تا بحال لیستی از قربانیان ارائه کرده‌اند. تعداد و جزئیات هر کدام از این لیست‌ها با دیگری متفاوت است.

آیت‌الله منتظری در کتاب خاطرات خود، این رقم را ۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر دانسته و تایید می‌کند که رقم دقیق را به‌خاطر ندارد.

کاملترین لیست این زمینه لیست سایر عصر نو است که از جمع تمامی لیست‌های فوق‌الذکر حاصل شده‌است.

این لیست که به همت ب.آزاده و ب.آذرکلاه جمع‌آوری شده جمعا شامل ۴۴۸۱ نفر است

3. در این قسمت نگاهی به کشتار و سرکوب و زندان در دهه اخیر میاندازیم

الف : کشته شدگان :

دو سال از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و شکل‌گیری جنبش اعتراضی مردم ایران به نتیجه‌ی اعلام شده این انتخابات پر اما و اگر از سوی حاکمیت می‌گذرد. میرحسین موسوی و مهدی کروبی ضمن اعتراض به تقلب صورت گرفته در این انتخابات بارها آن را یک «کودتای انتخاباتی» توصیف کردند که در نهایت نتیجه اعتراض آنها منجر به شکل‌گیری جنبش سبز معترضان در ایران و همچنین شکل‌گیری چندین راهپیمایی اعتراضی در خیابان‌های تهران و برخی شهرستان‌های ایران شد.

در جریان این اعتراضات بسیاری از شهروندان ایران با شلیک مستقیم گلوله و یا ضرب و شتم از طریق باتوم، استنشاق گاز اشک‌آور، پرتاب شدن از بالای پل عابر پیاده، پرتاب شدن از ساختمان، ضرب و شتم در خوابگاه دانشجویی و همچنین رد شدن خودروی نیروی انتظامی از روی بدن معترضان کشته شده شدند. برخی دیگر از شهروندان نیز توسط نهادهای امنیتی دستگیر و به گفته‌ی خانواده‌های زندانیان و گواهی برخی دیگر از زندانیان سیاسی، در اثر شکنجه و ضرب و شتم ماموران زندان، عدم توجه به وضعیت بیماری آنان و همچنین عدم رسیدگی پزشکی لازم پس از اعتصاب غذا و ضرب و شتم در وضعیت اعتصاب جان باختند. پیشتر سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز با صدور اطلاعیه‌ای موضوع شکنجه‌ی برخی از زندانیان در کهریزک را تایید کرد.

برای شناخت محبت

رسانه های دولتی و منابع حکومتی تعداد کشته شدگان انتخابات را تنها ۳۶ نفر اعلام کرده و به تازگی نیز یکی از چهره های نظامی اعلام کرد تنها ۳۶ نفر از بسیجیان در حوادث بعد از انتخابات کشته شده اند.

در همان روزهای نخست راهپیمایی های اعتراضی کمیته ای از سوی میرحسین موسوی و مهدی کروبی نیز تشکیل شده بود تا بتواند اخبار، آمار و اطلاعات مربوط به آسیب دیدگان حوادث بعد از انتخابات را جمع آوری کند.

این کمیته نیز اسامی بیش از ۷۰ نفر از کسانی که بر اساس گزارش های رسیده به این کمیته جان باخته بودند را منتشر و اعلام کرد که در مورد صحت و سقم و آمار واقعی مربوط به قربانیان انتخابات به پاسخگویی نهادهای امنیتی و همکاری قضایی مسولان نیاز دارد تا در مورد شبهات و موارد مطرح شده در گزارش این کمیته به نتیجه روشنی برسد. اما نتیجه این شد که بعد از ظهر روز دوشنبه شانزدهم شهریور ماه سال ۸۸، نیروهای امنیتی به دفتر کمیته پیگیری آسیب دیدگان می روند و اعضای کمیته را بازداشت و تمام اموال و اسناد آن کمیته نیز توسط نهادهای امنیتی ثبت و مصادره می شود.

پس از آن تلویزیون رسمی و سایر رسانه های هوادار حاکمیت، به سرعت اقدام به تکذیب اسامی کشته شدگانی که در این لیست از آنان نام برده شد بر آمدند.

علی رغم تکذیب آمار کشته شدگان حوادث پس از دهمین دوره ی ریاست جمهوری ایران، این گزارش مستند است به گفتگوهایی که خودم به عنوان خبرنگار جرس و سایر همکاران رسانه ای ام در سایت کلمه، سحام نیوز، روز آن لاین، کانون صنفی معلمان، سایت مادران داغدار، رادیو فردا، صدای آمریکا، بی بی سی و کمیون بین المللی حقوق بشر و اعضای کمیته ی پیگیری وضعیت قربانیان پس از انتخابات که تا کنون با ۴۳ تن از خانواده های کشته شدگان مصاحبه و یا از نزدیک دیدار کرده اند. به نظر می رسد در طی دو سال گذشته خانواده ۴۳ تن از کشته شدگان انتخابات تصمیم گرفتند علی رغم فشارهای امنیتی و احساس ناامنی به صورت رسمی با رسانه های مختلف گفتگو کرده و نسبت به نحوه ی جان باختن اعضای خانواده ی خود اطلاع رسانی کنند، بنابراین گزارش پیش رو نیز بنا دارد تنها به سخنان این ۴۳ خانواده ای که با اظهار نظر رسمی خود اطلاع رسانی کرده اند بپردازد. تاکید می شود که این گزارش برای کامل شدن نیاز به همکاری سایر کسانی دارد که به اطلاعات دیگری در این زمینه دسترسی دارند.

کشته شدگانی که حاکمیت آنها را بسیجی معرفی کرد

بر اساس این گزارش و در میان ۴۳ نفر از کشته شدگانی که خانواده هایشان اطلاع رسانی کرده اند، به نظر می رسد حکومت هفت نفر از آنها با نام های داوود صدری، کاوه سبزعلی پور، میثم عبادی، حمید حسین بیک عراقی، محمد حسین فیض، غلامحسین کبیری و صانع ژاله را در رسانه های رسمی و دولتی به عنوان بسیجی معرفی کرده است.

خانواده های پنج تن از این کشته شدگان با نام های داوود صدری، حمید حسین بیک عراقی، کاوه سبزعلی پور، میثم عبادی و صانع ژاله، طی مصاحبه های رسمی با رسانه ها بسیجی بودن فرزندان خود را از اساس تکذیب کردند و آن را « شهید دزدی » و یا « دروغ های دولتی » نغییر کردند.

خبرگزاری فارس و روزنامه ی کیهان و سایر رسانه های هوادار حاکمیت در مورد دو نفر از این کشته شدگان به نام های محمد حسین فیض و غلامحسین کبیری همچنان به نقل از خانواده هایشان می

برای شناخت محبت

نویسد که آنها بسیجی هستند. در مورد محمد حسین فیض همچنان برخی از دوستان و اعضای خانواده ی وی در مصاحبه هایی بدون نام تاکید می کنند که او از معترضان به نتایج انتخابات بوده است.

کشته شدگانی که خانواده ها تنها به اعلام نامشان بسنده کرده اند

برخی دیگر از خانواده ها نیز به علت فشارهای امنیتی تاکنون حتی نام اعضای خانواده ی خود که در حوادث انتخابات جان باخته اند را اعلام نکردند و برخی دیگر از این خانواده ها نیز به دلیل همین نا امنی ها تنها به اعلام اسامی آنها و تایید جان باختن آنها در حوادث پس از انتخابات بسنده کرده اند که به عنوان مثال سعید عباسی فر، مهدی کرمی، بهمن جنابی، امیرحسین طوفانپور، شاهرخ رحمانی، شاهسوند، حمید مداح شورچه، علیرضا افتخاری، ناصر امیرنژاد، محمد علی راسخی نیا، جهانبخت پازوکی و امیر ارشدی تاجمیر فرزند یکی از گوینده های تلوزیونی به عنوان برخی از این اسامی تایید شده هستند.

رسیدگی قضایی در داخل یا امداد از سازمان های بین المللی

بسیاری از خانواده های کشته شدگان اعتراضات مردمی با طرح شکایت، خواهان معرفی و محاکمه ی قاتلان فرزندان و سایر اعضای خانواده ی خود شده اند. پرونده های شکایات بسیاری از خانواده های جان باختگان بعد از انتخابات از سوی دستگاه قضایی مسکوت باقی مانده و به گفته ی برخی از این خانواده ها نهادهای امنیتی با فشار بر آنها و یا پیشنهاد پرداخت دیه تلاش دارند تا خانواده ها را از پی گیری شکایت شان منصرف کند.

بر اساس این گزارش به نظر می رسد پرونده ی مربوط به جان باختن امیر جوادی فر، محمد کامرانی و محسن روح الامینی زندانیانی که در بازداشتگاه کهریزک در اثر شکنجه و ضرب و شتم و عدم رسیدگی پزشکی جان باختند، تنها پرونده ای بود که حاکمیت به صورت رسمی ناگزیر شد مسولیت آن را بپذیرد و آن را در دستور کار دستگاه قضایی برای رسیدگی و محاکمه ی متهمان قرار دهد که در نهایت به گفته ی خانواده های جان باختگان حادثه ی کهریزک امران اصلی این پرونده هرگز احضار، محاکمه و تحت تعقیب قرار نگرفته و تنها چند مامور و سرباز که جز عواملان ضرب و شتم این زندانیان بوده اند، در رسیدگی قضایی محکوم شده اند.

خانواده های زندانیانی که در اثر شکنجه و ضرب و شتم در بازداشتگاه کهریزک جان باخته بودند، سعید مرتضوی دادستان وقت تهران را به عنوان آمر اصلی این پرونده معرفی کرده بودند. همچنین پرونده ی غلامحسین کبیری یکی از کشته شدگانی که حاکمیت و رسانه های دولتی او را به عنوان بسیجی معرفی کرده اند نیز جز تنها پرونده قضایی کشته شدگان مربوط به راهپیمایی اعتراضی روز ۲۵ خرداد است که مورد پیگیری قضایی قرار گرفت.

شماری از خانواده های کشته شدگان حوادث پس از انتخابات از جمله خانواده های سهراب اعرابی، ندا آقا سلطان، علی حسن پور، مصطفی کریم بیگی نیز در اظهار نظرهای رسمی از سازمان ملل و سایر مجامع حقوق بشری خواستند تا با دخالت در پرونده ی کشته شدگان حوادث پس از انتخابات، از طریق فرستادن نماینده ای به ایران و دیدار با خانواده ها آنها را در یافتن امران و عاملان کشته شدن خانواده هایشان یاری کند.

گزارشی جداگانه در مورد اعدام شدگان

لازم به یاد آوری است که پس از انتخابات شماری از فعالان سیاسی نیز به سرعت و بدون برگزاری دادگاه های علنی اعدام شده اند.

برای شناخت محبت

ب. زندان و شکنجه:

لازم به یادآوری است که در اینجا از ذکر کشته شدگان ده سال اخیر (اعدام ها و کشتارهای خیابانی) خودداری شده است.

فعالان کانون مدافعان حقوق بشر و وکلا:

نرگس محمدی (بازداشت در 20 خرداد 1389 و محکوم به 11 سال زندان، هم اکنون با وثیقه آزاد است)، نسرين ستوده (بازداشت در 13 شهریور 1389 و محکوم به 6 سال زندان و 20 سال ممنوعیت خروج از کشور و 20 سال محرومیت از وکالت)، محمد سیف زاده (وضعیت بازداشت نامعلوم، در 2 اردیبهشت 1390 به خانواده اطلاع دادند در زندان ارومیه است. وی به 2 سال زندان و 10 سال محرومیت از وکالت و تدریس در دانشگاه محکوم شد)، محمدعلی دادخواه (بازداشت در 7 تیر 1388 با چند تن از همکاران و پلمپ دفتر، وی محکوم به 9 سال زندان و 10 سال محرومیت از وکالت شد. هم اکنون با وثیقه آزاد است)، عبدالفتاح سلطانی (بازداشت در 19 شهریور 1390، بلاتکلیف)، مسعود شفيعی (وکیل کوهنوردان آمریکایی، در تاریخ 10 مهر 1390 هنگام خروج از کشور ممنوع الخروج و پاسپورت اش ضبط شد) و ...؛

فعالان زنان:

عالیه اقدام دوست (بازداشت در 10 بهمن 1387 و محکوم به سه سال زندان)، زینب بایزیدی (بازداشت در 25 آبان 1387 و محکوم به 4 سال زندان)، محبوبه کرمی (بازداشت در 25 اردیبهشت 1390 و محکوم به سه سال زندان)، روناک صفارزاده (بازداشت در 17 مهر 1386 و محکوم به شش سال زندان)، فرانک فرید (بازداشت در 12 شهریور 1390 و بلاتکلیف)، فرشته شیرازی (بازداشت در 12 شهریور 1390 در آمل و بلاتکلیف) و ...؛

حامیان مادران عزادار:

لیلا سیف اللهی (بازداشت در 19 بهمن 1388 که پس از 36 روز با کفالت آزاد و در دادگاه بدوی به 4 سال زندان محکوم شد و در انتظار دادگاه تجدید نظر است)، ژیلا کرم زاده مکوندی (بازداشت در 19 بهمن 1388 که پس از 36 روز با کفالت آزاد و در دادگاه بدوی به 4 سال زندان محکوم شد و در انتظار دادگاه تجدید نظر است)، منصوره بهکیش (پس از چندین بار بازداشت و احضارهای مکرر، در 22 خرداد 1390 بازداشت و پس از 28 روز زندان با کفالت آزاد و هم اکنون برای انجام دادگاه بایستی در روز 18 مهر در شعبه 15 دادگاه انقلاب حضور یابد. وی در تاریخ 26 اسفند سال 1388 هنگام خروج ممنوع الخروج و پاسپورت اش ضبط شد) و ...؛

فعالان دانشجویی:

علی اکبر محمدزاده (بازداشت در 25 بهمن 1389 و محکوم به 6 سال زندان)، مجید توکلی (بازداشت در 16 آذر 1388 و محکوم به 8 سال و نیم زندان)، مجید دری (بازداشت در 18 تیر 1388 و محکوم به 6 سال زندان)، مهدیه گلرو (بازداشت در 11 آذر 1388 و محکوم به 2 سال زندان)، بهاره هدایت (بازداشت در 10 دی 1388 و محکوم به 9 سال و نیم زندان)، و ...؛

فعالان کارگری:

شاهرخ زمانی (بازداشت در 17 خرداد 1390 و محکوم به 11 سال زندان)، بهنام ابراهیم زاده (بازداشت در 22 خرداد 1389 و محکوم به 20 سال زندان ولی بلاتکلیف) و ...؛

فعالان معلم:

برای شناخت محبت

رسول بداعی(بازداشت در 11 شهریور 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 5 سال محروم از فعالیت اجتماعی)، هاشم خواستار(بازداشت در 4 تیر 1388، دوم خرداد 90 گزارش شد این معلم بازنشسته به سالن 102 بند 5 زندان وکیل آباد مشهد که محل نگهداری زندانیان محکوم به اعدام است، منتقل شده است. او در 19 شهریور 1390 از زندان آزاد شد) و ...؛

فعالان حقوق بشر، روزنامه نگار، وب لاگ نویس، نویسنده و مترجم:

حشمت الله طبرزدی(بازداشت در 7 دی 1388 و محکوم به 9 سال زندان و 74 ضربه شلاق)، هنگامه شهیدی(بازداشت در 6 اسفند 1389 و محکوم به شش سال زندان که از خرداد 1390 برای معالجه در مرخصی است)، عیسی سحرخیز(بازداشت در 12 تیر 1388 و محکوم به 3 سال زندان و 5 سال محروم از فعالیت های مطبوعاتی)، سعید متین پور(بازداشت در 10 تیر 1388 و محکوم به 8 سال زندان)، ابوالفضل عابدینی نصر(بازداشت در 13 اردیبهشت 1390 و محکوم به 12 سال زندان)، کیوان صمیمی بهبهانی(بازداشت در 23 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 15 سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی)، مسعود باستانی(بازداشت در 14 تیر 1388 و محکوم به 6 سال زندان)، عدنان حسن پور(بازداشت در آذر 1385 و محکوم به 15 سال زندان)، هیوا بوتیمار(بازداشت در آذر سال 1385 و محکوم به 8 سال زندان)، آرش سقر(بازداشت در 1 آذر 1388 و محکوم به 5 سال زندان)، محمد صدیق کبودوند(بازداشت در 10 تیر 1386 و محکوم به 10 سال و نیم زندان)، حسین رونقی ملکی(بازداشت در 22 آذر 1388 و محکوم به 15 سال زندان)، مهدی محمودیان(بازداشت در 25 شهریور 1388 و محکوم به 5 سال زندان و محرومیت از خبرنگاری)، حمید مودنی(بازداشت در 5 مهر 1390 با وضعیت نامعلوم)، علی ملیحی(بازداشت در 20 بهمن 1388 و محکوم به 4 سال زندان)، شیوا نظر آهاری(بازداشت در 29 آذر 1388 و بلاتکلیف)، کوهیار گودرزی(بار اول بازداشت در 29 آذر 1388 و یک سال زندان بود، بار دوم در 9 مرداد 1390 بازداشت شد و مادرش(پروین مخترع) نیز یک روز پس از او بازداشت شد و هر دو بلاتکلیف هستند)، علی اکرمی، مهدی افشار نیک و محمد حیدری(در 13 مهر 1390 بازداشت شدند و بلاتکلیف هستند) و ...؛

روحانی مخالف نظام:

حسین کاظمینی بروجردی(بازداشت در سال 1386 با مصادره اموال و محکوم به 10 سال زندان).

ادوار تحکیم وحدت:

احمد زیدآبادی(بازداشت در 23 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 5 سال تبعید به گناباد)، شبزم مددزاده(بازداشت در 2 اسفند 1387 و محکوم به 5 سال زندان و تبعید به زندان رجایی شهر)، عبدالله مومنی(بازداشت در 31 خرداد 1388 و محکوم به 4 سال و 11 ماه زندان)، و ...؛

هنرمندان:

جعفر پناهی(بازداشت در 11 اسفند 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 20 سال محرومیت از فیلمسازی و فیلمنامه‌نویسی و 20 سال محرومیت از سفر به خارج از ایران و 20 سال ممنوعیت از هر نوع مصاحبه با رسانه‌ها و مطبوعات داخلی و خارجی. وی در 4 خرداد 1389 با وثیقه آزاد شد)، هادی آفریده، شهنام بازدار، ناصر صفاریان، محسن شهنازدار، مجتبی میرطهماسب و کتابیون شهابی(شش مستندسازی که در 26 شهریور 1390 بازداشت شدند)، رامین پرچمی بازیگر سینما و تئاتر(بازداشت در 25 بهمن 1390 و محکوم به یک سال زندان)، پگاه آهنگرانی بازیگر سینما(بازداشت در 19 تیر 1390 که 17 روز زندان بود و با وثیقه آزاد شد)، مهناز محمدی مستندساز و از فعالان حقوق زنان (بازداشت در 5 تیر 1390 که یک ماه زندان بود و آزاد شد)، مریم مجد

برای شناخت محبت

عکاس(بازداشت در ۲۷ خرداد 1390 که یک ماه زندان بود و با وثیقه آزاد شد) مرضیه وفامهر(بازداشت در اوایل تیرماه سال 1390 و به یک سال حبس تعزیری و 90 ضربه شلاق محکوم شد) و ... ؛

فعالان سیاسی:

سعید ماسوری(بازداشت در دی 1379 و محکوم به حبس ابد)، حمید حائری(بازداشت در 15 آذر 1388 و محکوم به 15 سال زندان)، عباس بادفر(بازداشت در سال 1388 و محکوم به 10 سال زندان)، حامد روحی نژاد(دانشجو، بازداشت در 14 اردیبهشت 1388، در دادگاه بدوی به اعدام و در تجدید نظر به 10 سال زندان محکوم شد. وی بیماری ام اس دارد و بینایی و شنوایی اش دچار مشکل شده است) و ... ؛

اتهامهای نامشخص که ابتدا به اعدام محکوم شده بودند:

فرح واضحان(بازداشت در 8 دی 1388 و محکوم به 17 سال زندان)، فاطمه رهنما(بازداشت در 7 مرداد 1388 و محکوم به 10 سال زندان)، ایرج محمدی(بازداشت در سال 1386 و محکوم به 10 سال زندان)، عبدالرضا قنبری(همسر سکینه آشتیانی، بازداشت در 14 دی 1388، وضعیت نامعلوم) و ...

اقلیت های مذهبی:

محمود بادوام(بازداشت در 1 خرداد 90 و بلاتکلیف)، کامران مرتضایی (بازداشت در 1 خرداد 90 و بلاتکلیف)، نوشین خادم(بازداشت در 1 خرداد 1390 و بلاتکلیف)، وحید محمودی(بازداشت در 1 خرداد 1390 و بلاتکلیف)، فرهاد صدقی(بازداشت در 1 خرداد 1390 و بلاتکلیف)، ریاض سبحانی(بازداشت در 25 خرداد 90 و بلاتکلیف) و یوسف ندرخانی(بازداشت در 20 مهر 1388، وی به اتهام ارتداد و تبلیغ برای دین مسیحیت به اعدام محکوم شده است) و ... ؛

نهضت آزادی ایران:

ابراهیم یزدی(بار اول در 7 دی 1388، بار دوم در 9 مهر 1389 بازداشت و در 29 اسفند 1389 از زندان آزاد شد)؛ عماد بهاور(بازداشت در 22 اسفند 1388 و محکوم به 10 سال زندان و 10 سال محرومیت از فعالیت های رسانه ای)، محسن حکیمی(در 13 مهر 1390 بازداشت شد) و ... ؛

ملی- مذهبی: محمد ملکی(بار اول در 12 تیر 1360 بازداشت که 5 سال را در زندان بسر برد و پس از آزادی نیز ممنوع الخروج بود. وی در 31 مرداد 1388 برای چندمین بار بازداشت و در 10 اسفند همان سال با قید کفالت آزاد شد) و ... ؛

جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی:

محسن میردامادی(بازداشت در 30 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 10 سال ممنوعیت از فعالیت های حزبی و مطبوعاتی)، مصطفی تاج زاده(بازداشت در 23 خرداد 1388 و محکوم به 6 سال زندان و 10 سال محرومیت از فعالیت) و ... ؛

معارضان حکومتی:

زهرا رهنورد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی از بهمن سال 1389 در حبس خانگی بسر می برند.

تجاوز جنسی:

تجاوز در زندان ها مربوط به امروز و دیروز نیست، در اوایل انقلاب برای اعدام دختران زیر 18 سال، ابتدا به آنها تجاوز می کردند و بعد می کشتند تا به بهشت نروند. بعد از انتخابات نیز تنی چند از زندانیان مدعی شدند مورد تجاوز قرار گرفته اند که می توان به آنها دسترسی پیدا کرد، ولی اینجا از ذکر آنها خودداری می کنیم.

شکنجه و شلاق:

بهروز جاوید تهرانی(بار اول در 18 تیر 1378 بازداشت و اواخر 1382 آزاد، بار دوم در 4 خرداد 1384 بازداشت شد که به 4 سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد. حکم 74 ضربه شلاق او در 19 آبان 1389 اجرا شد)، سمیه توحیدلو(دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، در 24 خرداد 1388 بازداشت و به یک سال زندان و 50 ضربه شلاق محکوم شد. حکم یک سال زندان وی بخشیده و پس از 70 روز با وثیقه آزاد شد ولی حکم 50 ضربه شلاق او در 23 شهریور با دست و پایی بسته در اوین به اجرا درآمد)، پیمان عارف(فعال دانشجویی و روزنامه‌نگار، بازداشت در 21 بهمن 1389 که به یک سال زندان و 74 ضربه شلاق و محرومیت مادام‌العمر از حرفه روزنامه‌نگاری محکوم شد. وی پس از اجرای حکم شلاق، در 17 مهر 1390 آزاد شد) و ...؛

قتل‌های نامشخص در زندان و بیرون از زندان:

زهرا کاظمی(فیلم‌بردار کانادایی- ایرانی، بازداشت در 2 تیر 1382 جلوی زندان اوین- قتل در 25 تیر همان سال)، زهرا بنی یعقوب(پزشک، بازداشت در ۲۰ مهر ۱۳۸۶ در پارکی در همدان و انتقال به بازداشتگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر، خانواده پس از ۴۸ ساعت با خیر مرگ وی روبرو شدند؛ امیر جوادی فر، محمد کامرانی، محسن روح‌الامینی، رامین آقازاده قهرمانی(از بازداشت‌شدگان بعد از انتخابات ریاست جمهوری که در بازداشتگاه کهریزک به قتل رسیدند)، هاله سحابی(فعال ملی- مذهبی، بازداشت در سال 1388 و به دو سال زندان محکوم شد. وی برای مراسم سوگواری پدرش عزت‌الله سحابی موقتاً آزاد و در 11 خرداد 1390 در خیابان کشته شد) و ...؛

مرگ و خودکشی درون زندان در اثر شکنجه یا فشارهای حکومتی:

البرز قاسمی (عضو نیروی دریایی، روز 30 دی ماه جان باخت. مرگ وی در پی وخامت وضعیت جسمی نشأت گرفته از محرومیت بلند مدت از خدمات پزشکی و مرخصی استعلاجی بود، اکبر محمدی (فعال سیاسی، یکشنبه شب 8 مرداد 1385 در زندان درگذشت و جسد او به پزشکی قانونی تحول داده شد. سهراب سلیمانی(مدیرکل زندان‌های استان تهران) روز 9 مرداد مرگ وی را اعلام کرد و گفت نامبرده در اعتصاب غذا به سر می‌برده است)، ولی‌الله فیض‌مهدوی (در مهرماه سال ۱۳۸۰ بازداشت شد و در ۱۵ شهریور سال ۱۳۸۵ مقام‌های زندان اوین خبر مرگ او را به طور رسمی اعلام کردند و مدعی شدند نامبرده خود را در سلول حلق‌آویز کرده که پس از انتقال به بیمارستان، در آنجا فوت کرد)، ابراهیم لطف‌اللهی(فعال دانشجویی، در ۱۶ دی سال ۱۳۸۶ در سنج بازداشت شد و تنها ۹ روز بعد در ۲۵ دی ماه ۱۳۸۶ ماموران امنیتی به خانواده اعلام کردند وی در بازداشتگاه اطلاعات سنج خودکشی کرده و جسدش را در گورستان سنج دفن کرده اند)، امیرحسین حشمت‌ساران (بازداشت در سال 1383 که به اتهام تاسیس گروهی به نام “جبهه اتحاد ملی ایران” به 8 سال زندان تعزیری و 8 سال تعلیقی محکوم شد، ۱۶ اسفند ۱۳۸۷ پس از چهار سال تحمل زندان به مرگی مشکوک در زندان گوهردشت درگذشت، امید رضا میرصیافی (وب‌لاگ‌نویس، بار اول در ۳ اردیبهشت سال ۱۳۸۷ به اتهام “توهین به علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی” در وبلاگش “روزنگار” بازداشت و پس از ۴۱ روز با تعیین وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. در آبان ۸۷ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران محاکمه و 2 سال و نیم زندان محکوم شد. روز ۲۸ اسفند سال ۱۳۸۷ منابع غیر رسمی از مرگ مبهم زندانی در زندان اوین خبر دادند، محسن دگمه‌چی (روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۸ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد، شامگاه دوشنبه ۸ فروردین سال ۱۳۹۰ خبر مرگ این زندانی سیاسی ۵۳ ساله اعلام شد)، حسن ناهید (مهندس مخابرات، در سال ۱۳۸۳ به

برای شناخت محبت

اتهام "افشای اسناد طبقه بندی شده" بازداشت و به ۳ سال زندان و پرداخت ۶۳ هزار یورو محکوم و دوران حبس خود را در بند ۳۵۰ زندان اوین گذراند و در نیمه فروردین سال ۱۳۹۰ (درگذشت)، عبدالرضا رجیبی (فعال سیاسی، بازداشت در سال 1380 به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین خلق که پس از یک درگیری مسلحانه هنگام بازداشت مورد اصابت ترکش نارنجک قرار گرفت. او ابتدا به اعدام و با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد. دوران محکومیت خود را در زندان دیزل آباد کرمانشاه و بند ۳۵۰ زندان اوین و اندرزگاه ۸ این زندان گذراند. او در ۷ آبان ۱۳۸۷ از زندان اوین به گوهردشت منتقل شد و همان شب خبر مرگ این زندانی اعلام شد، کاوه عزیزپور (فعال سیاسی کرد، بازداشت در سال ۱۳۸۵ در مهاباد و محکوم به 3 سال زندان به اتهام ارتباط با احزاب اپوزیسیون. این زندانی سیاسی در اوایل اردیبهشت ۱۳۸۷ پس از انتقال به بیمارستان ارومیه و ۲۰ روز کما، در ۲۷ اردیبهشت (درگذشت)، هاشم رمضانی (شهروند کرد هفته دوم دی ماه ۱۳۸۷ در ارومیه بازداشت شد. چهار روز بعد ماموران در تماسی با خانواده وی اعلام کردند هاشم رمضانی "خودکشی" کرده و برای تحویل گرفتن جسد او به اداره اطلاعات ارومیه مراجعه کنند)، محمد رجیبی ثانی (در ۸ مهر ماه سال ۱۳۸۳ به دنبال درگیری منجر به ضرب و شتم با دو شهروند دیگر، با حکم بازپرس شعبه ۲ دادسرای عمومی و انقلاب تهران بازداشت و به زندان قزل حصار منتقل شد. چند روز بعد ماموران زندان قزل حصار او را به بیمارستان رجایی کرج منتقل و اعلام کردند که در زندان دچار مرگ مغزی شده است)، هدی رضازاده صابری (فعال ملی- مذهبی، روزنامه نگار و مترجم، بازداشت در سال 1379 که به 5 سال و نیم زندان و 10 سال محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شد، وی در اعتراض به مرگ مشکوک هاله سحابی اعتصاب غذا کرد و در 21 خرداد 1390 در بیمارستان مدرس فوت کرد) و ... ؛

مرگ و خودکشی بیرون زندان در اثر فشارهای حکومتی:

بهنام گنجی (بازداشت در 9 مرداد 1390، وی روز 17 مرداد از زندان آزاد شد و نیمه شب 10 شهریور با خوردن قرص خودکشی کرد)، نهال سحابی (در تاریخ 2 مهر 1390، به دنبال مرگ بهنام گنجی خودکشی کرد)، دختری جوانی در 2 مهر 1390 در پی حمله نیروهای امنیتی به مهمانی در مشهد، هنگام قصد فرار، از تراس طبقه ششم ساختمان به پایین سقوط کرد و کشته شد و ... ؛

محکوم به اعدام:

زینب جلالیان (فعال کرد، بازداشت در سال 1386)، حبیب الله گلپری پور (فعال کرد، بازداشت در 2 اردیبهشت 1389)، انور رستمی (فعال کرد، بازداشت در دی 1387)، حبیب الله لطیفی (فعال کرد، بازداشت در 1 آبان 1386)، رشید آخکندی (فعال کرد، بازداشت در اردیبهشت 1387)، شیرکو معارفی (فعال کرد، بازداشت در 9 مهر 1387)، مصطفی سلیمی (ایلویی- فعال کرد، بازداشت در سال 1382)، سید جمال محمدی (فعال کرد، بازداشت در سال 1387)، سید سامی حسینی (فعال کرد، بازداشت در 15 خرداد 1387)، عزیز محمدزاده (نامشخص)، عبدالله سروریان (نامشخص)، زانیار مرادی (نامشخص)، لقمان مرادی (نامشخص)، جواد لاری (فعال سیاسی، بازداشت در 25 خرداد 1388)، حسن طالعی (فعال کرد، بازداشت در سال 1387)، محسن دانش پور مقدم (همسر مطهره بهرامی حقیقی، بازداشت در 6 دی 1389)، احمد دانش پور مقدم (پسر مطهره بهرامی و محسن دانش پور، زمان بازداشت در 6 دی 1389)، صالح سلطان زاده (فعال سیاسی، بازداشت در سال 1385)، حسین فروهیده (خطیبی- فعال کرد، زمان بازداشت نامشخص)، حمید قاسمی (زمان بازداشت نامشخص)، مهدی قیاسی (پزشک و فعال سیاسی، زمان بازداشت نامشخص)، یونس آقایان میرزا (اهل حق، بازداشت در سال 1383)، محمد امین عبداللهی (فعال کرد، بازداشت در سال 1384)، مریم اکبری

برای شناخت محبت

مفرد(فعال سیاسی، بازداشت در 10 دی 1388) و یوسف ندرخانی(کشیش مسیحی، بازداشت در 20 مهر 1388) ... ؛

خوانندگان عزیز با این وضعیت اسف بار حقوق بشر در کشورمان، متأسفانه حاکمان آن چنان دم از توانایی مدیریت جهان در سازمان ملل می زنند که گویی ایرانی آباد، آزاد و همگان برابر ساخته اند و حال می خواهند صدای دموکراسی خواهی، حق طلبی و عدالت جویی شان را به گوش جهانیان برسانند، شاید فراموش کرده اند که ایران را ویران کرده اند. و باز یادآوری می کنم :

- از لحاظ نرخ تورم، سومین کشور جهان هستیم.
- هر روز شاهد افشای اختلاس های کلان حکومتی هستیم.
- رتبه اول اعدام و اعدام کودکان در جهان هستیم.
- آمار طلاق- کودک آزاری- همسر آزاری- فقر- فحشا، بیکاری و ... بیداد می کند.
- منابع طبیعی و ثروت های ملی و محیط زیست مان(دریاچه ارومیه- زاینده رود، جنگل ها و آثار باستانی) رو به نابودی است.
- نه در شادی کردن آزادم (دستگیری شرکت کنندگان در آب بازی پارکها و انواع تفریحات دسته جمعی)
- نه در سوگواری (حمله به مراسم سوگواری و بزرگداشت جان باختگان. بهشت زهرا و خاوران و گورستان های دیگر که همواره در کنترل نیروهای امنیتی و اطلاعاتی است و خانواده ها را دایم تحت پیگیری و اذیت و آزار قرار می دهند).
- مرگ های ناشی از خودسوزی، خودکشی و دیگر کشتی گرفته تا تصادف و بیماری های مختلف ناشی از آلودگی هوا، آب، غذا و ... بیداد می کند.
- گویا انسان ستیزی یک اصل عمده برای حاکمیت این نظام است.
- صدها هزار نفر از زنان و مردان این آب و خاک در این سی و سه سال یا با اعدام یا در کشتارهای خیابانی یا در جنگ و عراق یا به اشکال دیگر کشته شده اند.
- چندین هزار نفر دچار جراحت های جبران ناپذیر روحی- روانی شده اند.
- تعداد کثیری از جوانان نخبه از مملکت فراری داده شده اند. تعداد زیادی به دام اعتیاد انداخته شده اند و ...
- مردم ایران به هیچ وجه از امنیت جانی و مالی برخوردار نبوده و نیستند.
- در کشوری که مردم برای گرفتن وام های یک میلیون تومانی پشت در اداره ها صف می کشند و ماه ها در انتظار می مانند، رقم های میلیاردی اختلاس می شود و کسی پاسخگو نیست.
- حاکمان جمهوری اسلامی مدعی اند هولوکاست افسانه است، می پرسیم آیا کشتار های بی رویه این سی و سه سال هم افسانه بوده است؟

اینک مقالات، اخبار نقض حقوق بشر و خیانت های دولت جمهوری اسلامی را در 5 ماه گذشته (آبان تا اسفند 1390) در وبلاک برای شناخت محبت را جمع آوری و بصورت کتاب در اختیار شما عزیزان قرار می دهم. و امید دارم با چاپ این کتاب وجدان خفته جهانیان بیدار شود و به داد ملت های دربند ایران بشتابند چرا که وقتی مناسبات اقتصادی با دولت جمهوری اسلامی به میان می آید تمامی مواد اعلامیه حقوق بشر از یاد می رود و فقط و فقط به عنوان یک ژست سیاسی از سوی دول غربی محسوب میشود .

دست نوشته های من

او با من است

مهسا سلطانی

من یک انسان هستم، انسان عاقل و بالغ.
اما احساس خفگی سالها من و رنج داد و از من حس خوب نفس کشیدن رو گرفت.
نداشتن آزادی فکر و عقیده و بیان احساسات درد کمی نیست.
سالها زیستن آن طور که خواسته ات نیست خیلی زجر آور است. خدایی داشته و با تمام وجود دوستش داشته باشی اما مجبور بشی سالها او را مخفی نگاه داری این درد است.
چطور میشود با اعتقادات تحمیلی زیست؟
چه قدرتی میتواند انسان را از عشق واقعیش دور کند؟
هیچ ظلمی نمیتواند احساس قلبی ما را عوض کند شاید بتواند صدای ما را بگیرد اما عشق ما را نه نمیتواند.
من راه نجات را یافتم و توانستم فریاد بزنم نفس بکشم.
حرفهایم را به گوش همه برسانم.
احساس بهتری دارم.
می نویسم تا همه بخوانند.
عشق و محبت است خدای پدر و من او را میپرستم.
از هیچ کس و هیچ چیز نمیترسم زیرا او با من است.

برای شناخت محبت

میخواهم با فعالیتهایم در زمینه های مذهبی و دینی با بوجود آوردن رسانه ها (برای شناخت محبت) و... صدای خیلی ها شوم.

صدای کسانی که به خاطر خدای خود در سخت ترین شرایط بسر میبرند باشم و به گوش جهان برسانم دردها و زجرهایشان را تا بلکه گوشه ای از عقده های سالیانه ام کم شود و دل درد کشیده ام خنک شود.

روزی خواهد آمد که بندهای ناحقی پاره شود و اسیران بی زبان آزاد گشته و فریاد حق زنند. من و برای شناخت محبت با دل و جان میکوشیم.

در پناه عیسی مسیح

او با من است

در باره من



با توجه به شرایط اختناق و نقض گسترده حقوق بشر در کشور ما، به عنوان فعال حقوق بشر (عضو و مسئول نمایندگی شهر هامبورگ، کانون دفاع از حقوق بشر در ایران) و با اعتقاد راسخ به اعلامیه جهانی حقوق بشر و با محور قرار دادن ماده 18 این اعلامیه که آزادی فکر، وجدان و عقیده را بعنوان یکی از حقوق اساسی انسانها محترم می شمارد، هدف خود را تلاش برای دفاع از حقوق کلیه پیروان ادیان و مذاهب مختلف که صرفاً بدلیل اعتقادات مذهبی خود از سوی رژیم جمهوری اسلامی مورد تبعیض، آزار، سرکوب و محرومیت از حقوق شهروندی قرار گرفته اند تعریف نموده و تلاش خود را در این راستا معطوف می نمایم.

نور خدا:

ای نور خدا باز می آیی تو

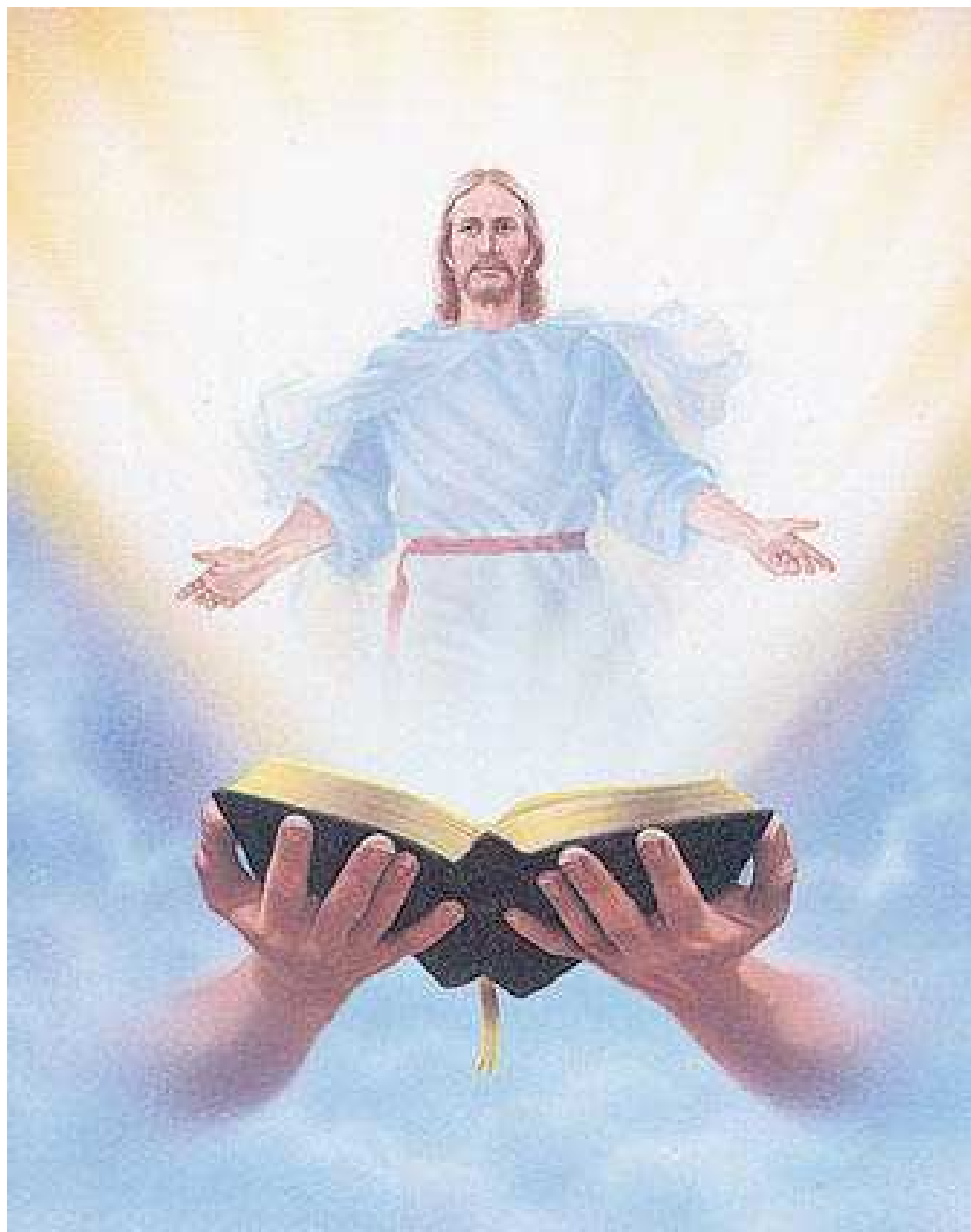
ای مهر جهان باز می آیی تو

از بالین پدر با شکوه و عزت باز می آیی تو

تویی فرزند خدا تویی پادشاه جهان باز می آیی تو

تو تمام امید تو تمام حکمت تو جلال و شوکت باز می آیی تو

من تو را منتظرم تو که هستی داماد از برای دنیا از برای ماها باز می آیی تو



ناجی:

ای ناجی من عیسی
تویی محبت خدا
آرامش روح و روانی
به وقت غمها شادی جانی
شوق جهانی
تو رو میخوایم همیشه
بدون تو خدای من
دنیا زیبا همیشه
درد من و درمانی
تویی برام که جانی
با تو دنیا چه زیباست
پر از شادی و رویاست
صداقتی حقیقتی محبت
ای عیسی ای عزیزم
ای عیسی ای عزیزم

برای شناخت محبت



www.hostedpictures.com

چگونه مسیحی شوم؟



انجیل به معنای «خبر خوش» است.

در واقع بهترین خبری است که میتوانید بشنوید.

کلام خداوند میفرماید، «اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، «نجات» خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده میشود برای عدالت و به زبان اعتراف میشود بجهت نجات. (رومیان ۱۰-۹)

بهترین راه برای اجرای این واقعیات، «دعا» کردن است. همانطور که پولس نوشته است: «زیرا هرکه نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. (رومیان ۱۳-۱۰)

قلب خود را با فروتنی واقعی به خدا تقدیم کنید، زیرا «قربانی های خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و کوبیده را خوار خواهی شمرد».

اگر برآستی می خواهید به خانواده خداوند عیسی مسیح بپیوندید با فروتنی چنین دعا کنید:

برای شناخت محبت

†خدایا اعتراف میکنم که بیشتر عمرم را برای خودم زندگی کردم. حتی در بهترین لحظات زندگیم نیز به تو اندک توجه کردم و تو را جلال دادم. بسیار دفعات گناه کردم، بیشتر از آنچه که بتوانم بشمارم، و برای رهایی از مرگ ابدی که بخاطر گناهانم لایق آنم هیچ راهی ندارم. از تو بسیار ممنونم که آنقدر مرا دوست داشتی که عیسی، پسر یگانه ات را فرستادی تا بخاطر گناهان من روی صلیب بمیرد. کسی که باید روی صلیب میمرد، من بودم و او جای مرا گرفت تا من بتوانم مجاناً بخشیده شوم. لطفاً گناهان مرا ببخش ای پدر. دیگر نمیخواهم زندگی خود محوری داشته باشم. باقی روزهای زندگی ام را میخواهم برای خداوند عیسی مسیح زیست کنم. حضور روح القدس تو را بر زندگی ام میخواهم. آمین
اگر این دعا را انجام دادید، این وعده ایست که از کتابمقدس میتوانید همواره بخاطر نگاه دارید:
«اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیمارزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد».

چرا مسیحی شدم؟

دسامبر 7, 2011



سرگذشت ایمانی فرهاد

من در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم و سال‌های کودکی‌ام به خوبی گذشت. اما وقتی به نوجوانی رسیدم حسی از یافتن حقیقت در من شروع به رشد کرد. در همان زمان‌ها علاقه زیادی به ورزش‌های فلسفی پیدا کردم که کونگ فو یکی از آنها بود. با فلسفه بودایی نیز آشنا شدم و به ترکیه نفس، ریاضت و تمرین ذن پرداختم که نهایت یک کونگ فو کار است. در حدود ۷ سال وقت صرف کردم ولی چیزی که حکایت از درک و یافتن حقیقت در من باشد یافت نشد.

برای شناخت محبت

سپس جذب مذهب مکتب عاشورایی شدم. فعالیت‌های خود را در مسجد و در هیئت‌های عزاداری بیشتر کرده بودم ولی وقتی حقیقت و راستی را که شعار این مکتب بود در رفتار اعضای آن با دیگران ندیدم از این مکتب جدا شدم. من اصلاً حقیقتی را در اینها ندیدم. بعد از این سرخوردگی تصمیم گرفتم خود را از مذهب به‌طور کلی جدا کنم. تبدیل شدم به شخصی کاملاً بی‌خدا و دور از هر عقیده مذهبی. فکر کردم اصلاً چرا برای یافتن حقیقت باید تلاش می‌کردم؟ سعی کردم خود را از زیر بار این جستجو خلاص کنم. برای همین منظور به مشروب و سیگار روی آوردم و تنها دل‌مشغولی‌ام این شده بود که چگونه از دنیا لذت ببرم. هدف من اینک این شده بود که از مواهب دنیوی لذت ببرم زیرا همه چیز در آخر به نیستی ختم خواهد شد. تبدیل به آدم بی‌تفاوتی شده بودم. دیگر نه ترس از جهنم مرا می‌لرزاند و نه چشم به بهشتی داشتیم که برای اقامت نیکوکاران در نظر گرفته شده بود.

در همان زمان با گروه هویت طلب آذربایجانی آشنا شدم. آنان را در کارشان محق می‌دانستم. دور از هر حزب و عقیده دنباله‌رو اینها بودم و به این نتیجه رسیدم که تنها راه سعادت ما تجزیه آذربایجان از ایران و زندگی با فرهنگ و قومیت ترکی است که منشأ آزادی و رهایی ماست. در عرض سه سال با رهبران این حرکت آشنا شده و در چهار استان فعالیت هماهنگ‌کننده داشتیم.

فعالیت‌هایم آنقدر زیاد شده بود که فکر کردم شاید روزی در خطری جدی بی‌فتم که زندگی‌ام تهدید شود. به‌خاطر همین ترس که روزی به‌خاطر آن مجبور به ترک ایران شوم تصمیم گرفتم از طریق اینترنت دوستانی را در خارج از ایران پیدا کنم. یک روز که در اینترنت مشغول بودم با فردی در ترکیه آشنا شدم که خودش آذربایجانی بود. فرصت خوبی بود که با او وارد گفتگو و دوستی شوم و از اهداف و ایمان خودم به هدفم و رهایی ملت با او صحبت کنم.

این شخص مسیحی بود و با محبت و احترام با من ارتباط برقرار کرد و مرا به شناخت خدای حقیقی که خودش یافته بود دعوت نمود. من از دلزدگی‌ام از مذهب و مشکلاتی که در راه انسان گذاشته‌اند با او سخن گفتم. او همچنان با محبت تمام و با کمال ادب سخنان مرا می‌شنید و از خدایی صحبت می‌کرد که دوستدار انسان است و جان خود را برای رهایی بشر از شرارت و شیطان قربانی کرده است. او جنگ من با دیگر ملت‌ها را صحیح نمی‌دانست و آن را به دسیسه شیطان تشبیه می‌کرد که برای نابودی انسان‌ها و صلحی که در میان‌شان هست عمل می‌کند.

من مذهب را وسیله‌ای می‌دانستم برای استعمار ملت‌ها و افیونی که جامعه را در سکون و رخوت فرو می‌برد. به او می‌گفتم که خدایی را قبول ندارم و او را ساخته دست انسان می‌دانم که برای چپاول خلق شده و چنین خدایی به ضرر انسان‌ها عمل می‌کند.

سؤال‌هایی در مورد مذهب داشتم که مثلاً چرا خروج از دین حکم ارتداد دارد و کفر و مرگ در انتظار افرادی است که دین دیگری اختیار می‌کنند. آیا این شبیه گروه‌هایی چون مافیا و دیگر گروه‌های خلافکار نیست که افرادی را که قصد خروج از تشکیلات آنان را دارند از بین می‌برند؟

او از خدای کتاب‌مقدس که برای بشر انبیا را فرستاده صحبت کرد. او گفت که سرانجام همین خدا برای نجات ما یگانه فرزندش را قربانی کرد. همانطور که پشت کامپیوتر نشسته بودم بی‌اختیار حس کردم که نیرویی قلبم را به تپش انداخت و موجب سرازیر شدن اشک از چشمانم شد. گریه‌ام باعث می‌شد که کلمات را روی کامپیوترم اشتباه تایپ کنم.

از او عذرخواهی کردم و دلیلش را گفتم و او شکرگزاری کرد و گفت که از طرف خدایی که تو را دوست دارد لمس می‌شوی و اینک او حاضر است که گناهان تو را ببخشد و وارد حیات جاودان کند. او می‌گفت که همسرش هم در حال گریه است و برایت دعا می‌کند.

برای شناخت محبت

اینها را به من گفت و برایم یک سی دی سرود مسیحی فرستاد. آن را گوش کردم و آرامش گرفتم. این اولین بار بود که با چنین غم و اندوهی گریه می‌کردم. من حتی در مرگ پدرم چنین عمیق گریه نکرده بودم. روزهایی که پدرم در کما بود و پس از مدت کوتاهی فوت کرد را به یاد می‌آوردم، مادرم به من می‌گفت که گریه کنم و خود را خالی نمایم، ولی چون مغرور بودم از این کار سر باز می‌زدم. گریه برایم نشانه ضعف بود. ولی اشک‌هایی که در واکنش به صحبت با دوستم روی گونه‌هایم سرازیر شده بود برایم تازگی داشت، پر از آرامش و تسلی بود. دوستم گفت که یک نفر را می‌فرستد که برایم کتاب بیاورد. و هر سؤالی در باره مسیحیت دارم از او بپرسم.

این شخص سه روز بعد به من تلفن کرد و برایم یک جلد کتاب انجیل به زبان فارسی آورد. در این مدت باز افکار و اندیشه‌هایی به سراغم می‌آمد که این مسیحیان باند هستند که می‌خواهند مرا از مکتب و فکرم و موقعیت هویت طلبی‌ام بیرون بکشند و فریب دهند. شروع به مطرح نمودن سؤالات زیادی کردم که شما ارمنی هستید و اینکه جنگ‌هایی که توسط مسیحیان و بین کشورهای آنان اتفاق می‌افتد را چگونه توجیه می‌کنید. این شخص با همان محبت مسیحی به من گفت هیچ حکومت مسیحی وجود ندارد، خدا پادشاه دل‌هاست. دوستم خیلی خوب با صبر و حوصله به سؤالات من جواب می‌داد. دیگر نمی‌توانستم بیش از این مقاومت کنم. تصمیم گرفتم قلبم را به خدای محبت که صلح و دوستی را بین انسان‌ها می‌طلبد بسپارم. می‌دانستم که برای درک کردن کتابش زبان خاصی نمی‌خواهد و می‌توانستم به زبان خودم دعا کنم و کلام خدا را بخوانم. قانع شدم که او خدای حقیقی خالق بشریت است که می‌خواهد هویت الهی مرا که گم‌شده است و شیطان آن را از من دزدیده است به من باز گرداند. درک کردم که قوم من قوم خداوند است که بسیار تعدادش بیشتر از ۲ میلیارد نفر می‌باشد.

از اینکه نسبت به افراد بدبین بودم و کینه داشتم توبه کردم. هفت سال ورزش خشن رزمی از من انسانی خشک ساخته بود ولی اینک در مسیح کاملاً ملایم و نرم شده بودم و این تغییر من در بین خانواده‌ام بسیار به چشم می‌خورد و همه متوجه این تغییرات شده بودند.

از همان روز اول ایمان تصمیم گرفتم مشروب را ترک کنم. شش ماه بعد از ایمان وقتی در یک برنامه تلویزیونی مسیحی برای معتادان دعا می‌کردند، دانستم که وقتش است که اعتیادم به سیگار را کنار بگذارم. با دعا و اعتراف به ایمان که در مسیح قدرت هر چیز را دارم سیگارم را به برادرم و فندک را به همسرم دادم که در آشپزخانه از آن استفاده کند. زن برادرم خندید و گفت که خیلی‌ها دعا کرده‌اند ولی موفق نشده‌اند سیگارشان را ترک کنند، چون قدرت سیگار از مسیح بیشتر است. من نیز با خنده گفتم که خدا برکت‌تان دهد، من می‌دانم که امروز اینجا آزاد شدم. در آن روز واقعاً از سیگار آزاد شدم و تقریباً دو سال است که دیگر لب به آن نزده‌ام.

تغییرات زیادی در من اتفاق افتاد که همه از ثمرات ایمان به مسیح بود. مثلاً از جنگ‌های عصبی آزاد شدم، آرامش مسیحی وارد زندگی‌ام شد و به من قدرتی داده بود که از رفتار دیگران تأثیر نپذیرم.

همیشه فکر می‌کردم که باید با قوت و فکر خودم زندگی‌ام را بچرخانم و نگران آینده بودم. تمام این نگرانی‌های مربوط به زندگی از من جدا شد و دانستم که خدا روزی‌رسان است و این را به روش‌های زیادی به من ثابت کرده و امروز می‌دانم که زندگی‌ام در دستان او تضمین شده است.

به‌واسطه تغییراتی که در شخصیت من ایجاد شده بود خانواده‌ام نیز تحت تأثیر قرار گرفتند. مادرم که در حدود ۶۰ سال مسلمان بود ابتدا به مسیح خداوند ایمان آورد. چهار خواهر و یک برادرم نیز به مسیح ایمان آوردند. همسرم یک هفته بعد از من می‌گفت که دیگر نباید دنبال تشکیلات سیاسی بروم و

برای شناخت محبت

حقیقتاً خدای خود را پیروی نمایم. پس از چندی همسرم نیز صداقت ایمان واقعی من به مسیح را دید و او نیز خداوند عیسی را به قلب خود پذیرفت.

در این زندگی مسیحایی اینک با آرامش و سلامتی که خداوند به من بخشیده است زندگی می‌کنم. آرامش او را دارم و از زندگی جدیدی که به من بخشیده است لذت می‌برم. دعا می‌کنم که تمامی انسان‌ها حقیقت خدای محبت را بشناسند و از آزادی و محبتی که او برای انسان‌های گناهکار دارد آگاه شوند. تنها او خدای حقیقی است و هویت حقیقی من در اوست. ما ممکن است هر کدام به نژاد و قوم خاصی تعلق داشته باشیم ولی هویت حقیقی ما در اوست.

متن اعلامیه جهانی حقوق بشر

متن اعلامیه جهانی حقوق بشر



اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین‌المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده و شامل ۳۰ ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی‌ای را که تمامی انبای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده‌است.

دولت ایران در سال ۱۹۴۸ به اعلامیه جهانی حقوق بشر رأی مثبت داد و از آن زمان تا کنون با اذعان به این که بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر

برای شناخت محبت

فقط در صورتی حاصل می شود که شرایط تمتع هرکس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایجاد شود، و بر طبق منشور ملل متحد خود را ملزم به حمایت از و ترویج احترام جهانی و مؤثر رعایت حقوق و آزادی های بشر نمود.
همه آزاد و برابر بنیاد آمده اند

ماده 1- تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند . همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.
تبعیض قائل نشویم

ماده 2- هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز ، خصوصا از حیث نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، مذهب ، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت ، وضع اجتماعی ، ثروت ، ولادت یا هر موقعیت دیگر ، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است ، بهره مند گردد. به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی ، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد . گواه این کشور مستقل ، تحت قیمومیت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکل محدودی شده باشد .
حق حیات برای همه

ماده 3- هر کس حق زندگی ، آزادی و امنیت شخصی دارد .
برده داری ممنوع

ماده 4- احدی را نمی توان در بردگی نگه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.
شکنجه ممنوع

ماده 5- احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.
ارزش انسانی در همه جا

ماده 6- هر کس حق دارد که شخصیت حقوق او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود .
همه در برابر قانون مساوی هستند

ماده 7- همه در برابر قانون ، مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و باسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهره مند شوند .
رعایت حقوق انسانی توسط قانون

ماده 8- در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد ، هر کس حق رجوع به محاکم ملی صالحه دارد .
عدم توقیف، حبس یا تبعید غیر قانونی

ماده 9- احدی را نمی توان خود سرانه توقیف ، حبس یا تبعید نمود .
حق محاکمه قانونی برای همه

ماده 10- هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوتش به وسیله دادگاه مساوی و بی طرفی ، منصفانه و علنا رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشند، اتخاذ تصمیم بنماید.

برای شناخت محبت

همه متهمین بی گناهند مگر در دادگاه صالحه اثبات شود

ماده 11-الف- هر کس به بزه کاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع از او تامین شده باشد ، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

ب- هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب ، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است محکوم نخواهد شد . به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد.
عدم دخالت در احوال شخصی

ماده 12- احدی در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد . هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات ، مورد حمایت قانون قرار گیرد.
حق انتخاب محل اقامت

ماده 13-الف- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

ب- هر کی حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.
حق پناهندگی

ماده 14-الف- هر کس حق دارد در برابر تعقیب ، شکنجه و آزار ، پناهگاهی جسجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

ب- در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی و رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد ، نمی توان از این حق استفاده نمود.
حق انتخاب ملیت

ماده 15-الف- هر کس حق دارد ، که دارای تابعیت باشد.

ب- احدی را نمی توان خود سرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.
حق آزادی انتخاب همسر

ماده 16-الف- هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت یا مذهب با هم دیگر زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می باشند.

ب- ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود .

پ- خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.
حق مالکیت شخصی

ماده 17-الف- هر شخص ، منفرداً یا به طور اجتماعی حق مالکیت دارد.

ب- احدی را نمی توان خود سرانه از حق مالکیت محروم نمود .

حق آزادی عقیده

ماده 18- هر کس حق دارد که از آزادی فکر ، وجدان و مذهب بهره مند شود . این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است . هر کس می تواند از این حقوق یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی بر خوردار باشد.

حق آزادی بیان

برای شناخت محبت

ماده 19- هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن ، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

حق آزادی تجمع و تظاهرات

ماده 20 الف- هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد.

ب- هیچ کس را نمی توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

حق دموکراسی

ماده 21 الف- هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود ، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشد شرکت جوید.

ب- هر کس حق دارد با تساوی شرایط ، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید .

پ) اساس و منشأ قدرت حکومت ، اراده مردم است . این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری ، صورت پذیرد . انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه های نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید.

حق امنیت اجتماعی

ماده 22- هر کس به عنوان عضو اجتماع ، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین المللی ، حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

حق امنیت کار

ماده 23 الف- هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید ، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

ب- همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی ، اجرت مساوی دریافت نمایند .

پ- هر کس که کار میکند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق می شود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی، تکمیل نماید .

ت- هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند

حق استراحت و فراغت

ماده 24- هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری ، با اخذ حقوق، ذیحق می باشد.

حق خوراک و مسکن و مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی برای همه

ماده 25 الف- هر کس حق دارد که سطح زندگی او ، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری ، بیماری ، نقص اعضا ، بیوگی ، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان ، وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

ب- مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند . کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند ، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

برای شناخت محبت

حق تحصیل رایگان برای همه

ماده 26-الف- هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد تا همه، بنا به استعداد خود بتواند از آن بهره مند گردند.

ب- آموزش و پرورش باید به طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی های بشری را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

پ- پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

حق تکثیر (کپی رایت)

ماده 27-الف هر کس حق دارد در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد.

ب- هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود

حق دنیای زیبا و آزاد برای همه

ماده 28- هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماع و بین المللی، حقوق و آزادی هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده، تامین کند و آنها را به مورد عمل بگذارد.

حق مسئولیت نسبت به جامعه

ماده 29 -الف- هر کس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد آزاد کامل شخصیت او را میسر سازد.

ب- هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود، فقط تابع محدودیت هایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تامین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

پ- این حقوق و آزادی ها، در هیچ موردی نمی تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد

حقوق بشر قابل تغییر نیست

ماده 30- هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه، فعالیتی بنماید.



کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده

کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده

مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ / قطعنامه شماره ۳۹/۴۶
مجمع عمومی سازمان ملل متحد
قدرت اجرایی کنوانسیون، ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷
مقدمه مترجم:

برای شناخت محبت

شکنجه واژه ای است که همواره در تاریخ مدون بشریت از آن یاد شده است و آن به همراه تکامل تکنولوژی، در هر عصر و نسلی، به شیوه های گوناگون بکاربرده شده است. شکنجه دغدغه مهم فکری جامعه بشری امروز است. با وجود قوانین و مقرراتی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقهای بین المللی و قوانین مدنی که شکنجه را در هر شرایطی ممنوع اعلام کرده اند، اما همچنان داغ و درفش و آزار و اذیت در بسیاری از رژیمها از جمله رژیم جمهوری اسلامی برقرار است.

امروز برآستی سخن از نبود و یا کمبود قانون و مقررات در میان نیست، بلکه آنچه که ضرورت دارد و نیاز مبرم جامعه بشری است، همکاری و همیاری در این زمینه است تا بدینوسیله نه تنها از هر نوع اعمال شکنجه ممانعت بعمل آید بلکه آمران و عاملان آن تحت پیگردهای قانونی و بین المللی قرار گیرند.

بر این اساس کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ و طی قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده است. این کنوانسیون در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷ یعنی پس از اینکه بیست دولت مفاد آنرا در مراجع قانونگذاری خود به تصویب رساندند، قابلیت اجرایی پیدا کرد.

کنوانسیون شامل یک مقدمه و ۳۳ ماده در ۳ بخش تدوین شده است. این کنوانسیون بعد از آنکه شکنجه را تعریف نموده است، آثار حقوقی، صلاحیت و مسئولیت های دولتها، نحوه حل اختلاف، انصراف و تشکیل کمیته منع شکنجه و وظائف آنها را توضیح داده است.

بنابر آماري که سازمان ملل در تاریخ ۸ فوریه ۲۰۰۲ در مورد کلیه کشورهای عضو که ۱۲ سند مهم بین المللی این نهاد را امضاء کرده اند، آمده است که از مجموعه ۱۸۹ کشور عضو، ۱۲۸ کشور کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیر کننده را امضاء کرده اند. دولت جمهوری اسلامی کنوانسیون منع شکنجه را امضاء نکرده است. ن.نوریزاده - ۱۰ بهمن ۸۱

کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده

مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ / قطعنامه شماره ۳۹/۴۶

مجمع عمومی سازمان ملل متحد

قدرت اجرایی کنوانسیون، ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ کشورهای طرف این کنوانسیون (میثاق)

- با توجه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد که شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال تمام اعضاء خانواده بشری را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان اعلام داشته است.

- با توجه به اینکه حقوق مذکور از شان و منزلت ذاتی انسان سرچشمه گرفته است.

- با توجه به تعهدات دولتهای امضاء کننده منشور، بویژه ماده ۵۵ آن که اعتلای رعایت و حرمت حقوق بشر و آزادیهای اساسی را متذکر میشود.

- با در نظر گرفتن ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده هفتم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر داشته است: هیچکس را نمیتوان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات و رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی قرار داد که سلب کننده حقوق مدنی و اجتماعی فرد است.

- با توجه به اعلامیه مجمع عمومی ۹ دسامبر ۱۹۷۵ مبنی بر حمایت انسانی که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه غیر انسانی و رفتارهایی که باعث سلب حقوق مدنی و اجتماعی آنها میشود.

- با آرزو و تلاش و تاثیر گذاري بیشتر عليه شکنجه و ديگر اعمال وحشيانه و غير انساني و مجازات و رفتارهایی که حقوق انسانها را در سراسر جهان به مخاطره می اندازد.

ما امضاء کنندگان این کنوانسیون، اصول زیر را می پذیریم:

برای شناخت محبت

قسمت اول

ماده اول

۱- از نظر این کنوانسیون شکنجه چنین تعریف می گردد:

هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال میشود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامیکه وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر، انجام گیرد شکنجه تلقی میشود. درد و رنجی که بطور ذاتی یا به طور تبعی لازم مجازات قانونی است، شامل (این کنوانسیون) نمیشود.

۲- این ماده خللی نسبت به اسناد بین المللی و یا (مصوبات) قوانین داخلی کشورها که مفهوم وسیعتری برای شکنجه در نظر گرفته اند، وارد نمیکند. {باید بر اساس همان مفهوم وسیعی که آن سند بین المللی و یا قانون داخلی در نظر گرفته است، عمل نمود}.

ماده دوم

۱- هر دولت عضو این کنوانسیون، موظف است اقدامات لازم و موثر قانونی اجرائی، قضائی و دیگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومتی خود، بعمل آورد.

۲- هیچ وضعیت استثنائی کشوری، مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و یا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی باشد.

۳- دستور و حکم مقام مافوق (حکومتی) و یا مرجع دولتی، نمی تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.

ماده سوم

۱- هیچ دولت عضوی فردی را که جانس در خطر است و مورد شکنجه واقع خواهد شد را به دولتی که زمینه واقعی (چنین اعمالی را) دارد مسترد نخواهد کرد.

۲- به منظور پایان دادن به ایجاد زمینه عمل شکنجه، مراجع شایسته و صلاحیت داری باید در نظر گرفت (تا بتوان بدین وسیله) دولتی که وجود نمونه های فاحش و آشکار و عملی شکنجه و نقض مداوم حقوق بشر در آن مشاهده میشود را بررسی کنند.

ماده چهارم

۱- هر دولت عضوی مراقب و مطمئن خواهد شد که تمام انواع شکنجه تحت قوانین جنائی، جرم محسوب گردد و برای کسی که مبادرت به انجام شکنجه میکند و یا کسی که در انجام این عمل با او مشارکت و همکاری می نماید، جرم شناخته شود

۲- هر دولت عضوی برای این جرائم و با در نظر گرفتن نوع و اهمیت آنها، کیفری مناسب تعیین خواهد کرد.

ماده پنجم

۱- هر دولت عضوی، اقدامات لازم و ضروری و اختیارات قانونی برای جرمهایی که راجع به ماده چهارم است را (در دستگاه قضائی) خود به قرار زیر انجام خواهد داد:

الف: هنگامیکه جرمی در قلمرو قضائی و یا مرز دریایی و هوائی شناخته شده (آن کشور)، انجام گرفته است.

ب: هنگامیکه متهم شهروند آن کشور باشد.

ج: هنگامیکه قربانی (شکنجه) شهروند آن کشور باشد و آن دولت آنرا تأیید نماید.

برای شناخت محبت

۲- هر دولت عضوی همچنين، اقدامات لازم را در جهت کسب اختیارات قانونی در نظام قضائی خود، بعمل خواهد آورد. این اقدامات در مواردی است که جرمهائی در قلمرو قضائی آن کشور صورت گرفته است و فرد متهم به کشور متبوعش تسلیم نشده است. طبق ماده هشتم بند اول، متهم به دولتهائی که نامشان ذکر شده است مسترد خواهد شد.

۳- این کنوانسیون از جرائم جنائی که در ارتباط با قوانین داخلی است مستثنی نمیشود.
ماده ششم

۱- هر دولت عضوی فرد متهمی را که جرمی مطابق ماده ۴ (این کنوانسیون) مرتکب شده است، بازداشت خواهد نمود و یا اقدامات دیگری جهت اطمینان از حضور متهم بعمل خواهد آورد. (این دولت) برای اطمینان از وضعیت متهم، اطلاعات موجود و قابل استفاده را مورد بررسی قرار خواهد داد و سپس حکم بازداشت و یا هر اقدام دیگری را مطابق قوانین خود انجام خواهد داد. این بازداشت متهم بر حسب ضرورت، ممکن است برای مدتی ادامه داشته باشد تا روند جرم و استرداد مجرم، طی گردد.

۲- دولت (مذکور) مقدمات تحقیق و رسیدگی (پرونده متهم) را فراهم خواهد کرد.

۳- فردی که در بازداشت بسر میبرد، حق خواهد داشت که طبق بند ۱ این ماده، بیدرنگ با نزدیکترین نمایندگی دولت متبوعش تماس حاصل نماید. اگر فرد بازداشتی تابعیتی نداشته باشد، او حق خواهد داشت که با نمایندگی کشوری که او در آنجا معمولاً اقامت داشته است، تماس گیرد.

۴- هنگامیکه دولتی فردی را طبق این ماده بازداشت میکند، مراتب امر را به دولتهائی که در ماده ۵ بند ۱ به آنها اشاره شده است، بیدرنگ اطلاع خواهد داد و شرایط و موقعیت بازداشتی فرد متهم را بازگو خواهد نمود.

ماده هفتم

۱- دولت عضوی که تحت قلمرو قضائی خود، فرد متهم در مطابقت با ماده ۴ مرتکب جرمی شده است، با در نظر گرفتن ماده ۵ عمل خواهد نمود. اگر (آن دولت) فرد متهم را به (دولت متبوعش) مسترد ننماید، میباید پرونده متهم را به مراجع صلاحیت دار و شایسته بمنظور تعقیب قضائی واگذار نماید.

۲- مراجع (صلاحیت دار) مذکور، مانند هر جرم عادی و در یک جریان طبیعی و جدی، تحت قوانین دولتی، نظر و تصمیم خود را خواهند گرفت. مدارک قانونی و معتبر بنا به ماده ۵ بند ۲ برای پیگرد و تعقیب قانونی و محکومیت ضروری است. این مدارک در تطابق با ماده ۵ بند ۱ می بایست مستدل و محکم باشد، بطوریکه تعقیب قضائی را قابل اجرا گرداند.

۳- هر فردی با توجه به اقامه دعوی جرمی که علیه او و در ارتباط با ماده ۴ صورت گرفته است، میبایست در تمام مراحل قضائی رفتاری مناسب با او تضمین گردد.

ماده هشتم

۱- دولتهای عضو جرائم مربوط به ماده چهار که شامل استرداد مجرمین به کشور متبوعشان است و یا هر نوع اخراج و استرداد که آنها بوسیله قراردادهای دوجانبه پذیرفته اند، تضمین خواهند کرد.

۲- اگر دولت عضوی در خواست استرداد (متهمی) را از دولت عضو دیگر که معاهده ای را برای استرداد با این دولت امضاء نکرده است، دریافت دارد، این کنوانسیون بمثابه معاهده ای قانونی برای استرداد مجرمین بشمار می رود.

برای شناخت محبت

۳- دولتهای عضو که شرط استرداد را بنابر معاهده ای نپذیرفته اند، جرائم (مربوط به شکنجه) را بمثابه جرائم قابل استرداد در قراردادهای دوجانبه ملحوظ خواهند داشت و آنرا (جرم شکنجه) همانند یک جرم قابل استرداد و قانونی از دولت عضو خواستار میشوند.

۴- این نوع جرائم (شکنجه) با هدف استرداد ضرورت دارد که بوسیله قرارداد دوجانبه ای بین کشورهای عضو، انجام گردد. چنانکه قرارداد دوجانبه ای بین (آنها) امضاء شده است، لازم است بنابه ماده ۵ بند ۱ و بر اساس اختیارات قضائی دولتها، نه فقط برای مکانی که جرم در آن بوقوع پیوسته است، باشد، بلکه شامل قلمرو دولتها نیز گردد.

ماده نهم

۱- دولتهای عضو در فراهم کردن امکاناتی که در ارتباط با روند پیگیری جرائم و مجرمینی که مشمول ماده چهار می باشند، اقدامات لازم را بعمل خواهند آورد و نیز یکدیگر را با ارائه شواهد و اسنادی که در اختیار دارند جهت پیگیری روند جرائم یاری خواهند رساند.

۲- دولتهای عضو، تعهدات خویش را بنابر بند ۱ این ماده مبني بر مساعدت های قضائی متقابل در بین خود عمل خواهند کرد.

ماده دهم

۱- هر دولت عضو با توجه به ممنوعیت شکنجه به مجریان قانون، نیروهای انتظامی (مدنی) و نظامی، کارکنان خدمات پزشکی، کارمندان و دیگر افرادی که به نحوی در بازداشت، بازجویی و بازرسی (افراد دخالت دارند) و نیز هر رفتاری که موجب دستگیری، بازداشت و زندانی افراد میشود، آموزشها و اطلاعات لازم را به آنها بدهند و مطمئن شوند که آنها از این آموزشها و اطلاعات برخوردار خواهند شد.

۲- هر دولت عضو در قوانین و دستورات به فراخور وظائف و مسئولیتهای افراد، ممنوعیت شکنجه را ملحوظ خواهد کرد.

ماده یازدهم

هر دولت عضو موظف است بطور مرتب و منظم قواعد و روشهای مربوط به بازجویی (بازپرسی) و ترتیبات راجع به نگهداری افراد را (در بازداشتگاهها) انجام دهد. این بازنگری و مراقبت شامل هر نوع دستگیری، زندان و در هر قلمروی که حوزه قضائی آن دولت است با در نظر گرفتن اصل ممنوعیت شکنجه میباشد.

ماده دوازدهم

هر دولت عضو موظف است ترتیب اطمینان بخشی بدهد تا اگر قراین معقولي بر انجام عمل شکنجه در مکان و یا در قلمرو قضائی آن دولت وجود داشت، مقامات صلاحیت دار بیدرنگ و بیطرفانه به آنها رسیدگی نمایند.

ماده سیزدهم

هر دولت عضو موظف است حق شکایت فردی را که عنوان میکند او در قلمرو قضائی آن دولت مورد شکنجه قرار گرفته است را محفوظ بدارد و شکایت او را بیدرنگ و بیطرفانه به مقامات صلاحیت دار جهت رسیدگی ارجاع دهد و نیز مطمئن گردد که شکایت کننده و شاهدان از تهدید هائی که نتیجه عمل آنهاست در امان خواهند بود.

ماده چهاردهم

برای شناخت محبت

۱- هر دولت عضوی موظف است از طریق نظام قانونی خود ترتیب اطمینان بخشی بدهد که قربانی شکنجه حق گرفتن خسارت و جبران غرامت مناسب (عادلانه) و کافی داشته باشد. این جبران شامل اعاده وضع اولیه قربانی شکنجه تا حد امکان نیز هست. هر گاه فردی بر اثر شکنجه بمیرد، جبران خسارات شامل بستگان او میگردد.

۲- هیچ موردی از اجرای این ماده مبنی بر اعاده حقوق قربانی شکنجه و افراد دیگری که بنا بر قوانین کشوری غرامت به آنها تعلق میگیرد، جلوگیری نخواهد کرد.
ماده پانزدهم

هر دولت عضوی موظف است به نحوی اطمینان حاصل نماید که اقرار در اثر شکنجه به هیچ وجه مدرک محسوب نخواهد شد و نمی توان آن مدارک را به جز در مورد شخص شکنجه گر و در جهت پیگرد او به لحاظ ارتکاب جرم، مورد استناد قرار داد.
ماده شانزدهم

۱- هر دولت عضوی متعهد است که در قلمرو قضائی خود اعمال وحشیانه، غیر انسانی و رفتارهای تحقیرکننده و مجازات هائی را که مشمول تعریف شکنجه و ماده یک این کنوانسیون نیست و این اعمال به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام میگیرد، جلوگیری بعمل آورد. این تعهدات بویژه، تعهداتی است که در مواد ۱۳- ۱۲- ۱۱ و ۱۰ مبنی بر تعویض و جایگزینی افرادی که در عمل شکنجه و یا دیگر اعمال وحشیانه غیر انسانی و رفتارهای تحقیرآمیز و مجازاتهای خشن آمده است.

۲- مقررات این کنوانسیون نسبت به مقررات، اسناد بین المللی و قوانین ملی که اعمال وحشیانه و غیر انسانی و رفتارهای تحقیرآمیز که مربوط به استرداد یا اخراج میباشد و ممنوع اعلام کرده اند، خللی وارد نخواهد کرد.

قسمت دوم

ماده هفدهم

۱- یک کمیته ضد شکنجه تاسیس خواهد شد (از این پس در این کنوانسیون کمیته نامیده میشود) و وظائفی که در مواد بعدی به آنها اشاره خواهد شد را عهده دار است. این کمیته از ۱۰ کارشناس عالیرتبه که برخوردار از صلاحیت اخلاقی و شایستگی در زمینه حقوق بشر می باشند، تشکیل خواهد شد. آنها با صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه می نمایند (نه به عنوان نماینده دولت متبوع خویش) همچنین این کارشناسان بوسیله دولتهای عضو و با رعایت تقسیمات عادلانه جغرافیائی و نیز همکاریهای سودمندانه و تجربیات حقوقی آنها انتخاب خواهند شد.

۲- اعضاء کمیته بوسیله رای مخفی و از فهرست نامزدهائی که دولتهای عضو تعیین کرده اند، انتخاب میگردند. دولتهای عضو در نظر خواهند داشت که افراد سودمند و کسانی از اعضاء کمیته حقوق بشر تحت نظارت پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز افرادی که مایل به خدمت در کمیته ضد شکنجه باشند را نامزد نمایند.

۳- انتخابات اعضاء کمیته با دعوت به گردهمائی دبیر کل سازمان ملل متحد از دولتهای عضو و در هر دو سال یکبار انجام خواهد گرفت. حد نصاب در این گردهمائی، شرکت دوسوم کشورهای عضو می باشد. افرادی که حائز اکثریت آراء از طرف نمایندگان حاضر دولتهای عضو باشند انتخاب خواهند شد.

برای شناخت محبت

۴- اولین انتخابات نباید بیشتر از ۶ ماه پس از لازم الاجرا شدن این کنوانسیون به درازا بکشد. برای انتخابات حداقل ۴ ماه پیش از تاریخ انجام آن، دبیر کل سازمان ملل متحد، از دولتهای عضو، بوسیله نامه دعوت خواهد نمود که نامزدهای خود را برای عضویت در کمیته ظرف ۳ ماه معرفی کنند. دبیر کل سازمان ملل فهرستی بترتیب حروف الفباء از افرادی که نامزد شده اند با ذکر کشورهایی که آنان را معرفی کرده اند، تهیه و به دولتهای عضو ارسال خواهد داشت.

۵- اعضاء کمیته برای مدت ۴ سال انتخاب میشوند و در صورتی که مجددا نامزد شوند، تجدید انتخاب آنها مجاز خواهد بود. لیکن مدت زمان پنج عضو کمیته منتخب در اولین انتخابات در پایان ۲ سال منقضی میشود. نام این ۵ عضو پس از اولین دوره انتخابات با قید قرعه و بوسیله رئیس جلسه مذکور، بنا بر بند ۳ این ماده معین میگردد.

۶- اگر عضوی از اعضاء کمیته فوت کند و یا استعفا دهد و یا به هر دلیل دیگری نتواند انجام وظیفه کند، دولت عضوی که این فرد را نامزد کرده بود، شخص کارشناس دیگری که تبعه آن کشور باشد را جهت جایگزینی و خدمت تعیین میکند و تصویب او را با اکثریت آراء از دولتهای عضو خواستار میگردد. دولتهای عضو تصویب (عضو جدید) را مورد بررسی قرار خواهند داد، اگر نصف یا بیشتر آنها رای منفی به این تصویب دهند، مراتب امر به اطلاع دبیر کل سازمان ملل خواهد رسید تا در خلال ۶ هفته فرد دیگری معرفی و تعیین گردد.

۷- دولتهای عضو، مسئولیت هزینه های اعضاء کمیته را در هنگام انجام وظیفه متقبل خواهند شد. (اصلاحیه - به تصمیم عمومی ۴۷/۱۱۱، ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ شرایط تصویب رجوع شود) ماده هیجدهم

۱- کمیته، هیات رئیسه خود را برای مدت ۲ سال انتخاب خواهد کرد، آنها می توانند مجددا انتخاب شوند.

۲- کمیته آئین نامه داخلی را خود تنظیم میکند. مقررات این آئین نامه به قرار زیر خواهد بود:
الف- حد نصاب رسمیت جلسات حضور ۶ عضو است.

ب- تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر اتخاذ میگردد.

۳- دبیر کل سازمان ملل متحد، کارمندان و امکانات لازم و مورد احتیاج را جهت اجرای موثر وظائفی که کمیته بموجب این کنوانسیون بعهده دارد، در اختیار کمیته خواهد گذاشت.

۴- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضای کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه دعوت میکند. پس از آن، کمیته در اوقاتی که در آئین نامه داخلی آن پیش بینی شده است، تشکیل جلسه خواهد داد.

۵- دولتهای عضو مسئولیت (پرداخت) هزینه هایی که در ارتباط با گردهمایی های دولتهای عضو کمیته و هزینه هایی که بوسیله سازمان ملل در این مورد پرداخت میشود، مانند هزینه کارمندان و تهیه امکانات بنابر بند ۳ این ماده را بعهده خواهند داشت.

(اصلاحیه - به تصمیم مجمع عمومی ۴۷/۱۱۱، ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲، شرایط تصویب رجوع شود) ماده نوزدهم

۱- دولتهای عضو بواسطه دبیر کل سازمان ملل، اقداماتی که در جهت اجرای تعهداتشان طبق این کنوانسیون انجام داده اند را به کمیته تقدیم مینمایند. (نخستین گزارش) یکسال پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون برای دولت عضو باید به کمیته ارائه گردد و از آن پس دولتهای عضو گزارشات تکمیلی و اقدامات جدید خود در این زمینه را هر چهار سال یکبار تقدیم میدارند.

۲- دبیر کل سازمان ملل این گزارشات را به دولتهای عضو ارسال خواهد داشت.

برای شناخت محبت

۳- هر گزارشی مورد بررسی و رسیدگی کمیته قرار خواهد گرفت و کمیته نظرات و پیشنهادات عمومی خود را نسبت به گزارش به دولتهای مربوط اعلام میدارد. دولت عضو مزبور میتواند پاسخها و نظرات خود را به کمیته اعلام نماید.

۴- کمیته بنابر صلاحدید خود ممکن است نظرات و پیشنهاداتی که در ارتباط با بند ۳ این ماده و مربوط به دولت عضو مذکور است و ملاحظات خود و نظر دولتها را در گزارش سالانه خود و بر طبق ماده ۲۴ به مجمع عمومی ارائه دهد.

اگر دولت عضو مزبور در خواست یک رونوشت از این گزارش را نماید، کمیته طبق بند ۱ این ماده این درخواست را اجابت می نماید.

ماده بیستم

۱- اگر کمیته اطلاعات موثق و قابل اعتمادی دریافت نماید که بوضوح نشان دهد در قلمرو یکی از دولتهای عضو به طور منظم شکنجه وجود دارد، کمیته دولت مربوط را دعوت میکند که برای رسیدگی و بررسی این موضوع همکاری نماید و در پایان نظرات خود را با توجه بر اطلاعات مزبور، ارائه خواهد داد.

۲- با توجه به نظراتی که دولت عضو ممکن است به کمیته ارائه دهد و نیز اطلاعات قابل استناد دیگر که کمیته را به معتبر بودن این اطلاعات متقاعد کرده است، کمیته ممکن است یک یا چند عضو خود را برای رسیدگی و تحقیق بطور محرمانه مامور کند تا بی درنگ گزارشی برای کمیته تهیه نمایند.

۳- با انجام این تحقیقات، بنابر بند ۲ این ماده، کمیته از دولت عضو مربوط خواهد خواست که در این مورد همکاری نماید. با توجه به تحقیقات انجام شده و توافق با دولت عضو ذیربط، بازدید (و مسافرت) از قلمرو آن دولت بعمل خواهد آمد.

۴- کمیته بعد از رسیدگی و تشخیص نظرات عضو و یا اعضاء و با توجه به بند ۲ این ماده، نظرات و تشخیص آنها را همراه با پیشنهادات و ارزیابی خود و با در نظر گرفتن موقعیت به دولت عضو مربوط، منتقل خواهد کرد.

۵- تمام مراحل (تحقیق و بررسی) که از طرف کمیته انجام میگردد، بنابر بند ۱ تا ۴ این ماده، محرمانه خواهد بود. همچنین در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی، دولت عضو ذیربط به همکاری خواسته میشود. پس از تکمیل روند تحقیقات و با توجه به بند ۲، کمیته با مشورت دولت عضو مربوط، ممکن است تصمیم بگیرد که خلاصه ای از نتایج تحقیقات را با توجه به ماده ۲۴، در گزارش سالانه خود (به مجمع عمومی) منعکس نماید.

ماده بیست و یکم

۱- هر دولت عضو این کنوانسیون، بموجب این ماده هر زمان اعلام نماید که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایات دائر بر ادعای هر دولت عضو که دولت عضو دیگر کنوانسیون تعهدات خود را طبق مواد این میثاق انجام نمی دهد، برسمیت بشناسد. بموجب اقدامات عملی که در این ماده قرار دارد، شکایاتی قابل دریافت و رسیدگی خواهد بود که توسط دولت عضو صلاحیت کمیته را نسبت به خود شناسائی و اعلام کند. هیچ شکایتی مربوط به یک دولت عضو این کنوانسیون که چنین اعلامی نکرده باشد بنابر این ماده از طرف کمیته پذیرفته نخواهد شد. نسبت به شکایات که بموجب این ماده دریافت میشود، بترتیب زیر اقدام خواهد شد:

الف - اگر یک دولت عضوی تشخیص دهد که دولت عضو دیگری به مقررات این کنوانسیون ترتیب اثر نمی دهد، میتواند بوسیله نامه، توجه آن دولت عضو را جهت رسیدگی بموضوع جلب کند. در

برای شناخت محبت

ظرف ۳ ماه پس از دریافت اطلاعیه، دولت دریافت کننده، توضیح یا هر گونه اظهار کتبی دیگر دائر بر روشن کردن موضوع را در اختیار دولت فرستنده اطلاعیه خواهد گذارد. توضیحات و اظهارات مزبور تا حد امکان شامل اطلاعاتی در مورد آئین دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور و آنچه که برای بهبودی آن بعمل آمده یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل اصلاح است، خواهد بود.

ب - اگر موضوعات به ترتیبی باشد که رضایت هر دو دولت عضو پس از دریافت اولین اطلاعیه و در ظرف ۶ ماه جلب ننماید، هر یک از طرفین حق خواهد داشت با ارسال خطاریه ای به کمیته و به دولت مقابل، موضوع را پیگیری نماید.

ج - کمیته با توجه به این ماده فقط پس از اینکه برایش محقق شد که اقدامات چاره جویانه و قابل اصلاح طبق قوانین داخلی دو کشور، به نتیجه ای نرسیده است و دو دولت از حل موضوع بر طبق اصول متفق حقوق بین المللی عاجز می باشند، آنگاه بموضوع مرجوعه رسیدگی خواهد کرد. این قاعده در مواردی که رسیدگی به شکایات بنحوی از راههای قانونی غیر معقول و طولانی باشد و یا کمک موثر به فردی که طبق این میثاق قربانی خسونت محسوب میشود، غیر محتمل و بعید بنظر رسد، اجرا نخواهد شد.

د - کمیته در مواقع رسیدگی به شکایت های دریافتی، بنابر این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

ه - با رعایت مقررات بند (ج)، کمیته بمنظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف و بر اساس احترام به تعهداتی که در این کنوانسیون ارائه شده است، کمکهایی قابل اجرای خود را در اختیار دولتهای عضو مربوط خواهد گذارد. بدین منظور، در زمان مقتضی، کمیته یک کمیسیون حل اختلاف تخصصی تعیین خواهد کرد.

و - کمیته بنا بر این ماده، در کلیه اموری که به آن ارجاع شود میتواند از دولتهای طرف اختلاف موضوع زیر بند (ب) هر گونه اطلاعات مربوط را خواستار گردد.

ز - دولتهای عضو مربوط موضوع زیر بند (ب) حق خواهند داشت هنگام رسیدگی بموضوع در کمیته، نماینده ای داشته باشند و ملاحظات خود را بطور شفاهی و یا کتبی اظهار دارند.

ح - کمیته موظف است در مدت ۱۲ ماه پس از تاریخ دریافت خطاریه بنا به زیر بند (ب) گزارش بدهد:

۱) اگر راه حلی بنا به مقررات زیر بند (ه) حاصل شده باشد، کمیته گزارش خود را به یک خلاصه گزارش منحصر خواهد کرد.

۲) (اگر راه حلی بنابر مقررات زیر بند (ه) حاصل نشود کمیته در گزارش خود بشرح قضایا مختصرا اکتفا خواهد کرد. (همچنین) متن صورت مجلس ملاحظات کتبی و شفاهی دولتهای عضو، ضمیمه گزارش خواهد شد. در هر مورد، گزارشی به دولتهای عضو مربوط ابلاغ خواهد شد.

۲ - مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج دولت عضو کنوانسیون، بنا بر بند ۱ این ماده اعلامیه های پیش بینی شده را داده باشند. اعلامیه های مذکور نزد دبیر کل سازمان ملل سپرده خواهد شد و رونوشت آن برای سایر کشورهای عضو کنوانسیون ارسال خواهد شد. اعلامیه ممکن است در هر زمان بوسیله خطاریه دبیر کل سازمان ملل بازپس گرفته شود. این استرداد به رسیدگی مسئله، موضوع یک شکایت که قبلا بموجب این ماده ارسال شده باشد، خللی وارد نمیکند.

برای شناخت محبت

هیچ شکایت دیگری پس از دریافت اختاریه استرداد اعلامیه به دبیر کل پذیرفته نمی شود مگر آنکه دولت عضو مربوط اعلامیه جدیدی داده باشد.

ماده بیست و دوم

۱- یک دولت عضو این کنوانسیون می تواند بموجب این ماده در هر زمان صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایات افرادی که مدعی قربانی خشونت توسط یک دولت عضو این میثاق هستند، به رسمیت شناسد و آنرا اعلام دارد. هیچ شکایتی از دولت عضوی که چنین اعلامی نسبت به آن صورت نگرفته است از جانب کمیته قابل پذیرش نخواهد بود.

۲- کمیته شکایات بدون نام و یا ناسازگار با مقررات کنوانسیون را بنا بر این ماده و یا شکایاتی که در مقام سوء استفاده از این حق مطرح شده است را نخواهد پذیرفت.

۳- با رعایت مقررات بند ۲، کمیته بنا بر این ماده ضمن رسیدگی کردن به شکایات دولت عضوی که متهم به تخلف از مفاد این کنوانسیون است، توجه آنرا نیز طبق بند ۱ به این شکایات جلب میکند. در ظرف ۶ ماه پس از وصول شکایات دولت متهم به تخلف، توضیحات کتبی و اظهاراتی مبنی بر روشن نمودن موضوع و یا بهبودهایی که توسط آن کشور انجام گرفته است را به کمیته ارائه خواهد داد.

۴- کمیته شکایات را بنا بر این ماده و طبق اطلاعات روشن موجود که به نیابت فرد یا بوسیله عضو مربوط دریافت میکند، مورد بررسی و رسیدگی قرار خواهد داد.

۵- کمیته به شکایاتی که از طرف فرد و بنا بر این ماده دریافت میکند، مورد رسیدگی قرار نخواهد داد مگر اینکه برای کمیته محقق شود که:

الف - موضوع شکایت در ارگانهای بین المللی دیگر مطرح و مورد رسیدگی قرار نگرفته است.

ب - فرد (شکایت کننده) از تمام اقدامات چاره جویانه در مراجع ذیصلاح داخلی نتیجه ای نگرفته است. همچنین در مواردی که طی طریق شکایت بنحو غیر معقول طولانی گشته است و با کمک موثر بر فردی که طبق این میثاق قربانی خشونت شناخته میشود، غیر محتمل و بعید بنظر رسد.

۶- کمیته در مواقع رسیدگی به شکایات دریافتی، بنا بر این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

۷- کمیته نظرات خود را به دولت عضو مربوط و فرد (شکایت کننده) منعکس خواهد نمود.

۸- مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج دولت عضو کنوانسیون اعلامیه های پیش بینی شده در بند اول این ماده را داده باشند. اعلامیه های مذکور توسط دولت عضو، نزد دبیر کل سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد. دبیر کل سازمان ملل، رونوشت آنرا برای سایر دولتهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است در هر زمان، بوسیله اختاریه به دبیر کل مسترد گردد، این استرداد به رسیدگی هر مسئله، موضوع شکایتی که قبلا بموجب این ماده ارسال شده بود، خللی وارد نمی کند.

ماده بیست و سوم

اعضاء کمیته و کمیسیونهای مشاورین متخصص که بنا به ماده ۲۱ بند ۱ (ه) انتصاب میشوند، سزاوار برخورداري از امتیازات و مصونیتهایی در مأموریت های سازمان ملل، خواهند بود. این موارد در قسمتهای مربوط به کنوانسیون و بر اساس امتیازات و مصونیتهای سازمان ملل قرار خواهد گرفت.

ماده بیست و چهارم

کمیته بموجب این کنوانسیون، فعالیتهای خود را در یک گزارش سالانه تقدیم دولتهای عضو و مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواهد نمود.

قسمت سوم

برای شناخت محبت

ماده بیست و پنجم

۱- این کنوانسیون برای امضاء تمام دولتها مفتوح است.
۲- این کنوانسیون موکول به تصویب دولتها است {اصطلاح "تصویب" در پیمان نامه ها و پروتکل های بین المللی، به این معنا است که تصویب باید طبق قانون اساسی و یا مراجع صلاحیت دار مثل مجلس شورا و در داخل کشور، انجام شود}
اسناد تصویب ها یا الحاق، نزد دبیر کل سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد.
ماده بیست و ششم

این کنوانسیون برای الحاق تمام کشورها به آن مفتوح خواهد بود. الحاق دولتها بوسیله سند الحاق که نزد دبیر کل سازمان ملل سپرده خواهد شد، صورت میگیرد.
ماده بیست و هفتم

۱- این کنوانسیون ۳۰ روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.
۲- برای هر دولتی که پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق، این کنوانسیون را تصویب کند و به آن بپیوندد، کنوانسیون ۳۰ روز بعد از تاریخ سپرده شدن سند تصویب یا الحاق آن دولت، قدرت اجرایی (برای آن دولت) پیدا خواهد کرد.
ماده بیست و هشتم

۱- هر دولتی ممکن است در زمان امضاء یا تصویب این کنوانسیون یا الحاق، اعلام دارد که صلاحیت کمیته را برای (وظائفی که) در ماده ۲۰ ارائه شده است، به رسمیت نمی شناسد.
۲- هر دولت عضوی که شرط و حق محفوظی را در ارتباط با بند ۱ این ماده قائل شده است، در هر زمان میتواند آنرا بوسیله نوشتن یادداشت به دبیر کل سازمان ملل متحد، استرداد کند.
ماده بیست و نهم

۱- هر دولت عضو این کنوانسیون میتواند اصلاحیه ای به آن، پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل بسپارد. دبیر کل هر طرح اصلاحی پیشنهادی را برای دولتهای عضو این میثاق ارسال خواهد داشت و از آنها درخواست خواهد کرد که به او اعلام دارند آیا با تشکیل کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور رسیدگی و گرفتن رای در باره طرحهای پیشنهادی موافق هستند؟ در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو خواهان تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل کنفرانس را تحت نظر و توجهات سازمان ملل تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت دولتهای حاضر عضو و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، بوسیله دبیر کل به تمام کشورهای عضو برای پذیرفتن، ارسال خواهد شد.

۲- اصلاحیه پذیرفته شده با توجه به بند ۱ این ماده، هنگامی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که دو سوم دولتهای عضو این کنوانسیون، به دبیر کل سازمان ملل متحد اطلاع دهند که آنها بر طبق قانون اساسی خودشان آنرا پذیرفته اند.

۳- وقتی مفاد اصلاحی قدرت اجرایی پیدا کردند، برای دولتهای عضو که آنرا پذیرفته اند، لازم الاجرا میگردد. دیگر کشورهای عضو به مقررات این کنوانسیون و هر گونه اصلاحاتی که پذیرفته اند، ملزم خواهند شد.

ماده سیام

برای شناخت محبت

۱- هر مشاجره و اختلافی که بین دو دولت عضو و یا بیشتر در مورد تفسیر یا کاربرد این کنوانسیون بوجود آید و آنها نتوانند این اختلاف را طی مذاکرات بین خود حل نمایند، با درخواست یکی از آنها این اختلاف به (هیئت) داور و حکمیت واگذار خواهد شد. اگر پس از ۶ ماه یعنی از زمانیکه درخواست به هیئت واگذار شده است، دولتها قادر به پذیرفتن رای هیئت حکمیت نیستند، هر کدام از طرفین موضوع میتوانند این اختلاف را به دادگاه دادگستری بین المللی ارجاع دهند.

۲- هر دولتی میتواند در زمان امضاء این کنوانسیون یا الحاق آن اعلام دارد که خود را موظف به اجرای بند ۱ این ماده نمی داند. دولتهای عضو دیگر با احترام به هر کشوری که این حق و شرط را برای خود محفوظ داشته اند، خود را موظف به اجرای بند ۱ این ماده، در مورد آن کشور نمی دانند.

۳- هر دولت عضوی که شرط و حق محفوظی را در ارتباط با بند ۲ این ماده قائل شده است، در هر زمان می تواند آنرا بوسیله یادداشت به دبیر کل سازمان ملل متحد، مسترد کند.
ماده سی و یکم

۱- یک دولت عضو میتواند در هر زمان این کنوانسیون را از طریق یادداشت کتبی به دبیر کل سازمان ملل، فسخ نماید و خروج خود را از این کنوانسیون (که در واقع عدم تعهد خود به آن است) را اعلام دارد. یکسال پس از دریافت این یادداشت به دبیر کل انصراف و خروج قطعی و لازم الاجرا خواهد شد.

۲- این فسخ و انصراف، تأثیری بر تعهدات دولت عضو نسبت به اعمالی که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن خروج انجام داده است، نخواهد داشت و مانع ادامه رسیدگی کمیته که قبل از آن تاریخ شروع شده، نمی شود.

۳- پس از تاریخ لازم الاجرا شدن خروج از کنوانسیون، کمیته دیگر نسبت به دولت خارج شده، رسیدگی ای را انجام نخواهد داد.
ماده سی و دوم

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهای عضو سازمان ملل و دولتهائی که این کنوانسیون را امضاء کرده اند و یا به آن پیوسته اند را مطلع خواهد کرد که:

الف: امضاءها، مصوبات (اسناد تصویب) و الحاقها را بنا بر ماده ۲۵ و ۲۶

ب: تاریخ به اجرا درآمدن این کنوانسیون طبق ماده ۲۷ و تاریخ لازم الاجرای اصلاحات طبق ماده ۲۹
ج: انصراف و فسخ دولتها طبق ماده ۳۱

ماده سی و سوم

۱- متنهای عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی این کنوانسیون، دارای اعتباری یکسان می باشند و آنها نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت سپرده خواهند شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت گواهی شده این کنوانسیون را برای تمام کشورها ارسال خواهد داشت.

تیراندازی لباس شخصی ها به سوی دو درویش در کوار

نوامبر 18, 2011



برای شناخت محبت

قصد نیروهای امنیتی و لباس شخصی برای بازداشت ۲ تن از درویش گنابادی ساکن کوار که با مقاومت این دو درویش ناکام ماند به تیر اندازی نیروهای امنیتی انجامید . در این حادثه کسی آسیب ندید .

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ ذبیح کرد پور و رضا پشتکار دو تن از درویش گنابادی ، عصر امروز ۲۶ آبان ماه در حالی که راهی حسینیه درویش کوار بودند با برخورد نیروهای امنیتی و لباس شخصی به قصد بازداشت روبرو شده و می گریزند که نیروهای امنیتی در مواجهه با مقاومت این دو درویش و گریختن ایشان اقدام به تیراندازی می کنند . در این حادثه تیر نیروهای امنیتی به هدف اصابت نکرده و کسی آسیب نمی بیند .

گفتنی است موج فشارها و بازداشت درویش گنابادی ساکن کوار به شکلی مستمر و روزانه ادامه دارد و نگرانی ها از امنیت جانی درویش منطقه روز به روز در حال افزایش است .

بازداشت پنجمین درویش از شهرستان کوار در یک ماه گذشته

نوامبر 18, 2011



برای شناخت محبت

خبرگزاری هرانا - روز چهارشنبه، ۱۶ نوامبر و برای پنجمین بار در یک ماه گذشته، یکی از درویش گنابادی ساکن شهرستان کوار از توابع استان فارس، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، صبح روز گذشته مهدی قنبری یکی از درویش گنابادی ساکن کوار توسط نیروهای امنیتی بدون ارایه حکم قضایی در محل کارش بازداشت شد. گفته می‌شود مدتی است که جو امنیتی در شهرستان کوار وجود داشته و تاکنون تعدادی از ساکنان کوار بازداشت و به زندان شیراز منتقل شده‌اند.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی: نقض عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی‌توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.
- ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
- بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.
- بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

بازداشت یک شهروند بهایی در قائم شهر



خبرگزاری هرانا - یک شهروند بهایی پس از احضار به اداره اطلاعات قائم شهر بازداشت شد.

برای شناخت محبت

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از قائم شهر، ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه ۲۵ آبان ماه ماموران اداره اطلاعات قائم شهر پس از مراجعه به منزل علی احمدی، شهروند بهایی به دلیل عدم حضور وی در منزل، نامبرده را به اداره اطلاعات احضار می‌کنند.

این شهروند بهایی پس از دوبار حضور در ستاد خبری بازداشت و از آن زمان تاکنون اطلاعی از وضعیت وی در دست نیست. قابل ذکر است منزل این شهروند بهایی در روز یکشنبه ۸ آبان مورد تفتیش قرار گرفت.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- **اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی:** تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- **بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هیچکس را نمی‌توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- **بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.
- **ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر:** هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- **ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر:** هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
- **بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.
- **بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

محکومیت شدید نقض حقوق بشر در ایران

محکومیت شدید نقض حقوق بشر در ایران توسط سازمان ملل و پیوستن پارلمان اروپا به اعتراض های بین المللی



ساختمان مقرّ سازمان ملل در نیویورک.
مجمع عمومی سازمان ملل امروز قطعنامه ای را تصویب کرد که ایران را به خاطر «موارد جدّی، مداوم و مکرّر نقض حقوق بشر» محکوم می کند. قطعنامه که انتظار می رود در ماه دسامبر به تأیید

برای شناخت محبت

کلّ مجمع برسد، همچنین از دبیر کلّ سازمان ملل می خواهد که دوباره سال آینده گزارشی درباره حقوق بشر در ایران تهیه کند. عکس سازمان ملل/مارک گارتن

سازمان ملل متحد، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱، سرویس خبری جامعه جهانی بهائی - مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یکی از شدیدالحن ترین قطعنامه‌های خود تا به امروز، آشکارا ایران را به خاطر «موارد جدی، مداوم و مکرر نقض حقوق بشر» محکوم کرده است.

کمیتۀ سوم مجمع با ۸۶ رأی موافق در برابر ۳۲ رأی مخالف و ۵۹ رأی ممتنع، یک قطعنامه شش صفحه‌ای را تصویب کرد که به گستره وسیعی از تجاوزات و بدرفتاری های ایران، از جمله «افزایش چشم گیر» اعدام ها، استفاده از شکنجه، هدف قرار دادن مدافعان حقوق بشر به صورت روشمند، خشونت فراگیر علیه زنان و تبعیض مستمر علیه اقلیت ها از جمله پیروان آئین بهائی، اشاره می کند. بانی دوگال، نماینده ارشد جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل متحد، گفت: «قطعنامه امسال با فهرست طولانی و مفصل خود از جنایت های رخ داده علیه شهروندان عادی، رفتار مقامات ایران را با شدیدترین لحنی که تا حال دیده ایم، محکوم کرده است.»

او گفت: «این قطعنامه تردیدی در باره برداشت جامعه جهانی از تلاش های بی وقفه ایران در نقض تقریباً همه موارد حقوق بشر، به جا نمی گذارد.» قطعنامه پس از گزارش های اخیر دبیر کل سازمان ملل، بان کی مون، و گزارشگر ویژه تازه برای حقوق بشر در ایران منتشر شد. در گزارش های افراد یاد شده نیز به شدت از تجاوزهای جمهوری اسلامی به حقوق بشری انتقاد شده است.

حوزه های نگرانی

قطعنامه که با حمایت حدود ۴۲ کشور تنظیم شده، ۱۶ حوزه نگرانی را فهرست می کند که از شکنجه و افزایش استفاده از مجازات اعدام تا «محدودیت های روشمند و جدی در زمینه آزادی تجمع مسالمت آمیز» و «محدودیت ها و ممانعت های شدید در زمینه حق آزادی فکر، وجدان، دین یا عقیده» را در بر می گیرد.

در قطعنامه همچنین برای اولین بار، ضمن اشاره به کنترل مکاتبات، ایمیل ها و پست های صوتی توسط دولت، از نگرانی هایی در زمینه «مداخلات غیر قانونی» در حریم خصوصی افراد یاد می شود.

نقض مکرر ضوابط قانونی در دادرسی ها نیز در این قطعنامه برجسته شده است. از جمله به استفاده روشمند و خودسرانه از زندان انفرادی طولانی مدت، دسترسی نداشتن بازداشت شدگان به وکیل حقوقی مورد انتخاب خود، ندادن اجازه آزادی با قرار وثیقه به بازداشت شدگان و شرایط بد زندان ها مانند ازدحام شدید و سطح پایین بهداشت، و نیز گزارش های مدام بازداشت شدگان درباره شکنجه و تجاوز و دیگر شکل های خشونت جنسی اشاره شده است.»

«افزایش حمله به بهائیان»

نقض حقوق و تبعیض مداوم علیه اقلیت های قومی و دینی، به ویژه مشکلات پیش روی اعراب، آذری ها، بلوچ ها و کردها و نیز تبعیض علیه مسیحیان، یهودیان، صوفیان، مسلمانان سنی و زرتشتیان، علت دیگری برای نگرانی است.

گزارش هایی نیز درباره «افزایش حمله به بهائیان و مدافعان آنها، از جمله در رسانه های مورد حمایت دولت، افزایش عمده در تعداد بهائیان دستگیر و بازداشت شده، از جمله حمله هدف دار به مؤسسه آموزشی بهائی، اعاده و بازگرداندن احکام بیست ساله زندان برای هفت رهبر بهائی پس از تخلفات

برای شناخت محبت

عمیق در روند قانونی محاکمه آنها، و اقدامات تازه برای محروم کردن بهائیان از استخدام در بخش های عمومی و خصوصی» ارائه شده است.

قطعنامه از ایران می خواهد که به «محرومیت و تبعیض علیه زنان و اعضای گروه های خاص از جمله پیروان آئین بهائی، در زمینه های دسترسی به آموزش عالی و نیز زدن برچسب جرم به تلاش هایی که در فراهم کردن آموزش عالی برای جوانان بهائی محروم از ورود به دانشگاه های ایران انجام می شود» پایان دهد.

همچنین از ایران خواسته شده است در تلاش های مربوط به نظارت بر تعهدات در زمینه حقوق بشر، با سازمان ملل و مقامات آن همکاری کند. خانم دوگال گفت: «این قطعنامه گواه نیرومندی است بر شرایط محاصره ای که همه ایرانیان - نه فقط تعدادی از اقلیت ها یا مخالفان - در آن زندگی می کنند، حالتی که در آن آزار، دستگیری و زندان خودسرانه، شکنجه و تهدید به مرگ به نگرانی های روزمره تبدیل شده اند.»

قطعنامه - که انتظار می رود در ماه دسامبر به تأیید کل مجمع برسد - همچنین از دبیر کل سازمان ملل می خواهد که دوباره سال آینده گزارشی درباره حقوق بشر در ایران تهیه کند.

قطعنامه اروپائی

قطعنامه شدیدالحن مشابهی علیه نقض حقوق بشر در ایران نیز روز پنجشنبه گذشته در پارلمان اروپا به تصویب رسید.

این قطعنامه هم به نگرانی های متعددی از جمله افزایش اعدام ها و استفاده فزاینده از شکنجه در آزار روشمند فعالان حقوق بشر، روزنامه نگاران، زنان و اقلیت ها اشاره می کند.

قطعنامه پارلمان اروپا نیز به افزایش آزار بهائیان در ایران و این که «آنها در معرض تبعیض های شدید از جمله محرومیت از امکانات تحصیلی هستند»، و زندانی بودن هفت مدیر این جامعه و «ادامه بازداشت بیش از ۱۰۰ عضو این جامعه» می پردازد.

بانی دوگال گفت: «ما از این قطعنامه ها استقبال می کنیم و امیدواریم که حکومت ایران سرانجام به تقاضای جامعه بین المللی مبنی بر پایان دادن به اینگونه اعمال و بازگشت به حکومت قانون توجه کند.»

آخرین وضعیت از نقض حقوق در اویش گنابادی ۱۶ درویش

در زندان



مجنوبان نور : ۱۱ شهریور ماه سال جاری موج بی سابقه ای از فشار بر درویش گنابادی آغاز شد و تا کنون این روند با بازداشت و ضرب و شتم درویش ادامه داشته است ، به شکلی که با گذشت بیش از ۸۰ روز از آغاز آن، در یکماه گذشته نزدیک به ۵ تن از درویش گنابادی ساکن کوار بازداشت شده و در حال حاضر مجموعاً ۱۶ تن از درویش گنابادی در زندان های ایران به سر می برند .

رضا انتصاری ، حمید مرادی ، افشین کرم پور ، فرشید یداللهی ، امیر اسلامی ، امید بهروزی و مصطفی دانشجو از وکلا و مدیران سایت مجنوبان نور هستند که هم اکنون در بند امنیتی زندان اوین به سر می برند ، از این میان مصطفی دانشجو وکیل درویش گنابادی در حالی که دوره محکومیت وی در زندان ساری به اتمام رسیده بود با انتقال به بند امنیتی ۲۰۹ اوین هم اکنون در انفرادی به سر می برد . این درویش زندانی در هفته گذشته با خانواده های خویش برای نخستین بار ملاقات داشتند ، در این ملاقات از وضعیت حمید مرادی و امیر اسلامی ابراز نگرانی شده و مصطفی دانشجو نیز تا کنون از حق ملاقات محروم بوده است .

یادآور می شود با گذشت نزدیک به ۸۰ روز از بازداشت این درویش زندانی بازجویی ها از ایشان همچنان ادامه دارد .

در این بین آقایان صالح مرادی ، محمد جلال نیکبخت ، فرزاد درویش ، حجت الله سعیدی ، محمد علی سعدی ، مهرداد کشاورز ، یحیی دهقان ، مهدی دهقان و علی جان دهقان درویش محبوس در زندان های استان فارس هستند که از این میان مهرداد کشاورز ، یحیی دهقان ، علی جان دهقان و مهدی دهقان در یکماه گذشته و در ادامه حمله ها و فشارهای نیروهای امنیتی بر درویش ساکن کوار بازداشت شده و هنوز در انفرادی و تحت بازجویی به سر می برند و آقایان محمد جلال نیکبخت ، فرزاد درویش ، حجت الله سعیدی ، محمد علی سعدی از درویش شهرستان سروستان استان فارس که در مهرماه بازداشت شده اند با وضعیت بسیار وخیمی در زندان پیربنان شیراز که مخصوص نگهداری زندانیان معتاد و قاچاقچیان و قاتلین خطرناک هستند نگهداری می شوند و از ابتدایی ترین نیازهای بهداشتی محرومند.

در ضمن این بازداشتها ، ماه گذشته نیروهای امنیتی با تفتیش منازل ده ها تن از درویش کوار و برقراری جوی امنیتی پلیسی در این شهرستان بر علیه درویش ، آرامش و امنیت را از درویش منطقه گرفته اند .

کیوان دهقانی شهروند بهایی آزاد شد

نوامبر 23, 2011



خانه حقوق بشر ایرانکیوان دهقانی شهروند بهایی که نزدیک به چهار ماه و نیم در بازداشت به سر می‌برد با تودیع وثیقه از زندان آزاد شد.

کیوان دهقانی از شهروندان بهایی اصفهان است که در ۲۱ تیرماه سال جاری همراه چند تن دیگر از بهاییان در اصفهان بازداشت شده بود.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» دهقانی در روز ۲۸ آبان ماه جاری به قید وثیقه ۶۰ میلیون تومانی از زندان مشهد آزاد شد.

وی پس از مدتی بازداشت در بازداشتگاه اصفهان در اقدامی ناگهانی به زندان مشهد منتقل شده بود و این مدت را در آنجا در بازداشت به سر برد.

فرهود اشتیاق، یکی دیگر از شهروندان بهایی اصفهان که به شهید منتقل شده نیز در این زندان به سر می‌برد.

پنجمین ماه بازداشت فرهود اشتیاق در زندان مشهد

نوامبر 23، 2011

خانه حقوق بشر ایران: فرهود اشتیاق شهروند بهایی در حالی در پنجمین ماه بازداشت به سر می‌برد که همچنان از ناراحتی قلبی رنج می‌برد.



فرهود اشتیاق از تاریخ پنج تیر ماه ۱۳۹۰ برای بار دوم، بدون ارائه هیچ گونه حکمی توسط مامورین اطلاعات در اصفهان بازداشت شده و پس از یک هفته بدون ارائه سند و دلیلی به شهر مشهد منتقل شد. به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» اشتیاق هم اکنون پس از گذشت چهار ماه و نیم در بازداشتگاه اطلاعات مشهد به سر می‌برد. این در حالی است که مسئولین قضایی و امنیتی بدون توجه به بیماری خاص وی (گیلنباره) و همچنین ناراحتی قلبی که در بازداشتگاه دچار آن شده است، همچنان او را در بازداشت نگاه داشته و از آزادی وی خودداری می‌کنند.

در تاریخ نهم آبان ماه دوباره دو ماه دیگر بازداشت اشتیاق تمدید شده و در این مدت تنها دو بار امکان ملاقات به خانواده ایشان داده شده و سه فرزند او چشم به راه دیدار پدر هستند. خانواده فرهود برای پی گیری مراحل قانونی و همچنین گرفتن ملاقات، بارها به مشهد سفر کرده و ۱۷ ساعت مسیر را هر بار باید طی کنند.

تشدید فشارهای اقتصادی بر شهروندان بهایی کرمان

و رفسنجان

برای شناخت محبت



خبرگزاری هرانا - در تداوم شناسایی و تشدید فشار بر اقلیت های مذهبی در شهرهای مختلف ماموران اداره امکان شهرهای کرمان و رفسنجان اقدام به صدور اختاریه و پلمپ اماکن متعلق به شهروندان بهایی نمودند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از استان کرمان، دو هفته پیش ماموران اداره اماکن شهر کرمان به چند محل کسب (فروشگاه های لوازم ماشینی) شهروندان بهایی ساکن شهر مزبور که در محله سرباز کرمان واقع بودند، مراجعه کرده و به ایشان مهلت دو ماهه برای تعطیلی مغازه هایشان دادند. از سوی دیگر، طی ماههای گذشته هیچ جواز کسبی متعلق به شهروندان بهایی ساکن شهرستان رفسنجان تمدید نشده که برای این امر نیز هیچ دلیل صریح و قانع کننده ای از سوی پلیس اماکن ارائه نشده است.

در طی روز پنجشنبه خبرگزاری هرانا اقدام به انتشار سندی نمود که در آن پلیس ناظر بر اماکن عمومی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه در نامه ای رسمی به ریاست مجمع صنفی این استان خواهان همکاری این مرکز در شناسایی اقلیت های مذهبی موجود در صنوف استان شده بود.

انتقال مصطفی دانشجو وکیل در اویش گنابادی به بند عمومی

زندان

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: مصطفی دانشجو از وکلای در اویش سلسله نعمت الهی گنابادی و از مدیران پایگاه خبری مجذوبان نور پس از گذشت یکماه حبس در سلول های انفرادی بند امنیتی زندان اوین به بند عمومی منتقل شد.

به گزارش تارنمای مجذوبان نور، مصطفی دانشجو از وکلای در اویش گنابادی که در تاریخ ۷ آبان ماه از زندان ساری مرتبط با بازداشتها و فشارهای اخیر به بند امنیتی زندان اوین منتقل شده بود، روز گذشته ۵ آذر ماه به بند عمومی انتقال یافت.

این وکیل در اویش که در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه سال جاری به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از سوی دادگاه تجدید نظر استان مازندران به ۷ ماه حبس محکوم شده بود در حالی که روزهای آخر محکومیت خویش را سپری میکرد به زندان اوین منتقل شد. وی روز گذشته ۵ آذر ماه پس از تحمل یکماه حبس در سلول انفرادی بند ۲۰۹ به بند عمومی زندان اوین انتقال یافت.

یادآور می شود وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور آقایان رضا انتصاری، فرشید یداللهی، حمید مرادی، افشین کرم پور، امیر اسلامی و امید بهروزی به همراه مصطفی دانشجو هم اکنون در بند عمومی زندان اوین به سر می برند. علاوه بر این بر طبق آخرین گزارش از وضعیت درویش زندانی ۱۶ تن از درویش گنابادی در زندانهای کشور محبوس هستند.

انتقاد مولوی عبدالحمید از تخریب شخصیتهای اهل سنت

مولانا عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، از برخی سایتها و نیز یک نشریه جدیدالانتشار در سیستان و بلوچستان که از طریق تهمت و افترا، در صدد تخریب چهره علما و شخصیتهای اهل سنت هستند، به شدت انتقاد کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی سنی آنلاین، این روحانی اصلاح طلب، در بخشی از سخنان خود در مراسم نماز جمعه اهل سنت زاهدان خاطرنشان کرد: اخیرا برخی سایتها و نیز یک هفته نامه که جدیدالانتشار است، در استان فعالیت می کنند که می توان گفت، این سایتها و این نشریه متعلق به کسانی است که دارای تفکرات افراطی قومی و مذهبی هستند.

مولانا عبدالحمید «تخریب چهره علما و شخصیتهای معتدل اهل سنت» را تنها هدف این سایتها و روزنامه ها عنوان کرد و گفت: طوری که از مطالب مندرجه در نشریه و سایتهای مذکور معلوم می شود، تنها دلیل تشکیل و فعالیت این سایتها و روزنامه ها این است که علما و شخصیتهای مستقل اهل سنت را که در مسیر اعتدال حرکت کرده و مخالف افراط و تفریط هستند، با تهمت، افترا، هتاک و اهانت هدف قرار دهند.

امام جمعه اهل سنت زاهدان افزود: این سایتها و روزنامه ها هیچگاه در راستای وحدت، همگرایی و همبستگی ملت ایران قدم برنداشته اند. گردانندگان سایتهای مذکور، خود را وارث انقلاب و نظام می دانند، در حالی که انقلاب و نظام متعلق به یک قشر و گرایش خاص نیست، بلکه این نظام و انقلاب متعلق به همه ملت ایران است و کسی حق ندارد که نظام را فقط از آن خود دانسته و دیگران را به «مخالفت با نظام» متهم کند.

مولانا عبدالحمید «مجبور کردن دیگران به سکوت و عدم مطالبه حقوق مسلم و قانونی خویش» را از مهمترین اهداف این قبیل سایتها و روزنامه ها عنوان کرد و خاطرنشان نمود: تمام برنامه این سایتها و روزنامه ها در این خلاصه می شود که هیچ کسی حقوق مسلم و قانونی خود را مطالبه نکند، در حالی که از لحاظ قانونی هر فردی این حق را دارد که حقوق خود را در چارچوب قانونی و منطقی مطالبه نماید، اما متأسفانه وقتی افراد از راه قانونی و منطقی خواستار حقوق خود می شوند، این سایتها و روزنامه ها، به منظور خفه کردن صدای حق طلبی، شروع به هیاهو، شانتاژبازی، اهانت و افترا می کنند، در حالی که خفه کردن صدای حق طلبی، پیامدهای بسیار خطرناکی را به دنبال دارد، از جمله اینکه کار در دست افراطیون خشونت طلب افتاده و امنیت جامعه به مخاطره می افتد.

امام جمعه اهل سنت زاهدان در ادامه از مسئولین استانی، اعم از قضایی و امنیتی-سیاسی، به خاطر جلوگیری نکردن از انتشار اینگونه سایتها و روزنامه ها گلایه کرد و گفت: ما با این امید که مسئولین جلوی این اقدامات را می گیرند سکوت کردیم. اما باید توجه داشته باشیم که از وجود تعصبات قومی و مذهبی در جامعه، نه تنها ما، بلکه نظام و کل سیستم حکومتی و ملت ایران، اعم از شیعه و سنی، متضرر شده است.

برای شناخت محبت

لذا نباید بگذاریم که تعصبات مذهبی در جامعه حاکم شود و افرادی به علما و شخصیت‌های اهل سنت، و یا به شخصیت‌های شیعه، اهانت و بی احترامی کنند.

وی ادامه داد: ما مطمئن هستیم که اینگونه سایتها و روزنامه‌ها از جاهای دیگری ساپورت شده و خط می‌گیرند و مورد تشویق آنها قرار می‌گیرند.

مولانا عبدالحمید در ادامه ضمن گلایه از وزارت فرهنگ و ارشاد در خصوص مجوز فعالیت چنین روزنامه‌هایی در استان، از انتشار برخی کتابها در فضای دانشگاهها نیز انتقاد کرد. وی با هشدار به جریان افراطی قومی - مذهبی، که با تألیف برخی کتابهای موهن، انتشار نشریات و راه اندازی سایتها، در صدد تخریب چهره علما و مراکز مذهبی اهل سنت هستند، افزود: این افراد احساس قدرت می‌کنند و دست به چنین کارهایی می‌زنند، اما آنها باید بدانند که اگر چه قدرت در دست آنهاست، اما ما نیز به آن اندازه ضعیف نیستیم که کسی حق ما را ضایع کند و پا را بر گردن ما بگذارد و ما سکوت کنیم. اگر در مواردی سکوت می‌کنیم، این سکوت ما دلالت بر شرافت، وقار و سنجیدگی ما دارد. لذا انتظار ما آن است که مسئولین جلوی این قبیل اقدامات را بگیرند.

خطیب جمعه اهل سنت زاهدان در ادامه با اشاره به ممانعت اخیر از سفر حج دو تن از شخصیت‌های برجسته اهل سنت (مولانا احمد نارویی و مفتی محمد قاسم قاسمی)، از مطالب و افترااتی که در خصوص این دو شخصیت در برخی روزنامه‌ها و سایت‌های افراطی درج شده است، به شدت انتقاد نمود و خاطر نشان کرد: اخیراً دو تن از شخصیت‌ها و علمای جلیل القدر اهل سنت از سفر حج بازداشته شدند و اعتراض و گلایه‌ای هم در این مورد صورت گرفت، اما متأسفانه برخی افراطیون در همین سایتها و روزنامه‌ها، به این دو شخصیت، به دروغ تهمت زده‌اند که اینها «مهمان کشور عربستان سعودی بودند.» در حالی که اینها میهمان خدا و رسول بوده‌اند، نه مهمان عربستان. همچنین این سایتها این مطلب را ذکر کرده‌اند که این افراد قبلاً نیز به سفر حج رفته‌اند، در حالی که اولاً؛ بسیاری از افرادی که امسال به حج رفتند، قبلاً نیز مشرف به سفر حج شده‌اند. ثانیاً؛ خانواده این دو نفر نیز که به همراه آنها بوده‌اند، برای اولین بار قصد سفر حج را داشته‌اند. ایشان همچنین در مورد این که «این افراد از طریق ویزای آزاد قصد سفر حج را داشته‌اند»، خاطر نشان کرد: بسیاری از افراد و هیئت‌ها، علاوه از کاروانهایی که تحت پوشش سازمان حج هستند، از طریق تهیه ویزای آزاد به سفر حج می‌روند.

بسیج و نیروی انتظامی باید مردمی بوده و در جهت خدمت به مردم فعالیت نماید مولانا عبدالحمید در بخش پایانی سخنان خود به هفته بسیج اشاره کرد و گفت: بسیج و دیگر نیروهای نظامی و انتظامی که برخاسته از مردم هستند، باید مردمی بوده و در جهت خدمت به مردم فعالیت نمایند.

وی در ادامه تذکری نیز به نیروهای انتظامی استان داد و افزود: اخیراً شکایت می‌رسد که افراد در راه‌های اصلی و فرعی مورد هدف گلوله قرار می‌گیرند، در حالی که اگر چه در نیروی انتظامی افراد تعلیم یافته زیاد است، اما نباید در بین این نیروها افراد خام و تعلیم نیافته‌ای باشند که افراد بیگانه‌ای را که نه سلاح و نه مواد مخدر به همراه دارند، مورد هدف قرار دهند. لذا نیروی انتظامی توجه داشته باشد که مبدا اسباب نارضایتی مردم را فراهم نماید و مردم بیگانه از آنها هراس داشته باشند.

بازداشت یک شهروند بهایی در اصفهان

نوامبر 28, 2011

خانه حقوق بشر ایران یکی از همکاران موسسه آموزش علمی بهایی در رشته کشاورزی بوده از روز ۲۸ آبان ماه بازداشت شده است. روز شنبه ۲۸ آبان ماه «مزیدی» یکی از شهروندان بهایی اصفهان توسط نیروهای اطلاعات این شهرستان بازداشت شده و تاکنون در زندان به سر می‌برد. به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» از محل نگهداری و وضعیت وی تاکنون اطلاعی از دست نیست. از حمله گسترده نیروهای امنیتی در اول خرداد ماه ۹۰ تا کنون به موسسه آموزش علمی بهاییان احضار و بازجویی و بازداشت‌های گسترده همچنان ادامه دارد. این موسسه، در سال ۱۳۶۶ در پی اخراج اساتید و دانشجویان بهایی در سراسر ایران و محرومیت ایشان از ادامه تحصیلات عالی، به دست ایرانیان بهایی راه اندازی شد. این موسسه تا کنون سه بار مورد یورش قرار گرفته است و آخرین حمله در اول خرداد ماه ۹۰ بوده است که منجر به تفتیش منزل بیش از ۴۰ نفر، احضار و بازجویی از بیش از ۵۰ نفر و زندانی شدن ۹ تن از مدیران، مسئولان و اساتید این موسسه شده است.

اتحادیه اروپا، ایران را به آزاد ساختن ندرخانی و دیگر زندانیان

مسیحی ترغیب کرد

برای شناخت محبت

عضو حزب «اتحادیه مسیحی» هلند در پارلمان اروپا ضمن نام بردن از احمدی نژاد و سید علی خامنه ای به عنوان زوج دیکتاتور، اظهار داشت بزودی جنبشی در پارلمان اروپا در این ماه ایران را ترغیب می کند تا به معاهدات بین المللی که امضا کرده است احترام بگذارد. اتحادیه اروپا از ایران خواسته است که یوسف ندرخانی از دگراندیشان مذهبی و از گروه (مسیحیان غیر تثلیثی) و دیگر مسیحیان زندانی در ایران را آزاد کند.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، خبرگزاری مسیحی بسنیوز لایف روز یکشنبه با درج این خبر گزارش داد که یکی از قانون گذاران کلیدی اروپایی به این خبرگزاری گفته است؛ «ندرخانی بخاطر عدم قبول بازگشت به اسلام با احتمال صدور حکم اعدام مواجه است.» پیتر وان دالن، عضو حزب «اتحادیه مسیحی» هلند در پارلمان اروپا گفت: «ندرخانی یکی از چندین زندانی عقیدتی در ایران است که تا کنون دو سال را پشت میله های زندان سپری کرده و بخاطر ترک اسلام به اعدام محکوم شده است.» ماریا داماناکی، عضو کمیسیون اروپا می گوید که هیأت اجرایی اروپا و همچنین کمیسیون اروپا پرونده ندرخانی 34 ساله را که دارای دو فرزند می باشد و در اکتبر سال 2009 نیز در منزلش دستگیر شده است را از نزدیک پیگیری می کند.

- زوج دیکتاتور

آقای وان دالن افزود «هرکه از این زوج دیکتاتور (محمود احمدی نژاد و سید علی خامنه ای) پیروی نکند، به بیانی زندگی هم ندارد. هیچ کس در ایران امنیت ندارد، زن ها سنگسار می شوند و جوانان به دار آویخته می شوند. اما نوکیشان مسیحی از تمامی اقشار جامعه آسیب پذیرتر به نظر می رسند. شاید هم دلیلش این است که خود احمدی نژاد درخواست پایان دادن به گسترش مسیحیت در ایران را صادر کرده است.»

وان دالن گفت جنبشی در پارلمان اروپا در این ماه ایران را ترغیب می کند تا به معاهدات بین المللی که امضا کرده است از جمله کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی احترام بگذارد. «بند 18 این کنوانسیون می گوید که آزادی مذهب شامل آزادی برای تغییر مذهب نیز می شود. اما در ایران چنین آزادی وجود ندارد و این مشکل از عمده ترین مشکلات مسیحیان این کشور است، چرا که دو سوم از مسیحیان ایرانی پیشینه ای اسلامی دارند.»

وان دالن گفت گزارشات نقض حقوق بشر در ایران او را بر این داشت تا از وزیر خارجه اتحادیه اروپا، کاترین اشتون بخواهد که «سخت ترین تحریم ها» را علیه ایران اعمال کنند. «به علاوه اتحادیه اروپا و کشور های عضو آن باید در شورای امنیت سازمان ملل تلاش کنند تا چین و روسیه را متقاعد کنند که به کشور های تحریم کننده بپیوندند.»

احضار و بازداشت مولوی محمدعلی شه بخش



خبرگزاری هرانا - مولانا حافظ محمد علی شهبخش مدیر سابق دارالعلوم حضرت امام ابوحنیفه عظیم آباد زابل، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. به گزارش سنی نیوز، مولانا حافظ محمد علی شهبخش پس از احضار به دادگاه ویژه روحانیت مشهد در روز چهارشنبه ۲ آذرماه سال جاری دستگیر و تاکنون از وضعیت ایشان اطلاعی در دست نیست. سه سال پیش در پی مراجعه نیروهای امنیتی به مدرسه علوم اسلامی اهل سنت سیستان، و تخریب آن نیز، مولانا محمد علی برای حفظ جان خود مجبور شده بود مدتی متواری باشد که بر همین علت برخی از نزدیکترین افراد به ایشان منجمله دو برادر (عبدالرحمن شهبخش و نور محمد شهبخش) و خواهر زاده اش (عبدالکریم) از سوی نیروهای نظامی در اقدامی تلافی جویانه دستگیر شدند.

رمضان سال گذشته بعد از مذاکرات و پا درمیانی افراد ذی صلاح و شخصیت‌های برجسته منطقه نام ایشان از لیست افراد تحت تعقیب حذف شده ایشان زیر نظارت مستقیم حکومت در دارالعلوم زاهدان مشغول به تدریس شدند.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.
- ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.

برای شناخت محبت

- بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.
- بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد.

وزیر اطلاعات کلیساهای خانگی را تهدیدی برای جوانان

دانست!



حیدر مصلحی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، با اشاره به اینکه کلیساهای خانگی امروز تهدیدی برای جوانان می باشند، برای مقابله با گسترش کلیساهای خانگی در داخل کشور خبر از یک سری اقدامات جدید را داد .

آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»: به نظر می رسد فرافکنی های تبلیغاتی رسانه های وابسته به جمهوری اسلامی که از مدت ها قبل با کوشش بسیار قصد تحریک مقامات امنیتی و نظامی برای مقابله با گسترش گرایش مردم به ویژه جوانان به آئین مسیحیت را داشتند به هدف رسید !
پیش از این برخی از رسانه های وابسته به حکومت در اقدامی همسو و در جهت تخریب چهره کلیسای ایران و مسیحیت اقدام به انتشار برخی مطالب کذب نموده اند، بر همین اساس یکی از رسانه های وابسته به حکومت ضمن هشدار نسبت به گسترش مسیحیت در ایران نوشت، « به نظر می رسد نهادهای فرهنگی و تبلیغی کشور نیاز به یک برنامه ریزی منسجم برای مواجهه با جریان های مذکور به ویژه مقابله با فشار تبلیغی مسیحیت را دارند »

همزمان با نزدیک شدن به ماه دسامبر تولد عیسی مسیح، که در سال گذشته در کشورمان یاد آور بازداشت و سرکوب صد ها تن از هموطنان مسیحی مان در سراسر کشور توسط ماموران امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی بود، بار دیگر آخوند «حیدر مصلحی» وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی گفت: « کلیساهای خانگی تهدیدی برای جوانان است و وزارت اطلاعات فعالیت جدی در این زمینه را آغاز نموده است ! »

در ۵ دی ماه ۱۳۸۹ (۲۶ دسامبر ۲۰۱۰) همزمان با این ایام، که مسیحیان در کلیساهای جهان بمناسبت سالروز میلاد عیسی مسیح به دعا و شکر گزاری می پردازند، ماموران امنیتی دستگاه اطلاعاتی رژیم در اقدامی سازمان یافته با پورش به برخی کلیساهای خانگی و منازل ایمانداران مسیحی در سراسر کشور اقدام به دستگیری و بازداشت صدها تن از نوکیشان مسیحی نمودند. حیدر مصلحی در گردهمایی که در سالن اجتماعات مدرسه فیضیه برگزار شد، همچنین برای مقابله با گسترش مسیحیت در کشور دست به دامان حوزه های علمیه شد و خطاب به حوزویان گفت که باید وارد این عرصه شوند و جوانان را به راه راست هدایت کنند!

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی بار دیگر با اشاره به خطر مسیحیت تبشیری، افزود: مسیحیت تبشیری از طریق 20 شبکه ماهواره ای و هزاران سایت اینترنتی و ده ها موسسه صلیبی در مقاطع مختلف ضربه های سنگینی به نظام وارد کرده است و این مسئله نشان دهنده نگرانی آنها از رشد اسلام شیعی در اروپا و آمریکا است.

آخوند مصلحی همچنین در جمع طلاب و روحانیون مدرسه فیضیه، فرقه های نوظهور و عرفان های کاذب را مهمترین تهدید و آسیب برای نظام اسلامی عنوان کرد و گفت: «ردپای این نوع تهدید را می توان در بسیاری از حوادث و فتنه های اخیر پس از انتخابات دید.»

برای شناخت محبت

مصلحتی در سخنان خود ادعا کرد که غرب از رشد و شکوفایی اسلام در اروپا و آمریکا نگران است و این اعترافات در بین مقامات اروپایی و کلیسایی موج می‌زند، وی همچنین افزود ما باید مراقب فعالیت های آنها باشیم.

وزیر اطلاعات همچنین در مهرماه ۱۳۹۰ نیز نسبت به ترویج فرقه های ضاله و یا به گفته وی طرح مسیحی گری یا مسیحی سازی هشدار داده بود و از آن به عنوان « جنگ نرم» استکبار خبر داد. گفته می شود موج حملات جدید از سوی دستگاههای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در برخورد با نوکیشان مسیحی در داخل ایران و همزمانی آن با اعیاد کریسمس تولد عیسی مسیح که از روزهای با شکوه و روحانی برای مسیحیان جهان بویژه ایرانیان مسیحی می باشد بنظر شکل تازه ایی به خود گرفته است.

محکومیت علیرضا سیدیان، شهروند مسیحی به ۶ سال زندان



خبرگزاری هرانا – علیرضا سیدیان، شهروند مسیحی، از سوی دادگاه انقلاب تهران، به تحمل ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از تهران، آقای علیرضا سیدیان از شهروندان مسیحی و عضو کلیسای موسوم به «ایرانیان» به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به ۶ سال زندان محکوم شده است. گفتنی است وی در حال حاضر وثیقه ۳۰ میلیونی و به طور موقت آزاد است.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- **اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی:** تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- **بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هیچکس را نمی توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- **بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.
- **ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر:** هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
- **ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر:** هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- **بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد.

نورالله قبیته زاده نوکیش مسیحی در زندان شهر اهواز

بسری می برد.



نورالله قبیته زاده نوکیش مسیحی که طی ۱۰ ماه گذشته همچنان بلا تکلیف در زندان شهر اهواز بسری می برد.

تارنمای محبت نیوز گزارش داده است که نورالله قبیته زاده نوکیش مسیحی تاکنون بارها توسط نیروهای اطلاعات مورد بازجویی قرار گرفته و برای ترک عقاید مذهبی اش تحت فشار قرار گرفته است.

بر پایه این گزارش «نورالله قبیته زاده نوکیشان مسیحی و خادم کلیسای خانگی در ماههای اول بازداشت خود هیچ تماس یا ملاقاتی با خانواده و یا نزدیکان خود نداشت و هیچگونه اطلاعی از وضعیت او در داخل زندان در دسترس نبود.»

در طی ۱۰ ماه گذشته اگر چه مقامات قضایی و امنیتی به او وعده داده بودند تا در قبال نوشتن توبه نامه آزاد خواهد شد اما این موضوع با عدم پذیرش نورالله قبیته زاده همراه شده است.

نورالله قبیته زاده ۴۷ ساله که در ابتدا در زندان شهر دزفول در زندان بود و بعدتر به زندان اهواز منتقل شد.

دادگاه اول او حدود دو ماه پیش در دادگستری اهواز و در شعبه یکم جزایی به ریاست قاضی پور محمدیان برگزار شد. وی در این دادگاه با دستبند و پاهای زنجیر شده حاضر شده بود و بخ طور شفاهی و برای ایجاد ترس و وحشت به وی گفته شده در این دادگاه برای وی حکم اعدام در نظر گرفته شده است. همچنین در انتهای جلسه دادگاه سعی شده تا دوباره مهلتی به وی داده شود تا توبه کرده و از مسیحیت به اسلام برگردد تا از این طریق تخفیفی به مجازات وی داده شود.

لازم به یادآوری است، در روز جمعه ۳ دی ماه ۱۳۸۹ یک گروه ۱۰ نفره از نوکیشان مسیحی که برای برگزاری ایام کریسمس تولد عیسی مسیح در یک کلیسای خانگی در شهرستان دزفول گردهم آمده بودند توسط ماموران امنیتی اطلاعات بازداشت شدند. ماموران امنیتی ضمن بازداشت کلیه افراد، مسئول و خادم آن کلیسای خانگی بنام «نورالله قبیته زاده» را با دستبند و چشمانی بسته به همراه دیگر بازداشت شدگان به خانه ایی در مرکز شهر دزفول که گویا خالی از سکنه بوده و فقط چند مامور در آن حضور داشتند انتقال می دهند.

دیگر بازداشت شدگان مسیحی که برخی از آنان از شهرهای اندیمشک و اهواز به دزفول آمده بودند پس از انجام بازجویی از تک تک آنان و برخی پرسش ها در خصوص چگونگی گرویدن شان به مسیحیت و نحوه آشنایی شان با آقای نورالله قبیته زاده ضمن گرفتن تعهد و اثر انگشت از این افراد در

برای شناخت محبت

همان روز آنان را آزاد می کنند و از آنان خواسته می شود تا روز بعد به ستادهای خبری اطلاعات شهرهای محل سکونت خود مراجعه و خود را معرفی نمایند.

دومین شماره خبرنامه مجذوبان نور منتشر شد



جامعه امروز به مدد گسترش راههای ارتباطی با وجود برخی مضیقه ها و موانع در حال عوض شدن است. شاهد تغییر محسوسی در همه زمینه ها از ادبیات محاوره ای جامعه گرفته تا اصول مدیریتی و اقتصادی آن هستیم به شکلی که گسترش این تحولات حتی بر باور ها و الگوهای برخی جوامع نیز اثر گذار بوده است.

جامعه در اویش گنابادی نیز خارج از این جامعه زندگی نمی کند و متأثر از این تحولات می باشد، همه ما شنیده ایم جمله هایی که از عوض شدن دوره و تغییر حال و هوای امروز جامعه در اویش سخن میگویند، از اینکه دیگر حسینییه ها مثل سابق آن حال و هوا را ندارند که بعضا با ابراز تاسف گوینده نیز همراه است.

حال تصوف در این جریان چه جایگاهی دارد؟ در سازش با این تحولات است یا در تقابل؟ سوال اساسی تر آنکه آیا تصوف هم ردیف با مدرنیته است یا خیر باید هر کدام را در جایگاهی متفاوت بررسی کرد و در آخر تصوف موثر از این تحولات است یا به عکس اثر گذار بر تحولات روز جامعه می باشد؟

جامعه ی پویا، جامعه ایست که درک مقتضیات زمان خویش را کرده و از تحولات و اثرات آن آگاهی کامل داشته باشد، چنین جامعه ای جایگاه باورها و اعتقادات خود را دانسته و اثر گذاری و اثر پذیری ها را بررسی کرده است. جامعه ای که بر روند تغییر و تحولات ابراز تاسف نخواهد کرد بلکه مقتضیات را شناخته و برای ایجاد آسایش و امنیت اعضای جامعه خود برای رسیدن به جامعه ای پویا و منسجم تلاش می کند.

در این شماره علاوه بر انتشار اخبار در اویش گنابادی و اخبار روز جامعه، نگاهی کوتاه و گذرا به تأثیرات مدرنیته بر جامعه امروز خواهیم داشت.

اولین ملاقات خانواده مصطفی دانشجو با وی



خانواده مصطفی دانشجو وکیل در اویش صبح امروز پس از گذشت یکماه برای اولین با وی ملاقات کردند .

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ مصطفی دانشجو وکیل در اویش گنابادی که در تاریخ ۷ آبان ماه از زندان ساری به بند امنیتی زندان اوین منتقل شده بود ، صبح امروز ۱۰ آذر ماه برای نخستین بار با خانواده خود ملاقات داشت .

در ادامه این گزارش آمده است ؛ علاوه بر خانواده مصطفی دانشجو ، خانواده های دیگر در اویش زندانی آقایان حمید مرادی ، رضا انتصاری ، امید بهروزی ،فرشید یداللهی ، افشین کرمپور و امیر اسلامی که در بند امنیتی زندان اوین به سر می برند ، امروز با ایشان ملاقات داشتند .

یادآور می شود نزدیک به سه ماه از بازداشت غیر قانونی وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور می گذرد که در این مدت ایشان تنها دوبار از حق ملاقات با خانواده های خویش برخوردار بوده و علاوه بر این تاکنون وکلای این در اویش از حق دخالت در پرونده محروم شده اند .

تجمع زرتشتیان در اعتراض به ساخت و سازها در حریم دخمه یزد



گروهی از زرتشتیان بامداد روز، ۹ آذرماه در اعتراض به ساخت و سازهای غیرمجاز در حریم دخمه‌ی زرتشتیان در یزد، پیرامون گستره‌ی دخمه گرد هم آمدند. به گزارش «محبت نیوز» به نقل از امرداد پایگاه خبری زرتشتیان ایران، این گردهمایی که با پوشش خبری رسانه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی همراه بود، بامداد دیروز آغاز شد و باشندگان، پس از آن راهی فرمانداری یزد شدند تا مشکلاتشان را با مسوولان در میان بگذارند.



عکس: سروژ دهخود | Amordadnews.com

تارنمای خبری زرتشتیان



عکس: سروژ دهخود | Amordadnews.com

تارنمای خبری زرتشتیان



عکس: سروژ دهخود | Amordadnews.com

تارنمای خبری زرتشتیان



عکس: سروژ دهخود | Amordadnews.com

تارنمای خبری زرتشتیان

برای شناخت محبت



افزایش فشار بر بهاییان شیراز



کمیته گزارشگران حقوق بشر - کیوان کرمی، شهروند بهایی ساکن شیراز صبح دیروز ۹ آذرماه ۱۳۹۰ توسط ماموران امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات شیراز معروف به «پلاک ۱۰۰» منتقل شد.

صبح روز گذشته در حالی که ماموران وزارت اطلاعات ابتدا خود را مامور اداره‌ی آب معرفی کرده بودند با تهدید و ارباب در حالی که تنها همسر و دختر ۱۱ ساله کیوان کرمی در منزل بودند وارد خانه‌ی وی می‌شوند.

مامورین پس از ارائه‌ی حکم بازداشت و ضبط کامپیوتر شخصی و گوشی موبایل وی، کرمی را با خود به بازداشتگاه اطلاعات شیراز می‌برند. لازم به ذکر است پیگیری وضعیت وی توسط خانواده از سوی مقامات بازداشتگاه بی‌نتیجه مانده است.

این درحالی است که در ادامه‌ی فشارها بر شهروندان بهایی، افشین احسنیان، فرهام معصومی و وحدت دانا سه شهروند بهایی ساکن شیراز جهت گذران دوران محکومیت خود احضار و دو تن از آنها بازداشت شدند.

گزارش آماری نقض حقوق بشر – ویژه آبانماه ۱۳۹۰

خبرگزاری هرانا – نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بر اساس برنامه ماهانه خود که بیش از ۲۰ ماه از آغاز آن می‌گذرد، اقدام به انتشار گزارش آماری ماهانه از وضعیت حقوق بشر ایران ویژه آبانماه ۱۳۹۰ نمود.

در این نوشتار ۱۸۹ گزارش حقوق بشری منتشره آبانماه در ۱۱ رسته حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. و علاوه بر تلاش برای ارتقای دقت گزارشات تلاش شده است جنبه‌های آموزشی نیز در گزارش تقویت شود. بررسی حقوقی اخبار و گزارشات مهم و پرداختن به گزارشات که بیشترین و کمترین توجه را به خود را اختصاص داده است در کنار استفاده از محاسبات آماری و نموداری را باید از دیگر نکات برجسته این گزارش دانست.

ارزیابی عمومی در مورد اخبار نقض حقوق بشر در آبان ماه

در آبان ماه سال ۱۳۹۰، هم چون گذشته، نقض حقوق بشر در ایران به سبب رفتار طبقه ی حاکم و معضلات فرهنگی جامعه ی ایرانی در حوزه های گوناگون و به طور گسترده ای تداوم یافت. این مهم در حالیست که برخی از بارزترین گزارش های منتشر شده در ماه گذشته، مربوط به گذشته بوده و برای اولین بار در این ماه منتشر شده اند. این خود دلیل دیگری بر این مهم است که آمارهای جمع آوری و اعلام شده در هر ماه هرگز نمی توانند تمام موارد نقض حقوق بشر مربوط به آن ماه را به طور کامل در بر بگیرند و بسیاری از این آمارها دیرتر توسط واحد نشر، آمار و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گردآوری و منتشر می شوند و چه بسا اخباری که به دلیل منابع محدود و مشکلات گزارشگری در ایران، هرگز تحت پوشش قرار نمی گیرند. از جمله ی این موارد می توان به خبر مربوط به مرگ یک زندانی سیاسی به نام آرش ارکان اشاره کرد. آرش ارکان ۲۶ ساله، در تجمعات مردمی ۱۳ آبان ماه ۱۳۸۸ دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. این زندانی سیاسی دچار بیماری کلیوی بود و وضعیت این زندانی در طی دوران حبس به علت بی‌توجهی مسئولان زندان وخیم‌تر شد تا جایی که تنها سه روز پیش از مرگ او را به بیمارستان بقیه الله منتقل کی کنند و سرانجام آرش ارکان در روز نهم بهمن ماه ۱۳۸۹، پس از تحمل یک سال و سه ماه زندان در بیمارستان جانش را از دست داد. در ماه گذشته احمد محسنی گرکانی، رئیس دیوانعالی جمهوری اسلامی، از رسیدگی به ۱۰۰ پرونده ی تجاوز جنسی، که وی از آن ها تحت دو عنوان «تجاوز به عفت» و «زنای محصنه» نام برده؛ در مهرماه ۱۳۹۰ که منجر به صدور ۵۶ فقره قصاص و ۱۲ فقره اعدام شده است، خبر داد. علی افتخاری، معاون قضایی رئیس کل دادگستری خوزستان هم از اجرای ۹۴ حکم اعدام، قصاص نفس و عضو در این استان خبر داد. محدوده ی زمانی صدور و به اجرا در آمدن این احکام دوسال اخیر عنوان شده است.

تایید حکم اعدام یک نوجوان به نام شایان امیدی در گیلان توسط قضات دیوان عالی نیز از مهم ترین اخبار نقض حقوق بشر در آبان ماه محسوب می شود. شایان امیدی که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده است، به هنگام وقوع حادثه یعنی در ۱۵ مهرماه سال ۱۳۸۹، تنها ۱۶ سال سن داشته است.

بازتاب گسترده ی مسائل حقوق بشر در رسانه ها و شبکه های اجتماعی

در این قسمت به گزارش هایی در حوزه حقوق بشر پرداخته می شود که با وجود اینکه عموماً به نسبت سایر اخبار مرتبط در ماه گذشته حجم کمتری از نقض حقوق بشر را در بر داشته اند، رسانه ها و شبکه

های اجتماعی، که بازتابی از افکار عمومی محسوب می شوند، با توجه و حساسیت ویژه ای آن ها را دنبال کردند.

سعید ملکپور زندانی ای که توسط ارتش سایبری سپاه پاسداران به مدیریت سایت های پورنوگرافی فارسی زبان متهم شده است، مجدداً از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. گفته می شود این حکم قطعی نیست و مجدداً باید برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال شود. حکم اعدام آقای ملکپور پیش از این از سوی دیوان عالی کشور به دلیل «نقص در تحقیقات» نقض و برای تکمیل تحقیقات به دادگاه بدوی بازگردانده شده بود.

از سوی دیگر در روز عید قربان، یکی از مناسبت های مذهبی مسلمانان، پلیس امنیت تهران با مراجعه به مکانهای معین برای برگزاری نماز عید، از برگزاری نماز عید قربان اهل سنت ممانعت به عمل آورد و در برخی دیگر از کلان شهرهای کشور مانند اصفهان نیز با وجود مراجعات مکرر مردم اهل سنت ساکن در این شهرها و تقاضای مجوز برای برگزاری نماز عید، با اقامه نماز عید قربان توسط اهل سنت مخالفت شد. در موردی مشابه در ماه گذشته نیروهای امنیتی از سفر زیارتی حج «مفتی محمدقاسم قاسمی» و «مولانا احمد نارویی»، دو تن از شخصیت های برجسته اهل سنت ایران، به منظور سفر زیارتی حج، جلوگیری کردند. هم چنین کنستانتین بیرویلین، قائم مقام سازمان همکاری نظامی و فنی روسیه اعلام کرد این کشور چندین دستگاه پارازیت انداز سیار در اختیار ایران گذاشت و در حال مذاکره برای ارسال تجهیزات بیشتری است. به گفته ی وی این یک سیستم دفاعی است که امنیت حکومت ایران را تامین می کند. در رابطه با جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات، شرکت تکنولوژی های هوآوی (Huawei Technologies Co) نیز اخیراً تکنولوژی جدیدی را در اختیار دولت که صاحب امتیاز تمام سیستم های مخابراتی کشور می باشد، قرار داده است که با استفاده از آن و با نصب سیستمی پلیس می تواند افراد را در ارتباط با موقعیت مکانی تلفن های همراهشان ردیابی کند.

علاوه بر این ۷۰ طراح لباس در تهران یازداشت شدند که یکی از وبسایت های متعلق به بسیج علت آن را تربیت ۲۰۰ دختر برای مانکن شدن با آموزش های غربی عنوان کرده است. طراحی لباس یکی از رشته هایی است که به طور رسمی در برخی دانشگاه های کشور نیز تدریس می شود. تصاویر منتشر شده در رابطه با یکی از اعدام های انجام گرفته در ملاء عام هم نشان می دهد که کودکان نیز در این مراسم اجرای حکم حضور یافته بودند. نحوه ی برگزاری این اعدام که در قرچک ورامین صورت گرفت، بیانگر این مهم است که هیچ محدودیت سنی ای برای مشاهده اجرای حکم اعدام انسان ها از سوی دستگاه های ذیربط لحاظ نشده است.

اخباری که در رسانه ها و شبکه های اجتماعی مورد بحث واقع نشد

در این قسمت که به نوعی در تقابل با بخش قبل قرار می گیرد، آن دسته گزارشات حقوق بشری ای بررسی می شوند که با کم توجهی از سوی رسانه ها و شبکه های اجتماعی رو به رو شده اند. عدم استقبال به مسائل حائز اهمیت این چینی و رفتار گزینشی اهالی رسانه و عناصر فعال در شبکه های اجتماعی، علل گوناگونی مانند نوعی سیاست گذاری خاص در عرصه رسانه و همینطور سلیق مردم و مشکلات فرهنگی-آموزشی جامعه را در بر می گیرد. در نظر داشتن این مهم که چنین رفتار گزینشی ای کاملاً همسو با رفتار طبقه ی حاکم و رسانه های دولتی است نیز حائز اهمیت است.

بر همین اساس خبر صدور حکم اعدام برای بهروز آخانی، زندانی سیاسی محبوس در زندان مرکزی ارومیه از سوی دادگاه انقلاب به اتهام محاربه از طریق همکاری با گروه های معاند نظام به رغم

برای شناخت محبت

اهمیت، مورد توجه و بحث واقع نشد. این در حالیست که مسئولان این زندانی سیاسی محکوم به اعدام را به علت عدم شناسایی از سوی سایر زندانیان در بند مربوط به جرایم مواد مخدر محبوس کرده اند. همینطور ساکنان برخی از روستاهای شهرستان صحنه (استان کرمانشاه) با ابراز گله از وعده‌های مسئولین از نبود آب آشامیدنی و گاز در روستایشان شکایت نموده اند. این روستاییان برای تامین این نیاز اولیه به چشمه‌ها و چاه‌ها پناه می‌برند. در همین زمینه مسئولان اعلام کردند که ۱۱ روستای پل دختر در استان لرستان هم به دلیل آلودگی آب با نفت، با مشکل آب شرب مواجه اند. در خصوص وضعیت زندانیان سیاسی ای که با بیماری‌های جسمی مواجه اند، بایستی به رضا شهابی که از خردادماه سال ۸۹ تاکنون به صورت بلا تکلیف در زندان اوین به سر می‌برد و علاوه بر مشکلاتی در کبد و قلب دچار عوارض و درد و گرفتگی در گردن شده که باعث بی‌حسی در سمت چپ بدن و دست‌ان‌اش شده است و به دلیل شدت درد و بیماری به ناچار به کلینیک عراقی در شرق تهران برده شد؛ اشاره کرد. محبوبه کرمی، دیگر زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین نیز به علت کم‌خونی شدید وضعیت جسمی بدی دارد به طوری که به دلیل تشدید این بیماری دوبار در بند به حالت نیمه بیهوش درآمده است. حسین رونقی ملکی هم که به دلیل عدم انتقال به موقع به بیمارستان و عدم مرخصی استعلاجی یک کلیه خود را از دست داده و تحت عمل جراحی مجدد قرار گرفت، در حالی پس از عمل و علی‌رغم نیاز مبرم به رسیدگی پزشکی به زندان بازگردانده شد که در زندان دچار خوربیزی داخلی شد به طوری که لخته‌های خون در ادرار وی دیده می‌شود.

در گزارشی دیگر یک کودک کار توسط ۱۱ کارگر افغانی در پردیس کرج ربوده شد و در یک ساختمان نیمه‌کاره به قتل رسید. پزشکی قانونی علت مرگ این پسر نوجوان ۱۵ ساله، تجاوز دسته جمعی اعلام شد.

از سوی دیگر فشار بر درویش گنابادی که از تاریخ ۱۱ شهریور ماه در کوار آغاز و منجر به بازداشت و ضرب و شتم تعدادی از درویش ساکن در این شهرستان شد، مجدداً با بازداشت دو درویش گنابادی و تفتیش منازل و ضرب و شتم تتی چند از درویش ساکن در کوار ادامه یافته است. علاوه بر این نیروهای امنیتی با برقراری جو امنیتی در کوار، به خودروی خالی از سرنشین یکی از درویش گنابادی ساکن این شهرستان تیراندازی کردند.

یک رویداد مثبت

باز شدن دریچه‌های سد زاینده رود که پس از مدت‌ها آب را در بستر زاینده رود جاری کرد؛ می‌توان به عنوان رویدادی مثبت در ماه گذشته ارزیابی کرد. این رویداد جدا از شادی شماری از مردم اصفهان حضور آبریزان و پرندگان آبی بر بستر زاینده رود و زنده شدن حیات طبیعی در این رودخانه را در پی داشت.

برخی مستندات حقوقی و قانونی برای موارد گزارش آبان ماه

با توجه به اینکه خلاء آموزش در کنار اطلاع‌رسانی، به ویژه در زمینه‌ی حقوق بشر احساس می‌شود، در این بخش برخی از گزارش‌های نقض حقوق بشر ماه گذشته که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، به طور مختصر از لحاظ حقوقی بررسی می‌شوند.

در خصوص عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان بیماری که نیاز مبرم به مراقبت‌های ویژه دارند و در غیر این صورت وضعیت جسمی آنان روز به روز به وخامت می‌گراید و حتی در برخی موارد فجایی چون مرگ زندانی را به همراه دارد بایستی اشاره کرد که ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون حقوق زندانیان بر لزوم انتقال زندانیان بیمار نیازمند به معالجات ویژه و تخصصی به موسسات تخصصی یا

برای شناخت محبت

بیمارستان های غیرنظامی در خارج از زندان دلالت می کند. بیمارستان مورد اشاره باید تجهیزات لازم، تخت کافی، لوازم دارویی مناسب و پزشک متخصص و آموزش دیده برای مراقبت های پزشکی و درمانی از زندانی بیمار را داشته باشد. در این زمینه هم چنین ماده ۱۰۳ آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی جمهوری اسلامی نیز بیان می دارد که در موارد ضروری خروج محکوم از زندان برای معالجه بایستی با تایید بهداری زندان و اجازه رییس موسسه یا زندان و موافقت قاضی ناظر باشد. بایستی اشاره کرد این ماده که مربوط به قوانین داخلی نظام جمهوری اسلامی و زندان های کشور است، در بسیاری از موارد با مخالفت دادستانی و ماموران اطلاعاتی نقض می شود. صدور و اجرای احکام اعدام بر نوجوانان نیز در حالی در ایران دنبال می شود که در حال حاضر اعدام افراد زیر ۱۸ سال در بسیاری از کشورهای جهان منسوخ شده است. این مهم طبق ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که بر ذاتی بودن حق حیات تاکید می ورزد و همین طور ماده ۳ قطعنامه حمایت از حقوق محکومان به مرگ و بند ۵ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که از حقوق افراد زیر ۱۸ سال به طور خاص حمایت می کند، غیرقانونی است. بند ۲ ماده ۱ دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی به منظور الغای مجازات مرگ، بر تمامی اقدامات لازم در جهت منسوخ کردن مجازات مرگ در راستای احترام به حق حیات، که از حقوق ذاتی افراد است، تاکید می ورزد.

جا دارد اشاره شود که صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی نیز که در کشور تداوم دارد، در شهرستان ها با عدم اطلاع رسانی نیز مواجه می شود.

فشار بر اهل سنت و درویش گنابادی، به عنوان دو نمونه از اقلیت های مذهبی موجود در ایران هم نقض حقوقی هم چون آزادی تبلیغ دین، آزادی عقیده بیان و برابری مذهبی را می رساند. طبق ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هر شخصی حق دارد از آزادی دین و تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار آن بطور فردی یا جمعی و به طور علنی یا در خفا برخوردار باشد. همینطور بند ۱ ماده ۱ اعلامیه مربوط به اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی نیز از موجودیت و هویت ملی، قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت ها در سرزمین های خود حمایت و ایجاد شرایط را برای ارتقای این هویت مهم قلمداد می کند. بند ۱ و ۲ ماده ۲ همین اعلامیه نیز تاکید می دارد که اشخاص متعلق به اقلیت ها حق دارند در نهان و به طور علنی، آزادانه و بدون مداخله و یا هر شکل از تبعیض، دین خود را اعلام و به آن عمل کنند و به صورتی موثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی شرکت کنند.

ممانعت از گردش آزاد اطلاعات و نقض حق آزادی بیان با مدد گرفتن از تکنولوژی کشورهایی هم چون روسیه و چین هم در حالی با جدیدت توسط دولت ایران پی گرفته می شود که جدا از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بخشی از بند ۲۵ اعلامیه هزاره نیز صراحتا به تضمین آزادی رسانه ها برای اجرای نقش اساسی آنها و نیز حق مردم برای دسترسی به اطلاعات، اشاره می کند.

مقدمه آمار

بر اساس گزارش های گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در محدوده زمانی آبان ماه سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۸۹ گزارش از سوی حداقل ۵۰ منبع خبری یا حقوقی انتشار یافته است.

برای شناخت محبت

در بررسی موردی ۱۸۹ گزارش آبان ماه، تعداد ۲۶۳۶۴ مورد نقض حقوق که ۱۳۵۸۰ مورد آن نقض مستقیم حقوق بنیادین بشر با حضور آمر در تطبیق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعداد ۱۲۷۸۴ مورد آن نقض حقوقی که در عین وجود معاهدات بین المللی، نقض بنیادین حقوق بشر محسوب نمی‌شود ارزیابی شده است،

عمده موارد نقض حقوقی که علیرغم تاثیر مستقیم از سیاستگذاری‌های حکومت، اقدام مستقیم و منظم نقض حقوق بشر را در بر نمی‌گیرد، در حوزه کارگری و اصناف بوده است و حقوقی از قبیل اخراج، تعلیق، عدم دریافت دستمزد و فقدان امنیت شغلی بوده است.

بدیهی است گزارش‌هایی که در پی می‌آید با توجه به عدم اجازه دولت ایران به فعالیت مدافعان حقوق بشر تنها بخش کوچکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران است. در موضوع میزان خطای گزارش که حداکثر ۳ درصد در بحث منابع برآورد می‌شود باید اشاره کرد که ارگانهای خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران میزان ۲۹ درصد گزارش‌های این ماه را ارائه و مستند کرده‌اند، رسانه‌های حکومتی یا نزدیک به دولت میزان ۲۷ درصد و سایر منابع خبری-حقوقی غیر دولتی ۴۴ درصد گزارش‌ها را منتشر کرده‌اند که بدیهی است بخش آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران امکان زیادی برای مستند کردن گزارش‌های سایر گروه‌های خبری یا حقوقی ندارد و در این حوزه حسب تجربه و شناخت خود عمل می‌کند.

«در حال حاضر در گزارشی که پیش رو است، میزان موارد نقض حقوق نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۳٪ افزایش و نسبت به ماه قبل نیز ۳۳٪ کاهش داشته است.»

کارگری:

در آبان ماه سال جاری ۲۸ گزارش در مورد نقض حقوق کارگران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید که تعداد ۱۶ گزارش از آن گزارش‌هایی را در بر می‌گرفت که مستقیماً نقض حقوق بشر نبوده ولی مرتبط به سیاستگذاری‌های حکومت و همینطور حقوق مدنی است. مجموع موردی این نقض حقوق بالغ بر ۲۴۶۴ مورد است. بر اساس این گزارش‌ها ۳۰۰ کارگر به دلیل تعطیلی کارخانه و یا تعدیل نیرو از کار اخراج شدند، در مجموع ۶۵۸ ماه از حقوق کارگران در شرکت‌ها و کارخانجات مختلف با تعویق همراه بوده است که بر اساس آمار موجود بیشترین آن تعویق ۲۴ ماهه پرداخت حقوق کارگران شرکت آونگان بوده است. بر اثر سوانح در محل کار به دلیل فقدان ایمنی شغلی ۴ کارگر جان خود را از دست دادن و از سوی دیگر دستگاه قضایی کشور ۲ تن از فعالان کارگری را احضار و یک تن را بازداشت و شش تن را به ۳۴۲ ماه حبس محکوم کرد. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کارگران ۴۶٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۷٪ را شاهد بوده‌ایم.»

اقلیت‌های مذهبی:

در ماه گذشته از مجموع ۱۸ گزارش ثبت شده، تعداد ۶۳ مورد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۷ تن از شهروندان بهایی و درآویش گنابادی بوده است هم چنین ۱ تن از اقلیت‌های مذهبی به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد. ممانعت از دفن ۳ شهروند بهایی و ممانعت از فعالیت اقتصادی ۳ شهروند بهایی دیگر و جلوگیری از اجرای مراسم عید قربان توسط اهل سنت در تهران و اصفهان از جمله موارد نقض حقوق در این حوزه بوده است.

برای شناخت محبت

«طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ۸٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۲۱٪ را شاهد بوده‌ایم.»

اقلیت‌های قومی-ملی:

در ماه گذشته از مجموع ۹ گزارش ثبت شده، تعداد ۴۲ مورد نقض حقوق اقلیت‌های قومی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. از این تعداد می‌توان به بازداشت ۴ شهروند و احضار ۱ تن و محاکمه ۲۷ تن در این حوزه اشاره کرد، از سوی دستگاه قضایی دو تن از اقلیت‌های قومی را به ۳۶ ماه حبس محکوم کرد. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های قومی ۴۱٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۰٪ را شاهد بوده‌ایم.»

اصناف:

در ماه گذشته از مجموع ۸ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۰۴۵۴ مورد نقض حقوق اصناف در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۷۰ تن از طراحان لباس و محاکمه دو تن از وکلای درویش گنابادی، ۶۰ مورد پلمپ اماکن و ۸ هزار مورد عدم پرداخت حقوق معلمان از جمله موارد این گزارش بوده است. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اصناف ۳۳٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۳۷٪ را شاهد بوده‌ایم.»

فرهنگی:

در ماه گذشته از مجموع ۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۵۱ مورد نقض حقوق فرهنگی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. در این حوزه بایستی به احضار ۵۰ تن از فعالین مدنی به وزارت اطلاعات به دلیل ارتباط و همکاری با بی بی سی فارسی اشاره کرد. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق فرهنگی نسبت به سال گذشته تغییری نداشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۷۵٪ را شاهد بوده‌ایم.»

زنان:

در ماه گذشته از مجموع ۳ گزارش ثبت شده، تعداد ۵ مورد نقض حقوق زنان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. وقوع یک قتل ناموسی در تهران، یک مورد اسید پاشی در کرمانشاه از جمله موارد مهم این گزارشات بوده است. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زنان ۶۰٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۱۶٪ را شاهد بوده است.»

کودکان:

در ماه گذشته از مجموع ۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۳ مورد نقض حقوق کودکان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. از آمار ثبت شده می‌توان به یک مورد تجاوز و قتل کودک کار و هم چنین محکومیت یک نوجوان به اعدام از جمله موارد یاد شده در این گزارش است. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کودکان ۶۶٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است.»

اعدام:

برای شناخت محبت

در ماه گذشته از مجموع ۱۷ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۹ مورد صدور و اجرای حکم اعدام در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. در آبانماه سال جاری، حسب گزارشات به ثبت رسیده، ۸ شهروند به اتهام‌های مواد مخدر، قتل، ترور و تجاوز به اعدام محکوم شدند و ۲۱ زندانی نیز بر اساس اتهام قتل، جرایم مواد مخدر و تجاوز اعدام شدند.

سه زندانی نیز به اتهام تجاوز و قتل در ملاء عام و در شهرهای قرچک ورامین، نوشهر و دلفان اعدام شدند. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل صدور و اجرای حکم اعدام ۱۵٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۲۰٪ را شاهد بوده‌ایم.»

دانشجویان:

در ماه گذشته از مجموع ۲۰ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۵ مورد نقض حقوق دانشجویان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

این گزارش‌ها بازداشت ۹ دانشجو و محکومیت ۴ دانشجو به ۹۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند و از سوی دیگر نیز ۵ تن از دانشجویان نیز از حق تحصیل در دانشگاه محروم شدند. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق آکادمیک ۳۵٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است.»

زندانیان:

در ماه گذشته از مجموع ۳۱ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۳۱۱۶ مورد نقض حقوق زندانیان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

این تعداد گزارش مربوط به ۳۴ مورد شکنجه و یا ضرب و شتم زندانیان، ۸ مورد عدم رسیدگی پزشکی، ۱۹ مورد اعمال محدودیت مضاعف، ۳ مورد اجرای حکم شلاق، ۶ مورد عدم دسترسی به وکیل، ۶ مورد نقل و انتقال اجباری و ۱۳۰۳۱ مورد اعمال فشار و تهدید زندانیان بود. هم چنین ۱۰ مورد بلاتکلیفی و ۲۹ مورد اعتصاب غذا نیز از دیگر موارد نقض حقوق زندانیان لحاظ شده است. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زندانیان ۲۲٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۳۵٪ را شاهد بوده‌ایم.»

اندیشه و بیان:

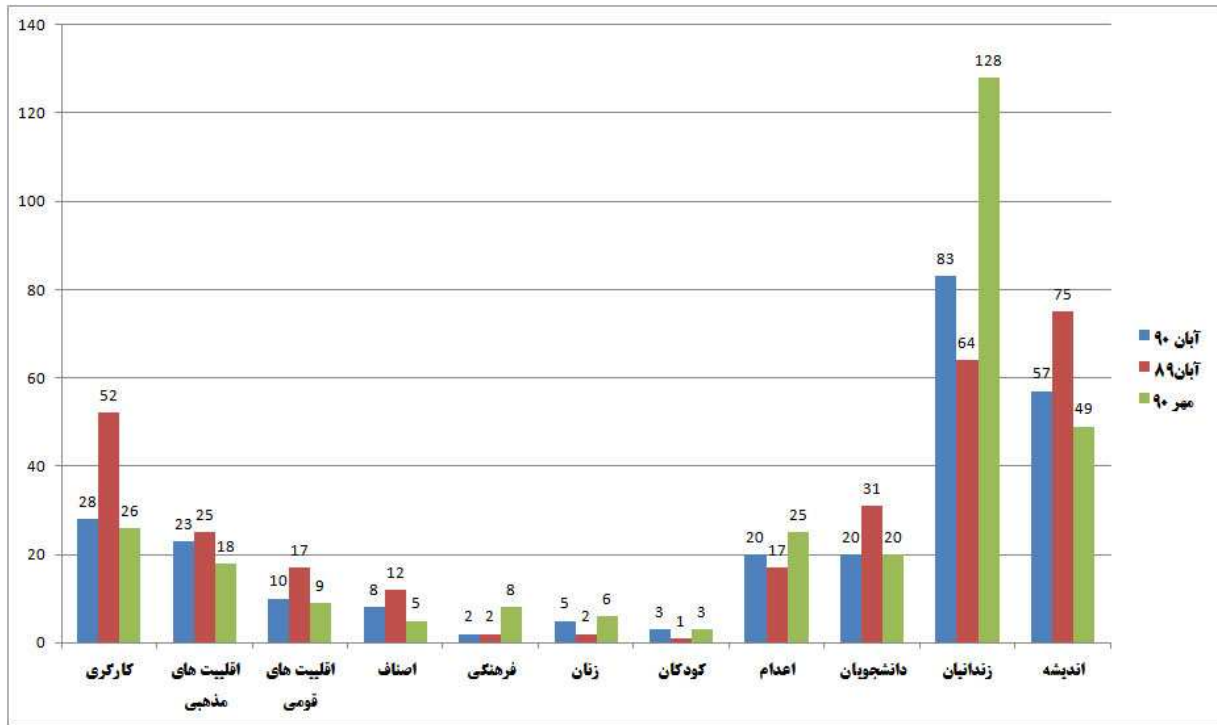
در ماه گذشته از مجموع ۵۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۹۱ مورد نقض حقوق در حوزه اندیشه و بیان توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. بر اساس این آمار ۲۲ تن از فعالین در این حوزه بازداشت، ۲۵ تن احضار به اطلاعات و دادگاه انقلاب و ۳ نفر دیگر نیز در دادگاه مورد محاکمه قرار گرفتند. همینطور ۱۵ تن از فعالین نیز جمعا به ۵۷۰ ماه حبس تعزیری و ۱۲۶ ماه محرومیت محکوم شدند. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اندیشه و بیان ۲۴٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۴٪ را شاهد بوده‌ایم.»

بررسی آمار

نمودارها

نمودار زیر مقایسه گزارش ماهانه بر اساس گستره رسته‌ها در آبان ماه ۱۳۹۰ است، همانطور که در ذیل مشاهده می‌کنید، زندانیان با ۳۲٪ و حوزه اندیشه و بیان با ۲۲٪ به ترتیب در رتبه اول و دوم تعداد موارد گزارش شده از سوی گزارشگران حقوق بشر قرار دارند.

برای شناخت محبت



تأکید سناتور بر «نشانه های هشداردهنده» در رفتار ایران
با بهائیان



سناتور کانادایی رومئو دالر که از حکومتش خواسته فوراً به «نیت [ایران] برای از میان بردن کَلّی یا جزئی جامعه بهائی به عنوان یک موجودیت مستقل دینی» بپردازد.

اتوا، کانادا، ۱۱ آذر ۱۳۹۰ (۲ دسامبر ۲۰۱۱)، سرویس خبری جامعه جهانی بهائی - رومئو دالر، سناتور کانادایی و فرمانده پیشین نیروی حفظ صلح سازمان ملل متحد که کوشید از نسل کشی دهه ۷۰ (دهه ۱۹۹۰) در رواندا جلوگیری کند، گفته که اقدامات فعلی ایران علیه بهائیان او را به یاد آنچه در آفریقا دیده می اندازد.

سناتور دالر گفت: «شباهت ها با آنچه در رواندا دیدم، مطلقاً غیر قابل انکارند، این اقدامات مثل هم هستند ... و در حقیقت به ظاهر با همان شور و حرارت به کار برده می شوند.»

او اخطار داد: «ما شاهد یک تمرین آهسته آمادگی برای نسل کشی هستیم.»

سناتور دالر نظرات خود را در جریان تحقیق سنای کانادا درباره آزار بهائیان ایران بیان کرد. او خطاب به سناتورهای دیگر گفت زندانی کردن بهائیان صرفاً به خاطر باورشان با وضعیت رواندا قابل مقایسه است.

سخنرانی سناتور دالر را اینجا بخوانید.

او گفت: «زندان های رواندا تقریباً به همان دلایل پر از مردم قوم توتسی بود. فقط جرم آنها به جای دین، بر مبنای قومیت شان بود.»

شباهت دیگری را می توان در آزار مدرّسان بهائی یافت که سعی می کنند در برابر تلاش های حکومت برای محروم کردن اعضای جوان جامعه از دانشگاه، به آنها آموزش دهند.

او گفت: «هر ایرانی که بهائی شناخته شود، از آموزش عالی، از داشتن سیمتی در حکومت، یا شرکت در روند سیاسی محروم است.»

«این حملات علیه رهبران و استادان بهائی به عنوان نقض حقوق بشر به اندازه کافی مشکل زا هستند. اما چون این موارد در بستر سرکوب شدید کَلّ جامعه بهائی توسط دولت ایران انجام گرفته، آزاردهنده تر نیز هستند. سناریوی مشابهی در رواندا انجام شد، جایی که اقلیت قومی توتسی در کشور خود اجازه دسترسی به آموزش عالی پیدا نکرد. آنها برای دسترسی به آموزش عالی باید کشور را ترک می کردند.»

در سال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴)، سناتور دالر فرماندهی مأموریت کمک به رواندای سازمان ملل متحد را بر عهده داشت که در نهایت در جلوگیری از کشتار دسته جمعی حدود ۸۰۰۰۰۰۰ رواندایی شکست خورد. او از آن زمان به سبب کار انسان دوستانه و دفاع دلیرانه اش از مردم تحت تهدید، در سراسر جهان مورد عزّت و احترام قرار گرفته است. او همچنین عضو کمیته مشاور دبیر کَلّ سازمان ملل متحد برای جلوگیری از نسل کشی بوده است.

برای شناخت محبت

او گفت وقتی حقایق و گرایش های مربوط به آزار بهائیان در ایران کنار هم قرار داده می شود، حدّ اقل به چیزی که او «نسل کشی ایدئولوژیکی» می نامد، بالغ می شود.

«یک عنصر اساسی نسل کشی ایدئولوژیکی نیت تخریب کلی یا جزئی جامعه بهائی به عنوان یک موجودیت دینی جداگانه است. همین نیت است ... که نیازمند توجه فوری و آگاهانه ماست.»

او گفت فراتر از آن اگر به سرکوب بهائیان در ایران رسیدگی نشود، امکان قساوت های دسته جمعی باقی می ماند.

«افزایش هشدار دهنده در زندانی شدن بهائیان و به ویژه رهبران شان، احکام نامتناسب و وثیقه های نامعقول و تبلیغات شرم آوری که بهائیان را شبه فرقه ای و بخشی از یک توطئه صهیونیستی برای تخریب دولت اسلامی ایران توصیف می کند، همه ... نادرست اند. این ها همه ابزاری برای تیرنه کردن آن حکومت از اقدامات عمدی خود جهت از میان بردن این دین در درون مرزهایش است.»

سناتور دالر گفت: «اشتباه نکنید، اینها فقط فهرستی از آزار در گذشته و حال نیست، بلکه نشانه های اخطار دهنده ای از قساوت های دسته جمعی و نسل کشی است. بگذارید شاهد مورد دیگری از آن نباشیم و نسبت به نتایج پیش رو کاملاً هشیار باشیم.»

نظرات سناتور دالر ضمن تحقیق سنای کانادا درباره مسئله آزار بهائیان ایران که توسط سناتور میینا جافر آغاز شد، ابراز گردید. سناتور جافر در سخنان خود در ۳۱ خرداد (۲۱ ژوئن) از کانادا خواست «گام های تازه ای» بردارد تا «از ایران بخواهد در برابر رفتار غیر قابل قبول خود با بهائیان پاسخگو باشد.»

در ماه اکتبر، سناتور هیو سیگال نیز در این بررسی حضور یافت و رنج وارده به بهائیان را، به ویژه چون آنها به عنوان یک «آئین صلح جو» شناخته می شوند که «همه ادیان را مقدس می دانند»، «روشنمد و ظالمانه» توصیف کرد

تهران: صدور حکم پنج سال زندان برای آقای عزیزالله سمندری

دسامبر 4, 2011

آقای عزیزالله سمندری ساکن تهران به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در یک سازمان غیر قانونی (یعنی مؤسسه آموزش عالی بهائی) به پنج سال زندان محکوم شده است. حکم او در مرحله تجدید نظر قرار دارد.

پیش تر گزارش شد که آقای سمندری همراه چهار نفر دیگر در ۲۵ دی ۱۳۸۷ (۱۴ ژانویه ۲۰۰۹) طی یورش هایی به خانه های ۱۲ بهائی در تهران توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شد. مأموران کامپیوترها، کتاب ها، سی دی ها و دیگر مطالب مرتبط با آئین بهائی را ضبط کردند. آقای سمندری در ۲۱ اسفند ۱۳۸۷ (۱۱ مارس ۲۰۰۹) با ارائه وثیقه ای به ارزش گزاف ۷۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال ایرانی (حدود ۷۳۴۵۰ دلار آمریکا) آزاد شد. او پس از دستگیری در زندان اوین بازداشت شده بود.

خبرهای کوتاه از ایران- مربوط به شهروندان بهائی

شیراز: دستگیری آقای میعاد مهدی زاده و آزادی او با قرار وثیقه

۰۲ آذر ۱۳۹۰ (۲۳ نوامبر ۲۰۱۱) آخرین خبرها از ایران: اخیراً آقای میعاد مهدی زاده ساکن شیراز که اکنون در نیروهای مسلح و مستقر در کرج خدمت می کند، به اتهام تبلیغ آئین بهائی دستگیر و پس از ارائه وثیقه ای به ارزش ۲۰ میلیون تومان (حدود ۲۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شد. ...
پورش به خانه های آقایان کمال اکبری و ذات الله دارابی توسط ۱۲ مأمور و ضبط وسایل

۰۲ آذر ۱۳۹۰ (۲۳ نوامبر ۲۰۱۱) آخرین خبرها از ایران: در ۱۰ آبان ۱۳۹۰ (۱ نوامبر ۲۰۱۱)، ۱۲ مأمور به خانه های آقای کمال اکبری و آقای ذات الله دارابی رفتند و ضمن بدرفتاری با آنها، کتاب ها و مطالب مربوط به آئین بهائی و دیگر وسایل شخصی آنها را با خود بردند. ...

بابل: صدور حکم یک سال زندان برای خانم شراره کاشانی نژاد و تعلیق آن برای پنج سال

۰۲ آذر ۱۳۹۰ (۲۳ نوامبر ۲۰۱۱) آخرین خبرها از ایران: خانم شراره کاشانی نژاد ساکن بابل به یک سال زندان محکوم و حکم او به یک دوره تعلیقی پنج ساله تبدیل شده است. همان طور که پیش تر گزارش شد، خانم کاشانی نژاد در ۱۴ خرداد ۱۳۹۰ (۴ ژوئن ۲۰۱۱) همراه شوهرش، آقای پژمان نیکونژاد، دستگیر شده بود. ...

تبریز: اخطار به پسر و عروس در زمینه مراقبت از گور پدر

اخیراً در شهر تبریز، عاملان وزارت اطلاعات آقای میثاقی و همسرش را مورد بازجویی قرار دادند. آقای میثاقی پسر آقای الله وردی میثاقی است که در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) به علت اعتقاد به دیانت بهائی اعدام شد. پس از مطرح کردن چندین سؤال درباره فعالیت های جامعه، مقامات اظهار داشتند که گذاشتن گل روی گورهای شهیدان [بهائی] تبلیغ محسوب می شود و از آقای میثاقی خواستند از گذاشتن گل روی قبر پدر یا مراقبت از سنگ گور خودداری کند. آقای میثاقی و همسرش نسبت به این مسئله اعتراض کردند و گفتند این خواسته ها را انجام نخواهند داد.

آقای الله وردی میثاقی در ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) در ممقان متولد شد. او که در اوایل دوران بزرگ سالی اش مزرعه دار بود، بعداً در دانشگاه تبریز مدرکی در ادبیات دریافت کرد و در مدرسه مشغول به آموزش شد. ازدواج کرده بود و پنج فرزند داشت. هنگام دستگیری در خانه اش در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ (۲۲)

آوریل ۱۹۸۰)، عضو محفل روحانی محلی بهائیان تبریز بود. او تا زمان اعدام در ۷ مرداد ۱۳۶۰ (۲۹ ژوئیه ۱۹۸۱)، زندانی بود.

کارشناس مذهبی : کلیساهای معتبر رغبتی به تبشیر ندارند!



محمد مسجدجامعی از روحانیون و تحلیلگران مذهبی و سیاسی جمهوری اسلامی ضمن انتقاد از مسیحیت تبشیری ادعا کرد که این مسئله سوء ظن همگان و منجمله مسلمانان را برمی‌انگیزد. وی مدعی شد کلیساهای معتبر امروز رغبتی به تبشیر ندارند!

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» محمد مسجدجامعی از روحانیون و تحلیلگران مذهبی و سیاسی جمهوری اسلامی در گفت و گو با سایت خبرآنلاین نزدیک به علی لاریجانی نماینده مجلس ایران، به بیان دیدگاه‌های خود در مورد انقلاب‌های اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به بررسی موقعیت مسیحیان این منطقه و نقش آنان در تغییرات سیاسی و اجتماعی جوامع مسلمان پرداخت. وی با اشاره به اینکه رابطه مسلمانان و مسیحیان خاورمیانه عموماً رابطه‌ای خوب و صمیمانه بوده گفت: «مسیحیت هرگونه که تعریف شود و از هر زاویه‌ای که نگریده‌ای شود پدیده‌ای خاورمیانه‌ای است. مسجد جامعه‌ای می‌گوید: « مسیح از خاورمیانه برخاست و در همین منطقه تبلیغ کرد و از همین منطقه بود که مسیحیت به نقاط دیگر راه یافت. شکل‌گیری اولیه ایمان و جامعه مسیحی از همین نقطه اتفاق افتاد.»

این کارشناس مذهبی با انتقاد از مسیحیت تبشیری ادعا کرد که این مسئله سوء ظن همگان و منجمله مسلمانان را برمی‌انگیزد. به ادعای او بودائیان و هندوها و حتی ارتدوکس‌ها و بعضی خود کاتولیک‌ها نسبت به مسئله تبشیر حساسیت دارند و حساسیت‌ها تنها از جانب مسلمانان نیست. او مدعی شد که کلیساهای معتبر، امروز رغبتی به تبشیر ندارند و احیاناً با آن مخالف هستند!

برای شناخت محبت

وی سپس افزود، برای ایجاد اطمینان و اعتماد بهتر است که کلیساهای بزرگ با شفافیت بیشتری حساب خود را از کلیساهای تبشیری جدا سازند که این جریان در نهایت به نفع همگان است!

اگر چه سخنان آخوند محمد مسجد جامعی در خصوص بشارت در مسیحیت سخنانی بیهوده است چرا که بشارت دادن و یا ترویج و رساندن پیام و کلام انجیل مسیح برای تمام کلیساها در دنیا با هر تفکر و اندیشه در بین تمام گروههای مسیحی در اولویت قرار دارد.

وی در حالی از گروههای مختلف مسیحی از جمله ارتدکس و کاتولیک ها به عنوان مخالفین تبشیر آئین مسیحیت نام می برد، که مسیحیان کاتولیک و شخص یاپ نیز بر موضوع «بشارت» اهمیت ویژه ایی قائل است و آن را یکی از وظایف کلیسای کاتولیک می داند.

پاپ بندیکت، معتقد است بشارت دادن و ترویج مسیحیت در بین مردم حق کلیسای کاتولیک است و گفته است کلیسای کاتولیک محق است و وظیفه دارد که مردم را به کیش مسیحیت در آورد و بشارت دادن آئین مسیحیت را یکی از وظایف کلیسا و همه مومنان به آن دانست. پاپ همچنین ضمن تاکید بر این موضوع به مسیحیان کاتولیک گفته است که آنها حق دارند دیگران را به کیش خود در آورند چرا که این مبین آزادی مذهبی است.

بشارت یکی از ارکان اصلی ایمان مسیحی است. آخرین کلامی که از عیسی مسیح در گوش شاگردان طنین افکند این بود: «شما در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان شاهدان من خواهید بود» (اعمال ۱: ۸). در متی باب ۲۸ آیه ۱۹ نیز می خوانیم که عیسی مسیح به شاگردان خود مأموریت می دهد که رفته، تمامی قومها را شاگرد سازند و آنان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهند. بنابراین در اهمیت «بشارت» شکی نیست.

شرایط وخیم چهار درویش گنابادی در زندان پیربنان شیراز

چهار تن از درویش گنابادی در شرایط بسیار بدی در زندان پیربنان شیراز نگهداری می شوند. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ آقایان فرزاد درویش ، محمد علی سعدی ، محمد جلال نیکبخت و حجت الله سعیدی که در تاریخ 16 مهرماه در سروسنجان بازداشت شده اند ، پس از انتقال ایشان به زندان پیربنان شیراز از ابتدایی ترین حقوق خود اعم از تغذیه مناسب ، خدمات درمانی و بهداشتی در زندان محروم هستند و تا کنون پیگیری خانواده های ایشان جهت رسیدگی به وضعیت این درویش و انتقال آنان به زندان عادل آباد شیراز بی نتیجه مانده است.

زندان پیربنان شیراز مخصوص نگهداری زندانیان معتاد و قاچاقچی و مجرمین خطرناک می باشد . لازم به ذکر است از این میان محمد علی سعدی یکی از مجروحینی است که در عصر روز ۱۳ شهریور ماه سال جاری به همراه شهید وحید بنانی و دو تن دیگر از درویش گنابادی در ورودی شهر کوار مورد اصابت گلوله نیروهای امنیتی قرار گرفت .

یاد آور می شود ، این درویش گنابادی در تاریخ ۲۱ تیرماه سال جاری از سوی شعبه اول دادگاه عمومی سروسنجان به اتهام اخلال در نظم عمومی به ۶ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شده بودند .

ممانعت نیروهای امنیتی از بازسازی زیارت گاه اهل حق



خبرگزاری هرانا - گروهی از پیروان آئین یاری (اهل حق) که قصد بازسازی زیارتگاه تخریب شده سید فرخ واقع در جلالوند کرمانشاه را داشتند با ممانعت نیروهای امنیتی مواجه شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از کرمانشاه، این عده که با هزینه شخصی خود قصد بازسازی این زیارتگاه را داشتند با جلوگیری نیروهای امنیتی مواجه شده اند.

زیارتگاه سید فرخ در روستای خوبیاران جلالوند در 70 کیلومتری جنوب کرمانشاه قرار دارد که توسط نیروهای حکومتی در تابستان امسال بصورت کامل تخریب شد. و تا کنون حتی اجازه آوار برداری تخریب های صورت گرفته نیز به اهالی منطقه داده نشده است.

منطقه جلالوند دارای حدود ۶۰ روستا است که اکثرا پیرو دین یاری هستند و حکومت با جلوگیری از برگزاری آیین های مذهبی سعی در شیعه کردن مردم این مناطق دارد.

بر اساس گزارشات رسیده اعمال فشار بر پیروان آئین یاری افزایش چشمگیری یافته است و هفته گذشته نیز سید میرزا حسینی از پیروان آئین یاری به اداره اطلاعات احضار و تهدید شده است که نباید مراسم مذهبی در جمخانه روستای «ده موسی» به جای آورد.

بازداشت و بی خبری از وضعیت سه شهروند اهل حق در کرمانشاه



با گذشت بیست روز از بازداشت سه شهروند اهل حق هیچ اطلاعی از وضعیت ایشان در دست نیست. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از کرمانشاه، سید محمد اکبری، خیرالله حق جویان و سید فرهاد ذوالنوری سه تن از شرکت کنندگان در دهمین سالگرد سید خلیل عالی نژاد بودند که از ۲۷ آبان ماه توسط نیروهای امنیتی منطقه (شهر صحنه) بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. ۲۷ آبان ماه همزمان با دهمین سالگرد سید خلیل عالی نژاد یکی از بزرگان آئین یاری (اهل حق) جمعی از پیروان این آئین برغم احضار و تهدید ۱۵ تن از ایشان بر سر مزار وی بر اساس رسوم چند ساله جمع شده و یاد وی را گرامی داشتند.

شش سال زندان برای مسلمان مسیحی شده؛

برای شناخت محبت



علیرضا سیدین، مسلمان زاده ای که چهار سال پیش به دین مسیحیت گرویده است در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد. محمد علی دادخواه، وکیل این متهم با اعتراض به حکم دادگاه به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «اتهامات موکل من تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور است. قاضی دادگاه گفت چون غسل تمعیدش در ترکیه بوده او به نوعی با این کار بر علیه نظام تبلیغ کرده است. قاضی دادگاه می گفت اینقدر کشیش در ایران است که می توانستند به او در همین جا غسل تمعید بدهند. استنباط قاضی دادگاه این بود که موکل بنده می خواسته با این کار بگوید که این قدر در ایران آزادی وجود نداشته که برای غسل تمعید به ترکیه رفتیم.»

محمد علی دادخواه در خصوص اتهامات دیگر موکلش گفت: «اتهامات دیگر موکل این بود که او فیلم غسل تمعیدش را در سایت ها پخش کرده و در این رابطه مصاحبه هایی هم داشته است. اتهام دیگر او داشتن کلیسای خانگی بود. او با چند نفر دیگر که آنها هم مسلمان های مسیحی شده بودند جلسات خانگی داشته است. اما آنها در دادگاه نبودند و فقط علیرضا محاکمه شد. بهر حال قاضی دادگاه همه این موارد را تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور عنوان کرد. من در دادگاه از موکل خیلی دفاع کردم و گفتم که همه اینها را که می گوید می تواند زیر مجموع اتهام تبلیغ علیه نظام قرار بگیرد و مجازاتش یکسال زندان است.»

علیرضا سیدین، ۳۱ ساله و مسلمان زاده از چهار سال پیش به دین مسیحیت گرویده و دارای کلیسای خانگی بوده است. او در سال ۱۳۸۹ بازداشت شد و پس از مدتی با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومان آزاد شد. اولین جلسه دادگاه این مسلمان مسیحی شده در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۸ آبان برگزار شد. او بر اساس حکم دادگاه بدوی به ۶ سال حبس تعزیری به اتهام تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور محکوم شده است. در حال حاضر وکلای این مسیحی در حال تنظیم دفاعیه برای دادگاه تجدید نظر هستند.

به گفته محمد علی دادخواه در حکم دادگاه موکلش صراحتا اعلام شده است که او می توانست در ایران غسل تمعید شود و اتهام اصلی او غسل تمعید در ترکیه و به نوعی تبلیغ علیه نظام است. به باور این وکیل پس از دادگاه های جنجالی یوسف ندرخانی، دادگاه ها دیگر اینگونه جریانات را دنبال نمی کنند و حتی اگر از مواردی هم آگاه باشند آن را ظاهرا مورد تعقیب قرار نمی دهند.

برای شناخت محبت

محمد علی دادخواه در خصوص فضای دادگاه و دفاعیات موکلش نیز گفت: «قاضی از او خیلی سوال پرسید، اینکه چرا به ترکیه برای غسل تمعید رفته است که موکلم هیچ پاسخی به این سوال نداد و همین طور در مقابل اتهام پخش فیلم غسل تمعیدش در سایت ها هم چیزی نگفت و بهر حال منکر نشد.»

تفکیک مذهبی زندانیان عقیدتی و سیاسی در زندان گوهردشت کرج

بنابه گزارشات رسیده به «فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران» تفکیک مذهبی و انتقال زندانیان عقیدتی و سیاسی بندهای مختلف زندان گوهردشت کرج به سالن 10 بند 4 زندان گوهردشت کرج روز یکشنبه 20 آذر ماه تعداد زیادی از زندانیان مذهبی هموطن اهل تسنن را از بندهای 1،2،4،6، زندان گوهردشت جدا نمودند و به سالن 10 بند 4 زندان گوهردشت کرج منتقل کردند. این زندانیان عقیدتی و سیاسی اکثرا از هموطنان کرد و بلوچ اهل تسنن و از استانهای کردستان و بلوچستان می باشند.

علی خادم معاون زندان گوهردشت کرج خود شخصا روز گذشته در بندهای 1، 2 و 6 حاضر شد و زندانیان سیاسی و عقیدتی اهل تسنن را جدا کرد و بطور علنی در این بندها اعلام می کرد که زندانیانی

که اعتقاد مذهبی اهل تسنن دارند باید به سالن 10 بند 4 زندان گوهردشت کرج منتقل شوند. بیش از 42 نفر از زندانیان عقیدتی اهل تسنن از بند 1 زندان گوهردشت به سالن 10 بند 4 زندان گوهردشت کرج انتقال یافتند.

این اقدام غیر انسانی تفکیک مذهبی برای اولین بار است که در زندان گوهردشت کرج به اجرا گذاشته می شود. به نظر می آید بعد از تفکیک جنسیتی در دانشگاه و محیطهای کار، رژیم ولی فقیه دامنه این تفکیکها را وسعت داده و این بار سعی دارد که تفکیک مذاهبی را هم به اجرا در بیاورد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، به اجرا گذاشتن طرح غیر انسانی تفکیک مذهبی هموطنان اهل تسنن در زندان گوهردشت کرج را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و سایر مراجع بین المللی خواستار بکار بردن اقدامات لازم جهت پایان دادن به اعمال و طرحهای سرکوبگرانه رژیم ولی فقیه علی خامنه ای دیکتاتور ایران می باشد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

کلینتون خواستار آزادی بدون قید و شرط یوسف ندرخانی شد

دسامبر 12, 2011

هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط یوسف ندرخانی، کشیش ایرانی شد. در همین حال نامه‌ای با امضای ۲۰۰ هزار شهروند آمریکایی در حمایت از کشیش ندرخانی به دولت آمریکا ارسال شده است.

خانم کلینتون گفت: «ما از تمامی دولت‌ها می‌خواهیم تمامی زندانیانی که به خاطر عقیده و اندیشه خود به زندان افتاده‌اند، از جمله کشیش یوسف ندرخانی را فوری و بدون قید و شرط آزاد کنند.»

اظهارات خانم کلینتون مقارن با روز جهانی حقوق بشر ایراد شد. سخنان هیلاری کلینتون درباره این کشیش ایرانی پس از آن بود که بیش از ۲۰۰ هزار شهروند آمریکایی بیانیه مرکز آمریکایی قانون و عدالت را امضا کرده و در آن خواستار اقدام دولت آمریکا برای نجات کشیش یوسف ندرخانی شده‌اند.

یوسف ندرخانی ۳۳ ساله که در سن ۱۹ سالگی به مسیحیت گراییده است، دو سال پیش به همراه همسرش در شهر رشت بازداشت شد و دادگاه بدوی در ۲۳ خردادماه آقای ندرخانی را به «ترک دین» و «دعوت سایر مسلمانان به مسیحیت»، «ایجاد یک کلیسای مخفی در خانه خود» و «ابراز مخالفت آشکار با اسلام» متهم کرد.

در متن حکم بدوی یوسف ندرخانی با تأکید بر «ارتداد» وی ذکر شده است که دادگاه پس از شنیدن اظهارات متهم، با توجه به «مسئله هشت از تحریر الوسیله» آیت‌الله خمینی و «فتاوی» اعلام شده از سوی مراجع تقلید، «متهم را به مجازات اعدام به طریق حلق‌آویز» محکوم کرده است.

عباس سلمان پور، وکیل آقای ندرخانی پیشتر در گفت و گو با رادیو فردا گفته بود حکم اعدام برای این کشیش پروتستان، نقض شده است.

وکیل آقای ندرخانی گفته بود: «حکم اعدام نقض شده و رسیدگی مجدد هم در شعبه صادرکننده حکم قبلی انجام شده و الان در انتظار صدور حکم جدید هستیم.»

مرکز آمریکایی قانون و عدالت، در بیانیه‌ای از موضع خانم کلینتون تقدیر کرده و گفته است: «ما ضمن تقدیر از سخنان وزیر خارجه آمریکا در حمایت از آزادی کشیش یوسف ندرخانی، کماکان از سازمان

برای شناخت محبت

ملل، سازمان کنفرانس اسلامی و سران کشورهای مسلمان می‌خواهیم این نقض جدی حقوق بشر دست به کار شوند و برای آزادی کشیش ندرخانی فشار بیاورند.»

این بیانیه می‌افزاید: «پیش بینی ما این است که نظر آیت الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در مورد این پرونده قرار است در ماه جاری اعلام شود و ما به تلاش‌های خود و همکاری با وزارت خارجه آمریکا برای نجات یوسف ندرخانی ادامه خواهیم داد.»

دیوان عالی کشور هم پیشتر در اطلاعیه‌ای اعلام کرده پرونده اتهامی «یوسف ندرخانی» کشیش مسیحی به دلیل «نقص تحقیقاتی» در این دیوان نقض شده و تاکنون نظر نهایی درباره آن داده نشده است. محمد علی دادخواه، دیگر وکیل آقای ندرخانی هم به رادیو فردا گفته بود این پرونده برای کسب نظر، به آیت الله علی خامنه‌ای ارجاع شده است.

مهلت سه روزه به شعله طائف شهروند بهایی جهت اجرای

حکم تبعید

برای شناخت محبت



کمیته گزارشگران حقوق بشر: **خبر تکمیلی:** بر اساس آخرین گزارش‌های رسیده و در پی پیگیری‌های خانواده طائف، مسئولان قضایی به وی سه روز مهلت داده‌اند تا مراجعه به شهر سمنان (شهر محل زندگی خود)، مقدمات انتقالش از این شهر را فراهم کند. شعله طائف، علاوه بر مدت حبس خود، به دو سال تبعید از شهر سمنان نیز محکوم شده است و پس از پایان یافتن مدت محکومیتش در زندان، موظف است که در شهری به جز سمنان، سکونت کند. گفتنی است، علی‌رغم پایان محکومیت وی و در حالی که خانواده ایشان منتظر آزادی او بودند، روز چهارشنبه، این شهروند بهایی، با دو سرباز به دادرسی اوین انتقال یافت تا مقدمات اجرای حکم تبعیدش فراهم شود.

خبر قبلی:

به رغم پایان دوران قانونی محکومیت خانم شعله طائف، شهروند بهایی ساکن سمنان، مقامات قضایی از آزادی وی ممانعت به عمل می‌آورند.

به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، دوران محکومیت یک ساله خانم طائف از روز چهارشنبه ۱۶ آذر به پایان رسیده است، با این حال، مسئولین زندان اوین در این روز اعلام کرده‌اند که باید ایشان را برای اجرای حکم ۲ سال تبعید، به اجرای احکام سمنان تحویل دهند. با این وجود به دلیل نداشتن مامور زن در دادگاه، ایشان را برای ۳ روز بیشتر در زندان اوین نگه داشته‌اند تا روز شنبه ۱۹ آذر به سمنان منتقل نمایند.

شعله طائف که در آذرماه سال ۸۸ بازداشت شده بود؛ بر اساس رای دادگاه انقلاب سمنان به تحمل یک سال حبس تعزیری در تهران و دوسال تبعید خارج از سمنان محکوم شده بود. اتهامات شعله طائف، «اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام به نفع بهائیت» عنوان شده بود.

شرایط وخیم چهار درویش گنابادی در زندان پیربنان شیراز

چهار تن از درویش گنابادی در شرایط بسیار بدی در زندان پیربنان شیراز نگهداری می شوند. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ آقایان فرزاد درویش، محمد علی سعدی، محمد جلال نیکبخت و حجت الله سعیدی که در تاریخ 16 مهرماه در سروسن بازداشت شده اند، پس از انتقال ایشان به زندان پیربنان شیراز از ابتدایی ترین حقوق خود اعم از تغذیه مناسب، خدمات درمانی و بهداشتی در زندان محروم هستند و تا کنون پیگیری خانواده های ایشان جهت رسیدگی به وضعیت این درویش و انتقال آنان به زندان عادل آباد شیراز بی نتیجه مانده است.

زندان پیربنان شیراز مخصوص نگهداری زندانیان معتاد و قاچاقچی و مجرمین خطرناک می باشد. لازم به ذکر است از این میان محمد علی سعدی یکی از مجروحینی است که در عصر روز ۱۳ شهریور ماه سال جاری به همراه شهید وحید بنانی و دو تن دیگر از درویش گنابادی در ورودی شهر کوار مورد اصابت گلوله نیروهای امنیتی قرار گرفت.

یاد آور می شود، این درویش گنابادی در تاریخ ۲۱ تیرماه سال جاری از سوی شعبه اول دادگاه عمومی سروسن به اتهام اخلال در نظم عمومی به ۶ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شده بودند.

انتقال دو زندانی بهائی به زندان پیربنو



خانه حقوق بشر ایران دو زندانی بهائی که نهم آذر ماه در شیراز بازداشت شده بودند از زندان مرکزی آن شهر به زندانی کوچکتر در نزدیکی این شهر انتقال داده شدند. دو تن از چهار زندانی بهائی که چهارشنبه نهم آذرماه ۹۰ در شیراز دستگیر و به زندان مرکزی این شهر، عادل آباد منتقل شده بودند، به زندانی در نزدیکی شیراز انتقال داده شدند. به گزارش «خانه حقوق بشر ایران»، روز گذشته به فرهام معصومی و وحدت دانا اطلاع داده اند که به زندان پیربنو انتقال داده می شوند. کیوان کرمی، فرهام معصومی، وحدت دانا و افشین احسنیان شهروندان بهائی شیرازی هستند که در سال ۸۸ بازداشت شده و مدتی را در بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز گذرانده و سپس با تودیع وثیقه آزاد شدند. زندان پیربنو در منتهی الیه جنوب شرقی شیراز؛ واقع در جاده کمربندی که از شهرک میانرود شروع می شود و به دهستان قره باغ منتهی می شود قرار داد. از وضعیت این زندان و امکانات آن اطلاعی در دست نیست.

علیرضا سیدیان به ۶ سال زندان محکوم شد.



آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» ، علیرضا سیدیان، مسلمان زاده ای که چهار سال پیش دین اسلام را ترک کرده است در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد. محمد علی دادخواه وکیل این متهم در گفتگو با کمپین حقوق بشر ایران، با اعتراض به حکم دادگاه گفت: «اتهامات موکل من تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور است.

وی افزود، قاضی دادگاه گفته است: چون غسل تعمید علیرضا در ترکیه بوده او به نوعی با این کار بر علیه نظام تبلیغ کرده است. قاضی دادگاه همچنین گفته است، انقدر کشیش در ایران داریم که می توانستند او را در همین جا (ایران) غسل تعمید بدهند.

به گفته وکیل ایشان گویا استنباط قاضی دادگاه این بوده که موکل بنده می خواسته با این کار بگوید که این قدر در ایران آزادی وجود نداشته که برای غسل تعمید به ترکیه رفته است. »

محمدعلی دادخواه در خصوص اتهامات دیگر موکلش گفت: «وی فیلم غسل تعمیدش را در سایت ها اینترنتی پخش کرده و در این رابطه مصاحبه هایی هم داشته است. اتهام دیگر او برگزاری جلسات خانگی بود. وی با چند نفر دیگر که آنها هم مسلمان های مسیحی شده بودند جلسات خانگی داشته است. اما آنها در دادگاه نبودند و فقط علیرضا محاکمه شد.

دادخواه افزود قاضی دادگاه همه این موارد را تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور عنوان کرد. وی گفت من در دادگاه از موکلم خیلی دفاع کردم و گفتم که همه اینها را که قاضی به آن اشاره می کند می تواند زیر مجموع اتهام تبلیغ علیه نظام قرار بگیرد و مجازاتش یکسال زندان است.»

علیرضا سیدیان، ۳۱ ساله و مسلمان زاده از دیگر همفکران یوسف ندرخانی است که از چهار سال پیش به فرقه غیر تثلیثی گرویده است گفته شده وی همچنین با دیگر همفکرانش جلسات خانگی برگزار میکرد .

علیرضا در سال ۱۳۸۹ بازداشت شده بود. اولین جلسه دادگاه این دگر اندیش مذهبی در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۸ آبان ماه سال جاری برگزار شد.

وی بر اساس حکم دادگاه بدوی به ۶ سال حبس تعزیری به اتهام تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور محکوم شده است. در حال حاضر وکیل ایشان در حال تنظیم دفاعیه برای دادگاه تجدید نظر هستند.

به گفته محمد علی دادخواه در حکم دادگاه موکلش صراحتن اعلام شده است که او می توانست در ایران غسل تعمید بگیرد و اتهام اصلی او غسل تعمید در ترکیه و به نوعی تبلیغ علیه نظام است. به باور این وکیل پس از دادگاه های جنجالی یوسف ندرخانی، دادگاه ها دیگر اینگونه جریانات را دنبال نمی کنند و حتی اگر از مواردی هم آگاه باشند آن را ظاهرن مورد تعقیب قرار نمی دهند.

محمد علی دادخواه در خصوص فضای دادگاه و دفاعیات موکلش نیز گفت: «قاضی از او خیلی سوال پرسید، اینکه چرا به ترکیه برای غسل تعمید رفته و به چه دلیل فیلم غسل تعمیدش را در سایت ها

برای شناخت محبت

منتشر کرده است که علیرضا در برابر این سوالات فقط سکوت کرد. طبق منابع خبری ایشان در حال حاضر با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شدند همچنین گفته می شود نامبرده در حال حاضر در یکی از شهرهای ترکیه بسر می برد.

فرقه به اصطلاح مسیحیان (غیر تثلیثی) افرادی هستند که با تعصب خاصی تعالیم یک واعظ آمریکایی به نام ویلیام م. برانهام را پیروی کرده و قبول دارند. برانهام کسی است که ادعا می کرد آخرین نبی خدا بر روی زمین است و آموزه تثلیث را آموزه ای شیطانی می پنداشت. طبق نظریه ایشان تنها کسانی نجات یافته اند که فقط در نام «عیسی» تعمیم یافته اند و تعمیم کسانی که به نام «پدر، پسر و روح القدس» تعمیم یافته اند مردود می باشد.

بازداشت دوباره یک دانشجوی نوکیش مسیحی در مشهد

آیا احسان بهروز دانشجوی نوکیش مسیحی ساکن مشهد که از اواسط آبان ماه ناپدید گردیده ، با وجود سپردن وثیقه هشتاد میلیون تومانی برای آزادی موقت در سال گذشته ، دوباره توسط ماموران امنیتی بازداشت شده است؟

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از منابع مسیحی مشهد ، اکنون نزدیک بیش از یک ماه است که دوستان و نزدیکان «احسان بهروز» دانشجوی نوکیش مسیحی ساکن مشهد از او هیچ اطلاعی ندارند.

یکی از دوستان احسان گفته است « در صفحه فیس بوک احسان پس از چند روز که از او خبری نبود ناگهان فعالیت‌هایی دیده شد که به نظر می رسید او حضور دارد. وقتی برای او پیام گذاشتم، شخصی به من جواب داد و گفت من احسان نیستم و از دوستانش هستم. احسان از من خواسته است که پیامهایش را کنترل کنم ! همان شخص که کنترل صفحه فیس بوک احسان را در اختیار داشت گفت که او دوباره به دادگاه احضار و بازداشت شده است.»

این دانشجوی 24 ساله مسیحی که در رشته مدیریت در دانشگاه مشهد تحصیل می کند ، 17 تیرماه سال 1389 (8 جولای 2010) وقتی که همراه با عده دیگری از ایمانداران مشهدی عازم شهرستان بجنورد از توابع استان خراسان به منظور دیدار و مشارکت با برخی مسیحیان آن شهر بودند در یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده توسط نیروهای امنیتی اداره کل اطلاعات خراسان بازداشت شدند .

این عده که ابتدا تعداد آنان 15 نفر ذکر شده بود ولی بعدا منابع آگاه تعداد آنان را 11 نفر ذکر کردند همگی به بازداشتگاه اداره اطلاعات واقع در بلوار وکیل آباد مشهد منتقل شدند. در آنجا 8 نفر پس

برای شناخت محبت

از حدود یک هفته بازجویی با اخذ تعهد آزاد شدند. اما احسان بهروز به همراه یک زوج مسیحی چون حاضر نشدند فرمهای تعهد را امضا کنند در همان محل در بازداشت باقی ماندند.

در تعهد نامه ها از آنان خواسته شده بود که ضمن رد اعتقادات دینی خود و انکار ایمان مسیحی ، از شرکت در هرگونه مراسم آئینی مسیحی و شرکت در جلسات کلیسائی در صورت آزاد شدن خودداری کنند . در میان این ۳ تن از بازداشت شدگان « احسان بهروز» به این دلیل که نامش در شناسنامه با عنوان « سید » درج شده است تحت فشار بیشتری قرار گرفت . آن زمان گزارش شد که مسئولان قضایی به خانواده او گفته اند اگر او ایمان مسیحی خود را انکار نکند به احتمال زیاد با حکم «ارتداد» روبرو خواهد شد

برای احسان در شعبه ۹۰۱ دادگاه انقلاب مشهد واقع در خیابان کوهسنگی تشکیل پرونده شد و هفته های متمادی او را در بازداشتگاه اطلاعات مشهد نگه داشتند تا بالاخره پس از گذشت ۳ ماه شعبه رسیدگی کننده به پرونده او در دادگاه انقلاب مشهد قرار بازداشت او را به قرار وثیقه ۸۰ میلیون تومانی تبدیل کرد. پس از تامین وثیقه او را بطور موقت تا زمان رسیدگی به پرونده اش آزاد کردند. این آزاد شدن ظاهری تا اواسط آبان ماه ادامه داشت. در این مدت احسان بهروز از لحاظ روحی به شدت تحت فشار بود و احساس می کرد عده ای دائم مراقب او هستند. او علی رغم همه فشارهای موجود به هیچ وجه حاضر به ترک کشور نمی شد.

اکنون حدود ۵ هفته است که هیچکدام از دوستان و نزدیکان احسان او را ندیده اند و نتوانسته اند با او تماسی بگیرند. خانواده او در پاسخ سوال دوستان احسان بطور سربسته می گویند که در مسافرت است. به نظر می رسد آنها از افشای بازداشت مجدد فرزندشان نهی شده اند.

باوجود همه شک و تردیدها بر اساس اطلاعات موثق نزدیکان احسان مطمئن شده اند که او بار دیگر بدون دلیل بازداشت شده است و هیچ خبری از علت دستگیری ، نحوه دستگیری ، اتهامات وارده به او و وضعیت فعلی پرونده اش در دست نیست.

دوستان احسان از این نکته بسیار تعجب زده و نگران هستند که به گفته آنها او در مدت بیش از یک سالی که از آزادی موقتش می گذشت مانند قبل و حتی بیش از گذشته خود را درگیر هیچ فعالیتی نمی کرد. آنها می گویند که احسان همیشه یک ایماندار مسیحی ساده است و بخصوص پس از آزادی موقت خود تلاش داشته است که در هیچ فعالیتی شرکت نکند که بتواند بهانه ای به دست ماموران اطلاعات یا دادگاه انقلاب بدهد. او به دوستان خود گفته بود که خانواده اش با زحمت بسیار زیاد وثیقه ۸۰ میلیونی مورد درخواست دادگاه انقلاب مشهد را فراهم کرده اند و او از این جهت در قبال خانواده اش احساس مسئولیت می کند.

بازداشت مجدد احسان بهروز ایماندار نوکیش مسیحی که در بار اول با اتهام ارتداد روبرو شده بود موجی از نگرانی را در مسیحیان ساکن مشهد سبب شده است. زندان مشهد و دادگاه انقلاب آن شهر به خاطر اجرای احکام اعدام بی سر و صدا و بدون طی مراحل قانونی زیر ذره بین فعالان حقوق بشر و جامعه جهانی قرار دارند.

یاد آور می شود در شهرهای مختلف کشور ، همزمان با نزدیک شدن ایام کریسمس و جشنهای تولد عیسی مسیح ، نیروهای اطلاعات و امنیت به تحرکات همیشگی خود علیه مسیحیان ایران شدت بخشیده اند. گزارشات نشان می دهد نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی بطور پی در پی به احضار و بازجویی نوکیشان مسیحی به مراکز امنیتی مبادرت می نمایند. در ایران هر سال با نزدیک شدن ایام

برای شناخت محبت

تولد عیسی مسیح (کریسمس) و جشنهای آغاز سال نو مسیحی (ژانویه) ، نهادهای امنیتی و قضائی جمهوری اسلامی فشارها را بر مسیحیان افزایش می دهند.

آزادی دو تن از درویش گنابادی

دسامبر 14, 2011



دو تن از درویش گنابادی ساکن کوار روز گذشته با قید قرارهای کفالت و وثیقه به صورت موقت آزاد شدند . به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ مهرداد کشاورز و علی جان دهقان دو تن از درویش گنابادی ساکن کوار هستند که روز گذشته ۲۲ آذرماه با تودیع قرارهای کفالت و وثیقه به صورت موقت آزاد شدند .

مهرداد کشاورز که در تاریخ ۳ آبان ماه توسط نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قانونی بازداشت شده بود با تودیع وثیقه ۵۰ میلیون تومانی و در همین حال علی جان دهقان که در تاریخ ۱۹ آبان ماه با یورش نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده بود با قرار کفالت آزاد شدند . یادآور می شود که در ماه گذشته شهرستان کوار در ادامه فشارها و بازداشتها بر درویش گنابادی ساکن منطقه شاهد موجی از بازداشت و آزار اذیت ایشان بود که منجر به بازداشت ۵ درویش گنابادی و تفتیش و بازرسی منازل دهها تن از درویش منطقه شد

محکومیت قطعی پنج شهروند مسیحی به ۵ سال حبس

دسامبر 15, 2011

خبرگزاری هرانا - دادگاه انقلاب پنج تن از مسیحیان ساکن شیراز به نام‌های پرویز خلیج، بهروز صادق خانجانی، محمد بلیاد، نازلی مکاریان و مهدی فروتن را جمعاً به تحمل پنج سال حبس قطعی محکوم کرده است.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پرویز خلیج، بهروز صادق خانجانی، محمد بلیاد و نازلی مکاریان که از سوی دادگاه انقلاب محکومیت قطعی دریافت کرده بودند، از سوی اجرای احکام دادگاه انقلاب احضار شدند.

گفتنی ست که مهدی فروتن از دو ماه پیش تاکنون در زندان پیرینو شیراز در بند معتادین به مواد مخدر محبوس است.

این شهروندان مسیحی هرکدام به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم‌اند. از سوی دیگر ماموران امنیتی برای وثیقه گذاران این افراد مهلت ۲۰ روزه‌ای تعیین کردند که در صورت عدم معرفی آن‌ها در مهلت مقرر وثیقه‌ها را مصادره نمایند.

اخراج پویا محمدی دانشجوی بهائی

دسامبر 16, 2011



پویا محمدی دهج دانشجوی بهائی رشته دندانپزشکی دانشگاه اصفهان از دانشگاه اخراج شد. به گزارش کمیته دفاع از حقوق پیروان ادیان/کانون دفاع از حقوق بشر در ایران این دانشجوی بهائی ساکن یزد پس از 2 ترم تحصیل در رشته دندانپزشکی دانشگاه اصفهان و در آغاز ترم 3 از دانشگاه اصفهان اخراج شد.

پویا محمدی که در کنکور 89 موفق به کسب رتبه 118 کشوری و 57 منطقه 2 در رشته تجربی شده بود موفق شد در رشته دندانپزشکی دانشگاه اصفهان پذیرفته شود. او پس از دو ترم تحصیل، از طرف حراست دانشگاه احضار و به وی اعلام کردند که بدلیل بهائی بودن حق تحصیل در دانشگاه را ندارد و او را از دانشگاه اخراج کردند.

در طول چند ماهه گذشته نزدیک به ۱۰ دانشجوی بهائی به دلیل «اعتقاد به آئین بهائی» از دانشگاه اخراج شدند. از این جمله می‌توان به روح‌الله تشکر، بشیر تشکر، البرز نورانی، آوا توکل، مونا مومنی، ارکیده آقایی، حنا کنعانی، هومن رحمانیان و ملیکا وزیرزاده اشاره کرد.

لازم به ذکر است در چند ماه گذشته موارد زیادی از اخراج دانشجویان بهائی دیده شده است. با آغاز سال جدید تحصیلی نیز همچون سال های گذشته تعداد زیادی از دانشجویان بهائی در مرحله انتخاب رشته و یا دریافت کارنامه اولیه با «نقص پرونده» روبرو شدند. «نقص پرونده» عبارتی است که بسیاری از داوطلبان بهائی کنکور کارشناسی و یا دانشجویان دگرااندیش و منتقد حکومت در کنکور کارشناسی ارشد با آن روبرو شده‌اند و از تحصیل محروم شده‌اند.

دولت جمهوری اسلامی ایران عملاً قانون اساسی خود را حداقل در 2 مورد ذیل نقض نموده است

اصل 14 :

برای شناخت محبت

به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تیروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.
اصل ۲۳:

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

دولت جمهوری اسلامی ایران عملاً اعلامیه جهانی حقوق بشر حداقل در 2 مورد ذیل نقض نموده است

ماده 18 اعلامیه جهانی حقوق بشر:

هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می‌تواند از این حقوق یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی بر خوردار باشد.

ماده 27- اعلامیه جهانی حقوق بشر:

الف هر کس حق دارد در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد.

ب- هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

در ایران، «می‌خواهند مسیحیان را بترسانند»

دسامبر 16, 2011



خبری نزدیک به مسیحیان ایران گزارش داده‌اند که از ابتدای سال جدید میلادی، ۲۰۱۱، بیش از ۷۰ نوکیش مسیحی به دست ماموران امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده‌اند. دستگیری‌های اخیر در حالی صورت می‌گیرد که مرتضی تمدن، استاندار تهران، روز ۱۴ دی‌ماه از آئین «مسیحیان تبشیری» به عنوان «جریان منحرف و فاسد» در مسیحیت نام برده و از بازداشت رهبران‌شان و نیز برخورد شدیدتر با آن‌ها خبر داد.

سام یقنظر، از رهبران مسیحیان فارسی‌زبان در لندن و مدیر موسسه مسیحی ایلام، در این مورد با رادیوفردا گفت‌وگو کرده است. رادیوفردا: آقای یقنظر، در ایران مسیحیان پروتستانی که به آنها تبشیری هم می‌گویند تحت فشار شدیدند و اخیراً مرتضی تمدن، استاندار تهران، آنها را با طالبان و وهابیون مقایسه کرده و منحرف و فاسد خوانده است. پاسخ شما به چنین اظهاراتی چیست؟

سام یقنظر: مسیحیت در ایران دو هزار سال قدمت دارد و یک دین ایرانی است و فرقه انجیلی در حدود ۲۰۰ سال است که در ایران فعالیت دارد و شناخته شده است و چند کلیسا بیشتر نیست.

چون در ظرف ۳۱ سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی حتی اجازه یک ساختمان کلیسا نداده، مسیحیان مجبورند در کلیساهای خانگی جلسات داشته باشند و دولت نمی‌تواند نظارت داشته باشد بر اینها. به این خاطر اینها را فاسد و طالبان می‌خواند. در صورتی که پروتستان‌ها و کلیسای انجیلی یا بشارتی دنیا ۶۳۸ میلیون نفرند در دنیا.

برای شناخت محبت

▪ یکی از ایرادهایی که به این فرقه از مسیحیت که همان طور که گفتید طرفداران بسیاری هم در سراسر جهان دارند، گرفته‌اند این است که انجیل را به زبان فارسی درس می‌دهند و می‌خوانند. در حالی که کلیساهای رسمی ایران اجازه چنین کاری را ندارند. این قانون با اعلامیه حقوق بشر تناقض دارد. کلیسای شما چه اقدامی در این زمینه انجام داده است؟

کلیساهای ایران، کلیساهای فارسی‌زبان ایران حق دارند که پرستش کنند. این در قانون اساسی ایران است که حقوق بشر را قبول کرده. از نظر قانونی ایران نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد. ولی از نظر غیرقانونی هر کاری که می‌خواهند می‌توانند انجام دهند.

این حق هر ایرانی است که هر باوری که می‌خواهد داشته باشد. یک نفر که جز زبان فارسی چیز دیگری بلد نیست، عیسی مسیح را به زبان خودش می‌تواند عبادت کند. قبل از رژیم جمهوری اسلامی مسیحیت به زبان فارسی در ایران مراسم انجام می‌داد و آزادی کامل داشتند.

▪ همان طور که می‌دانید در بریتانیا و کشورهای دیگر جهان بعضی از مسیحیان مسلمان می‌شوند و خانم‌های‌شان روسری سر می‌کنند و آقایان ریش می‌گذارند. برای عبادت به مسجدهای متعددی که در سراسر بریتانیا وجود دارد می‌روند. هیچ کس هم به آنها کار ندارد و در محل کار هم تبعیضی علیه آنها نیست. در حالی که در ایران جرم افرادی که از اسلام به دین دیگری بروند اعدام است. شما به این یک بام و دو هوا بودن ارزشی چه پاسخی دارید؟

این که آزادی یک نعمتی است که خدا به انسان داده و هر کس که این آزادی را از انسان بگیرد، مشککش با خود خداست.

قانون اساسی کشور ما هم می‌گوید که ما نباید باورهای مردم را تحت سوال بیاوریم و مواخذه کنیم. این قانون اساسی ایران است و ایران به قوانینی که قبل از جمهوری اسلامی بسته شده بین ایران و ممالک دیگر، آنها را به رسمیت می‌شناسد. چیزی که در ایران انجام می‌شود غیرقانونی است. در روز بعد از کریسمس، دو روز بعد از این که رئیس جمهور ایران آقای احمدی‌نژاد به مسیحیان عید کریسمس را تبریک گفت، دو روز بعد مامورینش ریختند خانه‌های مردم و در آن روز بیش از ۷۰ نفر را دستگیر کردند و آنها را بردند. الان از آن گروه هنوز ۱۴ نفر داریم که در زندان‌اند، در بخش ۲۰۹ اوین تحت بازجویی هستند، در سلول‌های انفرادی هستند. بیش از ۱۸ روز است که آنجا هستند.

در ضمن از آن روز به بعد عده بیشتری دستگیر شده‌اند. بیش از ۱۲۰ نفر در شهرستان‌های مختلف، در اصفهان، مشهد، اهواز، همدان، رشت، تهران، کرج و سراسر ایران رفتند مسیحیان را گرفتند، بازجویی کردند. سین جیم کردند. هدفی که دنبال می‌کنند این است که مسیحیان را بترسانند.

محکومیت یک شهروند بهایی در سمنان به هفت سال حبس



خبرگزاری هرانا - زهره نیک آیین شهروند بهایی ساکن سمنان از سوی دادگاه انقلاب این شهر به هفت سال حبس تعزیری محکوم شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از سمنان، «زهره نیک آیین» شهروند بهایی ساکن سمنان طبق حکم دادگاه انقلاب شهر مزبور به اتهام «تبلیغ علیه نظام، عضویت در ضیافت نوزده روزه، گروه علوم و فنون، طرح روحی و راه اندازی کلاس درس اخلاق برای کودکان بهایی» به هفت سال حبس تعزیری محکوم شد.

این حکم در روز پنجشنبه ۱۷ آذر ماه ابلاغ و ۲۰ روز برای درخواست تجدید نظر به نامبرده مهلت داده شد.

یادآوری می‌گردد زهره نیک آیین در اواخر اسفند ماه سال گذشته به همراه چند شهروند بهایی دیگر اهل سمنان مدتی بازداشت که در فروردین ماه با وثیقه معادل ۱۰۰ میلیون تومان آزاد شد.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- **اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی:** تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- **بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هیچکس را نمی‌توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.

برای شناخت محبت

- **بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.
- **ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر:** هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
- **ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر:** هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- **بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:** هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد.

وزیر امور خارجه آمریکا خواستار آزادی کشیش یوسف ندرخانی شد

دسامبر 17, 2011



خبرگزاری هرانا - با گذشت دو ماه از موافقت دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با لغو حکم اعدام یوسف ندرخانی، نوکش مسیحی و از رهبران کلیسای خانگی در ایران، وزیر خارجه آمریکا، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این کشیش ایرانی بازداشتی شد. همزمان نامه‌ای با امضای ۲۰۰ هزار شهروند آمریکایی در حمایت از کشیش ندرخانی به دولت آمریکا ارسال گردید.

به گزارش رادیو فردا، هیلاری کلینتون طی سخنانی مقارن با روز جهانی حقوق بشر گفته است: «ما از تمامی دولت‌ها می‌خواهیم تمامی زندانیانی که به خاطر عقیده و اندیشه خود به زندان افتاده‌اند، از جمله کشیش یوسف ندرخانی را فوری و بدون قید و شرط آزاد کنند.» سخنان هیلاری کلینتون درباره این کشیش ایرانی پس از آن بود که بیش از ۲۰۰ هزار شهروند آمریکایی بیانیه مرکز آمریکایی قانون و عدالت را امضا کرده و در آن خواستار اقدام دولت آمریکا برای نجات کشیش یوسف ندرخانی شده‌اند.

برای شناخت محبت

یوسف ندرخانی ۳۳ ساله که در سن ۱۹ سالگی به مسیحیت گراییده است، دو سال پیش به همراه همسرش در شهر رشت بازداشت شد و دادگاه بدوی در ۲۳ خردادماه آقای ندرخانی را به «ارتداد» و «دعوت سایر مسلمانان به مسیحیت»، «ایجاد یک کلیسای مخفی در خانه خود» و «ابراز مخالفت آشکار با اسلام» متهم کرد.

در متن حکم بدوی یوسف ندرخانی با تأکید بر «ارتداد» وی ذکر شده است که دادگاه پس از شنیدن اظهارات متهم، وی را به مجازات اعدام محکوم کرده است.

عباس سلمان پور، وکیل ندرخانی چندی پیش گفته بود حکم اعدام برای این کشیش پروتستان، نقض شده و رسیدگی مجدد هم در شعبه صادرکننده حکم قبلی انجام گردیده و در انتظار صدور حکم جدید هستیم.

همچنین، مرکز آمریکایی قانون و عدالت، در بیانیه‌ای از موضع کلینتون تقدیر کرده و گفته است: «ما ضمن تقدیر از سخنان وزیر خارجه آمریکا در حمایت از آزادی کشیش یوسف ندرخانی، کماکان از سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی و سران کشورهای مسلمان می‌خواهیم این نقض جدی حقوق بشر دست به کار شوند و برای آزادی کشیش ندرخانی فشار بیاورند.»

گفتنی است، دیوان عالی کشور دو ماه پیش اعلام کرده بود پرونده اتهامی «یوسف ندرخانی» کشیش مسیحی به دلیل «نقص تحقیقاتی» در این دیوان نقض شده و تاکنون نظر نهایی درباره آن داده نشده است.

محکومیت قطعی ۵ شهروند مسیحی به ۵ سال حبس

خبرگزاری هرانا - دادگاه انقلاب پنج تن از مسیحیان ساکن شیراز به نام‌های پرویز خلج، بهروز صادق خانجانی، محمد بلیاد، نازلی مکاریان و مهدی فروتن را جمعاً به تحمل پنج سال حبس قطعی محکوم کرده است.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پرویز خلج، بهروز صادق خانجانی، محمد بلیاد و نازلی مکاریان که از سوی دادگاه انقلاب محکومیت قطعی دریافت کرده بودند، از سوی اجرای احکام دادگاه انقلاب احضار شدند.

گفتنی است که مهدی فروتن از دو ماه پیش تاکنون در زندان پیربنو شیراز در بند معتادین به مواد مخدر محبوس است.

این شهروندان مسیحی هرکدام به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم‌اند.

کشته شدن یک شهروند پیرو «آیین یاری»

دسامبر 18, 2011



یک منبع محلی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت که شب پنجشنبه ۲۴ آذرماه نیروهای سپاه پاسداران در منطقه مرزی "بمو" از توابع شهرستان تازه آباد دو شهروند کرمانشاهی پیرو «آیین یاری» را به نامهای فرخ فرجی متاهل و دارای یک فرزند و حمید محمدی متاهل و دارای ۵ فرزند هر دو ساکن شهرک مهدیه شهرک کرمانشاه را مورد هدف تیراندازی مستقیم قرار داده‌اند.

به گزارش منبع یاد شده فرخ حمیدی به دلیل شدت جراحات در همان محل جان سپرده است. حمید محمدی نیز از ناحیه هر دو پا به شدت زخمی شده است و احتمال قطع هر دو پای وی وجود دارد.

یکی از نزدیکان این دو تن به این منبع محلی کمپین گفته است که این دو شهروند کرد به دلیل بیکاری به کاسیکاری مرزی روی آورده بودند و نیروهای سپاه بدون اینکه حامل هر گونه کالای خارجی بوده باشند، آنها مورد هدف قرار داده‌اند.

گفته می‌شود حمید محمدی هم‌اکنون در بیمارستان بیستون شهر کرمانشاه تحت مراقبت پزشکی و زیر نظر ماموران انتظامی قرار دارد.

یک فعال مدنی کردستانبه کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: به‌دلیل نبود زیرساختهای اقتصادی، عدم سرمایه گذاری برای ایجاد اشتغال پایدار، تبعیض در تقسیم درآمدهای ملی و افزایش

برای شناخت محبت

آمار فقر و بیکاری در مناطق کردنشین غرب کشور، مردم این مناطق مجبور به روی آوردن به کارهای کاذبی همچون کولبری و کاسبکاری مرزی می‌شوند. (کولبر به افرادی گفته می‌شود که کالاهای همچون پوشاک، چای و پارچه قاچاق را از مناطق صعبالعبور مرزی بر کول خویش حمل کرده و در شهرهای مرزی به فروش می‌رساند).

نیروهای نظامی مستقر در مرزها به بهانه مبارزه با قاچاق کالا سالانه دهها تن از شهروندان کُرد را به قتل می‌رسانند. بر طبق آمارهای گردآوری شده نیروهای نظامی در سال ۸۹ حداقل ۶۶ تن را به قتل رسانده و ۷۶ تن نیز را زخمی کرده‌اند.

عدم تعقیب قضایی این نیروها سبب گشته روند کشتار شهروندان مرزنشین روزانه افزایش پیدا کند. به گفته این فعال حقوق بشر در کردستان به دلیل موانع اطلاع رسانی آزاد و فشار بر خانواده این قربانیان در مناطق کردنشین تا به امروز نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر نسبت به چنین کشتارهای واکنش نشان نداده‌اند.

یوسف ندرخانی یک سال دیگر در زندان خواهد ماند!



یوسف ندرخانی دست کم باید یک سال دیگر را در زندان بماند تا پس از آن تکلیف حکم بحث برانگیز او مشخص شود.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، سایت پرزنت تروث که عمومن اخبار مربوط به ندرخانی و دیگر همفکران (غیر تتلیثی) آنان را از قول منابع نزدیک به ایشان منتشر می کند نوشت، «مقامات قضایی ایران می خواهند از این فرصت یک ساله استفاده کنند تا بتواند به گفته خودشان ندرخانی را به اسلام بازگردانند».

دمارس مسئول این وب سایت گفت: «رئیس قوه قضاییه، آیت الله صادق لاریجانی به قاضی دادگاه رشت دستور داده است که «به مدت یک سال هیچ کاری نکنید.»

ایشان از قول یکی از وکلای ندرخانی نقل کرد: «دستور این بود که در مدت تعیین شده حکمی صادر نشود و ندرخانی در زندان بماند. همچنین به دادگاه گفته شده است تا از هر وسیله برای وادار نمودن ندرخانی و بازگشت او به اسلام استفاده کنند.»

با افزایش فشار های بین المللی برای آزادی این دگراندیش مذهبی، دادگاه رشت تصمیم گرفت تا حکم سید علی خامنه ای را هم درباره اعدام شدن یا نشدن ندرخانی جویا شود. نقش رهبر جمهوری اسلامی در خبر اخیر مبنی بر ادامه بازداشت ندرخانی به مدت یک سال در زندان هنوز مشخص نیست.

«یوسف ندرخانی» ۳۶ ساله که همفکرانش از وی بعنوان کشیش خطاب می کنند وابسته به گروهی موسوم به «کلیسای ایران» است که در ۲۰ مهرماه ۱۳۸۸ تاکنون در زندان رشت بسر می برد وی متهم است که در سن ۱۹ سالگی از دین اسلام خارج شده است.

برای شناخت محبت

روایت يك نوکیش مسیحی از شکنجه و ضرب شتم



این نوکیش مسیحی یکی دیگر از صدها ایمانداری است که با وجود آنکه ذهن و روحش در یک خانواده مسلمان پرورش یافته اما با خواست قلبی و پس از آشنایی با آئین مسیحیت، با در نظر گرفتن شرایط سخت و ساختارهای امنیتی حاکم در جمهوری اسلامی به عیسی مسیح ایمان آورده است.

«عباس سارجالو نژاد» در سال ۱۳۸۷ آئین مسیحیت را برگزید و این درحالی بود که همسر او کمی قبل تر در سال ۱۳۸۵ به مسیح ایمان آورده بود. عباس به همراه همسر و کودک ۹ ساله اش مجبور شدند برای حفظ جان و امنیت خود ناخواسته شهر و دیارشان را ترک کنند و راهی دیار غربت شوند. روایت «عباس سارجالو نژاد» از سختی هایی که او و خانواده اش متحمل آن شده اند تنها بخشی ناچیزی از شرایط انسان های آزاده ایست که نور ایمان به مسیح در قلبشان طلوع نموده اما ظلمت و جهل حاکمان مستبد در ایران آنچنان عرصه برجانشان تنگ کرده که ناچار به ترک موطن خویش شده اند.

عباس ۳۷ ساله در توصیف شرایط خود به «محبت نیوز» می گوید: «... من حدود سه سال پیش توسط همسرم به عیسی مسیح ایمان آوردم، در ایمانمان شاد بودیم، به کلیسا می رفتیم و می خواستیم تا دیگران نیز در شادیمان شریک باشند. بشارت می دادیم و همه چیز در زندگیمان رنگ زنده و حقیقی به خود گرفته بود. تا اسفندماه سال گذشته که خانواده من از مسیحی شدنمان با خبر شدند و از آن هنگام بود که همه چیز دگرگون شد.»

-اطلاع یافتن خانواده عباس از ایمان آنها به مسیح

«... فرزند ۹ ساله عباس در کریسمس سال گذشته هدیه ایی از طرف کانون شادی کلیسا گرفته بود، وقتی خانواده مذهبی عباس به منزل آنها آمده بودند پسر کوچک هدیه کلیسا را آورده و به مهمانان نشان می دهد و می گوید که کلیسا این هدیه را به او داده است و همانجا آنها به این موضوع شك می کنند.»

همچنین در جلسات مذهبی که بمناسبت های اسلامی پدر و مادر عباس در خانه اشان برگزار می کردند آنها به هیچ وجه از زمانی که به مسیح ایمان آوردند در آن جلسات شرکت نمی کردند که این هم باعث شك و تردید آنها شده بود. که بعدن با گفته های پسر کوچکشان و هدیه کریسمس دیگر مطمئن شده بودن.»



-برخورد تهدیدات آمیز خانواده

عباس در مورد خانواده اش گفت: « آنها بسیار مذهبی و افراطی و برادرانش نیز از جمله بسیجیان فدایی سید علی خامنه ای بودند و همین موضوع مشکلات شدیدی را برای عباس و همسر و فرزندش به وجود آورد. عباس افزود: «مادرم سعی می کرد با پند و نصیحت نظرم را عوض کند او می پنداشت که ما گمراه شدیم و باید توبه کنیم، ولی از آنجا که موفق نشد و می دید که ما از ایمانمان با منطق و عشق دفاع می کنیم این موضوع را با دیگر اعضای خانواده در میان گذاشت. برادرم ابتدا با خشم و تهدید بر آن شد که ما را به اسلام بازگرداند. حتا با این باور که من توسط همسرم اغفال شده ام به من گفت که باید از همسرم جدا شوم.» این کشمکش ها تا فرودین ماه سالجاری (1390) به طول انجامید. در ۵ فرودین ماه برادر بزرگم به همراه یک آخوند و یکی از دوستان سپاهی اش با نام (شهرام سحرخیز) به منزل ما آمدند. در ابتدا آخوند سعی می کرد با زبان نرم و اندرز گونه ما را متقاعد کند که در اشتباه هستیم و گمراه شده ایم، او به قول خودش از زیبایی های دین اسلام می گفت [حرفهایی که تا آن روز هزاران بار شنیده بودیم] بعد از گذشت چند ساعت لحن گفتار آخوند عوض شد و حرفهای به اصلاح منطقی اش تبدیل به تهدید گردید تا جاییکه ما را دعوت به مباحله کرد. هنگامی که منزل ما را ترک می کرد شروع به اتمام حجت کرد و گفت حکم شما « ارتداد» است و جزای سنگینی در انتظارتان است. برادرم محکم به سینه من زد و گفت مطمئن باش تو تحمل رنج و درد را نداری و همگی منزل ما را ترک کردند».

من تهدید برادرم را جدی نگرفتم، چطور ممکن است برادری که دوران کودکی بسیار شادی با او داشتم روزی بخواهد برای من مشکل ایجاد کند»

-بازداشت و حضور ماموران امنیتی

روایت «عباس» از یورش شبانه ماموران وزارت اطلاعات به منزل ایشان و دستگیری اش توصیف شرایط تلخی است از آنچه دگراندیشان در ایران با آن روبرو هستند. عباس با یادآوری خاطرات تلخ آن شب به «محبت نیوز» گفت: «چند روزی از این ماجرا گذشت. شامگاه ۱۲ فروردین ۱۳۹۰، حدود ساعت ۸ شب، به همراه همسر و پسر در حال تماشای تلویزیون بودیم که صدای زنگ درب آپارتمان شنیده شد. همسر رفت تا درب را باز کند. ناگاه با شنیدن صدای همسر که انگار با چند نفر بحث می کند از اطاق خارج شدم. دیدم چهار مامور لباس شخصی که یک نفر از آنها بی سیم در دست داشت به

برای شناخت محبت

زور وارد خانه شده اند. گفتم با چه اجازه ای وارد منزل من شدید؟ مرد بیسیم به دست که حاجی خطابش می کردند گفت ما از اداره اطلاعات و امنیت ملی آمده ایم و احتیاج به اجازه و حکم نداریم. شوکه شده بودم. چرا که ما نه فعالیت سیاسی داشتیم و نه وابسته به هیچ حزب و گروهی. ناگهان به ذهن خودم خطور کرد که با پلیس تماس بگیرم ولی آنها مانع شدند و شروع به تفتیش منزل کردند. آنها حتی اتاق خواب ما را هم بازرسی کردند، حتی من سعی کردم تا مانع آنها بشوم و به آنها گفتم در اطاق خواب لوازم شخصی ما نگه داشته می شود، اما یکی از ماموران سیلی محکمی به صورتم زد. فرزندم ترسیده بود و گریه می کرد. از صدای گریه پسر و فریادهای همسر، مادر و پدر خانم من که در طبقه بالا منزلمان زندگی می کردند پایین آمدند. پدر خانم بنده سعی داشت که از آنها حکم بازجویی بخواهد ولی با رفتار توهین آمیز همراه با تهدید آنها مواجه شد.»

عباس ادامه داد: ماموران امنیتی آن شب تمام سی دی های ما که شامل کارتن های پسر من نیز می شد به همراه چند کتاب مسیحی همراه با 6 جلد انجیل و یک جلد کتاب مقدس و رسیور ماهواره را جمع کردند و با خود بردند. به من گفتند باید همراه ما بیایی. همسر من خیلی سعی کرد مانع از بردن من شود اما فردی که حاجی صدایش می کردند می خواست همسر من را نیز با خود بیاورند که با اسرار مادر همسر من و من از این کار منصرف شدند.»



-انتقال به نقطه ای نامعلوم – بازجویی

به گفته عباس، ماموران وزارت اطلاعات در آسانسور دستانش را از پشت با یک کمر بند پلاستیکی بستند و او را سوار بر یک خودروی پژو نمودند. او گفت: «زمانی که وارد اتوبان امام علی شدیم سر مرا با کیسه ای پارچه ای پوشاندند و با سختی در کف خودرو نگه داشتند تا متوجه مسیر نباشم. بعد از حدود سی چهل دقیقه وارد یک ساختمان شدیم. مرا از ماشین پیاده کردند و از چند پله پائین بردند. بعد از مدتی کیسه را از سرم برداشتند، داخل راهرویی بودیم با چندین درب فلزی کوچک که مرا در انتهای راهرو در داخل یکی از دالان های کوچک انداختند. نمی دانم چند ساعت در آن اطاق تاریک بودم ولی خیلی طول کشید. بالاخره پس از چند ساعت دو نفر آمدند و مرا برای بازجویی به اطاق دیگری منتقل کردند. درب را که باز کردند در روبروی من میز بزرگی بود که مردی درشت هیكل پشت آن نشسته بود. به محض وارد شدن به اطاق با ضربه ای به شکم نقش بر زمین شدم. متوجه شدم فرد دیگری هم در اطاق هست که من او را ندیده بودم. در این بازجویی که بیشتر وقت آن به ضرب و شتم توهین و تحقیر گذشت از من خواستند اسم کلیسایی که می روم، کلیسای خانگی و افراد کلیسا و نام

برای شناخت محبت

کشیش یا معلمین را به آنها بدهم. اینکه جواب درستی از من نشنیدند بر شکنجه های آنان اضافه می کرد. دو نفری که از من بازجویی می کردند یکی با خشونت و ضرب و شتم از من سوال می کرد ولی دیگری با نرمی با من صحبت می کرد. در دو روزی که من را در بازداشت نگه داشته بودند 2 بار بازجویی شدم. در نهایت با تعهدی که به من دیکته شد آزادم کردند و از من خواستند در دسترس باشم و گفتند که مرا تحت مراقبت قرار خواهند داد. پس از دو روز که به خانه برگشتم هم از نظر جسمی و هم روحی آسیب دیده بودم. تا مدتی احتیاط می کردم و کمتر به کلیسا می رفتیم و بیشتر در خانه دعا می کردیم. ولی از آنجا که نیاز به کلیسا و اتحاد در دعا داشتیم پس از گذشت سه هفته به کلیسا رفتیم. پس از چند جلسه کلیسا رفتن فکر کردم اتفاقی که برایم افتاده بود فقط تهدیدی از طرف برادرم بوده تا مرا بترساند و از ایمان بازدارد.»

-بازداشت مجدد و شکنجه

هفت صبح ۲۲ اردیبهشت ماه 1390 روزی بود که عباس بار دیگر در مقابل منزلش توسط چند لباس شخصی دستگیر و به اداره اطلاعات منتقل شد و به مدت یک هفته در بازداشت بود. در این مدت بارها از او بازجویی شد. بازجویی هایی که با شکنجه و شلاق همراه بود. آثار سوختگی سیگار تنها بخشی از سند جنایاتی است که او با آن دست و پنجه نرم کرده است. به شکنجه های جسمی می بایست آزار و فشار روانی و شکنجه های روحی را هم افزود. بازجویان به او می گفتند همسر و پسرش را نیز گرفته اند و به زندان انداخته اند. به عباس عکسی را نشان دادند که در کلیسا به همراه همسرش در آن دیده می شد. عباس می گوید: «از آنجایی که من انسان هستم ترس بر من غلبه کرده بود. ترس نه از جان خودم بلکه از جان همسر و فرزندم و آزاری که ممکن بود به آنها وارد شود ترسیده بودم، چرا که همه می دانند در زندانهای ایران علاوه بر تجاوز و شکنجه چه جنایاتی صورت می گیرد. آنجا متوجه شدم که از نظر دولت جمهوری اسلامی هر ایمان و اعتقادی به جز اعتقادات و پیروی کورکورانه از اسلام امنیت ملی را به خطر می اندازد.»

این نوکیش مسیحی پس از یک هفته آزار روحی و جسمی شدید به شرط همکاری با ماموران امنیتی با تعهد کتبی آزاد می شود. گویا کابوس آنچه در بازداشتگاه وزارت اطلاعات بر او گذشت و ترس از تکرار آن فجایع تمامی نداشت. او به همراه همسر و فرزندش مظلومانه مجبور به ترک خانه خود می شوند و به طور موقت مدتی را در منزل دوستانشان سپری می کنند.

در این میان ماموران امنیتی ضمن تماس تلفنی با موبایل همسر ایشان، از آنها خواسته می شود تا در اسرع وقت به ساختمانی در شعبه اتوبان همت ابتدای خیابان پاسداران حاضر شوند. پیش از این نیز از طریق برخی دوستان خود مطلع می شوند که چند تن از دیگر نوکیشان و ایمانداران کلیسا به وزارت اطلاعات احضار شدند. آنها چند روزی به آن مکان که احضار شده بودند مراجعه نکردند تا شاید اوضاع تغییر کند، اما خبر به آنان رسید که برخی از دوستانشان که پیش از این احضار شده بودند توسط ماموران اطلاعات بازداشت شده اند. بنابراین به ناچار تصمیم به ترک وطن می گیرند.

برگزاری دادگاه کامران رحیمیان و انتقال وی به زندان رجایی شهر

دسامبر 19, 2011



خانه حقوق بشر ایران کامران رحیمیان، شهروند بهایی پس از برگزاری دادگاه‌اش به زندان رجایی شهر منتقل شد.

عصر امروز کامران رحیمیان، شهروند بهایی به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. به گزارش «خانه حقوق بشر ایران»، امروز دادگاه کامران رحیمیان در حالی برگزار شد که هنوز خبری از نتیجه‌ی آن در دست نیست. وی پس از برگزاری دادگاه‌اش به زندان رجایی شهر منتقل شد. کامران رحیمیان در تاریخ ۲۲ شهریور ماه سال جاری به همراه همسر خود فاران حسامی، برادرش کیوان رحیمیان و همچنین شکیب نصرالله، همگی از مدرسین موسسه علمی بهاییان در زمینه روانشناسی، بازداشت شده بودند. این درحالیست که کامران رحیمیان و فاران حسامی دارای یک کودک خردسال هستند که در طول این مدت در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برد.

یورش گسترده‌ی ماموران اطلاعات به منازل شهروندان بهایی سنندج

دسامبر 20، 2011 خانه حقوق بشر ایران



ماموران مسلح وزارت اطلاعات با یورش گسترده به منازل شهروندان بهایی شهر سنندج، اقدام به تفتیش گسترده و ضبط انواع وسایل شخصی این افراد کردند. ماموران وزارت اطلاعات ساعت ۶ صبح روز ۲۸ آذر به منزل تعدادی از شهروندان بهایی ساکن سنندج به طور سیستماتیک یورش بردند. به گزارش «خانه حقوق بشر ایران»، ماموران وزارت اطلاعات که به طور همزمان به منازل تعدادی از شهروندان بهایی ساکن سنندج مراجعه کرده بودند، ضمن تفتیش گسترده‌ی منازل این افراد، به ضبط کتب، سی‌دی، چندین دستگاه کامپیوتر و لپ‌تاپ و بسیاری از وسایل شخصی ایشان اقدام کردند. این در حالیست که طبق اخبار رسیده به خبرنگار خانه حقوق بشر ایران، تعدادی از ماموران وزارت اطلاعات در این یورش، مسلح بوده و برخورد شدیدی با شهروندان بهایی این شهر داشته‌اند.

کنکور سال ۹۱؛ اقلیت ها حق شرکت در کنکور را ندارند

اگر چه در قسمت شرایط عمومی داوطلبین دفترچه کنکور از مسیحیان نام برده شده است که حق شرکت در کنکور را دارند اما بطور قطع منظور از مسیحیان از نظر جمهوری اسلامی همانا قومیت های ارمنه و آشوری کشور هستند.

طبق اطلاعات مندرج در دفترچه کنکور سراسری سال ۹۱، داوطلبان شرکت در کنکور سراسری باید معتقد به اسلام یا یکی از ادیان کلیمی، مسیحی یا زرتشتی باشند. گفته می شود بنا بر این تغییر، پیروان سایر ادیان از جمله بهائیان اجازه شرکت در کنکور سراسری را ندارند.

به گزارش «محبت نیوز» رهسا به نقل از جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی نوشت، در دفترچه امسال کنکور سراسری در قسمت شرایط عمومی داوطلبین در صفحه پنج این دفترچه عنوان شده است: «اعتقاد به اسلام و یا یکی از ادیان مصرح (کلیمی، مسیحی، زرتشتی) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». همچنین در قسمت دیگر ذکر شده است که «احراز شرایط عمومی داوطلبان به صورت استعلام است که به عهده مراجع قانونی می باشد».

این تغییر در دفترچه کنکور سراسری در حالی انجام می پذیرد که در تابستان امسال عده ای از داوطلبان بهائی کنکور سراسری که در اعتراض به درج مذهب اسلام در کارت ورود به جلسه کنکور به مراکز تعیین شده از سوی سازمان سنجش مراجعه کرده بودند با جواب های مشابه از سوی مسوولین مواجه شدند.

مسوولین این مراکز به داوطلبین کنکور اعلام کردند که طبق آیین نامه، شرکت بهائیان در کنکور مجاز نیست و آن ها حق ورود به دانشگاه را ندارند.

این تغییر آشکار رویکرد از سوی مسوولین در حالی است که سال هاست که بسیاری از بهائیان داوطلب شرکت در کنکور سراسری، هنگام دریافت نتیجه اولیه کنکور خود و یا نتیجه انتخاب رشته با عبارت «نقص پرونده» مواجه می شوند که از این جمله می توان به بیش از ۸۰۰ مورد «نقص پرونده» تنها در سال ۸۶ اشاره کرد. بعضی از بهائیان پذیرفته شده در دانشگاه های کشور نیز بعد از چند ترم تحصیل در دانشگاه اخراج می شوند.

به طور مثال تنها در سال ۹۰ بیش از ۲۰ دانشجوی بهائی از دانشگاه های سراسر کشور اخراج شده اند.

برای شناخت محبت

لازم به توضیح است که با توجه به اینکه در فرم ثبت نام کنکور هیچ کجا از مذهب داوطلبین سوال نمی‌شود و اشاره سازمان سنجش به احراز شرایط داوطلبین از طریق استعلام از مراجع قانونی، به نظر می‌رسد که «نقص پرونده» داوطلبین بهائی به دستور مستقیم نهادهای امنیتی و وزارت اطلاعات صورت می‌پذیرد.

اگر چه در قسمت شرایط عمومی داوطلبین دفترچه کنکور از مسیحیان نام برده شده است که حق شرکت در کنکور را دارند اما بطور قطع منظور از مسیحیان از نظر جمهوری اسلامی همانا قومیت های آرامنه و آشوری کشور هستند و گزینه ایی برای نوکیشان مسیحی که به فارسی تکلم می کنند وجود ندارد و یا اگر داوطلب با نامهای فارسی خود گزینه مسیحیت را انتخاب کند در بحث پذیرش قطعن شخص داوطلب مورد بازخواست قرار خواهد گرفت .

یدار و گفتگوی حمید حمیدی، با احمد شهید

برای شناخت محبت



حمید حمیدی

در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۱ در دیداری یکساعته با آقای احمد شهید و همکارانشان در بروکسل، در ارتباط با موارد زیر (به مثابه نقض آشکار حقوق بشر در ایران که از سوی حکومت اسلامی اعمال می‌گردد)، به گفتگو و اطلاع رسانی پرداختم

الف- نقض آشکار قانون توسط آقای خامنه ای در انتخابات دهم ریاست جمهوری

ب- بازداشت غیر قانونی دستگیر شدگان در پس از انتخابات

ج- گزارشی از وضعیت کیوان صمیمی، احمد زید آبدی، بهمن احمدی آمویی، عبدالله مومنی و فشارهای نیروهای اطلاعاتی و امنیتی بر خانواده زندانیان و وضعیت ژیلابنی یعقوب

ح- گزارشی از وضعیت فرشته شیرازی و دیگر زنان زندان

خ- ارائه مستنداتی در ارتباط با کشتار سال 1367 و ممانعت نیروهای اطلاعاتی و امنیتی برای بازماندگان در ارتباط با حق یاد آوری این جانبختگان در 10 شهریور و آخرین جمعه هر سال.

چ- ارائه مستنداتی در ارتباط با قتل‌های زنجیره ای و ممانعت در برگزاری مراسم سالانه توسط برخی از این خانواده ها و مسکوت نهادن قتل پیروز دوانی توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی

د- گزارش پیشنهادی-انتقادی در ارتباط با گزارش اولیه آقای احمد شهید

الف- نقض آشکار قانون توسط آقای خامنه ای:

یک روز پس از اعلام نتایج انتخابات از سوی وزارت کشور، آقای خامنه ای در پیام خود خطاب به مردم اعلام کرد:

«انتخابات ۲۲ خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه‌ئی در سلسله‌ئی طولانی انتخاباتی ملی پدید آورد. مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، يك جشن واقعی است که به حول و قوهی الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند.»

او در ادامه این بیانیه افزود: «از وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که با اخلاص و امانتداری کامل به وظیفه‌ئی خطیر خود صادقانه و سخت‌کوشانه عمل کردند...!»

بر اساس قانون انتخابات حکومت اسلامی، آقای خامنه ای مرتکب تخلف آشکار از قانون و باعث نقض حقوق دیگر کاندیداها شدند.

برای شناخت محبت

به موجب ماده 17 قانون انتخابات ریاست جمهوری وزارت کشور پس از وصول نظریه شورای نگهبان مبنی بر خاتمه انتخابات و امضای حکم ریاست جمهوری توسط مقام رهبری دستور امحای تعرفه و اوراق رأی را صادر خواهد نمود.

ماده 79 این قانون نیز مقرر می دارد که شورای نگهبان ظرف يك هفته و در صورت ضرورت حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری نظر قطعی خود را نسبت به انتخابات انجام شده به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور از طریق رسانه های گروهی نتیجه نهایی را به اطلاع مردم خواهد رساند.

طبق ماده 80 قانون مذکور هیأت های اجرایی موظف اند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رأی انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و ظرف 24 ساعت در جلسه مشترك هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان در شهرستان مربوط به آنها رسیدگی نمایند و نتیجه را صورت جلسه نموده و به وزارت کشور اعلام دارند.

تبصره 1 ماده 80 این قانون نیز تصریح می کند؛ کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می توانند ظرف سه روز از تاریخ اخذ رأی شکایت مستند خود را به ناظرین شورای نگهبان یا دبیرخانه این شورا نیز تسلیم دارند.

براساس ماده 83 قانون موصوف، وزیر کشور پس از وصول اعتبارنامه از شورای نگهبان، رئیس جمهور منتخب را به حضور رهبر یا شورای رهبری معرفی می نماید.

مستفاد از قانون یاد شده، مادامیکه فرایند اشاره شده که حداقل یک هفته پس از اعلام نتیجه انتخابات از سوی وزارت کشور به طول می انجامد، طی نشده و نظر شورای نگهبان مبنی بر تأیید نتایج انتخابات و خاتمه آن به وزارت کشور واصل نگردیده، هرگونه داوری در مورد صحت و سقم انتخابات و اطلاق رئیس جمهور منتخب به هر یک از داوطلبان ریاست جمهوری فاقد وجاهت قانونی است.

به بیان دیگر قبل از رسیدگی به اعتراضات و شکایات واصله در مهلت قانونی و تأیید صحت انتخابات از سوی شورای نگهبان و اعلام وصول آن توسط وزارت کشور، هرگونه اظهار نظر قطعی در مورد میزان مشارکت، آرای داوطلبان و سلامت انتخابات از وجاهت لازم برخوردار نیست. و این در حالیست که آقای خامنه ای درست یکروز پس از برگزاری انتخابات تمامی این موارد را با پیام خود نقض نمودند.

ب- بازداشت های غیر قانونی:

با توجه به موارد مطروحه در قسمت الف، میتوان اینگونه استنتاج نمود که انتخابات دهم نیز از جمله انتخابات مهندسی شده بوده که با طراحی های لازم، منجر به بازداشت تعداد بیشماری از افراد در پس از انتخابات گردیده است.

ج- گزارشی از وضعیت کیوان صمیمی و...

کیوان صمیمی مدیر نشریه توقیف شده نامه و عضو شورای صلح و دانشجویان محروم از تحصیل احمد زید آبادی، یکی از مسئولین دفتر ادوار تحکیم وحدت، روزنامه نگار و...

عبدالله مومنی از دانشجویان دفتر تحکیم وحدت و عضو ستاد حقوق شهروندی آقای کروبى بهمن احمدی اموی، روزنامه نگار و نویسنده

تمامی این افراد به اتهامات بی اساس بازداشت و بدون روند دادرسی عادلانه به احکام غیرعادلانه محکوم گردیدند.

برای شناخت محبت

علاوه بر رفتار ناشایست با این افراد از سوی بازجویان و نیروهای امنیتی، در ملاقات های ادواری با خانواده هایشان، این افراد، بصورت ابزاری مورد استفاده نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قرار گرفتند. (برآورده نمودن خواست بازجویان از کمترین شروط ملاقات با خانواده ها بود.)

هم چنین با بیان وضعیت ژیلای بنی یعقوب (همسر بهمن احمدی امویی) مبنی بر ممنوع القلم نمودن و هم چنین محرومیت از فعالیت های روزنامه نگاری و اجتماعی در ارتباط با آزار و اذیت ایشان در ملاقات های ادواری مطالبی مطرح گردید.

ح- گزارشی از وضعیت فرشته شیرازی و دیگر زنان زندان:

ارائه لیستی از زنان زندانی (در حوزه فعالین اجتماعی و زنان و زندانیان عقیده و بیان) و تاکید بر ناعادلانه بودن تمامی این احکام، به آخرین نمونه آن فرشته شیرازی اشاره گردید. او در شهریور سال 1380 به ستاد خبری وزارت اطلاعات در شهر آمل فراخوانده شد. وی در مصاحبه ای در همان زمان با تغییر و برابری چنین گفت:

«امروز برای سومین بار با تماس تلفنی از ستاد خبری برای بازجویی احضار شده ام و از من خواسته شده ساعت 10 صبح برای ادای پاره ای از توضیحات در مورد فعالیتیم در کمپین یک میلیون امضا به ستاد خبری مراجعه کنم».

فرشته شیرازی که پیش از این در روزهای 21 و 22 مرداد نیز پس از تفتیش منزل و محل کارش در ستاد خبری مورد بازجویی قرار گرفته است در خصوص روند احضار و تفتیش منزل و محل کارش گفت: « روز چهارشنبه 21 مرداد، پنج مامور لباس شخصی به محل کارم که کارگاه خیاطی است مراجعه کردند. دخترم در را باز کرد و من مانند تنم نبودم. خواستم در را ببندم که یکی از ماموران پایش را لای در گذاشت و با زور به داخل آمدند. یک نفر از آنها حکمی را به من نشان داد که متوجه شدم با برگه ی دادستانی قصد بازرسی منزل را دارند اما هیچ کدام کارت شناسایی نشان ندادند. با این که حکم تفتیش منزل را داشتند محل کارم را هم مورد بازرسی قرار دادند و به همکارم که شدیداً ترسیده بود اجازه ندادند از روی صندلی تکان بخورد. بعد از مدتی گفتند باید به منزل برویم. دو مامور در محل کارم ماندند و من به همراه سه نفر دیگر به منزل رفتیم. تمام کمد ها و لوازم شخصی پسر و دخترم را نیز مورد بازرسی قرار دادند و در نهایت تعدادی دفترچه کمپین دستنوشته های شخصی، تعدادی سی دی و کیس کامپیوتر و دفتر تلفن منزل را به همراه بردند».

این فعال کمپین ادامه داد: «بعد از ضبط وسایل به محل کار برگشتیم و اصرار داشتند پشت برگه ای از من تعهد بگیرند که روز شنبه خود را به ستاد خبری معرفی کنم که به آنها گفتم تا نخوانم هیچ برگه ای را امضا نمی کنم. در نهایت یکی از ماموران که با لحن تند حرف می زد برگه ای را نشان داد که روی آن از اتهام مخالفت با نظام و نشر اکاذیب و ارتباط با سایت ها و رسانه های خارج از کشور از مواردی بود که قید شده بودند و برگه مهر دادستانی داشت. فردای همان روز تماس گرفتند که منتظر تماس آنها بمانم». شیرازی در مورد محور سوالاتی که در طی دو روز بازجویی ها از او پرسیده شده و نیز برخورد ماموران در بازجویی هایش گفت: « یک هفته بعد از تفتیش منزل و محل کارم تماس دیگری گرفتند و به ستاد خبری احضار کردند».

روزهای دوم و سوم شهریور بازجویی شدم. نکته ی جالب این بود که من با پسرم به ستاد خبری مراجعه کردم و تصور می کردم که او باید در اتاق دیگری منتظر بماند که بازجو گفت چه بهتر که پسرتم همراهت هست وگرنه من مجبور می شدم از یکی از برادران بخواهم که اینجا بنشیند چون شما زن هستید نمی شود من تنهایی بازجویی کنم! به هر حال این بازجویی ها که در مورد کمپین و

برای شناخت محبت

موضوعات دیگری مانند نوشته های وبلاگ خودم و دوستانم در آمل بود با در حضور پسر اماده پیدا کرد و با تهدیدهایی همراه بود که مرتبا تکرار می شد.

در بسیاری از موارد پسر هم مورد سوال قرار می گرفت و به او گفته می شد که مادرت دادگاهی می شود یا به فکر وکیل باشید و این فضا بسیار آزار دهنده بود.

این برخوردها تا جایی پیش رفت که سوالاتی در مورد بهائیت از پسر پرسیده شد که او می گوید در این لحظه های سخت و جاهایی که تهدید به بازداشت من می کردند قلبش به شدت می زد و پاهایش می لرزید».

فرشته شیرازی در انتها در حالی که از استرداد کیس کامپیوترش خبر داد گفت امروز سه شنبه 10 شهریور برای سومین بار او را به ستاد خبری احضار کرده اند: « از من خواسته شد که امروز سه شنبه دهم شهریور برای سومین بار به ستاد خبری بروم.

اما باز هم با تماس تلفنی احضار شده ام و در مقابل مقاومت من برای این که ادامه ی این بازجویی ها بر چه اساسی است به من گفته شد ما به خاطر بیماری تان مراعات می کنیم وگرنه سوالات اصلی از شما هنوز مانده و در مورد کمپین قرار است شخص دیگری به طور مفصل از شما سوال کند».

فرشته شیرازی درحالی بازداشت گردید که دختر وی الهام محسنی دو روز قبل به خاطر شرکت در مراسم آب بازی در پارکی در آمل نیز بازداشت شده بود.

ششم مهر ماه 1380 دادگاه فرشته شیرازی در دادگاه آمل برگزار شد. اقدام علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب، توهین به مسئولین از جمله اتهاماتی است که به او تفهیم شد که فرشته نیز اتهامات مذکور را نپذیرفت.

فرشته شیرازی، فعال حقوق زنان و مادر دو فرزند روز 12 شهریور بعد از اینکه به دفتر وزارت اطلاعات در آمل احضار شد دستگیر و به زندان آمل منتقل شد. دلیل اصلی دستگیری او تا کنون نیز نامعلوم است ولی گمان می رود به پرونده ای که دو سال قبل در رابطه با فعالیتهای حقوق زنانش و نوشته ها در بلاگش علیه او باز شد ارتباط داشته باشد.

دو سال پیش در 21 و 22 مرداد، فرشته شیرازی به دفتر وزارت اطلاعات در آمل احضار شد و درباره کارزار یک میلیون امضا، دوستانش در آمل، و همینطور نوشته هایش در رابطه با این کارزار در بلاگ شخصیش مورد بازجویی قرار گرفت.

از زمان بازداشت، وی تاکنون امکان ملاقات باپسرش را نداشته است. او به همراه حدود 90 زندانی زن دیگر در اتاقی 60 متری بصری برد. داشتن سابقه بیماری و تشنج، وضعیت نامناسب زندان و فشارهای روحی و روانی بر او، خانواده و همراهان فرشته را در مورد سلامت او به شدت نگران کرده است. هم چنین یادآور شدم که برادر فرشته قربانی از جمله افرادیست که توسط حکومت اسلامی با محاکمات غیر عادلانه اعدام و در خاوران مدفون است. در پایان ضمن بیان بیماری فرشته و شرایط نامناسب زندان آمل، توجه آقای احمد شهید را به تمرکز بیشتر در خصوص زنان زندانی جلب نمودم.

خ- ارائه مستنداتی در ارتباط با کشتار سال 1367 و ممانعت نیروهای اطلاعاتی و امنیتی برای بازماندگان....

در این ارتباط یک نسخه از فیلم مستند نگاهی به کشتار تابستان 67(آنجا روزی باغ خواهد شد) که سالها پیش با امکانات بسیار ناچیز، آن جنایات را مورد بررسی قرار داده بود به ایشان ارائه و با توجه به اینکه حق مراجعه بازماندگان در گلزار خاوران و سایر اماکنی که این جانباختگان در گورهای دسته جمعی در آن آرمیده اند، از حقوق اولیه تمامی بازماندگان به جهت مراسم بزرگداشت و یادبود آنها می

برای شناخت محبت

باشد، نه تنها نادیده گرفته میشود، بلکه در سالهای اخیر مواردی از بازداشت و آزار و اذیت این خانواده ها را به همراه داشته است، اشاره گردید.

در همین ارتباط اشاره نمودم که فرشته شیرازی نیز بارها از سوی ماموران امنیتی به دلیل مراجعه به گلزار خاوران، مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود و از مواردی که در وبلاگش نوشته بود، می توان به محدودیت در برگزاری مراسم برای آن جانبختگان که برادر وی نیز از آنها بود، اشاره نمود.

چ-ارائه مستنداتی در ارتباط با قتل های زنجیره ای و ممانعت در برگزاری مراسم سالانه.... در این ارتباط نیز یک نسخه از فیلم قتل های زنجیره ای، که سالها پیش تهیه شده بود به ایشان ارائه و با توجه به مسدود نمودن پرونده از سوی دادگاه نظامی و تهدید وکلای برخی از خانواده های جانبختگان، سرکار خانم شیرین عبادی و دکتر ناصر زرافشان، به سکوت نیروهای قضائی در خصوص تقاضای خانواده پیروز دوانی، مبنی بر اعلام وضعیت او خواستار پاسخ صریح از سوی نیروهای قضائی در خصوص پیروز دوانی و گشایش مجدد این پرونده ها و بررسی عادلانه آن توسط وکلای بیطرف در جهت حقیقت یابی این جنایات گردیدم.

با توجه به اینکه دوره گزارشگری آقای احمد شهید، بعضی از موارد فوق را به لحاظ تقویمی در بر نمی گرفت؛ با این حال ایشان با دقت از مطالب عنوان شده استقبال و متذکر گردید تمام تلاش خود را برای تهیه یک گزارش که در برگیرنده تمامی نقض حقوق ایرانیان در این دوره بوده، مبذول خواهد نمود و از همراهی تمامی تلاشگران در ارتباط با تهیه این گزارش سپاسگزاری نمود. در خاتمه نیز موارد انتقادی نسبت به گزارش اولیه ایشان و پیشنهادات لازم در قالب یک گزارش جداگانه به ایشان ارائه گردید.

انتقال ۷ تن از درویش گنابادی به بند ۳۵۰

دسامبر 21, 2011



۷ تن از درویش گنابادی دوشنبه شب ۲۸ آذرماه از بند ۲۰۹ به بند ۳۵۰ منتقل شدند...
۷ تن از درویش گنابادی دوشنبه شب ۲۸ آذرماه از بند ۲۰۹ به بند ۳۵۰ منتقل شدند.
به گزارش خبرنگار کلمه، شش نفر از این درویش به نام های افشین کرم پور، فرشید یدالهی فارسی، امیراسلامی بورکی، امید بهروزی، حمید رضا مرادی سروستانی، رضا انتصاری پس از حوادث شهرستان کوار در تاریخ ۱۳ اردیبهشت سال جاری بازداشت شدند. مصطفی دانشجو یکی دیگر از درویش منتقل شده به بند ۳۵۰ است که از تاریخ ۲۸ اردیبهشت امسال مشغول گذراندن دوران ۷ ماهه حبس خود در زندان ساری بود که در تاریخ ۷ آبانماه به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. افشین کرم پور، فرشید یدالهی فارسی، امیر اسلامی بورکی، امید بهروزی از وکلای درویش گنابادی هستند.
حمید رضا مرادی سروستانی مدیرسایت مجذوبان نور و رضا انتصاری نیز از پرسنل صدا و سیما بوده که در جریان حوادث پس از انتخابات اخراج شد.
این ۷ زندانی سیاسی از مدیران سایت مجذوبان نور بودند.

انتقال وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور به بند ۳۵۰

زندان اوین

دسامبر 23, 2011

وکلا و درویش گنابادی و مدیران سایت مجذوبان نور صبح امروز از بند امنیتی زندان اوین به بند ۳۵۰ همین زندان منتقل شدند .

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ رضا انتصاری ،حمید مرادی ،امید بهروزی ، افشین کرمپور ، امیر اسلامی ، مصطفی دانشجو و فرشید یدالهی وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور پس از گذشت بیش از سه ماه حبس در بند امنیتی زندان اوین صبح امروز ۲۹ آذر ماه به بند ۳۵۰ همین زندان منتقل شدند . در ادامه این گزارش آمده است تاکنون وکلای این درویش زندانی از حق دخالت در پرونده محروم بوده و مراجع قضایی پاسخگوی اتهامات و دلایل بازداشت ایشان نیستند . علاوه براین ، در مدت سه ماه گذشته این ۷ درویش از حق ملاقات حضوری با خانواده خود محروم بوده‌اند . یادآوری می‌شود این درویش گنابادی در اواخر تابستان سال جاری با آغاز دور تازه‌ای از فشارها و بازداشت درویش گنابادی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت شده و به سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ امنیتی زندان اوین منتقل شدند . فشار بر این درویش زندانی و شرایط نامطلوب نگهداری ایشان در این مدت به نحوی بود که منجر به رو به وخامت نهادن وضعیت جسمی چند تن از ایشان شد که از میان می‌توان به شدت یافتن بیماری قلبی آقایان امیر اسلامی و حمید مرادی و انتقال ایشان به بهداری زندان اوین اشاره کرد .

بازداشت یک درویش گنابادی در تهران

نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت و یکی از درویش گنابادی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد . به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت و یکی از درویش گنابادی ظهر سه شنبه ۲۹ آذر ماه توسط نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد .

گفتنی است ، نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حمله به منزل شخصی و محل کار ایشان علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی ، وسایل شخصی ایشان را نیز ضبط کرده‌اند .

این درویش گنابادی و مدیر انتشارات حقیقت ، از مدتی پیش در ادامه فشار بر درویش گنابادی از سوی نیروهای امنیتی به اداره اطلاعات احضار تلفنی شده بود .

یادآور می‌شود بازداشت و آزار و اذیت درویش گنابادی از اواخر تابستان سال جاری با موجی از بازداشت‌های گسترده و ضرب و شتم در شهرستان کوار و شهرهای تهران و شیراز آغاز شد ، که در ادامه این فشارها و بازداشت‌ها یکی از درویش گنابادی به شهادت رسید و ده‌ها تن از ایشان بازداشت شدند .

هجوم به کلیسای جماعت ربانی اهواز

هجوم به کلیسای جماعت ربانی اهواز و بازداشت کشیش و خادمان آن در آستانه کریسمس



ماموران لباس شخصی همه حاضران در محل جلسه هفتگی کلیسا حتی کودکان خردسال شرکت کننده در کانون شادی را دستگیر کردند. شبان کلیساو همسرش در بازداشت هستند. روز جمعه دوم دی ماه برابر ۲۳ دسامبر ، ساعت ۱۱ صبح ، وقتی که جلسه سرویس هفتگی کلیسای جماعت ربانی اهواز در جریان بود ، ماموران اداره اطلاعات آن شهر با چند دستگاه اتومبیل به آن کلیسا هجوم بردند.

این ماموران که با لباس شخصی بودند همه حاضران در جلسه حتی بچه های کوچک که در کلاس مخصوص کانون شادی کلیسا حضور داشتند را بازداشت نمودند. آنها ابتدا تلفنهای موبایل همه افراد حاضر در کلیسا را جمع کردند و بعد تمام اتاقها توسط ایشان مورد بازرسی قرار گرفتند.

برای شناخت محبت

ماموران از این محل چند دستگاه کامپیوتر ، کلیه دستگاههای صوتی و تصویری متعلق به کلیسا و صدها جلد کتاب مسیحی را خارج نمودند .

حاضران در جلسه کلیسا را نیز با دو دستگاه مینی بوس از جلسه پرستشی هفتگی به مقصد نامشخصی بیرون بردند.

عده ای از ماموران لباس شخصی مجهز به اسلحه و بی سیم پس از خارج کردن ایمانداران در محل ساختمان کلیسا واقع در خیابان سوم کیانپارس باقی ماندند و تا ساعتها به بازرسی دقیق محل مشغول بودند.

مطابق گزارشات دریافتی همه ایمانداران بازداشت شده چند ساعت بعد آزاد شدند ولی “کشیش فرهاد سبک روح” شبان این کلیسا و همسرش **خاتم شهناز** به همراه دو تن از خادمان کلیسا به نامهای **دیوید و ناصر** همچنان در بازداشت به سر می برند.

ماموران موبایلهای افراد آزاد شده را نیز پس نداده اند و از آنها خواسته اند که بعدا در زمانی که به اطلاعاتشان رسانده خواهد شد می توانند برای پس گرفتن موبایلهای خود مراجعه کنند.

از محل نگهداری کشیش فرهاد و همسرش به همراه ۲ خادم کلیسا و علت دستگیری آنها هنوز خبری در دست نیست.

از حدود یک ماه قبل فشارها از طریق احضار و بازجویی و تعقیب مسیحیان به خصوص در شهرستانهای کشور بالا گرفته بود.

انتظار این وجود داشت که امسال نیز مانند سال گذشته بار دیگر نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در آستانه کریسمس دست به اقداماتی علیه ایمانداران مسیحی بزنند.

سال گذشته در همین ایام هجوم همه جانبه ای به فعالان مسیحی در تهران ، اهواز ، اصفهان ، مشهد و چند شهر دیگر کشور شد.

هنوز حداقل دوتن از بازداشتیهای شناخته شده دی ماه سال گذشته به اسامی نورالله قبیتی زاده و فرشید فتحی به ترتیب در زندانهای کارون اهواز و اوین تهران در بازداشت به سر می برند.

سال گذشته در ماههای دی و بهمن نیز حملاتی به کلیساهای خانگی در شهرهای دزفول ، اهواز و اندیشک توسط ماموران اطلاعات و امنیت صورت پذیرفت و تعدادی از هموطنان مسیحی در آن حملات بازداشت شدند.

تشدید مسیحیت ستیزی در ایام کریسمس در ایران

دسامبر 26, 2011



به نظر می رسد با فرا رسیدن ایام تولد عیسی مسیح (کریسمس) ، پروژه مسیحت ستیزی از سوی مقامات امنیتی جمهوری اسلامی با افزایش فشار بر مسیحیان داخل کشور کلید خورده است. آژانس خبری مسیحیان ایران « محبت نیوز» – این تهدیدها تداعی کننده وقایع تلخ کریسمس سال گذشته است. یاد آور پنجم دی ماه ۱۳۸۹ (۲۶ دسامبر ۲۰۱۰)، همزمان با این ایام درحالیکه مسیحیان در کلیساهای سرتاسر جهان بمناسبت سالروز تولد عیسی مسیح در حال دعا و شکر گزاری بودند، ماموران امنیتی دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی در اقدامی سازمان یافته با یورش به برخی کلیساهای خانگی و منازل ایمانداران مسیحی در سراسر کشور اقدام به دستگیری و بازداشت صدها تن از نوکیشان مسیحی نمودند که با گذشت یکسال از این واقعه هنوز برخی از آنان بلاتکلیف و همچنان در زندان های حکومت مذهبی جمهوری اسلامی بسر می برند.

امسال نیز در حالی که مسیحیان و کلیساهای ایران خود را برای تدارک جشن های کریسمس , و سال نو میلادی آماده می کنند گویا جمهوری اسلامی قصد تکرار رفتار خشن و غیر انسانی سال گذشته خود را دارد تا موجی از بیم و وحشت را در بین مسیحیان داخل ایران ایجاد نماید. گزارش های رسیده به

برای شناخت محبت

«محبت نیوز» از شهرهای مختلف ایران حکایت از آن دارد که مقامات امنیتی پروژه های مسیحیت ستیزی و به ویژه نظارت بیشتر بر کلیساها را جهت سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در بین مسیحیان را گسترش داده اند.

بر اساس خبر منتشره در روز جمعه دوم دی ماه ۱۳۹۰ (23 دسامبر) اعضا و ایمانداران کلیسای جماعت ربانی شهر اهواز که بمناسبت ایام کریسمس در داخل کلیسا به دعا و شکرگزاری برای این روز فرخنده مشغول بودند، ماموران امنیتی جمهوری اسلامی در اقدامی هماهنگ با یورش به ساختمان این کلیسا کشتیش کلیسا «فرهاد سبکروح»، و همسر ایشان و کلیه اعضای آن را بازداشت و به نقطه نامعلومی انتقال دادند.

این بار حتی ماموران امنیتی به «کودکان کلیسا» نیز رحم نکردند و با یورش خود در حالیکه چهره های خود را پوشانده بودند همانند بختک وارد کلاس های کانون شادی این نونهالان شدند. این کودکان که برخی از آنان از شدت ترس به گریه افتاده بودند ماموران امنیتی با صدای بلند به روی آنان فریاد می کشیدند و کودکان را به همراه اعضا بزرگسال کلیسا ضمن بازداشت به مکانی نامعلوم انتقال دادند. جا دارد پرسید که آیا بازداشت و ایجاد رعب و وحشت در اذهان این کودکان که همانند مجرمین با آنان برخورد شده است آیا از راههای مقابله نظام با جریان گسترش مسیحیت است؟ اینگونه اعمال خشن و غیر انسانی فقط می تواند ضمن تاثیر گذاشتن به لحاظ روحی و روانی بر ذهن و جسم کودکان چهره ای سیاه و شوم از ماموران در ذهن کودکان برای همیشه ایجاد کند.

همچنین بر طبق گزارش ارسالی از تهران به محبت نیوز گفته شده، از دو هفته پیش فروش کتاب مقدس و انجیل در کلیسای مرکز ممنوع شده است و هم اکنون در ایام کریسمس تمامی مراجعه کنندگان به کتاب خانه کلیسا از نبود انجیل و یا کتاب مقدس در کتاب خانه کلیسا متعجب شده اند. این گزارش می افزاید ظاهرن از سوی ماموران امنیتی حتی به کتاب فروشی های اطراف میدان انقلاب هم به طور اکید دستور داده شده که تحت هیچ شرایطی انجیل و کتاب مقدس را به خوانندگان عرضه نکنند.

-سرکوب مسیحیان ایران

اما مرور بر اخبار و گزارشات نشان می دهد، رژیم جمهوری اسلامی همه ساله با فرارسیدن ایام کریسمس ضمن کنترل و نظارت بر کلیساها و اعضا و ایمانداران مسیحی فشار و تهدیدهای خود را به شدت افزایش می دهد. سال گذشته میزان دستگیری نوکیشان مسیحی در ایران آنچنان افزایش یافت که حتی روزنامه های معتبر از جمله وال استریت جرنال و آسوشیتدپرس نیز به آن پرداختند همچنین واشنگتن پست در مقاله ای تحت عنوان «سرکوب مسیحیان در ایران» نوشته براین مورفی ضمن اعلام خبر سرکوب شدید مسیحیان در ایران از دستگیری ۷۰ مسیحی خبر داد که هدف آزار و ارباب سرویس های اطلاعاتی و امنیتی رژیم ایران قرار گرفته اند.

طی این سرکوب گسترده بسیاری از نوکیشان مسیحی مورد بدرفتاری قرار گرفتند و سپس برای انجام بازجویی ها بیشتر بازداشت شدند. اکثر دستگیر شدگان برای هفته ها و برخی ماه ها در بند بودند. بسیاری از آنها البته با وثیقه های بسیار سنگین آزاد شدند.

پیش از آن نیز حیدر مصلحی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، با اشاره به اینکه کلیساهای خانگی تهدیدی برای جوانان می باشند، از مقابله با گسترش کلیساهای خانگی در داخل کشور و همینطور سلسله اقدامات سری جدید خبر داد. این در حالیست که در میان دستگیر شدگان در آن ایام بودند جوانانی که با گذشت ماه ها از دستگیری آنها همچنان بلاتکلیف در زندان های مخوف جمهوری اسلامی به سر می بردند. تنها کمی پس از حملات کریسمس سال گذشته، مرتضی تمدن استاندار تهران

برای شناخت محبت

دستگیری تعدادی از مسیحیان را تأیید نمود و شرکت کنندگان در کلیساهای خانگی را «منحرف» و «انگل» خواند.

وی به صراحت مخالفت خود را با مسیحیت تبشیری (انجیلی) اعلام کرد و متذکر شد که فشار و دستگیری را بر آنها افزایش خواهد داد.

-مسیحیان در بند

از دیگر نوکیشان مسیحی بازداشت شده که امسال نخستین کریسمس خود را بدور از خانواده و فرزندان در داخل زندان های جمهوری اسلامی به تنهایی جشن خواهند گرفت از جمله «نورالله قبیته زاده» می باشد وی از نوکیشان و خادم کلیسای خانگی است که در ۳ دی ماه ۱۳۸۹ (۲۴ دسامبر ۲۰۱۰) به همراه یک گروه ۱۰ نفره از نوکیشان مسیحی که برای برگزاری ایام کریسمس تولد عیسی مسیح در یک کلیسای خانگی در شهر دزفول گردهم آمده بودند توسط ماموران امنیتی اطلاعات بازداشت شد.

«فرشید فتحی» دیگر نوکیش مسیحی زندانی در بند ۲۰۹ زندان مخوف اوین می باشد، فرشید متولد ۱۳۵۸ و ساکن تهران که در یورش سازمان یافته از سوی ماموران اطلاعات به مسیحیان ایران در ۵ دی ماه ۱۳۸۹ بازداشت شد.

«فریبرز آرزم» از نوکیشان مسیحی ساکن شهرستان رباط کریم است ، نامبرده روز دوشنبه مورخ ۲۵ مهرماه ۱۳۹۰ برابر با (۱۷ اکتبر ۲۰۱۱) توسط چهار تن از ماموران لباس شخصی در منزلش بازداشت شد.

«-مریم جلیلی، شهلا رحمتی و میترا زحمتی» سه نوکیش مسیحی هستند که در حدود نه ماه پیش بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند. به گفته خانه حقوق بشر ایران، «شهلا رحمتی و میترا زحمتی» که چندین ماه از زمان بازداشت را در سلول های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین سپری کرده اند . هر کدام به دو سال و نیم زندان محکوم شدند . این گزارش می افزاید شهلا رحمتی در تاریخ ۲۰ دسامبر از اتهامات خود تبرئه و آزاد شده است. «مریم جلیلی» نیز بعد از این دو بازداشت شده حدود سه ماه پیش به بند عمومی زنان زندان اوین منتقل شده بود. اتهامات این سه شهروند و نوکیش مسیحی «عضویت در گروه غیرقانونی» عنوان شده است.

این افراد تنها بخشی از انسان هایی هستند که به واسطه دگراندیشی و ایمان به عیسی مسیح در چنگال حکومت مذهبی جمهوری اسلامی گرفتار شده اند.

گزارش تجمع اعتراضی به مناسبت 10 دسامبر در شهر برلین

دسامبر 26, 2011



گزارش تجمع اعتراضی به مناسبت 10 دسامبر روز جهانی حقوق بشر در شهر برلین در تاریخ شنبه، 10 دسامبر 2011، در مرکز شهر برلین و در محل دروازه براندنبورگ به مناسبت روز جهانی حقوق بشر برای اعتراض علیه نقض سیستماتیک حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران آکسیونی اعتراضی از جانب فعالین سیاسی ایرانی از ساعت 15 تا 18 برگزار شد. در فراخوان این تجمع آمده بود:

انسان‌های آزادیخواه!

کارنامه رژیم جمهوری اسلامی ایران از ابتدای به قدرت رسیدنش با دستگیری، شکنجه، کشتار، اعدام، سنگسار، ترور، قطع اعضای بدن، مجازات شلاق و سرکوب خلق‌های تحت ستم و اقلیت‌های مذهبی و جنسیتی و جنبش‌های مردمی مانند: کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و ... رقم خورده است. روزی نیست که شاهد نقض حقوق بشر در ایران نباشیم. قانون اساسی، مدنی و ... در این نظام در تناقض بنیادی با بیانیه جهانی حقوق بشرند. فقط در سال گذشته این کارنامه ننگین شامل افزایش اعدام به طور عمومی، اعدام زندانیان سیاسی - به ویژه زندانیان سیاسی کرد، اعدام جوانان، همجنسگرایان، اعدام شهروندان افغانی، سانسور، اختناق و شلاق زدن، دستگیری، زندان مخالفین، منتقدین و معترضین - از جمله در آذربایجان - و افزایش فشار بر بهائیان، زنان و .. بوده است. آزادیخواهان!

در روز جهانی حقوق بشر در برلن گرد هم می‌آیم:

- برای آزادی همه زندانیان سیاسی - عقیدتی
- لغو مجازات اعدام، شکنجه و سنگسار
- جدائی دین از دولت
- برای تحقق آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی، آزادی قلم، بیان، تشکل و اجتماعات

برای شناخت محبت

- برای لغو حجاب اجباری و برابری زنان
- برای دفاع از جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه مردم ایران
- برای رفع ستم ، سرکوب و هر گونه تبعیض جنسیتی ، ملی و ..
- محاکمه عادلانه و علنی آمرین و عاملین کشتارهای سی و دو سال گذشته؛



آزاداندیشان،

در ماه های اخیر متأسفانه نگاه جامعه جهانی بیشتر به مشکلات سیاست های اتمی رژیم دوخته شده و نقض سیستماتیک و روزانه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران معمولاً به حاشیه رانده می شود. ما بر این باوریم نه حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران که تلاش مردم ایران برای استقرار یک رژیم دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر و عدالت اجتماعی به جای آن می تواند هم برای مردم ایران و هم برای منطقه صلح و آرامش بیشتری همراه داشته باشد.

همزمان با بسیاری از نیروهای مدافع حقوق بشر شهرهای اروپا و امریکای شمالی به نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران اعتراض کنیم و به جمهوری اسلامی ایران نه بگوئیم.



همچنین در پایان این گردهمایی که شاهد حضور جمع بسیاری از ساکنین ایرانی شهر برلین و همچنین ایرانیهایی از شهرهای فرانکفورت و هانوفر آلمان و ایرانیهای مقیم کشور هلند و فرانسه که به قصد شرکت در این گردهمایی به برلین سفر کرده بودند و اطلاعیه هایی به زبانهای انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه و فارسی در بین بازدید کنندگان نیز توزیع کردند، به شرح ذیل میباشد.

برای شناخت محبت



زمانی را در سرزمین مان شاهدیم که جسم زنان و مردان در زندانها ، در سلولهای انفرادی و در زیر شکنجه و تجاوز شکنجه گران رژیم ولی فقیه قرار دارد ، زمانیست که در بیدادگاههای رژیم جسم زنان و مردانی که آزادی را فریاد می زنند به محبس و یا جوخه های اعدام سپرده می شود ، مردم را در شهر ها و روستاها قربانی فتنه گری و تفرقه سازی خود ساختند و در خیابانها به جرم آزادیخواهی مردم را به گلوله بستند و مادران را به جرم دادخواهی به مسلخ کشاندند ، زمانیست که بی عدالتی ، نابرابریها و تبعیض های جنسی با پرچم اسلام و در مجلس فرمایشی حکومت اسلامی به تصویب می رسد. همه جای سرزمینمان را بوی خیانت گرفته است و حاکمیت از هر ابزار و هر راهی برای نقض حقوق ملت های در بند ایران استفاده می کند فعالین مدنی و آزادی خواهانی همچون محمد صدیق کیبوند که صدای حق طلبی ملت کرد را به گوش جهانیان می رساندند را به زندان و شکنجه گاه میبردند و اینک در سال 2011 در حالی روز جهانی حقوق بشر را گرامی می داریم که بسیاری از فعالین مدنی مدتهاست به جرم دادخواهی و عدالت طلبی در زندانهای رژیم به سر میبرند و در شرایط قرون وسطایی به اسارت گرفته شده اند و از حداقل امکانات اولیه انسانی محروم هستند. امکاناتی همچون حق برخورداری از درمان جراحات و صدمات ناشی از شکنجه و محرومیت های داخل زندانها ، محروم کردن مادران و پدران زندانی از به آغوش کشیدن فرزندان خود حتی قطع تماس های تلفنی و محروم کردن خانواده از شنیدن صدای عزیزان خود، کیفیت و کمیت پایین غذای زندان و مجبور شدن زندانیان به خرید مواد غذایی با قیمت های چند برابر از فروشگاه های زندان، ازدحام بیش از حد زندانیان ، قطع عمدی و مستمر وسایل گرمایشی و غیره



در پایان این تجمع که با همکاری و فراخوان کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران- برلین برگزار شد. همکار کمیته اقوام و ملل کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

برای شناخت محبت

آقای علی افرازه، ساکن برلین با حضور در این جمع با پخش اطلاعیه هایی در بین کلیه بازدید کنندگان اعتراض این کانون را در موج جدید اعدامها و وجود خطر اعدام بسیاری از فعالان سیاسی و مدنی ایرانی را به اطلاع عموم رسانید.



معرفی ناقضان حقوق شهروندان بهائی در شهر سمنان نقش داشته اند

دسامبر 26, 2011



کمیته گزارشگران حقوق بشر – بهاییان ساکن شهر سمنان از سال 1387 شاهد شدت یافتن برخوردهای قهرآمیز دستگاه های امنیتی و قضایی کشور بوده اند. این برخوردها شامل بازداشت،

برای شناخت محبت

احضار و صدور احکام برای بیش از 30 تن از آنان بوده است. محل کسب تعدادی از شهروندان بهایی در این شهر پلمب شده و برای بسیاری از آنان محدودیت های اقتصادی زیادی به وجود آمده است. در این گزارش افرادی معرفی شده اند که براساس اطلاعات به دست آمده در برخورد و سرکوب های سازماندهی شده بر علیه بهائیان در شهر سمنان نقش داشته اند.

1- **قاسم دولتخواهی** دادستان کل سمنان در سال 1387، وی دستور تفتیش منازل 20 نفر از بهائیان سمنان در 87/9/25 و پویا تیبانیان در 87/12/18 را صادر کرده است.

2- **محمد زنگویی** قاضی دادگاه انقلاب سمنان، محمد زنگویی بیش از شش نفر از بهائیان شهر سمنان را به فراخوانده و حکم آنان را صادر کرده است. به گفته شاهدین وی در جلسات دادگاه نظرات اداره اطلاعات را از زبان خود بازگو می کرده و ضدیت و دشمنی این قاضی با شهروندان بهائی کاملاً مشهود بوده است. از شهروندان بهائی که توسط ایشان محکوم شده اند می توان به صهبا رضوانی، پویا تیبانیان، علی احسانی، سیامک ایقانی، افشین ایقانی، سوسن تیبانیان و منیژه منزویان اشاره کرد.

3- **معاون دادستان کل در امور دادگاه انقلاب**، که با نام **رضوانی نژاد** در دادگاه خانواده سمنان مشغول به کار است. وی تقریباً با حضور خود در تمامی دادگاه های بهائیان در شهر سمنان به عنوان نماینده دادستان حضور یافته و کیفر خواست را خوانده و برای متهمان بهایی در خواست اشد مجازات را کرده است.

4- **قاسم عین الکمالی** رئیس دادگاه انقلاب سمنان، وی قضاوت دادگاه بسیاری از بهائیان در سمنان را به عهده داشته و در پرونده قضاوتی او می توان به دادگاه افراد فوق اشاره کرد: شعله طائف (1 سال حبس تعزیری و 2 سال تبعید)، بهفر خانجانی (4 سال حبس تعزیری)، گودرز بیدقی، عادل فنائیان (6 سال حبس)، روفیا بیدقی، ژینوس نورانی، نادر کسائی و پویا تیبانیان (بازداشت بار دوم)

5- **فرهاد شهریاری فر**، دادستان کل سمنان از سال 1388 که بیش از 2 سال است در سرکوب و بازداشت بهائیان سمنان و مناطق اطراف این شهر نقش مستقیم داشته و دستورات از جانب وی صادر می شده است. دستور بازداشت بیش از 6 نفر در اسفند 1389 و دستور بازداشت موقت افرادی مانند زهره نیکائین، الهام متعارفی، ژینوس نورانی، ترانه احسانی، نادر کسائی و پویا تیبانیان از سمت وی بوده است. همچنین صدور دستور تفتیش منازل 13 تن از بهائیان در تاریخ 89/12/23 و تفتیش منازلشان در سمنان، سنگسر و شهمیرزاد و دستور بازداشت موقت از سمت وی صورت گرفته است. بازجویی بسیاری از بهائیان سمنان از جمله شعله طائف، بهفر خانجانی، افشین ایقانی، گودرز بیدقی، عادل فنائیان و تعداد دیگری از بهائیان توسط فرهاد شهریاری انجام شده، حکم های صادره از سوی فرهاد شهریاری همواره قابل توجه بوده است.

6- **محمد حسین سلامی**، قاضی شعبه 4 دادگاه تجدید نظر که در طی 30 سال گذشته در سمت های پیشین خود همچون قاضی، بازپرس و ریاست دادگاه انقلاب فشار زیادی بر شهروندان بهایی ساکن سمنان آورده است. آقای سلامی حاضر به ملاقات با خانواده های زندانیان بهائی نبوده و همواره از این کار امتناع کرده است و حداقل حقوق زندانیان و خانواده آنان را رعایت نکرده است. هم اکنون بهفر خانجانی و افشین ایقانی هر کدام با 4 سال حبس تعزیری و سیامک ایقانی و علی احسانی هر کدام با 3 و 2 سال حبس تعزیری در زندان در زندان سمنان هستند.

یوسف اسلام دوست از اقلیت های مذهبی ترک سنی اعدام شد

دسامبر 26, 2011



بر اساس گزارش پیشین خبرگزاری هرانا یوسف اسلام دوست از اقلیت مذهبی ترک سنی (کوره سنی) از جمله هفت اعدامی زندان ارومیه بوده است.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، چند ماه قبل در روز دهم اکتبر، سه نفر دیگر از ترک های سنی روستای ایستی سو به نامهای جمال شیخ زاده فرزند، فرهاد اسلام دوست و محمد جنگلی در زندان ارومیه اعدام شده بودند.

حداقل دو تن دیگر از اقلیت سنی های آنراییجان، به نامهای الله وئردی احمدپورآذر و احمد جمشید جم از قصبات قولونجو و بالوو ارومیه در خطر اعدام هستند.

در گزارش عفو بین الملل که روز ۱۵ دسامبر امسال منتشر شد، ضمن اشاره به خطر اعدام یوسف اسلام دوست در مورد او چنین نوشته بود: بسیاری از کسانی که به اتهام به اصطلاح قاچاق مواد مخدر دستگیر می شوند، تحت شکنجه و بدرفتاری مجبور به «اعتراف» می گردند.

محمود اسلام دوست، پدر این زندانی محکوم به اعدام به عفو بین الملل گفت: «پسرم بی گناه است. قاضی به ماه گفته بود که یوسف به شش یا هفت ماه زندان محکوم خواهد شد. بعد حکم اعدام او با خواست اداره اطلاعات صادر شد. پسرم ۵۰ روز تحت بدترین شکنجه ها بازجویی شده بود.»

آزادی شهلا رحمتی شهروند مسیحی بعد از هشت ماه

دسامبر 27, 2011

خانه حقوق بشر ایران شهلا رحمتی شهروند مسیحی بعد از هشت ماه با تبرئه در دادگاه تجدید نظر از زندان اوین آزاد شد.

شهلا رحمتی شهروند مسیحی که از بهار سال جاری بازداشت و در بند عمومی زنان زندان اوین به سر می‌برد، با تبرئه در دادگاه تجدید نظر از زندان آزاد شد.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» شهلا رحمتی پیش‌تر در دادگاه بدوی به اتهام عضویت در گروه غیر قانونی به دو سال و نیم زندان محکوم شده بود که این حکم در دادگاه تجدید نظر بررسی و وی از اتهام وارده تبرئه شد.

وی نزدیک به سه ماه را در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر برده بود.

مریم جلیلی و میثرا زحمتی دو هم‌پرونده‌ای وی کماکان در زندان اوین به سر می‌برند. میثرا زحمتی به دو سال و نیم زندان محکوم شده و مریم جلیلی همچنان در بازداشت به سر می‌برد.

تفهیم اتهام وكلا و مدیران سایت مجذوبان نور

دسامبر 30, 2011



جلسه رسیدگی به وضعیت حقوقی و تفهیم اتهام وكلاى در اویس گنابادی و مدیران سایت مجذوبان نور در دادرسی اوین برگزار شد . به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ آقایان امیر اسلامی ، امید بهروزی ،مصطفی دانشجو ، فرشید یداللهی ،حمید مرادی ، افشین کرم پور و رضا انتصاری وكلا و مدیران سایت مجذوبان نور تفهیم اتهام شدند.

برای شناخت محبت

اتهامات وارده بر این دراویش گنابادی از این قرار است: توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب، و عضویت در گروهک انحرافی، لازم به ذکر است، حمید مرادی از مدیران سایت مجذوبان نور علاوه بر این اتهامات واهی و بی‌اساس، متهم به تخریب اموال عمومی نیز شده است.

یادآور می‌شود که چهار ماه از بازداشت و حبس وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور در زندان اوین می‌گذرد و در این مدت ایشان شرایطی بسیار پر فشار و سخت را گذرانیده‌اند، که از میان می‌توان به بیش از دوماه نگهداری در سلول انفرادی تحت بازجویی و فشار بر این زندانیان اشاره کرد که منجر به وخامت وضعیت جسمی این دراویش زندانی از جمله حمید مرادی و امیر اسلامی شد. این دراویش زندانی در تاریخ ۲۹ آذر ماه از بند ۲۰۹ زندان اوین به بند ۳۵۰ منتقل شدند.

بی خبری مطلق از نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت

دسامبر 30, 2011



پس از گذشت یک هفته از بازداشت نصرالله لاله توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی تا کنون هیچ خبری از وضعیت وی بدست نیامده است.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت و از دراویش گنابادی که ظهر روز سه شنبه ۲۹ آذر توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت شده بود با وجود پیگیری‌های وکلای دراویش گنابادی و خانواده وی تا کنون هیچ اطلاعی از محل بازداشت و وضعیت ایشان بدست نیامده است.

شایان توجه است این درویش گنابادی به دلیل کهولت سن، نیاز به مراقبت‌های پزشکی دارد که همین مسئله سبب بروز نگرانی‌هایی نسبت به سلامتی جسمی ایشان شده است.

برای شناخت محبت

یادآور می‌شود، نیروهای امنیتی با تفتیش و بازرسی غیرقانونی منزل و دفتر انتشارات اقدام به ضبط وسایل شخصی و اقلام فرهنگی و علمی انتشارات حقیقت کرده‌اند. لازم به ذکر است، فشار بر درویش گنابادی و آزار اذیت ایشان که از اواخر تابستان سال جاری شدت یافته و منجر به شهادت یک درویش گنابادی و زندانی شدن ۱۵ درویش شده است، به شکلی جدی از سوی نیروهای امنیتی دنبال می‌شود.

تعليق حکم یکی از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی در دادگاه تجدید نظر

دسامبر 30, 2011



خبرگزاری هرانا - وحید محمودی از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی توسط شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به ۵ سال حبس تعلیقی به مدت ۴ سال با احتساب ایام بازداشت تبدیل شد. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، وی که پیش‌تر در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بود، توسط شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به ۵ سال حبس تعلیقی به مدت ۴ سال با احتساب ایام بازداشت تبدیل گشته و با توجه به ابلاغ حکم به اجرای احکام زندان رجایی شهر قانوناً این زندانی عقیدتی پس از گذشت ۲۲۰ روز تا ساعاتی دیگر آزاد خواهد شد. محمودی دوم خرداد ماه و در پی بازداشت و تفتیش مسئولین و مرتبطین موسسه علمی (دانشگاه آنلاین بهائیان) پس از احضار و مراجعه به دادسرای انقلاب کرج بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. در ارتباط با این دانشگاه کامران مرتضایی به ۵ سال حبس تعزیری و ریاض سبحانی، محمود بادوام، رامین زیبایی، فرهاد صدقی و خانم نوشین خادم هر یک به چهار سال حبس تعزیری محکوم شدند که پرونده این افراد در شعبه ۳۶ تجدید نظر در حال بررسی است.

نگرانی از وضعیت ۴ تن از بازداشت شدگان کلیسای جماعت ربانی

ژانویه 2, 2012



در پی یورش گسترده ماموران امنیتی به کلیسای جماعت ربانی اهواز که منجر به بازداشت شماری از مسیحیان و حتی کودکان نیز شده بود، نگرانی جامعه مسیحیان ایران نسبت به وضعیت ۴ تن از بازداشت شدگان این واقعه افزایش یافته است.

به نقل از گزارشگران آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، با گذشت بیش از یک هفته از یورش نیروهای امنیتی وزارت اطلاعات به کلیسای جماعت ربانی اهواز، نگرانی و بی خبری از وضعیت ۴ تن از بازداشت شدگان این واقعه افزایش یافته است.

بازداشت شدگان عبارتند از کشیش کلیسای جماعت ربانی اهواز، «فرهاد سبکروح»، همسر ایشان «شهناز» و دو تن از خادمین و از نوکیشان مسیحی بنام های «ناصر ضامن دزفولی» و «داود علیجانی» ملقب به (دیوید) می باشند که از زمان بازداشت تا کنون اطلاع دقیقی از وضعیت سلامت و محل نگهداری آنان در دست نیست.

برای شناخت محبت

به گزارش «محبت نیوز»، در ساعت ۱۱ صبح روز جمعه دوم دی ماه ۱۳۹۰ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۱) ماموران امنیتی در اقدامی از قبل سازماندهی شده با یورش گسترده به کلیسای جماعت ربانی اهواز کلیه اعضا و افراد شرکت کننده در مراسم هفتگی کلیسا را بازداشت و با دو دستگاه اتوبوس به مکان نامعلومی منتقل کردند.

بر پایه این گزارش نیروهای امنیتی که به هنگام یورش به داخل کلیسا صورت های خود را پوشانده بودند حتی بچه های کوچک کانون شادی که به شدت وحشت کرده بودند را نیز با خود بردند که این موضوع آسیب جدی به روحیه این کودکان وارد کرده است.

کلیه بازداشت شدگان پس از تهدید و بازجویی و ثبت مشخصات و آدرس آنان پس از ساعاتی آزاد شدند.

در حال حاضر ۴ تن از این افراد همچنان در بازداشت بسر می برند که بر طبق آخرین خبر دریافتی، کشیش «فرهاد سبکروح» و همسرشان «شهناز» که ایشان بدلیل داشتن بیماری واریس از نظر سلامت دچار مشکل نیز می باشد تا روز چهارشنبه ۷ دی ماه در بازداشتگاه اداره اطلاعات در بازداشت بودند که گویا از آن تاریخ آنان را از هم جدا و هر کدام را به مکانی نامعلوم انتقال داده اند و در حال حاضر نیز خبری از وضعیت و محل نگهداری آنان در دسترس نمی باشد.

دو تن دیگر از بازداشت شدگان؛ «ناصر ضامن دزفولی» حدود ۶۰ سال سن و دارای شغل آزاد و همچنین «داود علیجانی» (ملقب به دیوید) ۳۰ ساله می باشد که نامبرده پیش از این به عنوان مهندس پتروشیمی در بندر ماهشهر به کار مشغول بود که به دلیل گرویدن به مسیحیت و داشتن باورها و ایمان مسیحی بارها احضار و مورد تهدید قرار گرفته بود که در نهایت این امر موجب اخراج ایشان گردید.

در حال حاضر از وضعیت نگهداری و سلامت این افراد نیز اطلاعی دقیقی در دست نیست و گفته شده ممکن است همچنان یا در بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر اهواز و یا زندان کارون اهواز نگهداری می شوند. تا کنون پیگیری خانواده های آنان برای مشخص شدن وضعیت آنان نیز نتیجه ای در بر نداشت.

بی اطلاعی و بی خبری از وضعیت این افراد باعث موجی از نگرانی را در میان مسیحیان و خانواده های آنان و بخصوص رهبران کلیساهای ایران ایجاد کرده است. بطوری که خبرهای رسیده حکایت از آن دارد که وزارت اطلاعات حتی از رهبران کلیساهای جماعت ربانی در داخل ایران خواسته است تا در این زمینه اقدامی نکنند.

امیدواریم که در این ایام کریسمس، زاد روز تولد عیسی مسیح که همزمان با شادی و جشن سرور برای خانواده های مسیحی در آستانه سال نو می باشد، ضمن اتخاذ تمهیداتی برای رفع سوء تفاهات زمینه آزادی هر چه سریعتر این افراد فراهم شود.

- کنترل شدید کلیساها از سوی دستگاههای امنیتی

روز ۲۵ دسامبر روز کریسمس و تولد عیسی مسیح که مصادف است با روز یکشنبه و در ایران يك روز غیر تعطیل می باشد بر همین اساس مسیحیان ایران برای بزرگداشت و شکر گذاری این روز فرخنده روز جمعه ۲ دی ماه برابر با (۲۳ دسامبر) را که يك روز تعطیل عمومی در کشورهای اسلامی می باشد، مسیحیان در کلیساهای ساختمانی گردهم آمده و به دعا و جشن و شکرگزاری می پردازند.

بر طبق گزارشات دریافتی به «محبت نیوز»، ماموران اداره اطلاعات شهر اهواز که گویا از قبل پیش بینی این موضوع را میکردند که ممکن است جمعیت زیادی در این ایام وارد کلیسا شوند از روزهای

برای شناخت محبت

قبل کلیه رفت و آمدهای کلیسا را بدقت کنترل و زیر نظر داشتند. تا اینکه در روز جمعه همزمان با برگزاری مراسم کریسمس به کلیسا یورش برده و کلیه حاضران را بازداشت نمودند. گفته شده یکی از دلایل ورود ماموران امنیتی و برهم زدن مراسم جشن کلیسایی آن روز و همچنین بازداشت افراد عدم توجه به تذکرات و دستورات وزارت اطلاعات به مسئولان کلیسا بوده است. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با کنترل شدید کلیساهای ساختمانی مبنی بر نظارت بر افراد و اعضا آن و همچنین احضار شبانان و رهبران کلیسایی بطور ماهانه دستورالعمل هایی را به آنان ارائه می کنند که رهبران کلیسا ملزم به اجرای آنان هستند.

با این حال اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت بیان می کند که ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند. اگر چه عمل مقامات امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی برخلاف قوانین و دخالت در امور کلیسایی محسوب می شود اما جمهوری اسلامی گویا بر طبق عادت حکمرانی خود هیچ واهمه ایی از این موضوع ندارند.

واقعه یورش ماموران اطلاعات و امنیت در ۲ دی ماه سالجاری به کلیسای جماعت ربانی اهواز و در پی آن دستگیری افراد، گویا بدلیل حضور بیشمار و استقبال میهمانان و نوایمانان از برنامه های آن روز بمناسبت کریسمس بوده است که ظاهرن مسئولان کلیسا به توصیه های وزارت اطلاعات در این خصوص توجه ایی نکرده بودند و جمعیت زیادی در کلیسا حضور داشتند.

لازم به ذکر است که کلیساهای ساختمانی ایران به شدت تحت کنترل ماموران اطلاعات می باشد و این کنترل به حدی است که در برخی از شهرستانها اگر شخصی بخواهد وارد کلیسا شود، مسئولان و یا انتظامات کلیسا از ورود آنان به دلیل فشارهای دستگاههای اطلاعاتی جلوگیری می کنند و یا اینکه شخص باید بر طبق مقررات حکومتی باید به دفاتر وزارت ارشاد اسلامی مراجعه و از آنجا کارت ورود به کلیسا در قبال ارائه هویت و مشخصات خود کنند!

گفتنی است آزار و اذیت و اعمال تبعیض علیه اقلیت های مذهبی در سه دهه گذشته همواره یکی از موارد عمده نقض حقوق بشر توسط حاکمیت بوده است.

یورش ماموران امنیتی و دلجویی از کودکان کانون شادی کلیسای اهواز

ژانویه 2، 2012



در پی یورش گسترده به کلیسای جماعت ربانی اهواز توسط نیروهای امنیتی که منجر به بازداشت حتی کودکان نیز شده است این عمل موجب صدمات روحی شدیدی به آنان شده که مسیحیان و کلیساهای ایرانی و غیر ایرانی با ارسال کارت های تبریک و شادمانی خود می توانند از این عزیزان دلجویی نمایند.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، در پی یورش گسترده توسط نیروهای امنیتی به کلیسای جماعت ربانی اهواز که در آستانه میلاد مسیح صورت گرفت بر همین اساس کمیته ماده ۱۸ و شورای کلیساهای همگام، از کلیه کلیساهای ایرانی و غیر ایرانی دعوت می کند تا با امضا و فرستادن کارتهای تبریک کریسمس، برای کودکانی که در پی این تهاجم دچار آسیب های روحی و روانی شده اند، ایامی پر از صلح و سلامتی آرزو کرده و همبستگی خود را با این کودکانی نشان دهند.

برای شناخت محبت

در پی گزارش منتشره، نیروهای امنیتی که به هنگام یورش به داخل کلیسا صورت های خود را پوشانده بودند حتی بچه های کوچک کانون شادی که به شدت وحشت کرده بودند را نیز با خود بردند که این موضوع آسیب جدی به روحیه این کودکان وارد کرده است .

برطبق ماده 14 پیمان نامه جهانی کودک در خصوص آزادی اندیشه و مذهب آمده است: « دولت ها باید آزادی اندیشه و مذهب کودک و حق هدایت کودک توسط والدین خود را محترم بشمارند»

جمهوری اسلامی ایران در سال 1373 پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفته و متعهد به اجرای مفاد آن در کشور شده است . اکنون که حدود 17 سال از پذیرش پیمان نامه می گذرد ، جا دارد مسئولان قضایی و امنیتی و متولیان امور به این پرسش اساسی پاسخ دهند که به راستی آیا يك کودک که به همراه والدینش در يك مکان دینی و مذهبی حضور داشته باید با این نونهالان همانند مجرمین برخورد کرد و پای آنان را از هم اکنون به مرکز امنیتی و یا زندانها که جایگاه متهمان و مجرمین است کشاند ؟ بر همین اساس کمیته ماده ۱۸ و شورای کلیساهای همگام، از کلیه کلیساهای ایرانی و غیر ایرانی دعوت می کند تا با امضا و فرستادن کارتهای تبریک کریسمس، برای کودکانی که در پی این تهاجم دچار آسیب های روحی و روانی شده اند، ایامی پر از صلح و سلامتی را برای آنان آرزو کنند. کودکان کانون شادی در روز یکشنبه کلیسا تشویق می شوند تا با شرکت در این کمپین، حمایت و همبستگی خود را با کودکانی که امکان جشن میلاد منجیمان از آنها سلب شده شرکت نمایند.

این کارت ها می توانند به نشانی که در پائین این گزارش آمده ارسال شده و در همکاری با سازمان جهانی همبستگی مسیحیان، به صورت دسته بندی شده به مقصد فرستاده شوند.

امید است که دریافت این هدایا حتی «دو هفته» بعد از ایام کریسمس و سال نو می تواند از خاطره تلخ این کودکان در روز جمعه گذشته بکاهد.

آزادی يك تن از بازداشت شدگان جشن کریسمس در کلیسای اهواز

ژانویه 2, 2012



در پی یورش گسترده ماموران امنیتی در روز جشن کریسمس ۲۰۱۱ در کلیسای جماعت ربانی اهواز که منجر به بازداشت کشیش کلیسا و ۳ تن دیگر از خادمین آن کلیسا شده است ، همسر کشیش فرهاد سبکروح با سپردن وثیقه و بطور موقت آزاد شد.

به نقل از گزارشگران آژانس خبری مسیحیان ایران « محبت نیوز » ، خانم « شهناز جیزان » همسر کشیش فرهاد سبکروح و از خادمین کلیسای جماعت ربانی، روز یکشنبه مورخ ۱۱ دی ماه ۱۳۹۰ برابر با اولین روز از سال نو میلادی ۲۰۱۲ پس از ۱۰ روز بازداشت با سپردن وثیقه بطور موقت آزاد شد .

برای شناخت محبت

وی پس از بازداشت به‌مراه همسر و ۲ تن دیگر از خادمین کلیسا جهت بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر اهواز منتقل شدند. ایشان همچنین بدلیل داشتن بیماری واریس از این موضوع دچار ناراحتی بودند.

آزادی موقت همسر کشیش فرهاد سبکروح در حالی صورت می‌گیرد که آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» طی روزهای گذشته در خصوص ابراز نگرانی جامعه مسیحیان ایران نسبت به این رویداد و وضعیت نامعلوم سه تن دیگر از بازداشت‌شدگان بطور گسترده در فضای آنلاین خبرهایی را منتشر کرده بود.

خانم «شهناز جیزان» در پی یورش گسترده ماموران امنیتی در دوم دی ماه ۱۳۹۰ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۱) به کلیسای جماعت ربانی اهواز که منجر به بازداشت کلیه اعضا و شرکت‌کنندگان و حتی کودکان نیز شده بود بازداشت شد.

منابع آگاه به «محبت نیوز» گزارش دادند که هنوز از وضعیت و محل نگهداری «کشیش فرهاد سبکروح» و دو تن دیگر از خادمین کلیسا بنامهای «ناصر ضامن دزفولی» و «داود علیجانی» ملقب به (دیوید) تاکنون اطلاع دقیقی در دست نیست.

لازم به ذکر است در ساعت ۱۱ صبح روز جمعه دوم دی ماه ۱۳۹۰ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۱) ماموران امنیتی در اقدامی از قبل سازماندهی شده با یورش گسترده به کلیسای جماعت ربانی اهواز کلیه اعضا و افراد شرکت‌کننده در مراسم هفتگی کلیسا را بازداشت و با دو دستگاه اتوبوس به مکان نامعلومی منتقل کردند.

بر پایه این گزارش نیروهای امنیتی که به هنگام یورش به داخل کلیسا صورت‌های خود را پوشانده بودند حتی‌بچه‌های کوچک کانون شادی که به شدت وحشت کرده بودند را نیز با خود بردند که این موضوع آسیب جدی به روحیه این کودکان وارد کرده است.

کلیه اعضا و شرکت‌کنندگان مراسم هفتگی کلیسا که به مناسبت روز جشن کریسمس تولد «عیسی مسیح» جهت شکرگزاری و پرستش گردهم آمده بودند پس از تهدید و بازجویی و ثبت مشخصات و آدرس آنان پس از ساعاتی آزاد شدند.

کائن کتاب مقدس 9/8



نویسنده: جاش مک‌داول

ترجمه: آرمان رُشدی

دسامبر 10, 2011

چه مرجعی تصمیم گرفت کدام کتاب‌ها جزو کتاب مقدس باشند؟

این سؤال که چگونه تصمیم گرفته شد که چه کتاب‌هایی جزو کتاب مقدس باشند، به «مسئله کائن» موسوم است. یک شخص موشکاف می‌خواهد بداند چه شد که این کتاب‌های به خصوص جزو کتاب مقدس قرار گرفتند، و نه کتاب‌های دیگر.

۱- ب: معنی کائن

واژه «کائن» (Canon) «از کلمه یونانی برای «نی» گرفته شده است (در انگلیسی cane، در عبری ganeh، و در یونانی). (kanon در گذشته از نی برای اندازه‌گیری چیزها استفاده می‌شد و به تدریج این واژه معنای «معیار» را به خود گرفت.

آریچن، از پدران برجسته کلیسا در قرن سوم، واژه Canon یا معیار را برای اشاره به «آنچه که ما آن را «اصل ایمان» می‌نامیم یعنی آنچه که توسط آن امور را سنجیده و ارزیابی می‌کنیم به کار گرفت. بعدها این واژه معنای «فهرست» یا «مرجع» را به خود گرفت (Bruce, BP, 95). در ارتباط با کتاب مقدس، Canon یا کتاب‌های رسمی یا قانونی) به معنای «فهرستی است از کتاب‌ها که رسماً مورد پذیرش قرار گرفته‌اند» (Earle, HWGOB, 31) است.»

این نکته شایان توجه است که کلیسا کتب مقدس کائنی را پدید نیاورد و مشخص ساخت که کدام کتاب‌ها می‌توانند جزو کتاب مقدس یا کلام الهام‌شده خدا باشند. در واقع کلیسا این موضوع را تصدیق نمود یا بهتر است بگوییم کشف کرد که چه کتاب‌هایی از بدو نگارششان الهامی بوده‌اند. به عبارت دیگر «اگر کتابی کلام خداست، نه به این دلیل است که از سوی قوم خدا پذیرفته شده، بلکه به این دلیل که کلام خداست از سوی قوم خدا پذیرفته شده است. این سخن بدین معناست که مرجعیت الهی یک کتاب نه از قوم خدا، بلکه از خود خدا می‌آید. قوم خدا صرفاً تصدیق‌کننده مرجعیت الهی است که خدا به کتاب مقدس بخشیده است» (Geisler/Nix, GIB, 210) است.»

۲- ب: ملاک‌های کائنی بودن یک کتاب

از زمان نگارش تاریخ کتاب مقدس و نیز تاریخ کلیسا، می‌توانیم لاقلاً پنج اصل را تشخیص دهیم که بر فرآیند تشخیص و گردآوری کتاب‌هایی که حقیقتاً از سوی خدا الهام شده‌اند، حاکم بوده‌اند. گایسلر و نیکس این اصول را به شرح ذیل معرفی می‌کنند- (Geisler/Nix, GIB, 223): 231) آیا کتاب توسط نبی خدا نوشته شده است؟ «اگر توسط شخصی که از سوی خدا سخن می‌گفته است نوشته شده باشد، پس کلام خدا محسوب می‌شود.»

آیا اعمال خدا نویسنده کتاب را تأیید می‌کردند؟ معجزات اغلب باعث تمایز انبیای حقیقی از انبیای دروغین می‌شد. «به موسی قدرتی معجزه‌آسا داده شده بود تا دعوت خود را از سوی خدا ثابت گرداند (خروج ۴: ۱-۹). ایلیا توسط عملی ماورای طبیعی بر انبیای دروغین بعل ظفر یافت (اول پادشاهان باب ۱۸). عیسی «مردی بود که خدا با معجزات و عجایب و آیاتی که به‌دست او در میان شما ظاهر ساخت، بر حقانیتش گواهی داد» (اعمال ۲: ۲۲). معجزه عملی از سوی خداست که کلامی را که از سوی نبی خدا به قوم خدا داده شده است تأیید می‌کند و نشانه‌ای است که موعظه او را به اثبات می‌رساند. در واقع معجزه پیام او را تصدیق می‌نماید.»

آیا پیام موجود در یک کتاب حقیقت را در مورد خدا می‌گوید؟ «خدا نمی‌تواند با خودش در تناقض باشد (دوم قرنتیان ۱: ۱۷-۱۸) و نیز نمی‌تواند آنچه را که نادرست است اعلام نماید (عبرانیان ۶: ۱۸). با این اوصاف هیچ کتابی که ادعاهایی نادرست می‌کند نمی‌تواند کلام خدا باشد ... به دلایلی چون دلایل فوق، پدران کلیسا این رویه را در پیش گرفتند که اگر در مورد کتابی از این لحاظ شک و تردید وجود دارد، باید آن را از زمره کتاب‌های رسمی خارج ساخت.» این رویه «اعتبار تشخیص آنها را در مورد کتاب‌های کائنی» تقویت نمود.

آیا قدرت خدا از ورای پیام یک کتاب دیده می‌شود؟ «پدران کلیسا بر این باور بودند که کلام خدا «زنده و مقتدر» است (عبرانیان ۴: ۱۲) در نتیجه باید قدرتی دگرگون‌کننده در بنای اشخاص (دوم تیموتائوس ۳: ۱۷) و در بشارت (اول پطرس ۱: ۲۳) داشته باشد. اگر پیام کتابی نمی‌توانست هدفی را که در آن بیان شده بود محقق سازد، اگر قدرت نداشت که زندگی کسی را تغییر دهد، آنگاه آشکار بود که خدا در ورای پیام آن قرار ندارد (Geisler, GIB, 228) «حضور قدرت دگرگون‌کننده خدا نشانه‌ای قدرتمند بود که نشان می‌داد کتاب مورد بحث مهر تأیید را بر خود دارد.»

برای شناخت محبت

آیا آن کتاب توسط قوم خدا پذیرفته شده است؟ «پولس رسول به تسالونیکیان می‌نویسد: «نیز ما خدا را پیوسته شکر می‌گوییم که شما به‌هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا پذیرفتید...» (اول تسالونیکیان ۲: ۱۳). هر بحثی که در مورد جای گرفتن کتابی جزو کتاب‌های کائنی جریان داشته باشد، کسانی که نبی‌ای را که کتابی را نوشته می‌شناسند در بهترین جایگاه برای قضاوت در مورد اعتبار نبوتی آن کتاب قرار دارند. بنابراین علی‌رغم بحث‌های متأخرتر در مورد اینکه آیا برخی کتاب‌ها می‌توانند جزو کتاب‌های کائنی محسوب شوند یا نه، دلیل قطعی در این مورد همانا پذیرش اولیه این کتاب‌ها از سوی ایماندارانی بوده که در زمان نگارش آن می‌زیسته‌اند.» (Geisler, GIB, 229) وقتی کتابی به مثابه کلام خدا از سوی قوم خدا دریافت می‌شد، مطالب آن جمع‌آوری می‌گشت، خوانده می‌شد و از سوی قوم خدا مورد استفاده قرار می‌گرفت، و جزو کتاب‌های کائنی محسوب می‌شد. این فرآیند اغلب در خود کتاب‌مقدس به چشم می‌خورد. یک نمونه آن هنگامی است که پطرس رسول نوشته‌های پولس رسول را همسنگ با کتب مقدس عهدعتیق می‌داند و تعلق آن را به مجموعه کتب مقدس تصدیق می‌کند (دوم پطرس ۳: ۱۶).

۳ - ب: کتاب‌های کائنی مسیحی (عهدجدید)

۱ - ج: معیار گزینش کتاب‌های کائنی عهدجدید

عامل اساسی برای گزینش یک کتاب به عنوان کتاب‌های کائنی عهدجدید، برخورداری آن از الهام الاهی بود؛ معیار اصلی در این زمینه، تعلق آن به حلقه رسولان بود. گایسلر و نیکس می‌نویسند: «در واژگان عهدجدید، کلیسا «بر بنیاد رسولان و انبیا» بنا شده است (آفسُسیان ۲: ۲۰) که مسیح بدیشان وعده داد تا توسط روح‌القدس ایشان را به «جمیع راستی» هدایت کند (یوحنا ۱۶: ۱۳). گفته می‌شود که کلیسا در اورشلیم پیوسته مشغول تعلیم گرفتن از «رسولان» بود (اعمال ۲: ۴۲).

هنگامی که واژه «رسولی» به منزله معیاری برای تشخیص این امر مورد استفاده قرار می‌گیرد که آیا کتابی جزو کتاب‌های کائنی محسوب می‌شود یا خیر، این امر ضرورتاً بدین معنا نیست که «رسولان نویسنده آن بوده‌اند» و یا «تحت نظارت و راهنمایی رسولان» تهیه شده است (Geisler/Nix, GIB, 283). گایسلر و نیکس ادامه می‌دهند: «به نظر می‌رسد که بهتر است با نظر لوئیس گاسین، بی. بی. وارفیلد، چارلز هاج، جی. ان. دی. کلی، و بسیاری از پروتستان‌ها هم‌رای شد که مرجعیت رسولی یک کتاب یا تأیید شدن آن از سوی رسولان، و نه نگارش آن از سوی رسولان، معیار اولیه برای گنجاندن یک کتاب در زمره کتاب‌های کائنی بوده است (Geisler/Nix, GIB, 283). استونهاوس

(N. B. Stonehouse) خاطر نشان می‌سازد که مرجعیت رسولی «که در عهدجدید از آن سخن گفته می‌شود، هرگز از مرجعیت خداوند مجزا نیست. در نامه‌ها پیوسته این موضوع تصدیق می‌شود که در کلیسا تنها یک مرجعیت مطلق وجود دارد که همانا مرجعیت خود خداوند است. هرگاه رسولان با اقتدار و مرجعیت سخن می‌گویند، این کار را بر اساس اقتدار و مرجعیت خداوند انجام می‌دهند. برای مثال، هنگامی که پولس رسول از مرجعیت خود در مقام یک رسول دفاع می‌کند، ادعای خود را صرفاً و مستقیماً بر اساس رسالتی قرار می‌دهد که از خداوند یافته است (غلاطیان فصل‌های اول و دوم). هنگامی که او ایجاد نظم در حیات کلیسا را بر عهده می‌گیرد، ادعا می‌کند که برای انجام این کار از اقتدار و مرجعیت خداوند برخوردار است، حتی اگر در این مورد کلامی مستقیماً از خداوند دریافت نکرده باشد (اول قرنتیان ۱۴: ۳۷ و نیز مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۰: ۷، Stonehouse, ANT, 118117-).

118117-

برای شناخت محبت

جان موری (J. Murray) می‌نویسد: «تنها کسی که در عهدجدید با چنان اقتدار و مرجعیتی سخن می‌گوید که سرچشمه آن خودش است و خودش خودش را اثبات می‌کند، خود خداوند (عیسای مسیح) است» (Murray, AS, 18).

۲ - ج: کتاب‌های کائنی عهدجدید

۱ - د: دلیل گردآوری آنها

۱ - ه: این کتاب‌ها نبوتی بودند

«نخستین دلیل برای گردآوری و حفظ کتب الهامی این بود که این کتاب‌ها نبوتی بودند. بدین معنی که چون آنها توسط یک رسول یا نبی خدا نوشته شده بودند، پس باید ارزشمند می‌بودند، و چون ارزشمند بودند باید حفظ می‌شدند. این استدلال در زمان رسولان استدلالی قوی بود زیرا مشاهده می‌کنیم که نامه‌های پولس گردآوری شده، در میان کلیساهای مختلف دست به دست می‌گشت (مراجعه کنید به دوم پطرس ۱۵:۳-۱۶، کولسیان ۴:۱۶)» (Geisler, GIB, 227).

۲ - ه: نیاز کلیسای اولیه

کلیساها نیاز داشتند دریابند چه کتاب‌هایی باید خوانده شوند و تکریم گردند، و تعالیم آنها را چگونه در محیطی خصمانه به کار گیرند. آنها با مسائل بسیاری روبه‌رو بودند که می‌بایست حل می‌شد؛ به این منظور، می‌بایست بدانند کدام کتاب‌ها می‌توانند ایشان را در این مسیر هدایت کنند.

۳ - ه: پدید آمدن بدعت‌ها

در حدود سال ۱۴۰ میلادی، ماریون که عقاید بدعت‌آمیزی داشت، مجموعه‌ای از کتاب‌های کائنی را گرد آورده، شروع به تبلیغ آنها نمود. کلیسا برای مبارزه با نفوذ مخرب او، می‌بایست کتاب‌های الهامی عهدجدید را گردآوری کند.

۴ - ه: دست به دست گشتن نوشته‌های جعلی

بسیاری از کلیساهای شرق در جلسات خود از کتاب‌هایی استفاده می‌کردند که آشکارا جعلی بودند. این امر نیز ضرورت اتخاذ تصمیم در مورد کتاب‌های کائنی را بیشتر ساخت.

۵ - ه: فعالیت‌های بشارتی

«مسیحیت به سرعت در حال گسترش به کشورهای دیگر بود و نیاز به ترجمه کتاب‌مقدس به زبان‌های دیگر احساس می‌شد ... در نیمه اول قرن دوم، کتاب‌مقدس به زبان سوری و لاتین کهن ترجمه شد. اما از آنجایی که مبشران نمی‌توانستند کتاب‌مقدسی را ترجمه کنند که وجود نداشت، پس توجهات معطوف این موضوع گشت که چه کتاب‌هایی حقیقتاً کائنی و مرجع می‌باشند» (Geisler, GIB, 278).

۶ - ه: جفا و آزار

طبق فرمان دیوکلیسیان (۳۰۳ میلادی)، کتب مقدس مسیحیان می‌بایست نابود می‌شد. چه کسی حاضر بود برای کتابی بمیرد که ممکن بود مذهبی باشد، اما نه الزاماً مقدس و آسمانی؟ مسیحیان نیاز داشتند بدانند چه کتاب‌هایی حقیقتاً مقدس الهامی می‌باشند.

۲ - د: مشخص شدن کتاب‌های کائنی

۱ - ه: آتاناسیوس اسکندریه

آتاناسیوس (۳۶۷ میلادی) ارائه‌دهنده نخستین فهرست از کتاب‌های عهدجدید است که دقیقاً با کتاب‌های عهدجدید موجود یکسان است. او این فهرست را در نامه‌ای که به مناسبت یکی از اعیاد به کلیساها می‌نویسد، ارائه می‌دهد. وی می‌نویسد: «همچنین سخن گفتن از کتاب‌های عهدجدید موضوعی ملال‌آور نیست. کتاب‌های عهدجدید تشکیل شده از چهار انجیل که به قلم متی، مرقس، لوقا و یوحنا نگاشته

برای شناخت محبت

شده‌اند. پس از آنها کتاب اعمال رسولان و نامه‌ها قرار دارند (که نامه‌های عمومی نام گرفته‌اند) که هفت نامه هستند که عبارتند از نامهٔ یعقوب، دو نامهٔ پطرس، سه نامهٔ یوحنا و پس از آنها نامهٔ یهودا. علاوه بر اینها چهارده نامهٔ پولس نیز هست که به این ترتیب‌اند: نامهٔ اول خطاب به رومیان، آنگاه دو نامه به قرنتیان، پس از آن نامه به غلاطیان، سپس نامه به افسسیان، سپس نامه به فیلیپیان، سپس نامه به کولسیان، پس از اینها دو نامه به تسالونیکیان و سپس نامه به عبرانیان، و آنگاه دو نامه به تیموتائوس و یک نامه به تیتوس؛ و بالاخره آخر از همه، نامه به فلیمون. و علاوه بر همهٔ اینها، مکاشفه یوحنا رسول قرار دارد (Athanasius, L, 552)».

۲ - ه: جروم و آگوستین

مدت کوتاهی پس از اینکه آتاناسیوس فهرست خود را ارائه داد، جروم و آگوستین نیز از آن دفاع کردند و کتاب‌های کائنی عهدجدید را متشکل از بیست و هفت کتاب معرفی نمودند (Bruce, BP, 112).

۳ - ه: پولیکارپ و معاصرانش

پولیکارپ (۱۱۵ میلادی)، کلمنت اسکندریه (حدود ۲۰۰ پس از میلاد)، و سایر پدران اولیهٔ کلیسا با بکارگیری جملهٔ «همان‌گونه که در کتب مقدس مکتوب است»، به کتاب‌های عهدجدید اشاره کرده‌اند.

۴ - ه: ژوستین شهید

ژوستین شهید (۱۰۰ تا ۱۶۵ میلادی) در نخستین کتاب دفاعیات خود (۱،۶۷) به مراسم عشای ربانی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «و در روزی که یکشنبه خوانده می‌شود، اشخاص در شهرها و مکان‌های مختلف در مکانی گرد هم می‌آیند و تا آنجا که وقت اجازه می‌دهد، خاطرات رسولان یا نوشته‌های انبیا را می‌خوانند. آنگاه هنگامی که خواندن این نوشته‌ها به پایان رسید، پیشوای جماعت اندرزهایی به حاضران می‌دهد و از آنها دعوت می‌کند تا از نکات خوبی که بیان شده، سرمشق بگیرند.» وی در کتاب «گفتگو با تریفو» (صفحات ۴۹، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷) هنگامی که از اناجیل نقل قول می‌کند، اصطلاح «مکتوب است» را به کار می‌برد. هم او و هم تریفو باید از این موضوع آگاه بوده باشند که «مکتوب است» به چه چیز اشاره دارد و این نوع اشاره به اناجیل نشانه این است که آنها به الهامی بودنشان باور داشتند.

۵ - ه: ایرینیوس

ا.ف. ا.ف. بروس در مورد اهمیت ایرینیوس (۱۸۰ میلادی) می‌نویسد:

«اهمیت ایرینیوس به سبب نزدیکی وی به دوران رسولان و ارتباطات گسترده وی با همهٔ کلیساها می‌باشد. وی در آسیای صغیر و زیر نظر پولیکارپ که شاگرد یوحنا بود، تربیت یافت و در سال ۱۸۰ میلادی اسقف شهر لیون در گُل (فرانسهٔ امروزی) گردید. او در اثبات این موضوع که چهار انجیل و اعمال رسولان، رومیان، اول و دوم قرنتیان، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، اول و دوم تسالونیکیان، اول و دوم تیموتائوس و تیتوس، اول پطرس و اول یوحنا و مکاشفه، جزو کتاب‌های کائنی هستند، مطالب بسیاری نگاشته است. از نامهٔ او تحت عنوان «بر ضد بدعت‌ها» (III, ii, 8) «آشکار می‌شود که در حدود سال ۱۸۰ میلادی فکر اناجیل چهارگانه در جهان مسیحی به عنوان اصلی بدیهی پذیرفته شده بود. و همان‌گونه که چهار جهت اصلی (که ما بر هر یک نامی نهاده‌ایم) و یا چهار باد اصلی وجود دارند، وجود چهار انجیل نیز بدیهی انگاشته می‌شد» (Bruce, BP, 109)».

۶ - ه: ایگناتیوس

ایگناتیوس (۵۰ تا ۱۱۵ میلادی) می‌نویسد: «من نمی‌خواهم شما را همانند پطرس و پولس مخاطب قرار دهم، زیرا آنان رسول بودند» (Trall. 3. 3)».

برای شناخت محبت

۱۷ - ه: شوراهای کلیسایی

اِف. اِف. بروس می‌نویسد: «هنگامی که بالاخره شورایی کلیسایی، یعنی شورای هیپو، در سال ۳۹۳ میلادی فهرست بیست و هفت کتاب عهدجدید را تهیه کرد، مرجعیتی را به این کتاب‌ها اعطا نکرد که تا کنون از آن برخوردار نبودند، بلکه صرفاً کائنی بودن آنها را تثبیت کرد. بیانیه شورای هیپو، چهار سال بعد توسط سومین شورای کارتاژ از نو اعلام شد (Bruce, BP, 113)». پس از این تاریخ، هرگز مرجعیت این بیست و هفت کتاب پذیرفته شده توسط کلیساهای کاتولیک، پروتستان و ارتدکس شرق به شکل جدی زیر سؤال نرفته است.

۳- د: طبقه‌بندی کتاب‌های کائنی

کتاب‌های کائنی عهدجدید به ترتیب ذیل طبقه‌بندی شده‌اند:

۳- ج: کتاب‌های آپوکریفای (مشکوک‌الاصل) عهدجدید

۱- د: فهرست کتاب‌های آپوکریفا

نامه برنابای کاذب (۷۰-۷۹ میلادی)

نامه به قرنتیان (حدود ۹۶ میلادی)

موعظه کهن یا به اصطلاح نامه کلیمت (حدود ۱۲۰-۱۴۰ میلادی)

شبان هرماس (حدود ۱۱۵-۱۴۰ میلادی)

دیداکه، تعلیم دوازده [رسول] (حدود ۱۰۰-۱۲۰ میلادی)

مکاشفه پطرس (حدود ۱۵۰ میلادی)

اعمال پولس و تیکلا (۱۷۰ میلادی)

نامه به لائودکیان (احتمالاً قرن چهارم)

انجیل به روایت عبرانیان (۶۵-۱۰۰ میلادی)

نامه پولیکارپ به فیلیپیان (حدود ۱۰۸ میلادی)

هفت نامه ایگناتیوس (حدود ۱۰۰ میلادی)

این فهرست فقط بخشی از نوشته‌های غیرکائنی است- (Geisler, GIB, 297) 316)

۲- د: علت رد کتاب‌های آپوکریفا

گایسلر و نیکس دلایلی را که مانع از قرار گرفتن این کتاب‌ها جزو کتاب‌های کائنی شدند، چنین جمع‌بندی می‌کنند: «(۱) هر یک از این کتاب‌ها فقط مدتی کوتاه و صرفاً در محدوده مکانی مشخصی از مقبولیت برخوردار شدند. (۲) این کتاب‌ها به زحمت جزو کتاب‌های نیمه‌کائنی محسوب می‌شدند و به کتاب‌های کائنی دیگر اضافه نشده و در فهرست کتاب‌های کائنی هم حتی نامی از آنها برده نشده است. (۳) در هیچ‌یک از فهرست‌های معتبر مربوط به کتاب‌های کائنی یا در هیچ‌یک از شوراهای کلیسایی از این کتاب‌ها به‌عنوان کتاب‌های الهامی عهدجدید نام برده نشده است. (۴) پذیرش محدود این کتاب‌ها نیز به این علت بوده که این کتاب‌ها خود را به اموری مرتبط ساخته‌اند که در کتب کائنی آمده است (برای مثال، کتاب آپوکریفای لائودکیان به کولسیان ۴: ۱۶ اشاره دارد)، یا به شکلی خود را به حلقه رسولان و وقایع مرتبط و مورد تأیید آنها مربوط می‌ساختند (برای مثال کتاب اعمال پولس). هنگامی که نادرستی این ادعاها آشکار گشت، دیگر تردید زیادی در مورد عدم تعلق این کتاب‌ها به کتاب‌های کائنی باقی نماند (Geisler, GIB, 317)».

بازداشت یکی دیگر از درویش گنابادی در کوار

ژانویه 3، 2012



یکی دیگر از درویش گنابادی در کوار روز یکشنبه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. به گزارش وبسایت مجذوبان نور، نیروهای امنیتی با حمله به منزل «رضا پیشکار» به تفتیش و بازرسی غیرقانونی پرداخته و او را به زندان عادل آباد شیراز منتقل کردند. بر پایه این گزارش رضا پیشکار چندی پیش نیز مورد حمله نیروهای امنیت و لباس شخصی قرار گرفته بود اما دستگیر نشده بود. طی چند ماه گذشته بازداشت درویش گنابادی شدت گرفته و علاوه بر درویشان، چند تن از وکیلان مدافع آنان نیز بازداشت و زندانی شده اند.

حکمت در کتاب مقدس



حکمت در کتاب مقدس

افشین لطیفزاده

به نظر می‌آید کلمه حکمت در زمان حاضر واژه از دور خارج شده‌ای است. امروزه دیگر به کسی «حکیم» نمی‌گویند و ما را برای «حکمت‌اندوزی» تشویق نمی‌کنند. «تحصیل» و «دانش‌اندوزی» واژگان رایج عصر فعلی است. اگر شخصی دارای تحصیلات عالی باشد، او را حتی ناگفته «حکیم» می‌پنداریم. بهر عم ما «دانشگاه» مکانی است که در آن به عمق مفاهیم پی می‌بریم و اگر کسی از نعمت

برای شناخت محبت

آموزش دانشگاهی برخوردار نباشد، خود را از درک عمیق مفاهیم و معانی و یا به اصطلاح قدما «حکمت» محروم داشته است. اما کلام خدا معنایی بس ژرفتر و عمومی‌تر و کاربردی‌تر برای واژه حکمت قائل است. می‌توان به بالاترین مدارج تحصیلی رسید، اما از آنچه کلام خدا «حکمت» می‌نامد فاصله گرفت. می‌توان در انزوا و تنهایی، تخصصی‌ترین تحقیقات علمی را انجام داد اما از فهم و درک صحیح دور شد (امثال سلیمان ۱:۱۸). می‌توان در پیش چشم دیگران فردی عالم به‌نظر آمد و با اتکا به مدارک درخشان تحصیلی به خود بالید، اما در برابر چشمان نافذ خدا بس تهی و حقیر بود. آنچه امروزه در مراکز آکادمیک تحت عنوان دانش انتزاعی (Abstract)، تحلیلی (Analytical) و خاص (Specified) نام برده می‌شود، همگون و همسنگ با آنچه کلام خدا حکمت می‌نامد نیست. از این رو در ابتدا لازم است که تعریف درستی از این واژه به‌دست دهیم تا از خلط آن با مفاهیم رایج اجتناب ورزیم.

معنای حکمت در کتاب مقدس

انسان فطرتاً موجودی ارزش‌باور و ارزش‌محور است. همه ما بر اساس ارزش‌هایی خاص، زندگی خود را سمت و سو می‌دهیم. همچو خورشید که در منظومه ما، محور حرکت اجسام سماوی است، ارزش‌ها جهت دهنده راه و طریقی است که در زندگی در پیش می‌گیریم و برای تحقق آنها تمام تلاش‌مان را هزینه می‌کنیم. برای عده بسیاری این محوریت خواست خود و یا خواست دیگران است. ما یا برای خود زندگی می‌کنیم و یا برای دیگران و اگر کسی را بیابیم که اینگونه نیست، او را فردی فاقد هدف و ارزش قلمداد می‌کنیم.

اما کلام خدا به‌روشنی بیان می‌کند که شخص حکیم کسی است که محور ارزش‌هایش نه خود و نه دیگران بلکه خداست. چنین شخصی ممکن است فاقد هر نوع تحصیلات دانشگاهی باشد اما زندگی خود را بر مبنای انجام خواست خدا بنا می‌کند و می‌کوشد اهداف الهی را در هر آنچه می‌اندیشد و به عمل می‌آورد به اجرا درآورد.

بدین‌سبب کلام خدا «ترس خدا» را آغاز حکمت می‌نامد (امثال سلیمان ۱:۷). واژه ترس ترسیم‌کننده حالتی خاص است. وقتی از چیزی می‌ترسیم، حالتی خاص از حیات را به نمایش می‌گذاریم. از این رو، حکمت امری فراتر از آگاهی صرف است و معرفت حالت و وضعیت ما در برابر خداست. حکمت فراتر از بهره هوشی و توانایی‌های ذهنی و انتزاعی است. حکمت بس والاتر از انجام تکالیف درسی است.

می‌توان آن را به سفری تشبیه کرد که در آن دگرگونی ارزش‌ها با محوریت خدا رخ می‌دهد. می‌توان آن را جستجویی نامید برای هر چه عمیق‌تر درک کردن رازهای هستی و حیات. در کلام خدا با دو منبع مهم کسب حکمت آشنا می‌شویم. یکی را می‌توان منبع مکتوب نامید.

مطالعه توأم با تعمق کلام خدا، ما را به‌طور قطع به سرزمین حکمت و خداترسی می‌برد. اما کلام خدا به منبع دیگری نیز اشاره می‌کند و آن «تعمق در مشاهدات و تجربیات» است. شاید بتوان این منبع حکمت اندوزی را منبع شفاهی نامید.

باید جدا از مطالعه، به جهان پیرامون و زندگی نگاهی عمیق داشت. باید به آفرینش و سفر زندگی با حالت ترس نظر انداخت و به راز آفرینش و حیات اندیشید چرا که هر دوی آنها در لایه‌های تحتانی حاوی معانی غنی و عمیقی‌اند. حکمت در کلام خدا به هیچ‌وجه، مختص دانشجویان دانشگاه‌ها نیست بلکه به‌طرز باور نکردنی در دسترس همگان است.

برای شناخت محبت

حکمت به جای انزواطلبی، در کوچه‌ها و میدان‌های عمومی شهر «همه» را فرا می‌خواند (امثال سلیمان ۲۰:۱-۲۱). همه ما کارت دعوتی سخاوتمندانه را از خدا دریافت می‌کنیم تا از خوان غنی و لذیذ او درس حیات بیاموزیم. حال می‌خواهیم به سه بُعد و یا سه تأکید مهم ادبیات حکمتی [1] در کلام خدا اشاره کنیم.

۱- تأکید بر اهمیت خلقت

ما در جهانی بسر می‌بریم که به طرز غمانگیزی درگیر و شاهد بحران‌های زیست محیطی است. آنچه در کلام خدا تحت عنوان «زمین» از آن با حساسیت یاد می‌شود، معرف ارزشی است که خدا برای زمینی که در آن بسر می‌بریم قائل می‌شود. کلام خدا به وضوح بیان می‌کند که ما به زمین تعلق داریم و نه زمین به ما. به دیگر سخن خلقت انسان زیر مجموعه دایره بزرگتری است که «خلقت» نام دارد و انسان در بدو آن، مسئولیت حفاظت از خلقت را به عهده داشت (پیدایش ۲: ۱۵). از این رو، تمامی فعالیت‌هایی که در جهت حفظ محیط زیست صورت می‌گیرد در تطابق با هدف خدا برای خلقت است. اخیراً کتاب مقدس به نام کتاب مقدس سبز (The Green Bible) چاپ شده که حتی نگاه اجمالی به آن بیانگر تعداد شگرف آیاتی است که در کلام خدا به طبیعت اشاره شده است.

خداوند فقط به فکر نجات انسان‌ها نیست، بلکه جهان طبیعی عرصه عمل و نجات اوست. تعلق ما به طبیعت و نه حاکمیت مستبدانه ما بر طبیعت، به معنای در پیش گرفتن نوع دیگری از زندگی است که در آن انسان به هدف اولیه خلقت که همانا پاسداری از آفرینش است باز می‌گردد. از سوی دیگر تأکید ادبیات حکمتی بر اهمیت خلقت ما را از دوگانه باوری (Dualism) افراطگونه بر حذر می‌دارد. دوگانه باوری تفکری است که در آن جهان طبیعی فاقد معنا قلمداد شده و صرفاً در پرتو فانی بودنش تعریف می‌گردد.

چنین رویکردی در کلام خدا رد می‌شود. جهان طبیعی نه عین ذات خداست و نه عاری از هرگونه جلوه اوست. بلکه مصنوع و اثر خداست.

بسان تابلوی زیبایی که انگشت اشاره‌اش به سوی خالقش است. خداوند در کتاب مقدس به دفعات با اشاره به خلقت جهان به قومش پیغام می‌دهد که در صدد خلق امر نویی است (کتاب اشعیا باب‌های ۴۰ به بعد). مطالعه ادبیات حکمتی ما را تشویق می‌کند که نگاه خود را به خلقت تغییر دهیم و به نوعی در آفرینش و در پس آن، خدای خلاق را ببینیم که دائم در حال نوسازی خلقت است. به دیگر سخن، مطالعه این ادبیات، الهیات آفرینش را در ما تقویت می‌کند.

۲- تأکید بر جایگاه انسان در جهان

جستجوی حکمت جستجویی است برای یافتن جای خود در نظام آفرینش. ابتدا باید جایگاه خود را شناخت و از آنجا به شناخت خود نایل شد. انسان‌شناسی (آنتروپولوژی) بدون درک جای خود در جهان، امکان‌پذیر نیست. تعیین مختصات مکانی سهم غیرقابل انکاری در تعریف خود دارد. برای هر یک از ما بسیار اتفاق افتاده است که گاه در معمای هزار توی زندگی گم می‌شویم و ناامیدانه در پی تعیین هدف و تعریف خود برمی‌آییم اما نمی‌دانیم کجا هستیم.

حکمت، مختصات مکانی ما را تعریف می‌کند تا بتوانیم «راه خود را» و به بیانی دیگر «خود را» پیدا کنیم. امروزه شاهد آنیم که بسیاری دچار بحران هویتند و کورکورانه به راهی می‌روند که دیگران سالک آنند.

ما هر روزه با هزاران تعریف عرضه شده در بازار برای تعریف خود روبرویم و گاه خود را در جمع این تعاریف گم می‌کنیم. گویی خطر گم‌شدگی و گم‌گشتگی خطری دائمی است. حکمت ما را به تعریف

برای شناخت محبت

درست خود و نگاه درست و واقع‌بینانه به زندگی تشویق می‌کند. گاه این نگاه، نگاه غم‌انگیزی است (کتاب جامعه و ایوب)، اما حکمت ابایی ندارد که پرده از حقایق غم‌انگیز حیات بردارد. سفر حکمت و جستجوی آن، گاه سفری پردرد و رنج و جانکاه است. سفری که در آن درک به رنج می‌انجامد (جامعه ۱: ۱۸). اما جایگاه واقعی ما قربانی خوش‌بینی‌های کاذبانه نمی‌شود. از این رو، این ادبیات به‌شدت شخصی است. گویی حکمت در پی آن است که از جز به کل و یا از شخص بسوی مجموعه اشخاص حرکت کند. مطالعه ادبیات حکمتی، انسان‌شناسی را در ما تقویت می‌کند.

۳- تأکید بر ارزش والای زن

در کتاب‌های امثال سلیمان و غزل‌غزل‌ها، زن نقش کلیدی دارد. در امثال سلیمان، حکمت به زنی تشبیه می‌شود دوست‌داشتنی که همه را دعوت به مصاحبت با خود می‌کند. از سوی دیگر در این کتاب زن دیگری نیز وجود دارد که باید از او پرهیز کرد.

خانم حکمت ما را به قلمرو سعادت می‌برد و زن ضد حکمت زندگی ما را به باد می‌دهد و سرنوشت ما در گرو گوش دادن و تبعیت از یکی از دو زن است. تشبیه حکمت به زن از آن رو حائز اهمیت است که در اسرائیل باستان، زنان از هویت اجتماعی برخوردار نبودند و مردان حاکم عرصه‌های خارج از خانه بودند.

به همین دلیل، توجه به این ادبیات برای قوم خدا بسیار اهمیت داشت تا نقش غیرقابل انکار و حیاتی زنان را در شکل‌گیری جامعه از یاد نبرند.

اما می‌توان بدین نتیجه هم رسید که تشبیه حکمت به زنی که در کوی و برزن (خارج از خانه) همگان را دعوت به پیروی از خود می‌کند، بذر فروپاشی نظام اجتماعی کهن اسرائیل را نیز در خود می‌پروراند.

گویی حکمت به ما می‌گوید به هنجارهای اجتماعی که قرن‌ها آنها را بی‌چون و چرا پذیرفته‌ایم، نگاهی دوباره بیندازیم و اگر آنها به محدود کردن سهم حیات برای عده‌ای ختم شده‌اند، بذر فروپاشی‌شان را آگاهانه بکاریم. در کتاب غزل‌غزل‌ها نیز یکی از شخصیت‌های اصلی داستان زن است که درد جانکاه عشق را در وجود خود دارد. او با اعتمادبه‌نفس مثال‌زدنی سخن می‌گوید، شماتت می‌کند، درد می‌کشد و دائم در حال جستجوست. چنین تصویری در فضای اجتماعی مرد سالار اسرائیل بدیع و به‌نوعی تکان‌دهنده است. تشبیه حکمت به زن، الگویی را برای جامعه به‌شدت مرد سالار اسرائیل به تصویر می‌کشد که برای آنان غیرقابل هضم بود.

زن، مدل و الگوی رفتاری برای مرد می‌شود. مردان باید به خانم حکمت و نه زن ویرانگر حکمت گوش دهند. از سوی دیگر تشبیه حکمت به زن، معرف جذابیت و زیبایی و خواستنی بودن حکمت است.

حکمت‌اندوزی سفری هنرمندانه و زیباشناسانه است. حکیمان شاعران و هنرمندان عصر خویشند که می‌کوشند با خلق اثری زیبا، معنای حیات را برای ما ترسیم کنند. بیان این حقیقت که سبک ادبی نوشته‌های حکمتی، موزون و شعری است، ما را از درک خسته‌کننده و بدون شور حیات مصون می‌دارد.

هدف این ادبیات ایجاد آرزوهای سالم و سرشار از طراوت زندگی است. تشبیه حکمت به زن، زایایی هستی را به ما یادآوری می‌کند و اهمیت والای زنان را در شکل‌گیری با معنای حیات گوشزد می‌کند. هنر به‌عنوان مقوله‌ای زیباشناسانه، نیروی زندگی را در ما برمی‌انگیزاند و زیبایی خانم حکمت ما را تشویق می‌کند تا آن را بدست آورده، با آن خوب زندگی کنیم (امثال سلیمان ۳: ۱۸).

برای شناخت محبت

حال به بررسی اجمالی هر یک از کتب حکمتی در کتاب مقدس می‌پردازیم و می‌کوشیم ارزش منحصر به فرد هر یک را در سطوری کوتاه باز شناسیم.

امثال سلیمان

این کتاب در دوران پادشاهی و پس از تبعید شروع به شکل‌گیری کرد (اول پادشاهان ۴: ۳۲ - ۳۴). تبعید و شکست معرف بحران هویت است و در چنین لحظاتی نیاز به تعریف مجدد خود داریم تا مجدداً ارزش‌های بنیادین خود را به یاد آوریم. سبک شعری این کتاب، امکان به‌خاطر سپاری مفاهیم بنیادی را سهل‌تر می‌سازد.

کتاب امثال نمایانگر ارزش‌های اخلاقی است که در زندگی روزمره باید آنها را به کار گیریم. به دیگر سخن، این کتاب، به خداترسی در عمل می‌پردازد. چگونه در زندگی روزمره و در مناسبات اجتماعی هر روزه، به‌گونه‌ایی زندگی کنیم که خواست خدا انجام شود. شایان ذکرست که ارزش‌های ارائه شده در این کتاب را نباید به شکل جزمی و غیرقابل انعطاف بررسی کرد. در این کتاب با قوانین حیات همچون قانون جاذبه روبرو نیستیم. هدف امثال، خلق فضایی است که در آن به‌گونه‌ای باز و انعطاف‌پذیر به مسائل نگاه کنیم و فکر خود را وسعت دهیم. حال به بررسی تعدادی از آنها می‌پردازیم.

نقد مخرب و نقد سازنده

امثال سلیمان ۲۷: ۵-۶ توبیخ آشکار به از محبت پنهان

زخمی هم که از دوست رسد وفادار است.

اما به صد بوسه دشمن هم نتوان اعتماد کرد.

همچنین نگاه کنید به، ۱۷: ۱۰، ۱۰: ۱۰، ۱۷: ۱۰، ۱۸: ۱۳، ۵: ۱۵ و ۱۲: ۱۰

این آیات فضای صحبت و انتقاد سازنده را به تصویر می‌کشند. گویی هیچ چیز از برخورد سریع و بی‌تأمل بدست نمی‌آید. محبت می‌تواند حتی از برخی تقصیرات چشم‌پوشی کند (امثال ۱۰: ۱۲). هدف از انتقاد، تخریب نباید باشد، بلکه هدف ایجاد شالوم و آرامش الهی در وجود و محیط شخص است. گاه باید حتی به هنگام دیدن معایب، شکیبایی به خرج داد، چون ممکن است شخص خاطی توانایی شنیدن و پذیرش معایب خود را نداشته باشد. باید از انگیزه‌های خود نیز اطمینان کسب کرد. آیا گوینده از محبت کافی برای ابراز نقص دیگری برخوردار است و یا صرفاً بدون محبت در پی بیان حقیقت است؟

آیا می‌توان به جرأت گفت که من این شخص را چنان دوست دارم که می‌توانم با حکمت و سعه صدر به‌گونه‌ای که آرامش و شالوم الهی در زندگیش پدید آید، تقصیراتش را به او بیان کنم؟ در این راستا، نه تنها گوینده، حکمت خود را می‌سنجد، بلکه شنونده نیز با نوع شنیدن خود، پرده از میزان گشودگی خود به حکمت خدا برمی‌دارد. ما چگونه به انتقادات گوش می‌کنیم؟ خواننده عزیز همانگونه که در مطالعه این سری از امثال دریافتید، هدف آنها خلق فضایی جدید در افکار و حالات ماست. امثال را نباید فرمول‌گونه درک کرد. کتاب امثال در بردارنده سخنان حکیمانه‌ای است که قرن‌ها آزموده شده و صحت آنها به اثبات رسیده است. این کتاب تبلور راهکارهایی است که فهم و رفتار خردمندان را به بار می‌آورد و دانشی را به ما می‌بخشد که مجزا از زندگی اخلاقی نیست (امثال ۱: ۱-۷).

جامعه

شاید بتوان این کتاب را نقدی بر سایر نوشته‌های حکمتی به حساب آورد. اگر حکمت در امثال سلیمان با خود «سعادت و شادی» به ارمغان می‌آورد، مطابق نظر این کتاب «غم و درد» حاصل آن است.

در مطالعه کلام خدا باید به صداها و پیام‌های به‌ظاهر متضاد کتاب‌ها به دقت گوش کرد، زیرا حقیقتی عمیق در پس این شهادت‌ها تناقض‌گونه وجود دارد. شایان ذکر است که عنوان کتاب‌های عهدعتیق از ترجمه یونانی کتاب مقدس برگرفته شده است. در اصل عبری، عنوان این کتاب «کوهلت» است که می‌تواند به معنای فردی باشد که دیگران را فرا می‌خواند تا تجربیاتش را با آنها در میان بگذارد.

واژه کلیدی این کتاب، «هیل» (بطالت) است که بارها در کتاب ذکر می‌شود. هیل می‌تواند به معنای «پوچی و بی‌معنایی» و همچنین «ناپایداری و زودگذری» باشد. بر این باورم که آنچه کوهلت به ما می‌گوید به معنای آن نیست که زندگی و حیات یک شوخی و یا جوک غم‌انگیز است. کوهلت نمی‌گوید از درک ساده‌لوحانه و توهم خوش‌بینانه خود پیرامون باور به حیات با معنا بیدار شو. آنچه کوهلت به جد به نقد می‌کشد نه بی‌معنایی حیات، بل بی‌معنایی خلق معنا صرفاً در دایره تلاش و دستاوردهای انسانی است. عبارت «در زیر آسمان»، فضایی را که درک در آن صورت می‌گیرد، ترسیم می‌کند. «زیر آسمان»، خبر از محدودیت زمانی، مکانی، ادراکی و فیزیکی بشر می‌دهد. انسانی که محدود در زمان و فضا است و مرگ هر لحظه در تعقیب اوست و در دام حوادث اسیر است، نمی‌تواند و نباید ادعاهای بزرگ کند. به بیان دیگر، این کتاب خواننده را تشویق به اقتادگی می‌کند. نباید به خود و دستاوردهای خویش چنان بنگریم که گویی آنها ابدی‌اند و در خاطره‌ها جاودانه باقی خواهند ماند. از سوی دیگر، باور به زودگذری حیات، ما را وادار می‌دارد که قدر لحظات تکرارنشده زندگی‌مان را بدانیم و هر لحظه از آن را حرمت و ارج نهمیم. در این کتاب حدود ۲۸ بار از واژه «دادن» به معنای بخشیده شدن استفاده می‌شود.

گویی کوهلت به ما می‌گوید ببین که چقدر به تو بخشیده شده است. هدایای زندگی‌ت را بشمار و قدر آنها را بدان. نعمت خانواده، خلقت، زمان و تمامی آنچه را که خداوند به هر یک از ما بخشیده است، تکرار نشدنی است. برای کوهلت، شادی و گشاده‌دستی دو عامل مهم تسکین‌دهنده هیل حیات هستند. نصیحت پایانی کتاب بار دیگر اهمیت بنیادی «ترس خدا» را گوشزد می‌کند. ترس خدا به‌عنوان مهم‌ترین «تکلیف انسان» و یا به‌عبارت دیگر اساسی‌ترین طریق «تعریف انسان»، ما را از پوچی، زودگذری و مصائب حیات محفوظ می‌دارد.

غزل‌ها

حکمت و عشق چنان در هم تنیده‌اند که نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا نمود. باید عاشق حکمت بود تا آن را بدست آورد. باید عاشقانه به جستجوی آن پرداخت و درد و زجر هرمان آن را به جان خرید. این کتاب بزرگ‌ترین مشکل حیات را فقر عشق و صمیمیت می‌داند. فقر عشق به خدا، به دیگری و به طبیعت. این کتاب دعوتی است لاینقطع برای بازگشت به عشقی بالغ و رو به فزونی. این کتاب دعوتی است برای رفع بیگانگی از خدا، از خود، از دیگری و از خلقت. تنها در سایه بازیابی این صمیمیت از دست رفته است که تقدس رخ می‌دهد و جهان عرصه تجلی عمل الهی می‌گردد.

آنچه احیاکننده عشق انسانی است، عشق لایتغیر و همیشه حاضر و فعال خداست. این کتاب روایت درد عشق دو عاشق است که با نهایت احترام و عطش فراوان در انتظار وصال یکدیگرند. در باب اول آیه ۹، مرد زن را به اسبی در اربه فرعون تشبیه می‌کند. نویسنده در این قسمت به رویدادی شناخته شده در نبردهای باستانی اشاره می‌کند. در نبردی که فرعون با پادشاه قادش داشت.

قادشیان که می‌دانستند اسبان فرعون، ماده می‌باشند، اسبان نر را به اربه‌های او نزدیک کردند تا در میان آنها ناآرامی و هممه بیندازند. به دیگر سخن مرد به زن می‌گوید «تو مردان را از خود بیخود

برای شناخت محبت

می‌کنی». عشق خدا به انسان این‌گونه است. عشق اکسیر رها شدن از خود و توجه به دیگری است و آگاهی از عشق بی‌حد و مرز محبوب، در ما ایجاد عشق می‌کند.

ایوب

کتاب ایوب روایت شنیدن حکمت از شخص رنجبر است. این کتاب بیشتر از آن که بخواهد دلیل رنج را از خدا بپرسد و یا به تجربه و تحلیل خود رنج بپردازد، بر شخص رنجبر متمرکز است. گویی فرد رنجبر از اقتداری خاص برای سخن گفتن برخوردار است. اقتداری که شنونده را به «سکوت» و فراتر از آن به «احترام» نسبت به شخص رنجبر تشویق می‌کند. این کتاب نمایانگر آن است که او که دردی جانکاه بر خود دارد، الهی‌دانی است که درکی خاص و منحصر به فرد از خدا دارد. ایوب روایت الهیات نه رنج بلکه رنجبر است. رنجبری که حق سخن گفتن و حق شنیده شدن را به تمامی دار است.

باب‌های پایانی این کتاب بسیار پر رمز و راز است. شاید پیغام کتاب آن است که نمی‌توان همیشه به درک روشن درد و رنج رسید و یا نباید همواره به دنبال پاسخ بود. چرا که پاسخ، خود به درد و رنج مشروعیت می‌دهد. و یا شاید پیغام آن است که خدا را نباید تنها در دایره درک اخلاقی خود تعریف کرد (خروج ۳۴:۶). از خدا نباید با درک محدود خود، موجودی قابل پیش‌بینی و فرمول‌پذیر بسازیم. او گاه برای خیر ما، ما را به عرصه‌هایی می‌برد که برایمان هضم ناشدنی است، اما می‌توان مثل ایوب از کوره آزمایش سربلند و متحول شده بیرون آمد.

آنچه در پایان این نوشته اجمالی و سرشار از نقض بیش از پیش جلوه می‌کند، نیاز به مطالعه آهسته و پر از تعمق ادبیات حکمتی است. از یاد نبریم که ترس از خداوند سرآغاز دانش است (امثال سلیمان ۷:۱).

[1] ادبیات حکمتی در کتاب مقدس به‌طور خاص به کتاب‌های امثال سلیمان، جامعه، غزل‌غزل‌ها و ایوب اشاره دارد اما برخی از مزامیر را نیز می‌توان در زمره این ادبیات به حساب آورد. به‌طور کلی هر گاه نویسنده در پی قیاس دو راه برمی‌آید (راه حکمت و راه تباهی)، و یا خواننده را تشویق به مشاهده عمیق خلقت و یا تجربیات زندگی می‌کند، گفتگوی او از سبک حکمتی برخوردار است.

افزایش فشار بر شهروندان بهائی در شهرهای شمالی ایران

ژانویه 3، 2012



در طی هفته‌های گذشته در شهرهای ساری و رشت بیش از سی بهایی مورد احضار و بازجویی قرار گرفته و برای ترک کشور مورد فشار قرار گرفته‌اند. بنا بر اخبار واصله در ماه گذشته مامورین اماکن شهرستان ساری به محل کسب بیش از 30 تن از شهروندان بهایی این شهر مراجعه و ضمن تفتیش محل کسب ایشان، برخی را نیز به اماکن احضار نموده‌اند.

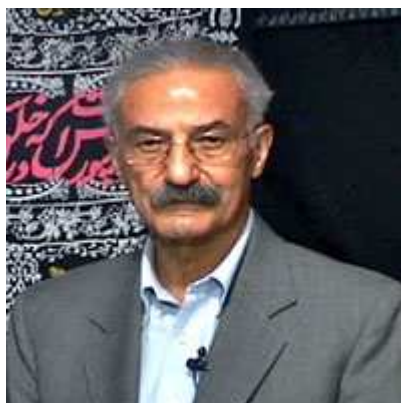
برای شناخت محبت

هم چنین طی چند روز گذشته از سوی اطلاعات ساری به محل کسب ارسطو نوبخت، علی بابا نوبخت و عارف گلی مراجعه نموده و از ایشان در مورد نحوه کسب سرمایه شان و نیز علل عدم مهاجرت و در ایران ماندن ایشان سوال نموده اند.

جمعه گذشته نیز مامورین اطلاعات، بهائیان را که به جلسه عبادی خود (ضیافت) در محله بیست و دو بهمن ساری میرفته اند، زیر نظر داشته و به فیلم برداری از رفتار و آمد این شهروندان پرداخته اند. در عین حال گزارشات رسیده از شهر رشت حاکی از آن است که اطلاعات این شهر در هفته های گذشته تعدادی از اعضای خانواده های بهایی ساکن رشت را احضار و ایشان را در مورد محل زندگی، محل کسب، میزان درآمد، مراسم عبادی (ضیافت)، اسامی سایرین بهائیان ساکن رشت و مسایل دینی مورد سوال و بازجویی قرار داده اند. این احضار به نحوی بوده است که در مرتبه اول به عنوان رفع نواقص پرونده سیم کارت با ایشان تماس گرفته شده و در مرحله دوم و حدوداً 2 هفته بعد از تماس اول آن ها را به اطلاعات احضار نموده اند.

نگهداری نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت در بند ۲۰۹ اوین

ژانویه 4, 2012



نصرالله لاله از درویش گنابادی و مدیر انتشارات حقیقت در بند امنیتی زندان اوین در بازداشت می باشد .

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت که روز سه شنبه ۲۹ آذرماه توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شده است به بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده و در سلول انفرادی نگهداری می شود.

لازم به ذکر است وضعیت جسمی این درویش گنابادی با توجه نیاز وی به مراقبت های ویژه پزشکی و فشار بازجویی ها طی دو هفته گذشته در شرایط وخیمی قرار دارد و نگرانی ها از به خطر افتادن سلامتی ایشان در حال افزایش است .

یادآور می شود علاوه بر بازداشت نصرالله لاله در روزهای اخیر ، رضا پیشکار دیگر درویش گنابادی نیز در تاریخ ۱۱ دی ماه در شهر کوار بازداشت و به زندان عادل آباد شیراز منتقل شده است .

حمله و یورش نیروهای امنیتی به منزل یک درویش گنابادی

ژانویه 4, 2012



۵ تن از نیروهای امنیتی مسلح به سلاحهای گرم به منزل یک درویش گنابادی در کوار حمله کردند و علاوه بر تخریب و تفتیش منزل وی منجر به وخامت حال جسمانی همسر این درویش شدند .

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ عصر امروز ۱۴ دی ماه ، ۵ تن از نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حمله به منزل نظام ملکپور یکی از درویش گنابادی ساکن کوار علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی منزل وی اقدام به تخریب اموال و وسایل شخصی و ایجاد رعب و وحشت در بین خانواده ایشان کردند .

حمله وحشیانه نیروهای امنیتی و لباس شخصی علاوه بر صدمات و تخریب های اشاره شده منجر به وخامت وضعیت جسمی همسر نظام ملکپور و انتقال ایشان به بیمارستان نیز شده است . خانوادهی این درویش گنابادی مقامات امنیتی این شهرستان را مسئول هرگونه آسیب و صدمه ای که سلامتی ایشان را تهدید کند ، می دانند .

لازم به ذکر است حمله مسلحانه نیروهای امنیتی و لباس شخصی به قصد دستگیری نظام ملکپور صورت گرفت که به علت عدم حضور وی در منزل ، بازداشت نشد .

یادآور می شود ، منزل این درویش گنابادی در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال جاری نیز مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفته بود .

موج تازهی بازداشت و آزار و اذیت درویش گنابادی از نیمه ی شهریور سال جاری از سوی نیروهای امنیتی و لباس شخصی با شدتی بی سابقه آغاز و تاکنون ادامه داشته است .

روز شمار نقض حقوق شهروندان بهایی آذر ۹۰

ژانویه 5, 2012



خبرگزاری هرانا - در تدوam سرکوب اقلیت مذهبی بهایی گزارشی ماهانه از سوی واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران منتشر می‌شود که گزارش زیر نقض حقوق بهائیان در آذرماه سال جاری است.

متن این گزارش به قرار زیر است:

۱ آذر: طی روزهای گذشته «شیما رنجبر» دانشجوی بهایی ورودی سال ۹۰ رشته مهندسی مکانیک ماشین آلات کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی گرگان به دلیل اعتقاد به آئین بهایی از دانشگاه مزبور اخراج شد.

۲ آذر: «شراره کاشانی نژاد» شهروند بهایی ساکن بابل که در خرداد ماه سال جاری مدتی همراه همسرش بازداشت بود طبق حکم دادگاه به یک سال حبس تعزیری محکوم که حکم مزبور به ۵ سال حبس تعلیقی تبدیل شد.

۳ آذر: طی نامه ای به تاریخ ۱۱/۸/۹۰ پلیس ناظر بر اماکن عمومی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه به ریاست مجمع عمومی صنفی استان درخواست شناسایی اقلیت های مذهبی در اصناف و همکاری در معرفی ایشان به پلیس را خواستار شد.

۵ آذر: طی هفته های گذشته ماموران اداره اماکن کرمان با مراجعه به تعدادی از اماکن کسب شهروندان بهایی در محله سرباز شهر مزبور به ایشان مهلت دو ماهه برای تعطیل اماکن کسبشان اده می شود.

- بدنبال فشارهای اقتصادی بر شهروندان بهایی، خبر رسیده طی ماههای گذشته هیچ جواز کسبی در شهر رفسنجان در استان کرمان تمدید نشده است.

۷ آذر: فاران حسامی پس از دو ماه و نیم بازداشت از زندان اوین به قید وثیقه آزاد شد.

۸ آذر: صهبا رضوانی شهروند بهایی ساکن سمنان پس از گذراندن محکومیت سه ساله در زندان اوین آزاد شد.

۹ آذر: سه شهروند بهایی ساکن شیراز به نام های «وحدت دانا»، «کیوان کرمی» و «فرهام معصومی» برای گذراندن دوره محکومیت ۱۰ ماهه خود را به بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ شیراز معرفی نمودند.

۱۰ آذر: «نادر کسایی» شهروند بهایی ساکن سمنان که پیش از این به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده بود برای گذراندن دوران محکومیت راهی زندان شد.

- «افشین احسنیان» شهروند بهایی ساکن شیراز برای گذراندن محکومیت ۱۰ ماهه خود را به بازداشتگاه اداره اطلاعات - پلاک ۱۰۰ - معرفی و راهی زندان شد.

برای شناخت محبت

۱۴ آذر: یک شهروند بهایی ساکن کاشان به نام «امراالله منوچهری» از کشور ممنوع الخروج شد.
۱۶ آذر: «شعله طائف» شهروند بهایی ساکن سمنان پس از اتمام محکومیت یک ساله در زندان اوین آزاد گردید ولی به نامبرده یک مهلت سه روزه داده شد تا برای گذراندن دوره تبعید ۲ ساله به خارج از سمنان خود را آماده و سپس معرفی کند.

۱۷ آذر: «زهره نیک آیین» شهروند بهایی ساکن سمنان طبق حکم دادگاه انقلاب به ۷ سال حبس تعزیری محکوم شد نامبرده متهم به عضویت در گروه روحی، ضیافت نوزده روزه، علوم و فنون، راه اندازی کلاسهای درس اخلاق برای کودکان بهایی و تبلیغ علیه نظام از طریق دریافت پیامهای بیت العدل و اجرای آن می باشد.

- سیمین گرجی شهروند بهایی ساکن قائم شهر پس از ۱۹ روز بازداشت به قید وثیقه معادل ۱۶ میلیون تومان آزاد شد.

۱۹ آذر: «نگار صالحی» دانشجوی بهایی ورودی سال ۹۰ رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه مازندران به دلیل اعتقاد به آئین بهایی از دانشگاه اخراج شد.

- «فرهود اشتیاق» شهروند بهایی ساکن اصفهان که پس از بازداشت به مشهد منتقل شده بود پس از ۵ ماه بازداشت موقت به قید وثیقه از اداره اطلاعات مشهد آزاد شد.

اقدام به بازداشت نظام ملکپور، از درویش گنابادی

استان فارس

ژانویه ۵, 2012



خبرگزاری هرانا - منابع خبری از اقدام به بازداشت نظام ملکپور یکی از درویش گنابادی ساکن کوار استان فارس گزارش می دهند.

به گزارش تارنمای مجذوبان نور، ۵ تن از نیروهای امنیتی مسلح به سلاحهای گرم به منزل یک درویش گنابادی در کوار حمله کردند و علاوه بر تخریب و تفتیش منزل وی منجر به وخامت حال جسمانی همسر این درویش شدند.

برای شناخت محبت

بر اساس این گزارش، نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حمله به منزل نظام ملکپور یکی از درویش گنابادی ساکن کوار علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی منزل وی اقدام به تخریب اموال و وسایل شخصی و ایجاد رعب و وحشت در بین خانواده ایشان کردند.

حمله نیروهای امنیتی و لباس شخصی علاوه بر صدمات و تخریب های اشاره شده منجر به وخامت وضعیت جسمی همسر نظام ملکپور و انتقال ایشان به بیمارستان نیز شده است.

خانواده‌ی این درویش گنابادی مقامات امنیتی این شهرستان را مسئول هرگونه آسیب و صدمه‌ای که سلامتی ایشان را تهدید کند، می‌دانند.

لازم به ذکر است حمله مسلحانه نیروهای امنیتی و لباس شخصی به قصد دستگیری نظام ملکپور صورت گرفت که به علت عدم حضور وی در منزل، بازداشت نشد.

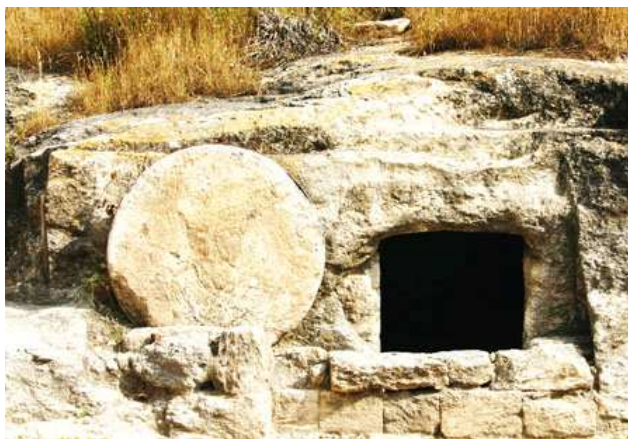
منزل این درویش گنابادی در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال جاری نیز مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفته بود.

گفتنی است، موج تازه‌ی بازداشت و آزار و اذیت درویش گنابادی از نیمه‌ی شهریور سال جاری از سوی نیروهای امنیتی و لباس شخصی با شدتی بی سابقه آغاز و تاکنون ادامه داشته است.

روز گذشته نیز گزارش رسید که نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت و از پیروان این طریقت، در بند امنیتی زندان اوین در بازداشت می‌باشد.

رستاخیز مسیح: واقعیت یا افسانه

دسامبر 11, 2011
رستاخیز مسیح: واقعیت یا افسانه



دکتر مهرداد فاتحی

ایام عید رستاخیز است و فکر کردم بد نباشد کمی درباره ابعاد تاریخی این باور بنیادین مسیحی با هم بیندیشیم. آیا در این دوره و زمانه می‌توان در عین حفظ صداقت و سلامت اندیشه به رستاخیز عیسی از میان مردگان باور داشت؟

آیا در عصر پیشرفت سرسام‌آور علم و تکنیک، خصوصاً در جوامعی که سه قرن از انقلاب روشنگری را پشت سر گذاشته‌اند، می‌توان به جد معتقد بود که عیسی سه روز پس از مرگش از قبر برخاسته باشد؟

برای شناخت محبت

آیا رستاخیز مسیح از مردگان واقعیتی تاریخی است یا افسانه‌ای ساخته و پرداخته اذهان گروهی مذهبی که شجاعت رو به رو شدن با حقیقت تلخ مرگ رهبر و استاد خود را نداشتند؟

رستاخیز و فلسفه تاریخ

برای اینکه بتوانیم رستاخیز مسیح را به لحاظ تاریخی بررسی کنیم، نخست باید به شیوه نگرش پژوهندگان تاریخ به وقایع گذشته و ملاک‌های آنها برای تشخیص حقیقت از خطا نگاهی بیفکنیم. این بحث به لحاظ فنی، فلسفه تاریخ نامیده می‌شود. از قرون وسطی تا اواخر قرن هجدهم، به تاریخ به‌گونه‌ای بس متفاوت با عصر مدرن نگریسته می‌شد. در این دوره، شمار بس اندکی به تاریخ عمومی جهان به‌عنوان منبعی برای معرفت و شناخت حقیقت می‌نگریستند. آنچه در تمام قرون وسطی حائز اهمیت تلقی می‌شد، تاریخ مقدس بود که در کتاب مقدس در اختیار مردم قرار داشت و انسان می‌توانست با رجوع به آن به حقایق الهی دست یابد. ولی بقیه وقایع تاریخی، چندان حائز اهمیت تلقی نمی‌شد و مورد بررسی جدی قرار نمی‌گرفت. حتی اندیشمندان جنبش روشنگری بر این اعتقاد بودند که خرافه‌باوری تاریخ‌نگاران گذشته سبب شده است که آنها با دقت و نقادی کافی به وقایع ننگرند و در نتیجه، دستاوردهای آنها فاقد ارزش علمی برای شناخت حقایق تاریخی باشد. دکارت، هابس و بخصوص لسینگ بر این اعتقاد بودند که چون حقیقت آنچه از گذشته می‌دانیم بسیار نامطمئن است، از این رو از ارزش زیادی برخوردار نیست. گفته معروف لسینگ مدت‌هاست که بر سر زبان‌هاست: «حقایق تصادفی تاریخ هرگز نمی‌تواند مبنای حقایق ضروری عقل باشد.»

شروع توجه جدی به تاریخ به‌عنوان منبعی مهم برای معرفت بشری به اواخر قرن هجده و خصوصاً قرن نوزده بازمی‌گردد. در آثار اندیشمندانی چون هردِر، هِگل و رانکه، علم تاریخ به‌معنای مدرن آن به‌ظهور رسید.

از زمان متفکرین فوق، این باور اوج گرفت که رمز زندگی و سرنوشت بشر را باید نه در حرکت اتم‌ها بلکه در خودآگاهی انسان در تاریخ جستجو کرد. این اندیشمندان، خصوصاً رانکه، کوشیدند عقل‌گرایی مدرن را در عرصه علم تاریخ پیاده کنند. رانکه هدف علم تاریخ را کشف و شناخت حقایق تاریخی چنانکه واقعاً به‌وقوع پیوسته‌اند و به دور از خرافه باوری‌های پیشینیان شمرد. او بر نگاه کاملاً عینی و دور از هر طرفداری به وقایع تأکید کرد، و این‌گونه پایه‌های علم تاریخ به‌معنای مدرن را نهاد. ولی اندیشمندی که بیش از هر کس دیگر بر نگرش تاریخی مدرن به کتاب مقدس اثر گذاشت و ملاک‌های چنین برخورد تاریخی را با باورهای مسیحی شکل داد، تروئلچ بود.

او از یک سو بر این اعتقاد بود که به‌کارگیری روش‌های علم تاریخ در مطالعه تاریخ کتاب مقدس بدین معناست که دیگر نمی‌توان و نباید در تبیین وقایع تاریخ نجات به دخالت مافوق‌طبیعی خدا در وقایع توسل جست، بلکه باید آنها را با ارجاع به علل و عوامل صرفاً تاریخی که در بطن خود وقایع وجود دارند، تبیین کرد.

از سوی دیگر، تروئلچ بر به‌کارگیری اصل مهم دیگری که اصل آنالوژی یا قیاس نامیده می‌شود، تأکید کرد که بنا بر آن، پژوهنده تاریخ تنها می‌تواند حقیقت وقایعی را مُحتمَل و قابل قبول بداند که با تجربه کنونی خود او قیاس‌پذیر باشند. برای مثال، اگر در تجربه تاریخ پژوه، مردگان زنده نمی‌شوند، او نمی‌تواند حقیقت گزارشی را که مدعی زنده شدن مرده‌ای است بپذیرد. بر طبق این دیدگاه، همه وقایع تاریخ در شبکه‌ای از علت‌ها و معلول‌های این‌جهانی به‌وقوع می‌پیوندند و از این لحاظ همگون و همسان‌اند.

برای شناخت محبت

بدیهی است که اعمال چنین فلسفه تاریخی بر وقایع کتاب مقدس به نتایج بسیار منفی در ارزیابی حقیقت تاریخی آنها می‌انجامد، نه به این دلیل که شواهد و قرائن تاریخی قوی برای آنها وجود ندارد، بلکه از آن رو که نگرش و روش تاریخ‌پژوهی به کار گرفته شده، از پیش وقوع هرگونه رخداد منحصر به فرد را که تنها با علل مافوق طبیعی قابل تبیین باشد اساساً ناممکن تلقی می‌کند.

اندیشمندان مسیحی در برابر این نگرش مدرن به تاریخ، به سه شکل واکنش نشان داده‌اند. گروهی که رودلف بولتمان را باید سرمدارشان تلقی کرد، نتایج منفی این رویکرد تاریخی به عهدجدید را به تمامی پذیرا شده و کوشیده‌اند وقایع مافوق طبیعی گزارش شده در اناجیل را صرفاً اسطوره‌هایی برای بیان حقایق مربوط به عوالم باطنی انسان - در اصطلاح فلسفی، حقایق اگزیستانسیل یا وجودی - تلقی کنند.

گروهی دیگر، که می‌توان کارل بارت را نمونه بارز آنها به‌شمار آورد، در عین حال که به‌کارگیری نگرش مدرن به تاریخ را به‌عنوان نگرش غالب مفروض گرفته‌اند، بر این پای فشرده‌اند که اعمال خدا در تاریخ نجات از آن رو که معلول علتی فراتاریخی است، با ابزارهای علم تاریخ قابل کشف و تبیین نیست.

این هر دو گروه، ارزش زیادی برای پژوهش‌های تاریخی در تأیید حقایق ایمان مسیحی قائل نیستند. در برابر این دو گروه، گروه سومی وجود دارد که ولفهارت پانن‌برگ را می‌توان زُبدترین نماینده آنها به‌شمار آورد. این گروه به جای واگذار کردن میدان پژوهش‌های تاریخی به این رویکرد مدرن، دست به‌کار نقد آن شده‌اند. بنا بر اعتقاد پانن‌برگ، به‌شرطی که تاریخ‌نگاری مدرن کار خود را با مفهومی بیش از اندازه محدود از واقعیت آغاز نکند، می‌تواند علی‌الاصول از رستاخیز مسیح به‌عنوان تبیین وقایعی چون مشاهده قبر خالی یا ظهور عیسی به شاگردان سخن بگوید.

مشکل اینجا است که اگر در پژوهش تاریخی، کار خود را با این فرض جزم‌گرایانه آغاز کردیم که «مردگان زنده نمی‌شوند»، به‌طبع نمی‌توانیم به رستاخیز عیسی با دیدی باز و بی‌طرف بنگریم. به اعتقاد پانن‌برگ، روش درست پژوهش تاریخی این است که به‌جای مفروض گرفتن یک جهانبینی بسته و محدود که وجود خدا و امکان عمل او در تاریخ را از پیش انکار می‌کند، با نگرشی باز به پژوهش تاریخی دست زنیم و بگذاریم شواهد و قرائن تاریخی، ما را به هر نتیجه‌ای که محتمل‌تر است رهنمون گردد. اگر به دور از پیش‌داوری‌های سفت و سخت فلسفی و با چنین نگرش بازی به موضوع رستاخیز مسیح نزدیک شویم، پرسش بعدی که باید بدان بپردازیم این است که مقصود نویسندگان عهدجدید از اینکه مسیح از مردگان برخاسته، واقعاً چیست؟

رستاخیز و عهدجدید

پیش از نگاهی اجمالی به شواهد و قرائن تاریخی رستاخیز عیسی، باید پرسیم ادعای عهدجدید در این خصوص چیست؟

طرح این پرسش از آن جهت ضروری است که برخی مفسرین عهدجدید که مبانی جهانبینی انسان‌محور مدرن و نتایج پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر این جهانبینی بسته را پذیرفته‌اند، کوشیده‌اند تفسیرهای تازه‌ای از رستاخیز مسیح ارائه دهند که برای پیروان این جهانبینی پذیرفتنی باشد.

برای مثال، برخی مدعی شده‌اند که مقصود نویسندگان عهدجدید از «رستاخیز» نه زنده شدن جسمانی عیسی از قبر، بلکه ادامه حضور روحانی او در کلیسا و در جمع شاگردان بوده است. برخی دیگر، «رستاخیز» را به‌معنی بقای روح و ادامه حیات عیسی پس از مرگ و در حضور خدا تلقی کرده‌اند.

ولی مقصود نویسندگان عهدجدید از رستاخیز عیسی چه بود؟

برای شناخت محبت

مسیحیان نخستین یهودی بودند و کلمه «رستاخیز» را به معنی یهودی آن به کار می بردند. در میان یهودیان قرن اول، طیفی از عقاید گوناگون درباره زندگی پس از مرگ وجود داشت. صدوقیان که طبقه حاکم بر جامعه یهود را تشکیل می دادند، وجود زندگی پس از مرگ را به کلی انکار می کردند. گروهی دیگر مانند فیلون اسکندرانی که تحت تأثیر آراء افلاطون قرار داشتند، به بقای روح و ادامه حیات پس از مرگ معتقد بودند بدون اینکه اعتقاد داشته باشند خدا به انسان بدنی تازه می بخشد. ولی نکته بسیار مهم آن است که این گروه در اشاره به اعتقاد خود به بقای روح هرگز واژه «رستاخیز» را به کار نمی بردند. گروه سوم فریسیان بودند که اعتقاد آنها به رستاخیز جسمانی کاملاً شناخته شده است. کارکرد مفهوم «رستاخیز» در جهان بینی فریسیان صرفاً اطمینان بخشیدن از زندگی نوین در بدنی تازه نبود. رستاخیز جزئی از مجموعه بزرگتری از باورها بود که بنا بر آن خدای اسرائیل می رفت که با نیروی خلاقه خود وضعیتی کاملاً جدید را در فضا و زمان واقعی به وجود آورد، وضعیتی که در آن ظلم و شرارت ریشه کن خواهد شد و عدالت و صلح حقیقی برقرار خواهد گردید. رستاخیز جزئی از اعتقاد فریسیان و پیروان آنها به نیکویی خلقت مادی خدا بود و به اینکه او در کار رهانیدن این خلقت از فساد و تباهی است. رستاخیز طریقی بود که مردگان پارسا از آسمان و زمین نوینی که خدا می آفرید بهره مند می شدند.

در زمان عیسی و مسیحیان نخستین، واژه رستاخیز تنها در اشاره به این دسته سوم از اعتقادات به کار می رفت. بنابراین، وقتی اناجیل و سایر نویسندگان عهد جدید از رستاخیز عیسی سخن می گویند، جای تردید نیست که مقصود آنها نه ادامه حضور تأثیرگذار عیسی در میان شاگردان و یا بقای روح او پس از مرگ در حضور خدا، بلکه زنده شدن جسمانی او از میان مردگان است. حال که معنای دقیق واژه «رستاخیز» و ادعای مسیحیان نخستین درباره رستاخیز عیسی روشن شد، می توانیم به بررسی شواهد و قرائن تاریخی رستاخیز او بپردازیم.

رستاخیز و آغاز جنبش مسیحی

یکی از مهمترین شواهد تاریخی رستاخیز که هر تاریخ پژوهی باید با آن دست و پنجه نرم کند، آغاز جنبش مسیحی است. انقلابیون دیگری نیز در ایام عیسی ظهور کردند که مدعی بودند مسیحای موعود یهود هستند. ولی فعالیت آنها غالباً با مرگی خشونت بار به دست حکومت روم به پایان رسید. جنبش هایی که آنها آغاز کردند یا با خود آنها مُرد یا به جنبشی نوین گرد مسیحایی نوین بدل شد.

با توجه به چنین سابقه و زمینه تاریخی، چه شد که شاگردان وحشت زده، اندوهگین و متواری عیسی در کمتر از چند روز پس از مرگ فاجعه بار و شرمناک او جان تازه ای به خود گرفتند؟ چه شد که آنها در کمتر از چند هفته پس از آن جمعه دلخراش تمام اورشلیم را از این پیام پر کردند که این عیسای مصلوب به راستی همان مسیحای یهود است؟

و چه شد که همین شاگردان ترسو در کمتر از دو یا سه سال پس از این واقعه، با تلاش و فداکاری باورنکردنی به موعظه این پیام در تمام دنیا همت گماشتند که یگانه خداوندگار بر حق جهان نه قیصر بلکه همین عیسای مصلوب است؟

نویسندگان عهد جدید تنها یک پاسخ برای این پرسش های بسیار مهم تاریخی دارند و آن این است که عیسی سه روز پس از کشته شدن بر صلیب، از قبر قیام کرد.

پاسخ عهد جدید، یعنی رستاخیز جسمانی عیسی، نه فقط تنها پاسخی است که قادر به تبیین تحول شگفت انگیز رخ داده در زندگی شاگردان و آغاز جنبش مسیحی است، بلکه به لحاظی دیگر نیز درخور توجه جدی تاریخی است.

برای شناخت محبت

اعتقاد به رستاخیز جسمانی مسیحایی مصلوب آن هم در وسط تاریخ به هیچ وجه با انتظار یهودیان معاصر عیسی چه در خصوص مسیحا و چه در خصوص رستاخیز مردگان مطابقت ندارد و در نتیجه نمی‌تواند برخاسته از چنین انتظاراتی باشد.

بنابراین، ظهور و بروز چنین اعتقادی در میان مسیحیان نخستین به خودی خود نیازمند تبیین تاریخی است. نکته‌ی اخیر به توضیح بیشتر نیاز دارد. انتظار یهودیان درباره‌ی ظهور مسیحا این بود که با آمدن او نظام کنونی جهان که تحت حاکمیت قدرت‌های شیطانی قرار داشت و اسیر گناه، بی‌عدالتی و مرگ بود، جای خود را به نظامی نوین بدهد که در آن پادشاهی خدا به کمال برقرار است و پارسایی، عدالت و حیات جاودانی حکمفرماست. رستاخیز مردگان جزئی از این نظام و خلقت نوین خدا تلقی می‌شد که یهودیان انتظار وقوع آن را تنها در پایان تاریخ کنونی جهان و آن هم نه فقط برای یک تن بلکه برای همه‌ی مؤمنان داشتند. با توجه به این زمینه‌ی فکری یهود، پرسش تاریخی مهم این است که چرا و چگونه در شرایطی که نظام کنونی جهان آشکارا ادامه داشت و کالیگولاها و نرون‌ها کماکان بر اریکه‌ی قدرت تکیه زده بودند و گناه، بی‌عدالتی و مرگ همچنان بر جهان حکمفرما بود، مسیحیان نخستین که همگی یهودی بودند به این اعتقاد راسخ ولی بس عجیب و بی‌سابقه رسیدند که عیسانی که به آن طرز شرم‌آگین بر صلیب کشته شد به‌راستی همان مسیحای موعود است و دلیل این مدعا نیز آن است که خدا او را به تنهایی سه روز پس از مرگ، از مردگان برخیزانیده است؟ تنها پاسخ قانع‌کننده به پرسش تاریخی فوق همان است که از زبان خود شاگردان می‌شنویم: عیسی به‌راستی از مردگان برخاسته است!

قبر خالی

هر چهار زندگینامه‌ی عیسی که از قرن اول میلادی به دست ما رسیده است و نیز سنت مسیحی دو هزار ساله، در این مورد اتفاق نظر دارند که قبر عیسی از چند روز پس از کشته شدن او بر صلیب خالی بوده است. بحث مفصل درباره‌ی دلایل اعتبار تاریخی این سنت دو هزار ساله در این مقاله کوتاه میسر نیست. ما صرفاً به بیان فهرست‌وار مهمترین دلایل بسنده می‌کنیم:

۱) (به اعتقاد اکثریت قاطع انجیل‌پژوهان، روایت مربوط به خاکسپاری عیسی از اعتبار تاریخی بالایی برخوردار است. نیز اکثر انجیل‌پژوهان اذعان دارند که اگر روایت مربوط به خاکسپاری عیسی به‌لحاظ تاریخی معتبر باشد، انکار حقیقت قبر خالی بس دشوار بلکه ناممکن خواهد بود. چه اگر محل قبر عیسی برای عموم معلوم بوده است، مخالفان جنبش مسیحی به‌آسانی می‌توانستند ادعای مسیحیان نخستین مبنی بر خالی بودن قبر عیسی را رد کنند. در تأیید اعتبار تاریخی روایت خاکسپاری می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: الف) گفته‌ی پولس در اول قرن‌تین ۴:۱۵ روایت خاکسپاری را تأیید می‌کند. گفته‌ی پولس در این قسمت یکی از مهمترین اسناد تاریخی درباره‌ی قیام مسیح است. هیچ تاریخ‌پژوهی در اینکه این سطور واقعاً نوشته‌ی پولس، جفاکننده و مدافع سرسخت مسیحیت در قرن اول بوده باشد، تردیدی ندارد. همچنین اکثریت قاطع پژوهندگان آثار پولس اتفاق نظر دارند که او در اینجا سنتی قدیمی‌تر را نقل می‌کند که در اوایل ایمانش از رسولان دیگر مسیح به او رسیده است. او به احتمال بسیار زیاد این سنت را طی ملاقات دو هفته‌ای خود با پطرس و یعقوب در اورشلیم، سه سال پس از ایمانش به مسیح، دریافت داشته است. بنابراین، اکثر پژوهشگران بر این اعتقادند که قدمت این سنت به حدود ۳۷ میلادی، یعنی به کمتر از ۵ سال پس از مرگ مسیح بازمی‌گردد! ب) گزارش مربوط به تدفین عیسی بخشی از روایتی است که نگارنده‌ی انجیل مرقس که قدیمی‌ترین زندگینامه‌ی عیسی است (۶۰ تا ۷۰ میلادی) از آن سود جسته است. بنابراین گزارش فوق بسیار قدیمی است. با توجه به این هر دو نکته، باید گفت که قدمت فراوان روایت خاکسپاری عیسی، زنده بودن شاهدان عینی و آگاهی بی‌گمان

برای شناخت محبت

پولس از روایت خاکسپاری، امکان هرگونه افسانه‌پردازی را منتفی می‌سازد. (ج) روایت خاکسپاری، بسیار ساده و بی‌پیرایه و فاقد هرگونه تأملات الهیاتی و شاخ و برگ دفاعیاتی است، که خود مؤید موثق بودن تاریخی آن است. (د) نقش یوسف رامه‌ای در خاکسپاری عیسی از اعتبار تاریخی فراوانی برخوردار است. ذکر نام او به‌طور مشخص، شهر موطن او رامه که در بقیه داستان‌های اناجیل از هیچ اهمیتی برخوردار نیست، و اشاره به اینکه او عضو شورای سنهیدرین یهود بود که از مخالفان و مصلوب‌کنندگان عیسی بودند، همه و همه ساختگی بودن روایت خاکسپاری عیسی در قبر یوسف را با توجه به قدمت بالای روایت فوق بسیار نامحتمل می‌گرداند. (ه) اشاره به حضور زنان به‌عنوان شاهدان عینی خاکسپاری، موثق بودن روایت را تأیید می‌کند. در فرهنگ آن زمان یهود، شهادت زنان ارزش چندانی نداشت. بنابراین اگر روایت خاکسپاری ساختگی باشد، عجیب می‌نماید که به جای زنان از شاگردان مرد به‌عنوان شاهدان عینی نام برده نشده است. (و) اگر روایت خاکسپاری موثق نباشد، به‌لحاظ تاریخی بس عجیب به‌نظر می‌رسد که هیچ روایت دیگری از خاکسپاری عیسی در هیچ دوره‌ای حتی در مباحث جدلی یهود بر ضد مسیحیان، به‌دست نیامده است. از همه اینها نتیجه می‌شود که روایت خاکسپاری عیسی در قبر یوسف رامه‌ای به‌لحاظ تاریخی موثق است، که این چنانکه در بالا گفتیم مؤید درست بودن روایت قبر خالی نیز هست.

۲ (روایت قبر خالی نیز مانند روایت خاکسپاری به سنتی تعلق دارد که مرقس در نوشتن انجیلش از آن سود جسته است، که نشان‌دهنده قدمت بالای آن است.

۳ (روایت قبر خالی نیز مانند روایت خاکسپاری فاقد هر گونه تأملات الهیاتی و شاخ و برگ‌های دفاعیاتی است، که این حاکی از موثق بودن آن است.

۴ (در این روایت نیز مانند روایت خاکسپاری به زنان به‌عنوان شاهدان عینی اشاره شده است، که این هم به دلایلی که پیشتر توضیح داده شد، ساختگی بودن آن را نامحتمل می‌گرداند.

۵ (به‌کار رفتن عبارت «روز اول هفته» به جای «روز سوم» در روایت مربوط به قبر خالی، حاکی از قدمت بالای آن است. در سنت عهدجدید، همیشه عبارت «روز سوم» در اشاره به زمان وقوع رستاخیز مسیح به‌کار رفته است. از همین رو، به‌اعتقاد بسیاری از انجیل‌پژوهان، به‌کار رفتن عبارت «روز اول هفته» در روایت قبر خالی نشان می‌دهد که قدمت این روایت به قبل از مرسوم شدن عبارت «روز سوم» در روزهای نخستین جنبش مسیحی بازمی‌گردد.

۶ (شهادت پولس در اول قرن‌تین ۱۵:۴ به‌طور غیرمستقیم روایت قبر خالی را تأیید می‌کند. ترتیب عبارات پولس حاکی از آگاهی او از قبر خالی است: «اینکه مسیح ... در راه گناهان ما مرد، و اینکه دفن شد، و اینکه ... در روز سوم از مردگان برخاست.» سخن گفتن از برخاستن مسیح «از مردگان» بلافاصله پس از اشاره به تدفین او، آن هم از سوی یک یهودی فریسی با عقایدی که پیشتر بدان اشاره شد، بی‌تردید حاکی از اعتقاد به خالی بودن قبر عیسی است!

۷ (بدون خالی بودن قبر عیسی، اینکه شاگردان بتوانند چند روز پس از مصلوب شدن عیسی اورشلیم را از خبر رستاخیز او پر کنند، تقریباً محال به‌نظر می‌رسد. مقامات یهودی و رومی به‌آسانی می‌توانستند با به‌نمایش گذاشتن جسد عیسی جنبش مسیحی را در نطفه خفه کنند. تاریخ گواه است که آنها موفق به این کار نشدند. تنها تبیین قابل قبول این است که قبر عیسی به‌راستی خالی بود!

۸ (یهودیان آن روز در حملات خود به ادعای شاگردان مبنی بر رستاخیز عیسی، واقعیت قبر خالی را همیشه مفروض گرفته‌اند. ایشان در رد ادعای شاگردان، آنها را به دزدیدن جسد مسیح از قبر متهم کردند (متی ۲۸: ۱۱-۱۵)، که این خود مؤید خالی بودن قبر عیسی است!

برای شناخت محبت

دلایل نامبرده کمتر شکی دربارهٔ موثق بودن روایت خالی بودن قبر عیسی باقی می‌گذارد.

ظاهر شدن عیسی پس از مرگ

مکمل روایت قبر خالی مسیح و مهم‌تر از آن در اثبات تاریخی رستاخیز، روایات مربوط به ظاهر شدن او بر شاگردانش پس از مرگ بر صلیب است. چهار دسته از شواهد بر اعتبار تاریخی این روایات صحه می‌گذارند:

۱ (گفتار پولس در اول قرن‌تین ۱۵: ۳-۱۰ مهمترین سند تاریخی در خصوص ظهور عیسی پس از مرگ است: «اینکه خود را بر کیفا (پطرس) ظاهر کرد و سپس بر آن دوازده تن. پس از آن یک بار بر بیش از پانصد تن از برادران ظاهر شد که بسیاری از ایشان هنوز زنده‌اند، هر چند برخی خفته‌اند. سپس بر یعقوب ظاهر شد و بعد بر همهٔ رسولان و آخر از همه بر من نیز، چون طفلی که غیرطبیعی زاده شده باشد، ظاهر گردید». در اینجا پولس دست کم به شش مورد از ظهورات مسیح اشاره می‌کند. چنانکه پیشتر گفتیم، قدمت سنت نقل شده در این قسمت به کمتر از پنج سال پس از مرگ عیسی بازمی‌گردد. کوتاه بودن این فاصلهٔ زمانی، زنده بودن بسیاری از شهود عینی، و تماس شخصی پولس با برخی از آنها، امکان هرگونه افسانه‌پردازی را منتهی می‌سازد. در این متن تاریخی از قرن اول، ما گواهی کسی را داریم که شخصاً با برادر خود عیسی، یعقوب رسول، و با بزرگترین شاگرد او، پطرس، که هر دو جان خود را در راه عیسی فدا کردند، دیدار کرده (غلاطیان ۱: ۱۸-۲۰) و به احتمال قریب بهیقین از خود آنها دربارهٔ ملاقاتشان با عیسی زنده شنیده است!

۲ (روایات ظهور مسیح قیام کرده در اناجیل به لحاظ تاریخی قابل اعتماد است. هر چند امکان اثبات تاریخی هیچ یک از موارد خاص گزارش شده وجود ندارد، ولی عوامل مختلف بر قابل اعتماد بودن آنها صحه می‌گذارد: تعدد موارد گزارش شده، تنوع آنها به لحاظ موقعیت و اشخاصی که عیسی به آنها ظاهر می‌شود، نبود فاصلهٔ زمانی کافی برای افسانه‌پردازی به دلیل قدمت زیاد روایت‌ها، حضور شاهدان عینی زنده، نظارت و کنترل حلقهٔ رسولان مسیح که حافظان سنت عیسی بودند، همه و همه بر موثق بودن روایت‌ها صحه می‌گذارد.

در خصوص اختلافات ظاهری موجود میان این روایت‌ها، که برخی بدان به دیده شک و تمسخر نگریسته‌اند، باید گفت که وکلا و قُصَاتِ بسیار به کرات اظهار داشته‌اند که تفاوت‌های مشهود میان این روایت‌ها دقیقاً از همان گونه است که به‌طور معمول میان شهادت‌های شهود عینی در دادگاه‌ها مشاهده می‌شود. در چنین مواردی، اختلافات ظاهری موجود، بدین معنا نیست که واقعهٔ مورد ادعا رخ نداده است، بلکه بر عکس نشان می‌دهد که شهود با هم تبانی نکرده‌اند!

۳ (برخی از موارد ظهور مسیح به‌طور خاص حائز اهمیت است. الف) اینکه زنان، و نه شاگردان مرد عیسی، به‌عنوان نخستین کسانی معرفی شده‌اند که عیسی زنده بر آنها ظاهر شد، به دلایلی که پیشتر توضیح دادیم اعتبار روایت‌های مربوطه را تقویت می‌کند. ب) ظهور عیسی بر پطرس به اعتقاد تقریباً همهٔ پژوهشگران عهدجدید موثق است. پولس که همچون لوقا به این ظهور اشاره می‌کند، خود شخصاً در سال ۳۶ میلادی با پطرس به سر برده و به احتمال قریب بهیقین از خود او شرح ماجرا را شنیده است. ج) ظهور عیسی به جمع دوازده شاگرد که هم در اناجیل و هم توسط پولس گزارش گردیده است، نمی‌تواند با توجه به ارتباط و تماس شخصی پولس با شاگردان، افسانه‌ای باشد که پس از گذشت مدتی مدید ساخته و پرداخته شده است. د) ظهور عیسی بر بیش از پانصد تن، هر چند شرحی از آن در دست نیست، باید موثق باشد، زیرا پولس شخصاً با برخی از آنها تماس داشته و از آنها به‌عنوان شاهدان عینی یاد کرده است (اول قرن‌تین ۱۵: ۶). ه) تبدیل یعقوب از برادر مخالف با عیسی به رهبر برجستهٔ کلیسای

برای شناخت محبت

اورشلیم، به احتمال زیاد نتیجه ظهور عیسی بر او بوده است. تماس شخصی پولس با او در ۳۶ میلادی و نام بردن او در فهرست شهود رستاخیز در نامه به قرنتیان، مؤید موثق بودن تاریخی این روایت است.

۴ (در میان پژوهشگران عهدجدید اتفاق نظر است که شاگردان چند روز پس از مرگ عیسی به نوعی با او رویاروی شده‌اند. عده قابل ملاحظه‌ای از این پژوهشگران بر این اعتقادند که عیسی جسماً خود را بر شاگردان ظاهر ساخته، ولی بسیاری نیز این موارد ظهور را به رؤیا تعبیر می‌کنند و بُعد فیزیکی آن را انکار می‌نمایند. ولی شواهد چندی حاکی از جسمانی بودن ظهور مسیح بر شاگردان است: ۱) پولس رستاخیز مسیح را با رستاخیز آینده مؤمنان از یک سنخ می‌داند و روشن است که او فائل به رستاخیز جسمانی مؤمنان است. وقتی پولس از «بدن روحانی» مؤمنان رستاخیز کرده سخن می‌گوید، مقصودش نه بدنی از جنس روح بلکه بدنی تحت نفوذ و حاکمیت کامل روح القدس است. او بر مبنای بدن رستاخیز کرده عیسی به این اعتقاد درباره بدن آینده مؤمنان رسیده است و این نشان می‌دهد که در نظر او رستاخیز عیسی نیز دارای بُعدی فیزیکی و جسمی بوده است. ۲) همه روایت‌های مربوط به ظهور عیسی زنده در اناجیل آشکارا حاکی از بُعد فیزیکی بدن رستاخیز کرده او هستند. اینکه گروهی از شاگردان با هم او را می‌بینند، اینکه عیسی با آنها غذا می‌خورد، اینکه شاگردان او را لمس می‌کنند، و اینکه خود او به‌صراحت از گوشت و استخوان داشتن خود سخن می‌گوید، همه و همه نشان‌دهنده بُعد فیزیکی بدن رستاخیز کرده او است. البته بدن او بدنی جلال یافته بود که برخی از محدودیت‌های بدن فعلی ما را نداشت، ولی این بدان معنی نیست که بدن او واقعی نبود یا عاری از ابعاد فیزیکی بود. ۳) هم پولس و هم نویسندگان اناجیل تأکید دارند که هر چند ملاقات با عیسی در عالم رؤیا در تجربه مسیحیان ادامه داشته و دارد، ولی ظهور فیزیکی او متوقف گردیده است (اول قرنتیان ۱۵: ۸؛ اعمال ۱: ۳). برای مثال پولس ظهور عیسی بر خود در راه دمشق را آخرین ظهور عینی عیسی قیام کرده می‌شمارد و آن را از موارد دیگر ظهور او بر خود در عالم رؤیا متفاوت می‌داند. این نشان می‌دهد که او موارد ظهور عیسی قیام کرده را تجربیاتی در عالم رؤیا تلقی نمی‌کند.

خاتمه:

آیا رستاخیز عیسی واقعیتی تاریخی است یا افسانه‌ای ساخته و پرداخته کلیسا پس از گذشت مدت زمانی طولانی از مرگ او؟

اگر با دیدی باز و عاری از پیش‌داوری‌های سفت و سخت فلسفی به‌سراغ اسناد و مدارک تاریخی موجود برویم، باید بگوییم که همه شواهد و قرائن حاکی از آنند که عیسی ناصری سه روز پس از مرگ شرماگین خود بر صلیبی رومی به‌راستی از مردگان برخاست. رستاخیز او پیام از خلقتی نو و خدایی نیکو دارد که در کار احیا و بازسازی جهان است. رستاخیز او ضمانت می‌کند که روزی نور بر تاریکی، عدالت بر ظلم، پارسایی بر گناه، و حیات بر مرگ به‌طور کامل پیروز خواهد شد. رستاخیز عیسی با صدای رسا اعلام می‌کند که این پیروزی آغاز شده است.

بازداشت عدالت و فرامرز فیروزیان دو شهروند بهایی ساکن سمنان

ژانویه 5, 2012



خبرگزاری هرانا – صبح امروز نیروهای امنیتی با مراجعه به منزل عدالت و فرامرز فیروزیان، این دو شهروند بهایی را بازداشت کردند. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، امروز ساعت ۹ صبح تنی چند از ماموران امنیتی با مراجعه به محل سکونت این دو نفر پس از تفتیش محل و ضبط لوازم شخصی، کامپیوتر و کتب مذهبی، ایشان را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل نموده اند.

برای شناخت محبت

عدالت و فرامرز فیروزیان پیش تر نیز از لحاظ اقتصادی مورد فشار قرار گرفته بودند و چاه زمین کشاورزی ایشان در سمنان پلمپ شده بود که منجر به از بین رفتن محصولات کشاورزی آن ها شده بود.

تا کنون بیش از ۱۰ تن از شهروندان بهایی سمنان بازداشت شده اند و در حال حاضر بهفر خانجانی، افشین ایقانی، سیامک ایقانی و علی احسانی و نادر کسای شهروندان بهایی هستند که در حال گذراندن دوران محکومیت خود در زندان سمنان هستند. در عین حال فشارهای اقتصادی بر این شهروندان در حال افزایش است و محل کسب بیش از ۵ تن در چند ماه گذشته در این شهر پلمپ شده است. تا این لحظه از علت بازداشت عدالت و فرامرز فیروزیان اطلاع دقیقی در دست نیست، اما براساس اطلاعات رسیده از منابع آگاه به نظر نمی رسد که این بازداشت به علت اعتقادات و فعالیت های مذهبی این دو شهروند بهایی باشد.

شهناز جیزان شهروند مسیحی به صورت موقت آزاد شد

ژانویه 5, 2012



خبرگزاری هرانا - شهناز جیزان همسر کشیش کلیسای جماعت ربانی اهواز با سپردن وثیقه روز یکشنبه از بازداشتگاه اداره اطلاعات به صورت موقت آزاد شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از اهواز، خانم «شهناز جیزان» همسر کشیش فرهاد سبکروح و از خادمین کلیسای جماعت ربانی، روز یکشنبه مورخ ۱۱ دی ماه ۱۳۹۰ پس از ۱۰ روز بازداشت با سپردن وثیقه بطور موقت آزاد شد.

برای شناخت محبت

وی به همراه همسرش و جمعی از اعضای کلیسای جماعت ربانی اهواز در روز جشن کریسمس ۲۰۱۱ بازداشت شده بود.

اکثر بازداشت شدگان پس از ساعاتی آزاد شدند، اما وی به همراه همسرش «فرهاد سبک روح»، «ناصر ضامن دزفولی» و «داود علیجانی» دو تن از خادمین کلیسا به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز منتقل شدند.

گفتنی است علی رغم آزادی شهناز جیزان از وضعیت سه بازداشتی دیگر اطلاعی در دست نیست.

خدای تو خدای من است



ترجمه: افشین لطیفزاده

کتاب روت یکی از زیباترین داستان‌های کوتاهی است که تاکنون به رشته تحریر درآمده است. این کتاب حتی توجه غیرمسیحیان را نیز به خود جلب نموده است. بارها داستان این کتاب الهامبخش ساخت فیلم‌ها و نگارش رمان‌ها بوده است. اما از همه مهمتر کتاب روت حاوی درس‌های روحانی مهمی است که به شرح آنها خواهیم پرداخت.

در این کتاب سه شخصیت اصلی وجود دارد: نعومی، روت، و بوعز. نعومی، زنی اسرائیلی از شهر بیت‌لحم است که شوهرش الیملک و پسرانش در زمان سکونت در سرزمین موآب می‌میرند. روت، بیوه جوان موآبی است که با یکی از پسران نعومی وصلت کرده است. بوعز، خویش شوهر متوفای نعومی است. داستان حول مجموعه وقایع مصیبت‌باری است که بر خانواده نعومی در سرزمین موآب رخ می‌دهد و به توصیف بقای نعومی به هنگام بازگشت با عروسش روت به شهر بیت‌لحم می‌پردازد.

اما داستانی که آغازی تراژدیک داشت با دخالت بوعز به طرز حیرت‌انگیزی پایانی خوش می‌یابد. کتاب روت دارای چهار فصل متمایز از یکدیگر است. محتوای اصلی هر یک از فصل‌ها به اختصار عبارتند از:

فصل اول

الف- الیملک و نعومی با پسرانشان به علت قحطی در سرزمین یهودا به موآب می‌روند (۱: ۱-۲).

برای شناخت محبت

ب- الیملک در سرزمین موآب می‌میرد و دو پسرش نیز که زنان موآبی گرفته‌اند پس از مدت کوتاهی می‌میرند (۱:۳-۵).

ج- نعومی که می‌شنود قحطی در سرزمین یهودا به پایان رسیده، به بیت لحم بازمی‌گردد. یکی از عروسانش در موآب می‌ماند اما دیگری به‌نام روت با او همراه می‌شود (۱:۶-۱۸).

د- نعومی با تلخی و اندوه بسیار وارد بیت لحم می‌شود (۱:۱۹-۲۲).

فصل دوم

الف- روت برای به‌دست آوردن غذا به مزرعه بو‌عز برای خوشه‌چینی می‌رود (۲:۱-۷).

ب- بو‌عز لطف خود را شامل حال روت می‌کند و با برخوردی مناسب به او اجازه می‌دهد تا توشه‌ای نیز با خود به خانه ببرد (۲:۸-۱۶).

ج- روت با توشه‌اش نزد نعومی برمی‌گردد. نعومی درمی‌یابد که بو‌عز خویش آنان است (۲:۱۷-۲۲).

د- روت تا پایان جمع‌آوری محصول در مزرعه بو‌عز خوشه‌چینی می‌کند (۲:۲۳).

فصل سوم

الف- نعومی به روت می‌گوید تا به خرمنگاه نزد بو‌عز رفته نسبت خویشاوندی آنان را به بو‌عز بگوید (۳:۱-۹).

ب- بو‌عز پاسخ مثبتی به درخواست روت می‌دهد، اما به او یادآوری می‌کند که خویشی نزدیکتر از او نیز وجود دارد. بو‌عز در پی آن است که صبحگاه این مسئله را رفع و رجوع کند (۳:۱۰-۱۳).

ج- روت نزد نعومی با غله‌ای که بو‌عز به او داده برمی‌گردد (۳:۱۴-۱۸).

فصل چهارم

الف- بو‌عز ترتیب جلسه‌ای را با خویش دیگر در حضور مشایخ می‌دهد (۴:۱).

ب- بو‌عز به خویش دیگر پیشنهاد خرید زمینی را که از آن الیملک بود می‌دهد. اما آن شخص پیشنهاد بو‌عز را زمانی که درمی‌یابد باید روت را نیز به زنی بگیرد رد می‌کند (۴:۲-۸).

ج- بو‌عز مسئولیت خویش را خود به عهده می‌گیرد و در حضور شاهدان موافقت می‌کند که زمین را خریده، با روت ازدواج کند (۴:۹-۱۲).

د- روت پسری عوبید نام را در نتیجه ازدواج با بو‌عز به دنیا می‌آورد. عوبید پدر یسی و یسی پدر داوود است (۴:۱۳-۱۷).

ه- کتاب با ذکر شجره‌نامه‌ای که ده نسل را از فارص پسر یهودا تا داوود در برمی‌گیرد پایان می‌یابد (۴:۱۲-۲۲).

پیش‌زمینه

نعومی به هنگام مرگ شوهر و فرزندان در وضعیت اسفناکی قرار داشت. او در سرزمینی بیگانه کاملاً تنها و بی‌کس بود. نعومی حتی به هنگام بازگشت به بیت لحم بیوه‌ای فقیر بود.

اما شریعت موسی توجه خاصی به اقشار آسیب‌پذیر از جمله فقرا، بیوه‌ها و یتیمان داشت. شریعت موسی دربردارنده سه حکم مهم برای این اقشار بود و هدف این احکام نجات اشخاصی مانند نعومی بود.

اولین حکم پیرامون خوشه‌چینی است. در لاویان ۱۹:۹ و ۱۰ و همچنین تثنیه ۲۴:۱۹-۲۲ با احکامی روبرو می‌شویم که هدف آنها دستگیری از نیازمندان است. قوم اسرائیل دستور داشتند که همه محصول زمین خود را جمع‌آوری نکنند و قدری از خوشه‌های گندم و یا انگور و زیتون را بر شاخه‌های درختان

برای شناخت محبت

باقی بگذارند. چنین تمهیدی به فقرا اجازه بقا می‌داد. باب ۲ کتاب روت روایت چنین حکمی است. البته این حکم پاسخ پابرجایی برای مسئله فقر نبود، بلکه در کوتاه مدت نیازهای شخص را برطرف می‌کرد. حکم دیگر فروش زمین به بستگان شخصی است.

قوم اسرائیل پس از ورود به سرزمین موعود به تقسیم اراضی پرداختند و به هنگام فقر و تنگدستی می‌توانستند زمین خود را فروخته به بقای خود ادامه دهند.

این حکم در لاویان ۲۵:۲۵-۲۸ آمده است. شایان ذکر است که زمین فروخته شده نمی‌بایست برای همیشه از دسترس صاحبان اصلی آن خارج شود. چرا که در اسرائیل، زمین ارثی دائمی بود. اگر زمینی به‌خاطر فقر فروخته می‌شد شرایطی در احکام شریعت وجود داشت که می‌بایست آن زمین توسط خویشان دیگر شخص (عمو یا برادر یا بستگان دیگر) به نمایندگی از فردی که آن را فروخته خریداری شود.

به این عمل فدیہ (در ترجمه قبلی انفکاک) می‌گویند. و به کسی که این کار را انجام می‌داد فدیہ‌دهنده می‌گویند و چون او خویش شخص بود او را خویش فدیہ‌دهنده نیز می‌توان گفت. بوعز به‌علت نسبت خانوادگی با نعومی چنین نقشی را به عهده داشت. قوانین فدیہ پیش‌زمینه باب ۴ کتاب روت است.

در پایان اگر زنی در اسرائیل باستان بیوه می‌شد و پسری نداشت خویش فدیہ‌دهنده عهده‌دار مسئولیت دیگری نیز بود. خویش نزدیک باید با آن بیوه ازدواج می‌کرد. بدین سان از آن زن مراقبت می‌شد و پسری که به دنیا می‌آورد نام شوهر درگذشته‌اش را حفظ می‌کرد. این حکم در تثئیه ۲۵:۶ آمده است. این قانون نیز در کتاب روت باب ۴ به چشم می‌خورد.

بدین ترتیب خداوند از نیازمندان و فقرای قوم اسرائیل مراقبت می‌کرد. البته این مفاهیم حاوی معانی عمیق‌تری نیز هستند که متعاقباً به آن خواهیم پرداخت.

زمینه تاریخی

کتاب روت بین کتاب داوران و کتاب اول سموئیل قرار دارد. جایگاه این کتاب بین این دو بخش از منطقی برخوردار است. آیه اول باب اول کتاب روت معرف وقایعی است که در زمان حکومت داوران در اسرائیل روی می‌دهد.

این آیه کتاب را به کتاب قبلی که همانا داوران است وصل می‌کند و آخرین کلمه در آخرین آیه کتاب روت “داوود” است و بدین ترتیب کتاب روت با کتاب اول سموئیل که در آن داوود پادشاه اسرائیل می‌گردد، پیوند می‌یابد.

کتاب داوران معرف زمان تاریکی در تاریخ اسرائیل است. پس از مرگ یوشع خدمتگذار خدا و همچنین مرگ بزرگان آن نسل، اسرائیلیان به پرستش بت‌های کنعان و خدایان سایر ملل پرداختند. خداوند نیز برای اینکه قوم خود را بیدار کند اجازه داد تا آنان به دست دشمنان خود افتاده رنج کشند.

سرانجام قوم با دیدن اشتباه خود توبه کرده به‌سوی خداوند بازگشتند. خداوند نیز رهبرانی را تحت عنوان داوران به آنها بخشید تا اسرائیل را از چنگ دشمنان‌شان رهایی بخشد. اما با مرگ داوران قوم بار دیگر به پرستش خدایان غیر پرداخته، اسیر دشمنان‌شان گشتند.

گویی به‌راحتی درس خود را فراموش می‌کردند.

این چرخه مخرب بارها در کتاب داوران تکرار می‌شود و اسرائیل از لحاظ روحانی و اخلاقی به ورطه سقوط پیش می‌رود.

باب‌های آخر کتاب داوران نمایانگر رفتاری از قوم است که در هیچ کجای عهد قدیم به چشم نمی‌خورد. آخرین داور شمشون دیگر توان رهایی اسرائیل را ندارد و ما با بندگردانی به دفعات روبرو می‌شویم:

برای شناخت محبت

«در آن روزگار پادشاهی در اسرائیل نبود و هر کس هر کاری را که پسندش می‌آمد به جا می‌آورد» (داوران ۲۵:۲۱ مقایسه کنید با ۶:۱۷، ۱:۱۸ و ۱:۱۹).

در این فضاست که وقایع کتاب روت رخ می‌دهد. در اینجا با سقوط ملت اسرائیل به‌صورت کلی روبرو نیستیم بلکه تیره‌بختی یک خانواده منفرد اسرائیلی را نظاره‌گریم. قحطی که در روت ۱:۱ می‌خوانیم یقیناً معرف داوری بود که خدا بر اسرائیل روا داشته بود (نگاه کنید به تثنیه ۲۸:۱۵-۱۹ و آیات ۲۳ الی ۲۴).

در این شرایط الیملک با خانواده‌اش به سرزمین موآب مهاجرت می‌کنند و در نتیجه کل خانواده با خطر نابودی کامل روبرو می‌شوند.

اما عملکرد بوعز که مردی از بیت لحم بود نعومی را نجات می‌دهد و آمدن فرزند تازه برای نعومی بار دیگر حیات و زندگی به بار می‌آورد (۴:۱۵-۱۶). بدین سان خانواده‌ای که مشرف به نابودی بود بار دیگر به حیات خود ادامه می‌دهد.

بنابراین روایت کتاب داوران تماماً تاریکی نیست. پارسایانی چون بوعز و نعومی هنوز در میان اسرائیلیان وجود دارند. در اینجا است که نقش روت برجسته‌تر می‌شود، او به‌عنوان یک غیریهودی در حالی که بسیاری از اسرائیلیان به پرستش خدایان امت‌ها گرویده‌اند به خدای اسرائیل روی می‌آورد.

پس در همین زمان‌های تاریک نیز دست خداوند به‌طرز عجیبی مشغول کار است. خداوند هم در مقیاسی کوچک هم به فکر نجات نعومی و روت است و آنان را از نیاز دردناکشان رهایی می‌بخشد و هم در مقیاسی بزرگتر از طریق همین افراد به فکر نجات تمامی قومش است. به‌واقع با ازدواج بوعز و روت داوود پادشاه به صحنه حیات اسرائیل می‌آید. خدایی که برای نعومی و روت، بوعز را تدارک دید، از طریق مرد دیگر برای تمامی قوم اسرائیل تدارک می‌بیند.

داوود، پادشاهی می‌شود که اسرائیل به‌شدت به او نیاز داشت و از طریق داوود بود که نجات از فلسطینیان مهیا گشت.

خداوند در کتاب روت نه فقط یک رهاننده شخصی برای یک خانواده مهیا کرد بلکه رهاننده‌ای برای کل اسرائیل در نظر داشت.

پیام نبوتی

داستان زیبای کتاب روت فقط از لحاظ تاریخی برای اسرائیل حائز اهمیت نیست بلکه پیامی نبوتی برای همه نسل‌ها، چه یهود و چه غیریهودی دارد. اگر روت و نعومی نیاز به رهاننده‌ای برای نجات از فقر و مرگ داشتند، اسرائیل نیز به رهاننده‌ای برای نجات از بردگی خدایان بیگانه و دشمنان‌شان احتیاج داشت.

در هر دو مورد خدا رهاننده‌ای را برمی‌خیزاند، اول بوعز و دوم داوود که هر دو از یک قبیله، یک شهر و از یک نسب‌نامه هستند.

تمامی بشر همچون نعومی و روت و قوم اسرائیل، نیاز به نجات دارند. ما همه از لحاظ روحانی ورشکسته، اسیر گناه و مرگیم و کاملاً ناتوان از نجات خویش هستیم. در یک وضعیت سراسر ناامیدانه، خداوند خود دست به عمل می‌زند. او شخص دیگری را از فرزندان یهودا از شهر بیت‌لحم و از تبار داوود برای ما می‌فرستد که همانا عیسی مسیح است. عیسی نیز همچون بوعز خویش رهاننده ما می‌شود. اما برخلاف بوعز فقط برای خانواده نزدیک خود عمل نمی‌کند. بلکه عملکرد او تمامی بشریت را در برمی‌گیرد. کتاب عبرانیان می‌گوید «زیرا او که مقدس می‌سازد (عیسی) و آنان که مقدس می‌شوند همه از یک تبارند».

برای شناخت محبت

از همین رو عیسی عار ندارد ایشان را برادر بخواند... از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد، و آنان را که همه عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده‌اند، آزاد سازد. از همین رو لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود» (عبرانیان ۲: ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷). ارتباط بوعز با نعومی خونی و با روت ازدواج بود. اما عیسی، فرزند خدا، انسان شد و در بشریت ما سهیم گشت و ما را از قدرت گناه و مرگ آزادی می‌بخشد. روت و نعومی به‌عنوان اشخاص یهودی و غیریهودی فیض خدا را از طریق بوعز تجربه کردند و این فیض هم در مسیح از آن همگان است (رومیان ۱: ۱۶).

عیسی به‌عنوان خویش رهاکننده به ما آزادی کامل می‌بخشد. بر طبق قوانین تورات نقش خویش، رهایی از فقر و بردگی و تضمین ارث بود.

اما رهایی که عیسی به ارمغان می‌آورد بس فراتر از قوانین شریعت است. مسیح نه فقط ما را از فقر اقتصادی و بردگی به دیگران رهایی می‌بخشد بلکه ما را از فقر گناه آزاد می‌کند. عیسی تضمین میراث ابدی در پادشاهی خداست. کتاب روت انعکاسی زیبا از انجیل عیسای مسیح، برادر و رهاکننده ماست.

جایگاه روت

ترتیب کتاب‌های عهدعتیق در ترجمه عبری کتاب مقدس با ترتیب آن در ترجمه یونانی تفاوت دارد. در ترجمه عبری جای کتاب روت بین کتاب‌های امثال و غزل غزل‌هاست. آیا این ترتیب درست است یا ترتیبی که در ترجمه یونانی عهدعتیق می‌بینیم که در آن کتاب روت بین کتاب‌های داوران و اول سموئیل قرار می‌گیرد؟

می‌توان به این نتیجه رسید که هر دو ترتیب به‌خوبی با محتوای کتاب روت همخوانی دارد. در کتاب روت ۳: ۱۱ بوعز از روت به‌عنوان زنی «با فضیلت» یاد می‌کند. عبارت عبری به کار رفته شده Eshet khayil است که به معنای زنی با شخصیت والا است. این عبارت تنها در دو جا از عهدعتیق به کار می‌رود و هر دو بار آن در کتاب امثال سلیمان است. در باب آخر کتاب امثال سلیمان نیز این عبارت تکرار می‌شود (امثال ۳۱: ۱۰). سلیمان می‌گوید زن بافضیلت را کیست که پیدا کند؟ زیرا که ارزشش از لعل‌ها گران‌بها تر است. این کلمات مقدمه‌ای بر بخش پایانی کتاب امثال سلیمان است (۳۱: ۱۰-۳۱) که تماماً حول موضوع زنی با شخصیت والا می‌گردد. اگرچه می‌توان از این بخش برای برشمردن خصوصیات یک زن ایده‌آل نام برد اما مفسرین بر این باورند که باید آن را به شکل مجازی تعریف کرد.

زیرا از همان ابتدای کتاب امثال با دو زن روبرو می‌شویم که نویسنده از آنان به شکل مجازی برای در پیش گرفتن دو راه مختلف در زندگی یاد می‌کند. یکی زنی فاسد که سمبل حماقت است (برای نمونه امثال ۹: ۱۳) و دیگری زنی درست که سمبل حکمت است (برای نمونه امثال ۸: ۱).

پیروی از زن اول به انواع تباهی و پیروی از زن دوم به زندگی خداپرستانه می‌انجامد. بنابراین زن ذکر شده در باب آخر کتاب امثال معرف حکمت واقعی است که زندگی پرثمری را با خود به بار می‌آورد. بنابراین زن در امثال سلیمان سمبل حکمت است که در قالب انسان، شخصیت به خود گرفته است.

بلافاصله پس از امثال باب ۳۱، کتاب روت در ترجمه عبری عهدعتیق قرار می‌گیرد که در آن روت به‌عنوان زنی با فضیلت معرفی می‌شود.

روت در واقع تجسم عملی حکمت ذکر شده در کتاب امثال سلیمان است.

برای شناخت محبت

روت چه به لحاظ اخلاقی و چه از نظر روحانی ویژگی‌های مندرج در حکمت را از خود بروز می‌دهد.

او در وقف و توجهش به نعومی، مادرشوهر بیوه‌اش نمونه است. او در پشتکار سخت‌کوشانه‌اش برای رفع نیازهای خود و نعومی بی‌نظیر است.

در پایان کتاب، روت از جانب زنان بیت لحمی به‌عنوان زنی که بهتر از هفت پسر برای نعومی است (۱۵:۴) تعریف می‌شود.

از لحاظ روحانی نیز روت نمونه برجسته‌ای است. با وجود آنکه موآبی است و موآبیان خدای کموش و سایر خدایان را عبادت می‌کردند، اما روت از عبادت آنان سر باز می‌زند و به نعومی می‌گوید «خدای تو خدای من است» (۱۶:۱). روت به یهوه خدای اسرائیل پناه می‌آورد (۱۲:۲).

ایمان جدید روت به بهای بزرگی به دست می‌آید. او سرزمین مادری و خانواده‌اش را ترک می‌کند. اما خداوند او را بسیار برکت می‌دهد و قوم خدا او را به‌خوبی می‌پذیرند.

در روت نمونه عالی حکمت واقعی را می‌بینیم. نمونه‌ای نه فقط برای زنان بلکه برای مردان نیز در همه زمان‌ها و اعصار.

بدون شک امروز نیز بسیاری وجود دارند که راه روت را در پیش می‌گیرند و مذهب قدیمی و پدران‌شان را ترک می‌کنند و با ایمان به

خدای واقعی برکاتی را تجربه می‌کنند که در مسیح از آن‌ان گشته است.

شکست تاریکی: روایت یوحنا از تولد مسیح

شکست تاریکی: روایت یوحنا از تولد مسیح

افشین لطیفزاده

«آنگاه نشانی عظیم و شگرف در آسمان پدیدار شد: زنی که خورشید به تن داشت و ماه زیر پا داشت و تاجی از دوازده ستاره بر سر داشت. زن آبستن بود و فریادش از درد زایمان بلند بود. آنگاه نشانی دیگر در آسمان پدیدار شد: اژدهایی سرخ‌فام و عظیم که هفت سر داشت و ده شاخ، و هفت تاج بر سرهایش بود. دُمش یک سوم ستارگان آسمان را جاروب کرد و بر زمین ریخت.

اژدها پیش روی آن زن که در آستانه زایمان بود ایستاد، بدان قصد که فرزند او را تا به دنیا آمد ببلعد. آن زن پسری به دنیا آورد که با عصای آهنین بر همه قوم‌ها فرمان خواهد راند. و فرزند او بی‌درنگ ربوده شد و نزد خدا و پیش تخت او فرستاده شد.

و زن به بیابان، به جایی که خدا برای او مهیا کرده بود، گریخت تا در آنجا به مدت هزار و دویست و شصت روز نگهداری کنند. و ناگهان جنگی در آسمان در گرفت.

میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش در برابر آنها به پیکار ایستادند، اما شکست خوردند و پایگاه خود را از دست دادند. اژدهای بزرگ به زیر افکنده شد، همان مار کهن که ابلیس یا شیطان نام دارد و جمله جهان را به گمراهی می‌کشاند. هم او و هم فرشتگانش به زمین افکنده شدند» (مکاشفه ۱۲: ۱-۹)

روایت تولد مسیح در اناجیل هم‌نظر (متی و لوقا) خبر از ورود خدا به عرصه حیات بشر در نهایت آسیب‌پذیری و افتادگی می‌دهد. گویی این اناجیل نگاهی از بالا به پایین دارند. خدا با ورود به قلمروی

برای شناخت محبت

حیات بشر، انسان را در مسیح به قلمرو خدا برده، صعود می‌بخشد. اما یوحنا نگاهی از بالا به پایین دارد. یوحنا چه در انجیلش و چه در اینجا دوربین خدا را معطوف به قلمرو خدا (آسمان) می‌کند. برای یوحنا ریشه‌های وقایع زمینی در قلمرویی دیگر یافت می‌شود.

یوحنا نویسنده‌ای است که فراتر از وقایع آشکار روی صحنه، به پشت صحنه دسترسی دارد و می‌خواهد خوانندگان را نیز بدانجا برد تا علل وقایع زمینی را درک کنند.

یوحنا برای آن که پیامش برای همه قابل درک باشد از تمامی ابزارهای موجود بهره می‌جوید و یکی از آنها «فرا روایاتی» [1] است که می‌کوشند وقایع زمینی را در پرتو ریشه‌های پنهان‌شان شرح دهند. یکی از این فرا روایت‌ها پیرامون زن آبستی است که آنچه بر او می‌گذرد، سرنوشت آفرینش را تعیین می‌کند.

به بیان دیگر، داستانی مشابه با آنچه یوحنا در باب دوازده کتاب مکاشفه ابراز می‌کند در اسطوره‌های یونان، مصر و به‌گونه‌ای خاص، بابل نیز وجود داشت، اما روایت یوحنا حایز تمایزات خاصی با تمامی آنهاست که برای درک بهتر آن نخست می‌باید نگاهی اجمالی به اسطوره‌های یونان و مصر و بابل بیندازیم.



در اسطوره‌های یونان، الهه‌ای به نام لیتو (Leto) وجود داشت که باردار بود و از دهنایی بزرگ پایتون نام (Python) در صدد قتل بچه او بود. اما خدای دریا پوسی‌دون (Poseidon) لیتورا به جزیره‌ای دور دست برد و آن جزیره را زیر دریا پنهان کرد تا پایتون او را نیابد. پس از این تعقیب و گریز، جزیره دوباره به سطح آب آمد و لیتو بچه خود را به دنیا آورد. نام آن بچه آپولو (Apollo) بود که در ظرف چند روز پایتون را قطعه قطعه کرد.

برای شناخت محبت

در اسطوره‌های مصر با اژدهایی سرخ‌فام روبرو می‌شویم به نام ست‌تایفون (Set-typhon). به‌دنبال قتل ایزیس (Isis) همسر اُزیریس (Osiris) است. اژدها نخست اُزیریس را به قتل می‌رساند و سپس به‌دنبال ایزیس باردار بود. اما زن به‌طرزی معجزه‌آسا فرزندش را به‌دنیا می‌آورد و به جزیره‌ای می‌گریزد. پسر ایزیس، هوروش (Horus) بر اژدها پیروز می‌شود و سرانجام او را در آتش نابود می‌کند.

در اسطوره‌های بابلی نیز به نبرد تیامات، غول هفت سر دریا با خدایان آسمان برمی‌خوریم که سرانجام برتری تیامات توسط مردوک، خدای جوان نور به پایان می‌رسد. مادر مردوک همچون روایت مکاشفه باب ۱۲ به تصویر کشیده می‌شود. تنها در این روایت است که با سقوط یک سوم از ستارگان در نتیجه شکست تیامات روبرو می‌شویم. آنچه در این روایت دیدیم تشابهات شگفت‌انگیزی است که نمی‌توان کاربرد آنها را در کتاب مکاشفه صرفاً تصادفی قلمداد کرد.

در واقع، در مسیح اسطوره‌های باستان به واقعیت مبدل شدند. پادشاهان مصر، یونان و بابل می‌کوشیدند با توسل به این اسطوره‌ها، قدرت خود را توجیه کنند و به آن مشروعیتی فرازمینی بخشند، اما یوحنا تولد مسیح را تجسم و تحقق واقعی این اسطوره‌ها معرفی می‌کند. واقعیتی که اسطوره‌های موجود را به چالش می‌کشد.

زنی که از درد زایمان رنج می‌برد در کلام خدا معرف قوم وفادار خداست که ثمره پایداری و وفاداریش، تولد پادشاهی است که نجات را برای همه ملل به بار می‌آورد (نگاه کنید به اشعیا ۱۶:۲۶-۱۸، ۵۴:۱، ۶۶:۷-۹). بارها در کلام خدا، قوم خدا به مادری تشبیه می‌شود که از بطن او رهاننده‌ای به جهان می‌آید که تاریکی را شکست داده، نور به بار می‌آورد.

زنی که از دید دنیا حقیر است، اما همانند خداوندش غرق در نور است (مزمور ۲:۱۰۴). در اسطوره‌های یونان، ستاره‌ها و اجرام سماوی خدایانی بودند که مسیر تاریخ را هدایت می‌کردند، اما یوحنا سرنوشت تاریخ را در وقایعی می‌بیند که بر این زن می‌گذرد. تمامی هویت و عملکرد زن در تولد فرزند ذکورش ترسیم می‌گردد.

تولدی که تضمین شکست تاریکی به سردمداری اژدهاست. گویی یوحنا در این باب تولد، مرگ و قیام صعود مسیح را یک باره به تصویر می‌کشد.

تاریخ نجات در تولد این پسر به کمال می‌رسد و شکست اژدها نتیجه آن است. یوحنا به دفعات از به زیر افکنده شدن اژدها سخن می‌گوید (مکاشفه ۹:۱۲-۱۰ و ۱۳).

در واقع، جفایی که کتاب مکاشفه معرف آن است، نتیجه سقوط و شکست اژدهاست (مکاشفه ۱۲:۱۷ و ۱۲).

رنجی که ایمانداران به‌علت پایداری در برابر خداسازی امپراطوران روم بر خود هموار می‌کنند به سبب شکست ابلیس از فرزندان این زن است (مکاشفه ۱۲:۱۷).

یوحنا در باب‌های ۱۲ تا ۱۴، ریشه خصومت روم را با ایمانداران به مسیح در نتیجه شکست ابلیس از مسیح می‌داند. پیروزی مسیح که تمامی ایام حیات، مرگ، قیام و صعود او را در بر می‌گرفت، تأثیری فراجهانی و کیهانی دارد.

تولد مسیح علیرغم تمامی تلاش‌های تاریکی برای از بین بردنش، آغاز سقوط ابلیس و پایان تاریکی بود. ایده گریختن (مکاشفه ۶:۱۲) و پرواز به مکان امن (مکاشفه ۱۴:۱۲)، معرف تدارک الهی برای حفظ زن و بچه است. زن و بچه در عین آسیب‌پذیری کامل، زیر چتر حفاظت الهی قرار دارند و زمان بحران (۲۶۰ روز) را سپری می‌کنند.

برای شناخت محبت

خلقت و آفرینش نیز به کمک زن می‌آیند تا او بتواند نقش خود را ایفا کند (مکاشفه). در این نبرد کیهانی، تماشگری وجود ندارد. خلقت، فرشتگان، انسان و خدا، همه در آن نقش دارند. یوحنا به ایمانداران تحت جفا در حکومت روم، آنان که همچون خداوند خود، جان خود را عزیز نداشتند (مکاشفه ۱۲:۱۱)، خبر پیروزی می‌دهد.

وفاداران به مسیح در رنج و مرگ خود بر ابلیس پیروز شده‌اند و خشم اژدها به زن و فرزندش نتیجه شکست آنان از فرزند ذکوری است که با عصای آهنین بر همه قومها فرمان خواهد راند (مکاشفه ۱۲:۵ و همچنین مزمور ۲). شکست تاریکی بر همه مؤمنان مسیح مبارک باد [1].

منظور اسطوره‌ها و یا داستان‌هایی است که ریشه‌های وقایع زمینی را شرح می‌دهند. “فراروایت” تنها مقوله‌ای مربوط به پیشینیان نیست.

امروزه نیز بسیاری از پدیده‌های علمی، فراروایت خاص خود را دارند. نظریه نیوتن و نظریه کوانتوم هر یک بیانگر فراروایت خاصی در توضیح پدیده‌های علمی است.

ممانعت از آزادی وحید محمودی از مسئولین دانشگاه آنلاین بهای /

ژانویه 6، 2012



با وجود تعلیق حکم 5 سال حبس تعزیری وحید محمودی از آزادی این زندانی عقیدتی و از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی بنا به دلائل واهی ممانعت به عمل آمده است. بر اساس این گزارش، با وجود گذشت 10 روز از تعلیق حکم 5 سال حبس تعزیری وحید محمودی هم چنان بنا به دلایل واهی از آزادی وی ممانعت به عمل آمده و علت این امر نیز از سوی مسئولان دادگاه انقلاب و اجرای احکام زندان اوین و زندان رجائی شهر طی شدن مراحل اداری عنوان شده است؛ این در حالی است که بنا بر قانون پس از تعلیق حکم یک زندانی، نگهداری متهم حتی برای یک ساعت عملی غیر قانونی است.

وحید محمودی پیش تر در شعبه 28 دادگاه انقلاب به 5 سال حبس تعزیری محکوم شده بود که این حکم از سوی شعبه 54 دادگاه تجدیدنظر استان تهران به 5 سال حبس تعلیقی به مدت 4 سال با احتساب ایام بازداشت تبدیل شده است. ایشان دوم خرداد ماه و در پی بازداشت و تفتیش مسئولین و مرتبطین موسسه علمی (دانشگاه آنلاین بهائیان) پس از احضار و مراجعه به دادرسی انقلاب کرج بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد.

مصاحبه با روزنامه نگار مسیحی ایرانی



امسال با فرا رسیدن ایام کریسمس به نظر می آید مقامات ایران مجددا در حال تشدید نظارت و آزار و اذیت مسیحیان پروتستان و کلیساهای خانگی ایران هستند. به گزارش شبکه خبری مسیحیان فارسی زبان (FCNN)، که صرفا مسایل مسیحیان را پوشش میدهد، ظرف هفته های اخیر “تعدادی مسیحی در تهران و شش شهر دیگر به مراکز امنیتی حکومتی احضار شده، به مدتهای طولانی بازجویی شده اند، و با هشدار نسبت به این که مجددا احضار خواهند شد و بهتر است به دستورات عمل کنند آزاد شده اند”.

ظرف هفته های منتهی به ایام کریسمس سال ۲۰۱۰، مقامات ایرانی بیش از ۱۰۰ مسیحی پروتستان و نوکیشان مسیحی را در تهران و سایر شهرهای سراسر ایران دستگیر کردند. بسیاری از این افراد در کلیساهای خانگی فعال بودند در انتها مقامات اکثر آنان را آزاد کردند.

برای شناخت محبت

برای درک بهتر مشکلات زندانیان عقیدتی مسیحی در ایران، کمپین بین المللی برای حقوق بشر در ایران با مدیر و سردبیر شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان (FCNN) به گفتگو نشست.

کمپین: لطفا FCNN و کار خود را معرفی کنید.

FCNN: لزوم وجود شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان در حدود پنج سال پیش توسط گروهی از افراد در داخل ایران که سابقه کارهای فرهنگی و مطبوعاتی داشتند تشخیص داده شد. این شبکه اول به صورت یک وبلاگ آغاز به کار کرد و به تدریج توسعه پیدا کرد. تلاش شبکه خبر این بوده که کار را به صورت حرفه ای انجام بدهد. ما به دو نیت آغاز به این فعالیت کردیم، یکی اینکه مسیحیان داخل ایران را از اخباری که میگذرد آگاه کنیم، و دیگری اینکه صدای مسیحیان ایران را به گوش جهان برسانیم. بنابراین در حال حاضر شبکه خبری مسیحیان فارسی زبان به عنوان یکی از منابع رسمی برای بسیاری از مراجع رسمی و کلیساهایی در سراسر جهان که می خواهند بیشتر در مورد مسیحیت و وضعیت مسیحیت (در ایران) بدانند قرار گرفته است. به عنوان مثال، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) با شبکه ما تماس می گیرد و از وبسایت ما به عنوان یکی از منابع معتبر خود استفاده می کند.

کمپین: آیا می توانید از برخی موارد مهم زندانیان عقیدتی مسیحی که در حال حاضر در بازداشت به سر می برند نام ببرید؟

FCNN: ما فقط می توانیم در خصوص مواردی صحبت کنیم که اجازه کامل از طرف خانواده ها داشته باشیم. من در حال حاضر می توانم بطور رسمی راجع به نورالله قبیتی زاده در زندان کارون اهواز صحبت کنم که پس از دستگیری در تاریخ ۳ دیماه ۱۳۸۹ در موج بازداشت‌های سال گذشته هنوز آزاد نشده است، همچنین فرشید فتحی در زندان اوین تهران، و یوسف ندرخانی که به جرم خروج از دین اسلام در زندان لاکان استان گیلان در حبس به سر می برند. اتهام فرشید فتحی "اقدام علیه امنیت ملی" و "ارتباط با سازمانهای متخاصم در خارج از کشور" می باشد.

اما در هر دو مورد، براساس اخباری که از داخل زندان به ما می رسد، موضوعی که مورد بحث است مسئله مسیحیت این افراد است. به عنوان مثال، مقامات می خواستند قبیتی زاده از مسیحیت دست بردارد و رسماً اعلام کند که مسلمان است. اما او حاضر به انجام این کار نشده است و به آنها اعتراض کرده است که در حال حاضر او بیش از یک سال است که از دسترسی به کتاب انجیل محروم بوده است.

این پرونده ها سیاسی عنوان می شوند اما ما می دانیم که در هر دو مورد گفته اند اگر شما به اسلام بازگردید، ما شما را آزاد خواهیم کرد.

فرشید یک مسیحی بسیار فعال در تهران بود. او یکی از کسانی بود که به مسیحیت ایمان آورد و با بسیاری از تیپ های جوان و دانشجو در ارتباط بود... در واقع او یک فعال اجتماعی بود. جالب این است که دادستانی حکم آزادی او را داد، حتی از داخل زندان هم او را بیرون آوردند تا آزادش کنند، اما در آخرین لحظه دفتر دادستانی مستقر در زندان گفت که او اجازه ندارد برود و او را نگهداشتند. هر دوی این افراد هنوز در زندان هستند اما هرگز اتهامات رسمی علیه آنان اقامه نشده و محاکمه نشده اند.

کمپین: چرا بسیاری از مسیحیان به جرائم سیاسی متهم شده اند؟

FCNN: مقابله با یک حرکت روحانی برای جمهوری اسلامی بسیار مشکل است، اما مقابله با یک حرکت سیاسی برای حکومت جمهوری اسلامی بسیار آسان است.

برای شناخت محبت

ما مسیحیان ایران، خودمان را هیچوقت آپوزیسیون حکومت جمهوری اسلامی ایران نمی دانیم، ولی حکومت میخواهد ما را سیاسی نشان بدهد چون می خواهد ما را وابسته به خارج از کشور، و وابسته و تحت حمایت بیگانگان قلمداد کند و به این ترتیب و با این بهانه ما را سرکوب کند.

مگر در کلیساهای خانگی چه گفته میشود که دولت اینقدر با آن مخالف است؟ هیچ چیز سیاسی در کلیساهای خانگی گفته نمیشود.

در واقع مسیحیان چیزی نمی گویند که حکومت بتواند به آن بهانه بگیرد، جز اینکه در جلساتشان در مورد خدا صحبت می کنند و خدا را ستایش می کنند. اگر کسی را به خاطر اینکه در مورد خدا صحبت کرده است بکشند یا زندانی بکنند با تناقض بسیار بزرگی روبرو خواهند شد. بنابر این مجبور هستند بگویند که اینها سیاسی هستند و تحت حمایت خارجی هستند و مسئله را سیاسی کنند تا بتوانند سرکوب کنند.

پیش از اینکه این مسئله در داخل ایران عمومیت پیدا کند، وقتی مسلمان مسیحی شده ای را می گرفتند، او را به جرم ارتداد می بردند. برای مثال، کشیش حسین سودمند یا کشیش مهدی دیباج که هر دو مسلمانانی بودند که مسیحی شده بودند. این دو را اصولاً با جرم “ارتداد از اسلام” بر اساس قوانین شریعت و قوانین مجازات اسلامی به زندان و دادگاه بردند. اما وقتی که مسئله عمومی تر شد، دیدند نمی توانند سالانه چندصد نفر را بگیرند و به جرم ارتداد زندانی کنند، چون این میتواند بحث بسیار بزرگی در جامعه جهانی ایجاد کند. بنا براین اینها را با اتهام “اقدام علیه امنیت ملی” و “تشکیل گروههای مخالف نظام جمهوری اسلامی” طبق قوانین مجازات اسلامی دستگیر می کنند. اما در طول بازجویی ها، تاکید را بیشتر روی مسئله ارتداد و خارج شدن از دین اسلام می گذارند.

سقط جنین همسر وکیل زندانی به دلیل بی‌اطلاعی از وضعیت همسرش



مریم اسلامی، همسر امیر اسلامی، وکیل در بند در اویش گنابادی، به دلیل استرس ناشی از بی‌اطلاعی از وضعیت همسر زندانی‌اش، سقط جنین کرد و دوقلوهای 5 ماهه خود را از دست داد. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ این اتفاق در حالی افتاده است که وی بعد از هشت سال بارداری شده بود. گفتنی است امیر اسلامی، روز ۱۳ شهریور، در جریان حادثه کوار که طی آن یک درویش گنابادی کشته و شماری از آنان زخمی و دستگیر شده بودند، بازداشت و پس از چند روز از زندان امنیتی شیراز به زندان اوین در تهران منتقل شد.

این وکیل و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا که هنوز از پیشامد یاد شده اطلاعی ندارد، همراه با دیگر همکاران وکیل خود و مدیران سایت مجذوبان نور، از جمله امید بهروزی، فرشید یداللهی، افشین کرمپور، مصطفی دانشجو، حمید مرادی و رضا انتصاری در بند 350 زندان اوین محبوس است.

دادگاه پنج شهروند مسیحی فردا در رشت برگزار می شود

ژانویه 10, 2012



خبرگزاری هرانا - صبح فردا دادگاه رسیدگی به اتهامات پنج تن از شهروندان مسیحی در شعبه ۲ دادگاه انقلاب رشت برگزار می شود. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از رشت، عماد فروحی، کمال نعمانیان، احمد نیک نژاد، سهراب صیادی چهار شهروند مسیحی هستند که به جهت محاکمه به دادگاه انقلاب احضار شدند. افراد یاد شده در پی احضار به شعبه بازپرسی در آبان ماه به صورت موقت و با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی تا زمان صدور حکم نهایی آزاد شدند. لازم به ذکر است متهم پنجم این پرونده چندی پیش از کشور خارج شده است.

حمله و یورش نیروهای امنیتی به منزل یک درویش گنابادی



۵ تن از نیروهای امنیتی مسلح به سلاحهای گرم به منزل یک درویش گنابادی در کوار حمله کردند و علاوه بر تخریب و تفتیش منزل وی منجر به وخامت حال جسمانی همسر این درویش شدند .
به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ عصر امروز ۱۴ دی ماه ، ۵ تن از نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حمله به منزل نظام ملکپور یکی از درویش گنابادی ساکن کوار علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی منزل وی اقدام به تخریب اموال و وسایل شخصی و ایجاد رعب و وحشت در بین خانواده ایشان کردند .

اخراج شروین فلاح دانشجوی بهایی دانشگاه بجنورد

ژانویه 12, 2012



کمیته گزارشگران حقوق بشر – شروین فلاح دانشجوی ورودی ۹۰ دانشجوی مهندسی تکنولوژی معماری دانشگاه دارالفنون بجنورد از دانشگاه اخراج شد.

برای شناخت محبت

بر اساس این گزارش این دانشجو در روز ۲۰ دی ماه امسال در حین امتحانات پایان ترم به صورت شفاهی و بدون ذکر دلیل مشخص و به جهت اعتقاد به «آیین بهائی» از دانشگاه اخراج شده است. وی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ معماری دانشگاه غیر انتفاعی اندیشه جهرم دوره کاردانی را سپری کرده بود و مهر ۱۳۹۰ در رشته مهندسی تکنولوژی معماری دانشگاه بجنورد پذیرفته شد. لازم به توضیح است که تنها در سال ۱۳۹۰ بیش از ۲۰ دانشجوی بهائی به دلیل «اعتقاد به آئین بهائی» از دانشگاه‌های مختلف نظیر صنعتی اصفهان، صنعتی شریف و دانشگاه شیراز اخراج شدند. از این جمله می‌توان به روح‌الله تشکر، بشیر تشکر، البرز نورانی، آوا توکلی، مونا مومنی، ارکیده آقایی، حنانه کنعانی، هومن رحمانیان، ملیکا وزیرزاده، نورا سهرنگی، فرنود جهانگیری، پویا محمدی، شیده آبادی، دلارا دارابی، صهبا متحدین، سمیرا غلامی، شیما رنجبر، شادی مودی، نگار صالحی و درسا اله وردی اشاره کرد. لازم به یادآوری است که ده‌ها دانشجوی بهائی دیگر نیز امسال به دلیل «نقص پرونده» در مرحله انتخاب رشته از ورود به دانشگاه محروم شدند.

وضعیت نورالله قبیتی زاده زندانی مسیحی در زندان کارون اهواز

ژانویه 18, 2012



تنها جرم این ایماندار خوزستانی پیروی از عیسی مسیح است. او که برای انکار عیسی مسیح تحت فشار می باشد درخواست یک جلد کتاب مقدس دارد!

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از منابع مسیحی در شهر اهواز مرکز استان خوزستان ، اکنون بیش از یک سال از بازداشت نورالله قبیتی زاده یکی از ایمانداران کلیساهای خانگی خوزستان در شهر دزفول می گذرد.

قبیتی زاده که 47 سال سن دارد یک کارگر زحمتکش باغات میوه دزفول است. او غروب روز جمعه سوم دی ماه 1389 (24 دسامبر 2010) در حالی بازداشت شد که پذیرای 10 نفر اعضای یک گروه کلیسای خانگی متشکل از نوکیشان مسیحی شهرهای دزفول و اندیمشک در محل اقامت خود در یکی از باغات شهرستان دزفول بود. این افراد برای برگزاری مراسم تولد عیسی مسیح در آن مکان جمع شده بودند .

برای شناخت محبت

مهاجمان به این کلیسای خانگی که همگی افراد مسلح بودند با شدت عمل و بد رفتاری از 10 نفر اعضای حاضر بدون ارائه هرگونه مجوز قانونی عکس و اثر انگشت گرفتند و بعد از ثبت مشخصات و بازجویی آنها را با شرط اینکه در صورت احضار باید فوراً خود را معرفی کنند، چند ساعت بعد آزاد کردند.

اما ماموران اطلاعاتی از همان ابتدا «نورالله قببیتی زاده» که مسئولیت جمع را به عهده گرفته بود از بقیه جدا کردند. تا چندین هفته هیچکس از محل اقامت او خبر نداشت. وقتی از او اطلاعاتی به دست آمد که او به زندان کارون اهواز منتقل شده بود.

در شهریور ماه سال جاری او به دادگاهی فاقد خصوصیات یک دادگاه قانونی برده شد و در آنجا شخصی که خود را قاضی دادگاه معرفی می کرد از او خواست که برود فکر کند و به اسلام برگردد. نورالله به دفعات توسط ماموران زندان و بازجوهای پرونده اش برای انکار ایمان مسیحی خود، تحت فشار قرار گرفته است. در این اواخر بعد از برگزاری دادگاه به شدت این فشارها افزوده شد. اما در مقابل این فشارها نورالله مصرانه درخواست یک جلد کتاب مقدس مسیحی را به آنها داد و با اصرار بر خواسته خود پای فشرد. نورالله به آنها گفته است که پیرو عیسی مسیح است و داشتن یک جلد کتاب مقدس در زندان را حق خود می داند.

در آبانماه انتشار خبری در مورد او در یکی از رسانه ها باعث بروز دردهائی برای این زندانی مسیحی شد. در این خبر از نورالله به عنوان یک رهبر کلیساهای خانگی یاد شده بود. همین موضوع و نکات دیگر باعث گردید تا بر شدت فشارها بر قببیتی زاده افزوده شود. هرچند بعداً این رسانه متوجه اشتباه خود شد و متن نوشته اش را به کلی تغییر داد ولی ماموران بهانه جو و کینه توز به بهانه آن فشار زیادی بر اسیر خود آوردند.

یکی از نزدیکان نورالله به اف سی ان ان گفت که او تنها یک ایماندار مسیحی بسیار ساده اما فوق العاده محکم است که می گوید حاضر نیست ایمان به عیسی مسیح را با هیچ چیز دیگر در زندگیش عوض کند. همین شخص اضافه کرد که صمیمیت و اراده محکم نورالله قببیتی زاده به ایمان قلبیش از یک سو و اینکه او نزدیکان و اقوام چندانی در خارج زندان ندارد تا قادر به پی گیری کارش باشند از سوی دیگر، باعث شده تا وی همچنان در بازداشت باقی بماند.

گزارشات رسیده از زندان کارون اهواز حاکی از وضعیت نامناسب جسمانی قببیتی زاده به علت نبودن حداقل امکانات بهداشتی است. این زندان از نظر امکانات بهداشتی و رفاهی یکی از بدترین زندانهای کشور محسوب می شود.

سخنگوی اروپائی کمیته دفاع از مسیحیان ایران درباره وضعیت نورالله قببیتی زاده با شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به گفتگو نشست. او معتقد است که بازداشت طولانی مدت این زندانی مسیحی از اساس غیر قانونی است. مطابق گزارشات واصله هیچ مدرک یا شاکی خصوصی علیه قببیتی زاده وجود ندارد و تنها پایبند ماندن او بر ایمان مسیحی باعث نگرانی این شخص بیش از یک سال شده است و شاید وقت آن می باشد که کارزاری برای آزادی او به راه بیفتند. ضمن اینکه افزایش گرایش به مسیحیت در استان خوزستان باعث نگرانی مسئولان امنیتی و اطلاعاتی آنجاست و همین امر باعث انجام حرکات کور و حساب نشده از سوی آنان می شود.

او گفت: انتظار جامعه مسیحی ایران این بود که در آستانه کریسمس نورالله قببیتی زاده آزاد و از فشار بر مسیحیان و کلیساهای در منطقه خوزستان کاسته شود. اما نه تنها این امر محقق نشد بلکه با حمله به مراسم کریسمس کلیسای جماعت ربانی اهواز که یک کلیسای رسمی و شناخته شده است تا حدود

زیادی مشخص شد که حکومت اسلامی روز به روز بر قهر و کینه خود نسبت به مسیحیان می افزاید و آنها را در فشار بیشتری قرار می دهد.

مصاحبه کمپین بین المللی حقوق بشر ایران با اف سی ان ان.

سایت رسمی کمپین پس از مصاحبه با مدیر شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان اینطور تیتر زد : « روزنامه نگار مسیحی ایرانی از پروژه حکومت ایران برای هدف قرار دادن مسیحیان پروتستان پرده برمی دارد.»

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان ، در تاریخ 15 دی ماه سال جاری سایت کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران ، که در همکاری نزدیک با سازمان دیده بان حقوق بشر فعالیت جهانی گسترده ای را برای توجه به مسئله حقوق بشر در ایران انجام می دهد، متن مصاحبه با مدیر اف سی ان ان درباره اتهامات حکومت جمهوری اسلامی به مسیحیان ایران را منتشر کرد.

علاقه مندان برای خواندن متن کامل این مصاحبه می توانند به سایت «کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران» مراجعه کنند. خلاصه این مصاحبه با عنوان «روزنامه نگار مسیحی ایرانی از پروژه حکومت ایران برای هدف قرار دادن مسیحیان پروتستان پرده بر می دارد»، به شرح زیر می باشد.

امسال با فرا رسیدن ایام کریسمس به نظر می آید مقامات ایران مجددا در حال تشدید نظارت و آزار و اذیت مسیحیان پروتستان و کلیساهای خانگی ایران هستند. به گزارش شبکه خبری مسیحیان فارسی زبان (FCNN)، که بطور تخصصی مسایل مسیحیان را پوشش میدهد، ظرف هفته های اخیر «تعدادی مسیحی در تهران و شش شهر دیگر به مراکز امنیتی حکومتی احضار شده، به مدتهای طولانی بازجویی شده اند، و با هشدار نسبت به این که مجددا احضار خواهند شد و بهتر است به دستورات عمل کنند آزاد شده اند.»

ظرف هفته های منتهی به ایام کریسمس سال ۲۰۱۰، مقامات ایرانی بیش از ۱۰۰ مسیحی پروتستان و نوکیشان مسیحی را در تهران و سایر شهرهای سراسر ایران دستگیر کردند. بسیاری از این افراد در کلیساهای خانگی فعال بودند در انتها مقامات اکثر آنان را آزاد کردند.

برای درک بهتر مشکلات زندانیان عقیدتی مسیحی در ایران، کمپین بین المللی برای حقوق بشر در ایران با مدیر و سردبیر شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان (FCNN) به گفتگو نشست.

کمپین : لطفا FCNN و کار خود را معرفی کنید.

اف سی ان ان : لزوم وجود یک شبکه تخصصی خبر برای مسیحیان ایران در حدود پنج سال پیش توسط گروهی از افراد مسیحی که در داخل ایران سابقه کارهای فرهنگی و مطبوعاتی داشتند تشخیص

برای شناخت محبت

داده شد. این شبکه اول به صورت یک وبلاگ آغاز به کار و به تدریج توسعه پیدا کرد. تلاش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان از ابتدا این بوده که کار را به صورت حرفه ای انجام بدهد. ما به دو نیت آغاز به این فعالیت کردیم، یکی اینکه مسیحیان داخل ایران را از اخباری که میگذرد آگاه کنیم، و دیگری اینکه صدای مسیحیان ایران را به گوش جهان برسانیم. در حال حاضر شبکه خبری مسیحیان فارسی زبان به عنوان یکی از منابع رسمی، برای بسیاری از مراجع قانونی و کلیساهایی در سراسر جهان که می خواهند بیشتر در مورد مسیحیان و وضعیت مسیحیت در ایران بدانند، شناخته شده است. به عنوان مثال، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) در موارد مورد نیازش از اف سی ان ان کسب اطلاع می کند و وبسایت ما به عنوان یکی از منابع معتبر آن سازمان و اداره مهاجرت بسیاری از کشورها در مورد رسیدگی به پرونده پناهجویان مسیحی ایرانی در سراسر دنیا مورد استفاده قرار می گیرد.

کمپین: آیا می توانید از برخی موارد مهم زندانیان عقیدتی مسیحی که در حال حاضر در بازداشت به سر می برند نام ببرید؟

اف سی ان: ما فقط می توانیم در خصوص مواردی صحبت کنیم که اجازه کامل از طرف خود یا خانواده آن افراد برای بردن نامشان در رسانه ها داریم. من در حال حاضر می توانم بطور رسمی راجع به **نورالله قبیته زاده** در زندان کارون اهواز صحبت کنم که پس از دستگیری در تاریخ ۳ دیماه ۱۳۸۹ در موج بازداشت‌های سال گذشته هنوز آزاد نشده است، همچنین **فرشید فتحی** در زندان اوین تهران، و البته یوسف ندرخانی را همه می شناسند که به جرم خروج از دین اسلام در زندان لاکان استان گیلان در حبس به سر می برند. اتهام فرشید فتحی "اقدام علیه امنیت ملی" و "ارتباط با سازمانهای متخاصم در خارج از کشور" می باشد.

بطور مثال در هر دو مور قبیته زاده و فتحی، براساس اخباری که از داخل زندان به ما می رسد، موضوعی که مورد بحث است مسئله مسیحیت این افراد است نه اتهامات سیاسی. برای نمونه عرض می کنم، بازجوها مرتب از قبیته زاده خواسته اند که از مسیحیت دست بردارد و رسماً اعلام کند که مسلمان است. اما او حاضر به انجام این کار نشده است و به آنها اعتراض کرده که در حال حاضر او بیش از یک سال می باشد از دسترسی به کتاب انجیل محروم بوده.

توجه کنید که این پرونده ها سیاسی عنوان می شوند اما ما می دانیم که در هر دو مورد به زندانیان گفته اند اگر شما به اسلام بازگردید، ما شما را آزاد خواهیم کرد.

فرشید فتحی یک مسیحی و یک فعال فرهنگی و هنری در تهران بود.

او یکی از کسانی بود که به مسیحیت ایمان آورد و با بسیاری از تیپ های جوان و دانشجو در ارتباط بود... در واقع او یک فعال اجتماعی بود. جالب این است که دادگاه حکم آزادی موقت او را داد، حتی از داخل زندان هم او را بیرون آوردند تا آزادش کنند، اما در آخرین لحظه دفتر دادستانی مستقر در زندان گفت که او اجازه ندارد برود و او را نگهداشتند. هر دوی این افراد هنوز در زندان هستند اما هرگز اتهامات رسمی علیه آنان اقامه نشده و محاکمه نشده اند.

کمپین: چرا بسیاری از مسیحیان به جرائم سیاسی متهم شده اند؟

اف سی ان: مقابله با یک حرکت روحانی برای جمهوری اسلامی بسیار مشکل است، اما مقابله با یک حرکت سیاسی برای این حکومت بسیار آسان است. ما مسیحیان ایران، خودمان را هیچوقت آپوزیسیون حکومت جمهوری اسلامی ایران نمی دانیم، ولی حکومت میخواهد ما را سیاسی نشان بدهد

برای شناخت محبت

چون می خواهد ما را وابسته به خارج از کشور، و وابسته و تحت حمایت بیگانگان قلمداد کند و به این ترتیب و با این بهانه ما را سرکوب نماید.

باید از حکومت جمهوری اسلامی پرسید؛ مگر در کلیساهای خانگی چه گفته میشود که دولت شما اینقدر با آن مخالف است؟

هیچ چیز سیاسی در کلیساهای خانگی گفته نمیشود.

در واقع مسیحیان چیزی نمی گویند که حکومت بتواند به آن بهانه بگیرد، جز اینکه در جلساتشان در مورد خدا صحبت می کنند و خدا را ستایش می کنند. اگر کسی را به خاطر اینکه در مورد خدا صحبت کرده است بکشند یا زندانی بکنند به خاطر ماهیت تبلیغاتشان با تناقض بسیار بزرگی روبرو خواهند شد. بنابر این مجبور هستند بگویند که اینها سیاسی ه و تحت حمایت خارجی هستند و مسئله را سیاسی کنند تا بتوانند سرکوب نمایند.

پیش از اینکه این مسئله مسیحی شدن در داخل ایران عمومیت پیدا کند، وقتی مسلمان مسیحی شده ای را می گرفتند، او را به جرم ارتداد می بردند و محاکمه می کردند. برای مثال، کشیش حسین سودمند یا کشیش مهدی دیباج که هر دو مسلمانانی بودند که مسیحی شده بودند. این دو را اصولاً با جرم “ارتداد از اسلام” بر اساس قوانین شریعت و قوانین مجازات اسلامی به زندان و دادگاه بردند.

اما وقتی که مسئله گرایش به ایمان مسیحی عمومی تر شد و هر روز عده بیشتری از هموطنان ایرانی دل خود را به دست عیسی مسیح سپردند، دیدند نمی توانند سالانه چندصد نفر را بگیرند و به جرم ارتداد زندانی کنند. چون این عمل میتواند واکنش بسیار بزرگ و سختی در جامعه جهانی ایجاد نماید. بنا براین اینها را با اتهام “اقدام علیه امنیت ملی” و “تشکیل گروههای مخالف نظام جمهوری اسلامی” طبق قوانین مجازات اسلامی دستگیر می کنند. اما در طول بازجویی ها، تاکید را بیشتر روی همان موضوع اصلی یعنی مسئله ارتداد و خارج شدن از دین اسلام و بشارت پیام مسیح می گذارند.

آغاز دوران محکومیت فواد خانجانی شهروند بهائی

ژانویه 19, 2012



کمیته گزارشگران حقوق بشر- فواد خانجانی، از شهروند بهائی بازداشت شده پس از حوادث روز عاشورا، امروز 27 دی ماه خود را برای گذراندن دوران محکومیت چهار ساله-اش به زندان اوین معرفی کرد.

بنا بر این گزارش، این دانشجوی محروم از تحصیل بهائی پیش-تر در شعبه 28 دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به چهار سال حبس تعزیری محکوم شده بود که این حکم عینا در شعبه 54 دادگاه تجدیدنظر به ریاست قاضی موحد تایید شده است. هم چنین وکیل فواد خانجانی چندی پیش به دیوان عالی کشور اعتراض کرده بود که بنا بر اطلاع، وکیل و قاضی شعبه دیوان این شهروند بهائی از سوی وزارت اطلاعات مورد تهدید قرار گرفته‌اند.

فواد خانجانی در تاریخ 7 اردیبهشت ماه سال 89 و پس از احضار به دفتر پیگیری بازداشت و پس از چند روز با قرار وثیقه آزاد شد. لازم به توضیح است که پدر وی آقای علاءالدین خانجانی نیز پس از عاشورای سال 88 بازداشت شده بودند.

برای شناخت محبت

جمال‌الدین خانجانی، پدربزرگ ایشان نیز یکی از مدیران جامعه‌ی بهائی است که در حال سپری کردن محکومیت 20 ساله‌ی خود در زندان رجائی شهر کرج می‌باشد. این دانشجوی محروم از تحصیل، بیشتر به علت اعتقاد به دیانت بهایی از سازمان مدیریت صنعتی در اصفهان اخراج گردیده بود.

جلوگیری از دفن یک شهروند بهائی در تبریز

ژانویه 19, 2012

خانه حقوق بشر ایرانمسئولین قبرستان وادی رحمت در تبریز از دفن یک شهروند بهائی در آن قبرستان خودداری کرده و خواستار انتقال جسد به شهر دیگری شدند.



مسئولین قبرستان وادی رحمت در تبریز از دفن یک شهروند بهائی در آن قبرستان خودداری کرده و خواستار انتقال جسد به شهر دیگری شدند.

بنابر گزارش «خانه حقوق بشر ایران»، روز جمعه ۱۶ دی ماه محمد حسین برقی، شهروند بهائی ساکن تبریز، در منزل شخصی خود به علت عارضه سکته مغزی درگذشت. خانواده برقی ایشان را طبق رسوم بهائی غسل و کفن نموده سپس، به شهرداری مرکزی مراجعه و مآوقع را اطلاع دادند. طبق دستور مسئولین جسد به وادی رحمت منتقل شد. یک روز بعد از وادی رحمت با خانواده مرحوم تماس گرفته و اعلام می‌کنند که جهت تشییع باید به میاندوآب بروند.

فرزندان محمدحسین برقی، اظهار می‌دارند که طبق وصیت نامه ایشان بایستی در همین مکان دفن شوند و آنها حاضر نیستند به جای دیگری بروند.

تا لحظه‌ی تنظیم این خبر محمدحسین برقی دفن نگردیده و در سردخانه وادی رحمت نگهداری می‌شود.

آغاز دوران محکومیت چهار سال حبس شاهرخ طائف شهروند بهایی

ژانویه 19, 2012



خانه حقوق بشر ایران شاهرخ طائف ، شهروند بهائی ساکن تهران برای گذراندن دوران محکومیت چهار ساله اش به زندان اوین بازگشت.

تارنمای کمیته گزارشگران حقوق بشر گزارش داده است که شاهرخ طائف پیش تر در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به اتهام “عضویت در جامعه بهائی” (ماده ۴۹۹) به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شده بود که این حکم در دادگاه تجدید نظر عینا تایید شد.

ایشان در سال ۸۳ برای اولین بار بازداشت و پس از مدتی آزاد شد اما در دی‌ماه سال ۸۷ به همراه ژینوس سبحانی، عزیزالله سمندری، پیام اغصانی، دیدار رئوفی و نیما حقار مجدداً بازداشت و پس از نزدیک به دو ماه بازداشت در بند ۲۰۹ زندان اوین با قرار وثیقه آزاد شد.

از بین افراد بازداشت شده در دی‌ماه ۸۷ هم‌اکنون دیدار رئوفی در حال سپری کردن محکومیت سه ساله‌ی خود است. این در حالی است که پیام اغصانی به سه سال حبس تعزیری و نیما حقار و عزیزالله سمندری به پنج سال حبس تعزیری محکوم شده اند.

نگاهی به وضعیت بهایی‌های زندانی؛

احسان مهرابی روزنامه‌نگار



آقا بترسید شما از اینها؛ یک جانورهایی‌اند اینها. (۱) این جمله آیت الله خمینی موضوع شوخی زندانیان بند ۳۵۰ اوین با آنان بود. انتخابات ۸۸ در دسرهای مضاعفی را برای بهائیان به ارمغان آورد اما حداقل یک حسن بزرگ داشت و آن اینکه فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران و حتی فعالان حقوق بشری تازه فهمیدند درباره بهایی‌ها چه قدر کم می‌دانند.

انتخابات ۸۸ در دسرهای مضاعفی را برای بهائیان به ارمغان آورد، اما حداقل یک حسن بزرگ داشت و آن اینکه فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران و حتی فعالان حقوق بشری تازه فهمیدند درباره بهایی‌ها چه قدر کم می‌دانند. زندانیان سیاسی فهمیدند به جز داستان تلخ آنان داستان دیگری نیز هست. داستان حداقل نیم میلیون انسانی که تنها دوست دارند هر روز به سرکار روند به تکلیف بچه‌هایشان کمک می‌کنند و بچه‌هایشان را به دانشگاه بفرستند و گاه گاهی هم در مکانی سر بسته به دور از همه نگاه‌ها دور هم جمع شوند و عبادت کنند

انگونه که دوست دارند.

برای شناخت محبت

امیدهای آنان بسیار ساده‌تر از امید زندانیان سیاسی بود. نه سودای انتخابات داشتند و نه حتی داعیه‌ای برای حق آزادی بیان. آنان نیازی هم به اشتراک گذاشتن اندیشه‌های‌شان با دیگران نیز نمی‌دیدند. تنها می‌خواستند کسی و ادارشان نکند دین خود را تغییر دهند. یک سوال اما در همه گفتگوهای بهائیان مشترک بود: «چرا شما درکنکور و دیگر موارد دین خود را پنهان و به اصطلاح شیعیان چرا تقیه نمی‌کنید.» پاسخ آنان البته این بود که اگر بنا بر پنهان کردن دین باشد به مرور زمان دیگر هیچ بهایی باقی نمی‌ماند!

در یکی از گفتگوها بود که یکی از روزنامه‌نگاران خاطره‌ای از رضا یوسفیان نماینده مجلس ششم تعریف کرد. یوسفیان هم از یک بهایی که بهایی بودن برایش در دسرهای زیاد درست کرده بود و به مجلس ششم برای دادخواهی آمده بود همین را پرسیده بود و جواب شنیده بود که شما که نماینده اصلاح‌طلب هستید و اصلاح‌طلبی برایتان در سردارد آیا می‌توانید اصلاح‌طلبی خود پنهان کنید و بگوئید اصول‌گرائید؟

زندانیان بهایی برای زندان‌بانان البته عجیب‌تر بودند و برخی‌شان شاید همین جمله آیت‌الله خمینی را باور داشتند. روزی رئیس زندان از یکی از زندانیان پرسیده بود «این بهایی‌ها نجس هستند و شما که نماز می‌خوانید در اتاق چطور طهارت را رعایت می‌کنید.» برای فعالان سیاسی که خود تاوان استقامت در راه عقیده می‌پرداختند مقاومت بهایی‌ها نیز ستودنی بود هر کدام از زندانیان سیاسی که گذرشان به طبقه زیر پله ۲۰۹ افتاده بود می‌شنیدند حکایتی‌هایی که دو سال را در ۲۰۹ سپری کرده بودند و حاضر نشده بودند وارد برنامه‌های مأمورین امنیتی شوند. آنان جلسه دادگاه نمایشی را نیز ترک کرده بودند و این اقدام برای فعالان سیاسی امری ستودنی بود. پیش از انتخابات ۸۸ اگر زندان سهم سران جامعه بهایی بود. انتخابات ۸۸ زندان را بین بهائیان تقسیم کرد. دادگاه حوادث عاشورا اوج نمایش حاکمیت بود تا دین‌داران را به هراس اندازد که چه نشسته‌اید بهائیان برای غارت دین‌تان آمده‌اند. پیش از این دادگاه نیز جعفری دولت آبادی اعلام کرد که این بهائیان هم در سازماندهی روز عاشورا نقش داشتند هم به خارج تصویر ارسال کردند و هم از آنان اسلحه و گلوله جنگی کشف شده است.

پیام فنائیان که زندانیان سیاسی او را «بنجامین باتن» می‌خواندند در دادگاه عاشورای ۸۸ به محاکمه شد. فنائیان در دادگاه ابتدایی به ۶ سال حبس محکوم شد و پس از آن با گذراندن یک سال حبس آزاد شد. زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ یک زوج بهایی را نیز می‌شناختند؛ آرتین غضنفری و ژینوس سبحانی و یا بالعکس، چرا که در شوخی‌ها زندانیان بند ۳۵۰ به آرتین یادآوری می‌کردند که همسرش مشهورتر از او است چرا که او منشی کانون مدافعان حقوق بشر بود و همین بهانه‌ای بود برای اینکه او را هم به دلیل بهایی بودن تحت فشار بگذارند و هم به دلیل کانون مدافعان حقوق بشر و شیرین عبادی. سبحانی و آرتین غضنفری هر دو پس از حوادث عاشورا بازداشت شدند و حکم گرفتند.

آرتین غضنفری دید و بازدیدهای نوروزی را که تمام کرد به اوین رفت تا برای محکومیت یک ساله خود را معرفی کند. غضنفری که عکاس بود و دف نواختن می‌دانست گاهی به همراه دیگر دوستان زندانی‌اش برای زندانیان می‌نواخت تا اندکی از سختی‌های زندان را قابل تحمل تر کند. بهائیان بند ۳۵۰ کتابخانه داری هم می‌کردند. پیمان کشفی و سما نورانی دو زندانی بهایی بودند که وقت خود را در کتابخانه محقر بند ۳۵۰ می‌گذراندند. پیمان کشفی ۲۷ مهر ماه ۸۸ با احضاریه‌ای کتبی، «بابت پاره‌ای توضیحات» به دادگاه انقلاب تهران رفت و از همان جا به ۲۰۹ منتقل شد. جرم او برگزاری ضیافت نوزده روزه بود از جمله فرایض دینی.

سما نورانی که برخی بچه‌های زندان «چابی» می‌خواندندش، به دلیل بهایی بودن از حق تحصیل محروم شده است و به دلیل فعالیت تبلیغی علیه نظام به ۱ سال حبس. بهائیان بند ۳۵۰ زندان اوین البته خوش شانس‌تر از دیگر بهایی‌ها بودند چرا که به دلیل تجمع زندانیان سیاسی در این زندان هم شرایط بهتری داشتند و هم تحمل زندان برای‌شان ساده‌تر بود. زندانیان سیاسی پس از گذشته دو سال درباره بهائیان بسیار اموخته‌اند هر چند که به شوخی هنوز این جمله آیت‌الله خمینی را گاه به بهائیان می‌گویند که «اینها؛ یک جانورهایی‌اند». این شوخی البته هنوز برای برخی از دین‌داران شیعه ایران، جدی گرفته می‌شود.

۱۰ تن از شهروندان اهل سنت در اهواز بازداشت شدند

ژانویه 19, 2012



خبرگزاری هرانا – دوشنبه شب ۲۶ دی، جمعی از شهروندان اهل سنت اهواز توسط نیروی انتظامی و امنیتی دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند.

به گزارش سنی نیوز از اهواز نیروهای امنیتی منازل اهل سنت در محله‌های «کوت عبدالله» و «آخر سفالت» را مورد هجوم قرار داده و ۱۰ تن از اهل سنت عرب تبار را دستگیر نموده و به مکان نامعلومی انتقال دادند.

بر اساس این گزارش اسامی افراد دستگیر شده به قرار ذیل می‌باشد:

۱. استاد عبدالواحد بیت صیاح (ابو ماجد) – بن حمید – ۴۷ ساله – دعوت‌گر – متاهل
۲. مجید باوی (ابوأنس) – بن عبد – ۳۵ ساله – متاهل – ایشان از هر دو پا فلج می‌باشد و قادر به حرکت نیست
۳. حمید خنفری بترانی (ابونادیه) – بن حاشی – ۴۴ ساله – متاهل
۴. جمال حزباوی (ابو خالد) – بن ناصر – ۴۴ ساله – متاهل
۵. غازی هندالی فرحانی (ابو شرار) – بن عبدالرزاق – ۳۸ ساله – متاهل
۶. سید احمد نزاری – بن حمید – ۶۵ ساله – متاهل
۷. خلف زبیدی (ابو صلاح) – ۴۳ ساله – متاهل
۸. سعید خزر جی (ابو محمد) – متاهل
۹. احمد عفرای (ابوشهاب) – متاهل
۱۰. حسین خزر جی (ابو علی) – متاهل

بهائیان ایران حتی در مرگ با تبعیض مواجه هستند

ژانویه 19, 2012



در سال های اخیر، ده ها مورد تخریب، آتش افروزی یا مشکلات دیگری مرتبط با گورستانهای بهائی یا تلاشهای بهائیان برای خاکسپاری درگذشتگان شان پیش آمده است. مقامات اکنون می کوشند گورستان بهائیان سنندج، در حدود ۴۰۰ کیلومتری غرب تهران را توقیف و تخریب کنند.

ژنو، ۲۹ دی ۱۳۹۰ (۱۹ ژانویه ۲۰۱۲) سرویس خبری جامعه جهانی بهائی - هجده سال پیش، یک تکه زمین بی حاصل به مساحت یک هکتار در حاشیه یک جاده به بهائیان شهر سنندج در ایران داده شد تا به عنوان گورستان مورد استفاده قرار دهند.

به این زمین در دامنه سنگی کوهستان و تهی از زندگی گیاهی، به سختی می شد نام یک ملک واقعی داد، اما پس از اولین خاکسپاری در آنجا در پاییز ۱۳۷۲ (۱۹۹۳)، بهائیان محل دور هم جمع شدند تا در آنجا محوطه سازی کنند، صخره ها را بیرون بیاورند و خاک آن را عوض کنند. آنها به صورت دستی ۲۵۰ نهال سرو و صنوبر را که اداره کشاورزی داده بود، در آنجا کاشتند و آبیاری کردند؛ برق به محل آوردند و اتاق کوچکی ساختند که در آن بتوان جسد ها را برای خاکسپاری آماده کرد.

برای شناخت محبت

در هر گامی مجوزهای مربوطه تهیه شد. وقتی بهائیان می خواستند چاهی حفر کنند، از اداره ناحیه ای آب جواز خواستند و گرفتند. هر بار که تاریخ انقضا فرا می رسید، جواز به موقع تمدید می شد. دفتر منابع طبیعی که از دگرگونی محل تحت تأثیر قرار گرفته بود، پیشنهاد داد که بهائیان درختانی در زمین عمومی مجاور گورستان بکارند و به این ترتیب فضای سبز را گسترش دهند. در نتیجه ساکنان سنندج که عموماً مسلمان سنی هستند، به تدریج برای محل به عنوان نمادی از حضور مسالمت آمیز جامعه بهائی در شهرشان احترام پیدا کردند.

اما به نظر می رسد حالا زیبایی و سرسبزی ناحیه تغییری را در رویکردهای مأموران برانگیخته است. مقامات می خواهند دوباره گورستان را صاحب شوند و دعوی مالکیت دولت بر زمین را دارند، هرچند یک بار سند آن به بهائیان داده شده است. ظرف دو هفته آینده (تا آخر این ماه میلادی) درباره دستور ضبط آن و تخریب ساختمانها و گورها در دادگاهی قضاوت خواهد شد.

آزارهای اخیر بهائیان در سنندج نشانه خوبی برای رأی احتمالی این دادگاه نیست. در ۲۸ آذر (۱۹ دسامبر)، مأموران وزارت اطلاعات صبح زود به خانه های ۱۲ بهائی در شهر یورش بردند. کتاب ها، جزوه ها و عکس های بهائی همراه سی دی ها، کاست های صوتی، کامپیوترها، تلفن های همراه، سخت افزارهای کامپیوتری و اسناد شخصی مختلف توقیف شدند.

دیان علائی، نماینده جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل متحد در ژنو، گفت: «با توجه به افزایش آزار جامعه بهائی در سنندج، به نظر می رسد درباره سرنوشت گورستان از هم اکنون به دستور وزارت اطلاعات تصمیم گرفته شده است.»



در مثال دیگری از ویران کردن گورستان های متعلق به بهائیان در ایران، در شهریور ۱۳۸۶ «... بزرگ کردن تصویر»

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، در اطلاعیه ای مورخ ۱۷ ژانویه ۲۰۱۲ خواهان اجرای «تساهل و تسامح در پذیرش دگر باوری» از سوی مسئولان و اولیای امور شده است. این سازمان «موج تازه ای از فشارها و محدودیتها بر جامعه بهایی را اقدامی غیر انسانی و غیر قانونی و خلاف معاهدات و کنوانسیون های حقوق مدنی و سیاسی» خوانده است. مزاحمت برای درگذشتگان

برای شناخت محبت

پرونده سنندج در نظام فعلی ایران یگانه نیست. از سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۷) بیش از ۳۰ مورد تخریب، آتش‌افروزی یا مشکلات دیگر مرتبط با گورستان‌های بهائی یا تلاش‌های بهائیان برای خاکسپاری محترمانه درگذشتگان‌شان رخ داده است.

به گفته خانم علائی: «مقامات ایرانی که آزار زنده‌ها به تنهایی راضی‌شان نمی‌کند، می‌خواهند آرامش کسانی که از دنیا رفته‌اند را هم مختل کنند. این تازه‌ترین مورد از رشته طولانی حملات به گورستان‌های بهائی و مراسم خاکسپاری است. همه اینها معیارهای بین‌المللی حقوق بشر و درک هر انسان شریف از احترام به مردگان را به طور کامل نقض می‌کند.»

از جمله موارد اخیر:

• یک گورستان تازه تأسیس در سنگسر، استان سمنان، که شهرداری به بهائیان محل داده بود، توسط مزاحمان ناشناس در اسفند ۱۳۸۹ (مارس ۲۰۱۱) ویران شد. گورها به توده ای از خاک تبدیل شدند، درختان از ریشه خارج و دو اتاق کوچک تخریب گردیدند.

• در تیر ۱۳۸۹ (ژوئیه ۲۰۱۰)، گورهای گورستان بهائی جیرفت، استان کرمان، توسط مزاحمان ناشناس با بولدوزر تخریب شدند.

• در خرداد ۱۳۸۹ (اواخر مه ۲۰۱۰)، گورستان بهائیان مشهد در شب با استفاده از یک لودر و دیگر ماشین آلات سنگین ویران شد. دیوارهای گورستان، غسل‌خانه و محل دعا و نماز به شدت خسارت دید.

رویدادهای دیگری نیز در جهت تلاش‌های مسئولان برای دخالت در مراسم خاکسپاری بهائیان پیش آمده است.

برای مثال در تبریز، به بهائیان سال‌ها اجازه دسترسی به گورستان عمومی شهر داده شده بود. در مرداد ماه (اوت) گذشته، به خانواده یک زن بهائی تازه درگذشته گفته شد که او باید طبق مراسم اسلامی به خاک سپرده شود. بقایای جسد آن زن به اجبار در یک گورستان بهائی در شهرستانی دیگر دفن شد. در رویدادی مشابه در آبان (اکتبر) گذشته، جسد یک مرد بهائی از تبریز به یک گورستان بهائی دیگر در حدود ۱۰۰ کیلومتری محل برده و بدون اطلاع خانواده اش به خاک سپرده شد.

خانم علائی گفت: «مقامات ایران در عرصه بین‌المللی با اصرار ادعا می‌کنند که با بهائیان به شکلی متفاوت با دیگران برخورد نمی‌شود و آنها فقط وقتی «مجازات خواهند شد» که عملی غیرقانونی انجام دهند. این درگذشتگان دقیقاً چه کار کرده‌اند که شایان چنین برخوردی باشند؟»

«در زیباسازی گورستان سنندج و پیرامون آن آرزوی بهائیان برای مشارکت خالصانه و مثبت در ساختن کشور خودشان مشهود است. اما چیز دیگری که به همان اندازه مشهود است این است که برای مقامات پذیرفتن این واقعیت غیر ممکن است.»

تائید 25 سال حبس تعزیری برای 6 تن از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی در دادگاه تجدید نظر



کمیته گزارشگران حقوق بشر – مجموع 25 سال حبس تعزیری برای 6 تن از مسئولین دانشگاه آنلاین بهایی در شعبه 36 دادگاه تجدید نظر استان تهران تائید شد .
بر اساس این گزارش، حکم بدوی مسئولان دانشگاه آنلاین بهایی ایران که توسط شعبه 28 دادگاه انقلاب صادر شده بود، در شعبه 36 دادگاه تجدید نظر استان تهران تائید شد. بر این اساس، کامران مرتضایی

به 5 سال و ریاض سبحانی، رامین زیبایی، فرهاد صدقی، محمود بادوام و نوشین خادم هریک به 4 سال حبس تعزیری محکوم شدند.

این افراد مدت 8 ماه گذشته را در بند 209 زندان اوین و زندان رجائی شهر کرج گذرانده اند. طی چند روز گذشته وحید محمودی که همراه این نفرات در خرداد ماه گذشته بازداشت شده بود و در دادگاه بدوی به 5 سال حبس تعزیری محکوم شده بود، در شعبه 54 دادگاه تجدید نظر به 5 سال حبس تعلیقی محکوم و از زندان آزاد شد.

افزایش فشار برای شهروندان بهایی سمنان، تبریز و گرگان

ژانویه 20، 2012

جرس - بنا به گزارش منابع خبری و حقوق بشری، فشار و آزار و اذیت بر شهروندان بهایی در شهرهای مختلف ایران طی هفته های اخیر مجدداً افزایش یافته و مواردی چون صدور و اجرای احکام قضایی، پلمب و حریق محل کسب و منازل، اخراج از محل تحصیل، عدم اجازه دفن اموات، تهدید و موارد مشابه گزارش شده است.

بنا به گزارش های رسیده به جرس، نمونه هایی از برخورد های قضایی، امنیتی و آزار شهروندان بهایی در سمنان به شرح زیر است:

لیدر تبیانیان: پلمپ و ابطال جواز کسب و نوشتن شعار های توهین آمیز بر بروی درب مغازه. احمد و پیمان شادمان: پلمپ و آتش زدن محل کسب.

سپهر سبحانی: پلمپ محل کسب و نوشتن شعار های توهین آمیز بر روی درب مغازه.

افشین ایقانی: پلمپ غیر قانونی محل کسب. نامبرده هم اکنون در زندان به سر می برد.

عدالت، شیردل و شهرام فیروزیان: پلمپ چاه آب زمین کشاورزی (پلمپ چاه آب از رویه های معمولی آزار این شهروندان است تا زمین های کشاورزی شان خشک شود)

علی احسانی: پلمپ محل کسب و ابطال جواز و مصادره غیر قانونی اموال. نامبرده هم اکنون در زندان به سر می برد.

پیمان رحمانیان: پلمپ غیر قانونی محل کسب و ابطال جواز. لازم به ذکر است که نام برده بعد از مراجعه به مراجع قانونی جهت بازگشایی و صدور مجدد پروانه کسب و دریافت مجوز های قانونی لازم، با عدم همکاری مسولان مواجه شده است.

سوسن تبیانیان: پلمپ محل کسب و ابطال جواز. نامبرده به مدت یک سال زندانی بوده است.

یحیی هدایتی: اذیت و آزار ساکنان منزل و شکستن شیشه های منزل و... نامبرده یک سال دوران حبس خویش را سپری نموده است.

بهفر خانجانی: به آتش کشیدن منزل با کوکتل مولوتف و تخریب خودرو. نامبرده هم اکنون در زندان به سر می برد.

شمیل و شهناز پیراسته: پلمپ محل کسب و ابطال جواز و آتش زدن منزل با کوکتل مولوتف.

همچنین «خانه حقوق بشر ایران» گزارش داده است که مسئولین قبرستان وادی رحمت در تبریز از دفن یک شهروند بهائی در آن قبرستان خودداری کرده و خواستار انتقال جسد به شهر دیگری شدند.

برای شناخت محبت

بر اساس این گزارش، هفته گذشته محمد حسین برقی، شهروند بهائی ساکن تبریز، در منزل شخصی خود به علت عارضه سکتة مغزی درگذشت و خانواده وی طبق رسوم غسل و کفن نموده و به شهرداری مرکزی مراجعه و موقوفه را اطلاع دادند.

طبق دستور مسئولین جسد به وادی رحمت منتقل شد، اما یک روز بعد از وادی رحمت با خانواده تماس گرفته و اعلام کردند که جهت تشییع باید به قبرستانی دیگر در شهر میاندوآب بروند. همزمان، سایت «جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی» گزارش داده است که درسا الهوردی دانشجوی بهایی ورودی ۹۰ رشته‌ی مهندسی مکانیک ماشین‌های کشاورزی دانشگاه گرگان از دانشگاه اخراج شد.

این دانشجوی طی تماس تلفنی متوجه می‌شود که به دلیل نقص پرونده باید به سازمان سنجش مراجعه کند و در پی مراجعه به وی ابلاغ می‌شود که به دلیل اعتقاد به «آیین بهائی» از دانشگاه اخراج شده است. لازم به توضیح است که تنها در سال ۱۳۹۰ بیش از ۲۰ دانشجوی بهائی به دلیل «اعتقاد به آیین بهائی» از دانشگاه‌های مختلف نظیر صنعتی اصفهان، صنعتی شریف و دانشگاه شیراز اخراج شدند. از این جمله می‌توان به روح‌الله تشکر، بشیر تشکر، البرز نورانی، آوا توکلی، مونا مومنی، ارکیده آقایی، حنانه کنعانی، هومن رحمانیان، ملیکا وزیرزاده، نورا سهرنگی، فرنود جهانگیری، پویا محمدی، شیده آبادی، دلارا دارابی، صهبا متحدین، سمیرا غلامی، شیما رنجبر، شادی مودی و نگار صالحی اشاره کرد.

انتقال ۳ تن از بازداشت شدگان مسیحی به زندان سپیدار اهواز

ژانویه 25, 2012



علیرغم گذشت بیش از یک ماه از یورش خشونت آمیز نیروهای امنیتی به کلیسای جماعت ربانی اهواز اطلاعاتی دقیقی از وضعیت و سلامت ۳ تن بازداشت شدگان این رویداد در دست نیست. آژانس خبر مسیحیان ایران «محبت نیوز» - فرهاد سبک روح شبان کلیسای جماعت ربانی اهواز، داوود علیجانی و ناصر ضامن دزفولی از نوکیشان مسیحی بازداشتی حادثه دوم دی ماه ۱۳۹۰ (۲۳

برای شناخت محبت

دسامبر ۲۰۱۱) می باشند که علی رغم گذشت بیش از یک ماه همچنان در بازداشت وزارت اطلاعات بسر می برند.

به نقل از مجموعه فعالان حقوق بشر ایران ، کلیسای جماعت ربانی اهواز از کلیساهای رسمی و شناسنامه دار کشور محسوب می شود که از ابتدای انقلاب اسلامی ایران به صورت نیمه علنی با وجود مصادره ساختمان کلیسا در اوایل انقلاب مشغول فعالیت بوده است و برخورد امنیتی با شهروندان مسیحی این کلیسا در آستانه کریسمس توجیه قانونی ندارد.

طبق اطلاع گزارشگران محبت نیوز ، بازداشت شدگان تاکنون از حق دسترسی به وکیل و ملاقات آزادانه با خانواده های خود محروم بوده و از حق تماس محدود و با کنترل بازجویان برخوردار بوده اند. علیرغم اینکه همسر فرهاد سبکرو طی درخواست های مکرر از مسئولین و مقامات درخواست ملاقات با همسرش را داشته است اما متأسفانه مسئولان امنیتی به درخواست ایشان تاکنون ترتیب اثری نداده اند.

لازم به یاد آوری است خانم «شهناز جیزان» همسر کشیش فرهاد سبکروح ایشان خود نیز از بازداشت شدگان روز جشن کریسمس کلیسای جماعت ربانی اهواز بودند که پس از ۱۰ روز بازداشت، با سپردن سند منزل بعنوان وثیقه از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز بطور موقت آزاد شدند. گفته می شود این افراد که به همراه کلیه اعضای کلیسا در روز جشن کریسمس بازداشت شدند تحت فشار بازجویی برای اخذ تعهد کتبی قرار گرفته اند.

سایر اعضای کلیسا نیز که ساعتی پس از بازداشت و بازجویی آزاد شدند تا اطلاع ثانوی حق خروج از شهر اهواز را ندارند و برای اطلاع رسانی از بازداشت خشونت آمیز خود و فرزندانشان مورد تهدید قرار گرفته اند.

بر طبق گزارش دریافتی گفته می شود در حال حاضر بازداشت شدگان مسیحی، فرهاد سبکروح، داوود علیجانی و ناصر ضامن دزفولی که تا این لحظه گزارشی از وضعیت سلامت آنان در دست نیست برای بازجویی های بیشتر به زندان سپیدار اهواز انتقال یافته اند. اما این موضوع هنوز از سوی مقامات رسمی تأیید نشده است.

محکومیت استادان دانشگاه آنلاین بهائیان به چهار تا پنج سال زندان

ژانویه 26, 2012



خبرگزاری هرانا - شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران ۶ تن از استادان دانشگاه مجازی بهائیان ایران را در مجموع به ۲۵ سال زندان محکوم کرد. این عده پیش از این در دادگاه بدوی در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به همین مدت زندان محکوم شده بودند و دادگاه تجدید نظر در عمل جز تأیید حکم دادگاه نخست کاری دیگر نکرده است. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، بر اساس احکام صادره در دادگاه تجدید نظر، کامران مرتضائی به ۵ سال زندان و ریاض سبحانی، رامین زیبایی، فرهاد صدقی، محمود بادوام و نوشین خادم هریک به ۴ سال زندان تعزیری محکوم شده اند. این افراد طی ۸ ماه اخیر در بند ۲۰۹ زندان اوین و ندان رجائی شهر کرج بوده اند.

برای شناخت محبت

افزون بر این یکی دیگر از استادان بهائی این دانشگاه مجازی یا «آنلاین» به نام وحید محمودی که با دیگر محکوم شدگان دستگیر و در دادگاه بدوی به ۵ سال زندان تعزیری محکوم شده بود در دادگاه تجدید نظر خوشبختانه ۵ سال زندان تعلیقی گرفت و آزادی خود را باز یافت.

در جمهوری اسلامی ایران، جوانان بهائی تنها مجازند در سطح ابتدائی و متوسطه در مدارس به تحصیل بپردازند و حق ورود به دانشگاه های کشور را ندارند.

برای مقابله با این مشکل، بهائیان ایران به ایجاد یک دانشگاه «آنلاین» دست زده اند اما این دانشگاه و کلاس های محدود آن که بیشتر در منازل تشکیل می شود هر از چندگاهی مورد یورش و هجوم مأموران امنیتی قرار می گیرد و به بازداشت ها و محکومیت مسئولان و اداره کنندگان به زندان منجر می شود.

سه تن از شهروندان اهل سنت در کامیاران بازداشت شدند

ژانویه 26، 2012



خبرگزاری هرانا - سه تن از فعالین اهل سنت در شهرستان کامیاران به دلیل اعتراض به سخنان یک روحانی شیعه از سوی ماموران اطلاعات نیروی انتظامی و به دستور دادستان عمومی و انقلاب این شهرستان بازداشت شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از کامیاران، علی اکبر کمانگر، خبات عزیزی و سیف الله روحانی سه تن از نمازگزاران اهل سنت کامیاران از سوی ماموران اطلاعات نیروی انتظامی و با دستور دادستان عمومی و انقلاب این شهرستان روز گذشته بازداشت شدند.

این فعالین به دلیل اعتراض به سخنان اهانت آمیز یک روحانی شیعه بنام حجة الاسلام ربانی در نماز جمعه مسجد جامع اهل سنت کامیاران ایراد کرده بود، بازداشت شدند.

خواسته نمازگزاران و معترضین عذرخواهی حجة الاسلام ربانی از مردم این شهرستان به خاطر اظهارات اهانت آمیز نسبت به یکی از صحابه پیامبر بود که با واکنش تند ماموران امنیتی این شهرستان مواجه شد.

تاکنون اتهام انتسابی به بازداشت شدگان اعلام نگردیده است.

بی خبری مطلق از سرنوشت ۳ شهروند بازداشتی مسیحی

ژانویه 26, 2012



خبرگزاری هرانا - علی رغم گذشت بیش از یک ماه از یورش خشونت آمیز نیروهای امنیتی به کلیسای جماعت ربانی اهواز هیچ اطلاعی از سرنوشت بازداشت شدگان در دست نیست. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از اهواز، فرهاد سبک روح کشیش کلیسای جماعت ربانی، داوود علیجانی و ناصر ضامن دزفولی سه شهروند مسیحی بازداشتی علی رغم گذشت بیش از یک ماه همچنان در بازداشت وزارت اطلاعات بسر می برند.

کلیسای جماعت ربانی اهواز که از کلیساهای رسمی و شناسنامه دار کشور محسوب می شود از ابتدای انقلاب اسلامی ایران به صورت نیمه علنی با وجود مصادره ساختمان کلیسا در اوایل انقلاب مشغول فعالیت بوده است و برخورد امنیتی با شهروندان مسیحی این کلیسا در آستانه کریسمس توجیه قانونی ندارد.

بازداشت شدگان تاکنون از حق دسترسی به وکیل و ملاقات آزادانه با خانواده های خود محروم بوده و از حق تماس محدود و با کنترل بازجویان برخوردار بوده اند. این افراد که به همراه کلیه اعضای کلیسا در روز جشن کریسمس بازداشت شدند تحت فشار بازجویی برای اخذ تعهد کتبی قرار گرفته اند.

سایر اعضای کلیسا نیز که ساعتی پس از بازداشت و بازجویی آزاد شدند تا اطلاع ثانوی حق خروج از شهر اهواز را ندارند و برای اطلاع رسانی از بازداشت خشونت آمیز خود و فرزندانشان مورد تهدید قرار گرفته اند.

گفتنی است، همسر کشیش فرهاد سبک روح چند روز پس از بازداشت با قرار وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز آزاد شده است.

احضار پی در پی و محاکمه پنج شهروند بهایی سمنان

ژانویه 26, 2012



خبرگزاری هرانا - در طی یک ماهه اخیر پنج شهروند بهایی ساکن سمنان جهت بازجویی به اداره اطلاعات احضار شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از سمنان، ماموران وزارت اطلاعات در یک ماه گذشته طی چند روز متوالی برخی شهروندان بهایی ساکن شهر سمنان را به اداره اطلاعات سمنان احضار و در بعد از ظهر همان روز پس از چند ساعت بازجویی؛ آزاد کردند.

این احضارها که تا مرحله بازپرسی و سپس تا تشکیل دادگاه و اعلام حکم ادامه پیدا کرده است موجب صدور احکام حبس برای حداقل پنج تن از شهروندان شده است.

از جمله این شهروندان بهایی می توان به « انیسا فنائیان » ، « عرفان احسانی » و « سپهر سبحانی » اشاره کرد که سپهر سبحانی به یک سال حبس تعزیری ، لغو جواز کسب و پنج سال ممنوعیت از کسب محکوم شده است.

از احکام صادره برای ۴ شهروند دیگر اطلاعی در دست نیست.

برای شناخت محبت

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

- اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.
- ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادتها و اجرای آیینها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
- ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد

نوکیش مسیحی توسط دادگاه انقلاب به دو سال زندان محکوم شد.

ژانویه 29, 2012



به نقل از گزارشگران آژانس خبری مسیحیان ایران « محبت نیوز »، خانم « لیلا محمدی» از نوکیشان مسیحی ساکن در شرق تهران، پس از گذراندن ۵ ماه بلا تکلیفی در زندان اوین از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به تحمل دو سال حبس تعزیری محکوم شد.

« لیلا محمدی» در ۲۸ دی ماه سال جاری توسط دادگاه انقلاب اسلامی واقع در خیابان شعبه معلم محاکمه شد، که در این دادگاه « همکاری با عوامل وابسته به گروه‌های خارجی ، تبلیغات ضد اسلامی ، ایجاد تشکل و فریب هموطنان تحت عنوان کلیسای خانگی، توهین به مقدسات و اقدام علیه امنیت ملی از جمله اتهاماتی بود که به این ایشان تفهیم شد .

برای شناخت محبت

اما دادگاه نامبرده را از اتهام «همکاری با عوامل وابسته به گروه‌های خارجی» را بدلیل ناآگاهانه بودن تبرئه کرد. بر همین اساس این نوکیش مسیحی به دو سال حبس تعزیری محکوم و رای صادره به ایشان ابلاغ شد.

منابع آگاه گزارش دادند، پس از صدور رای از سوی دادگاه، وکیل وی از ارسال پرونده به دادگاه تجدید نظر استان تهران جهت بررسی خبر داد.

«لیلا محمدی» در روز شنبه مورخ ۸ مرداد ۱۳۹۰ در ساعت ۳۰: ۱۰ دقیقه شب با ورود تعدادی از ماموران امنیتی به محل سکونتش در شهرک کیانشهر واقع در شرق تهران بازداشت شد.

همچنین ماموران، آپارتمان محل سکونت وی را نیز مورد بازرسی و تفتیش قرار داده و برخی از لوازم شخصی ایشان را نیز ضبط و با خود بردند.

خانم محمدی پس از دستگیری به بازداشتگاه «حر» متعلق به نیروی انتظامی و سپس از آنجا به زندان اوین انتقال یافت.

وی که ۷۴ روز را در سلول انفرادی زندان اوین در وضعیت دشواری گذراند در مورخ ۷ دی ماه ۱۳۹۰ پس از ۵ ماه بازداشت و بلا تکلیفی با قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی بطور موقت آزاد شد.

گفته می شود در ارتباط با بازداشت و پرونده «لیلا محمدی» همزمان نیز برخی دیگر افراد که گویا در این پرونده مرتبط بوده اند نیز بازداشت شده اند، بر اساس این گزارش، پس از چند روز از دستگیری خانم محمدی شخص دیگری نیز بنام (پرویز - گ) توسط ماموران امنیتی نیز بازداشت شد. ماموران پس از بازرسی از خانه و توقیف کامپیوتر، نامبرده را پس از سه روز بازداشت در بازداشتگاه اوین وی را تحت بازجویی قرار دادند و سپس با دادن تعهد و ضمانت آزاد شد.

گویا علت دستگیری نامبرده نیز بدلیل فعالیت های بشارتی مسیحی همسرش خانم «معصومه» از دیگر نوکیشان مسیحی است که در ارتباط با پرونده «لیلا محمدی» بوده است.

سخت‌گیری‌های تازه برای جلوگیری از رشد بهائیان ایران

ژانویه 29، 2012

سخت‌گیری تازه‌ای در مورد کارهای تجاری بهائیان در شهر کرمان گزارش شده است. این اقدامات بخشی از سیاستی است که به تأیید رهبر عالی ایران رسیده و آشکارا هدف «مسدود» کردن «راه ترقی و توسعه» جامعه بهائی ایران را دنبال می‌کند.

سرویس خبری جامعه جهانی بهائی - استراتژی روشمند حکومت ایران برای ورشکسته ساختن بهائیان از نظر اقتصادی، نشانی از فروکش و خاتمه ندارد.

طبق گزارش‌های رسیده به جامعه جهانی بهائی، کمپین تازه‌ای در کرمان، شهری عمده در جنوب مرکزی ایران، در راه است.

بانی دوگال، نماینده ارشد جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل متحد، گفت: «ما دریافته‌ایم که دفتر نظارت بر اماکن عمومی از تجدید جواز برای کارهای تجاری بهائیان شهر خودداری - و بعضی از جوازهای موجود را باطل - می‌کند».

او ادامه داد: «گستره وسیعی از مشاغل، از مغازه‌های فروش و تعمیر کامپیوتر گرفته تا بنگاه‌های معاملات ملکی، هدف قرار می‌گیرند. بهائینی که به فروش آلیاژهای آهن، فولاد یا طلا می‌پردازند، جواز خود را از دست می‌دهند و در مورد کارهایی که با محصولات غذایی و خدمات آرایشی و بهداشتی مانند عینک‌سازی مرتبط است نیز وضع همین گونه است».

برای شناخت محبت

به بهائیان کرمان همچنین گفته شده که اجازه ندارند تعداد زیادی مغازه در یک خیابان داشته باشند. خانم دوگال گفت: «مقامات حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که جوازهای شریکان تجاری بهائیان را که پیرو آئین بهائی نیستند، لغو می‌کنند».

از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، هزاران بهائی شغل یا منابع درآمد خود را از دست داده‌اند. در سال ۱۳۷۱/۱۳۷۲ (۱۹۹۳)، سازمان ملل یادداشتی از حکومت ایران را – که به تأیید رهبر عالی کشور رسیده – فاش کرد که در آن آشکارا برنامه‌ای برای «مسدود» کردن «راه ترقی و توسعه» جامعه بهائی ایران مطرح می‌شود.

خانم دوگال افزود روشن است که مقامات علاوه بر محروم کردن بهائیان جوان از آموزش عالی، کار خود را برای اجرای این سیاست، با گستره‌ای از اقدامات دیگر، ادامه می‌دهند. او گزارش داد: «ما در پنج سال گذشته شرح حداقل ۶۰ رویداد را که برای محدود کردن موقعیت‌ها و چشم‌اندازهای اقتصادی بهائیان طراحی شده بود، دریافت کرده‌ایم».

بعضی از نمونه‌های اخیر عبارتند از:

- از ۱۲ تا ۲۲ دی ۱۳۹۰ (۲ تا ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲)، بیش از ۷۰ درصد از کارهای تجاری بهائیان در ساری و قائمشهر (استان مازندران) و تعدادی در گرگان و گنبد (استان گلستان) مورد بازرسی قرار گرفت تا بهانه‌ای برای تهدید یا دستگیری بهائیان پیدا شود. مقامات حتی منازل بهائیان را، که در خانه کار می‌کنند، در بعضی موارد بیش از دو سال پس از تعطیل کردن مغازه‌هایشان، بازرسی کردند؛

- در تیر/مرداد ۱۳۹۰ (ژوئیه ۲۰۱۱)، صاحب بهائی مغازه‌ای در آبادان اختاری از اتحادیه خردفروشان و سازندگان جواهر، ساعت و عینک دریافت کرد که از او می‌خواست جواز کارش را بازگرداند و سرمایه‌های خود را ظرف ۲۴ ساعت نقد کند؛

- در تیر ۱۳۹۰ (ژوئن ۲۰۱۱)، یک مغازه عینک‌سازی به بهانه انتقال جواز به مکانی تازه تعطیل شد. رئیس اداره نظارت بر امکان عمومی اشاره کرد که دستور پلمب مغازه توسط مقامات بالا صادر شده بود. این مغازه پیش‌تر در دی ۱۳۸۷ (دسامبر ۲۰۰۸) همراه چهار مغازه دیگر متعلق به بهائیان در نظرآباد توسط مقامات بسته شده بود. اما پس از یک پیکار قانونی، صاحب مغازه موفق شد آن را در مکانی تازه دوباره باز کند – ولی نتیجه آن شد که مجدد تعطیلش کردند.

- پس از موجی از حملات به قصد آتش-افروزی در دوازده مورد از محل‌های کسب بهائیان در رفسنجان ایران در اواخر سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)، به حدود ۲۰ خانه و محل کسب اختارنامه‌ای ارسال شد که از بهائیان می‌خواست تعهدی را مبنی بر خودداری از «رابطه و دوستی با مسلمان‌ها» و «به کارگیری و استخدام شاگردان مسلمان» امضا کنند.

- در اواخر سال (اوایل ۲۰۰۹) در شهر سمنان، انجمن اتحادیه‌های تجاری مصوبه‌ای محلی را به تصویب رساند که اظهار می‌دارد هیچ بهائی نباید جواز کسب دریافت کند. متعاقب آن، به زودی، تعدادی از شرکت‌ها و مغازه‌های متعلق به بهائیان در سراسر شهر پلمب یا تعطیل شد.

- در نمونه دیگری از فشار اقتصادی، یک بهائی در اصفهان – کمی پیش از اخراج شدن از کارش – درخواست انتقال کسور بازنشستگی خود را به سازمان تأمین اجتماعی داد. او ابلاغیه‌ای دریافت کرد مبنی بر این که درخواستش پیگیری نخواهد شد زیرا با توجه به این که دلیل از دست دادن شغلش عضویت او در «فرقه ضالّه بهائیت» بوده، این درخواست «موضوعیت ندارد». در ابلاغیه مشخص شد که او و ۱۴ نفر دیگر بر اساس منع قانونی استخدام اولیه‌شان اخراج شدند و بنابراین دعاوی‌شان بی‌ارزش است.

برای شناخت محبت

خانم دوگال گفت: «قانون بین‌المللی حق افراد مبنی بر آزادی در کار و کسب معاش بدون تبعیض را قاطعانه تصریح می‌کند.»

«ماه گذشته، جامعه بین‌المللی در سازمان ملل متحد با قاطعیت بر محکومیت ایران به خاطر نقض مداوم و مکرر حقوق بشر رأی داد. قطعاً وقت آن رسیده که ایران دریابد دیگر نمی‌تواند هنگام ظلم به شهروندان خود از مسئولیت بگریزد و فکر کند هیچ کس توجه نخواهد کرد.»

بدستور وزارت اطلاعات سرویس فارسی دو کلیسا در تهران تعطیل شد

فوریه 27، 2012



وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی طی دستوری از دو کلیسای رسمی در تهران خواسته که مراسم کلیسایی خود را به زبان فارسی لغو کنند.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، به نقل از خبرگزاری کامپس دایرکت، مقامات امنیتی این دستور را در تاریخ ۲۱ بهمن ماه سالجاری برای کلیسای پروتستان عمانوئیل و کلیسای انجیلی پطرس صادر نمودند.

این دو کلیسا آخرین کلیساهایی بودند که در روز جمعه مراسم کلیسایی به زبان فارسی برگزار می‌کردند.

کلیسای جماعت ربانی مرکز نیز در سال 2009 مجبور به تعطیل نمودن جلسات روزهای جمعه خود به زبان فارسی شد.

برای شناخت محبت

در گزارشی از سازمان «میدل ایست کانسرن» در این رابطه آمده است: «این تصمیم بدین معناست که اکنون دیگر هیچ مراسم کلیسایی به زبان فارسی در هیچ کلیسای رسمی در تهران در روزهای جمعه برگزار نخواهد شد.» یک مسیحی که خواست ناشناس بماند به این خبرگزاری گفت: «دولت نمی تواند این کلیساها را به کل تعطیل کند، زیرا آنها متعلق به اقلیت های قومی هستند. اما آنها هرکاری بتوانند انجام می دهند تا این کلیساها و گسترش مسیحیت میان فارسی زبانان را محدود و محدودتر کنند. این منبع گفت که این محدودیت های جدید جمعیت کلیسا را به نصف البته کاهش داده است.

این منبع که نامش برده نشده است ادامه داد: «دولت تصمیم دارد تا بطور کلی کلیساها را تعطیل کند، اما به دلیل اینکه این کلیساها توسط آرامنه و آشوریان تأسیس شده اند و رهبران آنها از این دو اقلیت قومی هستند، این کار برایشان میسر نیست. اما حداقل کاری که می توانند را انجام می دهند و مراسم فارسی را لغو می کنند».

گزارش سازمان «میدل ایست کانسرن» در بخشی آورد که: «دستور جدید توقف مراسم کلیسایی به زبان فارسی در راستای سیاست محدودسازی فعالیت های مسیحی از سوی دولت است. این سیاست در نظر دارد این فعالیت ها را به جوامع سنتی محدود کند.» این بخش از این گزارش نشان دهنده این است که دولت جمهوری اسلامی برای توقف دسترسی نوکیشان مسیحی ایرانی به مراسم عبادتی مسیحی بسیار مصمم است.

جمهوری اسلامی پرستش همراه با موزیک و پخش کتاب مقدس را در کلیسای جماعت ربانی مرکز ممنوع کرده است. این کلیسا شاخص ترین کلیسای کشور محسوب می شود. دسامبر گذشته نیز در آستانه مراسم میلاد مسیح، دولت دستوری وضع کرد که طبق آن فقط میهمانان دعوت شده اجازه شرکت در این کلیسا را داشتند.

یکی از مسیحیان ایرانی گفت که به تازه گی مقامات دولتی رهبران کلیساهای عمانوئل و پطرس را تحت فشار قرار دادند تا کد های ملی مسیحیان را به آنها تحویل دهند. از این رو بسیاری از اعضای این کلیساها و کلیسای مرکز مشاغل خود را از دست دادند. این مسیحی ایرانی گفت: «اشخاصی را داریم که به دلیل فشار دولت بر کارفرماهایشان از کارشان اخراج شده اند».

این فرد گفت که این تاکتیک جدید دولت برای دلسرد کردن ایرانیان از گرویدن به مسیحیت و بازداشتن مسیحیان از فعالیت های کلیسایی است. «اگر مشکلات زیاد شوند زمانی برای شرکت در کلیسا پیدا نمی کنم. مردم شاهد هستند که مسیحی بودن چقدر دشوار است. این تصویر خوبی از مسیحیان ارائه نمی دهد. مردم آنها را می بینند و می گویند که آنها مسیحی شده اند و خدا برکاتش را بروی آنها بسته است».

بیشتر نوکیشان مسیحی ایران در کلیساهای خانگی مختلف شرکت می کنند. آنها حتی برای حفظ امنیت از دیگر کلیساهای خانگی هم با خبر نیستند. مقامات همواره آنها را به عنوان عوامل تبلیغات غرب مورد بازداشت، بازجویی و فشار قرار داده اند. در نتیجه این نوکیشان مسیحی مجبور به عبادت مخفیانه می شوند.

به گفته این منبع خبری و بر اساس منابع غیر رسمی در ایران بطور تخمینی 350 هزار نوکیش مسیحی از زمینه اسلام وجود دارد. این منبع در ادامه افزود: «من کاملن معتقدم که تمامی این جنبش در دستان خدا قرار دارد. این فشار ها می توانند ساختمان های کلیسا را متوقف کنند اما متوقف کردن ملکوت خدا در توان آنها نیست».

بازداشت مجید عنایت از نوکیشان مسیحی در اصفهان

فوریه 27، 2012



همزمان با برگزاری جشن های کریسمس در کلیساها و بویژه در بین مسیحیان فارسی زبان در داخل ایران و علیرغم گذشت دو ماه از آغاز سال جدید میلادی، آنگونه که پیش بینی می شد نیروهای امنیتی وابسته به دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی طبق روال هر ساله فشارهای خود را بر علیه نوکیشان مسیحی شدت بخشیدند.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در جهت مقابله با گسترش مسیحیت و کلیساهای خانگی به صورت سازمان یافته دستگیری های گسترده ای را در نقاط مختلف ایران به ویژه اصفهان نیز آغاز کرده اند. این برخوردها که در ادامه بازداشت گسترده مسیحیان در شهرهای اهواز و شیراز می باشد، در اصفهان نیز با دستگیری آقای «حکمت سلیمی» از کشیشان کلیسای رسمی پولس آغاز شد. ماموران امنیتی صبح روز چهارشنبه مورخ سوم اسفند ۱۳۹۰ (۲۲ فوریه ۲۰۱۲) با هجوم به منزل وی واقع در فولاد شهر اصفهان ضمن بازداشت نامبرده بدون هیچ توضیحی ایشان را به مکان نامعلومی منتقل کردند.

برای شناخت محبت

همچنین به دنبال آن بر اساس گزارش منتشره، يك بانوی مسیحی ۷۸ ساله نیز همزمان در همان روز بازداشت شده است. بانو «گیتی حکیم پور» از اعضا و خادمین کلیسای لوقای اصفهان بود که در آپارتمان محل اقامت خود بازداشت شد. به گفته شاهدان عینی در روز دستگیری خودروهای شخصی و پلیس از ساعت ۶ صبح در جلوی ساختمان ایشان مستقر بودند.

-ادامه بازداشت های همزمان

بر طبق آخرین گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، در ادامه بازداشت تعدادی از مسیحیان در شهر اصفهان یکی از نوکیشان اصفهان بنام «مجید عنایت» و از اعضای کلیسای خانگی نیز در همان روز چهارشنبه سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۲ فوریه) در محل کارش توسط ماموران امنیتی بازداشت شد.

ماموران امنیتی پس از بازداشت به خانه او رفته و آنجا را نیز مورد بازرسی و تفتیش قرار می دهند و برخی از وسایل شخصی وی را نیز ضبط کرده و با خود می برند. «مجید عنایت» که در اواخر تابستان سالجاری ازدواج کرده بود، ماموران در تفتیش منزل او حتی فیلم خصوصی عروسی ایشان را نیز با خود بردند که بیم آن می رود ماموران امنیتی بخواهند جهت شناسایی دیگر دوستان مسیحی ایشان و یا افراد مرتبط با وی از آن سوء استفاده نمایند.

پس از بازداشت این نوکیش مسیحی، ماموران تا روز جمعه پنجم اسفند ماه بدفعات همسر وی را احضار و از ایشان بازجویی بعمل آوردند. همچنین از همسر وی نیز خواسته شده تا برخی وسایل شخصی «مجید» را تحویل سرویس های اطلاعاتی دهد که احتمالاً اینگونه برخورد نشان از تداوم بازداشت ایشان دارد.

این گزارش می افزاید «مجید» از زمان بازداشت تاکنون حق ملاقات و یا تماس تلفنی با همسر و یا خانواده اش را نداشته است.

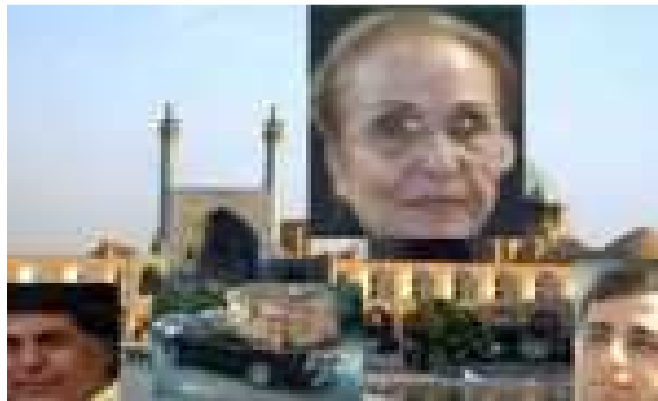
لازم به ذکر است نیروهای امنیتی از طریق یکی دیگر از مسیحیان اصفهان که قبلاً بازداشت شده بود برای «مجید» پیغام می فرستند که بزودی به سراغش خواهند آمد و خود ایشان نیز این مطلب را پیش بینی کرده بود.

«مجید عنایت» پیش از این نیز در سال ۱۳۸۸ هنگامی که از ترکیه به ایران باز می گشت توسط ماموران امنیتی بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفته بود که ضمن دادن تعهد در همان روز آزاد شد. در حال حاضر از وضعیت سلامت و محل نگهداری ایشان اطلاعی در دست نیست اما خبرهای تأیید نشده حاکی از آن است که وی در زندان دستگرد اصفهان بند طا - الف (مربوط به زندانیان عقیدتی و امنیتی) نگهداری می شود.

نحوه دستگیری و همینطور زمان بازداشت این هموطنان مسیحی نشان می دهد که این مرحله از دستگیری ها با برنامه ریزی گسترده و در پی سلسله شناسایی های قبلی صورت گرفته است. ماموران امنیتی پیش از این نیز در شهرهای اهواز، شیراز، تهران و اصفهان اقدام بازداشت گسترده شهروندان مسیحی به صورت انفرادی و یا جمعی نموده اند. و این در حالیست که هر روز بر آمار دستگیرشدگان افزوده می شود.

آزادی خانم گیتی حکیم پور

فوریه 27, 2012



آزادی خانم گیتی حکیم پور و گزارشات بیشتر از بازداشت مسیحیان پس از توقیف تعداد زیادی کتاب مقدس در اصفهان همزمان با این خبر آزادی گزارش دستگیریها ی بیشتر مسیحیان از اصفهان به گوش میرسد. این فشارها از زمانی شروع شد که هفته گذشته خبر توقیف یک کامیون کتاب مقدس توسط نیروهای امنیتی در آن شهر منتشر شد.

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از منابع مسیحی در اصفهان و نزدیکان خانم گیتی حکیم پور در خارج از کشور، این بانوی 78 ساله که در بامداد چهارشنبه سوم اسفند (22 فوریه 2010) در محل مسکونیش بازداشت شده بود، روز شنبه 6 اسفند (25 فوریه 2010) با تلاش رهبران کلیساهای اسقفی اصفهان از زندان آزاد شد.

برای شناخت محبت

هنوز هیچ اطلاعی از دلایل این بازداشت سازماندهی شده در دست نیست و به درستی معلوم نیست که چه اتهاماتی به این بانوی سالخورده مسیحی وارد شده است. مطابق گزارشات منتشر شده ایشان در یک خانواده نوکیش مسیحی متولد شده اند و احتمال طرح اتهام ارتداد در مورد ایشان به کلی منتفی است. خانم حکیم پوراز اعضای قدیمی کلیسای حضرت لوقای اصفهان است و اعضای کلیسای اصفهان او را به نام «خاله گیتی» می شناسند. او یک پرستار ارشد بازنشسته و از استادان قدیمی مدرسه پرستاری اصفهان می باشد. ایشان خواهر همسر « اسقف ایرج متحده» رهبر سابق کلیسای اسقفی بوده ، خانواده اش به تمامی در خارج از ایران به سر می برند.

همزمان با خبر خوشحال کننده آزادی این ایماندار مسیحی اخبار دستگیریه‌ها و فشارهای بیشتر بر مسیحیان و نوکیشان مسیحی اصفهان به گوش می رسد. گفته می شود این فشارها از زمانی شروع شد که هفته گذشته خبر بازداشت یک کامیون حاوی تعداد زیادی کتاب مقدس توسط نیروهای امنیتی در اصفهان منتشر شد.

اینبار نه فقط اعضای کلیساهای خانگی بلکه کلیساهای رسمی و ساختمانی نیز در شهر تاریخی و زیبای اصفهان مورد تهاجم قرار گرفته اند. منابع مستقل در اصفهان اظهار می دارند که پیدا شدن این حجم زیاد کتاب مقدس در شهر اصفهان ماموران امنیتی و اطلاعات را به شدت از گسترش مسیحیت و افزایش درخواست برای کتاب مقدس مسیحیان در این شهر به هراس انداخته است. از این رو به حرکت‌های کور و بازداشت‌های بی دلیل روی آورده اند.

مطابق گزارشات احضار و بازداشت همزمان چندین نفر دیگر از نوکیشان مسیحی نیز در روز سوم اسفند اتفاق افتاده است. حداقل در یک مورد اژانس خبری مسیحیان ایران روز گذشته شنبه 6 اسفند گزارشی از دستگیری یک ایماندار نوکیش مسیحی به نام «مجید عنایت» را منتشر کرد. این گزارش حاوی این نکته است که پس از بازداشت این نوکیش مسیحی ، ماموران تا روز جمعه پنجم اسفند ماه به دفعات همسر وی را احضار و از ایشان بازجویی بعمل آوردند.

خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر نیز روز پنج شنبه هفته قبل خبر از دستگیری «کشیش حکمت سلیمی» شبان کلیسای پولس مقدس در همان روز چهارشنبه 3 اسفند (22 فوریه) داده بود. کلیسای پولس مقدس و کلیسای حضرت لوقا از کلیساهای دایره اسقفی اصفهان می باشند که دارای سرویسهای پرستشی فارسی زبان نیز هستند.

در حال حاضر اخبار متعددی از بازداشتها و فشار بر مسیحیان اصفهان به شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان رسیده است که در صورت تأیید منابع موثق و رسمی مسیحی جزئیات آنها به اطلاع هموطنان خواهد رسید.

انتقال فرین راسخی و فرحناز نعیمی به بند عمومی زندان کرمان



فرین راسخی و فرحناز نعیمی از بهائیان بازداشت شده در ۱۶ دی امسال، به بند عمومی منتقل شدند. در روز ۱۶ دی ماه امسال و در حالی که جوانان بهایی سراسر کشور در این روز که از سوی جامعه‌ی بهایی، روز جوانان بهایی ایران نام‌گذاری شده است، مشغول برگزاری مراسم مذهبی خود بودند، مامورین امنیتی با حمله به مراسمی در شهر کرمان، ضمن فیلم‌برداری و گرفتن عکس از تمامی

برای شناخت محبت

حاضرین و ضبط کلیه کتب مربوط به دیانت بهایی و دستگاه‌های کامپیوتر، اقدام به بازداشت خانواده‌ی برگزارکننده‌ی این مراسم کردند.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» فرحناز نعیمی و بختیار راسخی که در این مراسم بازداشت شده بودند پس از گذشت بیش از ۵۰ روز به بند عمومی زندان کرمان منتقل شده و بختیار راسخی همچنان در سلول انفرادی به سر می‌برد.

همچنین عرفان شجاعی دیگر شهروند بهایی شهر کرمان است که در تاریخ یک اسفند ماه بازداشت شده و از وی اطلاعی در دست نیست.

به نظر بازداشت این شهروند بهایی نیز در ادامه‌ی بازداشت‌هایی است که نسبت به برگزارکنندگان این جشن از سوی نهادهای امنیتی صورت می‌گیرد.

عرفان شجاعی در بیرون از منزل خود بازداشت شده و ماموران امنیتی وی را به منزل بازگردانده و ضمن بازرسی خانه وسایل شخصی وی را نیز ضبط کرده‌اند.

از محل نگهداری شجاعی تاکنون اطلاعی در دست نیست.

بازداشت جمعی از نوکیشان مسیحی در کلیسای خانگی در کرمانشاه



در پی هجوم ماموران امنیتی به يك کلیسای خانگی که منجر به بازداشت ۱۳ تن از نوکیشان مسیحی شده است، هم اکنون ۳ تن از این افراد در مکان نامعلومی در بازداشت بسر می برند.

«محبت نیوز» – با فرا رسیدن کریسمس میلاد عیسی مسیح و آغاز سال نو میلادی ۲۰۱۲، تاکنون بطور متناوب خبرهایی از اجرای حکم دادگاههای انقلاب اسلامی برای نوکیشان مسیحی و بازداشت و هجوم ماموران امنیتی به اجتماع مسیحیان از سوی سایت «محبت نیوز» کماکان در رسانه ها منتشر شده است، متأسفانه بدلیل محدودیت ها و عدم دسترسی به منابع خبری و همچنین جلوگیری از گردش آزاد خبر و تهدید خانواده زندانیان مسیحی از سوی ماموران اطلاعات مبنی بر عدم انتشار خبر در رسانه ها، بسیاری از خبرها و گزارشات در این خصوص به دلیل موارد ذکر شده منتشر نمی گردد. اگر چه «محبت نیوز» در تلاش است تا توسط تیم خبری خود در برخی از شهرهای ایران موارد نقض حقوق مسیحیان را گردآوری کرده و جهت اطلاع رسانی در اختیار سازمان ها و فعالان حقوق بشر قرار دهد.

در ادامه روند موج مسیحیت ستیزی در ایران در طی ماههای گذشته، بدستور مقامات قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی تاکنون جمع بسیاری از نوکیشان مسیحی در برخی از شهرهای ایران در کلیساهای خانگی، منازل و یا محل کارشان بازداشت شدند. که دامنه و روند این جریان مسیحیت ستیز پس از

برای شناخت محبت

شهرهای اهواز، شیراز، اصفهان و تهران اکنون به یکی دیگر از شهرستانهای غربی کشور رسیده است.

به نقل از گزارشگران آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، در پی هجوم ماموران امنیتی به يك کلیسای خانگی در کرمانشاه که منجر به بازداشت ۱۳ تن از افراد حاضر در آنجا شد، هم اکنون از وضعیت برخی از آنان اطلاعی دقیقی در دست نیست.

بر اساس این گزارش در روز سه شنبه دوم اسفندماه (۲۱ فوریه ۲۰۱۲) در ساعت ۷ بعدازظهر ماموران امنیتی با هجوم به خانه ایی که از آن به عنوان کلیسای خانگی ذکر شده کلیه افراد حاضر در محل را که ۱۳ تن گزارش شده است را بازداشت کردند.

در پی این رویداد ماموران امنیتی که لباس شخصی بر تن داشتند ضمن توهین و بدرفتاری با کلیه بازداشت شدگان، این افراد را به مکانی نامعلوم انتقال دادند. همچنین ماموران بدقت آن مکان را نیز مورد بازرسی و تفتیش قرار داده و کتاب های مقدس این افراد را نیز ضبط کردند.

ماموران همچنین به خانه های این افراد نیز مراجعه و پس از تفتیش و بازرسی کامل خانه برخی وسایل شخصی افراد را نیز ضبط و با خود بردند.

يك منبع آگاه به «محبت نیوز» گفته است احتمال می رود، بازداشت شدگان مسیحی را برای بازجویی های بیشتر به ساختمان سه راه حافظیه کرمانشاه و یا خیابان ۲۲ بهمن، که گفته می شود محل استقرار نیروهای امنیتی و اطلاعات است انتقال داده باشند.

گزارشات رسیده همچنین حاکی است ۹ تن از این بازداشت شدگان (نام در محبت نیوز محفوظ است) پس از بازجویی و گرفتن عکس و مشخصات کامل آنان و انگشت نگاری و همچنین اخذ تعهد مبنی بر عدم شرکت در هرگونه اجتماعات مسیحی، فردای آن روز آزاد شدند.

در آخرین دقایق تنظیم این گزارش، به «محبت نیوز» خبر رسید، که در میان بازداشت شدگان خانم «آزاده شریفی» پس از ۸ روز بازداشت - امروز - سه شنبه ۹ اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۸ فوریه ۲۰۱۲) آزاد شد اما هنوز گزارشی از جزئیات و نحوه آزادی ایشان گزارشی ارسال نشده است.

همچنین ۳ تن از این افراد بنام های آقایان، «مهدی چقاكبودی»، «مجتبی باباکرمی» و خانم «شیرین قنبری» کماکان در بازداشت بسر می برند. که برخی از این افراد در گذشته نیز توسط ماموران امنیتی بازداشت شده بودند.

همچنین طبق خبر دریافتی خانم «شیرین قنبری» و «مجتبی بابا کرمی» پس از ۸ روز بازداشت - امروز - سه شنبه ۹ اسفند ماه (۲۸ فوریه) به آنان اجازه داده شد تا طی تماسی کوتاه فقط خبر سلامتی خود را به خانواده هایشان برسانند. اما بنظر از دادن هرگونه اطلاعات و یا جزئیاتی بیشتری در این خصوص از سوی مسئولان زندان منع شده بودند.

تاکنون از سوی مقامات امنیتی توضیحی در خصوص بازداشت این افراد داده نشده اما حسب مستندات، این بازداشت ها به دلیل اعتقادات مسیحی آنان و شرکت در اجتماعات کلیساهای خانگی بوده و در راستای افزایش فشار بر جامعه مسیحیان فارسی زبان ایران که از ماه های گذشته شاهد آن هستیم.

همچنین لازم به یادآوری است، «مسعود دلجانی» از نوکیشان مسیحی ساکن کرمانشاه و از اعضای کلیسای خانگی، از سوی دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه به اتهام اعتقاد به باورهای مسیحی، گردهمایی و برپایی غیر قانونی جلسات کلیسای خانگی و بشارت به مسلمانان و اقدام علیه امنیت ملی به ۳ سال حبس محکوم شده است که در حال حاضر نامبرده در زندان دیزل آباد کرمانشاه در حال گذراندن محکومیت خود می باشد.

برای شناخت محبت

پیش از نیز کلیسای پنطیکاستی و رسمی آشوری کرمانشاه نیز از تاریخ (۱۲ دی ۱۳۸۸) برابر با (۲ ژانویه ۲۰۱۰) بدستور مقامات قضایی و ماموران امنیتی به بهانه ترویج مسیحیت در بین فارسی زبانان مسلمان و بشارت انجیل، همچنان درهای آن بروی مسیحیان بسته شد . پس از این اقدام نیز کشیش این کلیسا «ویلسون عیسوی» در تاریخ ۱۳ بهمن ماه ۱۳۸۸ (۲ فوریه ۲۰۱۰) توسط ماموران امنیتی بازداشت و پس از گذراندن ۵۴ روز در زندان دستگرد اصفهان با سپردن وثیقه بطور موقت آزاد شد.

با افزایش و گرویدن ایرانیان به مسیحیت در چند سال اخیر و به موازات آن فشار دولت بر مسیحیان بویژه نوکیشان مسیحی، جمهوری اسلامی در صدد است تا به هر وسیله ای مانع از رشد و گسترش کلیسا های خانگی در ایران شود چرا که آن را به عنوان يك تهدید مذهبی و اتهام بی اساس تهدید علیه امنیت ملی تلقی کرده و از نشر حقایق کلام انجیل در بین آحاد مردم شدیدن بیم دارد.

جزئیات کامل از بازداشت گروهی شهروندان بهایی شیراز



خبرگزاری هرانا - در ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ مأموران حکومت به خانه‌های تعداد زیادی از بهائیان شیراز یورش بردند و ۱۱ نفر را دستگیر کردند.

در پی تحقیقات گزارشگران هرانا، خانه کلیه شهروندان مورد بازرسی قرار گرفت. بازرسی در بعضی موارد تا ۵ ساعت بطول انجامید با خشونت ماموران امنیتی نیز همراه بود و کامپیوترها، کتاب‌ها، عکس‌ها و وسایل شخصی که متعلق به متهم نبوده و مطالب دیگر مربوط به آئین بهائی توقیف وبدون تحویل صورتجلسه، وسایل را بهمراه بردند.

برای شناخت محبت

مأموران حکم دستگیری ۲۱ بهائی شیرازی را در دست داشتند ۱۱ تن از ایشان به نامهای نیما دهقان (حدود ۳۵)، ژینوس فنائیان (دهقان) (حدود ۳۰)، همسر آقای نیما دهقان، ژنا دهقان (کودک ۸ ماهه، دختر آقای نیما دهقان و خانم ژینوس فنائیان (دهقان)، مژگان عمادی (حدود ۳۵)، یکتا فهندژ (حدود ۳۱)، نورا فلاح (فرزند ۱۸ ساله خانم فائزه تشکر (فلاح)، مژده فلاح (حدود ۳۰)، سام جابری (حدود ۵۰)، سینا ساریخانی (۳۰)، فائزه تشکر (فلاح) (حدود ۴۰)، پیام تسلیمی (حدود ۴۵)



افراد زیر متعاقباً پس از بازجویی آزاد شدند:

خانم ژینوس فنائیان (دهقان)، ژنا دهقان، فائزه تشکر (فلاح)، نورا فلاح هم چنین مشخص شده افراد زیر که هنگام یورشها حاضر نبوده‌اند، احضار شده‌اند تا خود را به مقامات معرفی نمایند: فرید عمادی (شوهر خانم مژده فلاح)، رزیتا اسلامی (همسر آقای فرشید یزدانی)، ایمان رحمت پناه خان، فرشید یزدانی در ۱۴ بهمن خانه‌های خانم ماندانا کمالی، خانم طاهره نوروزی، سیما سپتو نیز مورد بازرسی قرار گرفت. پس از گذشت ۲۴ روز از بازداشت‌های قبلی در ۴ اسفند نیروهای امنیتی هومن زارعی، شهروند بهایی را در محل کار خود بازداشت و به بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ منتقل کردند. در طی این سه هفته بستگان بازداشت شدگان با مراجعه به دادسرای انقلاب، دادگستری استان فارس، دفتر امام جمعه، ستاد خبری، شورای تامین امنیت، دایره حقوق شهر وندی هیچ گونه جواب قانونی دال بر اتهام بازداشت شدگان، شماره پرونده و نام دادیار از مسئولین دریافت نکرده‌اند و با بی‌اعتنایی و در پارهای موارد بی‌احترامی مواجهه شدند.

برای شناخت محبت

در طی سه هفته گذشته نه تنها هیچگونه اطلاعی از آنان در دست نیست بلکه از ورود خانواده نگران آنان به دادسرای انقلاب اسلامی شیراز جهت پی گیری وضعیت پرونده و اتهام عزیزانشان ممانعت به عمل می آید و بدین وسیله آنان را از حداقل حقوق قانونی خود و حتی سؤال از مسئولین، محروم می نمایند.

نگرانی شدید نسبت به وضعیت سلامتی آقای پیام تسلیمی، یکی از بازداشت شدگان روز ۱۴ بهمن به علت ابتلاء به سرطان تیروئید و لزوم استفاده از داروی تخصصی با دوز متغییر و تحت نظر پزشک متخصص وجود دارد، در حالیکه از همان ابتدا خانواده جناب تسلیمی، با ارائه پرونده پزشکی ایشان و نظر پزشک متخصص؛ مسئولین را از وضعیت جسمانی و خطرات شدید احتمالی با خبر ساخته اند. مشکلات نگهداری از فرزند ۲ ساله بی قرار مادر و پدر در بند؛ فرید عمادی و مژده فلاح نه تنها دغدغه مسئولین نمی باشد بلکه با بی اعتنائی و بی توجهی و ممانعت از ورود خانواده ها حاضر به شنیدن سوالات قانونی نبوده، خود را حتی ملزم به پاسخگویی بر طبق قانون نیز نمی دانند. و در تاریخ ۹/۱۲/۱۳۹۰ به اطلاعات که مراجعه شد و از بیماری فرزند این ۲ تن گفته شد در جواب گفتند اگر مشکل در نگهداریش دارید آن را به پیش مادرش بیاورید.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این بازداشت ها:

اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی: هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچ کس را نمی توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.

بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.

ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت ها و اجرای آیین ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.

بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.

بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود،

قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهر وندی :

برای شناخت محبت

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیره شدگان در جریان قرار گیرند.

۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

منشور حقوق متهم:

۴- هر متهمی حق دارد از مأموران بازجو بخواهد در اولین فرصت به خانواده وی اطلاع دهند تا از سرنوشت او مطلع شوند و در صورت لزوم برای آزادی او وثیقه یا کفیل آماده کنند (بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).

بی‌خبری یک ماهه از فرشید یزدانی شهروند بهایی در شیراز

مارس 1, 2012



از وضعیت فرشید یزدانی شهروند بهایی بازداشت شده در شیراز هیچ اطلاعی در دست نیست. رزیتا اسلامی همسر فرشید یزدانی با ابراز نگرانی از وضعیت همسرش در بازداشتگاه پلک ۱۰۰ شیراز گفت:

«الان ۲۳ روز است هیچ خبری از او ندارم جز آن‌که سه شنبه از پلاک ۱۰۰ زنگ زدند تا گردنبنند شوهرم را ببرم زیرا گردن او قبلاً شکسته بود. تقریباً هر روز به دادگاه انقلاب مراجعه کرده‌ام اغلب راهم نمی‌دهند، زنها را اغلب راه نمی‌دهند و فقط مردها می‌توانند به راحتی وارد شوند.»

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» فرشید یزدانی جزو بهاییانی بود که در جریان بازداشت‌های گسترده بهمن ماه در شیراز بازداشت و به بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ شیراز منتقل شده است.

رزیتا اسلامی همسر وی بازداشت همسرش را چنین شرح می‌دهد که «در تاریخ ۱۱ بهمن ماه سه لباس شخصی با ماسک ساعت هفت صبح در حالی که فرزند ۱۵ ساله ما خواب بوده و من و پدرش مسافرت بودیم وارد خانه می‌شوند.

برای شناخت محبت

وقتی فرزند ما از ترس می‌خواسته داد بکشد دهان او را گرفته اسلحه نشانش می‌دهند و کلیه لوازم خانه را به هم ریخته قفل در اتاق خواب ما را با لگد شکسته و وارد می‌شوند. لپ تاپ، کیس کامپیوتر فرزندمان که وسیله درسی او بوده عکس‌های خصوصی و سی دی‌ها همه راضبط می‌کنند و بدون این‌که صورت اجناس را تحویل بدهند رفته‌اند».

وی ادامه داد: «شنبه صبح ما در مسیر برگشت بودیم که به تلفن همسرم زنگ زده و گفتند اگر می‌خواهید بی‌آبرو نشوید و با دستبند جلو همسایه‌ها نبریمت خودت را همین‌که به شیراز رسیدی به پلاک ۱۰۰ معرفی کن.

صبح یکشنبه طی نامه‌ای مراتب را به دادستانی اعلام کردیم و کسب تکلیف کردیم که آیا شوهرم برود گفتند مسئله مهمی نیست تا شب بر می‌گردد».

وی در ادامه گفت: «دادستان کل، دایره حقوق شهروندی، دادگستری کل استان فارس همگی یا می‌گویند کاری نمی‌توانیم بکنیم یا می‌گویند باید بررسی کنیم. تا به حال نه اتهامی از ایشان به من گفته شده نه علت دستگیری.

بازداشت هومن زارعی شهروند بهایی در شیراز

مارس 1, 2012

هومن زارعی شهروند بهایی روز پنج‌شنبه چهارم اسفند در شیراز در محل کارش توسط ماموران امنیتی بازداشت شده است.



مامورین امنیتی در ابتدا به منزل هومن زارعی مراجعه کرده و با نبود وی در منزل به محل کار این شهروند بهایی مراجعه می‌کنند.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» با وجود گذشت سه روز از بازداشت زارعی هنوز از محل دقیق نگهداری و اتهامات احتمالی وی اطلاعی در دست نیست.

با وجود با مرجعه خانواده وی به دادگاه انقلاب، مسئولین قضایی از دادن جواب به آن‌ها خودداری کرده و با آن‌ها برخورد خوبی نداشته‌اند.

منشی دادستان از قول دادستان به خانواده زارعی گفته است که بعد از عید نوروز برای رسیدگی به کارهای وی اقدام کنند و تا قبل از آن مراجعه نکنند.

تداوم بازداشت و شناسایی تعداد دیگری از مسیحیان اصفهان

مارس 2, 2012



در حالیکه آمار دستگیرشدگان مسیحی که از سوی نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف ایران بازداشت می شوند رو به فزونی گذاشته است، منابع خبری از شهر اصفهان، خبر از تداوم بازداشت این افراد و شناسایی برخی دیگر از بازداشت شدگان مسیحی می دهند.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، در هفته گذشته و در پی یورش ماموران امنیتی به منازل و محل کار برخی از نوکیشان مسیحی که منجر به بازداشت جمعی از این افراد شده است، منابع خبری اسامی و مشخصات تعداد دیگری از بازداشت شدگان که نامشان تاکنون منتشر نشده را نیز گزارش دادند.

بر پایه این گزارش نام سه تن دیگر از بازداشت شدگان نوکیش مسیحی عبارتند از: آقای «شهرام قانیدی» و خانم ها «شهناز ظریفی» و «مریم دل آرام»، که این سه تن نیز در ادامه روند بازداشت گسترده نوکیشان مسیحی که در روز چهارشنبه سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۲ ماه فوریه ۲۰۱۲) بوده در اصفهان بازداشت شدند.



شهرام قاندى بازىگر تئاتر در نقش عيسى مسيح

اين نوکيش مسيحى توسط ماموران امنيتى در روز چهارشنبه به تاريخ سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۲ ماه فوريه ۲۰۱۲) در منزلش بازداشت شد . ماموران امنيتى ضمن بازداشت نامبرده محل سکونت وى را نيز مورد تفتيش قرار داده و برخى از وسايل شخصى ايشان را ضبط و با خود بردند . لازم به ياد آورىست «شهرام قاندى» و «کثيش» حکمت سلیمى «هر دو ساکن فولاد شهر اصفهان مى باشند که بازداشت اين افراد بطور جداگانه و همزمان در ساعت ۷ صبح صورت گرفته است . شهرام قاندى از اعضاى کليساى پولس در اصفهان و از هنرمندان تئاتر اصفهان مى باشد که پيش تر نيز در نمايش هاى در نقش عيسى مسيح به ايفاي نقش پرداخته است . بر اساس گزارش ها پس از بازداشت هنوز از وضعيت و محل نگهدارى ايشان اطلاع دقيقى در دست نى باشد .

-مريم دل آرام

اين مادر مسيحى نيز صبح همان روز مورخه (سوم اسفند ماه ۱۳۹۰) در منزلش با ورود تعدادى مامور لباس شخصى بازداشت شد، ماموران طبق عادت بدون هيچ توضيحى تمامى خانه را مورد تفتيش قرار داده و کتاب مقدس و هر چيزى که مى توانسته نشان از اعتقادات دينى و مسيحى ايشان باشد و يا بنظر مشکوک مى رسيد ضبط کرده و بهمراه ايشان با خود به مکان نامعلومى انتقال دادند . اين مادر (حدود) ۵۶ ساله همچنين بيمار و از وضعيت سلامت خوبى برخوردار نيستند وى همچنين از داروهای ويژه ايبى زير نظر دکتر استفاده مى کند که گفته شده وقتى دخترشان قصد داشته تا داروها را به زندان به مادرش برساند ماموران امنيتى ضمن ممانعت حتى از گرفتن داروهای وى نيز خوددارى مى کنند . وضعيت ايشان نيز کماکان از زمان دستگيرى همچنان نامعلوم مى باشد .

-شهناز ظريفى

از نوکيشان مسيحى و مادر دو فرزند مى باشد که در صبح چهارشنبه همزمان با بازداشت جمعى از نوکيشان مسيحى در اصفهان ماموران امنيتى به خانه ايشان اعزام و ضمن تهديد و بازداشت نامبرده آپارتمان محل سکونت ايشان را بدقت مورد بررسى قرار مى دهند . گفته مى شود در طى بازرسى از محل سکونت وى تعدادى کتاب مقدس پيدا شده و آنها را بهمراه برخى لوازم شخصى ايشان ضبط نمودند . جزئيات بيشترى از بازداشت اين مادر مسيحى گزارشى منتشر نشده و خبرهاى تايد نشده حکايت از انتقال ايشان به زندان دستگرد اصفهان دارد .

-آزادى گيتى حکيم پور

طبق گزارش دريافتى، همچنين خانم «گيتى حکيم پور» ، بانوى ۷۸ ساله مسيحى که در تاريخ سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۲ ماه فوريه ۲۰۱۲) در ساعت ۶ صبح در منزلش توسط ماموران امنيتى

برای شناخت محبت

بازداشت شده بود پس از ۳ روز بازداشت در اداره اطلاعات اصفهان در تاریخ ۶ اسفندماه ۱۳۹۰ (۲۵ فوریه ۲۰۱۲) بطور مشروط آزاد شد.

گفته می شود گویا بازجوی پرونده (محسنی) وی را بدلیل کهولت سن و همچنین بدلیل جراحی که به تازگی بر روی زانو پا انجام داده اند و نیاز به مراقبت های ویژه داشته بطور موقت دستور آزادی ایشان را در صورت سپردن وثیقه - سند خانه - صادر کرده اند.

لازم به یادآوری است که ماموران امنیتی در هنگام بازداشت خانم حکیم پور کلیه وسیله شخصی از جمله پاسپورت، سند خانه و حتی حساب بانکی وی را نیز ضبط کردند.

نیروهای امنیتی وابسته به دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی طی دو ماه گذشته در شهرهای اهواز، شیراز، تهران و اصفهان اقدام به بازداشت گسترده شهروندان مسیحی به صورت انفرادی و یا جمعی نموده اند. و این در حالیست که هر روز بر آمار دستگیرشدگان نیز افزوده می شود. گرچه انتظار می رفت تا در راستای مصلحت اندیشی، سران جمهوری اسلامی از هر ترفندی برای بیشتر شدن حضور مردم در پای صندوق های رای و کسب مشروعیت خود استفاده کنند، اما سیر گسترده بازداشت مسیحیان در ایران نشان داد که سران جمهوری اسلامی حتی دیگر برای این موضوع هم اهمیتی قائل نیستند تا حداقل در این ایام رنگ و ظاهری دیگر از خود نشان دهند.

لازم به یادآور است نحوه بازداشت این افراد و همینطور زمان آن نشان می دهد که این مرحله از دستگیری ها با برنامه ریزی گسترده و در پی سلسله شناسایی های قبلی صورت گرفته است.

هم اکنون تعداد افراد بازداشت شده مسیحی در اصفهان که خبر آن تأیید و بطور رسمی از سایت «محبت نیوز» منتشر شده به ۶ تن رسیده است. (به مطالب مرتبط مراجعه فرمائید) اما گزارشات دریافتی از تعداد بیشتری از بازداشت شدگان مسیحی در اصفهان حکایت دارد.

تاکنون اسامی دیگری از بازداشت شدگان مسیحی در اصفهان نیز به «محبت نیوز» ارسال شده که پس از تأیید و بررسی اسامی و جزئیات آن جهت روشننگری به اطلاع عموم کاربران خواهد رسید.

آزادی فوری یوسف ندرخانی خواست مسیحیان ایران



نشر شایعات بدون منبع درباره اتفاقاتی که رخ نداده نه تنها هیچ کمکی به وضعیت نامطلوب ندرخانی پس از دو سال رنج و اسارت نمی کند، بلکه به تدریج باعث کم شدن حساسیت جهانی به این موضوع مهم می شود.

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از منابع نزدیک به وکلای پرونده یوسف ندرخانی، در دو ماه گذشته هیچ اتفاق جدیدی در پرونده او توسط منابع رسمی و موثق گزارش نشده است. پرونده این زندانی عقیدتی در مرحله دادگاه تجدید نظر استان می باشد و هنوز این دادگاه حکم اعدام صادره از سوی دادگاه بدوی را تأیید یا رد نکرده است.

در حالیکه اکنون موج دیگری از تلاش جامعه جهانی برای آزادی این محکوم به اعدام بالا گرفته است. نیروهای اطلاعاتی حکومت تلاش دارند که با به راه انداختن شایعات دروغ درباره این پرونده فضا را بار دیگر مه آلود کنند تا بتوانند مقاصد خود را برای سرپوش گذاشتن بر خفقانی که می خواهند بر جامعه مسیحی ایران حاکم کنند به نتیجه برسانند.

متأسفانه برخی دوستان نا آگاه نیز بر این شایعات دامن می زنند و به خاطر مطرح کردن نام خود ناخواسته به مقاصد دشمنان مسیحیت در ایران یاری می رسانند. نشر شایعات درباره اتفاقاتی که رخ نداده نه تنها هیچ کمکی به وضعیت نامطلوب یوسف ندرخانی پس از دو سال رنج و اسارت نمی کند، بلکه به تدریج باعث کم شدن حساسیت جهانی به این موضوع مهم می شود.

جامعه مسیحیان ایران از ابتدای اسارت یوسف ندرخانی در سال 1388 (2010 میلادی) همواره خواهان آزادی او و همه زندانیان عقیدتی مسیحی و غیر مسیحی در داخل ایران بوده و هستند. اکنون نیز مسیحیان ایران چه در داخل و چه در خارج کشور با راه انداختن کارزارهای مختلف علیه حکم اعدام صادر شده از سوی یک دادگاه در شهرستان لاکان (از توابع استان گیلان) برای یوسف ندرخانی، بزرگترین حامیان او به شمار می روند. این فعالیت جامعه مسیحی ایران نه فقط برای آزادی انسانی است که جرمی مرتکب نشده، بلکه برای مقابله با قانون و قاعده بی شرمانه ای به نام «حکم ارتداد» است که حتی خود فقهای مسلمان نیز بر سر درستی و لزوم آن توافق ندارند.

واقعیت این است که این قانون مضحک و غیر بشری قرنهاست مانند پرنده ای شوم بر جان جامعه ایرانی افتاده است و حتی بارها در طول تاریخ خود شیعیان نیز قربانی آن شده اند. این قانون تلاش می کند تا قدرت آزادی اندیشه و انتخاب عقیده را که هدیه الهی به انسان است از او بگیرد.

پیامی به مسیحیان جهان

ندرخانی از تابستان سال 2010 میلادی به اتهام ارتداد و خارج شدن از دین اسلام در شهر محل سکونتش به زندان افتاد.

اقدام یک دادگاه اولیه در یک شهر کوچک در شمال ایران برای صدور حکم اعدام به علت ارتداد برای یوسف ندرخانی در اوایل سال 2011 میلادی، توسط وکلای او به چالش کشیده و آنها مطابق قوانین درخواست لغو آن حکم را کردند. این درخواست تجدید نظر پرونده ندرخانی را به دادگاه تجدید نظر استان برد و از آن تاریخ تا کنون هنوز این دادگاه حکم خود را درباره متهم صادر نکرده است. اواخر تابستان سال گذشته آقای «دادخواه» وکیل این متهم عقیدتی اعلام کرد که منتظر رای دیوانعالی کشور در مورد حکم موکلش می باشد. منظور او از این سخن اظهار نظری بود که دادگاه تجدید نظر استان از دادگاه عالی ایران مورد این پرونده خواسته بود.

مطالب عنوان شده به وسیله وکیل ندرخانی توسط برخی رسانه ها طور دیگری جلوه داده شد. آنها مطرح کردند که حکم اعدام ندرخانی قطعی شده است و او در آستانه اعدام می باشد. این مسئله واکنش شدید جهانی را به همراه داشت و وزرای خارجه ایالات متحده و بریتانیا نیز در این مورد صحبت کردند. کمی بعد اظهارات وکیل ندرخانی نشان داد که پرونده او همچنان در مرحله دادگاه تجدید نظر استان است و هنوز رای دادگاه تجدید نظر درباره او صادر نشده است.

اینبار نیز در چند رسانه ابتدا از قول نزدیکان ندرخانی و بعد به نقل از «مرکز آمریکائی برای قانون و عدالت» (ACLU) اعلام شد که حکم اعدام او به شعبه اجرای احکام دادگاه گیلان اعلام شده است ولی منبع این خبر مشخص نیست. در حالی که هنوز هیچ خبری در مورد حکم دادگاه تجدید نظر منتشر نشده است و هیچ اطلاعی از اعتراض به آن و ارسال پرونده به دیوان عالی کشور برای صدور

برای شناخت محبت

رای نهائی توسط وکلای ندرخانی در دست نیست، صدور چنین حکمی بعید به نظر می رسد. فیروز صادق خانجانی از نزدیکان و همفکران ندرخانی در خارج از ایران در مصاحبه اخیر خود با رسانه های فارسی زبان خارج کشور در خصوص ابلاغ حکم اعدام یوسف ندرخانی به اجرای احکام اعلام کرد از جزئیات آن بطور کامل اطلاعی ندارد.

جامعه جهانی مسیحیان نقش عمده ای در این مورد می توانند بازی کنند. مسیحیان جهان باید ضمن حمایت یکپارچه از مسیحیان ایران در کمپینهایی که برای آزادی ندرخانی در سراسر دنیا راه انداخته شده است، به روشنگری مردم دنیا درباره قانون غیر عادلانه ارتداد در کشورهای مسلمان نشین بپردازند و آن را محکوم کنند. همچنین مسیحیان دنیا باید متوجه باشند که خواهران و برادران مسیحی آنها در ایران یکپارچه و با صدای بلند خواستار آزادی یوسف ندرخانی هستند. تقریباً همه مسیحیان ایران معتقدند که نداشتن اعتقاد به آموزه کتاب مقدسی تثلیث و ادعای برخی از نزدیکان آقای ندرخانی بر کثیش بودن او بدون داشتن مدارک کافی و گذراندن دوره های لازم، هیچکدام دلیل موجهی بر صدور حکم ناعادلانه اعدام و نگهداشتن طولانی مدت ایشان در زندان به جرم تغییر دین نمی تواند باشد. حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت غیر قابل پیش بینی و ناقض حقوق انسانی شهروندان خود است. اینکه مراحل قضائی برای آقای ندرخانی کامل نشده است هرگز نمی تواند مانع این شود که دستگاه قضائی جمهوری اسلامی دست به یک اقدام غیر انسانی علیه او نزند. بنابراین مسیحیان دنیا باید با هوشیاری و تکیه بر منابع و اخبار درست بر فشار منطقی و مستدل خود بر دولتهایشان بیفزایند تا جهان شاهد آزادی ندرخانی و لغو قانون ناعادلانه «حکم ارتداد» در ایران باشد.

هومن زارعی، شهروند بهایی در شیراز بازداشت شد

مارس 2، 2012

خبرگزاری هرانا - نیروهای امنیتی در شیراز صبح امروز هومن زارعی، شهروند بهایی را در محل کار خود بازداشت و به بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ منتقل کردند.



بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، نی امنیتی صبح امروز که با مراجعه به منزل وی موفق به بازداشت وی نشدند و پس از کسب اطلاع از حضور ایشان در محل کار با مراجعه بدانجا نامبرده را بازداشت به زندان پلاک ۱۰۰ منتقل کردند.

تهدید و فشار بر شهروندان بهایی در طی ماه گذشته افزایش یافته است و دست کم ۱۵ تن از شهروندان بهایی در شیراز بازداشت و منزل ۳۰ شهروند بهایی نیز مورد تفتیش قرار گرفته است.

ناپاکی اسلام از نظر یک کشیش مسیحی

مارس 2, 2012



یک کشیش مسیحی مدعی شد در اسلام ناپاکی وجود دارد چرا که در این دین دروغ گفتن مجاز است. به گزارش ادیان نیوز، کشیش صفا در برنامه «روز نجات» در 28 فوریه در حالی که از دروغ مصلحتی در اسلام انتقاد می کرد مدعی شد:

«وقتی به اسلام نگاه می کنیم متوجه می شویم که در آن ناپاکی وجود دارد. به عنوان نمونه خود تقیه که بر اساس آن انسان می تواند به هنگام صلح به دشمنانش دروغ بگوید، نمایان گر ناپاکی است. خود خدا گفته که شیطان دروغگو است پس ذات دروغ شیطانی است پس هرکس دروغ بگوید از ناپاکی قلبش خبر می دهد».

در تحلیل و بررسی این ادعای کشیش صفا باید گفت که در شرایط خاص دروغ مصلحتی یا همان تقیه معنادار خواهد بود. هر نظام اخلاقی اعم از دینی یا غیر دینی ناگزیر است تا با تعارض ها و کشمکش هایی که میان ارزش های اخلاقی به وجود می آید مواجه شود و آنها را حل و فصل کند. وجود مقوله دروغ مصلحتی در نظام اخلاقی اسلام، نه تنها نقطه ضعفی برای آن تلقی نمی شود بلکه از نقاط مهم قوت این نظام اخلاقی به حساب می آید.

در شرایطی که فردی دیوانه قصد کشتن انسان بی گناهی را دارد و از ما درباره محل اختفای این فرد سوال می کند، در صورت راستگویی ما، جان فردی بی گناه به خطر می افتد، در چنین وضعیت ارزش اخلاقی حفظ جان انسان ها با ارزش اخلاقی راستگویی در تعارض قرار می گیرد. از آن جا که حفظ جان یک انسان از راستگویی و صداقت در این شرایط خاص مهم تر است، دروغ مصلحتی عقلا امری درست و واجب خواهد بود. در واقع در این شرایط یک ارزش اخلاقی، قربانی ارزش اخلاقی مهم تر می شود

تداوم پلمپ اماکن کسب بهایان در سمنان

مارس 3, 2012



خبرگزاری هرانا - در پی تشدید فشارهای اقتصادی بر شهروندان بهایی در طی چند ماهه اخیر تعدادی از محل‌های کسب چند شهروند بهایی ساکن سمنان توسط اداره اماکن (به دستور اداره اطلاعات) پلمپ شده و پیگیری‌های انجام گرفته توسط صاحبان این مشاغل تاکنون ثمری نداشته و در بعضی موارد به لغو جواز هم منتهی شده است.

پیش‌تر خبرگزاری هرانا سندی دال بر در خواست پلیس ناظر بر اماکن عمومی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه از ریاست مجمع صنفی این استان مبنی بر شناسایی اقلیت‌های مذهبی موجود در صنوف این استان و معرفی ایشان به پلیس منتشر کرد. بنظر می‌رسد اقدامات مشابهی از سوی اداره اماکن در سایر استان‌ها نیز صورت گرفته است و شناسایی و پلمپ محل کسب شهروندان بهایی استان سمنان نمونه بارز و آشکار آن است.

تداوم بازداشت و شناسایی تعداد دیگری از مسیحیان در اصفهان

مارس 4, 2012



خبرگزاری هرانا - در حالیکه آمار دستگیرشدگان مسیحی که از سوی نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف ایران بازداشت می شوند رو به فزونی گذاشته است، منابع خبری از شهر اصفهان، خبر از تداوم بازداشت این افراد و شناسایی برخی دیگر از بازداشت شدگان مسیحی می دهند. به گزارش محبت نیوز، در هفته گذشته و در پی مراجعه ماموران امنیتی به منازل و محل کار برخی از نوکیشان مسیحی که منجر به بازداشت جمعی از این افراد شده است، منابع خبری اسامی و مشخصات تعداد دیگری از بازداشت شدگان که نامشان تاکنون منتشر نشده را نیز گزارش دادند. بر پایه این گزارش شهرام قائدی، شهناز ظریفی و مریم دل آرام نام سه تن دیگر از بازداشت شدگان نوکیش مسیحی است که در ادامه روند بازداشت گسترده نوکیشان مسیحی که در روز چهارشنبه سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ بوده در اصفهان بازداشت شدند.

برای شناخت محبت

در خصوص بازداشت شهرام قائدی ماموران امنیتی ضمن بازداشت نامبرده محل سکونت وی را نیز مورد تفتیش قرار داده و برخی از وسایل شخصی ایشان را ضبط و با خود بردند. لازم به یاد آوریت شهرام قائدی و کشیش حکمت سلیمی هر دو ساکن فولاد شهر اصفهان می‌باشند که بازداشت این افراد بطور جداگانه و همزمان در ساعت ۷ صبح صورت گرفته است.

شهرام قائدی از اعضای کلیسای پولس در اصفهان و از هنرمندان تئاتر اصفهان می‌باشد که پیش‌تر نیز در نمایش‌هایی در نقش عیسی مسیح به ایفای نقش پرداخته است. بر اساس گزارش‌ها پس از بازداشت هنوز از وضعیت و محل نگهداری ایشان اطلاع دقیقی در دست نمی‌باشد.

هم‌چنین مریم دل‌آرام نیز صبح همان روز مورخه در منزلش با ورود تعدادی مامور لباس شخصی بازداشت شد، ماموران طبق عادت بدون هیچ توضیحی تمامی خانه را مورد تفتیش قرار داده و کتاب مقدس و هر چیزی که می‌توانسته نشان از اعتقادات دینی و مسیحی ایشان باشد و یا بنظر مشکوک می‌رسید ضبط کرده و به همراه ایشان با خود به مکان نامعلومی انتقال دادند. این مادر (حدود) ۵۶ ساله هم‌چنین بیمار و از وضعیت سلامت خوبی برخوردار نیستند و هم‌چنین از داروهای ویژه ایی زیر نظر دکتر استفاده میکند که گفته شده وقتی دخترشان قصد داشته تا داروها را به زندان به مادرش برساند ماموران امنیتی ضمن ممانعت حتی از گرفتن داروهای وی نیز خودداری می‌کنند. وضعیت ایشان نیز کماکان از زمان دستگیری هم‌چنان نامعلوم می‌باشد.

شهناز ظریفی نیز از نوکیشان مسیحی و مادر دو فرزند می‌باشد که در صبح چهارشنبه همزمان با بازداشت جمعی از نوکیشان مسیحی در اصفهان ماموران امنیتی به خانه ایشان اعزام و ضمن تهدید و بازداشت نامبرده آپارتمان محل سکونت ایشان را بدقت مورد بررسی قرار می‌دهند. گفته می‌شود در طی بازرسی از محل سکونت وی تعدادی کتاب مقدس پیدا شده و آنها را به‌همراه برخی لوازم شخصی ایشان ضبط نمودند. جزئیات بیشتری از بازداشت این مادر مسیحی گزارشی منتشر نشده و خبرهای تأیید نشده حکایت از انتقال ایشان به زندان دستگرد اصفهان دارد.

از سوی دیگر بر اساس این گزارش گیتی حکیم‌پور، بانوی ۷۸ ساله مسیحی که در تاریخ سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ در ساعت ۶ صبح در منزلش توسط ماموران امنیتی بازداشت شده بود پس از ۳ روز بازداشت در اداره اطلاعات اصفهان در تاریخ ۶ اسفندماه ۱۳۹۰ بطور مشروط آزاد شد. گفته می‌شود گویا بازجوی پرونده (محسنی) وی را بدلیل کهولت سن و هم‌چنین بدلیل جراحی که به تازگی بر روی زانو پا انجام داده‌اند و نیاز به مراقبت‌های ویژه داشته بطور موقت دستور آزادی ایشان را در صورت سپردن وثیقه - سند خانه - صادر کرده‌اند.

لازم به یادآوری است که ماموران امنیتی در هنگام بازداشت خانم حکیم‌پور کلیه وسیله شخصی از جمله پاسپورت، سند خانه و حتی حساب بانکی وی را نیز ضبط کردند.

نیروهای امنیتی وابسته به دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی طی دو ماه گذشته در شهرهای اهواز، شیراز، تهران و اصفهان اقدام به بازداشت گسترده شهروندان مسیحی به صورت انفرادی و یا جمعی نموده‌اند. و این در حالیست که هر روز بر آمار دستگیرشدگان نیز افزوده می‌شود. گرچه انتظار می‌رفت تا در راستای مصلحت‌اندیشی، سران جمهوری اسلامی از هر ترفندی برای بیشتر شدن حضور مردم در پای صندوق‌های رای و کسب مشروعیت خود استفاده کنند، اما سیر گسترده بازداشت مسیحیان در ایران نشان داد که سران جمهوری اسلامی حتی دیگر برای این موضوع هم اهمیتی قائل نیستند تا حداقل در این ایام رنگ و ظاهری دیگر از خود نشان دهند.

برای شناخت محبت

لازم به یادآور است نحوه بازداشت این افراد و همینطور زمان آن نشان می دهد که این مرحله از دستگیری ها با برنامه ریزی گسترده و در پی سلسله شناسایی های قبلی صورت گرفته است. هم اکنون تعداد افراد بازداشت شده مسیحی در اصفهان که خبر آن تأیید و منتشر شده است به ۶ تن رسیده است.

بازداشت دسته جمعی اقلیت های دینی

مارس 4, 2012



راديو زمانه:

گزارش نقض حقوق اقلیت های دینی در ایران- بهمن ماه ۱۳۹۰
لوا متحده - طی روزهای اخیر، حکم اعدام کشیش یوسف ندرخانی به اتهام «ارتداد» پس از دو سال در حالی به دایره اجرای احکام فرستاده شد که شمار چشمگیری از شهروندان مسیحی و بهایی در یک ماه گذشته بازداشت و به حبس محکوم شدند. تهدید، تفتیش منازل و محرومیت از تحصیل نیز از دیگر موارد نقض حقوق اقلیت های دینی طی بهمن ماه گذشته در ایران بود.

بازداشت ها

بهمن ماه ۱۳۹۰ برای پیروان دو اقلیت دینی مسیحی و بهایی ساکن شیراز ایام خوشی را در بر نداشت، چراکه به شدت تحت فشار و اذیت از طرف اداره اطلاعات این شهر قرار گرفتند. بر اساس

برای شناخت محبت

گزارش‌های منتشر شده، ماموران امنیتی با هجوم به یک منزل مسکونی که به عنوان کلیسای خانگی از آن استفاده می‌شد، ده تن از نوکیشان مسیحی ساکن شیراز را که برای اجرای مراسم عبادی دور هم گردآمده بودند، دستگیر کردند.

از سوی دیگر در روز جمعه ۱۴ بهمن‌ماه ماموران اداره اطلاعات به منازل حدود ۳۰ نفر از شهروندان بهایی اهل شیراز مراجعه و ۱۱ تن از شهروندان بهایی را دستگیر کردند. این در حالی بود که براساس گزارش سرویس خبری «جامعه بهایی»، ماموران حکم بازداشت ۲۱ شهروند بهایی را در دست داشته‌اند که به دلیل عدم حضور بعضی از این اسامی در منازل‌شان از بازداشت آنان خودداری کردند. در میان بازداشت‌شدگان یک کودک نه ماهه هم به همراه مادرش دستگیر می‌شود که عصر همان روز به همراه دو شهروند بهایی دیگر آزاد می‌شوند. بازداشت‌ها تا روز سه‌شنبه ۱۸ بهمن ماه ادامه می‌یابد؛ به طوری که در این روز ماموران به منازل چهار شهروند بهایی دیگر اهل شیراز مراجعه و با برخوردی توأم با توهین و خشونت آنها را هم دستگیر می‌کنند. سرویس خبری «جامعه بهایی» گزارش داد، رفتار خشونت‌آمیز ماموران در حدی بوده است که در ورودی منزل یکی از بهاییان شکسته می‌شود.

بازداشت‌های دسته‌جمعی اقلیت‌های دینی در این ماه محدود به شیراز نبود. در روز جمعه ۲۸ بهمن ماه ماموران اداره اطلاعات شهر مشهد به منزل یک شهروند بهایی که در آن نمایشگاه خصوصی کارهای دستی نوجوانان بهایی تشکیل شده بود، مراجعه و ضمن برهم زدن نمایشگاه با ایجاد رعب و وحشت در بین حاضران به خصوص کودکان حاضر در محل، هشت شهروند بهایی را بازداشت می‌کنند. بازداشت اقلیت‌های دینی در بهمن ماه تنها به بازداشت‌های دسته‌جمعی ختم نشد. براساس گزارش خبرگزاری «هرانا» در روز چهارشنبه ۱۹ بهمن‌ماه ماموران امنیتی با مراجعه به محل کار ماسیس موسسیان، کشیش کلیسای «جماعت ربانی نارمک»، نامبرده را بازداشت می‌کنند. بر اساس آخرین خبرها در این زمینه، آقای موسسیان به زندان رجایی شهر منتقل شده است.

دادگاه و اعلام حکم

به گزارش تارنمای خبری «محب‌نیوز» پس از گذشت سیزده ماه از بازداشت فرسید فتحی شهروند مسیحی، اولین جلسه دادگاه وی تشکیل شد. این شهروند که در پنجم دی‌ماه ۱۳۸۹ در آستانه سال نو مسیحی پس از یورش ماموران امنیتی به مراسم مذهبی مسیحیان و بازداشت شماری از آنان، دستگیر شده بود به دلیل عدم قبول خواسته‌های بازجویان و عدم انکار باور خود، بیش از ۴۰۰ روز است که در بند ۲۰۹ زندان اوین به طور انفرادی محبوس است.

از طرف دیگر کمیته «گزارشگران حقوق بشر» گزارش داد، مسئولان قضایی از آزادی بهنام ایرانی، شهروند مسیحی پس از اتمام دوران محکومیت یک ساله بدون ارائه دلیل مشخصی ممانعت به عمل آورده‌اند.

در بهمن‌ماه سال جاری قضات دادگاه‌های انقلاب در شهرهای مختلف ایران در مجموع ۳۰ سال حبس تعزیری برای شهروندان بهایی و مسیحی صادر کردند. بالاترین این احکام صادره به عادل فناپیان، شهروند بهایی ساکن سمنان اختصاص دارد. این شهروند به «اتهام تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت ملی» به شش سال حبس تعزیری محکوم شد. هم‌زمان تائید محکومیت پنج ساله ایقان شهیدی، دانشجوی محروم از تحصیل بهایی و از فعالان حق تحصیل یکی دیگر از موارد نقض حقوق اقلیت‌های دینی بود.



از سوی دیگر یک زن و شوهر جوان بهایی به نام‌های کامران رحیمیان و فاران حسامی هرکدام به چهارسال حبس تعزیری محکوم شدند. کامران رحیمیان هم اکنون در زندان رجایی شهر به سر می‌برد. الهام روزبهی، شهروند بهایی ساکن سمنان نیز به سه سال و صدف ثابتیان، شهروند بهایی ساکن ساری و لیلا محمدی، نوکیش مسیحی هرکدام به دوسال حبس تعزیری محکوم شدند.

در همان حال یک پدر و دختر بهایی ساکن سمنان به نام‌های گودرز و روفیا بیدقی و همچنین دو شهروند بهایی دیگر به نام‌های منوچهر منزویان و فرزاد نعیمی، هرکدام به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند. گزارش‌های منتشر شده حاکی از این است که دادگاه تجدید نظر شهرستان کرج محکومیت یک ساله یک شهروند بهایی ساکن این شهر به نام روح‌الله زیبایی را به جریمه نقدی معادل سه میلیون ریال تبدیل کرد.

تهدید، تفتیش و اخراج

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران (محبت نیوز) در ۲۱ بهمن ماه سال جاری وزارت اطلاعات طی دستوری از دو کلیسای پروتستان «عمانویئل» و انجیلی «پطرس» در تهران خواست که سرویس فارسی خود را تعطیل کنند. این دو کلیسا آخرین کلیساهایی بودند که در ایران برای هموطنان مسیحی مراسمی به زبان فارسی برگزار می‌کردند.

سرویس خبری «جامعه بهایی» هم گزارش داد، شهره اعظمی و ندا قربانی، هرکدام به ترتیب به مدت هشت و پنج روز متوالی در اداره اطلاعات سمنان مورد بازجویی قرار گرفتند. خانه حقوق بشر ایران (رهانا) از تفتیش منزل عنایت‌الله سنایی، شهروند بهایی ساکن ساری در یکم بهمن‌ماه و خبرگزاری «هرانا» از تفتیش منزل فروغ عطائیان، شهروند بهایی ساکن قائمشهر در ۱۸ بهمن‌ماه خبر دادند. از طرف دیگر «بنای دوگال»، نماینده ارشد جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل از ایجاد کمپینی از سوی حکومت در شهر کرمان برای تحت فشار قرار دادن بهاییان از نظر اقتصادی خبر داد. بسیاری از جواز کسب‌ها، باطل یا تمدید نشده‌اند. گفته می‌شود به بهاییان کرمان گفته شده است اجازه ندارند در یک خیابان چند مغازه داشته باشند. به گفته خانم دوگال، مقامات تا آنجا پیش رفته‌اند که جواز شرکای تجاری بهاییان را هم با اینکه پیرو آئین بهایی نبوده‌اند، لغو کرده‌اند. [۱]

اخراج دانشجویان اقلیت‌های دینی هم‌چنان در بهمن ماه ادامه پیدا کرد. شیما موفقی، دانشجوی رشته مدیریت دانشگاه شمال آمل و سیدکیان هاشمی دهج، دانشجوی مهندسی آب دانشگاه تهران دانشجویانی بودند که به دلیل اعتقاد به آئین بهایی به همراه فاطمه نوری، دانشجوی رشته هنر یکی از دانشگاه‌های تهران به دلیل اعتقاد به آئین مسیحی از تحصیل محروم شدند.

اتهام جدید بهاییان: التهاب بازار سکه و دلار

برای شناخت محبت

حسین شریعتمداری، سردبیر روزنامه «کیهان» در سرمقاله روز سه شنبه ۱۱ بهمن‌ماه آشفته‌گی بازار سکه و طلا را به بهاییان نسبت داد.

سردبیر «کیهان» در بخشی از یادداشت خود نوشت: «گروهی متشکل از بهایی‌ها مرتبط با محافظ صهیونیستی با همکاری افرادی از انجمن حجّتیّه که حتی گفته می‌شود وابستگی آن‌ها به انجمن حجّتیّه نوعی پوشش بوده است در آشفته کردن بازار سکه و دلار طی دو هفته اخیر نقش موثری داشته‌اند...».

چهار روز پس از انتشار این سرمقاله، خبرگزاری‌های حکومتی از جمله «مشرق نیوز» از دستگیری فردی بهایی به نام شهرام (شهنام) گلشنی، مدیر تارنمای «مثقال» خبر دادند. تارنمای «مثقال»، رسانه‌ای مربوط به حوزه اقتصاد است که قیمت سکه، طلا، مس، نقره و ارز را به طور لحظه‌ای و روزانه اعلام می‌کرد.

اعلام خبر دستگیری آقای گلشنی در حالی گزارش شد که این تارنما یک‌ماه پیشتر فیلتر شده بود. از طرف دیگر منابع محلی گزارش داده‌اند شهنام گلشنی چند روز پیش از سخنان حسین شریعتمداری بازداشت شده و مشخص نیست سردبیر «کیهان» با استناد با چه مدرکی این اتهام را به شهروندان بهایی نسبت داده است. تاکنون از سرنوشت شهرام گلشنی اطلاعی در دست نیست.

مجلس نمایندگان آمریکا خواستار آزادی فوری کشیش ایرانی

مارس 4, 2012

رادیو فردا : مجلس نمایندگان آمریکا روز پنجشنبه در قطعنامه ای صدور حکم اعدام برای یوسف ندرخانی ، کشیش مسیحی متهم به ارتداد ، را محکوم کرده است .



به گزارش خبرگزاری فرانسه ، این قطعنامه سمبولیک با ۴۱۸ رای مثبت و بدون مخالف به تصویب رسیده است. در این قطعنامه صدور حکم اعدام برای یوسف ندرخانی نقض حقوق بشر خوانده شده و قانونگذاران آمریکایی خواهان آزادی فوری این کشیش زندانی شده اند یوسف ندرخانی، ۳۳ ساله، در سن نوزده سالگی از اسلام به مسیحیت گرویده است . وی به هنگام دستگیری رهبری یک گروه از مسیحیان در رشت را برعهده داشت . در هفته های اخیر گزارش هایی در خصوص تایید و ابلاغ حکم اعدام یوسف ندرخانی به دایره اجرای احکام زندان رشت منتشر شده است . دادگاه بدوی ، یوسف ندرخانی را به «ترک دین» و «دعوت سایر مسلمانان به مسیحیت» ، «ایجاد یک کلیسای مخفی در خانه خود» و «ابراز مخالفت آشکار با اسلام» متهم و در نهایت وی را به اعدام محکوم کرد .

در قطعنامه مجلس نمایندگان آمده است: حکومت جمهوری اسلامی حمله به مراسم مذهبی، بازداشت رهبران مذهبی، تهدید و ارباب پیروان اقلیت های مذهبی را به طور فزاینده ای تشدید کرده است. در این قطعنامه تصریح شده است: همه دولت ها موظفند از حقوق بنیادی تمام شهروندان محافظت کرده و عدالت را برای همه به اجرا بگذارند. در همین زمینه، کاخ سفید و وزارت امور خارجه آمریکا هفته گذشته در بیانیه های جداگانه ای نسبت به گزارش های منتشره در خصوص احتمال اجرای حکم اعدام یوسف ندرخانی، کشیش مسیحی متهم به ارتداد، ابراز نگرانی کرده بودند. کاخ سفید گفته بود، این حکم تنها به دلیل امتناع کشیش یوسف ندرخانی از تغییر مذهب خود تایید شده است.

افزایش روند سرکوب مسیحیان + گفتگو

مارس 5، 2012



طی هفته های اخیر دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی روند سرکوب خود نسبت به شهروندان مسیحی در کشور را افزایش داده که این امر به بازداشت های جمعی از هموطنان مسیحی در شهرهای اهواز، شیراز، اصفهان و کرمانشاه منجر شده است. (گفتگو در همین ارتباط) به همین منظور گزارشگر هرانا (خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران) در این خصوص مصاحبه ای با سامان کامور، مدیر آژانس خبری مسیحیان ایران (محبت نیوز)، داشته است. متن مصاحبه ای مذکور را در زیر می خوانید:

جناب کامور همانطور که مستحضر هستید در طی دو ماه گذشته از سال میلادی جدید جمعی از هموطنان مسیحی در شهرهای بزرگ ایران از جمله اهواز، اصفهان و شیراز به صورت جمعی بازداشت شدند، علت برخورد حاکمیت و تشدید روند سرکوب اقلیت های مذهبی بخصوص مسیحیان ایران را در چه می دانید؟

برخورد با اقلیت های دینی و مذهبی در ادامه تنگ نظری هایی است که نظام جمهوری اسلامی در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی و دینی در پیش گرفته است. تعریف خودی و غیر خودی برای آنها به تدریج محدودتر از گذشته می شود و دایره کسانی که غیر خودی به شمار می آیند تنگتر و تنگتر می شود. در زمینه اقلیت های دینی، سالهای زیادی بهاییان سهم عمده ای از تضییع حقوق اقلیت های دینی را داشتند. به مرور سهم مسیحیان، صوفیان و حتی شیعیانی که به قرائت متفاوتی از اسلام شیعه معتقد

برای شناخت محبت

بودند بیشتر هم شد. امروزه از مسیحیان بشارتی تا آیت‌الله‌های معترض، و از بهاییان تا اهل سنت تحت فشار، تهدید و ارباب حاکمیت هستند.

از طرفی این نظام مذهبی مشروعیت خود را از دین می‌گیرد. بنابراین دین را در خدمت مشروعیت خودشان می‌خواهند. امروز حاکمیت به بهانه‌ها مختلف به سرکوب مسیحیان به خصوص نوکیشان مسیحی می‌پردازند، چرا که در سالیان گذشته شاهد رشد بی سابقه مسیحیت در ایران بوده‌اند. این موضوع هم آنها را شدیداً نگران کرده است. در يك جمع‌بندی می‌توان گفت که حاکمیت متأسفانه تحمل اندیشه دیگری را ندارد و تعریفی که این نظام مذهبی می‌خواهد از خود بدهد این است که یک دین حق است، و بقیه ادیان باطلند.

بر اساس گزارشات منتشر شده حداقل در دو مورد از بازداشت های جمعی، دایره برخورد با هموطنان مسیحی از کلیساهای غیر رسمی (خانگی) به کلیساهای رسمی موسوم به جماعت ربانی نیز رسیده است علت این موضوع در چیست؟

بله، این موضوع صحت دارد. در چند سال گذشته این فشارها و دستگیری‌ها ابتدا تمرکز بیشتری روی کلیساهای خانگی داشت. اما به تدریج لحن خصمانه مسئولین نظام همه کلیساهای بشارتی (evangelical) را شامل شد. کلیساهای بشارتی، کلیساهایی هستند که مسیحی بودن را مختص یک قوم خاص نمی‌دانند در نتیجه شرکت در جلسات خود را برای عموم آزاد می‌دانند، اجرای مراسم عبادتی به زبان فارسی است و کتاب مقدس یا انجیلی که در این کلیساهای استفاده می‌شود عموماً به زبان فارسی است. در این کلیساها از همه اقوام شرکت دارند؛ هم از ارمنه و آشوری‌ها آنجا می‌یابید، و هم کرد و ترک و لر و بلوچ و غیره. کلیساهای دیگری هم هستند مثل کلیسای گریگوری ارمنه و یا کلدانی آشوری که در جماعت خودشان قومیت‌های خاصی را می‌پذیرند. زبان این کلیساها هم به طبع یا ارمنی و یا آشوری است و خط نوشتاری کتب دینی هم در این کلیسا مختص همان اقلیت قومی است.

کلیسای جماعت ربانی یک کلیسای بشارتی است و مثل همه کلیساهای بشارتی، به این اصل معتقد هستند که هر فرد حق انتخاب دارد و خود باید دین و عقیده‌اش را برگزیند و هیچ کس نه والدین و نه حکومت نمی‌تواند آنها را مجبور به گزینش دین و یا يك اندیشه بکند. دین و ایمان اساساً موروثی نیست بلکه شخصی است. بنابراین کلیساها سالیان زیاد در مقابل فشارهای دولت تحمل کرده‌اند و حاضر نبودند تعهدنامه‌ای را امضا بکنند که طی آن از ورود مسلمان‌زاده‌ها جلوگیری شود. در مقابل فعالیت‌های این کلیسا به صورت گام به گام محدودتر شده تا اینکه در سال ۲۰۰۹ وزارت اطلاعات از شعبه مرکزی این کلیسا در تهران خواستند تا جلسات روز جمعه عصر خود را تعطیل کند. جلسات روز تعطیل جمعه از رونق زیادی برخوردار بود و این جلسات در دو نوبت به زبان فارسی برگزار می‌شد. اما مسئولین امنیتی به این هم اکتفا نکردند و دامنه دستگیری و فشار را به شعب دیگر این کلیسا نیز کشاندند. در دو سال گذشته در شهرهای کرمانشاه، ارومیه، اصفهان، تهران و اهواز مسئولین شعب مختلف این کلیسا بازداشت شده و مورد بازجویی‌های طولانی قرار گرفته‌اند.

و البته کلیساهای رسمی دیگری هم بوده‌اند که به این جمع اضافه شده‌اند. کلیساهای مشایخی (یا پرزبیتری) و کلیساهای اسقفی و همچنین کلیساهای پنطیکاستی آشوری هم از این فشارها در امان نبوده‌اند. در چند ماه اخیر به کلیساهای مشایخی هم دستور داده شد مراسم روز جمعه خود را تعطیل کنند. محدودیت‌ها علیه فعالیت کلیسای اسقفی هم شدت یافته و به تازگی هم یکی از رهبران فارسی زبان آنان در اصفهان دستگیر شد و کماکان از وضعیت ایشان اطلاع دقیقی در دست نیست. همچنین چند کلیسای پنطیکاستی آشوری نیز که به فارسی زبانان خدمات ارائه می‌کرد به همت آقای یونان

برای شناخت محبت

بت‌کلیا، نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی، که همکاری زیادی با نیروهای اطلاعاتی و قضایی دارند جلسات برای فارسی‌زبانان یا تعطیل و یا کلیسا بطور کلی پلمپ شد. حتی یکی از رهبران دیگر این کلیسا در شهر کرمانشاه هم دستگیر شده و تحت آزار قرار گرفت.

آیا در رابطه با بازداشت‌های اهواز، اصفهان و شیراز جزئیات دقیق‌تر و ناگفته‌ای از نحوه عملکرد غیر قانونی نیروهای امنیتی در برخورد با هموطنان مسیحی وجود داشته است؟ اگر پاسخ مثبت است این جزئیات و ناگفته‌ها چیست؟

دایره برخورد نیروهای امنیتی با این موضوع بسیار گسترده است، اما در مورد این چند شهری که از آن اسم بردید و طی ماه گذشته برخوردهایی با مسیحیان در آنجا صورت گرفته باید عرض کنم، برخورد نیروهای امنیتی و شیوه اعمال بازداشت، کاملاً به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت و کاستن از حضور و ادامه فعالیت مسیحیان است. اینکه شبانه و یا در ساعات اولیه صبح به منزل مسیحیان هجوم می‌برند. با الفاظ رکیک و ناسزاگویی آنها را تهدید می‌کنند. محل سکونت اشخاص رو مورد بازرسی و تفتیش قرار می‌دهند. به کتاب مقدس و تصاویر مسیح در منزل مسیحیان بی‌حرمتی و توهین می‌کنند. حتی شاهد بودیم در این دستگیری‌ها حتی کودکان را هم دخیل کرده‌اند و در چند مورد والدین را به همراه کودک خردسالشان به بازداشتگاه برده‌اند. در ماجرای دستگیری مسیحیان اهواز ماموران با نقاب بر چهره به یک کلیسا هجوم می‌برند. مسیحیان این کلیسا در ایام کریسمس قصد برگزاری جشن میلاد مسیح را داشتند و بچه‌ها خود را آماده یک جشن می‌کردند که ماموران امنیتی در یک اقدام از پیش تعیین شده با اتوبوس‌ها جلوی کلیسا ظاهر می‌شوند و اعضای این کلیسا را به همراه کودکانشان دستگیر کرده و به بازداشت بردند. هر چند این کودکان و اکثر شرکت‌کنندگان این جشن به استثنای چند نفر از رهبران و خادمین کلیسا، همان شب با دادن تعهد و مشخصات خودشان آزاد شدند، اما چرا باید شاهد چنین فضای پر از رعب و وحشتی می‌بودند. آن هم زمانی که رهبران نظام جمهوری اسلامی در همان ایام برای پاپ و روسای جمهور کشورها پیام تبریک کریسمس می‌فرستند و آرزوی برقراری عدالت و رفع ظلم از عالم می‌کنند.

در برخورد با هموطنان و بازداشت‌های چه شیوه‌های اعمال می‌شود و آیا شیوه جدیدی در فشار بر شهروندان مشاهده و یا گزارش شده است؟-

گزارش‌های ما از منابع داخل کشور و یا از شاهدان عینی که مدتی بعد مجبور به ترک ایران شده‌اند، حاکی از برخوردهای غیرانسانی و خشنی است که با آنها می‌شود. بازجویان با ایجاد رعب و وحشت زندانیان را برای اعتراف بر ضد همکیشان خود ساعت‌ها تحت فشار قرار می‌دهند. با نگاه داشتن آنها در سلولهای انفرادی در دراز مدت، و آزارهای فیزیکی و روانی، آنها را مجبور می‌کنند به اصطلاح توبه کرده و به اسلام برگردند و حتی با آنها برای کشف فعالان مسیحی همکاری کنند. برخی از شواهد و آثار شکنجه‌های جسمی مثل شلاق مستند شده و چند نمونه آن تاکنون توسط سایت خبری «محبت نیوز» منتشر شده است. تصاویر بسیار دیگری هم موجود است که به دلایل امنیتی فعلاً امکان انتشار آن را نداریم.

در برخورد با خانواده‌های زندانیان بعضاً تهدید شده و تحت فشار قرار می‌گیرند تا در این زمینه اطلاع‌رسانی نکنند. در اکثر موارد از آنها خواسته شده مبالغ بسیار کلانی را به عنوان وثیقه تهیه کنند تا به آزادی موقت فرزندانشان بیانجامد و حتی به تازگی گزارشاتی رسیده مبنی بر اینکه مقامات قضایی و یا بازجویان بطور دوستانه یا شخصی از آنان می‌خواهند تا در برابر آزادی موقت سند ملک و یا خانه‌ای را بگذارند و پس از آن به آنان پیشنهاد می‌دهند بهتر است تا کشور را ترک کنند تا در دسرهای بیشتری

برای شناخت محبت

برایشان بوجود نیاید. این در واقع در برگیرنده دو نکته است اول اینکه با این کار سعی می‌کنن تا کشور را با خروج مخالفان آنگونه که خود می‌خواهند یکدست و یکپارچه بسازند و دوم اینکه به راحتی اموال این افراد را تصاحب کنند. همچنین مواردی که اخیراً نوکیشان مسیحی در دانشگاهها با آن مواجه بودند احضار به دفاتر عقیدتی و فرهنگ اسلامی و یا محرومیت از تحصیل بوده که خبری نیز در این زمینه منتشر شده.

سال گذشته بیش از ۷۰ تن از شهروندان توسط نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف کشور بازداشت شدند سرنوشت پرونده این افراد به کجا انجامید؟ و آیا هستند افرادی که کماکان در بازداشت و یا بلاتکلیف باشند؟

در ادامه تداوم سرکوب مسیحیان فارسی زبان پس از بازداشت این افراد در اکثر موارد مبالغی هنگفت به عنوان جریمه و یا وثیقه اخذ می‌شود و پرونده‌های آنان برای ماهها و حتی سالها معلق می‌ماند تا به هر بهانه‌ای دوباره به جریان بیافتد. زندانیان آزاد شده را مدام در هراس نگاه می‌دارند تا مجبور به ترک کشور شوند و یا ارتباط خود را با اجتماع مسیحیان قطع کنند. بسیاری از بازداشت شدگان پس از آزادی بدلیل تحمل فشارهای روحی و روانی در بازداشتگاهها و در حین بازجویی تا مدتها تحت معالجه پزشکی قرار می‌گیرند. و البته ناگفته نماند که خانواده‌های آنان هم بهای سنگینی می‌پردازند.

در حال حاضر افراد بسیاری از بازداشت شدگان مسیحی منتظر برگزاری دادگاه هستند. عده‌ای به خاطر فشارهای موجود از سوی مقامات امنیتی تهدید به عدم اطلاع رسانی می‌باشند، متأسفانه بسیاری از این بازداشت شدگان بدلیل همین تهدیدها وضعیت بازداشت و جریان پرونده آنان رسانه‌ای نشده است. متأسفانه به برخی از آنها و یا خانواده بازداشت شدگان وعده می‌دهند که در صورتی که سکوت پیشه کنند با برخورد بهتری مواجه می‌شوند و احکام سبکتری دریافت خواهند کرد. اما در دادگاه و یا پس از آن متوجه می‌شوند که چنین وعده‌هایی حقیقت نداشته است.

از بین بازداشت شدگان مسیحی که در ارتباط با کریسمس سال ۲۰۱۰ نام و سابقه دستگیری آنها تاکنون در رسانه‌ها منتشر شده است می‌توانم به آقایان فرشید فتحی و نورالله قبیتی‌زاده اشاره کنم. که این افراد چند مرحله دادگاهی داشته‌اند و هم اکنون منتظر رای دادگاه هستند. و آقای مسعود دلجانی از دیگر مسیحیانی است که اخیراً از سوی دادگاه انقلاب کرمانشاه به ۳ سال زندان محکوم و هم اکنون در زندان دیزل آباد کرمانشاه در حال گذراندن محکومیت خود می‌باشد.

و در خصوص زندانیان و بازداشت شدگان مسیحی و اعمال محدودیت‌ها برای کلیساها در ایران متأسفانه با آغاز سال نو میلادی ۲۰۱۲ و گزارشات و خبرها منتشره تاکنون حکایت از آن دارد که ظاهراً امسال هم مسیحیان ایران به خصوص نوکیشان مسیحی با فشارها و محدودیت‌های بسیاری روبرو خواهند بود.

چهره نظام جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی در برخورد و یا جفا بر مسیحیان ایران چگونه است ؟

من فقط اکتفا می‌کنم به لیست گزارش سالانه سازمان «درهای باز» (اوپن دورز) سازمانی که حامی کلیسا های جفا دیده در سراسر جهان است این سازمان مسیحی سالانه لیستی را از ۶۰ کشور جفا کننده به مسیحیان با عنوان «لیست دیده بان جهانی» منتشر می‌کند. که این لیست رتبه‌هایی را از یک تا ۶۰ به کشورهایی بر اساس شدت جفا به مسیحیان می‌دهد. این سازمان ملاک رتبه‌دهی خود را به کشورها بر اساس جفا بخاطر ایمان مسیحی افراد ذکر کرده است. و متأسفانه در این لیست شاهد هستیم که جمهوری اسلامی در گزارش ۶۱ صفحه‌ای لیست سال ۲۰۱۲ بعد از کشورهای کره شمالی-

برای شناخت محبت

افغانستان- عربستان سعودی و سومالی رتبه پنجم این لیست را به خود اختصاص داده است. و این نشان از آن دارد که وضعیت آزادی دین در ایران برای مسیحیان هیچگونه بهبودی نداشته است.

همچنین می بینیم که وزارت خارجه آمریکا هم در گزارشات سالانه خود، ایران را از جمله کشورهای معرفی کرده که آزادی های دینی اقلیت ها در آنها به طور جدی نقض می شود

سازمان های مسیحی ایرانی برای اعمال فشار بر دولت ایران و جهت ایجاد حاشیه امنیت برای شهروندان مسیحی و برای مقابله با رفتارهای اخیر حکومت ایران چه نوع تدابیری اندیشه کردند و تاکنون چه نوع اقداماتی اتخاذ شده است؟

وقتی از سازمانهای مسیحی صحبت می کنیم به دو دسته تقسیم می شوند - در دسته اول سازمانهایی هستند که هدفشان فقط تعلیم و بشارت و بنای کلیسا در ایران است که برای آن سازمان تعریفی ارائه می دهند و از اینگونه جریانات و مسائل سیاسی در داخل خود را جدا می کنند البته نسبت به رخدادهای اتفاقات بی اهمیت هم نیستند اما پایه و اساس و اصول اولیه سازمان خود را نشر کلام خدا در بین ایرانیان می دانند - دسته دوم که متأسفانه تعداد آن بسیار کم و یا انگشت شمار است سازمانهایی هستند که بطور مستقیم در خصوص رخدادهای و موضوعات مسائل جاری مسیحیان ایران موضع گرفته و در این خصوص حتی بیانیه هایی را هم نیز صادر میکنند و مسئولیت بیشتری نسبت به همکیشان خود در داخل کشور احساس کرده و اقدامات متعددی برای پشتیبانی آنها شکل می دهند. اینگونه سازمانها در تلاش هستند تا با تشریک مساعی از حقوق هموطنان مسیحی دفاع کنند. بطور نمونه «کمیته ۱۸» وابسته به یک مجموعه کلیساهای ایرانی در اروپا به طور خاص در اطلاع رسانی و همکاری با نهادها و سازمان های بین المللی فعالیت فزاینده ای داشته است. تنظیم گزارشات سالانه از وضعیت مسیحیان ایرانی و ارائه آن به نهادهایی نظیر اتحادیه اروپا و سازمان ملل از جمله فعالیت های آنان بوده است. به علاوه سعی شده است تا از کشورها ذی نفوذ و شرکای اقتصادی ایران بخواهند حکومت ایران را به برخوردی مناسبتر نسبت به اقلیت های دینی و مسیحیان قانع کنند.

آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» نیز ضمن روشنگری همواره تلاش داشته تا خبررسانی به روز از وضعیت بازداشت شدگان مسیحی و کلیساهای ایران داشته باشد. همچنین نگاهی موشکافانه و تحلیلی نسبت به رسانه های مذهبی وابسته به حکومت که این روزها با گزارشات و خبرهایشان درصدد تخریب مسیحیت هستند که در این ایام جنگ رسانه ایی عظیمی را نیز نسبت به رشد و گسترش مسیحیت در ایران آغاز کرده اند. «محبت نیوز» تاکنون در کمپین های مختلف اعم از نامه نگاری، تجمعات در حمایت از حقوق مسیحیان و امثال اینها، نقش مهمی در خبررسانی ایفا کرده است و همواره به عنوان منبعی مهم در تنظیم گزارشات مربوط به آزار مسیحیان در رسانه های جهان سهیم بوده است. نکته آخر اینکه مسیحیان همیشه بر این اصل تاکید داشته اند که باید مطیع مقررات کشور مطبوعمان باشیم و تا آنجا که امری خلاف انجیل از ما خواسته نشده یک شهروند نمونه بود. در اعتراضاتی هم که به نقض حقوق قانونی، مشروع و انسانی خودمان داشته ایم به دنبال براندازی نظام حاکم نبوده ایم. قصد ما احقاق حقوق انسانی است که نباید هیچ شهروند ایرانی از آن محروم باشد؛ بالاخص حق آزادی انتخاب و عمل به دین و عقیده بدون نگرانی از تعرض. و به جمهوری اسلامی یادآوری کنیم که ایران خود از امضاکنندگان کنوانسیون های بین المللی ضد تبعیض اقلیت های قومی و مذهبی است.

قطع انگشتان پاهای دو پناهجوی نوکیش مسیحی ایرانی در ترکیه

مارس 6, 2012

این تصاویر تاسف بار و دلخراش که روح و قلب هر بیننده ای را دچار تشویش و اضطراب می کند مربوط به یک حادثه سوختگی و یا تاثیر بیماری بر جسم آدمی نیست .



برای شناخت محبت

بر اساس گزارش دریافتی، این تصاویر مربوط به آسیب ناشی از سرمایزدگی شدید در پای دو برادر جوان از نوکشیان مسیحی ایران است که از بیم جان خود و برای فرار از دستگیری و تهدیدات نیروهای تحت امر حکومتجمهوری اسلامی حدود ۴۵ روز پیش مجبور شدند زادگاه و دیار خود در اصفهان را ترک کنند و در سرمای سخت کوهستان های شمال غربی کشور در برف و یخبندان شدید جانشان را در کف دست نهاده خود را از طریق مرزهای زمینی ایران به کمپ پناهندگان در شهر مرزی وان در ترکیه برسانند.

به نقل از گزارشگران آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، شدت آسیب و سرمایزدگی در ناحیه پای آنان آنچنان وخیم گزارش شده که ضمن انتقال این دو برادر به یکی از بیمارستان های مجهز در یکی از شهرهای بزرگ ترکیه، بلافاصله هر دو تحت عمل جراحی قرار گرفتند.

گرچه این دو جوان با نام های «محمد» و «حامد» از این کابوس سرد جان سالم به در بردند اما باید گفت متأسفانه در این عمل جراحی «محمد» تا بالای انگشتان هر دو پای خود را از دست داد و پزشکان مجبور به قطع آن شدند.

همچنین شدت سرما زدگی باعث شد پاهای «حامد» نیز تحت عمل جراحی قرار گیرد و پزشکان از روی اجبار انگشت شصت پای او را نیز قطع کردند. لازم به ذکر است که پیشتر خانواده این دو جوان به خاطر همین فشارها و تهدیدات مجبور به ترک وطن شدند و از ایران خارج شده بودند. موج شدید مهاجرت از ایران که از مدت ها قبل به خاطر فشار حکومت بر دگر اندیشان و منتقدان سیاسی و اجتماعی و مذهبی کلید خورده بود اما پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به اوج خود رسید.

در این میان اقلیت های دینی و مذهبی و به ویژه مسیحیان و نوکشیان مسیحی ایران نیز از زیر تیغ خصمانه نیروهای امنیتی در امان نبودند و یا با احکام قضایی شدید همچون اعدام و زندان های بلند مدت روبرو شدند و یا زیر شکنجه و تهدیدات و فشارها با مرگ دست و پنجه نرم کردند. بخش اعظمی از این افراد نیز ترک وطن نموده و خویشاوندان و اقوام و کسب و کار خود را رها کرده و با مهاجرت ناخواسته به کوچ اجباری در غربت تن سپردند.

باید اضافه کرد که فشار و تهدیدات حاکمیت جمهوری اسلامی بر دگر اندیشان سیاسی و مذهبی در ایران آنچنان است که شنیدن مهاجرت و خروج اجباری ایرانیان از کشور و فرار آنها به از طریق راه های غیرقانونی به کشورهای همسایه رو به افزایش است که به دنبال آن اخبار تأسف بار اینچینی نیز به دنبال آن خواهد بود.

مرگ زنان و کودکان خانواده های مهاجر در طول مسیرها، تجاوز و کشتار و آدم ربایی و قاچاق انسان مخاطراتی است که با وجود آگاهی افراد از آنان باز هم بر تهدیدات و شکنجه ها و اعدام های حاکمان جمهوری اسلامی ترجیح داده می شود.

محمد ملکی: آقایان، بس کنید!



محمد ملکی

بسم الحق

آقایان، بس کنید!

سخنی با “داد”ستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران

خبردار شدم که آقای دادستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران تهدید کرده اند اگر کسی مردم را دعوت به تحریم انتخابات کند، تحت تعقیب و پیگرد قرار خواهد گرفت. درست است که در این سی و سه سال از سوی حکومتگران از این نوع تهدیدها زیاد شنیده ایم و مردم ما هزینه های فراوانی را متحمل شده اند، اما این یکی در آستانه خیمه شب بازی جدیدی که از آن به نام انتخابات نام برده می شود، از آن حرفه‌است؛ حرفی که در آن خشونت است و بی رحمی و شمشیرکشیدن به سوی مردم.

برای شناخت محبت

اگر افرادی از جامعه جرات کنند عقاید خود را بگویند در نظامی که شما “داد” ستان آن هستید باید به سلابه کشیده شوند که چرا به کسانی که از فیلتر وزارت کشور و شورای نگهبان گذشته اند و تعهد سر فرود آوردن در برابر ولی فقیه، و بازوی عملیاتی رهبر بودن و اطاعت چشم بسته از اوامر رهبری را کرده اند، رأی نمی دهند؟

باید چنین افرادی را تحت پیگرد قرار داد تا سزای داشتن “عقیده” ای برخلاف نظر حاکمیت را ببینند؟ آقای دادستان به من که یک شهروند هستم اجازه می دهید از شما پرسشی داشته باشم یا به دلیل همین سؤال هم دچار پیگرد قرار می گیرم؟ پرسش من این است که به عقیده شما در یک جامعه عادلانه و در قرن بیست و یکم وظیفه ی یک دادستان چیست؟

جز اینکه “داد” مردم را از “بی داد” گران بستاند؟

شما از هنگامی به این سمت منصوب شدید که اتفاقاً مصادف با “بی داد” های بسیار از سوی حاکمیت بود، از جمله کشتار ده ها نفر در تظاهرات اعتراضی به کودتای انتخاباتی سال ۸۸ و ۲۵ بهمن ۸۹ و زندانی و شکنجه شدن صدها نفر بعد از این حوادث، کشتار در زندانها، شهادت مظلومانه ی هاله سحابی و هدی صابر و دهها نمونه دیگر. آقای “داد” ستان، برآستی داد کدام خانواده ی دادخواه را از بیدادگران گرفته اید؟ شما میدانید نداها و سهراب ها و مختاری ها، بدست چه کسانی شهید شدند. شما می دانید مامورین وزارت اطلاعات چگونه هاله را در تشیع پیکر پدرش مهندس سحابی کشتند. شما می دانید در زندان اوین چه کسانی هدی صابر را شهید کردند. شما میدانید در زندانهای کهریزک و قرچک و رامین چه گذشت، بنابراین وظیفه ی شما “داد” ستانی است از بیدادیان نه تهدید مردم بخاطر اظهار نظر و تبلیغ عقیده.

شما چرا نگران تحریم انتخابات و عدم شرکت مردم در نمایش انتخابات هستید؟ حکومت گران آنگونه که در این ۳۳ سال عمل کرده اند می دانند چگونه بخشی از مردم را به پای صندوق ها بکشانند و بازار انتخابات فرمایشی را گرم کنند، نگران این امر نباشید. از ۳۳ سال تجربه نظام ولایی در تقاب ها و بد اخلاقی ها و آمار دروغ دادن ها غافل نشوید. حاکمیت چه مردم در انتخابات شرکت نکنند یا نکنند، کسان مورد نظر را از صندوق ها بیرون می کشند و شما وظیفه دارید به جای تهدید مردم از حقوق ضایع شده ی آنها دفاع کنید. شما حق ندارید مجری دستورات بازجویان و مسئولین وزارت اطلاعات باشید. وظیفه ی شما ستاندن “داد” ستم دیدگان و مظلومین از “بیدادگران” است.

آقای دادستان، بگذارید در اینجا نکته ای را یادآور باشم. من دقیق نمی دانم شما چند سال دارید و هنگام انقلاب کجا بودید و چه می کردید، اما بدانید – بقول آقای خمینی – در زمان آن پدر و پسر هم “انتخابات” انجام می شد و کسانی سر از صندوق ها بیرون می آوردند که از فیلتر شاه و درباریان، خان ها و ارتشیان، قدرت بدستان و ملاکان و آخوندهای درباری گذشته باشند. آن روزها روحانیانی که بعد از سقوط نظام شاهی قدرت را به دست گرفتند به ما می گفتند شرکت در انتخابات حرام است و ما را تشویق به هرگونه اخلاص در انتخابات می کردند. راستی چه شده که آن اعمال که دیروز واجب شرعی و مباح و مرضی خداوند بود امروز حرام و جنگ با خدا و رسول و قابل پیگرد و مجازات شده است؟

احتمالاً می گویند: برای اینکه شاهان پهلوی “ناحق” بودند ولی حکومت ما برحق است. ملاک حق و باطل در دیدگاه شما چیست؟

نظام شاهی در تجاوز به حقوق سیاسی مردم چه می کرد که نظام شیخی نمی کند؟

برای شناخت محبت

اگر تاریخ را ورق بزنیم تمام حکومت های جبار و ستمگر خود را “حق” می دانستند. آیا فرعون و نمرود که ادعای خدایی می کردند خود را “ناحق” می دانستند؟

آیا مغول ها و تاتارها و هزاران قبیله ی خونخوار خود را “ناحق” می دانستند؟
آیا استالین و هیتلر، موسیلینی و ناپلئون و آغا محمدخان قاجار و محمدعلی شاه و آن پدر و پسر خود را “ناحق” می دانستند؟

آنها هم مانند آقایان خمینی و خامنه ای خود را “حق” می دانستند. بله آقای دادستان همه ی حکومت ها تا بر سر قدرت نشسته اند خود را حق و مخالفین را ناحق می دانند. پس چرا به مردم این حق را نمیدهید که طبق اصل بیست و دوم قانون اساسی خودتان، عقیده ی خودشان را بیان کنند و بنویسند؟ شما حق ندارید هیچ کس را به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار دهید.

من اخیرا در سه یادداشت که حتما به سمع و نظر شما رسیده با ارجاع به اسناد غیرقابل انکار اعلام کردم که از اولین روزهای برپایی نظام ولایی، انتخاب ها در ایران از جمله رفراندوم تغییر نظام، انتخابات مجلس خبرگان و رفراندوم قانون اساسی با بداخلاقی ها، تقلب ها و آمارسازی های بسیار صورت گرفت.

چرا راه دور برویم در سال ۸۸ شاهد بودیم که کودتای انتخاباتی چگونه صورت گرفت و با رأی مردم حاکمیت چه کرد، و با مردم معترض چه رفتاری داشت. حال جناب آقای دادستان چگونه است که اگر مردم انتخاب های این چنینی را تحریم کنند و بر عقیده خود پافشاری نمایند قابل تعقیب هستند، اما اگر حکومت با تمام وسایل، با پول و پلو مردم را تشویق به شرکت در نمایش انتخابات نماید، کار درست و صحیحی انجام می دهد. شما که وظیفه دارید داد مردم را از بیدادگری های حکومت بگیرید چگونه است که تاکنون برعکس عمل کرده اید؟

مگر نباید شما به عنوان یک قاضی در مسند قضاوت بی طرف باشید و حق مظلوم را از ظالم بستانید؟ آقای دادستان از عاقبت کارتان بترسید، شما در مقابل خدا و خلق مسئولید و باید روزی پاسخگو باشید. شما حتما از سرنوشت دادستانها، ماموران ساواک، قضات دادگاههای نظامی، بازجوها و ... که در نظام شاهی آن چنان جولان می دادند و مردم را به سلابه می کشیدند بی خبر نیستید.

این روزها که حکومت با تمام امکانات عقاید خود را در مورد انتخابات به اطلاع مردم می رساند؛ پس چرا اگر تعدادی از دگراندیشان با نبود هیچ نوع امکاناتی و تنها با چند ورق کاغذ و چند سطر نوشته عقاید خود را بیان کنند تا مردم به قضاوت بنشینند و تصمیم بگیرند، این چنین ناراحت می شوید و تهدید به تعقیب و پیگرد آنها می کنید؟

جناب آقای دادستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران، من به عنوان یک شهروند ایرانی وظیفه ی خود می دانم عقیده ام را بگویم و روی آن تبلیغ کنم، بنابراین من رسالت و وظیفه ام را انجام می دهم شما هم به کار و مأموریت خود ادامه دهید. در آخرین نامه نظرم را گفته ام و باز هم تکرار می کنم که:

شرکت در انتخابات فرمایشی و نمایشی تایید همه ی نابسامانی هاست، بیاییم این بار با تجربه گیری از گذشته، انتخابات را به یک تحریم فعال و هدفمند تبدیل کنیم و با اعتراض و عدم حضور پای صندوقهای رأی گیری به حاکمان بفهمانیم ملت ما هنوز سرزنده و فعال، مقاوم و هوشیار است و دیگر بار فریب فریبکاران را نخواهد خورد.

اعدام کودکان بس



کانون مدافعان حقوق بشر» در سومین اقدام ملی خود، با طرح فراخوانی با عنوان «اعدام بس کودکان»، توقف اعدام کودکان را خواستار شد. تأسیس «کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه» در مرداد 1386 و «شورای ملی صلح» در آبان 1386 به ابتکار و پیشنهاد «کانون مدافعان حقوق بشر» دو اقدام ملی پیشین این سازمان مردم نهاد بود. به این ترتیب کانون مدافعان حقوق بشر در این اقدام نیز همچون گذشته، توجه صاحب نظران را به نکته دیگری جلب و راهکارهای پیشنهادی خود را ارائه کرد. این سازمان مردم نهاد همچنین در فراخوان خود با تأکید بر آموزه های دینی از مدیران قضایی، اجرایی و قانونگذاران درخواست کرده که در صیانت حیات کودکان و حذف مجازات مرگ برای آنها اقدام فوری روا دارند. به این ترتیب طرح «اعدام بس کودکان» از تاریخ 31 فروردین 1388 فعال می شود.

برای شناخت محبت

متن فراخوان کانون مدافعان حقوق بشر به شرح زیر است: درخواست اعدام بس کودکانهر جامعه ای حق دارد که برای صیانت از حقوق شهروندان در مقابل بزهکاران واکنشی درخور از خود نشان دهد. این واکنش، تابع نظم خاصی به نام قانون است و قانون باید برآیندی از خرد جمعی جامعه باشد.

از دیرباز در جوامع مختلف بشری، این امر بتدریج پذیرفته شد که صرفاً اشخاصی باید کیفر اعمال خویش را ببینند که از نظر رشد لازم و کافی قوای فکری، توانایی پیش بینی نتایج کار خود را داشته باشند و به همین دلیل مجانین و اشخاصی که به بلوغ فکری نرسیده اند را شایسته کیفر نمی دانند. از این رو بسیاری از کشورهای جهان با امضای پیمان نامه های جهانی، خود را ملزم به رعایت حفظ حق حیات برای کودکان زیر 18 سال کرده اند.

این کشورها تضمین کرده اند که افرادی که در زیر 18 سالگی مرتکب جرم می شوند، حکم اعدام دریافت نکنند. آمار نشان از این دارد که از سال 1386 خورشیدی (2005 میلادی) تنها پنج کشور در جهان، اعدام کننده نوجوانان هستند.

این نوجوانان یا در کودکی و نوجوانی مجازات مرگ دریافت کرده و این حکم برایشان در همان نوجوانی اجرا شده است و یا در انتظار مرگ تا رسیدن به 18 سالگی نشسته اند و پس از آن حکم اعدام برایشان اجرا شده است.

متأسفانه در یک دهه گذشته کشور ما، ایران، در صدور و اجرای حکم اعدام (مجازات مرگ ، به هر اسمی که خوانده شود) برای کودکان زیر 18 سال جزء کشورهای پیشرو بوده است.

کانون مدافعان حقوق بشر، با باور به این که در دنیای امروز تعیین مجازات مرگ برای کودکان زیر 18 سال، علاوه بر ظلم به کودکان این مرز و بوم ، چهره ای خشن و غیر انسانی در افکار عمومی دنیا از ایران به نمایش می گذارد، اقدام به فراخوانی تحت عنوان « اعدام بس کودکان» کرده است.

لازم به ذکر است که دولت ایران متعهد به اجرای مفاد دو میثاق بین المللی (حقوق مدنی- سیاسی و حقوق فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی) و همچنین کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق کودکان است که در هر سه آنها بر حذف مجازات مرگ برای کودکان زیر 18 سال تأکید شده است.

کانون مدافعان حقوق بشر براین باور است که اعدام کودکان، به عنوان یک مساله اجتماعی، نه فقط نیازمند آگاه سازی حقوقی برای تغییر قوانین و داشتن قوانینی پیش گیری کننده، حامی و صریح درباره حقوق کودکان است، بلکه نیازمند فعالیت های فرهنگی و مدنی و اجتماعی برای آگاهی دادن به مردم درباره تأثیرات منفی انتقام جویی و مقابله به مثل و ترویج و تثبیت خشونت است؛ و در آموزه های دینی ما نیز بر عفو و بخشودگی، تأکید فراوانی شده است. ما براین باوریم که برای مقابله با جرایم باید به ریشه و علل آنها پرداخت و اساسی ترین راه ها را برای اصلاح جامعه انتخاب کرد.

کانون مدافعان حقوق بشر از مدیران قضایی و اجرایی کشور و همچنین از قانونگذاران درخواست می کند که در صیانت حیات کودکان و حذف مجازات مرگ برای آنها اقدام فوری روا دارند. از این رو

الف - از قانونگذاران می خواهیم که در نخستین فرصت حقوقی مجلس نسبت به تصویب یک قانون حمایتگر و منطبق بر موازین جهانی حقوق بشر اقدام کنند تا کودکان و نوجوانانی که در زیر 18 سالگی دچار ناهنجاری های رفتاری می شوند، محکوم به مجازات مرگ نشوند.

ب- از نمایندگان مردم مصرانه می خواهیم که سن مسوولیت کیفری را به 18 سال ارتقاء داده و آن را از بلوغ شرعی که در واقع سن تکالیف عبادی است، متمایز کنند. این مهم، از آنرو بسزاست که هم با پیمان نامه های جهانی که ایران به آن تعهد دارد، سازگار است و هم مانع دوگانه و تفاسیر متعدد از قوانین داخلی و بین المللی خواهد شد.

برای شناخت محبت

همچنین الف- از دولت و مدیران اجرایی کشور که تأمین امنیت و سلامت روانی جامعه بر عهده آنهاست و ضامن اجرای پیمان نامه های بین المللی کشور نیز هستند، می خواهیم که نسبت به تعهداتی که مسوولیت حفظ جان و تضمین حق حیات فرزندان جامعه را به آنها سپرده است، پی گیر باشند و در حمایت از حق حیات کودکانی که اکنون حکم مجازات مرگ دریافت می کنند، بکوشند و از هیچ کوششی در این راه دریغ نوزند.

ب- رفتارهای خشن کودکان و نوجوانان که گاه منجر به وقوع قتل و در نتیجه صدور حکم قصاص برای ایشان می شود، ریشه در بسیاری از مسائل فرهنگی و تربیتی دارد. از این رو از مسوولان سیاستگذاری کشور انتظار می رود که برای مرگ ستیزی، آموزش حقوق بشر و را وارد نهادهای فرهنگ ساز (بویژه نظام آموزش و پرورش و رسانه های کشور) کنند. و بالاخره از مدیران قضایی کشور که تهیه و تدوین پیش نویس لایحه دادرسی کودکان با ایشان است، می خواهیم که:

الف- در پیش نویس لایحه دادرسی کودکان، سن مسوولیت کیفری کودکان را با صراحت و شجاعت 18 سال تعیین کرده و مانند بسیاری از کشورهای پیشرفته اسلامی، هر گونه مجازات مرگ برای کودکان زیر 18 سال را حذف کنند.

ب- بر روند دادرسی کودکان (از تعیین دادگاه صالح گرفته تا داشتن حق وکیل و امکان ارتباط با خانواده) نظارت جدی روا دارند تا همه گونه امکان برای اصلاح و تربیت کودکان دچار ناهنجاری های رفتاری، با حفظ حقوق آنها فراهم شود.

این فراخوان که توسط کانون مدافعان حقوق بشر تهیه شده، به مقام های کشور ایران ارسال شده و انتشار همگانی نیز می یابد. بنابراین از تمام صاحب نظران فقهی و حقوقی و فعالان اجتماعی و فرهنگی می خواهیم تا ما را در فراخوان «اعدام بس کودکان» یاری کنند.

برگشته از اسلام در ایران به کلیساهای زیر زمینی متوسل

شده اند



خبرگزاری هرانا – وال استریت جرنال زیر عنوان «ایران مسیحیان را با موجی از دستگیری ها هدف گرفته است» می نویسد مقامات ایرانی دهها مسیحی را در دو هفته پس از کریسمس، در جریان جدیدترین چالش درگیرجوامع کوچک اما پویای مسیحی خاورمیانه، دستگیر کرده اند. بنظر می رسد دستگیری ها در گوشه وکنار ایران متوجه افراد برگشته از اسلام، و یا کسانی است که دیگران را به

برای شناخت محبت

برگشتن از اسلام ترغیب می کنند - اعمالی که در قوانین اسلامی ارتداد شناخته می شود، و در ایران با مجازات مرگ روبروست.

مرتضی تمدن استاندار تهران گفته است در این دستگیری ها مسیحیان ارمنی یا کاتولیک هدف نبوده اند - که بخش اعظم جمعیت کوچک مسیحی ایران را تشکیل می دهند، بلکه به گفته او مسیحیان تبشیری هدف قرار گرفته اند، که در دیگر مناطق خاورمیانه نیز به دردمس افتاده اند.

آژانس خبری مسیحیان ایرانی - تشکیلاتی از مسیحیان بشارتی مستقر در تورنتو که ناشر خبرهای مربوط به مسیحیان در ایران، افغانستان و تاجیکستان است - می گوید در دستگیری های اخیر افرادی هدف قرار گرفته اند که از اسلام به مسیحیت گرویده اند، و یا سعی کرده اند چنین زمینه ای را برای دیگران فراهم کنند.

سامان کامور مدیر این آژانس می گوید کنجکاوی و علاقه به مسیحیت در میان مسلمانان ایرانی رو به افزایش است.

اما در ایران نشر کتاب های انجیلی و برگزاری مراسم مذهبی مسیحیان به زبان فارسی ممنوع است، و حضور مسلمانان در مراسم مذهبی کلیساها نیز مجاز نیست. به عنوان مثال در حالی که مسیحیان ارمنی می توانند در مراسم مذهبی کلیساهای ارمنی شرکت کنند، فارسی زبانان مجبورند سراغ تشکیلاتی زیر زمینی بروند که برای ایرانیان مسیحی شده مراسم مذهبی برپا می کنند.

وزیر اطلاعات ایران در ماه اکتبر گفته است ماموران او صد ها گروه کلیسائی زیر زمینی، از جمله دویست گروه زیر زمینی را در شهر مذهبی مشهد کشف کرده اند. آیت الله علی خامنه ای رهبر ارشد نیز در یک سخنرانی در همان ماه اکتبر گفت دشمنان ایران پشت سر کلیساهای زیر زمینی هستند. آقای کامور می گوید از هنگامی که مقامات چنین نظراتی را ارائه دادند، فشار بر جامعه ما نیز بیشتر و شکلی سازمان یافته تر پیدا کرده است.

سرکوبی ها در ایران با موجی نامرتب با حملات اخیر علیه مسیحیان در خاورمیانه مصادف شده است که حملات به مسیحیان در عراق و مصر نمونه های بارز آن است.

بعضی از مسیحیان در کلیساهای با سابقه تر در خاورمیانه، از جمله در مصر و عراق، مسیحیان بشارتی را به تلاش هائی غیر ضروری و منجر به تشنج و اختلافات مذهبی به سبب ترغیب به گرویدن به مسیحیت متهم می کنند.

مسیحیان بشارتی چنین اتهامی را رد می کنند، و از جمله نمایندگان آنها در مصر می گویند سعی شان صرفا متوجه تبلیغ برای جان بخشیدن به جامعه مسیحیان آن کشور است.

شفافیت جامعه‌ی روستائی ایول با دو دین



وضعیت دنیای امروز شبیه یک دهکده می باشد «دهکده جهانی»؛ و آنچه این اصطلاح را در شرایط فعلی قوت می بخشد، وجود ابزار ارتباطی بین تمامی سکنه روی زمین است. به طوری که با همین وسیله، نفوسی که خواهان درستی و نادرستی مطلبی باشند، کافی است در هر گوشه‌ای از جهان با استفاده از پل ارتباطی الکترونیکی، به اصل موضوع پی ببرند.

در چنین شرایطی لازم می آید هر فردی در پراکندگی مطالب خود محتاط باشد، لذا برای وصول به حقیقت و درستی موضوع، نباید به انتشار هر مطلبی مبادرت کرد، چه که کذب مطلب بعد روشن شدن اصل آن، البته اعتبار فرد محقق را زیر سوال برده و حکایت قدیمی چوپان دروغ گو در مورد وی مصداق می یابد.

لذا لازم است که قبل از انتشار مطالب، حداقل با افراد ذی ربط موضوع مرتبط شویم و از آنان و کسانی که با آنان ارتباط دوستی و حتی دشمنی دارند به تحقیق پردازیم و ضمن ارائه مطالب تحقیقاتی،

برای شناخت محبت

دیدگاه منصفانه خویش را بنگاریم و خواننده را تشویق به تحقیق بیشتر نمائیم تا صحت و سقم مطلب در نهایت به وسیله طالب حقیقت است، روشن و مبرهن آید. در این صورت انتشار آن نوشتار، اعتباری برای نویسنده ی آن به وجود می آورد.

موارد مورد اشاره بستگی تام در عدم وجود تعصب و تقلید کورکورانه در نفوس انسانی دارد. آنچه را که حاج آقای معمم سید کاظم موسوی، نماینده مردم اردبیل در مجلس شورای اسلامی (۱) و سردبیر ماهنامه شفافیت (۲) راجع به جامعه روستائی ایول در ماهنامه خویش و یا در سایت (۳) خود با عنوان ناگفته هائی از تاریخ معاصر ایران زمین راجع به روستای ایول بیان داشته است، باید توسط محققین منصف مورد امعان نظر قرار گیرد و معلوم شود که مطالب منتشره وی تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است؟

هدف این نوشتار بررسی و تامل بر مطالب ایشان و روشن نمودن و پرده بر داشتن از جریاناتی است که خود ایشان بازگو کننده آن بوده است، آن عبارت است از:

«ناگفته هائی از تاریخ معاصر ایران زمین»، که چه بسا خود وی و یا افرادی نظیر ایشان موجد آن بوده اند. حقایق باید از خفا، که سینه نفوس انسانی است و تا در دل خاک قرار نگرفته، استخراج شود، و به اسناد و مدارک مدلل گردد، و سپس به کتابت در آید.

پیشینه روستای ایول:

با تحقیقاتی که چند سال قبل صورت گرفت معلوم شد که روستای ایول (۴) در حدود ۴۰۰ سال و اندی از قدمت آن می گذرد و در اوایل قرن یازدهم هجری قمری امکان اسکان عده ای در آن فراهم آمد. ایول در تاریخ پیشین آن مرتع دامداران بود، زیرا به جهت دارا بودن چشمه زارهای فراوان (۵) و محیطی مرتع گونه و بیلاقی برای چرا و پرورش دام، از اواخر بهار تا اوائل پائیز مورد استفاده قرار می گرفت.

این بیلاق و یشلاق ها، کم کم به کاشت زراعت در بخشی از مراتع این محل انجامید. و به تدریج با سکونت ایام بیشتر سال تبدیل به روستائی با سکنه چند خانواده ای شد.

اربابان آن دوره افراد بیشتری را برای کشت بر زمین های خود در ایول ساکن نمودند. همگی سکنه این روستا در زمان پیدایش آن، در ظل مذهب تشیع دیانت اسلام بودند و به روال معمول هر روستائی، شیخ یا آخوندی در امور شرعیه خود داشتند.

ملک ایول در بخش چهاردانگه سورتیچی، (۶) واقع در هزارجریب (۷) استان مازندران، قرار گرفته است. به نفل از تاریخ دوره قاجار، کل اراضی این بخش طی فرمانی از جانب ناصرالدین شاه به حاج مصطفی خان سورتی ترکمان بخشیده شد و از آن زمان به چهاردانگه سورتیچی به مرکزیت کیاسر تسمیه یافت. (۸) بنابراین املاک و سکنه اراضی بخش یادشده از جمله روستای ایول از آن اربابان سورتی بود که در ادامه نظام ارباب رعیتی به اشخاص دیگر واگذار گردید که از آن جمله روستای ایول به ارباب سید علی قطب واگذار و یا فروخته شد.

بعد از وی افرادی دیگر صاحب این روستا بودند تا اینکه به دست دکتر نصرالله خان نادری رسید. در دوره اصلاحات ارضی بنا به قانون مصوبه آن زمان، همسر دکتر نادری به نام فروغیه خانم، این املاک را به تعداد افرادی که نماینده از جانب کل سکنه روستای ایول بودند طی اسناد ثبتی فروختند. (۹) نمایندگان مزبور به افراد بومی و ساکن در روستا سهمی از آن اراضی را با وسع مالی که هر یک در آن زمان داشتند، منتقل و ثبت رسمی نمودند.

برای شناخت محبت

لذا تمامی کسانی که زادگاه آنان در قبل از اصلاحات ارضی در ایول بوده، طی سند ثبتی ما یملکی در این روستا دارند که قابل تعقیب برای وراثت آنان از لحاظ قانونی می باشد.

نحوه پیدایش دیانتی دیگر در جامعه اسلامی روستای ایول:

در حدود ۲۸۰ سال قبل، میان مسلمانان ساکن روستای ایول خانواده ای زیست می کرد که سرپرست آن خانواده، شخصی مسلمان متقی و پرهیز گار و روحانی مورد اعتماد مردم محل و روستاهای مجاور، به نام ملا عبدالمجید علیشاه بوده است. فرزندی در این خانواده متولد شدند که در میان آنان یکی خوش درخشید و آن حسین علی بود که چون به سن بلوغ رسید و ملا شد، دارای آثار نفیسی گردید که از خود به یادگار گذاشت. یکی از آن آثار، کتاب جوهری کلیات در تاریخ دیانت اسلام است. به طوری که نقل سینه به سینه است ملا حسین علی در این کتاب به قربیت ظهور قائم آل محمد، بشارت داده بود. دیگر اثر وی، تحریر و کتابت قرآن مجید که با ترجمه و تحشیه و تفسیر همراه است؛ و در پایان آن آمده است که این اثر را حسینعلی بن عبدالمجید علیشاه هزار جریب، در روز یازدهم ربیع الثانی سال ۱۲۰۹ ه. ق. ختم نموده است. ذکر تاریخ تحریر اثر، بیانگر دوره حیات وی می باشد که قریب نیم قرن قبل از زمان ظهور و پیدایش امر جدید الهی است. (۱۰)

ملاحسین علی فرزندی داشت به نام عبد الله، که همچون پدر، اصول اعتقادات و تعالیم و دستورات دینی شریعت اسلام را در ایول و روستاهای مجاور آن ترویج می نمود. ملا عبدالله را خداوند فرزندی عنایت کرد که پدر بر حسب حسن شهرت و اعتباری که پدر بزرگ در منطقه داشت، نام وی را حسین علی گذاشت. حسین علی، هم نام جدش در حدود سال ۱۲۱۰ ه. ش. در ایول متولد شد و نامدار نسل خویش گردید. وی تحصیلات مقدماتی زمان خود را، نزد پدر و پدر بزرگ خویش آموخت. وی در کنار تحصیل، با صدای خوش و رسا و دلنشینی که از نسل خویش به ارث برده بود، روضه خوانی هم می کرد.

ملا حسین علی به سن ۳۵ سالگی از روستا عازم شهرستان ساری شد، و برای تکمیل تحصیل و مطالعات وارد مدرسه سلیمان خان روبروی مسجد جامع این شهر شد. وی همچنان در کنار تحصیل روضه می خواند. چنان مهارتی در گفتار و بیان به دست آورد که افراد برجسته و معاریف آن دوره، از وی دعوت به مجلس می نمودند، تا از علم و کمالاتش بهره مند شوند. آن گونه که نقل بزرگان است، در زرین آباد مازندران برای عبدالله خان سورتیچی و مهمانانش، و حبیب الله خان اشجع الملک و تابعینش، در ایام ماه رمضان و محرم روضه خوانی نمود.

در این مقام چنان شهرتی یافت که به دربار حکمران حکومت مازندران و گیلان و طهران، کامران میرزا و سپس در دربار شاه قاجار، ناصرالدینشاه روضه خوانی کرد و به تلاوت آیات قرآن و ذکر ائمه دین و مصیبات بر آنان پرداخت.

ملا حسین علی که تا دیروز در روستای دور افتاده ایول و در جامعه روستائی می زیست، امروز برای خود اعتباری کسب کرده و وارد جامعه ی بزرگتر شده و کسب شهرت و مقام نمود. وی را دیگر ملا نمی گفتند، بلکه بلبل الذاکرین می خواندند. بلبل الذاکرین دوست محبوبی داشت بنام ملا علی جان، که با یکدیگر همدرس و همکلاس بودند.

پرداختن به فرائض دینی، مدتی آندو را از هم جدا نموده بود تا این که خبر ظهور جدید را شنید، و متوجه شد که دوستش به امر جدید گرویده است.

وی با شنیدن این موضوع دلتنگ شد، و می خواست بداند که چرا دوست محبوبش دست از اعتقاد دین و آئین اسلام برداشته، و به مسیر انحراف و ضلالت و گمراهی کشیده شد! آنقدر پیوند دوستی برای وی

برای شناخت محبت

اهمیت داشت که با توجه به بعد مسافت و سختی امکان سفر در آن دوره، بار سفر بست و راهی ساری و روستای ماهروزک (۱۱) شد، تا شاید این ارتباط و همنشینی و مصاحبت، باعث بازگشت به اسلام و تبری دوستش از امر جدید گردد، ولی آنچه را که پیش بینی نمی کرد، بر او واقع شد.

هر دو نفر تحصیل کرده حوزه علمیه زمان خود بودند و بر فهم آیات و احادیث و روایات اسلامی راجع به ظهور قائم آل محمد و رجعت حسینی تبحر و مهارت کافی داشتند.

با تاملی اندک بر تاریخ ظهور عصر خویش و آنچه که بر هیاکل قدسیه واقع شده بود، و خون بیش از بیست هزار نفر که در سبیل الهی ریخته شده و قسمت اعظم آنان از علمای اعلامی بودند که برای اثبات ظهور الهی از جان خویش مایه گذاشته بودند بر مهمان تاثیر عمیق گذاشت. مصاحبت آن دو نفر در ذکر وقایع و اتفاقات قلعه شیخ طبرسی که نیمی از حروف حی در آن به شهادت رسیده بودند، (۱۲) و دو واقعه نیریز و زنجان که بسیاری از علما و نفوس مخلصه ای که به فیض شهادت نائل آمده که برجسته ترین آن ها جناب وحید دارابی و جناب حجت زنجانی بوده اند، (۱۳) گذشت. سپس الواح و ادعیه الهیه که مشابَهت تام با آیات قرآنی داشته، تلاوت شد و روح و روان بلبل الذاکرین را تسخیر نمود و مجال انکار و مخالفت را برای وی باقی نگذاشت.

وی فی المجلس در ظل دیانت جدید درآمد و حاضر و مهیا شد که جان خویش را هم فدا نماید. گرچه سبیل فدای جان برای بلبل الذاکرین فراهم نیامد، ولی دوست محبوبش ملا علی جان را چند سال بعد از ساری تا طهران به اسارت بردند و در آن مدینه به فتوای علما به شهادت رساندند. (۱۴)

انتشار امر الهی و باز خورد آن در ایول:

ملا حسین علی به ایول بازگشت ولی این بار کوله باری جدید بر دوش داشت و آن پیام حضرت رحمان بود. و در این تفکر که چگونه پیام ظهور جدید را به دیگران منتقل نماید؟

چگونه همانند خود که در محضر دوست منقلب شده بود، به تقلیب نفوس دیگر پردازد؟

با توجه به ذهنیتی که از جانب علماء سوء نسبت به آئین جدید در بین مردم انتشار یافته استبا چه روش و شیوه ای پرده از حقایق بردارد؟

چه که نیک می دانست کسی که امام عصر و مظهر الهی دوره حیات خویش را درک ننماید و بدون معرفت ولی عصر خویش از این عالم برود به مرگ جاهلیت مرده است. و اینک خود از قبر تعصب و تقلید برخاسته و در همین عالم از پل صراط الهی گذشته و حیات جدید معنوی و روحانی پیدا کرده بود. وی همه این امور عظیمه را مدیون دوست محبوب خویش بود که وسیله آن را فراهم نموده بود. و حال در این فکر که چگونه وی نیز شعله ایمان و ایقان را در دل نفوس محلی خویش و دیگران برافروزد.

اولین افراد مومن به ظهور جدید در روستای ایول، که توسط جناب ملا حسین علی تبلیغ شده بودند، دو بانو بودند، یکی همسرش زیباییه و دیگری خواهرش ام لیلا.

بعد ایمان این دو نفر، فرزندان این دو خانواده، (۱۵) و سپس دو خانواده ی جناب استاد محمد حسین و جناب علی اکبر، (۱۶) و خانواده های جناب جمال الله و جناب علی النقی و بانو سکینه خاله، (۱۷) و بالاخره نیمی از اهالی روستای ایول در ظل امر بدیع قرار گرفتند. (۱۸) به این ترتیب جامعه روستائی ایول متشکل از دو دین گردید. دیری نپائید که مثل جوامع دیگر روستاها و شهرهای ایران، به جای تسامح و تساهل دینی و اعتقادی، راه تعارض و فتنه ایجاد شد.

زیرا علماء سوء برای حفظ ریاست و مقام و منصب خویش، به انکار از امر بهائی پرداخته و متدینین به آن را ملحد و مشرک و کافر پنداشته، و هزار حرف و حدیث نالایقه را که نسبت نداده بودند. در هر مکانی که رد پای این گونه علماء سوء بوده، تکفیر و فتوای قتل و غارت مومنین به امر بدیع هم بوده

برای شناخت محبت

است. دیری نپائید که این قضیه دامنگیر جامعه روستای ایول شد. علمای هزار جریب نامه ای پر از اکاذیب که دال بر کفر و الحاد ملا حسین علی و بقیه افراد مومنین می نمود تنظیم، و با بیش از ۳۰۰ امضاء و مهر به جهت تعقیب و تادیب به دربار شاه قاجار، ناصرالدین میرزا فرستادند. به امر شاه طی حکمی که صادر شد، به نماینده اش اختیار داده شد تا چنانچه گفته علماء صحت داشته باشد، نماینده وی تام الاختیار است که بعد ثبوت قضیه، به فتوای علماء، افراد ضاله را از میان بردارد.

نماینده شاه در کیاسر حضور یافت و مامورین خویش را به ایول فرستاد، تا افراد بهائی را دستگیر و جهت استنطاق به کیاسر بیاورند.

ملا حسین علی و خواهرش ام لیلا و ۱۵ نفر دیگر که بعضی سالخورده و پیر بودند از زن و مرد دستگیر و اسیر شدند، و به وضعیت اسارت گونه بعد از طی حدود بیست کیلومتر راه پیاده در جلوی اسبان مامورین، وارد کیاسر شدند. اهالی متعصب کیاسر که براساس شایعات فکر می کردند اسراء از دین برگشته، شاخ و دم دارند برای تماشا و اذیت و آزار در ورودی روستا تجمع کرده بودند، ولی با مشاهده آنان ابتدا لختی تامل کرده که از لحاظ ظاهری شبیه و چه بسا آشنا هم هستند، ولی صدور فتوای علماء در اذیت و آزار و ثواب آن، شاید آنان را وادار می نمود که بی بهره از ثواب و عقاب نگردند، لذا با وجود منع ونهی مامورین به لعن و طعن و اذیت و آزار آنان پرداختند.

مامورین موفق شدند اسراء را از دست ازدحام نجات داده و نزد نماینده شاه ببرند. نماینده که زحمت سفر طول و درازی را داشته، با پرخاش و توهین و تحقیر رو به واردین نمود، که چرا از ظل دین ختمی مرتبت و کلام الله خارج گشته، و به کفر و الحاد دل بسته اند؟

و چون مجال سخن به اسراء داده شد، از بین آنان ام لیلا قیام نمود، و با ادله و براهین اثبات نمود که نه تنها از ظل دین محمد مصطفی خارج نگشتند، بلکه به مفاد حقیقی آن عاملند و مسلمان واقعی اند. و کذب ادعای علماء را بر نماینده شاه و علمای حاضر و کثیری از مردم اثبات نمود. لحن مستدل و بیانات متقنه بانوی ایولی چنان در فرستاده شاه اثر نمود که این بار نماینده شاه با تغیر رو به علما نمود، و گفت:

«شما که ادعای کفر این نفوس را نموده اید، چرا خاموش گشته اید؟» سپس حکم برائت آنان را صادر نمود و از علمای حاضر خواست که آن را امضا نمایند و اثر مهر خویش را پای آن حکم بنهند و دیگر مزاحمتی برای اعضای جامعه جدید التاسیس بهائی ایولی که در بطن جامعه ی اسلامی روستای ایول ایجاد شده بود، فراهم نیاورند.

نماینده شاه در پایان این همایش مامورین خویش را دستور داد که با عزت و احترام مومنین را به ایول ببرند؛ و خود تا خارج روستای کیاسر آنان را مشایعت نمود. و به این طریق اسارت ملا حسین علی و همراهان تبدیل به عزت و شرافت شد.

تعامل بین دو دین در یک جامعه ی روستائی:

بعد از حادثه مزبور، بر همگان معلوم و مبرهن شد که بهائیان روستای ایول بر خلاف آنچه که علماء سوء اتهامات واهی نسبت به آنان منتشر نموده بودند، به حقانیت کتاب آسمانی قرآن و شارع آن و ائمه اطهار و دیگر انبیای الهی مقر و معترفند و به یکایک آنان همچون طلعات مقدسه خویش احترام قائلند. به فردانیت و وحدانیت خداوند اعتقاد راسخ دارند.

به استمرار ظهورات الهیه کما فی السابق، در هر برهه ای که خداوند برای تربیت بشر مصلحت بداند، توافق نظر دارند. و حال در پی وقوع بشارت و وعود الهی براساس کتب آسمانی، به ظهور حضرت بهاءالله ایمان آورده بودند تا جامعه ای با نظم و ترتیب نوین در روستای ایول به وجود آورند.

برای شناخت محبت

لذا دیری نپائید که بهائیان به انتخاب نمایندگانی از بین خود، افرادی را به عضویت شورای محلی خود برگزیدند و به این ترتیب محفل روحانی ایول را تاسیس کردند، (۱۹) و مهمترین موضوع مشورت آنان تعلیم و تربیت عمومی بود که به تاسیس آن مبادرت نمودند و معلمی را استخدام کردند. (۲۰) حمام خزینه را به حمام دوش به سبک جدید آن ایجاد نمودند. مجلس آیات خوانی و ضیافت و مهمانی راه انداختند به طوری که این اقدامات بدیع جالب و جاذب دیگر هم محلی آنان قرار گرفت و تعدادی دیگر نیز از جامعه ی اسلامی محل به آنان پیوستند. (۲۱)

اهالی روستا با دو دین در کنار هم زندگی مصالحت آمیزی را می گذرانند. همان طوری که در زندگی روزمره و تامین امور معیشتی کمک و مساعدت یک دیگر می نمودند، در تکیه و مسجد با هم دیگر مراسم را به صورت مشترک برگزار می نمودند و در جشن و عزا ی همدیگر شرکت داشتند. آنان قبرستان مشترکی داشتند.

کدخدا را از بین یکدیگر انتخاب می کردند. گاو و گوسفندانشان را در کنار هم به چرا می بردند. در کاشت و داشت و برداشت محصول با همدیگر تعاون و تعاضد داشتند. بهائیان از نسل ملاحسین علی بودند که صوت رسا و بیان شیرین داشته، و نوحه خوانی و روضه خوانی برای همه ی محلی چه بهائی و چه مسلمان می نمودند.

آنان عزت و احترام یکدیگر را حفظ می نمودند، و آبروی یکی آبروی جمع بود و در زمان قحطی و خشک سالی رعایت حال فقرا و وضعفا را می نمودند. چون اکثر بهائیان در کنار زراعت و کشاورزی به صنعت نجاری روی آورده بودند، بزودی از بین آنان افرادی ماهر و کارآمدی بیرون آمدند که به آنها استا نجار می گفتند، و به این نام معروف منطقه شده بودند که از جمله آن ها، دو برادر به نام های استا کلیم الله و استا حب الله موفق بودند. آنان با ابزار و وسائل ابتدائی دستی، بر چوب نقش و نگار زیبایی را خلق می نمودند؛ و در محل و روستاهای مجاور و حتی شهرهای نزدیک، به کار و کسب می پرداختند. و دیگر ایول با استا نجار بهائی در منطقه پرآوازه شده بود.

بهائیان ایولی به خاطر نوع ایمان و اعتقادی که داشتند، امین و مورد اعتماد دیگران قرار گرفتند. بطوری که اهالی روستاهای مجاور هنگام کوچ کشی فصلی، کلیه لوازم زندگی خویش را نزد آنان به امانت گذاشته و بعد گذشت ایام سخت زمستانی، از آنان تحویل می گرفتند. مطالب منقوله را می توان بدون داشتن تعصب و حبّ و بغض، از اهالی روستای ایول و روستاهای مجاور تحقیق و تفحص نمود. گرچه ممکن است از پیران سالخورده آن دوران تعداد افراد اندکی حیات داشته باشند، ولی بسیاری از این موارد یاد شده سینه به سینه نقل شده، و حتی سفارش نیاکان مسلمین به بازماندگان خود بوده است که مبدا به اذیت و آزار بهائیان پردازند.

با همه این همبستگی و سفارشات، چه شد که آن نظم و انضباط اجتماعی - اخلاقی بهم ریخت و اهالی این روستا از هم جدا شدند؛ و کار این جدائی به جائی رسید که روزی گروه انتظامات محلی از زن و مرد همان نیاکان مسلمان تشکیل شد، و درب منازل بهائیان را کوبیدند، و دست یکایک آنان از زن و مرد، از کودک شیر خوار تا پیر زمین گیر را گرفته، و از منازلشان بیرون انداخته، و بر درب منازلشان قفل زدند، و آنان را آواره و در به در نمودند.

بذر پاشی کینه و نفاق در روستای ایول:

گذرمبلغین تبلیغات اسلامی و بعد آن اعضای انجمن حجتیه به ایول باز شد. این رفت و آمدها ضمن اینکه توانست چند خانواده را مجدد به دامن اسلام برگرداند، از طرف دیگر عامل اختلاف و نفاق بین اهالی شد. اهالی روستائی که با یکدیگر قرابت و نسبت فامیلی داشتند و چه بسا یکی از طرفین همسر،

برای شناخت محبت

بهائی و دیگری مسلمان بوده است. اختلافات آنقدر توسط همان عوامل دامن زده شد که کم کم بعضی از امور شان از هم جدا شد، مثل مراسم مذهبی مشترک، آنان دیگر بهائیان را به مسجد و تکیه راه نمی دادند. حمامشان جدا شد و هر یک برای خود حمام جداگانه داشتند. آنقدر از کینه و نفرت گفتند و گفتند و به خورد مسلمانان محلی دادند، که کم کم باور آنان شد که در انسانیت با بهائیان متفاوتند، و این تفاوت ها باید به صورت بارزی در زندگی مشترک آنان نمایان باشد.

از جمله حوادث برجسته و تضییقات وارده بر احبای ایول را که متأثر از همین تحریکات و بر چسب های واهی بوده، و جامعه نوبنیاد ایولی را در بر گرفت، موارد ذیل است که مجمل به آن اشاره می شود:

در نآرامی های حدود سال ۱۳۲۰، دسته ای از اشرار به سرکردگی صمد و باباعلی دودانگه ای، به ایول حمله نمودند.

به تحریک مسلمین و نجات خود از شرارت آنان، اشرار را روانه منازل بهائیان نمودند. اشرار نفوس برجسته بهائی ایولی (۲۲) را به اسارت گرفته، و به ضرب و شتم پرداختند، و دیگر بهائیان را آواره دشت و کوه و بیابان نمودند.

با این که همه مایملک بهائیان ایولی را غارت نمودند و هر چه داشتند را به غنیمت گرفته و بردند، ولی به آن اکتفا ننمودند؛ و سینه بی کینه فرد کاردان و لایق و مدیر جامعه، میرزا آقا جان جذبانی که زمانی کدخدای محل بوده، و امکان پیگیری امور اشرار از جانب او می رفته را هدف تیر خود قرار دادند، و او را به شهادت رساندند. اشرار در پی یافتن میرزا فرج الله نعیمی و از بین بردنش بودند، کسی که به تعلیم و تربیت اهالی همت گماشته بود.

گرچه روز قبل وی را به شدت مضروب نموده بودند، ولی هرچه تفحص نمودند، او را نیافتند. هم محلی محبّ وی بنام احمد لیالی، او را پناه داده بود و به این ترتیب جان سالم از آن واقعه بدر برد. ضربات مهلک وارده اشرار به زودی بر وی اثر کرد، و مدتی بعد از حادثه مزبور، جان تسلیم جانان نمود.

گرچه حوادث رمضان سال های ۱۳۲۵ و ۱۳۳۴ (۲۳) حائز اهمیت است و بهائیان را دچار صدمه و بلیه نمود، ولی این وقایع جامعه بهائی روستائی ایول را تطهیر نمود؛ و بر اتحاد و اتفاق آنان افزود؛ و آنان را بر اعتقادشان راسخ تر ساخت. آنان وقتی حرکات و سکنات هم محلی مسلمان خود را می دیدند، که چگونه روح تعاون و تعاضد و اتحاد و اتفاق حاکم بر محل را در بین خود، بر اساس القائات واهی عده ای خدا شناس از دست داده بودند، و اصرار و ابرام در این داشتند که آنچه خود مبادرت به آن می نمایند، مومنین به امر بدیع را هم به کیش خود فرا خوانند، که آنان هم چنین کنند، حاضر بودند بند از بند جدا شوند و یا کافر مطلق گردند، ولی به آن حرکات غیر دینی و غیر انسانی مبادرت ننمایند. سال ۱۳۴۳ عبداللهی از فرقه حجتیه وارد ایول شد. وی به هر ترفندی که لازم بوده مبادرت نمود که شاید به تبرّی عده ای منجر شود و پاداشی از حوزه دریافت نماید، ولی موفق نشد. وی چند جوان مسلمان ایولی را خام نمود، که شبانه به منزل جناب غلام حسین موفقی رفته و کتب اعتقادی وی را سرقت نمایند. نقشه وی عملی گردید و کتب را هم به سرقت برد، ولی چیزی عایدش نشد. لذا از اقدام علیه انسان ها به نتیجه ای نرسید، به سراغ حیوانات رفت.

فتوا صادر کرد که گاو های بهائیان را باید از گاو های مسلمین جدا نمود، که مبادا گاو های مسلمان با گاو های بهائی که در یک صحرا با هم آمیزش می نمایند، و در یک مرغزار باهم می چرند، و از یک چشمه آب می نوشند، نجس شوند. طرح جدا سازی گاو ها به دستور عبداللهی عملی شد. گاو هایی که چه

برای شناخت محبت

بسا با یکدیگر نسبت نسلی و قرابت داشته، و فقط به جرم این که مال بهائی و مسلمان می باشند، از فردا باید جدا از هم باشند.

ابتدا دستور داد که گاوهای بهائی را در طویله نگاه دارند و گاوهای مسلمان را به چرا برند و چون صدای ما می گاوها بلند شد و گوش وی را آزار می داد تجدید نظر در رای صادره نمود که گاوها در دو ساعت متفاوت و در دو گروه جدا از هم به سمت مخالف شرق و غرب و یا شمال و جنوب به چرا بروند. به هر حال مدتی به سختی و عنوبت تام دستورات صادره عبداللهی در طرح برنامه جداسازی گاوها انجام گرفت و چون امکان ادامه آن میسر نبود و بلاخره حیوانات به میل غرائز با همدیگر آمیزش می کردند و از طرفی بهائیان اعلان نمودند که گاو های خود را بهائی نمی دانند آنان را راضی نمود که روال معمول سابق نسبت به حیوانات مجری شود و عبداللهی از این طرح خویش هم طرفی نسبت و محل را ترک نمود.

حوادث بعد از انقلاب ۵۷:

انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران که داعیه ی عدالت اسلام محوری خود را بر همه شئون جامعه ایران پراکنده بود، و شعارهای آزادی و برابری و برادری و رفع هر گونه مشکلات را برای ایران وعده می داد، دیری نپایید به جای این که کمی از آلام گذشته بر مومنین امر الهی بکاهد، بر آن افزود. اقشار جامعه را به صورت فراگیر به مصیبت و بلای جدید دچار نمود.

کمی بعد از گذشت پیروزی انقلاب، مامورین بنیاد مستضعفین به جهت تصرف و مصادره زمین جناب جذباتی شهید و زمین گلستان جاوید - که در آن نیاکان بهائی ایولی آرمیده بودند - وارد ایول شدند، و آن را متصرف گردیدند. بدنبال این اقدام، محیط مدرسه ابتدائی محل ایذاء و اذیت دانش آموزان بهائی از جانب معلم بی انصافشان قرار گرفت.

نونهالان بهائی مدرسه ابتدائی ایول، جرمشان این بوده که بهائی زاده اند، توسط خسرو فروزنده معلم مدرسه و همکلاسی های خود که توسط نامبرده تحریک می شدند، دچار اذیت و آزار و توهین و تحقیر واقع می شدند، و یا درس و مشقشان با مشکل مواجه می گردید.

جرئت و جسارت مسلمین به جایی رسیده بود که بلندگوی مسجد بجای تلاوت آیات و دادن پند و اندرز، نوار صوتی مشحون از توهین و استهزاء را پخش می کرد. و پیوسته بهائیان را افرادی ضاله و نجس نسبت می داد. گرچه سالخوردهگان مسلمان ناراضی از این گونه حرکات بودند، ولی توانائی آن را هم نداشتند که از این گونه اقدامات غیر شرعی و غیر انسانی جلوگیری نمایند. به همت جوانان انقلابی، (۲۴) استشهادیه ای تنظیم شده بود که هرگونه مراوده و معامله بهائیان با مسلمین را قطع، و از تحویل محصولات آنان در شالیکوبی محل جلوگیری می نمود. درحالیکه در تاسیس شالیکوبی سهام مشارکتی از جانب دو طرف بوده است.

به روستاهای مجاور هم اعلام نمودند که رویه آنان را دنبال نمایند. تضییقات وارده امور جاریه زندگی را بر بهائیان تنگ و محدود نموده بود.

بهائیان برای رفع مشکل خویش به بخشداری مراجعه نمودند، و بخشدار به ظاهر برای رفع معضل، به ایول آمد ولی بجای دادخواهی، بر مشکلات دامن زد و با پرخاش و داد و قال، بهائیان را از محیطی که جمع شده بودند، بیرون راند. در آن وضعیت، اولیای امور و علماء و مردم در صقع واحد، متحد و متفق و بسیج در اضمحلال جامعه بهائی ایول شده بودند. آنان امنیتی در رفت و آمد به مزارع خود نداشتند، و هر بار خسته تر از روز قبل، به منزل مراجعه می نمودند؛ خسته از شنیدن توهین و تحقیر از جانب هم محلی خود، و حتی گاهی ضرب و شتم؛ آنان جز دعا و مناجات به درگاه قاضی الحاجات راهی

برای شناخت محبت

نداشتند، لذا تسلیم اراده الهی گردیدند، که چه برنامه و نقشه ای برای آنان تقدیر نموده است. در این وضعیت بحرانی، تابستان ۱۳۶۲ فرا رسید.

در این سال ابتدا مردان بهائی را برای ارشاد و تبلیغ و در نهایت وادار نمودن به تبری از اعتقاداتشان، در منازل خود دعوت می نمودند. چون نتیجه ای حاصل نکردند، تداوم این اقدام را به زور و اجبار و تهدید و ارعاب تشدید نمودند؛ تا شاید بتوانند آنان را مستاصل نموده، و موفق به ترک ایمان آنان شوند. تهدید و ارعاب هم فایده ای نداشت، لذا تصمیم به اخراج بهائیان از ایول گرفتند.

ضمن اینکه مسلمین با یکدیگر هم قسم شدند، از اهالی روستاهای اطراف ایول هم دعوت نمودند که در این امر خطیر مشارکت نمایند و سهم خود را ایفا نموده و از اجر و مزد معنوی برخوردار گردند. ماه مبارک رمضان را برگزیدند که مصادف بود با فصل تابستان و موقع برداشت زراعت و روز هفتم تیرماه ۱۳۶۲، در این روز طرح از پیش برنامه ریزی شده اخراج و آوارگی بهائیان ایول رسماً شروع گردید. اعضای انجمن اسلامی ایول که گرداننده امور و از جمله محرکین و مسببین این حوادث بودند، کاملاً چشم و گوش بسته در تحت هدایات انجمن حجتیه مبادرت به عمل و اقدام می نمودند، و مردم را تهییج می کردند. آنان عبارت بودند از: زین العابدین ملائی، اکرم مجیدی، عاقل ملائی، محمود درخشان و حسین رجبی.

انجمن اسلامی ایول دو گروه از زنان و مردان را برای انتظامات برگزید، (۲۵) و آرم بر بازوان آنان بست و آنان را بسیج نمود که به همراه ازدحام، یکایک بهائیان را از منازلشان بیرون رانده، و در نقطه ای خارج از محل جمع نمایند؛ تا به وسیله اتوبوسی که تدارک دیده بودند، راهی شهرستان ساری نمایند. سپس دعای شکرانه بجا آورند که برای همیشه از شرّ بهائیان خلاص شده و روستای ایول را پاک سازی نموده و من بعد جامعه ای متشکل از مسلمین را داشته باشند.

اتوبوس حامل اسراء که رمه وار در آن جا گرفته بودند، طی مسافت نموده و در میدان شهرداری ساری آنان را که بعضاً کفش به پا نداشتند، پیاده نمود. جمعیت روستائی از طفل شیر خوار تا پیرمرد و پیرزن مریض و علیل و افتاده، حاج و واج و سرگردان و حیران، و از بی مهری هم محلی خود سر به جیب تفکر فرو برده، و اینکه چه سرنوشتی برایشان مقدر شده، منتظر عواقب کار بودند. دقایقی سپری شد بعضی از بستگان و فامیل های آنان به دادشان رسیدند، و شکایت و حکایت به هنگ ژاندارمری بردند.

جناب سرهنگی از ژاندارمری در میدان حضور یافته و اظهار تاسف نموده و دستور صادر نمود که مامورین ژاندارمری با همان اتوبوس، آنان را مشایعت نموده و به ایول بازگردانند و به منازلشان برگردانند و تامین امنیت محل نمایند.

به دستور جناب سرهنگ، اتوبوس را آماده کردند و اسراء را برآن سوار نمودند و راهی ایول شدند و نیمه شب به ایول رسیدند. قبل از رسیدنشان به ایول، مخبرین مسلمان، اهالی را از خواب بیدار و باخبر نمودند که بهائیان را به ایول برگردانند، لذا بیرون از روستا در کنار قبرستان راه را بر بهائیان بستند، و مانع اجرای دستور هنگ ژاندارمری شدند. تا اینکه توافق حاصل آمد حالا که نیمه شب است و هوا سرد و باران می بارد، به صورت اضطرار آنان را وارد تکیه نمایند تا فردا به حساب و کتابشان رسیدگی شود. مسلمین جلو افتاده و فرش های تکیه را جمع نمودند و اسراء بهائی، مهمانان ناخوانده خود را درحالی که زیر باران خیس شده بودند، در زمین خاکی و بدون مفروش و چراغ و روشنائی و وسیله گرمائی جای دادند. تکیه مناسبترین جا برای رسیدن به مقصود بود و گویا همه منتظر چنین فرصتی بودند که عرصه را بر بهائیان چنین تنگ نمایند، تا آنان به اجبار تیری کنند. اولیای امور به

برای شناخت محبت

همراهی چند شیخ و آخوند در ایول جمع شده بودند تا فرصت را مبارک دانسته و به شور بنشینند که با چه تدبیر و حیلۀ ای مقاومت و استقامت بهائیان روستائی را بشکنند و آنانرا وادار به تبری از اعتقاداتشان نمایند و به دامان اسلام برگردانند.

آنان یکی یکی وارد تکیه شدند و پند و اندرز دادند، و عواقب مقاومت را مطرح نمودند، تهدید کردند، ولی نتیجۀ ای حاصل ننمودند. گرسنگی و تشنگی هم نتوانست بر آنان تأثیر گذار باشد، طفل شیر خوار که بجای شیر خون می مکید هم گویا تن به رضاداده و مقاومت می کرد.

بالاخره آخرفته از راه رسید ولی مقاومت بهائیان شکسته نشد. صلاة ظهر را خیل عظیم جمعیت که تاریخ ایول به خود ندیده بود، به امامت امام جمعه کیاسر ادا شد. علمای اعلام قم و ساری و کیاسر و دیگر نقاط برای ثواب بردن، در ایول گردهمایی داشتند، بعد خاتمه صلاة شروع به سخنرانی نمودند و آنچه از شکوکات و ظنونات راجع به این فرقه ضالۀ در سینه خود داشتند تحویل اجتماع مسلمین دادند. حال دیگر اسراء آنان تنها افراد ساده روستائی نبودند، بلکه غیر از ضالۀ ونجس بودنشان، از عوامل فعاله جاسوسی کشور های بیگانه محسوب می گردیدند.

تنها راه رهایی آنان از بند تکیه، ترک دین و عقیده بوده، لذا جمعی از آنان وارد تکیه شدند، تا آخرین اندازات را با بهائیان داشته باشند. هر چه آنان گفتند، از جانب بهائیان روستائی پاسخ شنیدند. هر چه فشار بیشتر وارد نمودند، بهائیان بر اعتقاد خود راسخ تر گردیدند.

دیگر راهی نماند که طی نکردند، لذا شبانگاه دستور بیرون راندن آنان را از تکیه صادر نمودند. بیرون راندن بهائیان از تکیه همان، و بدست انسان های گرگ صفت دچار شدن همان.

هر کدام به سمتی به حرکت آمدند که بعضاً افراد پیر و ناتوان و مریض را بر دوش داشته، تا بتوانند از دست آنان در امان مانند. مامورین که احساس خطر نموده بودند بر ماشین خود سوار شده و به همراه دیگر اولیای امور محل راترک نمودند.

بعضی از بهائیان از ده بیرون آمده رو به صحرا و جنگل آوردند و بعضی در طویله و آغل و لانه مرغ پناه بردند و بعضی به نزدیک ترین منزل جا گرفتند. با این حال بعضی از ضرب و شتم رهایی نیافته و پیشانی فردی زخمی شد، (۲۶) ولی کسی صدمه جانی ندید. چه بسیار درب و پنجره منازل که در آن شب خورد و خمیر شد.

به این ترتیب بهائینی که توانستند آن شب از دست مسلمین رسته و از روستا بیرون روند، و ما بقی آنان که تاملین جان نداشته، روزهای بعد از ایول خارج شدند.

گرچه بهائیان تا پای جان مقاومت کرده بودند، ولی برای حفظ جان و دین و آئین خود و دفاع از آن، راهی جز ترک زادگاه خویش نداشتند. آنان همه اموال و دارائی خود را برای حفظ از کیان امر الهی فدا نموده بودند، و در خارج از روستای ایول، برای احقاق حقوق حقه طبیعی خویش، به مجاری قانون متوسل شدند، و شکایت به اولیای امور نمودند.

گرچه در همان مراحل اولیه، توانستند اثبات بی گناهی خود نمایند و نفوس محرکین را محکوم کنند، ولی دستگاه قضا هیچگاه احکام صادره خویش در مورد بهائیان از حقوق ساقط شده را به اجرا در نیاورد. قوه قضائیه شبیه سیاست بازی بخشدار کیاسر در سال ۶۲ را پیشه نمود، که در شروع برای دادخواهی روی خوش نشان داد، ولی در ادامه جز ظلم و ستم و باز نمودن ابواب جدید در اجرای آن از طریق عوامل خود اقدام دیگری انجام نداد.

قسمت اعظم اراضی کشتزار آنان که بالغ بر ۸۰ هزار هکتار می باشد به بهانه وقف، (۲۷) در همان سال اول اخراجی شان مورد تصرف اهالی مسلمان روستای ایول قرار گرفت. سال بعد واقعه مزبور

برای شناخت محبت

دومنزل از منازل بهائیان طعمه حریق شد و در ادامه تعداد بیشتری از منازل بهائیان کشاورز را عمداً به آتش کین خود سوزاندند. (۲۸)

بهائیان قسمتی دیگر از اراضی کشاورزی خود را تحت تصرف داشته، و از همان سال نخست اخراج، برای کاشت، داشت و برداشت به روستا رفت و آمد می کردند. گرچه مزاحمت فراهم بود، ولی ارتباط با زادگاه خود را قطع نکردند. هم محلی های آنان همین حداقل را بهانه نمودند و به تهمت و افترا پرداختند. بهائیان کشاورز عقب نشینی نمودند، برای رفع هر گونه سوء تفاهمی من بعد با مراجعه به دادگاه کیاسر و اخذ اجازه، و به همراهی و نظارت پاسگاه پشتکوه واقع در تلمادره، به کاشت و برداشت محصول خود پرداختند.

این رویه را هر ساله در دو نوبت و جهت جمع آوری گردو در نوبت دیگر اقدام نموده و ادامه دادند. تا قبل تخریب منازل در سال ۸۹، از منزلی که هنوز بعد سالیان دراز آباد و معمور بود، استفاده می کردند؛ تا این که برای از بین بردن آن نقشه طرح نمودند که آثار باقی مانده بهائیان از منازلشان و انبارگاه و علوفه دام و طویله احشام آنان را طعمه آتش نموده و تخریب و تسطیح و خاک برداری نمایند، تا دیگر آثاری از بقایای آنان را نظاره گر نباشند.

شاید خواستند به این وسیله، قطع ارتباط همیشگی و عدم تعلق بهائیان ایولی را نسبت به آب و خاکشان فراهم نمایند. آب و خاکی که همان قدر خود سهم و شراکت داشته، بلکه بیشتر از آن را بهائیان ایولی مالک بودند. مجدد تابستان فرا رسید و طرح از قبل برنامه ریزی و تنظیم شده آنان به اجرا درآمد. این بار اول تابستان ۱۳۸۹ را انتخاب نمودند. رحیم لیالی که در واقعه ۶۲ جوانی روستائی بود، اینک در ظل نظام اسلامی به مقام سرداری رسیده بود، و پیشاپیش بقیه حرکت می کرد.

وی طرح و برنامه خود را با مراجع رده بالای نظام مشورت می نمود، جوانان هم دوره وی که در نهادهای مختلف، مصدر امور شده بودند، به عنوان نوچه وی را همراهی می نمودند. (۲۹) آنان ابزار سنگین از لودر، بلدوزر و کامیون در محل گرد آوردند، و مخارج سنگینی را هزینه نمودند که یک شبه موفق به تخریب شوند و عملیات تاکتیکی تا صبح اتمام پذیرد، ولی غافل از اینکه منازل همه بهائیان نمی توانست در مسیر دهانه ماشین سنگین بلعیده شود، زیرا بسیاری از این منازل در مجاورت منازل مسلمین بوده، و می بایست کار تخریب با احتیاط بیشتری صورت گیرد، لذا با دست و ابزار دستی، تخریب بعضی از منازل انجام، و همین موضوع باعث گردید که کار تخریب دوام یافته و به جای یکشب، نزدیک یک هفته به طول انجامد. در تمام این مدت روستای ایول قرنطینه بود، تعدادی از مردان در خیابان فرعی به روستا از جاده اصلی ساری به سمنان، شبانه روز کشیک کشیده که میباید کسی وارد روستا شود، و از ماجرا باخبر گردد؛ و یا اقدام آنان منعکس، و عوامل شناسائی شده و سند و مدرکی از آنان باقی ماند.

به طوری که معلوم گردید، روز قبل از اقدام سردار رحیم لیالی شورائی مرکب از نمایندگان استانداری، فرمانداری، بخشداری، دادگاه و پاسگاه در کیاسر تشکیل داده و با اولیای امور هماهنگی کامل صورت داده بود.

لذا همه منتظر این بودند که کار تخریب خاتمه یابد، و بعد در صورت رجوع شکایت، به دنبال مخربین بروند. به همین لحاظ شکایات شکات را قبل وقوع جرم برای جلوگیری، و در حین ارتکاب جرم برای متوقف کردن تخریب و یا شناسائی افراد خاطی را تحویل نگرفته و یا اگر ادنی توجه ای شد، هیچ اقدام باز دارنده ای صورت نگرفت. (۳۰) بعد از پایان کار پرونده ای ایجاد شد و پیگیری نسبی صورت گرفت و منجر به صدور حکمی شد که کاملاً غیر عادلانه بود. (۳۱) بهائیان کشاورز ایولی هنوز هم

برای شناخت محبت

امیدوارند، که افراد منصف و خدا شناسی در نظام قضائی پیدا شوند، و با تحقیق و تفحص پرده از راز این پرونده باز نمایند و احقاق حقوق حقه طبیعی مسلوبه بهائیان کشاورز را به آنان مسترد دارند. یک سال بعد از حادثه تخریب و تسطیح و خاکبرداری منازل و طویله احشام و انبار گاه و علوفه کشاورزان بهائی روستای ایول، و تنظیم پرونده ای که هم اینک در مراجع قضائی در حال بررسی می باشد، فردی به نام حجة الاسلام سید کاظم موسوی (۳۲) مطالبی ساخته و پرداخته ذهن خویش در رسانه منتشر نمود، که گرچه برای ایولی ها چه مسلمان و چه بهائی، صحت و سقمش مثل روز روشن است، ولی برای غیر محلی و آنانی که حوادث این روستا را تعقیب می نمایند، لازم آمده است به مطالب مزبور اشاره نموده و آنچه که درست و صحیح است به سمع عزیزان برسد. نامبرده در ذیل عنوان «گذشته و حال و آینده» (۳۳) خبر سازی نموده و سه موضوع و عنوان ذیل را مطرح کرده است:

۱ «هنوز هم هر کجا که می رویم می پرسند مسلمانی یا بهائی؟» (۳۴)

۲ «دروغ تشکیلات بهائیت روستای ایول را سوزاند.» (۳۵)

۳ «بهائیان حسینه روستای ایول را آتش زدند.» (۳۶)

خواننده خود می تواند متن کامل موضوعات مزبور را در سایت نویسنده که در ابتدای همین مقال به آن اشاره شده، مراجعه کرده و مطالعه نماید. لذا از نقل تمامی مطالب به علت تطویل کلام پرهیز گردیده، تنها بعضی از جملات و کلماتی که خیلی برجسته به ناحق نقل و یا استنباط ناقل آن است با توجه به شماره گذاری بالا در تحت عناوینی که می توانست قرار گیرد، در ذیل دسته بندی گردید.

از طرفی هم تا آنجائی که ممکن بوده از ابتدا تا به این قسمت به اختصار سیر تاریخی جامعه ی روستای ایول در چگونگی پیدایش، سکونت، تدین عده ای به دیانتی غیر از اسلام و زندگی مسالمت آمیز تا تعارض فی ما بین پرداخته شد و در نهایت به تک بعدی دینی رسید و دگر اندیشی را نتوانست در خود هضم نماید.

و اما نویسنده سه مقال بالا قصد شفافیت موضوع را داشته، و یا وهمیاتی را تخیل کرده و نسبت به محلی داده که حداقل برای مردم روستاهای اطراف آن در هزار جریب چهاردانگه کاملاً روشن و مشخص است. از طرف دیگر بهائینی که خاطرات فراوانی از زادگاه خود در روستای ایول دارند، و در این مقال تنها قطره ای از آن بازگو شده را هر محقق می تواند تحقیق و تفحص نماید تا بر او معلوم آید که شیخ با نیت سوء خویش ره به کجا می برد؟

سیدی که در نظام اسلامی صاحب اسم و رسم شد و گرچه در کاندیدائی مجلس نهم از جانب هم شهری های خود به سید کاذب لقب گرفته است. (۳۷) انتشار صفت کاذبه اش شاید متاثر از آه مظلومانی است که دادشان در بیدادگاه نظام سردار و سید به جایی نرسید؟! قضاوت درست را تاریخ ورق خواهد زد. در ذیل سه موضوع فوق که به ظاهر دو مورد آن به صورت مصاحبه شیخ موسوی با قاسمعلی نوریان عضو شورای اسلامی ایول و پیر مرد روستائی است، و دیگری تکرار همان مطالب به انشاء شیخ و تحلیل وی از موضوع:

(الف) نحوه سکونت بهائیان در ایول و شمار آنان:

۱ «...» (از وقتی که بهائیان وارد روستا شدند... اهل همین روستا بودند... بعد ها شش خانوار بهائی دیگر از روستاهای اطراف به ایول آمدند... چهار پنج خانوار بهائی که در روستا ساکن بودند...» (۲) «... چند سال قبل از انقلاب تشکیلات بهائیت به چند خانوار بهائی به سر کردگی عبد الباقی روحانی

برای شناخت محبت

دستور می دهد که در ایول ساکن شوند... آن چند خانوار بهائی که شمار آنها به زور به پنج خانوار می رسید نه پنجاه خانوار...» (۳) «... ۶۰، ۷۰ سال پیش وارد روستا شدند»...

با توجه به متن شفافی که از ابتدا بیان گردید، بهائیان از جایی دیگر وارد این روستا نشدند. به تعبیری، ایول بهائی مهاجرنداشته است. بهائیان ایول از نسل همان مسلمانانی اند، که در پی استمرار ظهورات الهی، دیانت عصر خویش را برگزیدند و به عهد و میثاق الهی وفا نمودند.

به تعبیر قرآنی مسلمان واقعی محسوب می شوند. عبدالباقی روحانی نوه ملاحسین علی ریشه از همان آب و خاک دارد. وی در ابتدای سال ۱۳۵۰ از ایول به همراه خانواده به ساری آمد و دیگر هیچگاه به جهت سکونت دائم در ایول نبوده است.

آقای روحانی و همسرش هر دو حیات دارند و در ساری ساکنند و برای هر کسی قابل دسترسی اند تا بروند و حکایت نقل شده موسوی را از وی استفسار کنند. موسوی حداقل نام کسی را می برد که در دسترس نباشد.

ب) در چگونگی پیدایش و گسترش امر بهائی در روستا:

۱... «(جدشان بنام عبدالباقی روحانی در سفری به شیراز فریب خورده و بهائی شده بود وقتی به روستا برگشت نزدیکان و بستگان خود را که چهار خانوار بودند بهائی کرد... آنها هر سه شنبه شب یک محفل داشتند که جوانان ما را به بهائی شدن تشویق می کردند... می خواستند ده خانوار مسلمان ساکن را هم بهائی کنند... به سنگسر استان سمنان رفتند و یک مبلغ بهائی آوردند که تا صبح با مبلغ ما بحث کرد اما در نهایت تسلیم شد...»

۲... «از آنجا که اساس تشکیلات بهائیت بر پایه تبلیغ استوار است تشکیلات هر چند وقت یک بار تعدادی از خانوار های بهائی را وادار می کند که به مدت چند سال به مکان های مورد نظر آنها... بروند...»

۳... «بد بختی این است که هنوز هم بین روستاهای دیگر یا شهرهای اصلی روستای ایول را با نام بهائیت می شناسند...»

نیمی از سکنه روستای ایول بهائی بودند، پس تبلیغی صورت گرفته است که افراد مسلمان بهائی شدند. این زمانی بود که شیخ در جابلقا و جابلسای نیاکان خود بوده و از عدم بحث وارد هستی نشده بود. لذا نیازی به بهائی مهاجر از نقاط دیگر نبوده است.

بلکه بر عکس از ایول در برهه هائی از تاریخ، خانواده هائی بر اساس عشق مهاجرت، از ایول راهی نقاط مهاجرتی شدند، نه با فشار و اجباری که موسوی حکایت از آن دارد. یا شیخ مگر نمی دانی که پایه و اساس اسلام بر هجرت است و بدعت حضرت رسول اکرم (ص).

آب با همه زلال و شفافیتی که دارد، وقتی در جایی راکد بماند، می گندد. باید همچون رودخانه جاری شد و در صورت ضرورت به هر کجا که مصلحت است، سفر کرد و متوقف شد و تغییر و تحول ایجاد نمود، اقدامی که سیره نبوی بوده است.

بر خلاف شیخ که به دنیا دل بسته و به آن چسبیده و فکر می کند که حرکت، باعث از دست دادن همه ی موقعیت ها و شرایط است.

اولاً جامعه بهائی از سال ۶۲ تشکیلات رسمی در ایران ندارد. در ثانی با توجه به اشرافی که در زمان موجودیت خود داشته، مکان مهاجرتی را به خانواده بهائی پیشنهاد می داده، و به میل خانواده مهاجرت انجام می شد و البته به آن افتخار هم می کرد. بله، بسیار سفر باید کرد، تا پخته شود خامی. ولی مواد خام تا تقلیب نیابد و تغییر و تحول را تجربه نکند، باز همان مواد خام است. باید مدینه قلب را از ضغینه

برای شناخت محبت

و بغضا زدود تا قابل اشراق تجلیات الهی قرار گیرد. شیخ کاش در این سفر، پای سفره درد دل پیرمردان و پیرزنان بهائی می نشست که گرچه شکایت از اهل دنیا دارند، ولی آنچه بر آنان در سیل الهی وارد شده، افتخار می نمایند. انصاف لازم است.

ج) ظلم و ستم بهائیان:

۱... «(ظلم بهائیان در حق اهالی روستا... در این شب ها بلند گوهایمان را می گرفتند و پرچم های مان را می شکستند... بهائیان در حق اهالی ظلم بسیاری کردند... خانم های بهائی با بدترین وضع پوشش در روستا می گشتند تا جوانان را منحرف کنند.. آنها حتی آب فاضلاب شان را به سمت تنها چشمه روستا هدایت می کردند... آنها جلوی ما را می گرفتند در مراسم مذهبی بلندگوهایمان را قطع می کردند... بی جهت مردم را اذیت می کردند و به ساواک گزارش می دادند... ساواک چند جوان را دستگیر کرد یکی از آنها به نام تیمور نوریان عموی من بود که به بدترین شکل شکنجه شد آنها تا زمان انقلاب به همین کارها ادامه دادند...»

۲) «... بهائیان این منطقه هم طبق دستور شروع به تبلیغ و کار شکنی و گرفتن بلند گوها در اعیاد و مراسم مذهبی مسلمانان را کردند آب فاضلاب خانه هایشان در تنها چشمه روستا و تشویق زنان و دختران به بی حجابی... جاسوسی برای رژیم منحوس پهلوی و لو دادن جوانان مسلمان روستا به دلیل مخالفت با شاه...»

۳) «... خاطرات پیر مرد روستائی که به چشم خود شاهد رفتار بهائیان بوده است دلیل محکمی بر ظلم هایی است که اعضای این فرقه ضاله نسبت به مردمان روستای ایول روا داشته اند... تمام مشکلات ما ناشی از آنان است... ما در گذشته قبل از انقلاب هیچ جائی نمی توانستیم برویم هر کجا می رفتیم باید کلی قسم و آیه می آوردیم که مسلمانیم حتی در طوفانهای شدید هم به هیچ عنوان ما را راه نمی دادند و باید بر می گشتیم و یا می مردیم... صد در صد اطمینان دارم که آنها حسینیه را آتش زدند مگر بچه مسلمان حسینیه را آتش می زدند...»

بهائیان فرازی از بیان الهی را از حفظ اند و مناسبت دارد که در این جا نقل نماید که مشمول خودشان و دیگر نفوس انسانی است:

«ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمائید که قسم یاد نموده ام از ظلم احدی نگذرم و این عهدیست که در لوح محفوظ محتوم داشتم و به خاتم عز مختوم.» اگر به ادعای شیخ، بهائیان ظلمی نمودند، به مفاد همین بیان کوتاه دیگر نمی توانستند بهائی باشند.

چون بهائی کسی است، که عموم اهل عالم از ضرر دست و زبان او در امان و آسوده باشند، تا چه رسد به هم محلی. شیخ به زبان قاسمعلی راست گفته است که در پایان مقال اول آمد: «خدا لعنتشان کند مردم این روستا را گرفتار کرده اند.» قاضی الحاجات لعنش را نصیب ظالم خواهد کرد. کار خدا، دیر و زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد! و یا به تعبیری دیگر، چوب خدا صدا ندارد، اگر بزند دوا ندارد!

د) نحوه ترک بهائیان از محل و بعد آن:

۱... «(بعد از انقلاب در سال ۶۰ متواری شدند... وقتی که می خواستند بروند نامه دادند که اگر ما مسلمان شدیم بر میگردیم در غیر این صورت دیگر نمی آئیم اما چند سال پیش با چند نفر مامور از پاسگاه آمدند و دیوار های باقیمانده را خراب کردند و چوب های شان را فروختند و به ما رسید دادند اما باز هم به بهانه های مختلف به روستا آمدند... مردم سراغ خانه های آنها نرفتند آنها بعد از انقلاب از این روستا رفتند و خانه هایشان به مرور تخریب شد... به هیچ وجه مردم ایول در تخریب این خانه ها دست نداشتند این خانه ها به مرور زمان خراب شده اند...»

(۲) «... به برکت انقلاب این روستا از لوٹ وجودشان پاک شد و بیش از ۳۰ سال است که... خانه های کاهگلی و سست خود را رها کرده و چتر تبلیغاتشان را در جای دیگر پهن کردند خانه هایشان بر اثر عوامل طبیعی همچون باد و ریزش برف و باران به مرور زمان تخریب شد...»

(۳) «... درست است که از این جا رفتند... مخفی می آیند و مخفی هم می روند... یکی از آنها فردی به نام شهاب الدین ثابتی بود که از آمریکا آمده بود... خانم های بهائی... می گفتند: «روستائیان ایول خانه های ما را خراب کرده و ما را آواره کردند.» در حالی که برعکس است... شما باور کردید که مسلمانان آن هم مسلمانان روستائی که این همه در انقلاب نقش داشته شهید داده جانباز داده بیاید خانه بهائیان... آتش بزنند... حالا ما بیائیم خانه اینها را آتش بزنیم...»

در آوارگی بهائیان در سال ۱۳۶۲ قاسمعلی نوریان به بیان شیخ اگر ۳۸ ساله بود، ۱۰ سال داشت. حتماً یادش می آید که در ایول چه حماسه ای آفریده شد. شاید در آزادی بهائیان از تکیه قاسمعلی هم سنگ یا چوب در دست داشته که پیر مرد و یا پیر زنی که نمی توانسته فرار کند، و یا بر دوش فرزندش سنگینی می کرد و نمی شد که با آن حال فرار نمود، ضرب شصت اش را خورده باشد! دیگر اینکه این بار برای رفتن به نقاط دیگر به قول شیخ، تشکیلات بهائی اقدام نکرد؛ بلکه خیل جمعیت با تحریک نفوس نا آگاه بهائیان ایول را در مسیر اراده الهی قرار دادند تا از روستائی که به بهائیت شهره تام دارد و اقرار شیخ هم به آن است، در نقطه ای دیگر رسالت انسانی - الهی خود را ایفا نمایند. معلوم نیست شیخ اهل دل هست یا نه؟

بهائیان ایول اهل دلند احساس و عواطف دارند به یاد زادگاه خود و خاطرات زندگی در آن می باشند لذا در اوج چنین طغیان درونی، دل به دریا زده به کنار و گوشه زادگاه خود می روند، خاک متبرک آن را می بوسند، هوای آن را می بویند و بر می گردند. شهاب هم یکی از جوانان آن خطه بود. در ایول زاده شد، در دامان پرمهر پدر و مادر بزرگ شد، به مدرسه رفت و هزار خاطره دیگر، او اگر هوای وطن خود می کند، باید مشمول هزار آفرین باشد، نه لعن و طعن. نویسنده چقدر بی انصاف است که چنین سفرهای کوتاه، مانند سفر شهاب را که شاید روزانه انجام می شود به باد انتقاد می گیرد و مثل این است که وارد منطقه ممنوعه شده که از نظر سوق الجیشی باید ممانعت و حتی تعقیب قانونی نمود و آن را نشان جاسوسی گرفت! تخریب منازل و ساختمان ها مفصل به آن پرداخته شد و پرونده آن هم در حال بررسی در مراجع قضائی است تاریخ در خود این گونه حوادث را دفن نخواهد کرد دیر یا زود چهره خواهد گشود.

ه) مایملک بهائیان در ایول:

۱... «(زمین که خیلی نداشتند کل زمین هایشان به ۸ تا ۱۰ هکتار می رسد ولی از آن استفاده نمی کنند... زمین ها مصادره نشده اما مردم هم از آنها استفاده نمی کنند... خدا شاهد است که من در عمرم تراکتور داخل زمین بهائی نبردم...» (۲) «... در این مدت برخی از ساکنان بهائی سابق به بهانه های مختلف به روستای ایول می رفتند تا سر و گوشی به آب بدهند و ببینند آیا مسلمانان چند هکتار زمین و چوبهای باقی مانده از خانه های فرسایش یافته شان را تصرف کردند... آنها حتی حاضر نیستند از کنار زمین های بهائیان رد بشوند چه برسد به تصرف در آنها...»

این که جای شکرانه دارد و نشانی از مسلمانی، که تراکتور داخل زمین بهائی نبرده و خدا را هم شاهد گرفته است و با حاضر نیستند که از کنار زمین بهائی رد شوند، تا چه رسد به داخل آن. چنین حرفی اگر توام باعمل باشد، بهائیان ایولی حاضرند دست چنین مسلمانی را ببوسند، البته اگر به قولشان نجس نشوند! سر و گوش آب دادن بهائی در بالا آمد ولی این که زمین زیاد دارند یا کم، بهائیان برای کم و

برای شناخت محبت

زیاد زمین شان سند و بنچاق ثبتی دارند. اگر کسی نداند، قاسمعلی که می داند زمین های مرگو بیش از ۸۰ هزار هکتار آن مال بهائیان است و وقف اولاد ذکور بر اساس اطلاعیه اداره اوقاف، نه وقف حضرت سید الشهداء (ع) که به این نام مقدس قریب ۳۰ سال است که مسلمین ایول آن را در تصرف خود دارند و در مراجع قانونی متوسل به فتوای آیه الله جمارانی شدند که قانون به آن وقعی نهاد و حکم خلع ید آن صادر و اجرا شد. اتفاقاً غاصبین آن از بستگان قاسمعلی نوریان هم بودند.

(و) اتهامات و افتراءات:

۱... «(خانم های بهائی با بدترین وضع پوشش در روستا می گشتند...
۲)... تشکیلات بهائیت که به راحتی آب خوردن دروغ می گویند... دروغ شاخدار تشکیلات...
ادعای دروغین... مظلوم نمائی... سفسطه بازی... واقعه دروغین... اعضای فریب خورده و شستشوی مغزی داده شده... دروغهای تشکیلات بهائیت... مسلک از پایه ویرانشان... تشویق زنان و دختران به بی حجابی... جاسوسی... جاسوسی برای رژیم منحوس پهلوی... فیلم بازی کردن... نجس... مالشان حرام... داستان دروغین آتش سوزی... رفاقت گرمابه و گلستان بودن شبکه بی بی سی و بهائیان... دروغ و ملعبه بهائیان...»

۳) بهائیان که دین ندارند آئین ندارند و فرقه ای ضاله هستند... بهائیان در کتاب اقدس شان و ایقان شان و بیان شان دستور دارند که باید هفتاد پیغمبر را به قتل برسانند اینها نه طهارت دارند نه پاکی و نه تقوا خدای اینها میرزا علی محمد باب است...»

این افتراءات و اتهامات به طول تاریخ ۱۶۸ ساله جامعه بهائی سابقه دارد، نیازی به جواب ندارد و از تهمت های سوخته محسوب می آید. حال دیگر هم وطنان ایرانی می دانند چه کسی دین دارد و چه کسی دین ندارد؟

الحمدلله هنوز بعد از ظهور امر بهائی پیامبری نیامده که بهائیان یکی را بکشند تا چه رسد به هفتاد را. ولی بر اساس تحقیقات مرحوم استاد مطهری در کتاب حماسه حسینی که توصیه می شود هر بچه مسلمانی آن را بخواند، حضرت سیدالشهداء (ع) و اصحاب با وفایش را در دشت کرب و بلا، شیعه آل علی به شهادت رساندند. این اولی، دومی را امثال شیخ اقرار و اعتراف به آن دارند که نیاکانش دستشان به خون سید شیرازی، حضرة نقطه اولی آلوده شد و هزاران نفر از هم وطنان ایرانی به جرم دگر اندیشی از جمله اقرار و اعتراف به بهائی بودن، خونشان مباح اعلام شد. به تاریخ جامعه بهائی رجوع نمائید تا ببینید که امثال شیخ با نفوس انسانی به جرم تغییر دین و آئین چه کردند، که قوه آن را خداوند به هر انسانی داده و آن قوه اختیار و گزینش است. کتب مقدسه بیان، ایقان و اقدس در دسترس همگان است، مراجعه نمائید. کمی ادعای شیخ شبیه نوشتار آیات شیطانی سلمان رشدی است ولی شیخ آسوده بخوابد بهائیان محیی اند نه ممیت. و جانش از دست بهائیان در امان است!

یاد داشت ها:

۱ (حجة الاسلام سید کاظم موسوی نماینده مردم اردبیل، نیر، و نمین و سرعین در مجلس هشتم می باشد. رشته تحصیلی اش حقوق جزا است. وی راکارشناس تاریخ معاصر می دانند. موسوی در کمسیون های مجلس از جمله: «آموزش و تحقیقات»، «حقوق و قضاء» و «مجمع روحانیون» عضویت دارد. وی سر دبیر ماهنامه شفافیت می باشد.

۲ (ماهنامه شفافیت، اولین نشریه تخصصی حمایت از قربانیان فرقه در ایران می باشد که به همت موسسه مطالعات و روشنگر منتشر می شود.

۳ (سایت خیر رسانی مربوط به نشر سه مقاله @yahoo.com: ۱۳۸۷ kaktos می باشد که در ذیل گذشته، حال و آینده آمده است و در ردیف آبان ماه ۹۰ و شهریور ماه ۹۰ قابل جستجو می باشد. البته روش های دیگر هم می توان به این مطالب دست یافت از جمله جستجو از طریق همان عناوین است.

۴ (روستای ایول در جنوب شرقی شهرستان ساری با عرض ج.: ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه و طول ج.: ۵۳ درجه و ۴۱ دقیقه واقع می باشد. ۱۷۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع، و از ساری ۹۰ کیلومتر فاصله دارد و در حد فاصل بین دو شهر ساری و شه میرزاد واقع شده است.

۵ (وجود چشمه زار های فراوان در روستای ایول و اطراف آن، ابتدا این محل را به نام او-ول معروف نموده بود یعنی مکانی که در آن آب رها شده است و به تدریج اوول تبدیل به ایول شد.

۶ (علت تسمیه این بخش به چهار دانگه سورتیچی، مر بوط می شود به واقعه قلعه شیخ طبرسی و کشته شدن عبدالله خان سورتیچی در محاصره و حمله به اصحاب جناب ملا محمد علی بارفروشی ملقب به قدوس، که مختصر آن از این قرار است:

(الف) «... حاج مصطفی خان ترکمان به شاه [ناصرالدین شاه] عرض کرد... اگر میل مبارک باشد فرمان بفرمائید باسم برادرم عبدالله خان ترکمان که برود و آتش این فتنه را خاموش کند... چون این فرمان و نشان به عبدالله خان رسید... طولی نکشید که لشکر بسیاری بالغ بر ۱۲ هزار نفر از طوایف مختلف... اطراف قلعه را محاصره کرد... شب پنجم محرم سال ۱۲۶۵ هجری... در مدت ۴۵ دقیقه اصحاب فاتح و غالب گشتند جناب ملاحسین و قدوس بقیه لشکر فراری را اسیر کردند عبدالله خان ترکمان و دو نفر از روسای لشکرش و حبیب الله افغانی و نورالله افغان در این هنگامه به قتل رسیدند و ۴۳۰ نفر هم از لشکر عبدالله خان مقتول گشتند.» (ماخذ: تاریخ نبیل [مطالع الانوار]، تلخیص و ترجمه جناب اشراق خاوری، ۱۲۳ ب، ص: ۳۶۷-۳۷۲)

(ب) «... هنگام تاجگذاری ناصرالدین شاه بود و شاه سرکوب این غائله را به عهده بزرگان مازندرانی که در مجلس حاضر بودند، گذاشت. بنا براین حاج مصطفی خان سورتیچ این مهم را به برادرش آقا عبدالله واگذار می کند و برادرش با همکاری محمد سلطان یاور، علیخان سوادکوهی از سوادکوه و هزار جریب رزمنده و تفنگچی جمع می کند... به قلعه شیخ طبرسی حمله می کنند که در نتیجه آقا عبدالله سورتیچ و عده ای از همراهانش کشته می شوند... ناصرالدین شاه... به پاس خون شهید آقا عبدالله سورتیچی، کلیه املاک خالصه چهار دانگه را طی فرمانی به حاج مصطفی خان می بخشد... چهار دانگه به این ترتیب با مرکزیت کیاسر به چهار دانگه سورتیچی مشهور شد.» (ماخذ: بازخوانی تاریخ مازندران، به کوشش اسدالله عمادی، ص: ۲۵۴.)

۷ (هزار جریب، «کوهستانی که در جنوب مازندران گسترش یافته و از مرز باختر به شکل قوسی به خاور کشیده شده است در هر بخشی به نامی خوانده می شود و در حد فاصل سواد کوه به استر آباد (گرگان) هزار جریب نام دارد و سرزمین آن به دو بخش تقسیم شده است. چهاردانگه و دودانگه. چهاردانگه نیز سه قسم است: چهاردانگه سورتیچی، چهاردانگه مسعود الملک و چهاردانگه شهریار و قسمت مهم دشت دو دانگه که از جنوب و شمال به کوهستان متصل است فریم نام دارد.» (ماخذ: تاریخ مازندران، ج ۱، اسماعیل مهجوری.)

۸ (کیاسر مرکز بخش چهاردانگه سورتیچی است و در چند سال اخیر شهرستان شده است و از جمله دادسرای عمومی دارد. فاصله روستای ایول از کیاسر حدود ۲۰ کیلومتر می باشد. کیاسر در ۷۵ کیلومتری شهر ساری و در مسیر جاده ساری - سمنان واقع است.

۹ (خریداران اولیه شش دانگ روستای ایول عبارت بودند از: استا کلیم الله موقفی، استا حب الله موقفی، سعد الله اسماعیلی، بابا جان ملائی، ولی الله جذبانی و عبدالباقی روحانی. این شش نفر هر یک به نمایندگی از طرف تعدادی از روستائیان ایول، شش دانگ روستا را خریداری نمودند. از این شش نفر به جز دو نفر بقیه بهائی بودند. اسماعیلی در دوره حیات خود مدتی بهائی بود و لی در زمان معامله ایول مسلمان، و ملائی هم مسلمان بود. دکتر نادری مالک روستای ایول در زمان حیات خود وصیت نمود که زمین شش دانگ ایول به بهائیان ایولی فروخته شود و دکتر اعتماد که وکالت فروش زمین را داشت، نظرش اجرای وصیت بود. ۴ نفر بهائی نامبرده نزد همسر مرحوم دکتر نادری رفته و وساطت کردند تا قبول نمایند آن دو نفر مسلمان که به نمایندگی حاضر شده بودند، در خرید مشارکت داشته باشند. ایشان پذیرفتند و معامله محضری به نام شش نفر ثبت گردید.

۱۰ (صاحب تفسیر قرآن مجید وصیت نموده بود که این اثر نفیس، نزد اولاد ذکور خانواده وی محفوظ ماند و باعث برکت آن خانواده شود. بنا به سفارش صاحب اثر، هریک از اولاد ذکور نیز چنین وصیت کردند و این اثر محفوظ مانده است.

۱۱ (ماهفروزک در قسمت جنوبی جاده ساری قائم شهر واقع است. جناب ملا علی جان در مدرسه سلیمان خان ساری و مدرسه میرزا زکی بابل، تحصیل علمی - دینی زمان خود نمودند و بر اساس تحقیق و تفحص به امر بدیع ایمان آوردند. همان گونه که در متن اشاره شد باعث اقبال دوست خود جناب ملا حسین علی شدند. این دوستی دیری نپائید که با شهادت جناب ملا علی جان در طهران به سال ۱۳۰۰ ه. ق. خاتمه یافت. جناب ملا علی جان دو بار به ایول سفر، و از دوست خود دیدن نمودند. بعد از شهادت، جناب ملاحسین علی برای تسلیت به ماهفروزک آمدند و در این سفر فرزند دلبندهش به نام میرزا آقاجان را از دست دادند.

۱۲ (حی به حروف ابجد مساوی ۱۸ است. حروف حی نفوس اولیه ای می باشند که به حضرت باب ایمان آوردند و به تبلیغ امرش پرداختند. نیمی از حروف حی در واقعه قلعه شیخ طبرسی مازندران به شهادت رسیدند. یکی از شهداء قلعه و چهاردهمین حرف حی جناب ملا یوسف اردبیلی، هم شهری سید کاظم موسوی است. چنانچه موسوی از نظر آباء و اجدادی اصالت اردبیلی داشته باشد، چه بسا فامیلتی هم در میان باشد. ولی تفاوت را از فرقدان تا ارض، فرق دان، بلکه فرق بی منتهی در میان. آن جان تسلیم جانان نمود و این جانانش دنیا و به تعلقات آن دل بسته است و برای وصول بیشتر به آن که در نهایت قبر آدمی خواهد شد با که سر نزاع دارد! به قول شاعر: چراغی را که ایزد بر فرورد هر آن کس فوت کند ریشش بسوزد.

۱۳ (سه واقعه، در صدر امر بدیع از اهمیت به سزائی برخوردار است. هر سه آن در اوائل پادشاهی ناصر الدین شاه واقع گردید. تقریباً در دو سال اول پادشاهی اش به وسیله قوای محلی و دولتی سرکوب شد: نخست واقعه قلعه شیخ طبرسی است که اشاره شد. به دنبال آن آقا سید یحیی دارابی، معروف به وحید دارابی با اصحابش در قلعه خواجه نیریز محاصره شدند و در نهایت وی و تعداد کثیری از مومنین به شهادت رسیدند. بعد آن جناب ملا محمد علی زنجانی، ملقب به جناب حجت زنجانی با اصحابش در قلعه علی مردان خان زنجان محاصره گردیدند و بیش از دو واقعه یاد شده شهداء داشته اند. تاریخ مفصل هر سه واقعه، در کتب تاریخ عصر قاجار آمده است و به صورت جدا گانه نیز توسط مورخین بهائی و مسلمان و حتی نفوس غربی به رشته تحریر در آمد. در هر سه واقعه نیروهای محلی و دولتی با تجهیزات کامله دوران خود، عاجز از شکست اصحاب مومنین شدند. در هر سه واقعه، سران قوه به راهنمایی علما به خدعه و نیرنگ متوسل گردیدند، قرآن مهر کردند و قسم

یاد نمودند که اصحاب خلع سلاح شده و به خانه های خود روند. اصحاب به احترام کلام الله چنین کردند، ولی به محض خروج و بدون سلاح از دم تیغ قوای محلی و دولتی گذشتند.

۱۴ (ر. ک. به ش. ۱۱. جناب ملا علی جان را ۴۰۰ سوار به همراه تعدادی دیگر از بهائیان محلی دستگیر و از ماهفروزک به ساری و با غل و زنجیر به طهران بردند و به فرمان شاه و فتوای علما وی را در میدان قاپوق معروف به میدان اعدام به شهادت رساندند. قبل شهادت وضو ساخت و نماز و دعای شکرانه خواند. سپس از میر غضب خواست کمی از رگ گردنش را ببرد، خون خویش بر کف دست جمع کرد و رو به خیل جمعیت پاشید و گفت: من به این خون خودم شهادت می دهم به آنچه که معتقدم بر حق است. سپس به ضربت شمشیر میر غضب سر از تن جدا شد و به ملکوت الهی سفر نمود. کیفیت شهادتش باعث اقبال جعی از نفوس تماشاچی گردید. در آثار الهی ملقب به علی اعلی شد و چنین مسطور است که در حین شهادت ملائکه مقربین به استقبال وی آمده و اُدخل، اُدخل یا علی سر دادند. سرگذشت وی را می توانید در کتاب مصابیح هدایت، ج ۴ مطالعه نمائید.

۱۵ (فرزندان جناب ملاحسین علی عبارت بودند از، میرزا وجیه الله و میرزا آقا جان که هر دو در جوانی وفات نمودند و نسلی نداشتند. فرزند دیگر، جناب مقدس روحانی است. وی با دختر استاد محمد حسین موفقی به نام تاج خاتون ازدواج نمود که از جمله فرزندان وی عبدالباقی روحانی است. در مقاله سید کاظم موسوی اسم وی آمده است که بهائیت را به ایول آورده است! این فرد نوه ملاحسین علی و در قید حیات است. کذب مطلب سید را توجه فرمائید! دیگر فرزندش ربابه است، که با میرزا فرج الله نعیمی ازدواج نموده و فرزندان از خود به جا گذاشته است. فرزند دیگرش، ملا باجی می باشد. از جمله فرزندان ام لیلا، خلیل معروف به خلیل عمو می باشد.

۱۶ (نام همسر استاد محمد حسین، سید گوهر بود. در این خانواده فرزندان به دنیا آمدند به نام های، کلیم الله و حب الله موفقی و تاج خاتون. و اما علی اکبر فرزندان به نام های علی اصغر اکبری و عبدالحسین بینائی داشت. علی اکبر برادری داشت به نام گل بابا که پدر ظهور الله پیری است.

۱۷ (جمال الله موفقی معروف به پیر جمال، داماد ملاحسین علی و نام همسرش ملا باجی، بانویی فاضله بود. در این خانواده یک پسر به نام محمد و سه دختر به نام های حوریه، عمه گل، ننه جان به دنیا آمدند. پیر جمال در علم گردش ایام محرمة علمدار محل بود و بعد از وی مثنی بابا علم را تحویل گرفت. علی النقی را دو فرزند پسر بود به نام های جمال الله که ذکرش در بالا آمد و بدیع الله. و یک دختر داشت به نام سکینه که معروف بود به سکینه خاله. وی همسر باقر بود که با اینکه مسلمان بود ولی خیلی به ملاحسین ارادت داشت. در خانواده سکینه و باقر فرزندان به دنیا آمدند به نام های میرزا علی، میرزا آقا جان و میرزا ولی الله جذبانی.

۱۸ (از جمله افراد و خانواده های دیگر ایولی که بهائی بودند، عبارتند از: دارابی، نوبخت، درخشان، ثابتیان، صادقی، خدابنده، احمدی، تقوی، و... به جهت تکمیل اسامی یک بار دیگر تنها به ذکر فامیلی خانواده های بهائی که در ایول زندگی و زمین مزروعی ثبتی دارند از بالای محل تا پائین محل می پردازد و هریک از این فامیلی شامل خانواده های گسترده است و طبیعی است که هرچه تاریخ به جلو میرود، گسترده تر می شود: دارابی، نوبخت، درخشان، ثابتیان، جذبانی، خوش نواز، لقائی، حسینی، موفقی، خردمند، بینائی، نعیمی، اکبری، احمدی، روحانی، تقوی، خجیری، صادقی، خدابنده (بدیعی)، پیری (نیکو منش)، عالیشاهی (عالی). خانواده های مسلمان ایولی عبارتند از: درخشان، اسماعیلی، خرشاد (اولی)، لیالی، رجبی، ملائی، نوریان، روحی، مجیدی، مقیمی، موسوی، فلاحپور و

برای شناخت محبت

عالیشاهی. به طور تقریب می توان گفت که در آباء واجدادی بین خانواده های بهائی و مسلمان نسبت های نسبی بیشتر از سببی است.

۱۹ (محفل روحانی ایول در حدود سال ۱۳۰۰ش. تشکیل شد. بهائیان ۲۱ سال به بالا از زن و مرد می توانستند از بین خود ۹ نفر را انتخاب نمایند. در انتخابات بهائی، تبلیغات و پروپکاند شبیه آنچه که سید انجام داد و مخارج سنگین متحمل شد وجود ندارد. رای هر فرد به صورت کاملاً سری در صندوق آرا قرار می گیرد. هر فرد آزاد است که به هرکسی که خود تمایل دارد، رای دهد. بر برگه آراء باید اسامی ۹ نفر توسط انتخاب کننده ثبت شود. از بین کسانی که رای به نام آنان صادر شد، ۹ نفر اول که بیشترین آراء را دارند، اعضای محفل روحانی آن محل به مدت یک سال می باشند. هر سال در اوائل اردیبهشت تجدید انتخاب صورت می گیرد. بهائیان ایول قریب ۹۰ سال قبل محفل روحانی تاسیس کرده بودند و تا سال ۶۲ این تشکیل را سالیانه داشتند. چند ماه بعد از اخراجشان بر اساس حکم دادستان انقلاب این مشروع روحانی - اجتماعی - اخلاقی در ایران تعطیل اعلام شد.

۲۰ (اولین معلمی که کلاس درس را به صورت رسمی و عمومی در روستای ایول شروع نمود، همزمان با تاسیس محفل روحانی ایول، به نام میرزا عبدالعلی شهمیرزادی شاعر و متخلص به شهاب بود. وی دو سال در ایول تدریس کود. بعد از شهاب، میرزا عوض محمد جذبانی سنگسری در ایول به مدت یک سال معلم شد. دو برادر بعد از وی متصدی آموزش و پرورش شدند، به نام های میرزا فرج الله و ذوالفقار نعیمی به مدت دو سال. بعد آن لطف الله فارسیان شیرازی و سپس فضل الله ثابتیان و محمد موفقی به خدمت تدریس موفق شدند. تا این که در سال ۱۳۲۵ مدرسه دولتی در ایول دائر گردید. اولین معلمی که از طرف اداره آموزش و پرورش ساری، عازم ایول شد آقای سید حسین خدادادی بود. در آن زمان مدرسه ایول ۴ کلاسه بود. سال ۱۳۳۴ که نعیم نعیمی معلم و مدیر مدرسه شد، به همراهی زین العابدین ملائی، در این دوره کلاس ابتدائی به شش کلاسه کامل شد. در این زمان تعداد محصلین ۱۲۰ نفر با چهار آموزگار به مدیریت نعیمی و از ۷ روستای مجاور که در دبستان ایول تحصیل می کردند.

۲۱ (دیگر افرادی که به امر بهائی گرویدند بیشتر در وصلت با بهائیان بوده که بعضی بر همان دین آباء و اجدادی خود ماندند و بعضی به دین همسر خود درآمده و فرزندان خود را به روش آئین جدید تربیت نمودند. حتی خانواده هائی در ایول سراغ داریم که مادر مسلمان و پدر بهائی ولی فرزندان همگی در ظل امر بهائی اند.

۲۲ (اشرار در ابتدا، میرزا آقاخان جذبانی، جمال الله موفقی، فرج الله نعیمی، فضل الله ثابتیان، سید اسماعیل درخشان را احضار، و در طویله کدخدا، یعقوب ملائی محبوس و ضرب و شتم شدید نمودند. سپس به روستای کردمیر تبعید نمودند. فردا مجدد برگرداندند و دو برادر کلیم الله و حب الله را هم به جمع آن ها افزودند. دیگر بهائیان را آواره کرده و محبوسین را سه شبانه روز اذیت و آزار شدید نمودند. دار و ندار بهائیان را غارت کردند و سپس محبوسین را آزاد نمودند. در نهایت منجر به شهادت جناب جذبانی شد.

۲۳ (مهمترین وقایع در این دو سال، مربوط به ایام رمضان و اذیت و آزار بهائیان در این ماه بود. در سال ۱۳۲۵ به دروغ تهمت زدند که بهائیان فرد مسلمانی به نام ابوطالب رجبی را مجبور به خوردن روزه نمودند. مسلمین شکایت به کدخدا و بعد اطلاع رسانی به حاج علی یساری نماینده ارباب در ایول شد. در نتیجه منجر به حبس برادران حب الله و کلیم الله و فضل الله ثابتیان و فرج الله نعیمی در طویله کدخدا و اذیت و آزار آن ها انجامید. بهائیان محل وساطت کردند و جریمه ای پرداخت نمودند، تا

آنان را آزاد کردند. رمضان سال ۱۳۳۴ مربوط به سخنرانی واعظ فلسفی در رادیو ایران بود. انعکاس آن در ایول منجر به شکایت مسلمین همراه با تهمت واقفرا از بهائیان به ژاندارمری کیاسر شد. ماموری به ایول آمد و میرزا فرج الله نعیمی و استا کلیم الله موفقی و فضل الله ثابتیان و علی اصغر اکبری به منزل دهبان احضار شدند، از آن جا آن ها را به ژاندارمری کیاسر بردند و باز جوئی به عمل آوردند. وقتی معلوم گردید شکایت بی اساس است، ژاندارمری آن ها را آزاد نمود.

۲۴ (اسامی اعضا انجمن اسلامی ایول عبارت بود از: زین العابدین ملائی، اکرم مجیدی، حاج عاقل ملائی، سید محمود درخشان، و حسین رجبی. همراه با تحریک معلم مدرسه، خسرو فروزنده و قبول و مهور نمودن استشهادیه توسط کدخدا محل، عباس علی لیالی. از جمله مطلب این استشهادیه، محرومیت بهائیان در استفاده از شالیکوبی ایول بوده است. مسئول شالیکوبی وهاب ملائی بود.

۲۵ (گروه انتظامات ۲۸ نفر بودند: ۱۱ نفر زن و ۱۷ نفر مرد به نام های: ماه روزه دختر عشق علی، فاطمه دختر حسین رجبی، محرم دختر ید الله، فاطمه دختر گل برار ملائی، نرگس همسر علی محمد ملائی، زری همسر مرتضی ملائی، ثریا خواهر حسین رجبی، کل ننه دختر نور محمد، اشرف و حرمت دختران سید آقا درخشان و ثریا دختر غنی لیالی. ومردان: نادعلی و فرض علی فلاح پور فرزند محمد، الیاس لیالی فرزند غنی، رحیم لیالی فرزند عبد العلی، علی محمد ملائی فرزند گل برار، مرتضی ملائی فرزند زین العابدین، علی ملائی فرزند گل عمو، حسین قلی و علی محمد غفاری فرزند حسین علی، میرحاجی موسوی فرزند میرباقر، فرشاد موسوی فرزند شعبان، فرق علی نوریان فرزند عبدالله، تیمور نوریان فرزند نورالله، علی رضا اسماعیلی فرزند یدالله، عبدالله مجیدی فرزند امرالله، ابراهیم مجیدی فرزند اکرم، فرزاد رجبی فرزند عزیز. این افراد از طرف انجمن محل آرم انتظامات بر بازوی آنان بسته و وارد منازل بهائیان شدند و تا حدی امور شرعی را رعایت نموده زنان انتظامات با زنان بهائی و مردان انتظامات با مردان بهائی مواجه، و آن ها را از منازل شان بیرون نمودند. هیچ گونه بهانه از قبیل بیماری و یا کهولت سن و... قابل قبول نبوده و به اجبار هم شده کار خود را انجام دادند و ترحمی در کار نبود. خیل عظیم جمعیت آنان را مشایعت، و با شعار یا اعدام یا حرکت یا اعدام یا اسلام و... همراهی می نمودند.

۲۶ (انسجام و همبستگی و هماهنگی بین کشاورزان بهائی ایول، در ضوضاء وغوغا و بلوائی که صورت می گرفت، بیشتر از قبیل می شد. آن ها برای حفظ چنین وحدتی، تصمیمات و مشاورات نمایندگان خود در محفل روحانی را گوش می کردند و اطاعت می نمودند. حتی برای حفظ اتحاد و اتفاق، حاضر به جانفشانی بودند. این وضعیت تا داخل تکیه حفظ شده بود. زمانی که اولیای امور درمتری نمودن بهائیان عاجز ماندند، و درب تکیه را برای آزاد کردن بهائیان باز کردند، محرکین و مسببین واقعه از این اقدام اولیای امور به خشم آمده، و آن ها را سازشکار نامیدند و شروع به شعار دادن علیه آنان کردند. تحریک آنان باعث شد که مردم به آن ها حمله ور شدند به طوری که دندان سربازی شکست. وقتی وضعیت به این حالت در آمد، مامورین و اولیای امور و بعضی از علما همگی محل را ترک کردند، بهائیان ماندند و تعقیب و گریز با مسلمین. بنابراین بهائیان در وضعیت بحرانی غیر قابل پیش بینی قرار گرفتند، لذا هر یک و یا هر خانواده ای برای نجات خود و اعضای خانواده خود اقدامی نمود. در آن وضعیت، عده ای که فارغ البال تر بودند و خردسال و یا پیر و مریض نداشتند، به سرعت جان خود را به سلامت به در بردند. زیرا از تاریکی شب استفاده کرده و از ایول خارج شده و خود را به داخل باغ یا جنگل اطراف رساندند. عده ای دیگر به منازل خود مراجعه و در آن پنهان شدند. خانواده هائی با همدیگر به نزدیک ترین منزل مامن گرفتند. و ما بقی به داخل طویله و یا آغل

برای شناخت محبت

گوسفند و حتی داخل انبار مرغداری پنهان شدند تا امنیت یابند. در این گیر و دار تا مخفی شدن، چوب و سنگ بر آن ها می بارید. در این تعقیب و گریز پیشانی ذکرالله روحانی به ضربت چوب فرض علی فلاح پور زخمی و خون جاری شد و سنگی که حسین قلی غفاری به سمت صغری بینائی انداخت، وی را مجروح ساخت و....

۲۷ (اراضی مرگو (مرگو، یا مرگاو به معنای مرتع گاو) بر اساس اسناد و مدارک موجود از طرف اداره اوقاف، وقف اولاد ذکور است. یعنی صاحبان اراضی بعد از خود می باید بر اساس وصیت صاحب آن، زمین را به ولد ذکور خود انتقال دهند. بعد از اخراج و آوارگی بهائیان، کشاورزان مسلمان ایول استشهدیه ای تهیه نمودند و این زمین ها را به عنوان وقف حضرت سید الشهداء قلمداد نمودند، و آن را نزد آیه الله جمارانی بردند و فتوی گرفتند که بهائیان نمی توانند از اراضی وقفی استفاده کنند. به این ترتیب زمین های این بخش از ایول که بالغ بر ۸۰ هزار هکتار می باشد را از همان سال ۶۲ به تصرف خود درآوردند. با گزارش کذبی که تهیه شد، روحانی جمارانی بدون تفحص و تحقیق و براساس مدرک جعلی، فتوی بر غصب اموال بهائیان داد. پیگیری های قضائی در دریافت حکم خلع ید، توسط کشاورز ایولی عطاالله موفقی انجام گرفت، که اساس آن ارائه نظر اداره اوقاف بود و توانست زمین خود را به دست آورد و آن را زیر کشت برد، ولی زمان برداشت، مسلمین درو کردند و وقف تکیه نمودند. اقدام های بعدی به نتیجه نرسید.

۲۸ (منزلی که بعد از سال ۱۳۶۲ در غیاب صاحبان آن، به عمد با کلیه وسائل منزل به آتش کشیده شد و توسط صاحبان آن مورد تعقیب قضائی قرار گرفت ولی به نتیجه ای نرسید، به این ترتیب می باشد: اولین آتش سوزی در سال ۱۳۶۳ انجام شد. دو منزل در مجاورت هم و متعلق به رضاعلی موفقی و الله قلی موفقی بود. این دو دستگاه ساختمان کاملا در آتش سوخت و به تلی از آوار تبدیل شد. دومین آتش سوزی به سال ۱۳۸۵ بود. هدف آتش افروزان منزل عطاالله موفقی بود، که موفق شده بود با حکم خلع ید، زمین مرگاو را از دست غاصبین آن در آورد. در آتش افروزی منزل موفقی، از یک طرف منزل سید مهدی صادقی و از طرف دیگر انبار گاه و علوفه و طویله احشام متعلق به محمد حسین موفقی در آتش سوخت. سومین آتش سوزی به سال ۱۳۸۶ انجام شد. در این آتش سوزی، منزل عبدالباقی روحانی که نمائی زیبا داشته و کار چوبی دستی اساتید نجار قدیمی را دربر داشته، در آتش سوخت. چون در مجاورت این خانه، تکیه ایول قرار دارد بر اثر آتش سوزی قسمتی از تکیه حسینیه آتش گرفت و صدمه دید. به ادعای سید کاظم موسوی بهائیان آن را به آتش کشیده اند! واقعه آخر در همان سال در هفته نامه قارن ساری با عنوان، بهائیان منازل خود را به آتش کشیدند که نظام اسلامی را در عالم بد نام نمایند، مطلبی چاپ شد. که با روشن شدن قضیه، در شماره بعد همان هفته نامه، از جامعه بهائی ایول پوزش و عذرخواهی به عمل آمد. شکایت این آتش سوزی نه تنها در دادگاه به نتیجه نرسید، بلکه سیروس روحانی و کمال اکبری در احضاریه دادگاه، برای رسیدگی پرونده به کیاسر رفته بودند، در جلوی صحن حیاط دادسری، مورد ضرب و شتم مسلمانان ایولی حاضر قرار گرفتند. ۶ دستگاه ساختمان به صورت شرح داده شده قبل ۸۹ در آتش سوخت.

۲۹ (سردار سپاه قدس، رحیم لیالی که در واقعه سال ۶۲ ایول، از جمله جوانان فعال در آوارگی کشاورزان بهائی ایول بود، با نوچه های خود که آنان هم در نظام، سمت و مقامی گرفتند، محل در اقدامات قانونی بهائیان در تظلمات بودند. در هر اقدامی رد پای رحیم دیده شد. عواملش تلفنی وی را در جریان پرونده های قضائی قرار داده و او تلفنی کار شکنی نمود. پاسگاه، دادگاه، بخشداری، فرمانداری، استانداری و دیگر نهادها که مرتب محل رجوع و پیگیری شکایات بهائیان بوده، در ابتدا

برای شناخت محبت

مسئولین همراهی می نمودند و سعی در اجرای مفاد قانونی داشتند، ولی به محض تماس رحیم با آنان، عقب نشینی و اختلال ایجاد می گردید. وی در تخریب و تسطیح و خاک برداری ساختمان های بهائیان ایول، با سران اولیای امور مثل مرحوم گردان و غلام حسین الهام و... مشورت نموده و آن ها را به ایول برده و طرح تخریب را به آنان ارائه داد و بالاخره به این کار موفق شد. دستگاه های لودر و بلدزر که تعدادی از روستاهای مجاور تهیه شد، به همراه چند دستگاه دیگر توسط یدک کش ها، به وسیله او از سپاه قدس به ایول برده شد. برای این اقدام از بیت المال مسلمین پول گزافی دریافت، و ناچیزی هم مخارج نمود. از جمله نوچه های او صفر علی اسماعیلی، باز نشستۀ دادگستری، سید جواد درخشان، دبیر مدرسه، فیض الله اسماعیلی، کارمند مدرسه، و... را می توان نام برد.

۳۰ (برای کسب اطلاع از نحوه برخورد و بازخورد مراجع قانونی در تشکیل پرونده تخریب و ادامه روند آن که هم به روشن نمودن ماجرا کمک می کند و هم پیگیری های روزانه را معلوم می دارد می توان به مجموعه های ذیل دست یافت و مطالعه نمود این مطالب از جمله در سایت آگاهی و یا با همین عناوین از طریق رسانه ی رایانه ای قابل دسترسی می باشد:

- ۱- روز شمار واقعه تخریب منازل بهائیان در ایول، تابستان ۸۹، تنظیم ۱۵ مهر همان سال.
- ۲- چگونه بغض ۲۷ ساله ی روستای ایول ترکید؟! تنظیم تابستان همان سال.
- ۳- مقصرین تخریب ساختمان های مسکونی کشاورزان بهائی ایول چه کسانی اند؟ تنظیم ۲۰ مهر همان سال.
- ۴- زمین های کشاورزی بهائیان روستای ایول را شورای اسلامی ایول به بیت رهبری تقدیم می کند. تنظیم آبان همان سال.

- ۵- روز شمار وقایع ایول در پائیز سال ۸۹، تنظیم یلدا همان سال.
- ۶- پرونده ایول توسط اداره اطلاعات ورق می خورد. تنظیم زمستان همان سال.
- ۷- خانه های بدون بام در تاجر برف و بوران زمستان ۸۹، تنظیم ۲۷ اسفند همان سال.
- ۸- پرونده تخریب منازل بهائیان کشاورز ایول روی میز قاضی، تنظیم ۲۸ اردیبهشت ۹۰.
- ۹- پیگیری پرونده تخریب منازل بهائیان ایول، بهار ۹۰، تنظیم ۷ تیر ۹۰.
- ۱۰- دادنامه یا بیدادنامه، تنظیم ۱۹ شهریور ۹۰.
- ۱۱- نگاهی گذرا به پیگیری های شش ماهه کشاورزان بهائی روستای ایول، تابستان و پائیز ۹۰، تنظیم دی ماه ۹۰.

۳۱ (پرونده تخریب از شروع تشکیل در دادسرای کیاسر به ریاست قاضی ناصری رئیس دادگاه، مطالعه و قضاوت می شد؛ ولی در نهایت کار، برای صدور رای و حکم دادگاه، سر و کله قاضی کشیک، فتحی به دادگاه مزبور باز می شود. قاضی معمم، فتحی به صدور حکم مبادرت می نماید. این حکم ۲۰/۴/۹۰ تنظیم شد و ش. پ. آن ۱۵۵۰۱۰۰۲۱۹۹۸۱۹۹۸۱۰۰۹۰۰۹۹۸۱۰۰۰ می باشد. طی لایحه ای، این حکم جهت تجدید نظر به دادگاه تجدید نظر استان ارجاع گردید. محتوای این حکم در مجموعه «دادنامه یا بیدادنامه» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، و برای اطلاع می توان به آن رجوع نمود.

۳۲ (ر. ک. به ش. ۱ سید کاظم موسوی در رقابت انتخاباتی دوره نهم مجلس، در دور اول رای نیاورد. برای دور دوم با آقای مصطفی افضلی فرد که تعداد آراء بیشتری از وی دارد، رقابت خواهد کرد.

۳۳ (ر. ک. به ش. ۳ و ۲. به غیر از سه مقاله وی راجع به ایول، که خواسته واقعه سال ۱۳۶۲ و پیامد های آن که در نهایت به تخریب ساختمان های بهائیان انجامید را با تحقیق تصنعی خویش غیر

واقعی جلوه دهد؛ سیدکاظم از جمله در ارتباط با امر بهائی نیز از شیوه یاد شده استفاده می نماید و مطالب سوخته شده ای را هر از چندی در رسانه ها اطلاع رسانی می کند. معلوم نیست که وی می داند و یا نمی داند که دیگر بهائیان نیز، مثل بهائیان ایول ریشه در همین آب و خاک دارند، حداقل از جانب هموطنان خود شناخته شده اند. مطالب موسوی جز رسوائی برای صاحبش عایدی دیگر نخواهد داشت و البته می تواند برای صاحب آن پول ساز باشد.

۳۴ (مقاله) «هنوز هم...» در تاریخ ۲۳ آبان ماه سال ۹۰ تنظیم گردید. به ظاهر مصاحبه سید کاظم موسوی و یا فرستاده وی، با فردی ایولی به نام قاسمعلی نوریان است. این فرد غیر از کشاورزی، شبنانی هم می کند و بعید است که مطالب را غیر واقع گفته باشد. به هر حال باید وی را ملاقات نمود و سپس قضاوت کرد. قاسمعلی نوریان فرزند نورعلی است و نورعلی، فرزند نورالله و نورالله، فرزند اکبر. باید از قاسمعلی نوریان پرسید تا چه اندازه جد خویش و ریشه محلی بودن خود را می داند، یا نه؟ مختصر این که، اکبر اهل مذرره نزدیکی روستای چالو بود. وی تمام مایملک خویش را سوار بر الاغی نمود و با خانواده خود وارد ایول شد. در ایول توسط نوه های ملاحسین علی اسکان یافت، و بعد صاحب زمین وزمان شد. نوریان های ایول از نسل او می باشند. خدا بیامرز گذشتگان را، که هرچه مهر و محبت و دوستی و صمیمیت بود، در بین آنان بود. اگر از روزگار تهی دست بودند، بخل نداشتند و همیشه به فکر ایثار و فداکاری بودند. چه شد که از چنان نسلی، چنین اولادی به عرصه شهود آمدند که انسانیت خود را فراموش کردند!؟

۳۵ (مقاله) «دروغ...» در ۲۵ شهریور ماه سال ۹۰ به وسیله موسوی و یا سفارش وی تهیه شد. مطالب این مجموعه، بر گرفته از دو مقال دیگر است با رنگ و لعابی که وی به آن داده است. تشکیلات رسمی جامعه بهائی، محافل مقدس روحانی اند.

محفل مقدس روحانی ملی ایران و کلیه محافل روحانی محلی بر اساس بیانیه دادستان انقلاب، در سال ۱۳۶۲ تعطیل اعلان شد. از آن سال جامعه بهائی ایران تشکیلات رسمی نداشته است. بعد از تعطیلی تشکیلات مزبور به جهت انجام احوال شخصیه، بین جامعه بهائی ایران و حکومت اسلامی ایران توافقی حاصل شد مبنی بر این که، جمعی اضطراری امور احوال شخصیه بهائی را اداره نمایند. بر این اساس، یاران ایران در هماهنگی با خادمین مراکز، امور جاریه جامعه را رتق و فتق می نمودند، که به یک باره این جمع نیز غیر قانونی اعلان شد، و در سال ۱۳۸۷ در سراسر ایران تعطیل گردید. واقعه تخریب مربوط به سال ۸۹ می باشد و این که موسوی چگونه خواب نما شد که این تخریب، کار تشکیلات بوده، باید خود جواب گو باشد. به هر حال سید، شیخ است و برای حرف های خود کلاه شرعی می سازد، جای نگرانی نیست!

۳۶ (مقاله) «بهائیان...» در تاریخ ۲۲ شهریور ماه سال ۹۰ تنظیم گردید. به ظاهر مصاحبه موسوی و یا نماینده وی با پیرمرد روستائی ایولی است. با شناختی که از این سن و سال وجود دارد، تقریباً همگی اظهار شرمندگی از کل وقایع دارند، چون تجربیات ارتباطی گذشته را به یاد دارند. به هر حال شاید آنقدر موضوع باید مخفی می ماند که از اسم این پیر مرد خودداری شود. اگر معلوم بود چه کسی است، می شد بنچاق وی را در آورد. به هر حال مصاحبه چه واقعیت داشته باشد، و یا ساخته ذهن خلاق موسوی باشد باز هم فرقی نمی کند، مهم این است که بالاخره خبث طینت فرد به این وسیله معلوم و برملا شده است.

۳۷ (سید کاظم موسوی بر اساس سوگند دروغی که راجع به موضوعی خورده و بعد بر ملا شد، در جامعه اردبیل معروف به میر کاذب و یا کاذب موسوی و شبیه آن شده است. افشای دروغ میر کاذب،

برای شناخت محبت

«مینا یلدیریم»، از اعضای کمیته حقوقی این انجمن گفت: «هنوز جای پیشرفت بسیاری وجود دارد.» گزارش مذکور 12 حمله علیه مسیحیان را در سال 2011 مستند کرده است. از جمله این حملات حادثه ای است که در آن افرادی بخاطر صحبت در مورد اعتقادشان مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند، و ضمن تهدید اعضای کلیسا به ساختمان های کلیسا نیز حمله شده بود. هیچ یک از مهاجمین متهم نشدند. این گزارش می گوید رهبران کلیسا در برخی نقاط ترکیه باید تحت حفاظت پلیس روزگار بگذرانند.»

دست کم پنج کلیسا هستند که دارای محافظ هستند و حداقل دو تای آنها دارای خط مستقیم برای تماس فوری با پلیس می باشند.

سرویس خبری بین المللی آشوریان گزارش داد، در آخرین حمله به اقلیت های قومی-مذهبی، تلویزیون آشوری «سورویو» مستقر در سوئد گزارش داد که انجمن آشوریان در روستایی از توابع شهر طور عبدین در شرق ترکیه، مورد حمله افرادی ناشناس قرار گرفت.

این حمله در 23 بهمن ماه رخ داد. آشوریان شهر طور عبدین از مقامات خواسته اند تا تحقیقات در این زمینه را به عنوان جنایتی علیه جامعه آشوریان آغاز کنند.

آشوریان (که با نام های کلدانی و سریانی هم شناخته می شوند) مسیحی هستند و در گذشته در ترکیه مورد آزار و جفا بوده اند. جمعیت مسیحیان آشوری ترکیه به دلیل جفا ها از 130 هزار به 5 هزار تقلیل یافته و اکثر آشوریان به اروپا و عمدتاً به کشورهای سوئد، هلند و آلمان مهاجرت کرده اند.

با این وجود پیشرفت های مثبتی هم نسبت به سالهای پیش در ترکیه بوده است. از جمله آنها توجه بیشتر مدیران مدرسه به حقوق دانش آموزان غیر مسلمان برای عدم شرکت در کلاس های دولتی تعالیم اسلامی است. به علاوه بر اساس یک حکم قضایی، شهروندان ترک اجازه یافته اند که قسمت مربوط به مذهب را در کارت های شناسایی خود خالی بگذارند.

روز شمار نقض حقوق شهروندان بهایی بهمن ۱۳۹۰



خبرگزاری هرانا : در تدوam سرکوب اقلیت مذهبی بهایی گزارشی ماهانه از سوی واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران منتشر می‌شود که گزارش زیر نقض حقوق بهائیان در بهمن ماه سال جاری است .

متن این گزارش به قرار زیر است:

۱ بهمن: ماموران اداره اطلاعات ساری به منزل یک شهروند بهایی به نام عنایت الله سنایی هجوم آورده و پس از شکستن درب ورودی و تفتیش و ضبط کتب و عکس های مربوط به آئین بهایی، محل را ترک نمودند .

۳ بهمن: یک شهروند بهایی ساکن سمنان به نام الهام روزبهی از سوی دادگاه انقلاب شهر مزبور به سه سال حبس تعزیری محکوم شد.

برای شناخت محبت

۶ بهمن: بانی دوگال نماینده ارشد جامعه جهانی بهایی در سازمان ملل اعلام کرد کمپین تازه ای در کرمان آغاز شده تا جلوی فعالیتهای اقتصادی بهاییان گرفته شود بسیاری از جواز کسب بهاییان لغو یا تمدید نشده است حتی در مواردی جواز شرکای تجاری بهاییان که مسلمان بوده اند هم لغو شده است.

۱۰ بهمن: شهنام گلشنی اهل شیراز مدیر تارنمای مثقال که نرخ ارز و طلا را روز به روز اعلام می کرد بازداشت شد.

۱۱ بهمن: کامران رحیمیان و همسرش فاران حسامی از اساتید دانشگاه مجازی بهاییان موسوم به موسسه علمی - آزاد به اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی و عضویت در جامعه بهایی به حکم قاضی صلواتی هر کدام به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شدند قابل ذکر است کامران رحیمیان در زندان رجایی شهر زندانی می باشد.

-محکومیت پنج سال حبس تعزیری ایقان شهیدی فعال حق تحصیل و شهروند بهایی در دادگاه تجدید نظر استان تهران تائید شد اتهامات نامبرده عضویت در گروهک غیر قانونی کمیته حق تحصیل، عضویت در جامعه بهایی، تبلیغ علیه نظام می باشد.

-یک شهروند بهایی ساکن ساری به نام صدف ثابتیان به حکم دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شد نامبرده پیش از این مدتی به اتهام همکاری با دانشگاه مجازی بهاییان بازداشت بود.

۱۳ بهمن: دو شهروند بهایی ساکن اراک به نام های منوچهر منزویان و فرزند نعیمی که به قرار وثیقه آزاد شده بودن هر کدام به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

-طی یک ماه گذشته دو شهروند بهایی ساکن سمنان به نام های شهره اعظمی و ندا قربانی به ترتیب هر کدام به مدت ۸ و ۵ روز هر دفعه به مدت ۲ تا ۳ ساعت مورد بازجویی قرار گرفتند.

-طبق حکم دادگاه تجدید نظر محکومیت یک ساله روح الله زیبایی شهروند بهایی ساکن کرج به ۳ میلیون ریال جریمه نقدی تبدیل شد.

۱۴ بهمن: ماموران اداره اطلاعات شیراز به منازل حدود ۳۰ شهروند بهایی یورش برده و ضمن تفتیش و ضبط موارد مربوط به آئین بهایی، ۱۱ شهروند بهایی از جمله یک کودک نه ماهه را بازداشت نمودند چهار نفر از این افراد عصر همان روز آزاد شدند و هفت شهروند بهایی دیگر در بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ شیراز در بازداشت نگه داشته شده اند.

اسامی بازداشت شدگان عبارتست از: نیما دهقان به همراه همسرش ژینوس فناپیان و ژنا دهقان (کودک نه ماهه)، مژگان عمادی، یکتا فهندژ، فائزه تشکر و دخترش نورا فلاح، سام جابری، سینا ساریخانی، مژده فلاح و پیام تسلیمی. (ژینوس فناپیان، ژنا دهقان، نورا فلاح و فائزه تشکر چهار شهروند بهایی آزاد شده هستند)

۱۸ بهمن: چهار شهروند بهایی ساکن شیراز پس از احضار به اداره اطلاعات بازداشت شدند اسامی این شهروندان عبارتست از: سومیترا ممتازیان، فرشید یزدانی، فرید عمادی و ایمان رحمت پناه. همچنین دو شهروند بهایی دیگر به نام های طاهره نوروزی و سعید دهقان نیز به اداره اطلاعات احضار شدند.

-ماموران اداره اطلاعات قائم شهر به منزل یک شهروند بهایی به نام فروغ عطائیان مراجعه که پس از تفتیش منزل نامبرده و ضبط وسایل مربوط به آئین بهایی محل را ترک نمودند.

۲۰ بهمن: یک دانشجوی بهایی به نام سید کیان هاشمی دانشجوی ترم ۳ مهندسی آب دانشگاه تهران از دانشگاه اخراج شد.

برای شناخت محبت

۲۴ بهمن: یک شهروند بهایی ساکن شیروان به نام مسعود محمودی به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد نامبرده در شهریور ماه گذشته به اتهام همکاری دانشگاه مجازی بهاییان موسوم به موسسه علمی آزاد مدتی در بجنورد بازداشت شده بود.

۲۶ بهمن: طی ماههای اخیر چند شهروند بهایی ساکن سمنان به حکم دادگاه انقلاب شهر مزبور محکوم به حبس تعزیری شدند: عادل فناپیان (۶ سال حبس تعزیری) - زهره نیک آئین (۷ سال حبس تعزیری) - گودرز بیدقی (۱ سال حبس تعزیری و ۲ سال تبعید) - سپهر سبحانی، روفیا بیدقی و ژینوس نورانی هر کدام به یک سال حبس تعزیری

۲۸ بهمن: ماموران اداره اطلاعات مشهد به منزل یک شهروند بهایی که در آن نمایندگانه خصوصی کارهای دستی نوجوانان بهایی بود هجوم آورده و ضمن تعطیل کردن نمایندگانه، هشت شهروند بهایی حاضر را نیز بازداشت کردند اسامی بازداشت شدگان عبارتست از: شایان تقضلی، عزت الله احمدیان، نوید نبیلی، شهزاد خلیلی، فتانه حاجی پور، بهناز حدادزاده، آرمان مختاری و نغمه ذبیحیان. -شیمای موفقی دانشجوی رشته مدیریت دانشگاه غیر انتفاعی آمل به دلیل اعتقاد به ائین بهایی از دانشگاه اخراج شد.

تهیه و گردآوری: لوا متحده

در گذشت بانوی اول داستان نویسی ایران در سن نود سالگی



سیمین دانشور خالق رمان معروف «سو و شون» که درجه دکترای ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را 62 سال قبل اخذ کرده بود می توان اولین زن داستان نویس ایرانی به مفهوم مدرن این هنر دانست.

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از خبرگزاریها، عصر روز پنجشنبه 18 اسفند خانم «سیمین دانشور» بانوی اول داستان نویسی ایران در سن 90 سالگی در منزل خود واقع در تهران درگذشت.

برای شناخت محبت

سیمین که درجه دکترای ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را 62 سال قبل اخذ کرده بود می توان اولین زن داستان نویس ایرانی به مفهوم مدرن این هنر دانست. در واقع می توان او را در عرصه داستان نویسی با « فروغ فرخزاد» در زمینه شعر نو فارسی مقایسه کرد. مشهورترین اثر او رمان جذاب «سو و شون» بود که در سال 1348 شمسی نوشته شد. نام سو و شون که اشاره به رسم قدیمی ایرانی «سوگ سیاوشون» دارد را این نویسنده توانا برای داستانی انتخاب کرد که در واقع می خواست بیانگر تغییر رسوم قدیمی و بریدن از سنتهای دست و پا گیر در خانواده ایرانی باشد.

دکتر دانشور در سال 1322 در سن بیست و دو سالگی اولین کتاب خود به نام « آتش خاموش» را نوشت. او این کتاب را در 1327 چاپ کرد. این همان سالی بود که او با «جلال آل احمد» نویسنده مشهور ایرانی (نویسنده مدیر مدرسه ، سرگذشت کندوها، نفرین زمین ، ...) و فعال سیاسی سرشناس آن سالها آشنا شد. او در سال 1329 با جلال ازدواج کرد و تا سال 1348 که آل احمد درگذشت با او زندگی کرد. هرچند هیچ شباهتی بین نظرات سیمین با جلال وجود نداشت و سیمین بعدها در جایی گفته بود که با نظرات سیاسی جلال موافق نبوده است.

از سیمین دانشور در سالهای پس از انقلاب نیز داستانهای متعددی منتشر شد. کتاب « جزیره سرگردانی» او که در سال 1372 منتشر شد کتاب قابل توجهی بود. کتب معروف دیگر او «ساربان سرگردان» بود که در سال 1380 چاپ شد و از آن 88 هزار نسخه فروش رفت. این کتاب یکی از پر تیراژترین کتابهای دارای ارزش ادبی در سالهای اخیر ایران محسوب می شود. در مجموع سیمین دانشور یک نویسنده و محقق ادبی بسیار سطح بالا در کشور ما بود که فقدانش بطور یقین بر فضای ادبیات فارسی معاصر سنگینی خواهد کرد.

احضار ۱۴ شهروند بهایی قروه به اداره اطلاعات این شهرستان

مارس 9, 2012



در چند ماه اخیر ۱۴ شهروند بهایی اهل قروه به طور جداگانه برای بازجویی به دفتر محلی وزارت اطلاعات احضار شده اند.

سمیرا خادم و مادرش، آقای لقای، همسر و پسرش، کامبیز اقدامیان، همسر، دو پسر و دامادش، بهنام اقدامیان و همسرش، فائز صالحی و همسرش و نیز پگاه عزتی از افرادی هستند که در شهرستان قروه سندی مورد بازجویی مامورین اطلاعات قرار گرفته اند.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» در دوره بازجویی سوالاتی در مورد جلسات بهایی در قروه، افراد شرکت کننده، نحوه اداره جلسات، نام بستگان خارج از کشور، درآمد این افراد، ارتباط ایشان با افراد غیر بهایی و تمایلشان به رفتن به خارج از ایران مورد پرسش قرار گرفته است.

پیش از این کامبیز اقدامیان در فروردین ماه سال ۹۰ به دفتر وزارت اطلاعات این شهرستان احضار و ۱۰ روز پیاپی درباره امور جاری جامعه بهایی در قروه مورد بازجویی قرار گرفته بود.

دستگیر و زندانی شدن آقای شهرام چینیان میاندوآب

مارس 9, 2012

در ۲۵ دی ۱۳۹۰ (۱۵ ژانویه ۲۰۱۲)، آقای شهرام چینیان میان دو آب ساکن حسن آباد که در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ۸ سال زندان محکوم شد و حکمش در مرحله تجدید نظر قرار داشت، هنگام معرفی خود در پاسخ به احضاریه ای در زندان اوین دستگیر و زندانی شد. پیش تر گزارش شد که آقای چینیان در اسفند ۱۳۸۷ (مارس ۲۰۰۹) دستگیر شد و تا زمان آزادی اش در ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ (۳ مارس ۲۰۱۰) پس از ارائه جواز کسب به عنوان وثیقه، در زندان اوین بازداشت بود.

آقای چینیان ظاهراً به خاطر «توهین به اسلام» زندانی شد و ۷۰ ضربه شلاق خورد. این اتهامی بود که همسایه آقای چینیان پس از شکست در برابر خانواده چینیان در یک دعوی حقوقی بر سر استفاده از راهرویی که خانه همسایه را با مسکن دو اتاقه آنان مرتبط می ساخت، به آقای چینیان وارد کرد.

شیراز: زندانی شدن آقای فرید عمادی و آقای ایمان رحمت پناه

مارس 9, 2012

در ۱۷ بهمن ۱۳۹۰ (۶ فوریه ۲۰۱۲)، آقای فرید عمادی و آقای ایمان رحمت پناه ساکن شیراز دستگیر و زندانی شدند. پیش تر گزارش شد که هر دو نفر طی یورش های ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ (۳ فوریه ۲۰۱۲) در شیراز در خانه خود نبودند و احضار شدند تا خود را به مقامات معرفی کنند. بهائیان دیگری که اخیراً در شیراز زندانی شده اند، هنوز نتوانسته اند با اعضای خانواده خود ملاقات داشته باشند.

سرویس خبری جامعه بهائی

گنبد: اطلاعات تازه از دستگیری و آزادی خانم امیلیا

اسماعیل پور

مارس 9، 2012

اطلاعات تازه ای درباره دستگیری خانم امیلیا اسماعیل پور (که پیش تر به اشتباه امیلیا گزارش شد) ساکن گنبد رسیده است.

پیش تر گزارش شد که مغازه و خانه خانم اسماعیل پور مورد بازرسی قرار گرفت و او به مدت ۴۸ ساعت به اتهام «روابط نامشروع» زندانی شد.

اکنون مشخص شده که مغازه و خانه خانم اسماعیل پور توسط مأموران وزارت اطلاعات و اداره نظارت بر اماکن عمومی مورد بازرسی قرار گرفت؛ او به مدت ۵ روز زندانی بود و پس از آن با قرار وثیقه معادل ۱۰۰ میلیون تومان (حدود ۹۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شد؛ مأمورانی که به خانه او آمدند، اختاریه ای را که به امضای یک قاضی رسیده بود ارائه کردند و گفتند او به «ترویج بهائیت» متهم است؛ طی محاکمه، جرم او «دعوت مردم به فساد، فحشا و روابط نامشروع» تعیین شد که این یک روش معمول مقامات برای اشاره به عضویت در جامعه بهائی است.

چند روز پس از آزادی موقت محل کسب نامبرده به دست مقامات تعطیل و مهر و موم شد و او مجبور به تخلیه محل کسب خود و تعطیل کردن دائمی آن شد.

سرویس خبری جامعه بهائی

بهائیان از تکمیل فرم تقاضای کارت معافیت سربازی منع

می شوند

مارس 9، 2012

اخیراً وزارت دفاع اعلام کرده که هر کسی از خدمت نظام وظیفه معاف شده، باید با تکمیل فرم مربوطه در تارنمای پلیس یک کارت الکترونیکی بگیرد و آن را با اسناد لازم ارسال کند. سؤال مربوط به ستون دین در فرم فقط پاسخ-های ممکن زیر را دارد: مسلمان، زرتشتی، مسیحی و یهودی. بنابراین هنگام تکمیل ادامه فرم، به جوانان بهائی که به دفتر خدمت سربازی رفتند و توضیح دادند که عضو هیچ یک از ادیان دیگر نیستند، گفته شد.

که فرم متعلق به دفتر مرکزی است که با آن مشورت خواهد شد و شاید یک گزینه اضافی «دیگر» به فهرست پاسخ ها افزوده شود. اما تا حال هیچ خبری از این دفتر نشده است. چون این جوانان دین خود را بیان کرده اند تا کتابچه خدمت سربازی را دریافت کنند، مقامات از دین آنها آگاه هستند. اگر این جوانان نتوانند کارت های هویت را دریافت کنند، ممکن است وضعیت معافیت شان غیر معتبر در نظر گرفته شود که می تواند آنها را با دشواری های زیادی مواجه کند.

سرویس خبری جامعه بهائی

هشدار و کنترل نسبت به نصب نمادهای مسیحی بر روی ساختمان‌ها

مارس 9, 2012



معاون خدمات شهری شهرداری تهران اعلام کرد: «روى برخى از ساختمان‌هاى شخصى مردم در شهر نمادهای فراماسونری و مسیحیت نصب شده است. و باید این نمادها را کنترل و نگذاریم در شهر نصب شود.»

توضیح تصویر: نما از بالای میدان آزادی در تهران که کاملن به شکل يك صلیب طراحی شده است (تصویر از گوگل)

برای شناخت محبت

«محبت نیوز» - انقلاب 1357 آن سونامی تاریک که به ادعای رهبرانش قرار بود از راه کربلا، بیت المقدس را آزاد کند و ندای اسلام را از شرق تا غرب عالم پُرفروغ گرداند، امروز نه تنها ستون های خود را لرزان تر از همیشه می بیند، بلکه آنقدر حلقه تعصبت بر ایدئولوژی های اسلامی را تنگ نموده که با وجود میلیاردها تومان هزینه برای تبلیغات اسلامی و نهادینه کردن ولایت فقیه در بین مردم با بحرانی بزرگ در هویت و اصول روبروست.

از آن گذشته عدم توانایی در نهادینه کردن این رویا در جامعه، از این نظام یک سازمان امنیتی-ایدئولوژیک تمام عیار ساخته که نیروهای آن تمام قد برای فرار از سقوط بسیج شده اند و در این راه تلاش می کنند از سیاست و اقتصاد گرفته تا عقیده و مذهب را در چنگال خود داشته باشد. آنها برای رسیدن و خواسته های خود حتی به حریم شخصی و اموال و عقاید خصوصی افراد نیز دست درازی می کند.

پس از اعتراض به وجود درخت کریسمس و بابانوئل در خیابان های تهران به مناسبت ایام کریسمس به تازگی «حسین کلخورانی» معاون خدمات شهری شهرداری تهران در گفت و گو با خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران با اعلام اینکه برخی افراد در این شهر بر روی ساختمان های خود نماد فراماسونری و مسیحیت! نصب می کنند هشدار داده که شهرداری تهران این نمادها را از شهر جمع آوری خواهد کرد و اعلام کرد: «نماهای ساختمان های شهر تهران باید توسط شهرداری کنترل شود و این سازمان اجازه ندهد چنین کاری انجام شود».

مقابله با نمادهای غیراسلامی سابقه طولانی در ایران دارد، چندی پیش طرح معماری میدان انقلاب تهران نیز جنجال آفرین شد و برخی وابستگان به حکومت مدعی شدند که این معماری تداعی کننده نماد فراماسونری و ستاره داوود است. بلافاصله پس از این اظهارات جمعی از بسیجیان کفن پوش پس از اقامه نماز جمعه تهران به سمت میدان انقلاب راه افتادند و با بیل و کلنگ بر بالای میدان رفته به تخریب آن پرداختند. نمادی که بیش از 300 میلیون تومان هزینه برداشته بود و سقف متروی تهران بود!

پیش از آن نیز طرح میدان آزادی تهران، سازه بالای ساختمان مرکزی هواپیمای هما در فرودگاه مهرآباد، ساختمان هرمی شکل مجلس شورای اسلامی در میدان بهارستان، نمای صحن مجلس شورای اسلامی و... مورد اعتراض جان برکفان بسیجی و حکومت اسلامی قرار گرفته بود.
-تصویر زیر تخریب نماد ستاره ۶ پر در یکی از میادین تهران - میدان انقلاب



Photo : Hassan Mousavi

FARS NEWS AGENCY

برای شناخت محبت



Photo : Hassan Mousavi

FARS NEWS AGENCY

کشف نماد اسرائیل (ستاره داود) در ساختمان فرودگاه مهر آباد تهران - تصویر گوگل



آخرین خبرها از بهائیان ایران



آخرین خبرها از بهائیان ایران:

- 1- اخیراً مکان های کسب ۴ بهائی در کرمانشاه کاملاً بازرسی و نام های دیگر بهائیان استخدام شده خواسته شد.
 - 2- اخیراً آقای مشکات شادپور که مشغول به تحصیل در رشته کاردانی مطالعات کامپیوتر در دانشگاه امام علی یزد بود، اخراج شد.
 - 3- در ۴ اسفند ۱۳۹۰ (۲۳ فوریه ۲۰۱۲)، آقای هومن زارعی در شیراز دستگیر شد و خانه اش مورد بازرسی قرار گرفت.
- سرویس خبری جامعه بهائی

دو شهروند بهایی در مشهد بازداشت شدند



خبرگزاری هرانا - دو شهروند بهایی ساکن مشهد امروز از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، صبح روز چهارشنبه ۱۷ اسفند مأموران اداره اطلاعات مشهد به منازل دو شهروند بهایی ساکن مشهد به نام‌های «حوریه محسنی» و «نگین احمدیان» مراجعه کرده و پس از تفتیش و ضبط کامپیوتر، کتب، سی‌دی‌ها و عکس‌های مذهبی نامبردگان را نیز بازداشت و به نقطه نامعلومی انتقال دادند.

این احتمال وجود دارد بهاییان دیگری هم دستگیر شده باشند که در خبرهای تکمیلی اعلام می‌شود. قابل ذکر است بجز دو فرد مذکور، بیش از دو هفته است که هشت شهروند بهایی دیگر هم در مشهد در بازداشت بسر می‌برند.

مشهد: یورش به خانه‌ها و دستگیری ۸ بهائی

مارس 9، 2012

در ۲۸ بهمن ۱۳۹۰ (۱۷ فوریه ۲۰۱۲)، افراد بهائی زیر در یک نمایشگاه کاردستی که به جهت جمع آوری پول برای کودکان محروم برگزار شده بود، به دست مأموران وزارت اطلاعات در مشهد دستگیر و زندانی شدند:

آقای عزت الله احمدیان، آقای شهرزاد خلیلی، خانم بهناز حدادزاده، خانم فتانه حاجی پور، آقای آرمان مختاری، آقای نوید نبیلی، آقای شایان تفضلی و خانم نغمه ذبیحیان.

پیش‌تر در ۲ اردیبهشت ۱۳۸۸ (۲۲ آوریل ۲۰۰۹) گزارش شد که آقای عزت الله احمدیان و دو نفر دیگر از مشهد در دفتر وزارت اطلاعات مورد بازجویی قرار گرفتند و همان روز آزاد شدند.

هر سه نفر از امضای تعهدی مبنی بر شرکت نکردن در فعالیت های بهائی سر باز زده بودند.

در ۱۵ فروردین ۱۳۸۸ (۴ آوریل ۲۰۰۹)، ۱۰ بهائی دیگر در مشهد برای بازجویی به دفتر محلی وزارت اطلاعات احضار شدند و همان روز بدون نیاز به امضای تعهدنامه آزاد شدند.

سرویس خبری جامعه بهائی

وضعیت نامعلوم عنایت جعفری بازداشت شده مسیحی در اصفهان



ماموران امنیتی جمهوری اسلامی پس از بازداشت این نوکیش مسیحی به خانواده ایشان وعده داده بودند که در صورت عدم اطلاع رسانی و درج خبر در رسانه ها ، نامبرده پس از يك هفته آزاد خواهد شد! اما علیرغم وعده ها از سوی ماموران پس از گذشت دو هفته تاکنون از وضعیت وی اطلاع دقیقی در دست نمی باشد.

به نقل از گزارشگران آژانس خبری مسیحیان ایران « محبت نیوز»، «عنایت جعفری»، یکی دیگر از نوکیشان مسیحی است که در پی بازداشت گسترده مسیحیان فارسی زبان در اصفهان، توسط ماموران امنیتی در منزلش بازداشت شد.

این نخستین بار است که نام وی در لیست بازداشت شدگان مسیحی در حوادث اخیر اصفهان پس از گذشت دو هفته اکنون منتشر می گردد.

بر اساس این گزارش، تعدادی از ماموران امنیتی اطلاعات اصفهان در ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه تاریخ سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۲ ماه فوریه ۲۰۱۲) با این عنوان که از مامورین اداره برق استان می باشند، بطور ناگهانی وارد خانه شده و ضمن بازداشت آقای «عنایت جعفری» ، محل سکونت ایشان را

نیز به دقت مورد تفتیش و بازرسی قرار دادند. ماموران همچنین بسیاری از وسایل شخصی ایشان را به همراه لپ تاپ، کارتهای تلفن، کتاب و حتی سی دی های کارتون کودک وی را نیز ضبط و با خود بردند. همسر و کودک ۳ ساله آقای «عنایت جعفری» از این نوع برخورد و ورود ناگهانی ماموران به منزل به شدت در وحشت و هراس بودند، ماموران لباس شخصی همسر وی را نیز تهدید کردند که در صورت عدم همکاری با آنان ایشان نیز بازداشت خواهند شد. همچنین ماموران امنیتی به خانواده وی وعده دادند که در صورت عدم اطلاع رسانی و انتشار خبر بازداشت در رسانه ها «عنایت» ظرف مدت کوتاهی آزاد خواهد شد، اما علیرغم دو هفته از بازداشت ایشان و وعده های ماموران تاکنون نه تنها از وضعیت ایشان بلکه از اتهاماتی که منجر به بازداشت وی شده است نیز اطلاع دقیقی در دست نیست و مسئولان در این خصوص حتی حاضر به پاسخگویی نیستند. این امر نگرانی ها را در مورد وضعیت ایشان افزایش داده است.

گزارشات منتشره تاکنون حاکی است که ماموران امنیتی پس از بازداشت افراد، ضمن تهدید خانواده زندانیان مسیحی از آنان خواسته می شود که از انتشار هر گونه خبر در رسانه ها خودداری کنند و یا مسئولان امنیتی با دادن وعده های توخالی مبنی بر اینکه این افراد ظرف مدت کوتاهی آزاد خواهند شد، متأسفانه شاهد آن هستیم که نوکیشان مسیحی پس از بازداشت طی هفته ها و حتی ماهها از آنان هیچ خبری در دسترس نمی باشد. همچنین پس از بازداشت «عنایت» همسر ایشان توانست فردای آن روز فقط یکبار به مدت کوتاه با ایشان ملاقاتی داشته باشد و از آن زمان تاکنون با گذشت دو هفته در حال حاضر از وضعیت سلامت و محل نگهداری ایشان اطلاع دقیقی در دست نیست اما خبرهای تأیید نشده حاکی از آن است که وی در زندان دستگرد اصفهان بند طا - الف (مربوط به زندانیان عقیدتی و امنیتی) نگهداری می شود.

گفته می شود پس از دستگیری «عنایت» کودک ۳ ساله ایشان که بسیار به پدر وابسته است، هم اکنون دل‌تنگ پدر می باشد. وی روزهای سخت دوری را می گذراند و بهانه جویی ها و بغض فروخورده این کودک را در جای خالی پدرش کاملن می توان از چشمانش احساس کرد.

لازم به یادآوریست پیش از این نیز ماموران اطلاعات در اقدامی از پیش تعیین شده و با هماهنگی دیگر نیروهای امنیتی بطور گسترده در تاریخ مذکور جمعی از نوکیشان مسیحی و برخی اعضا کلیسای پولس وابسته به کلیسای اسقفی واقع در محله سنگتراش ها در اصفهان را در منازل و یا محیط کارشان بازداشت نمودند. نحوه بازداشت این افراد و همینطور زمان آن نشان می دهد که این مرحله از دستگیری ها با برنامه ریزی گسترده و در پی سلسله شناسایی های قبلی صورت گرفته است.

هم اکنون تعداد افراد بازداشت شده مسیحی در اصفهان که خبر ایشان تأیید و بطور رسمی منتشر شده ۷ تن گزارش شده که به ترتیب آقایان «کشیش حکمت سلیمی»، «مجید عنایت»، «شهرام قانیدی»، «عنایت جعفری» و خانم ها «شهناز ظریفی»، «مریم دل آرام» و بانوی ۷۸ ساله مسیحی «گیتی حکیم پور» می باشد که ایشان بدلیل کهولت سن و همچنین بدلیل جراحی که به تازگی بر روی زانو پا انجام داده اند و چون نیاز به مراقبت های ویژه داشته اند پس از ۳ روز بازداشت بطور مشروط با سپردن وثیقه - سند خانه - آزاد شدند.

نوکیشان مسیحی در ایران طی ماههای گذشته با شدیدترین برخوردهای امنیتی و سازمان یافته مواجه شدند که اکنون منجر به احضار و بازداشت بسیاری از آنان در شهرهای اهواز، کرمانشاه، شیراز و اصفهان شده است که تاکنون بسیاری از آنان همچنان بلا تکلیف در بازداشتگاهها بسر می برند.

نوکیس مسیحی عباس سلمانپور توسط ماموران بازداشت شد



گفتگوی « محبت نیوز » با عباس سلمانپور یکی از وکلای پرونده یوسف ندرخانی در مورد آخرین وضعیت پرونده ایشان

نزدیک به ۲ سال از بازداشت یوسف ندرخانی از دگراندیشان مذهبی و از گروه (مسیحیان غیر تثلیثی) می‌گذرد. پرونده یوسف ندرخانی در طول این ۲ سال روند بسیار پیچیده‌ای را دنبال کرده است. ایشان ابتدا به اتهام ارتداد محکوم به اعدام شدند، که با اعلام این حکم بسیاری از کشورها و رسانه‌های خارجی اعتراض خود را بر علیه این حکم آغاز کردند، در نتیجه این فشارها و اعتراضات بین‌المللی دولت جمهوری اسلامی مجبور به عقب‌نشینی شد و این حکم از سوی دیوان عالی کشور رد شده و برای بررسی بیشتر مجدد به دادگستری استان گیلان ارجاع داده شد.

برای شناخت محبت

با ارجاع دوباره این پرونده مقامات قضایی استان گیلان و رسانه‌های جمهوری اسلامی این بار اتهام دیگری بر ایشان وارد کردند و استاندار استان گیلان طی سخنانی اعلام کردند اتهام ایشان ارتداد نیست بلکه ایشان بدلیل تجاوز و ایجاد خانه‌های فساد در زندان بسر میبرند.

این سخنان در حالی گفته شده که تصویر حکم ارتداد یوسف ندرخانی که از سوی دادگستری همین استان صادر و از ماهها قبل در اینترنت منتشر شده بود.

اکنون روند طولانی و پیچیده این پرونده به معمایی تبدیل شد که خود مقامات قضایی ایران آنرا طرح کرده اند و به نظر میاید حال خود از چگونگی حل آن عاجز مانده‌اند.

همچنین گفته می شود ارجاع پرونده به رهبر ایران علی خامنه‌ای سیر این پرونده و چگونگی حل آنرا نیز پیچیده‌تر کرده است ولی آنچه در این جریان بنظر آشکار است یک بازی سیاسی در این پرونده بنظر در حال شکل گیری است که دستگاه قضایی و مسئولین ایران خود باید پاسخگوی آن باشند.

شهرام قهرمانی خبرنگار آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» در گفتگویی تلفنی با آقای عباس سلمانپور یکی از وکلای یوسف ندرخانی به بررسی آخرین وضعیت این دگراندیش مذهبی و پرونده ایشان پرداخته است:

فایل صدا را بشنوید

<http://mohabatnews.com/plugins/content/1pixelout/player.swf>

لطفا بفرمائید پرونده آقای یوسف ندرخانی در حال حاضر در چه وضعیتی است؟

- عرض کنم که پرونده باید مجددن به دیوان عالی کشور ارسال شود.

- یعنی پرونده دوباره باید به دیوان عالی کشور ارسال بشه؟

ببینید رای دوم اگر صادر شود، در صورتی که ما اعتراض کنیم دیوان عالی کشور فرستاده خواهد شد.

- در حل حاضر وضعیت آقای ندرخانی در داخل زندان چگونه هست؟ آیا ایشان اجازه تلفن و یا حق

ملاقات با خانواده شون رو دارند؟

بله، تا آنجایی که من اطلاع دارم از این جهت مشکلی نیست برای ایشان، یعنی من از خودشون هم سوال کردم خوشبختانه اوضاع خوبی دارند در زندان، یعنی نه تحت فشار هست و نه مشکلات دیگر اینچینی و تا آنجایی که شعبه مربوطه دادگاه بتواند اجازه ملاقات برای همسر ایشان رو هم میده. خوشبختانه از این جهت مشکلاتی ندارند.

- ۵- مرجع تقلید اتهام آقای ندرخانی مبنی بر ارتداد رو رد کردند، حالا هم با توجه به اینکه دادگاه این

پرونده خاص رو به رهبری برای اظهار نظر ارسال کردند و اگر رهبری هم ارتداد را وارد بدانند،

بفرمائید این پرونده چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟

بحث و اختلافی که بین وکلا و قضات شعبه وجود داره این هست که آیا ایشان شرایط ارتداد رو دارند یا نه؟ چون مراجع ارتداد رو رد نمیکنند، مراجع عمومن ارتداد رو قبول دارند. منتها بحث این است که آیا این شرایطی که ایشان دارند آیا ایشان مرتد به حساب میاید یا خیر؟ اگر مرتد به حساب بیاد که خوب مشمول احکام اسلامی حاکم بر ارتداد هست. اگر مرتد به حساب نیاد که دیگه از احکام ارتداد خارج میشه که اختلاف فقط در این قضیه هست. حالا اینکه شما فرمودید در صورتی که پرونده ارجاع شده باشه به دفتر رهبری، خوب از باب به اصطلاح ولایی و حکم ولایی تصمیمی که ایشان میگیرند علی الاصول باید دادگاه از آن تبعیت بکند.

- آیا نظر رهبری بالاتر از نظر ۵ مرجع تقلید خواهد بود؟

برای شناخت محبت

چون ایشان الان در جایگاه ولایت فقیه قرار دارند، و بر اساس قانون اساسی جایگاه ایشان ارجح هستش، ببینید مراجع نظر به اصطلاح اجتهادی خودشون رو میدند ولی رهبر حکومت میتونه حکم حکومتی بده و این حکم حکومتی میتونه حتا به اعتقاد من باید لازم الاجرا باشه برای قضات پرونده، قضاتی که از سوی ایشان هستند. از این جهت من خودم هم معتقدم و حتا فکر کنم همینطور هم هست که قضات تبعیت میکنند از حکم حکومتی ایشان.

-گفته می‌شود آقای اژه‌ای در سفر خودشان به استان گیلان، قضات این پرونده رو بدلیل اینکه پرونده آقای ندرخانی رو جهت اعلام نظر به رهبری ارسال کردند، مورد توبیخ قرار دادند، این موضوع تا چه اندازه صحت داره؟

اینکه شما میفرمایید رو چون از صحت و سقم اون اطلاعی ندارم، نمیتونم نظری بدم فقط یک نکته‌ای رو اضافه کنم که اگر توبیخی هم صورت گرفته باشه که من بعید میدونم صورت گرفته باشه قطعاً طوری نخواهد بود که به بیرون درز بکنه یعنی میخوام برسم به اینکه احتمالاً این بحث توبیخ فقط یک شایعه باشه.

-در طول سالها و حتا ماههای اخیر بسیاری از نوکیشان مسیحی توسط مقامات امنیتی بازداشت و روانه زندان شده‌اند و حتا هنوز هم تعدادی از این نوکیشان مسیحی همچنان در زندان هستند بنظر شما چرا این بار اتهام ارتداد فقط ایشان در نظر گرفته شده؟

آنچه که بیشتر از یک مقداری حساس کرده قضیه رو برای آقای ندرخانی بحث تلاش ایشان یا اقدامات ایشان برای ترویج کیش و دین خودشون بوده، یعنی اینکه حساب آن چیزی که در کیفر خواست آماده و در پرونده ادعا شده علیه ایشان، تشکیل کلیسای خانگی و تبلیغ دین مسیحیت برای دیگران بوده و از آنجایی که ادعا هست که ایشان مسلمان بوده و بعدن مسیحی شده این قضیه یک مقدار موضوع را حساس کرده است. البته خود من و همکاران بنده همچنین اعتقادی نداریم، من معتقدم که ایشان این شرایط رو مشمول نمیشن ولی در هر صورت آنچه پرونده رو حساس کرده این هست نه اینکه ایشان مسیحی هست و به خاطر مسیحی بودن داره محاکمه میشه، تا آنجایی که ما اطلاع داریم دوستان و هموطنان مسیحی ما همچنان هستند و مراسم عبادتی خودشون رو به صورت آزادانه در کلیساها انجام میدهند ولی اتهام وارده به ایشان ایجاد کلیسای خانگی و افرادی رو حتا مسلمان در خودش جمع کرده و تبلیغ دین مسیحیت رو کردند و باعث خروج آنها از دین اسلام شده‌اند که البته گفتیم تلاش ما این هست که ثابت کنیم که، نه خیر ایشان چنین فعالیتی نداشته اند و اگر تبلیغی هم بوده دین خودشون و بین هم کیشان خودشون بوده و این نمیتونه به عنوان تبلیغ علیه دین اسلام تلقی بشه، یک جای اختلاف نیز اینجا هست و ما امیدواریم که این اختلافات ختم بخیر بشه و بنوعی حل بشه و من امیدوارم با درایتی که قضات و رهبری دارند این پرونده ختم به خیر بشه و هم ایشان به پیش خانواده‌شون برگردند و هم اینکه این مساله دیگه خاتمه پیدا کنه.

نام ژان پل دوم به قدیسان کلیسای کاتولیک افزوده می‌شود

مارس 10, 2012



به دنبال نسبت دادن دومین کرامت به رهبر فقید کاتولیک های جهان ممکن است به دنبال بررسی کارشناسان واتیکان پاپ ژان پل دوم به زودی به عنوان یکی از قدیسان کلیسای کاتولیک روم اعلام شود.

«محبت نیوز» - به گزارش مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه، مراسم تقدیس ژان پل دوم ماه می سال گذشته با گذشت شش سال از مرگ وی برگزار شد، این درحالی است که تکمیل این فرآیند نیازمند اثبات یک کرامت دیگر از پاپ فقید کاتولیک ها بود که اکنون با اثبات کرامت دوم این فرآیند خاتمه خواهد یافت.

این کرامت از میان چهار کرامت گزارش شده انتخاب شده و قرار است توسط کارشناسان کنگره آرمان قدیسان مورد بررسی قرار گیرد.

فدریکو لومباردی سخنگوی واتیکان از اظهار نظر درباره این گزارش امتناع کرد و تأکید کرد که تنها حکم از سوی کنگره آرمان قدیسان می تواند آن را تصدیق کند.

بسیاری از کاتولیک ها می خواهند که پاپ ژان پل دوم به سرعت به عنوان قدیس اعلام شود و این مسئله را در مراسم تشییع پیکر پاپ فقید اعلام کردند، از این رو پاپ بندیکت شانزدهم با توجه به درخواست های کاتولیک ها در مراسم تدفین ژان پل دوم از دوره توقف پنج ساله پس از مرگ چشمپوشی کرد تا ژان پل دوم به یکی از قدیسان کلیسای کاتولیک تبدیل شود.

محکومیت چهار شهروند بهایی در مشهد به حبس تعزیری

مارس 10, 2012



چهار شهروند بهایی در مشهد از سوی دادگاه انقلاب این شهر در مجموع به شش سال حبس محکوم شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، چهار شهروند بهایی به نام های «انیسا دهقانی»، «کیوان دهقانی»، «آیه انوری» و «ساناز تفضلی» به اتهام عضویت در تشکیلات بهایی و تبلیغ علیه نظام هر کدام به یک سال و نیم حبس تعزیری محکوم شدند.

قابل ذکر است جلسه دادگاه نامبردگان فوق طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۳ و ۴ اسفند ماه سال جاری تشکیل شد که دادگاه پس از دو جلسه محاکمه، پرونده یکی دیگر از متهمان به نام «فرهود اشتیاق» شهروند بهایی ساکن اصفهان را به شهر اصفهان منتقل و اعلام رای را منوط به حکم دادگاه انقلاب اصفهان دانست.

برای شناخت محبت

یادآوری می شود چهار نفر از پنج متهم پرونده مذکور ساکن اصفهان می باشند بطوریکه کیوان دهقانی و آیه انوری از شهروندان بهایی ساکن اصفهان هستند که در تابستان سال جاری پس از بازداشت در اصفهان به اداره اطلاعات مشهد منتقل شدند همچنین انیسا دهقانی شهروند بهایی دیگر ساکن اصفهان می باشد که هنگام مسافرت به مشهد در خیابان بازداشت شد و فقط از بین ایشان ساناز تفضلی شهروند بهایی ساکن مشهد می باشد که نامبرده نیز تابستان سال جاری مدتی بازداشت بوده است. گفتنی است، هر پنج متهم پرونده فوق الذکر به قید وثیقه آزاد هستند

عفیف نعیمی، از مدیران جامعه‌ی بهایی به بیمارستان منتقل شد

مارس 10، 2012



عفیف نعیمی یکی از مدیران سابق جامعه بهایی ایران که در بند ۴ سالن ۱۲ زندان رجایی شهر کرج زندانی است، روز چهارشنبه، هفدهم اسفندماه از زندان به بیمارستان منتقل شده است. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، عفیف نعیمی روز چهارشنبه برای انجام سی تی اسکن از زندان رجایی شهر به بیمارستان منتقل شد. آقای نعیمی به ناراحتی شدید غدد لنفاوی و تورم حاد در ناحیه‌ی گلو مبتلاست که بیماری وی به علت عدم رسیدگی پزشکی تشدید شده است.

وی که به همراه اکثر زندانیان سیاسی-عقیدتی زندان رجایی شهر کرج در بند ۴ سالن ۱۲ این زندان (بند امنیتی) محبوس است، چندی پیش و در نهایت به همراه شش تن دیگر از رهبران بهایی به تحمل ۲۰ سال حبس تعزیری محکوم شد. این در حالیست که این هفت تن ابتدا در دادگاه بدوی به بیست سال زندان محکوم شده بودند، اما دادگاه تجدید نظر استان تهران با حذف اتهاماتی چون «جاسوسی» و «همکاری با دولت اسرائیل»، این حکم را به ده سال تقلیل داد.

این زندانی عقیدتی در اردیبهشت ماه سال ۸۷ توسط وزارت اطلاعات بازداشت و تاکنون بدون حتی یک روز مرخصی در زندان به سر می‌برد.

تمدید قرار بازداشت سه شهروند بهایی در کرمان به مدت دو ماه

مارس 10, 2012

سه شهروند بهایی ساکن کرمان که در تاریخ ۱۶ دی ۹۰ بازداشت شده بودند، تا دو ماه دیگر در بازداشت به سر خواهند برد.



فرین راسخی، بختیار راسخی و فرحناز نعیمی سه شهروند بهایی ساکن کرمان هستند که به دلیل اعتقادات خود، بیش از دو ماه است در بازداشت به سر می‌برند. این سه تن در جریان برگزاری یک مراسم مربوط به آیین بهائیت همراه چندین تن دیگر از بهاییان بازداشت شده بودند. به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» به تازگی مامورین رسیدگی به پرونده‌ی ایشان اعلام کرده اند که زمان بازداشت آن‌ها تا دو ماه دیگر تمدید خواهد شد.

فرین راسخی و فرحناز رحیمی بعد ۵۰ روز بازداشت در سلول‌های انفرادی هفته‌ی گذشته به بند عمومی زندان کرمان منتقل شده بودند. بختیار راسخی پدر فرین راسخی اما همچنان در سلول‌های انفرادی به سر می‌برد.

آزادی ممتازیان و تسلیمی و تداوم بازداشت ۱۰ بهایی دیگر در

شیراز

مارس 10, 2012

سمیرا ممتازیان و پیام تسلیمی دو شهروند بهایی در شیراز در حالی با تودیع وثیقه آزاد شدند که ۱۰ شهروند بهایی دیگر همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

سمیرا ممتازیان و پیام تسلیمی دو شهروند بهایی که در بهمن ماه گذشته در جریان بازداشت گروهی بهاییان در شیراز بازداشت شده بودند با تودیع وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند. به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» این دو تن در حالی آزاد شدند که ۱۰ شهروند دیگر بهایی همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

برای شناخت محبت

پیام تسلیمی، مژده فلاح، مژگان عمادی، نیما دهقان، سینا ساریخانی، یکتا فهندژ، سام جابری، سمیترا ممتازیان، فرشید یزدانی، ایمان رحمت پناه و فرید عمادی بهاییانی هستند که در روزهای ۱۴ و ۱۸ بهمن ماه توسط نیروهای امنیتی در شیراز بازداشت شده بودند.

یکی از خانواده‌های این زندانیان با بیان این خبر به خانه‌ی ما گفت:

«روزها گذشت و ما را حدود ۱۰ روز به دادگاه انقلاب راه ندادند و گفتند دادستان گفته هیچ بهائی را راه ندهید و به هر جا که می‌توانستیم سر زدیم (امام جمعه، امور امنیتی و سیاسی استانداری فارس، دادگستری کل، حقوق شهروندی) اما خبری از پرونده زندانیان و خودشان نشد تا این‌که تصمیم گرفته و تعدادی از خانواده‌ها به تهران رفته و در آنجا هم به جاهای مختلف مراجعه شد، از جمله دادگاه انقلاب تهران که با بی‌احترامی تمام گفتند بهائیان در ایران هیچ حقی حتی حق زندگی هم ندارند و خود بهائی بودن جرم است.»



وی ادامه داد:

«به جاهای دیگر از جمله دادگستری، قوه قضاییه، ستاد حقوق شهروندی هم مراجعه شد که در آخر کارشناس حقوق شهروندی گفتند ما دیگر به امور شما رسیدگی نمی‌کنیم باید بروید به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس.»

در آن‌ها هم گفتند تنها کاری که می‌توانید بکنید نوشتن شکایت نامه است و این کار انجام شد و نامه را خطاب به دادگستری شیراز دادند و آن‌ها هم به دادگاه انقلاب شیراز نامه را فرستادند و یکی از افرادی که به تهران رفته بود در تاریخ ۱۵ اسفند ماه به دادگاه انقلاب شیراز مراجعه کرد اما بعد از خواندن نامه به ایشان گفتند که شما دروغ می‌گویید و لیاقت جواب دادن هم ندارید.»

خانواده این زندانی بهایی گفت: «بعد از گذشت حدود پنج هفته بالاخره در تاریخ ۱۶ اسفند ماه به تمام خانواده‌ها ملاقات دادند تا عزیزان‌شان را ببینند.»

ظهر همان روز دو نفر از زندانیان به خانواده‌شان زنگ زدند که به دادگاه انقلاب بروید برای تودیع وثیقه.

فردای آن روز دادگاه وثیقه ۱۰۰ میلیونی از آنها خواستند و هر چه اصرار کردند مبلغ را کمتر کنند، آن‌ها قبول نکردند.

احضار ۱۴ شهروند بهایی قروه به اداره اطلاعات این شهرستان

مارس 10, 2012

در چند ماه اخیر ۱۴ شهروند بهایی اهل قروه به طور جداگانه برای بازجویی به دفتر محلی وزارت اطلاعات احضار شده اند.

سمیرا خادم و مادرش، آقای لقای، همسر و پسرش، کامبیز اقدامیان، همسر، دو پسر و دامادش، بهنام اقدامیان و همسرش، فائز صالحی و همسرش و نیز پگاه عزتی از افرادی هستند که در شهرستان قروه سندیج مورد بازجویی مامورین اطلاعات قرار گرفته اند.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» در دوره بازجویی سوالاتی در مورد جلسات بهایی در قروه، افراد شرکت کننده، نحوه اداره جلسات، نام بستگان خارج از کشور، درآمد این افراد، ارتباط ایشان با افراد غیر بهایی و تمایلشان به رفتن به خارج از ایران مورد پرسش قرار گرفته است.

نوکیش مسیحی پس از بازگشت باصفهان توسط ماموران

بازداشت شد

مارس 10, 2012



از هفته های اخیر، فشارهای امنیتی شدیدی نسبت به مسیحیان فارسی زبان و خانواده های آنان در شهر اصفهان آغاز شده است در همین راستا یکی از نوکیشان مسیحی پس از بازگشت به اصفهان در منزلش بازداشت شد.

به نقل از گزارشگران آژانس خبری مسیحیان ایران « محبت نیوز » «فریبرز پارسی نژاد» از نوکیشان مسیحی توسط ماموران امنیتی در اصفهان بازداشت شد.

«فریبرز پارسی نژاد» در روز جمعه مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۰ (۲ مارچ ۲۰۱۲) هنگامی که از محل کارش در یکی از شهرهای جنوبی کشور به اصفهان بازگشت، ماموران امنیتی با ورود به منزلش وی را بدون هیچ توضیحی بازداشت نمودند

آزادی موقت داوود علیجانی خادم کلیسای جماعت ربانی



به دنبال انتشار خبر حمله به کلیسای جماعت ربانی اهواز برای اولین بار در اف سی ان، موجی از دعا، همدردی و اعلام پشتیبانی مسیحیان جهان برای آزادی در بند ماندگان این تهاجم آغاز شد و عاقبت به ثمر نشست.

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از منابع مسیحی در اهواز، داوود علیجانی معروف به دیوید روز پنجشنبه 18 اسفند ماه (8 مارچ) از زندان اهواز آزاد شد. آقای داوود علیجانی یکی از خادمان کلیسای جماعت ربانی اهواز بود که در دوم دی ماه امسال (23 دسامبر 2011) و پس از حمله ماموران نقابدار به مراسم ویژه کریسمس آن کلیسا بازداشت شده بود.

دو نفر دیگر از زندانیان ماجرای حمله به کلیسای جماعت ربانی اهواز، کشیش ناصر سبک روح و ناصر ضامن دزفولی صبح روز سه شنبه دوم اسفند ماه (21 فوریه 2012) با گذاشتن وثیقه های 200 میلیون تومانی آزاد شده بودند. گفته می شد داوود به علت مشکل داشتن برای سپردن وثیقه بسیار سنگین آن زمان آزاد نشده بود ولی گویا این وثیقه در نهایت تهیه شده و در گرو دادگاه اسلامی اهواز قرار گرفته است.

در زمان آزادی دو زندانی دیگر اخبار متناقضی در مورد آزادی داوود علیجانی وجود داشت. در حالی که برخی منابع می گفتند داوود ملقب به دیوید هنوز آزاد نشده است، برخی از شاهدان عینی گفته بودند که او را نیز دیده اند که به همراه کشیش فرهاد و ناصر از ساختمان دادگاه انقلاب اهواز واقع در فلکه دوم کیانپارس آن شهر خارج شده، همراه برادرش محل را ترک نموده است. اما این خبر هرگز تأیید نشد و معلوم شد که داوود به دلایلی نامعلوم همچنان در بازداشت مانده است.

داوود علیجانی معروف به دیوید 30 ساله، تکنسین شیمی و خادم کلیسای جماعت ربانی اهواز است. داوود 9 سال قبل ایمان آورد. پس از آنکه مسئولان شرکت پتروشیمی بندر امام متوجه این مسئله شدند، حدود 5 سال قبل، از کارش اخراج شد. از آن به بعد او که قلبش در تسخیر عیسی مسیح بود به خدمت در کلیسای جماعت ربانی اهواز مشغول شد و قسمت اعظم زندگی خود را وقف خدمتش کرد.

دیوید مجرد است و دوره های مربوط به صنایع پتروشیمی را گذرانده است. او در تلاش بود تا کاری مطابق تخصصش پیدا کند ولی هرگز حاضر نشد به این دلیل از ایمان قلبیش دست بردارد.

یاد آور میشود که کشیش فرهاد سبک روح به همراه همسرش خانم شهناز جیزان و دو خادم کلیسا همانطور که نوشته شد در روز جمعه دوم دی ماه هنگامی که در حال اجرای سرویس ویژه کریسمس بودند توسط نیروهای نقاب دار اداره اطلاعات خوزستان بازداشت شدند. مهاجمان همه حاضران در مراسم کلیسا و لوازم صوتی، تصویری و ارتباطی، کتب و نشریات را از محل ساختمان کلیسا خارج کردند و با خود بردند.

برای شناخت محبت

همه شرکت کنندگان در سرویس کریسمس کلیسا به استثنای چهار نفر مذکور تا بعد از ظهر همان روز پس از بازجویی و ثبت مشخصات آزاد شدند. از این چهار نفر خانم شهناز همسر کشیش کلیسا روز 11 دی ماه (اول ژانویه 2012) پس از 9 روز با وثیقه سنگین مالی آزاد شد. از تاریخ حمله مذکور کلیسای جماعت ربانی اهواز تعطیل می باشد. این سومین کلیسای جماعت ربانی در کشور است که طی سالهای اخیر بدون دلیل موجهی و فقط بر اساس بهانه جوئی های ماموران اطلاعات و امنیتی به ظن تبلیغات مسیحی در بین مسلمانان به تعطیلی کشیده شده است. به دنبال انتشار خبر حمله به کلیسای جماعت ربانی اهواز برای اولین بار توسط اف سی ان ان موجی از همدردی و دعای مسیحیان جهان برای آزادی آزادی همه دربندان این تهاجم وحشیانه آغاز شد که عاقبت روز گذشته به بار نشست. دعاها و تلاش برای باز شدن مجدد کلیسای اهواز همچنان ادامه دارد.

آمار ازدواج دختران زیر ۱۰ سال رو به افزایش است

مارس 10, 2012



نظر به اینکه وزارت بهداشت ازدواج زیر سن قانونی را تکذیب کرده است، اما عضو انجمن دفاع از حقوق کودکان نسبت به این موضوع هشدار داد.

«محبت نیوز»- هر چند وزارت بهداشت ازدواج زیر سن قانونی را تکذیب کرده است، اما عضو انجمن دفاع از حقوق کودکان با هشدار نسبت به افزایش آمار ازدواج دختران زیر ۱۰ سال در کشور گفت: «در سال ۸۸، ۴۴۹ دختر زیر ۱۰ سال در کل کشور ازدواج کرده اند که این رقم در سال گذشته به ۷۱۶ مورد افزایش یافته است».

به گزارش ایسنا، فرشید یزدانی با اعلام آمار ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در طول سال های ۸۵ تا ۸۸ افزود: «در سال ۸۵، ۳۳ هزار و ۳۸۳ دختر زیر ۱۵ سال ازدواج کرده اند که این رقم در سال ۸۶ به ۳۵ هزار و ۹۳۱ مورد، در سال ۸۷ به ۳۷ هزار و ۹۹۶ مورد و در سال گذشته به ۴۳ هزار و ۴۵۹ مورد رسیده است».

به گفته او، آمار ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در خلال این سالها نسبت به آمار کل ازدواجها افزایش ۴۵ درصدی داشته است. عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان عنوان کرد: «این آمار و ارقام براساس آمار سایت سازمان ثبت احوال است و هشدار جدی برای فعالان و سیاستگذاران اجتماعی است».

محکومیت یک درویش گنابادی به ۶ ماه حبس



پرویز ملکشاهی مجلس دار شهرستان الشتر لرستان به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، حکم محکومیت این درویش گنابادی به اتهام واهی توهین به رهبری از سوی شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر لرستان تایید شده و در هفته گذشته به ایشان ابلاغ شده است.

شایان توجه است پرویز ملکشاهی در خردادماه ۸۹ توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده بود و از آن تاریخ تا کنون وزارت اطلاعات با فشار به قوه قضاییه سعی در محکوم کردن این

برای شناخت محبت

درویش گنابادی به اتهاماتی چون توهین به مامور، تمرد از دستور و فعالیت تبلیغی علیه نظام داشت که با وجود تبرئه وی از این اتهامات اکنون با صدور حکم قطعی ۶ ماه حبس به اتهام توهین به رهبری برای ایشان عدم استقلال قوه قضاییه بار دیگر موجب تضییع حقوق درویش گنابادی در دادگاه‌های حاکمیت شده است.

انتقال حمید آرایش به مکانی نامعلوم

حمید آرایش از داویش گنابادی که در بازداشتگاه نیروی انتظامی کوار در بند بود عصر امروز به مکانی نامعلوم منتقل شد. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، با وجود پیگیری و درخواست خانواده این درویش گنابادی مبنی بر آگاهی از سلامت جسمی و مکان انتقال وی تاکنون هیچ خبری به دست نیامده و مسئولین قضایی و انتظامی پاسخگو نیستند. از همین رو نگرانی‌ها از سلامت جسمی ایشان افزایش یافته است. حمید آرایش در روز ۱۸ اسفند ماه توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت و به بازداشتگاه نیروی انتظامی شهرستان کوار منتقل شده بود.

لازم به ذکر است، بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی در بدترین وضعیت بهداشتی قرار داشته و برخورد مامورین و بازجویان به شدت غیر انسانی، همراه با شکنجه و خلاف قوانین حقوق شهروندی می‌باشد. کاظم دهقان دیگر درویش گنابادی که وی نیز در کوار بازداشت و در بازداشتگاه اطلاعات نیروی انتظامی تحت بازجویی قرار داشت اکنون در بند ۱۰ زندان عادل آباد شیراز در وضعیت نگران کننده‌ای به سر می‌برد و سلامت وی به دلیل ضرب و شتم‌های دوره بازجویی و وضعیت وخیم بهداشتی زندان در خطر است.

خامنه ایی و پیروی هوادارانش از سرکوب نوکیشان مسیحی در ایران



بحث پیرامون مسیحیت و شرایط دشوار مسیحیان به خصوص نوکیشان مسیحی در ایران به قدری پر اهمیت و حساس می باشد که رسانه های داخلی و خارجی اعم از فارسی و غیرفارسی در ادوار مختلف و با نگاهی ویژه به آن می پردازند.

آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» - در این برهه از زمان وجود رسانه هایی کاملن مستقل که به طور خاص در برگیرنده اخبار و گزارشات مربوط به جامعه رو به گسترش مسیحیان در ایران است لازم و حیاتی است. هدف و خط و مشی «محبت نیوز» بر پایه انعکاس دقیق اخبار و گزارشات مربوط به جامعه مسیحیان در سرتاسر جهان به ویژه ایران برنامه ریزی شده است و بازتاب مثبت آن زمانی ملموس می شود که رسانه ها و خبرگزاری های معتبر بین المللی به «محبت نیوز» به عنوان یکی از منابع مورد اطمینان توجه ویژه ای دارند.

-بازتاب يك گزارش

تارنمای خبری «صدای آمریکا» VOA - در گزارشی ضمن بررسی دقیق اخبار و گزارشات منعکس شده از طریق «محبت نیوز» نگاهی خاص به شرایط مسیحیان داخل ایران داشته و به موضوعاتی از جمله گسترش مسیحیت، کلیساهای خانگی و زندانی شدن و شکنجه نوکیشان مسیحی و شرایط امنیتی جامعه پرداخته است که بدلیل طولانی بودن مطلب - گزیده هایی - از آن را در پی می خوانید.

-آغاز سرکوب مسیحیان

صدای آمریکا می نویسد: «نطق آیت الله خامنه ای در قم در سال ۱۳۸۹ چراغ سبزی بود برای هجوم سازمان یافته به کلیساهای خانگی و پیروان اقلیت های مذهبی، از آغاز انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون دگر اندیشان دینی، از بهایی و یهودی و مسیحیان و نوکیشان و زرتشتیان تا اهل تسنن و دیگر فرقه های اسلامی چون اهل حق و درویشان گنابادی و غیره با فشار و تعرض و آزار حکومت اسلامی روبرو بوده اند. عده زیادی از آنان به ویژه یهودیان و مسیحیان و بهاییان دست به جلای وطن زدند و راه مهاجرت درپیش گرفتند».

با گرویدن مسلمانان ایرانی به مسیحیت چندین رهبر کلیسا مانند کشیش هایک هوسپیان (مرداد ۷۲ در کرج به قتل رسید) و کشیش دیباج و میکائیلیان در ایران کشته شدند. (در مرداد ۷۳ پس از ربوده شدن به قتل رسیدند. جمهوری اسلامی سپس با ترتیب دادن یک نمایش امنیتی سه دختر به عنوان عضو سازمان مجاهدین خلق را مسئول این قتلها اعلام کرد) تاکنون صدها مسیحی در ایران تحت بازجویی قرار گرفته و زندانی شدند. چاپ کتاب مقدس مسیحیان به زبان فارسی ممنوع شد، و بسیاری از نسخه های کتاب مقدس در کنار موادمخدر و بطری های مشروب الکلی به آتش کشیده شد. خدمات کلیساها تعطیل و به درون خانه های ایمانداران مسیحی انتقال یافت. آخرین نیز خدمات دو کلیسا در تهران به زبان فارسی و در روزهای جمعه ممنوع شده است. مسلمانان ایرانی که به مسیحیت می گروند در خطر مرگ با اتهام «ارتداد» نیز روبرو هستند.

-افزایش فشارها و بازداشت نوکیشان مسیحی

به نظر می رسد حتی انتخابات مجلس نهم هم نتوانست ولو به صورت موقت، موج حمله مقام های امنیتی را به پیروان ادیان و عقایدی سواى مذهب تشیع دوازده امامی اسلامی، به ویژه به مسیحیان نوکیش و بهائیان و درویشان گنابادی، اگر نه متوقف که دست کم خفیف کند. و دامنه و روند این جریان مسیحیت ستیز پس از شهرهای تهران، اهواز، شیراز، و کرمانشاه و همدان به شهرستان اصفهان هم رسیده است.

در دوم اسفند ماه، سه روز پیش از آغاز هفته انتخابات، ماموران امنیتی با هجوم به کلیسای خانگی در کرمانشاه ۱۱ نوکیش مسیحی را بازداشت کردند که فردای آن روز تعدادی از این افراد پس از بازجویی و گرفتن تعهد آزاد نمودند اما از محل نگهداری سه تن از آنان خبری در دست نیست.

در اصفهان همزمان با بازداشت «حکمت سلیمی کشیش کلیسای اصفهان»، ماموران اطلاعات اصفهان صبح روز چهارشنبه سوم اسفندماه ۱۳۹۰ خانم گیتی حکیم پور ۷۸ ساله را که از اعضا و خادمان کلیسای لوقای اصفهان بود به همراه جمعی دیگر از نوکیشان مسیحی بازداشت کردند.

- سخنان رهبر یا فرمان آتش

صدای آمریکا می نویسد؛ به نوشته سایت «محبت نیوز» در سالهای دولت اصلاحات، فشار بر مسیحیان کاهش یافته بود، اما از زمان روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد این فشارها افزایش یافت. اما افزایش فشار بر مسیحیان و بهائیان و درویشان و دیگر دگر باوران پس از آن به اوج رسید

برای شناخت محبت

که آیت الله خامنه ای در روز ۲۷ مهر ۱۳۸۹ در اولین روز سفر نه روزه اش به قم ضمن اعلام آن که «فتنه سال ۸۸ کشور را در برابر میکروب های سیاسی و اجتماعی واکسینه کرد»، گفت «دشمنان اسلام» قصد دارند که دین را در جامعه ایران تضعیف کنند و برای این کار، از جمله به «اشاعه بی بند و باری و اباحی گری، ترویج عرفان های کاذب، ترویج بهائیت و گسترش کلیساهای خانگی» می پردازند.

در پی آن مقامهای سیاسی و مذهبی دیگر نیز با سخنانی به این موج دامن زدند تا مقامهای امنیتی و قضایی بتوانند به صورتی سازمان یافته به دگر باوران و اقلیتهای مذهبی هجوم آورند.

- پشتیبانی و حمایت مقام های مذهبی دیگر:

محمد تقی مصباح یزدی - چندی بعد در اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ محمدتقی مصباح یزدی، از بانیان عقاید مهدویت باوری، که نامش به عنوان مرجع صدور فتوای قتل ها در جریان قتل های زنجیره ای شهرت دارد از «ترویج مسیحیت» در برخی استان ها انتقاد کرد و گفت: «در راستای مبارزه با مسیحیت ی که در بعضی استانها رواج پیدا می کند کارهایی انجام گرفته و هزینه هایی هم صرف شده است اما بازدهی ندارد به این دلیل که برنامه و نظارتی نیست».

وحید خراسانی - پیشتر از او نیز آیت الله وحید خراسانی، از مراجع تراز اول شیعه و از منتقدان حاکمیت فعلی، با هشدار دادن در مورد افزایش گرایش جوانان به مسیحیت آن را ناشی از سوء مدیریت حکومت دانسته بود. او گفت: «مردم دارند مسیحی می شوند اینها دنبال ریاست خودشان هستند... یکی نیست به این دستگاه بگوید این همه تبلیغات مسیحیت ضال و مضل حتی در قم به چه معناست؟... اینها را دارند به خورد این امت می دهند و درقبال اسلام، این دستگاه با این بساط اگر جای یک کلمه بویی برای تزلزل مقام من باشد همه آنجا حاضر می شوند، اما دین و ایمان از مغز این جوان ها برده می شود همه در خفقان و خوابیده اند». او افزود: «دنبال مقام و مالند دم از اسلام می زنند، بساط تبلیغ مسیحیت باید از این مملکت برچیده شود والا آبرو برای ... نخواهم گذاشت».

پاسخ اکبر گنجی - اکبر گنجی، روزنامه نگار ناراضی درباره سخنان آیت الله وحید خراسانی در سایت «روز» نوشت: «این حکم ناقض حقوق بشر، از ضعف ایمان به دین خود حکایت می کند. اگر به حقانیت دین خود باور داریم، نباید از تبلیغ یهودیت و مسیحیت و بهائیت و بودیسم و... بهراسیم. بگذارید پیروان ادیان مختلف آزاده دین خود را تبلیغ/ترویج کنند، دین حق در این بازار خریداران بیشتری پیدا خواهد کرد. ممانعت و سرکوب، شأن جباران است».

عباس کعبی - حجت الاسلام عباس کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری، با اشاره به موضوع «کلیسای خانگی» که در سخنان آیت الله خامنه ای آمده بود گفت: «مسئله کلیسای خانگی طرحی ضددینی و ضد هویتی است» که به گفته او «می توان آن را ضد امنیت هم به حساب آورد» و «طرحی است که توسط تروریست ها و جاسوسی شکل گرفته و ربطی به مسیحیت اصیل ندارد».

محمد فاضل لنکرانی - حجت الاسلام فاضل لنکرانی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با هشدار از فعالیت کلیساهای خانگی، از مسئولان کشور درخواست کرد برای «حفظ و صیانت از شهرهای مذهبی کشور» تمهیدات ویژه ای در نظر بگیرند. «محبت نیوز» در خصوص اجتماعات خانگی مسیحیان یادآوری می کند که کلیسای خانگی در واقع همان خانه های پیروان مسیحیت است که به سبب ناامنی هایی که برای نوکیشان مسیحی در کلیساهای پدید آمد این افراد مراسم نیایش و عبادت خود را به خانه ها انتقال داده اند. در واقع نوعی کلیسای زیرزمینی برای گردآمدن مسیحیان ایران تعبیر می شود.

-مقامهای امنیتی و سیاسی

برای شناخت محبت

علی لاریجانی - رئیس مجلس شورای اسلامی یک روز پس از سخنان آقای خامنه‌ای، در نطقی در مجلس، اظهارات او را که از مسئولان خواستار برچیدن کانون عرفان‌های بدلی شده بود دلیل دیگری بر جدی بودن حمله حکومت به اقلیت‌های اجتماعی و مذهبی شمرد.

حیدر مصلحی - وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از رواج مسیحیت در میان «نخبگان حوزوی» خبر داد که «هدف سرویس‌های اطلاعاتی غربی قرار گرفته و برایشان تله گذاشته‌اند».

آقای مصلحی روز پنجشنبه اول مهر ماه به رواج مسیحیت در میان «شیعیان معتقد» و «قدرت تخریبی آنها» اشاره کرد و گفت: «امروزه بسیاری از افرادی که به تازگی مسیحی شده‌اند، روزی مخلصین اهل بیت و شیعه‌های معتقد بودند و دشمنان با روش‌های علمی آنها را به ترکیه کشانده و برای آنها مراسم غسل تعمید گذاشته‌اند».

مرتضی تمدن - استاندار تهران روز ۱۴ دی ۴/ ژانویه ۲۰۱۰ اندکی پس از اعیاد مسیحی از بازداشت عده‌ای از سران مسیحیان تبشیری در تهران خبر داد و گفت عده دیگری هم در آینده نزدیک بازداشت خواهند شد. او مسیحیان تبشیری ایران را جریان «فاسد و منحرف» خواند که افکار خود را «از طریق محافل فرهنگی که در انگلیس دایر است» ترویج می‌کند. استاندار تهران که «فعالیت‌های تبشیری» را با «تهاجم نظامی و فرهنگی انگلستان» به ایران مرتبط دانسته بود از برخورد با مبشران مسیحی در استان تهران خبر داد و گفت: «سران این جریان در استان تهران به دام افتاده‌اند و شمار بیشتری نیز در آینده نزدیک دستگیر خواهند شد». او مسیحیان تبشیری را با طالبان و وهابیت مقایسه کرد: «آنان مانند جریان طالبان و وهابیت که به عنوان یک آفت خود را در دین اسلام جا زده‌اند، به نام مسیحیت و به پشتوانه انگلیس حرکتی را طراحی و پیش می‌برند».

-ورود مقام‌های قضایی و ماموران امنیتی

همه این سخنان در واقع به منزله صدور فرمان حمله و بازداشت‌های گسترده به نوکیشان مسیحی بود که راه را برای مقامات قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی گشود و با دستور آنان تاکنون عده کثیری از نوکیشان مسیحی در برخی از شهرهای ایران در کلیساهای خانگی، منازل و یا محل کارشان بازداشت شده و می‌شوند.

دست کم ۲۸۵ مسیحی در ۳۵ شهر ایران در نیمه دوم سال ۲۰۱۰ دستگیر شدند. علاوه بر هفته‌ها و یا حتی ماه‌ها تحمل زندان که اکثر مدت آن در انفرادی بوده است، اکثر بازداشت‌شدگان که در واقع جزو زندانیان گمنام عقیدتی هستند در بازداشت‌گاه تحت فشار و شکنجه‌های سخت قرار می‌گیرند و تهدید می‌شوند که پس از آزادی از آنچه دیده و کشیده‌اند سخن نگویند.

هرمز شریعت، از رهبران مسیحی ایرانی و مسئول سازمان خدماتی «ایران زنده» به سایت محبت نیوز گفته است: «هر از گاهی مسئولین جمهوری اسلامی مسیحیان را بازداشت می‌کنند و حتی خانواده‌های آنها را هم در جریان نمی‌گذارند. مسیحیان دستگیر شده حتی دسترسی به وکیل هم ندارند و بدتر از آن حتی رسماً اتهامشان به آنها تفهیم نمی‌شود».

به گزارش محبت نیوز با فرا رسیدن کریسمس و آغاز سال نو میلادی ۲۰۱۲، خبرهایی از اجرای حکم دادگاه‌های انقلاب اسلامی برای نوکیشان مسیحی و بازداشت و هجوم ماموران امنیتی به اجتماع مسیحیان منتشر شده است، که به دلیل عدم دسترسی به منابع خبری و تهدید خانواده زندانیان مسیحی، بسیاری از خبرها و گزارشها منتشر نمی‌شود.

-بازداشت کودکان

برای شناخت محبت

خبرگزاری «صدای امریکا» می افزاید، هنگام یورش جمعی ماموران امنیتی به کلیسای جماعت ربانی اهواز در دی ماه ۱۳۹۰ همه شرکت کنندگان، از بزرگ و کوچک بازداشت شدند. بازداشت بچه های خردسال توسط نیروهای امنیتی که در این یورش خشونت بار صورت خود را پوشانده بودند چنان وحشتی در آنان تولید کرد که به آسیبهای روانی در آنان منجر شد.

سایت «محبت نیوز» که به خبرها و گزارش های مسیحیان و نوکیشان ایران می پردازد نوشت: «به راستی آیا یک کودک که به همراه والدینش در یک مکان دینی و مذهبی حضور داشته باید با این نونهالان همانند مجرمین برخورد کرد و پای آنان را از هم اکنون به مرکز امنیتی و یا زندان ها که جایگاه متهمان و مجرمان است کشاند.»

-انجیل سوزی

وب سایت خبرگزاری صدای امریکا همچنین با پرداختن به وقایع انجیل سوزی در ایران می نویسد، « در اسفند ۱۳۸۹ اداره بازرسی و کشف کالای قاچاق با هماهنگی نیروی امنیتی سپاه پاسداران ۲ کارتن کتاب حاوی بیش از ۳۰۰ جلد کتاب مقدس را که در داخل يك اتوبوس کشف و ضبط کرده بودند همراه برخی دیگر از کالاهای قاچاق نظیر مواد مخدر و مشروبات الکلی سوزانده شد.

در خرداد همان سال نیز در اقدامی مشابه صدها جلد کتاب مقدس مسیحیان در شهرستان سردشت سوزانده شد و خبر آن در رسانه های منعکس شد.

این در حالی ست که مسلمانان برای کتاب مقدس خود قرآن احترام فراوان قائلند و بی حرمتی به آن را بر نمی تابند.

-تعطیل کلیسا ها و ممنوعیت ارائه خدمات به زبان فارسی

از هنگام نطق آیت الله خامنه ای تاکنون بسیاری از کلیساها تعطیل و بناهای تاریخی آنها تخریب شده و از برگزاری مراسم کلیسایی جلوگیری به عمل آمده است. بنا بر خبری که روز هفتم اسفند ۱۳۹۰ منتشر شد به دستور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی دو کلیسای مسیحی: کلیسای پروتستان «امانوئل» و کلیسای انجیلی «پطرس مقدس» که در تهران به ثبت رسمی رسیده اند، از ارائه خدمات به زبان فارسی منع شده اند.

در آذر ماه ۱۳۸۸ نیز کلیسای مرکزی شهر تهران از دادن خدمات به زبان فارسی منع شد. همچنین مقام های وزارت اطلاعات از کلیساها خواسته اند به جای جمعه ها خدمات خود را روزهای یکشنبه ارائه دهند. در روزهای جمعه کلیسا مکانی بود برای گردآمدن نوکیشان و مسیحیان و مسلمانان. اما روز یکشنبه در ایران روز کاری ست و گزارشها حاکی از آنست که محدودیت های جدید باعث کاهش تعداد اعضای این دو کلیسا به نصف شده است.

پیش تر نیز درهای کلیسای پنطیکاستی و رسمی آشوری کرمانشاه نیز از تاریخ ۱۲ دی ۱۳۸۸ (۲ ژانویه ۲۰۱۰) با حکم مقام های قضایی و امنیتی به بهانه ترویج مسیحیت در بین فارسی زبانان مسلمان و بشارت انجیل، به روی مسیحیان بسته شد.

بالا گرفتن گرایش به مسیحیت حتی در بین فرزندان روحانیون

گزارش نویس صدای امریکا در ادامه مطلب خود می نویسد، به رغم خطرها و فشارهایی که با تغییر دین در انتظار مسلمانان ایرانی است، به نظر می رسد حتی خطر اعدام نیز نتوانسته از پیوستن مردم به ادیان دیگر و از جمله مسیحیت جلوگیری کند. به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، شبکه تلویزیونی CBN در گزارشی در این باره می گوید: «مردم ایران که پس از انقلاب

برای شناخت محبت

اسلام را شناختند بیشتر از هر زمانی از صدر اسلام و حمله اعراب به ایران تا کنون به مسیحیت می‌گروند.»

این در حالی ست که به نظر می‌رسد دامنه گرایش به مسیحیت دامن مقامها و نزدیکان و اعضای خانواده های آنان را در داخل و خارج از کشور نیز گرفته است.

سایت خبرآنلاین نزدیک به **علی لاریجانی** در بخشی از مقاله خود در مورد گرایش مردم حتی فرزندان روحانیون شیعه به مسیحیت می‌نویسد: «در چنین شرایطی، شنیدن این که مثلن بچه فلان روحانی ممکن است مسیحی شده باشد، یا این که فلان جوان ایرانی که برای تحصیل به فرنگ رفته بهایی شود، نباید ما را شگفت زده کند.»

محمد نوری‌زاد کارگردان، فیلمنامه‌نویس و وب‌نگار هم در نوشته کوتاهی در سایت خود ضمن اشاره به دیدار با حسن خمینی نوه روح الله خمینی به نقل از او خبر می‌دهد که «پسر یکی از معاونان مصباح یزدی، مسیحی شده است!»

آیت الله هاشم حسینی بوشهری، امام جمعه قم هم با هشدار به ترویج گرایش به مسیحیت و گسترش کلیساهای خانگی در بسیاری از شهرهای کشور گفت: «امروز استکبار جهانی در این راستا سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیقی کرده است به طوری که در کشور ما گرایش زیادی به مسیحیت به وجود آمده است.» و وزیر اطلاعات در مورد رواج مسیحیت در میان نخبگان حوزوی و شیعیان معتقد گفت «نخبگان حوزوی» هدف سرویسهای اطلاعاتی غربی قرار گرفته و «برایشان تله گذاشته‌اند.»

آژانس خبری مسیحیان ایران، «محبت نیوز»، نیز درباره گرویدن مأموران جمهوری اسلامی در خارج گزارش داده است که: «تعدادی از دیپلمات‌ها و اعضای خانواده سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور یا خود و یا برخی از اعضای خانواده آنها با وجود کنترل و نظارت شدید، در قلبهای خود به آئین مسیحیت گرویدند که بنا به دلایل امنیتی و حفظ حقوق آنان همین میزان توضیح کافی است.»

این سایت حتی مدعی شده که در داخل کشور و در سازمان‌های نظامی نظیر ارتش و سپاه و در میان فرزندان مسئولان وابسته به این سازمان‌ها نیز به عده‌ای به این دین گرایش یافته، «با درصدد تحقیق و مطالعه و آشنایی با کم و کیف آئین مسیحیت هستند». این سایت همچنین از تماس تلفنی «یکی از افسران خلبان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (نام محفوظ) که خود از حافظین و قاریان قرآن بود» و از اسلام به مسیحیت گرویده خبر داده است. به نوشته محبت نیوز این افسر خلبان برای حفظ جان خود با مشقت و سختی فراوان خود را به یکی از کشورهای اروپایی رسانده است.

عوامل رژیم آقای کاظمینی بروجردی را مسموم کردند

مارس 12, 2012



بنابه گزارش ارسالی به «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» روز جمعه 9 مارس 2012 آقای کاظمینی بروجردی رهبر مذهبی سرشناس که بیش از 2000 روز است بی وقفه در زندان به سر می برد، مورد سوقصد قرار گرفت و اکنون در شرایط وخیم جسمانی است و علایم مسمومیت شدید را نشان می دهد.

برای شناخت محبت

ظاهراً غذای ایشان توسط دو زندانی دیگر به سم آغشته شده بوده که هر دوی این زندانی‌ها از آن زمان در مرخصی به سر می‌برند و از آنها اطلاعی در دست نیست.

طی چند ماه گذشته این دومین سوء قصد به جان این زندانی مخالف ولایت فقیه است که در مرتبه پیش هم این ترور نافرجام مورد اعتراض و واکنش افراد و مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر قرار گرفت و در گزارش اخیر گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران نیز با آن اشاره گردیده است. لازم به ذکر است که در مهر سال 85 مادر آقای کاظمینی بروجدی که به همراه ایشان بازداشت شده بود به همین صورت در زندان مسموم و سپس آزاد گردید که در نهایت با مشکلات عدیده دستگاه هاضمه مواجه شده در بهمن همان سال دار فانی را وداع گفت.

خانواده آقای کاظمینی بروجدی از کلیه افراد و سازمانهای مدافع حقوق بشر تقاضا دارند که در این زمینه اقدام فوری بعمل آورند ضمن اینکه آقای خامنه‌ای را مسئول مستقیم جان ایشان میدانند. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، سوء قصد به جان روحانی مبارز آقای کاظمینی بروجدی که توسط عوامل ولی فقیه علی خامنه‌ای علیه وی صورت گرفته است را محکوم می‌کند و از کمیسیون عالی حقوق بشر و سایر مراجع بین‌المللی خواستار ارجاع پرونده جنایت علیه بشریت رژیم ولی فقیه علی خامنه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد جهت گرفتن تصمیمات لازم

اظهارات عجیب رئیس شورای خلیفه گری ارمنه در باب رهبران جمهوری اسلامی

مارس 13, 2012

وی گفت: عنایتی که حضرت امام خمینی و آیت الله خامنه ای، این دو شخصیت جهان اسلام بر ادیان ابراهیمی داشتند ما در هیچ جای دنیا سراغ نداشته و نداریم و سیمای «مسیح» را در وجود آنها می بینی



به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، رئیس شورای خلیفه گری ارمنه استان آذربایجان شرقی در اظهاراتی که علف‌های هرز تملق در آن ریشه‌های قطوری دارد گفته است:

برای شناخت محبت

«عنایتی که حضرت امام خمینی و آیت الله خامنه ای بر ادیان ابراهیمی داشتند ما در هیچ جای دنیا سراغ نداشته و نداریم و سیمای «مسیح» را در وجود آنها می بینیم!»

سخنان «گریگور چیفتچیان» رئیس شورای خلیفه گری ارمنه آذربایجان به تشبیه رهبران آخوند جمهوری اسلامی به «عیسی مسیح» خلاصه نشد و مدعی شد: «نظام جمهوری اسلامی احترام خاصی نسبت به اقلیت های مذهبی و دینی قائل است که چنین فضایی در دیگر کشورها وجود ندارد!» وی با بیان اینکه تبلیغات منفی علیه نظام اسلامی ایران کور و بی فایده است، گفت: «عنایت جمهوری اسلامی ایران بر ادیان غیر مسلمان ستودنی است و این نظام در عمل ثابت کرده که احترام مضاعفی نسبت به پیروان ادیان ابراهیمی در کشور قائل است.»

اظهارات تعجب برانگیز «گریگور چیفتچیان» رئیس شورای خلیفه گری ارمنه آذربایجان در حالیتی که طی فقط چند هفته اخیر موج دستگیری مسیحیان در ایران به ویژه در شهرهای اصفهان و اهواز و کرمانشاه به حد بی سابقه ای افزایش یافته است. ادعای آزادی ادیان در ایران در تناقض آشکار با عملکرد جمهوری اسلامی قرار دارد. موج بازداشت و فشارها از سوی ماموران حکومتی در سالها و ماههای گذشته آن چنان بود که حتی باعث دستگیری و زندانی شدن برخی از هموطنان ارمنه نیز شده است. همچنین طی ماههای اخیر بدستور وزارت اطلاعات سرویس فارسی دو کلیسای پروتستان عمانوئیل و کلیسای انجیلی پطرس در تهران نیز تعطیل شده است. مدت های مدیدی است پرستش ایمانداران مسیحی در کلیسا همراه با موزیک، فروش و یا پخش کتاب مقدس در کلیساها از سوی دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی نیز ممنوع اعلام شده است.

سخنان «گریگور چیفتچیان» مبنی بر اینکه رهبران جمهوری اسلامی عنایت خاصی بر اقلیت های دینی دارند از این نظر ممکن است حائز اهمیت باشد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و از برکت فتوای بنیانگذار جمهوری اسلامی اجازه هرگونه ساخت و ساز کلیسا در کشور ممنوع اعلام شده و بعضن تعدادی کلیساها نیز در برخی از شهرهای ایران نیز بدستور مقامات اطلاعات بسته شد. ظاهر کلیه مسیحیان ایران می بایست با همین تعداد کلیسایی که در کشور وجود دارد بسازند. حتی مشاهده شده ساختمان های کلیساها که بر اثر مرور زمان نیاز به تعمیرات دارند از سوی مسئولان شهری به سختی به آنان مجوز تعمیرات و بازسازی می دهند.

پیش از این «ربرت بگلریان»، نماینده ارمنه جنوب در مجلس شورای اسلامی در این باره طی مصاحبه ای گفته بود: «به عنوان مثال در «شاهین شهر» اصفهان که بیش از ۱۸۰۰ ارمنی ساکن هستند حتی یک کلیسا هم وجود ندارد، این درحالی است که در برخی روستاهای چهارمحال بختیاری که هیچ ارمنه ای در آنجا زندگی نمی کند، کلیساهای تاریخی متروکی باقی مانده که بدون حفاظت رها شده اند. به طوری که هیچ ارگان و نهادی از عهده نگهداری و حفاظت از آنها بر نمی آید.»

چندی پیش نیز کلیسای تاریخی در کرمان که در سال ۱۳۸۷ جز آثار ملی ایران ثبت شده بود و می بایست تحت حفاظت و مرمت قرار می گرفت به دلایل نامعلوم شبانه به وسیله ماشین های سنگین کاملن تخریب شد. متأسفانه نمایندگان اقلیت مسیحی در مجلس شورای اسلامی مشخص نیست که آنها به دنبال منافع مسیحیان در آن مجلس هستند یا بدنبال موقعیت اجتماعی خود که نسبت به این رویداد هیچ واکنشی حتی نشان ندادند.

زندان و اعدام اقلیت های دینی برای نوکیشان مسیحی و تهدید و آزار و اذیت خانواده و اطرافیان آنان برای تحت فشار قرار گذاشتن آنها از سوی دیگر تنها بخشی از فشارهای جمهوری اسلامی به اقلیت های دینی و دگراندیشان مذهبی است. مقامات جمهوری اسلامی همواره مسیحیان را به عنوان

برای شناخت محبت

عوامل تبلیغات غرب مورد بازداشت و بازجویی و فشار قرار داده اند و بدلیل همین فشارهای امنیتی تاکنون ناخواسته بسیاری از شهروندان ارمنه ایران نیز از کشور مهاجرت کرده اند.

کلیسای انجیلی ارمنه تهران از برگزاری مراسم به زبان فارسی و کلیسای مرکز از تشکیل کلاس برای نوایمانان منع شدند

مارس 13, 2012

ماموران ابلاغ کننده این حکم که از سوی حکومت صادر شده است به رهبران کلیساها اعلام کرده اند که دیگر حق برگزاری جلسات مذهبی مسیحی به زبان فارسی در روزهای جمعه و کلاسهای آموزش نوایمانان را ندارند.



برای شناخت محبت

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از منابع خیری پایتخت، از جمعه 5 اسفند (24 فوریه 2012) برگزاری هرنوع مراسم مذهبی و برنامه پرستشی مسیحی به زبان فارسی در کلیسای انجیلی تهران، روزهای جمعه ممنوع شد.

کلیسای انجیلی تهران واقع در خیابان قائم مقام (نادرشاه) از معدود کلیساهای رسمی در تهران بود که هنوز در روزهای جمعه سرویسهای پرستشی به زبان فارسی برای ایمانداران مسیحی برگزار می کرد.

ماموران ابلاغ کننده این حکم که از سوی مراجع حکومتی صادر شده است به رهبران کلیسا اعلام کرده اند که دیگر حق برگزاری جلسات مذهبی مسیحی به زبان فارسی در روزهای جمعه را ندارند. آنها مسئولین کلیسا را تهدید کرده اند که اگر باردیگر بخواهند برنامه های مسیحی خود را در روز جمعه که روز مقدسی برای مسلمانان محسوب می شود ادامه دهند با بمب گذاری در کلیسا روبرو خواهند شد!

ماه گذشته مشابه چنین دستورات دولتی و تهدیدهای امنیتی در مورد دو کلیسای مسیحی دیگر تهران؛ «کلیسای عمانوئیل» و «کلیسای پطرس مقدس» نیز که دارای جلسات پرستشی و موعظه مسیحی به زبان فارسی بودند انجام شده بود که هر دو آن کلیساها نیز مجبور شدند جلسات خود به زبان فارسی را در روزهای جمعه تعطیل کنند.

روز جمعه که تعطیل رسمی است در ایران مناسب ترین روز برای برگزاری مراسم مذهبی ادیان مختلف می باشد و سالها مسیحیان ایران مراسم خود را به جای یکشنبه که یک روز کاری هفته است در روز جمعه بدون هرگونه تنشی برگزار کرده اند. به نظر می رسد اکنون حاکمان جمهوری اسلامی فکر می کنند با محدود کردن برگزاری مراسم کلیساهای فارسی زبان در روز جمعه می توانند از گسترش مسیحیت در بین مردم کشور جلوگیری کنند.

در همین حال منابع خبری اف سی ان در تهران خبر می دهند که برگزاری جلسات آموزشی برای نوایمانان مسیحی در کلیسای جماعت ربانی مرکز نیز از ابتدای اسفند ماه به کلی ممنوع اعلام شده است و دیگر برگزار نخواهد شد.

این جلسات که روزهای شنبه در کلیسای جماعت ربانی مرکز برگزار می شد بخشی از برنامه عادی این کلیسا محسوب می گردد که برای سالیان متمادی در حال اجرا بود. مسئولان امنیتی و اطلاعاتی که این دستور را به کلیسای مذکور اعلام کرده اند هیچ دلیلی برای این تصمیم خود اعلام نکرده اند.

مسیحیان ایران می گویند که همه این اقدامات محدود کننده که از قبل نیز وجود داشته از سال گذشته بسیار شدت گرفته است. آنها معتقدند حکومت جمهوری اسلامی در واقع به هراس افتاده است و می خواهد تلاش کند با این حرکات شاید بتواند جلوی رشد روز افزون مسیحیت در ایران را بگیرد.

واکنش ها به گزارش سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران

مارس 14, 2012



احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، روز دوشنبه توضیحاتی در خصوص گزارش تازه اش در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی به شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو ارائه کرد، و کشورهای بلژیک، کانادا، سوئد، آلمان، بریتانیا، استرالیا، اسپانیا، سوئیس، گزارش ها حاکی است که کشورهای بلژیک، کانادا، سوئد، آلمان، بریتانیا، استرالیا، اسپانیا، سوئیس، ژاپن و مولداوی از ماموریت احمد شهید حمایت کرده اند. ولی کشورهایمانند پاکستان، کوبا، سوریه،

برای شناخت محبت

سریلانکا، و بلاروس از رویکرد گزارشگر ویژه انتقاد کرده خواستار حذف گزارشگر ویژه برای ایران شده اند.

محمد جواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر ایران، نیز در این نشست به شدت از گزارش احمد شهید انتقاد کرده است.

احمد شهید روز دوشنبه گفته است، مقام های ایرانی تاکنون به در خواست های او برای سفر به ایران پاسخ نداده اند.

به گزارش خبرنگار رادیو فردا، احمد شهید در ابتدای سخنرانی خود بار دیگر نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کرده است.

وی همچنین در خصوص چگونگی گزارش اخیر توضیحاتی ارائه کرده و گفته است، با شماری از شاهدان عینی که توانسته اند از ایران خارج شوند و همچنین خانواده های زندانیان سیاسی گفت و گو کرده است.

آقای احمد شهید گفته است، که با ۱۶۳ نفر از شاهدان درجه اول (قربانیان نقض حقوق بشر) در داخل و خارج از ایران صحبت کرده است.

در ادامه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران از وضعیت زهرا رهنورد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی پس از یکسال بازداشت و این که هیچ اطلاعی از وضعیت این افراد در دست نیست، ابراز نگرانی کرده است.

احمد شهید همچنین به صدور حکم برای نرگس محمدی، سخنگو و نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر، و عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری، اشاره کرده است.

نرگس محمدی در روز ۲۵ بهمن ۱۳۹۰ از سوی دادگاه تجدید نظر به اتهام های «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» به شش سال زندان محکوم شد.

عبدالفتاح سلطانی نیز توسط دادگاه انقلاب اسلامی به ۱۸ سال زندان، تبعید به شهر برازجان و ۲۰ سال محرومیت از وکالت محکوم شده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران همچنین درباره وضعیت بسیاری از زندانیان سیاسی و از جمله روزنامه نگارانی که اخیراً بازداشت شده اند، مانند مرضیه رسولی و پرستو دوکوهکی صحبت کرده است.

احمد شهید در ادامه گفته است که خانواده زندانیان سیاسی در ایران مورد تهدید و ارباب قرار می گیرند.

احمد شهید در گزارش تازه خود که هفته گذشته منتشر شد، گفته است، اطلاعاتی را جمع آوری کرده که نشان می دهد «الگوی خیره کننده ای از نقض حقوق اساسی تضمین شده در قوانین بین المللی» در ایران وجود دارد.

احمد شهید سال گذشته به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران انتخاب شد و قرار است بار دیگر امسال درباره کار وی تصمیم گیری شود.

واکنش لاریجانی

طبق این گزارش، محمد جواد لاریجانی گفته است، صدور قطعنامه ها علیه ایران بخشی از «پدیده جدیدی» است که تحت تاثیر آمریکا و متحدان اروپایی و همچنین «مافیای صهیونیستی» صورت می گیرد.

برای شناخت محبت

محمد جواد لاریجانی، احمد شهید را «نادان» و «مغرض» خوانده است. محمد جواد لاریجانی همچنین گفته است که احمد شهید را به عنوان گزارشگر سازمان ملل قبول ندارد. ولی با این حال، محمد جواد لاریجانی از خانم لورا لازره، رییس شورای حقوق بشر دعوت کرده تا به ایران سفر کند. به دلیل اظهارات تند محمد جواد لاریجانی، رییس شورای حقوق بشر به وی تذکر داد و برای لحظاتی صدای میکروفن وی قطع شد.

حجاب و عفاف باید از سنین کودکی اجرا شود



با توجه به شرایط و وضعیت کنونی کشور، فرهنگ حجاب و عفاف بیشتر از گذشته باید در جامعه گسترش پیدا کند و نیازمند است که این امر از سنین پایین و کودکی اجرا شود. «محبت نیوز» - به گزارش خبرگزاری مهر، عیسی فرهادی، استاندار البرز، در «کنگره سراسری علمی عفاف و حجاب» که در کانون فرهنگی «شهید فهمیده» این استان برگزار شد، ضمن بیان این مطلب، افزود که: احیای حجاب و عفاف از دستاوردهای انقلاب اسلامی و یکی از برکات آن است. به گفته وی، جوامع غربی و اروپایی در خصوص عفاف و حجاب به بیراهه رفته اند و امروزه فساد و بی بند و باری و افراط و تفریط در این جوامع بسیار زیاد شده است. وی در پایان استمرار «کنگره علمی حجاب و عفاف» را در جامعه «لازم و ضروری» دانست.

گرانی نسبت به وضعیت دو کودک بهایی پس از بازداشت والدین

خبرگزاری هرانا - دو کودک بهایی در شیراز و تهران پس از بازداشت و محاکمه والدینشان، از دیدن پدر و مادر خود محروم شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، یک زوج به نامهای فرید عمادی و مژده فلاح در میان بازداشت شدگان شیراز وجود دارند که پسری سه ساله داشته و اکنون با مادر بزرگش زندگی می کند. در این مدت به وی تنها اجازه دو بار ملاقات - فقط با مادرش داده شده است. هم چنین در صورت تأیید حکم همسر کامران رحیمیان دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اتاوا فرزند ایشان نیز از حق زندگی در کنار خانواده اش محروم خواهد شد.

برای شناخت محبت

کامران رحیمیان به همراه همسرش در شهریور ماه سال ۹۰ همزمان با بازداشت جمعی از بهائیان مرتبط با دانشگاه آنلایین بهائیان بازداشت شد، نامبرده هم اکنون در زندان رجایی شهر کرج تحمل حبس می کند و همسرش با تودیع وثیقه با زمان تائید قطعی حکم آزاد است. وی به همراه همسرش نیز هر یک به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شدند. گفتنی است پدر کامران رحیمیان از اعدایان بهائی در دهه ۶۰ است.

بازداشت مجدد کسری نوری از درویش گنابادی

کسری نوری صبح امروز مجدداً توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.



برای شناخت محبت

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ مامورین امنیتی صبح امروز چهارشنبه ۲۴ اسفند ساعت ۱۱ صبح پس از مراجعه به منزل کسری نوری در شیراز این درویش گنابادی را به اتهام مصاحبه با رادیوهای بیگانه بازداشت کردند. این در حالی است که این درویش گنابادی در تاریخ ۲۱ دی ماه بازداشت شده بود و سپس در تاریخ ۷ اسفند پس از ۴۶ روز حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات و زندان مرکزی شیراز با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده بود. طبق این گزارش در بازداشت صبح امروز مامورین امنیتی با ایجاد رعب و وحشت و توهین به خانواده این درویش گنابادی بیش از یک ساعت و نیم منزل این درویش گنابادی را تفتیش کردند.

بازداشت فریبرز پارسی نژاد، شهروند مسیحی ساکن اصفهان



خبرگزاری هرانا - در تداوم روند بازداشت شهروندان مسیحی در کشور، «فریبرز پارسی نژاد» از نوکیشان مسیحی ساکن اصفهان نیز توسط ماموران امنیتی در این شهر بازداشت شده است. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، فریبرز پارسی نژاد در روز جمعه ۱۲ اسفندماه سال جاری، پس از اینکه از محل کارش در یکی از شهرهای جنوبی کشور به اصفهان بازگشت، بازداشت شد.

ماموران امنیتی با ورود به منزل نامبرده وی را بدون هیچ توضیحی دستگیر نمودند و پس از تفتیش این محل کلیه وسایل شخصی ایشان از قبیل لپ تاپ، سیم کارت های تلفن و مدارك شناسایی را نیز ضبط و با خود بردند. طی روزهای اخیر چندین تن دیگر از شهروندان مسیحی ساکن اصفهان منجمله «کشیش حکمت سلیمی»، «مجید عنایت»، «شهرام قائدی»، «عنایت جعفری»، «فریبرز پارسی نژاد»، «شهناز ظریفی» و «مریم دل آرام» و «گیتی حکیم پور» بازداشت شده‌اند. گفتنی ست که خانم گیتی حکیم پور، ۷۸ ساله، پس از سه روز بازداشت موقت آزاد شده بود.

تایید حکم حبس پرویز ملکشاهی از درویش اهل لرستان

خبرگزاری هرانا - در روزهای اخیر با تایید حکم دادگاه بدوی از سوی دادگاه تجدیدنظر، پرویز ملکشاهی، از درویش نعمت‌الهی شهرستان الشتر لرستان به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. به گزارش مجذوبان‌نور، حکم محکومیت این درویش گنابادی به اتهام «توهین به رهبری» از سوی شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر لرستان تایید شده و در هفته گذشته به ایشان ابلاغ شده است. شایان توجه است پرویز ملکشاهی در خردادماه ۸۹ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

نگرانی نسبت به وضعیت دو کودک بهایی پس از

بازداشت والدین

مارس 14, 2012



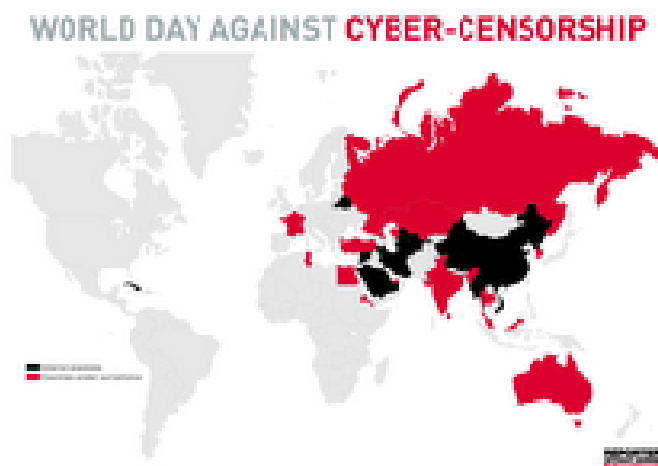
خبرگزاری هرانا - دو کودک بهایی در شیراز و تهران پس از بازداشت و محاکمه والدینشان، از دیدن پدر و مادر خود محروم شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، یک زوج به نامهای فرید عمادی و مزده فلاح در میان بازداشت شدگان شیراز وجود دارند که پسری سه ساله داشته و اکنون با مادر بزرگش زندگی می‌کند. در این مدت به وی تنها اجازه دو بار ملاقات - فقط با مادرش داده شده است.

برای شناخت محبت

هم چنین در صورت تأیید حکم همسر کامران رحیمیان دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اتاوا فرزند ایشان نیز از حق زندگی در کنار خانواده اش محروم خواهد شد .
کامران رحیمیان به همراه همسرش در شهریور ماه سال ۹۰ همزمان با بازداشت جمعی از بهائیان مرتبط با دانشگاه آنلاین بهائیان بازداشت شد، نامبرده هم اکنون در زندان رجایی شهر کرج تحمل حبس می کند و همسرش با تودیع وثیقه با زمان تأیید قطعی حکم آزاد است.
وی به همراه همسرش نیز هر یک به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شدند.
گفتنی است پدر کامران رحیمیان از اعدایان بهائی در دهه ۶۰ است.

ایران کشور دشمن اینترنت ۲۰۱۱

مارس 16, 2012



ایران کشور دشمن اینترنت ۲۰۱۱

راه اندازی « اینترنت ملی» بحث های زیادی را برانگیخت، ولی به موازات این بحث ها، جمهوری اسلامی ایران مسود سازی را تشدید و توان فنی خود برای مهار اینترنت افزایش داد، دستگیری های

برای شناخت محبت

فردی و جمعی، با هدف شناسایی شبکه‌های مخالفان و دهشت‌افکنی در میان وب‌نگاران و روزنامه‌نگاران ادامه داشت.

برای نخستین بار در ایران، چهار شهروند وب‌نگار به مجازات اعدام محکوم شده‌اند. حکم سه تن از آنها هر لحظه می‌تواند اجرا شود. سرکوب تداوم‌دار علیه وب‌نگاران باز هم تشدید شده است.

مجازات مرگ برای فعالیت آنلاین

برای نخستین بار در ایران، شهروند وب‌نگاران به مجازات مرگ محکوم شده‌اند. ۸ بهمن ۱۳۹۰ خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران، خبر تأیید حکم اعدام سعید ملک‌پور، طراح و برنامه‌نویس مقیم کانادا، را از سوی دیوان عالی منتشر کرد. خبرگزاری فارس در کنار این خبر اطلاعیه‌ی «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» را نیز که از تأیید این حکم ابراز رضایت کرده بود، انتشار داده بود. احکام مرگ دو وب‌نگار دیگر وحید اصغری، و احمدرضا هاشم‌پور نیز از سوی دیوان عالی قضایی ایران تأیید شده است، و مهدی علیزاده وب‌نگار و طنز نویس، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی به مرگ محکوم شده است. این چهار وب‌نگار ۲۵ تا ۴۰ ساله، قربانی پرونده‌سازی از سوی «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته» هستند، نهادی غیر قانونی که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فروردین ۱۳۸۸ تأسیس شده است. در همین تاریخ این «مرکز» با انتشار اطلاعیه‌ای «انهدام شبکه ارائه محتوای مستهجن ضد دینی و ضد انقلابی» را اعلام کرد و از دستگیری تعدادی از «مدیران و مسئولان این سایت‌ها» خبر داد. چند روز پس از این خبر «اعترافات مجرمان» از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش و در سایت گرداب مشخصات و عکس‌های آنها به نمایش درآمد، در این «اعترافات» همه بازداشت شدگان موارد اتهام علیه خود از جمله «اغفال جوانان ایران از طریق سایت‌های پورنوگرافی و ضد دینی» و «دریافت پول از امریکا و اسرائیل» را پذیرفته بودند.

موج‌های دستگیری ادامه دارند

موج‌های دستگیری، در اغلب اوقات در سال‌روزهای و مناسبت‌های سیاسی است که امکانی برای اعتراض را محیا می‌کنند، این دستگیرها همچنین می‌توانند، نتیجه جنگ قدرت در میان جناح‌های حاکم نیز باشند. هدف نهایی این دستگیری‌ها مقابله با مخالفان، اختلال در انتشار مستقلانه‌ی اطلاع‌رسانی و ایجاد جو رعب و وحشت است. موج‌های دستگیری در ماه‌های خرداد و تیر، در دومین سالگرد انتخاب مجدد و مورد اعتراض محمود احمدی‌نژاد و یا در استانه سالگرد انقلاب و تظاهرات ۲۵ بهمن روی دادند.

گزارش‌گران بدون مرز از ۱۲ مارس ۲۰۱۱ تا امروز ۲۹ مورد دستگیری وب‌نگاران را بر شمرده است. یازده تن از آنها به حبس‌هایی از سه تا شش سال محکوم شده‌اند. ۱۵ تن دیگر در انتظار محاکمه خود با سپردن وثیقه سنگین به شکل موقت آزاد شده‌اند. وثیقه‌های سنگین و تهدید به صدور احکام زندان طولانی مدت، دو ابزار اعمال فشار بر این وب‌نگاران است.

مهدی خزعلی، مدیر وبلاگ باران که در تاریخ ۱۹ دی ماه سال جاری بازداشت شد. این وب‌نگار به چهار سال زندان و ده سال تبعید محکوم شده است. گزارش‌گران بدون مرز، نگرانی خود را از وضعیت سلامت این وب‌نگار بیمار اعلام کرده است.

سخی ریگی وبلاگ‌نویس «بلوچستان سرافراز» در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۸۸ در زاهدان بازداشت و با اتهاماتی چون «نشر اکاذیب و اقدام علیه امنیت ملی» به بیست سال زندان، سنگین‌ترین حکم صادر شده علیه یک وبلاگ‌نویس در ایران، محکوم شده است. یکی از دلایل محکومیت سنگین سخی ریگی

داشتن نام خانواده‌گی مشترک با رهبر گروه مسلح و مخالف جمهوری اسلامی عبدالملک ریگی است. این وب‌نگار تحت شکنجه مجبور به اعترافات دروغین شده است که علیه وی در دادگاه مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

رفتار غیر انسانی و تحقیرکننده و اعمال فشار

در ایران شکنجه و بدرفتاری به هنگام بازداشت و همچنین افترا به جای «اتهام» و وادار به اعترافات اجباری که از شبکه‌های سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شوند، امری رایج است. بسیاری از روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران زندانی که خودسرانه بازداشت شده‌اند، از نظر روحی و جسمی به شدت آسیب دیده‌اند، بیمار هستند و از امکانات پزشکی لازم محروم شده‌اند. وضعیت سلامت بسیاری از آنها از جمله: **مسعود باستانی، عیسی سحرخیز، محمد صدیق کبودند، حسین رونقی ملکی، سعید متین‌پور، مهدی محمودیان، کیوان صمیمی بهبهانی، آرش هنرور شجاعی** و... به ویژه نگران کننده است. جان این زندانیان بیمار در خطر است.

مقامات قضایی - امنیتی ایران از اعمال فشار بر خانواده‌های زندانیان ابایی ندارند. **پروین مخترع** یک روز پس از بازداشت فرزندش **کوهیار گودرزی**، در تاریخ ۱۰ مرداد ماه، در شهر کرمان بازداشت و به زندان مرکزی این شهر منتقل شد. در زندان به وی اتهام «تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری» تفهیم شد. در تاریخ اول دی‌ماه ۱۳۹۰ خانواده وی اعلام کردند که برای مصاحبه با رسانه‌ها در باره وضعیت پسرش در آذر ماه ۱۳۸۸ به ۲۳ ماه زندان محکوم شده است. با وجود تغییر این حکم از سوی شعبه دادگاه تجدی نظر کرمان، ولی مقامات قضایی از آزادی وی به دلیل داشتن پرونده‌های دیگر خودداری کرده‌اند. **کوهیار گودرزی** در تاریخ ۹ مرداد ماه ۱۳۹۰ در تهران بازداشت و تا مدت‌ها در بازداشت مخفی بسر می‌برد. وی در اسفند ماه سال جاری مطلع شد که از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به اتهام «تبلیغ و اجتماع و تبانی علیه نظام» به شش سال حبس تعزیری محکوم شده است.

آزادی موقت زندانیان، در ازای دریافت مبلغی است که تنها می‌توان آنرا اخاذی نامید. **پرستو دوکوهکی** و **بلاگ‌نویس و مدافع حقوق زنان، و سهام‌الدین بورقانی** روزنامه نگار و همکار سایت دیپلماسی ایران در تاریخ ۷ و ۸ اسفندماه ۱۳۹۰ با پرداخت ۳۰۰ و ۲۰۰ میلیون وثیقه از زندان به شکل موقت آزاد شدند.

این حرفه‌کاران رسانه‌ها و **مرضیه رسولی**، روزنامه نگار و همکار صفحات فرهنگی و ادبی بسیاری از روزنامه‌های تهران، در تاریخ ۲۵ و ۲۸ دی ماه در تهران بازداشت و تا هنگام آزادی در سلول‌های انفرادی بندهای ۲۰۹ و دو الف زندان اوین که در کنترل وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌سر بردند.

یک روز پیش از آزادی «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای در سایت رسمی آن گرداب، بازداشت‌شدگان را به «همکاری با شبکه بی‌بی‌سی فارسی و نهادهای امنیتی غرب و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور» متهم کرده بود. «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته» در اطلاعیه خود اعلام کرده بود که دستگیری این روزنامه‌نگاران و تعدادی دیگر با «انهدام شبکه مربوط به فعالیت های شبکه بی‌بی‌سی فارسی در ایران» در عملیاتی به نام «چشم روباه» انجام گرفته است. شبکه بی بی سی بارها اعلام کرده است که در ایران همکار ندارد. در تاریخ ۱۵ اسفند «اعترافات» قربانیان این «عملیات» که بخش‌هایی از بازجوی‌هایشان بود از صدا و سیما و پرس تی وی شبکه انگلیسی زبان جمهوری اسلامی پخش شد.

برای شناخت محبت

شبکه‌های ماهواره‌ای که برای ایران برنامه پخش می‌کنند از جمله، شبکه تلویزیونی بی بی سی فارسی و صدای امریکا به دلیل ارسال پارازیت از سوی این کشور به شکل منظم قربانی اختلال در پخش برنامه‌های خود هستند.

اعمال فشار بر وب‌نگاران مدافع حقوق زنان ادامه دارد، از جمله بر **نوشین احمدی خراسانی**، سردبیر سایت **مدرسه فمینیستی** و یکی از بنیان‌گذاران «کارزار یک میلیون امضا برای لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان»، در استانه هست مارس روز زن ماموران امنیتی- قضایی برخی از فعالان را احضار و تهدید کرده‌اند.

مصادق بارز خودسری مسوولان جمهوری اسلامی در برابر موازین جهانی، ندادن اجازه سفر به احمد شهید گزارش‌گر ویژه سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر به ایران است.

سخت گیرانه تر کردن قوانین «جرائم رایانه‌ای» با بخش‌نامه‌ها و دستور عمل‌ها

۷ دی ماه ۱۳۹۰ همزمان با ثبت نام نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی، عبدالصمد خرم‌آبادی دبیر «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» فهرست ۲۵ ماده‌ای در باره «مصادیق محتوای مجرمانه مرتبط با انتخابات مجلس شورای اسلامی» را به رسانه‌ها اعلام کرد. «این «کارگروه» به موجب ماده ۲۲ قانون جرائم رایانه‌ای تشکیل شده است. و اعضای آن عبارتند از: «دادستان کل کشور (به عنوان رئیس کارگروه) وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، نماینده کمیسیون صنایع و معادن و نماینده کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی و نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی». از جمله مواردی که در این بخش‌نامه جرم محسوب می‌شود، «انتشار هرگونه محتوا با هدف ترغیب و تشویق مردم به تحریم و یا کاهش مشارکت در انتخابات، انتشار و تبلیغ علائم تحریم انتخابات گروه‌های ضدانقلاب و معاند» است

در تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۹۰ پلس فتا دستور عمل ۲۰ ماده‌ای را در باره کافی نت‌ها صادر کرد. ماده نه این بخش‌نامه ثبت «اطلاعات هویتی» شامل «نام و نام خانوادگی، نام پدر، کد ملی، کد پستی، شماره تلفن تماس» را برای کاربران الزامی می‌کند، ماده ۱۰ تاکید دارد که «دفاتر خدمات اینترنتی موظفند علاوه بر اطلاعات هویتی کاربران، سایر اطلاعات کاربری شامل روز و ساعت استفاده، IP اختصاص یافته و فایل لاگ وب سایت‌ها و صفحات رویت شده را ثبت و حداقل تا ۶ ماه نگهداری کنند.» ماده ۱۲ «استفاده و در اختیار گذاشتن هر گونه ابزار دسترسی به سایت‌های فیلتر شده، مثل انواع فیلتر شکن‌های قابل نصب روی رایانه، یا معرفی سایت‌های فیلتر شکن و خدمات گیرندگان و یا استفاده از هرگونه VPN روی سیستم‌های رایانه‌ای دفاتر خدمات اینترنتی» را ممنوع کرده است. و بالاخره ماده ۱۴ تاکید دارد که «درگاه‌های ورودی سیستم رایانه‌ای شامل درگاه‌های USB، کارت خوان‌ها و سایر درگاه‌هایی که امکان اتصال حافظه‌های جانبی به آن‌ها وجود دارد، به صورت نرم افزاری مسدود شود.» ۱۱ دی ماه، پلیس سایبری ایران اعلام کرد که در شهر بیرجند «ماموران پلیس فتا از تعداد ۴۳ کافی‌نت سطح شهر بازدید و ۶ کافی‌نت را به دلیل رعایت نکردن نکات امنیتی و استفاده از فیلتر شکن پلمپ کردند.»

آخرین «ابتکار» برای مهار بیشتر اینترنت و کاربران، تشکیل «شورای عالی فضای مجازی» به دستور آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در تاریخ ۱۷ اسفند است. یکی از هدف‌های تأسیس این شورا «برنامه ریزی و هماهنگی به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از «شبکه جهانی اینترنت اعلام شده است.

برای شناخت محبت

این شورا متشکل از اعضای حقوقی « رئیس جمهور (رئیس شورای عالی)، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورای عالی و رئیس مرکز، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» و همچنین اعضای حقیقی «دکتر حمید شهریاری، سیدجواد مظلومی، مهندس مسعود ابوطالبی، دکتر کامیار ثقفی، دکتر رسول جلیلی، دکتر محمد سرافراز و مهندس علیرضا شاه میرزایی» هستند.

شیطان سازی از شبکه‌های اجتماعی

جمهوری اسلامی ایران سیاست شیطان‌سازی از رسانه‌های جدید را با منتسب کردن آنها به « قدرت‌های خارجی» و « ابزاری در خدمت «جنگ نرم» برای سرنگونی حکومت ادامه می‌دهد. در ۷ مرداد ماه ۱۳۹۰، حیدر مصلحی وزیر اطلاعات «آسیب پذیری از ناحیه شبکه مجازی اجتماعی» و «ایجاد شبکه اجتماعی در داخل کشور توسط مزدوران داخلی» را از «مهمترین آسیب‌های جنگ نرم در حوزه دانش آموزی» عنوان کرد. دو روز پیش از آن، وزیر کشور، مصطفی نجار «فیس بوک، ماهواره و چت» را از مصادیق «جنگ نرم» اعلام کرده بود. الات متحده امریکا در خرداد ماه سال جاری اعلام کرد که طرحی به نام «شبکه اینترنت شیخ» و یا «اینترنت در چمدان» را در دست اجرا دارد. این طرح زمانی که دولت‌ها شبکه اینترنت را قطع می‌کنند. به شهروندان جهان امکان دسترسی به اینترنت جهانی را می‌دهد، ایران بلافاصله در این باره موضع گرفت و اعلام کرد که امکان مقابله با این امکان پیشرفته فنی را دارد.

سانسور سایبری با گام‌های بلند

یکی از اقدامات حیاتی برای رژیم سرمایه گذاری‌های در عرصه‌ی سانسور سایبری است. (برای اطلاع بیشتر به ایران کشور دشمن اینترنت ۲۰۱۰ مراجعه کنید) بکار بستن فن‌های تازه در مسدود سازی و کنترل نامه‌های الکترونیکی در ماه‌های اخیر شاهد این امر است. کنترل بیش از پیش تدقیق شده است و به مرحله‌ی رایانه به رایانه رسیده است، نیروهای امنیتی توان انرا دارند که با شناسایی ip فرستنده را شناسایی کنند. کابران برای آنلاین شدن باید احتیاط کامل رعایت کنند. یک اشتباه کوچک یا کم هوشیاری عواقب سنگینی در پی خواهد داشت. در تیرماه سال جاری استفاده کنندگان از جی میل قربانی حمله هکری با جعل گواهی‌نامه‌های امنیتی شدند. در این نوع حمله هدف شنود و بدست آوردن اطلاعات به شکل مخفیانه از دو سوی رابطه بدون متوجه شدن آنهاست. شرکت هلندی «دیجینوتار (DigiNotar)، جعل گواهی‌نامه‌های خود را تأیید کرده بود، به گفته خبرگزاری فرانسه « شرکت اف سکور (F-Secoure) دخالت ایران در این جعل و سرقت را برای کنترل مخالفان محتمل دانسته بود».

قطع کامل ارتباط اینترنت و کم کردن سرعت در موقعیت‌های بحرانی از راهیافت های رژیم است که هر روز بیش از پیش تدقیق شده و به شکل منطقه‌ای یا در سطح شهر بکار گرفته می‌شود. در بهمن ماه سانسورگران توانستند پروتکل های امنیتی HTTPS را به شکل کامل مسدود کنند و میلیون‌ها ایرانی را از دسترسی به حساب‌های جی میل و یا یاهو محروم کنند. مسدودسازی درگاه‌های مورد استفاده وی پی ان ها را نیز نشانه رفته بود که این امر باعث غیر قابل استفاده شدن ابزارهای دور زدن فیلترینگ برای بسیاری از کاربران ایرانی شد. ابزارهایی چون تُر نیز با دشواری‌های جدی روبرو شدند.

همکاری کمپانی‌های غربی

برای شناخت محبت

سرکوب سازمان‌یافته جمهوری اسلامی ایران بر کمک کمپانی‌های خارجی و از جمله بنگاه‌های اقتصادی غربی استوار است. علیرغم تحریم‌های نهادهای اروپایی و امریکایی علیه ایران، گزارش‌گران بدون مرز با حیرت شاهد دورزدن این تحریم‌ها به وسیله تاسیس «شرکت‌های ویتترین» از سوی ایران است. دستور عمل‌های ناظر بر فروش و صادرات ابزار مورد استفاده در سانسور و تعقیب و مراقب باید بازبینی شوند، مقررات ردیابی مسیر ارسال سخت‌افزارها و نرم‌افزار باید سخت‌گیرانه‌تر شود تا از رسیدن این ابزار «ممنوعه» از طریق یک کشور و یا شرکت ثالث به دست سرکوبگران جلوگیری شود.

به گفته شبکه خبری بلومبرگ، شرکت اسرائیلی «الوت» فروشنده تجهیزات مدرن امنیتی کامپیوتر، ابزار شنود و ردیابی را از طریق یک شرکت دانمارکی به نام «رت‌نک» به ایران فروخته است. شرکت ایرلندی «اداپتاتو موبیل سکوریته» به تازگی اعلام کرده است، که فروش سیستم‌های فیلترینگ و مسدودسازی پیامک را به رژیم ایران متوقف کرده است.

راه‌اندازی اینترنت ملی در محاق اعلام و تعویق

در ماه‌های گذشته مسدود کردن پروتکل HTTPS را متخصصان تمرینی برای راه‌اندازی اینترنت ملی و قطع کامل ارتباط با اینترنت جهانی، تفسیر کرده بودند. راه‌اندازی اینترنت ملی از سوی مسوولان رژیم در بهار سال گذشته اعلام شده بود. رضا تقی‌پور انوری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۴ مرداد ماه ۱۳۹۰، اعلام کرد که «فاز اول شبکه ملی اینترنت طی ۶ ماهه اول امسال به بهره‌برداری می‌رسد. وی در این باره گفت «در کنار شبکه ملی اینترنت، اینترنت (جهانی) را به عنوان یک سرویس با همان مسائلی که تا کنون وجود داشته است کماکان خواهیم داشت و پهنای باند داخل را به صورت امن و حفاظت شده برای کسب و کار اقتصادی و حریم شخصی خانوارها توسعه خواهیم داد.» وی با تأکید بر استفاده از «موتور جستجوی ملی و ای‌میل ملی» در شبکه ملی اینترنت، یکی از اهداف اصلی شبکه اینترنت ملی را «جمع‌آوری اطلاعات و مدیریت ای‌میل‌ها در داخل کشور برای مورد توجه قرار گرفتن مباحث امنیتی» اعلام کرد. با این حال کاربران ایرانی که تشویق به استفاده از ای‌میل داخلی شده بودند به کیفیت خدمات آن متقاعد نشده‌اند. در عمل کاربران ایرانی که نمی‌توانند و یا می‌ترسند از برنامه‌های ضد فیلتر استفاده کنند، محکوم به استفاده از اینترنت دست‌ساز رژیم هستند که محتوایی خالی از هر گونه انتقاد سیاسی، اجتماعی و مذهبی دارد. اینگونه می‌توان گفت، اینترنت ملی از سال‌ها پیش در ایران راه‌اندازی شده است و اعلام گاه به گاه آن از سوی مسوولان کاربردی سیاسی و ملی‌گرایی دارد.

آیا ایران می‌تواند چنین طرحی را اجرایی کند؟ علاوه بر هزینه سنگین اقتصادی توسعه و اجرای آن برای کشور، اما ایران در حال حاضر برای فعالیت‌های اقتصادی خود نیاز به ارتباط با اینترنت جهانی دارد. فراموش نکنیم که قطع ۵ روزه اینترنت در مصر بیش از ۹۰ میلیون دلار هزینه در بر داشت. آیا رژیم به سوی اینترنت «دو سرعته» پیش می‌رود، اینترنتی متصل به اینترنت جهانی و با سرعت بالا برای برای دولت، رهبران مذهبی، سپاه پاسداران و موسسات اقتصادی بزرگ دولتی، و اینترنتی سانسور شده برای اکثریت بزرگی از مردم؟ در این صورت مسوولان این رژیم متهم به اعمال تبعیضی بزرگ برای دسترسی به حق دانستن و اطلاعات علیه اکثریت مردم خود است. جرمی که به مفهوم واقعی می‌توان آنرا تبعیض دیجیتالی نامید

رشد چشمگیر نومیسیحیان جوان در کلیساهای ایران

مارس 16, 2012

برای شناخت محبت



با تمام محدودیت ها و فشارهای امنیتی تخمین زده می شود که نیمی از نوکیشان مسیحی آزادانه در مورد ایمان جدیدشان با دیگران سخن می گویند و نیم دیگرشان تغییر دین خود را در قلب هایشان نگاه می دارند.

کارکنان سازمان «درهای باز» در خاورمیانه می گویند که رشد مسیحیت در ایران «انفجاری» است. آنها حتی از جنبش مذهبی سخن می گویند.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، سازمان جهانی «درهای باز» طی گزارشی اعلام کرد؛ 40 سال پیش تنها حدود 200 نوکیش مسیحی که از اسلام به مسیحیت گرویده بودند در ایران زندگی می کردند. امروزه برخی تخمین می زنند (آمار غیر رسمی) که بیش از 370 هزار تن مسلمان که به مسیحیت گرویدن در ایران باشند. جدای از این نومسیحیان، کلیساهای سنتی آشوری و ارمنی هم در ایران هستند که تخمین ی 80 هزار عضو دارند. این کلیساهای سنتی اجازه دارند که مراسم خود را به زبان خودشان داشته باشند اما از بشارت دادن به مسلمانان فارسی زبان منع می شوند. آمار رسمی دولت ایران نشان می دهد که حدود 200 هزار مسیحی در ایران ساکن هستند.

با وجود اینکه ادیان دیگر هم روند رو به رشدی دارند اما رشد مسیحیان به طرز قابل توجهی بیشتر از بقیه ادیان است. برخی معتقدند که علت این امر این است که ایرانیان کم کم در حال فهمیدن «حقیقت اسلام»، مذهب رسمی ایران هستند. این موضوع پس از انتخابات 1388 بیشتر مشهود است. بسیاری از ایرانی ها به اسلام پشت کرده اند و می کوشند تا به مذاهب دیگر پناه برده و یا بطور کلی از دین دست بکشند.

یکی از کارکنان سازمان «درهای باز» می گوید: «قبل از انقلاب سال 1357 دولتی سکولار بر ایران حاکم بود و واکنش مردم به چنین دولتی این بود که خواستن بسیار مذهبی شوند. این امر راه را برای انقلاب اسلامی هموار کرد. وقتی حکومت اسلامی برقرار شد مردم چهره واقعی اسلام را فهمیدند و شروع به روی گردان شدن از آن کردند. مسیحیت در گذشته پیش از انقلاب اسلامی زیاد شناخته شده نبود و به دید یک مذهب غربی به آن نگاه می کردند. اما اکنون فقط دولت است که مسیحیت را کالایی غربی و یا بهتر بگوییم یک سیستم سیاسی غربی می داند.»

یکی دیگر از کارکنان این سازمان گفت: «ایرانیان بسیار باز هستند و می خواهند در مورد ایمان شان صحبت کنند. به همین خاطر است که شاگردسازی (از طریق بشارت و ارتباطات) برای ایمانداران مسیحی موفقیت آمیز بوده است. اگر به یک ایماندار مسیحی ایرانی بگویید که یک ایماندار باید ایمانش را با دیگران در میان بگذارد، وی بی شک چنین می کند.» ارائه دوره های شاگردسازی یکی از راه هایی است که سازمان «درهای باز» از آن طریق کلیسای ایران را تقویت می کند. تخمین زده می شود که نیمی از نوکیشان مسیحی آزادانه در مورد ایمان جدیدشان با دیگران سخن می گویند و نیم دیگرشان تغییر دین خود را مخفی نگاه می دارند.

برای شناخت محبت

رئیس جمهور و رهبر ایران علن بر ضد گسترش کلیساهای خانگی صحبت می کنند. این کارمند سازمان درهای باز می گوید: «به همین خاطر است که کلیساهای خانگی باید بیشتر مواظب باشند. قبلن هر کلیسای خانگی تنها 15 عضو داشت اما اکنون این رقم بخاطر مسائل امنیتی به 5 تا 6 نفر کاهش یافته است. بسیاری از آنها بصورت شبکه ای سازماندهی شده اند و با کلیساهای خارج از ایران در ارتباط نیستند».

دولت ایران در چند ماه اخیر چند کلیسا را از ارائه خدمات به زبان فارسی در روزهای جمعه بازداشته اند زیرا جمعه تعطیلی رسمی در ایران است. «دولت فکر می کرد این کار سبب کاهش شرکت کنندگان در جلسات کلیسایی می شود، اما اینطور نشد.» یکی دیگر از تمهیدات دولت برای محدود کردن رشد نوکیشان ممنوع کردن فروش کتاب مقدس و یا عهدجدید است.

با وجود اینکه جفاها بر مسیحیان ایران اکثرن از سوی دولت است، اما جامعه نیز جفاهایی را به مسیحیان می رساند. یکی از کارکنان سازمان «درهای باز» می گوید: «اگر مراقب باشید می توانید ایمان تازه خود را از دولت مخفی کنید اما نمی توانید اینکار را در خانواده انجام دهید. طبق اطلاعاتی که از مردم دریافت می کنیم، جفا از سوی خانواده های نوکیشان در حال افزایش است. اما این نوع جفا نسبت به جفاهای دیگر برای مثال از دستگیری ها کمتر در دید قرار می گیرد. با اینکه جفا در حال افزایش است اما تعداد افرادی که مسیحی می شوند هم به افزایش خود ادامه می دهد.

ای خداوند ما در قدرت و نجات تو شادی می نمایم! ترا بخاطر حرکت پر قدرت روحت در ایران شکر می کنیم. از تو می خواهیم که ایمانداران خالصی پیروانی تا نوکیشان را در مسیر رشد ایمانی شان هدایت و شاگردسازی کنند. شکر می کنیم بخاطر غیرت، قدرت و ایمان. می طلبیم که بصیرت و حکمت را در این ایماندارانی که خبر خوش عیسی مسیح را در میان می گذارند افزون گردانی. تو از فشارهای دولتی و اجتماعی که ایمانداران با آن روبرو هستند آگاهی ای پدر. برای شاگردان در ایران دعا می کنیم که به تهدیدهایی که علیه شان هست نظر کنی و به خادمین خود در ایران جسارت دهی تا کلام تو را با قوت بیان کنند. باشد که نجوای احیا رفته رفته در سراسر ایران بلند شود و آن را برای همیشه تغییر دهد! اینها را در نام عیسی مسیح می طلبیم! آمین.

کسری نوری از درویش گنابادی بازداشت شد

مارس 16، 2012

برای شناخت محبت



خبرگزاری هرانا - «کسری نوری» از درویش گنابادی مقیم شیراز، روز چهارشنبه به اتهام مصاحبه با رادیوهای بیگانه بازداشت شد.
به گزارش رادیو فردا، «کسری نوری» دی ماه گذشته نیز به اتهام فعالیت علیه نظام و عضویت در آن چه «گروهک انحرافی» خوانده شده، بازداشت و سپس در هفتم اسفند آزاد شده بود.
این درویش گنابادی اخیراً در مصاحبه با رادیو فردا از وضعیت نامناسب بازداشتگاه های نیروی انتظامی و برخورد های ماموران و بازجویان انتقاد کرده بود.

خشایار زارعی از تیم ملی جودو و دانشگاه به دلیل اعتقاد به آئین بهایی اخراج شد+رنجنامه وی

مارس 17, 2012



برای شناخت محبت

خشایار زارعی عضو تیم ملی جودو که دارای چندین رتبه قهرمانی کشوری در رده جوانان و نوجوانان است به دلیل اعتقاد به آئین بهایی ضمن محروم شدن از حق شرکت در مسابقات آسیایی و جهانی از دانشگاه محل تحصیل خود نیز اخراج شد.

به گزارش هرانا، این شهروند بهایی و ورزشکار ملی در رنجامه ای به توصیف چگونگی محرومیت خود از شرکت در مسابقات آسیایی و محرومیت از تحصیل پرداخته است.

متن این رنجامه که در اختیار خبرگزاری هرانا قرار گرفته است به شرح زیر است:

اینجانب خشایار زارعی در رشته ورزشی جودو به مدت ۱۴ سال به صورت حرفه ای فعالیت می کنم که در طول این مدت چندین رتبه ی قهرمان کشور در رده نوجوانان و جوانان کسب کرده ام و با این که سه بار نفر اول وزن خودم در تیم ملی شده ام ولی به دلیل اعتقاد به دیانت بهایی از شرکت در مسابقات آسیایی و جهانی محروم شده ام و این در حالی است که امسال هم که در رشته معماری در شیراز پذیرفته شده، در روز دوشنبه مورخ ۲۲/۱۲/۹۰ پس از پشت سر گذاشتن ۱ ترم اخراج شدم، به طوری که روز دوشنبه وقتی به دانشگاه رفتم، اسم خود را در برد دانشگاه دیدم که در آنجا نوشته شده بود که به دفتر آموزش مراجعه کنم. در دفتر آموزش نزد سرپرست گروه معماری رفته و وی عنوان کرد که یک نامه ی محرمانه از طرف وزارت علوم و تحقیقات به دانشگاه آمده که من از محتوای آن خبر ندارم ولی به من گفته اند که شما دیگر حق شرکت در کلاس ها را ندارید و اگر خواهان اطلاعات بیشتری هستید با مدیریت دانشگاه صحبت کنید، که در این چند روز که مراجعه کردم، موفق به ملاقات با ایشان نشدم.

خانواده بهاییان بازداشت شده در شیراز: هیچ کس

پاسخگو نیست

مارس 16, 2012

برای شناخت محبت



خانه حقوق بشر ایران خانواده یکی از زندانیان بهائی شیراز که در بهمن ماه گذشته بصورت گروهی بازداشت شدند، در گفتگو با خانه حقوق بشر ایران، از آخرین وضعیت این زندانیان می گوید.

فرزان فرامرزی: در بهمن ماه گذشته در جریان دستگیری های گسترده بهائیان در شیراز، گروهی از این شهروندان بازداشت شدند. در حالی که به پایان سال ۹۰ نزدیک می شویم، ۱۰ نفر از این عده هنوز در بازداشتگاه اطلاعات شیراز به سر می برند.

در خصوص آخرین وضعیت این شهروندان بهایی که در زندان به سر می برند گفت وگویی را با بستگان یکی از زندانیان شیراز انجام داده و آخرین وضعیت آنان را جویا شدیم.

خانواده های افراد بازداشت شده در همان مراحل اولیه به مراجع متعددی مراجعه کرده و خواستار آزادی عزیزانشان شده اند، یکی از اعضای خانواده این زندانیان بهائی به «خانه حقوق بشر ایران» گفت: «در مراحل اولیه به استناداری رفته و با معاون سیاسی استناداری دیدار کردیم همچنین به اداره ی امنیت استان مراجعه کرده و برای هرکدام جداگانه نامه نوشته و شرح بازداشت این افراد و تفتیش منازلمان را گفتیم. به دفتر امام جمعه مراجعه کردیم که در آنجا نامه ای به ما دادند که آن نامه را هم به معاون سیاسی استناداری دادیم. با رئیس دادستانی کل استان فارس دیدار کردیم، آنها گفتند که کاری از دست آنها بر نمی آید اما نامه ای به ما دادند که آن را هم به معاون دادستان دادیم».

تا کنون و از میان بازداشتی های شیراز تنها دو نفر بنام های سمیترا ممتازیان و پیام تسلیمی به قید وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شده اند، اما کماکان با آزادی دیگر افراد بازداشت شده حتی به قید وثیقه مخالفت می شود. این در حالی است که عملاً «تنها دو روز کاری به پایان سال ۹۰ مانده و چنانچه در این دو روز با آزادی آنان موافقت نشود این افراد مجبور خواهند بود سال نو را در زندان و به دور از خانواده های خود آغاز کنند».

«افراد بازداشت شده حق ملاقات حضوری را ندارند. ملاقات ها بصورت غیرحضوری و تنها هفته ای یکبار – سه شنبه ها از ساعت ۹:۳۰ الی ۱ بعد از ظهر – در محل بازداشتگاه اطلاعات شیراز، پلاک ۱۰۰، انجام می شود و هر کدام از خانواده ها تنها سه دقیقه حق صحبت با زندانی خود را دارند».

وی افزود: «زندانی ها اکنون در زندان اطلاعات شیراز یا همان پلاک ۱۰۰ زندانی هستند. از همدیگر جدا هستند و هرکدام در سلولی جداگانه به همراه مجرمان دیگر نگهداری می شوند و فعلاً از لحاظ بهداشتی و تغذیه مشکل خاصی وجود ندارد، ضمن اینکه تنها فرشید یزدانی باید از گردنبند طبی استفاده

برای شناخت محبت

کند که در روز پس از بازداشت با خانواده ایشان تماس گرفتند و درخواست کردند که گردنبد طبی ایشان را به زندان اطلاعات تحویل دهند».

در میان بازداشت شدگان یک زوج، فرید عمادی و مژده فلاح، وجود دارند که فرزند سه ساله این زوج تاکنون با مادر بزرگ خود زندگی می‌کرد؛ اما «روز سه شنبه ۲۵ اسفند ماه، اجازه دادند که این بچه به داخل بازداشتگاه نزد مادرش، مژده فلاح، برود و هم اکنون این کودک به همراه مادر خود در بازداشتگاه بسر می‌برد».

دو شهروند بهایی در مشهد به دو سال حبس محکوم شدند

مارس 17, 2012

خبرگزاری هرانا – دو شهروند بهایی ساکن مشهد به نامهای «دری امری» و «مونا رضایی» از سوی دادگاه انقلاب به دو سال حبس تعزیری محکوم شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، دری امری متهم ردیف اول طبق حکم دادگاه انقلاب شهر مشهد به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق تبلیغ آئین بهائیت به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. نامبرده در تابستان سال جاری پس از چند ماه بازداشت به قید وثیقه آزاد شده بود.

برای شناخت محبت

هم چنین یک شهروند بهایی دیگر ساکن مشهد به نام « مونا رضایی » به عنوان متهم ردیف دوم پرونده مذکور به یک سال حبس محکوم شد که حکم مزبور به مدت چند سال به حالت تعلیق درآمده است. یادآوری می شود نامبرده نیز در تابستان سال جاری پس از ۱۰ روز بازداشت به قید وثیقه آزاد شده است

بازداشت دو بهایی در یورش ماموران به منزل هفت تن

در شیراز

مارس 18, 2012

خبرگزاری هرانا - صبح روز گذشته ۲۷ اسفند ماه منزل تعدادی دیگر از بهائیان شیراز مورد تفتیش ماموران قرار گرفت و دو تن از شهروندان بازداشت شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از شیراز، ماموران امنیتی به منزل کاووس صمیمی، کامبیز حبیبی، وحید معصومی، میثاق معصومی، سولماز روحانی، خداخواست روحانی، نیلوفر کرمی یورش برده وسایل شخصی و دینی آنها را بردند و از بین آنها کاووس صمیمی و کامبیز حبیبی را بازداشت کردند. بازداشت شدگان به بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ اطلاعات در شیراز منتقل شدند بردند و از دیگر افراد خواسته شده در صورت لزوم به پلاک ۱۰۰ مراجعه کنند.

آزادی موقت ۳ تن از نوکیشان مسیحی وثیقه

۱۰۰ میلیون تومانی

مارس 18, 2012

در حالی که برای ۳ تن از نوکیشان مسیحی در شیراز که برای آزادی موقت هر کدام از آنان از سوی دادگاه قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی صادر شده است، منابع آگاه از عدم پذیرش وثیقه برای دیگر بازداشت شدگان خبر می دهند



به نقل از گزارشگران آژانس خبر مسیحیان ایران «محبت نیوز» ۳ تن از بازداشت شدگان مسیحی در شیراز پس از ۳۶ روز بازداشت و بلا تکلیفی آزاد شدند.

برای شناخت محبت

این سه نوکیش مسیحی که برای هر کدام از این افراد از سوی دادگاه انقلاب اسلامی شیراز وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی درخواست شده است در روز چهارشنبه مورخ ۲۴ اسفند ماه ۱۳۹۰ (۱۴ مارچ ۲۰۱۲) بطور موقت آزاد شدند. اسامی عبارتند از « شریفه دوخ » ، « مسعود گلرویان » و « نیما شکوهی ۱۷ ساله » می باشد که این افراد باید تا احضاریه مجدد و تعیین زمان برگزاری دادگاه در انتظار بمانند.

همچنین از دیگر بازداشت شدگان مسیحی در شیراز آقایان « مجتبی حسینی » ، « همایون شکوهی » ، « محمدرضا پرتویی (کوروش) و « وحید حکانی » می باشند، که این افراد نیز در تاریخ ۲۴ اسفند ماه ۱۳۹۰ (۱۴ مارچ ۲۰۱۲) به زندان عادل آباد شیراز انتقال یافتند و نیز خانم « فریبا ناظمینان » به زندان بخش زنان منتقل شده است. که از وضعیت سلامت این افراد تاکنون اطلاع دقیقی در دست نیست . گفته شده این افراد پس از بازداشت برای بازجویی بیشتر به بازداشتگاه اطلاعات در شیراز موسوم به پلاک ۱۰۰ منتقل شده بودند. منابع آگاه به « محبت نیوز » گزارش داده اند، که جریان پرونده این افراد هیچ روال قانونی ایی ندارد. از سوی برخی مقامات و مسئولان قضایی نیز شنیده شده که برای آزادی موقت این افراد که همچنان در زندان بسر می برند، هیچگونه وثیقه ایی پذیرفته نخواهد شد و ممکن است دادگاهی این افراد در اواخر فروردین و یا اردیبهشت ۱۳۹۱ برگزار گردد، که با توجه به این موضوع گویا این افراد عید و سال نو را در کنار خانواده‌هایشان نخواهند بود. بنا به گزارش رسیده به « محبت نیوز »، پس از انتقال این افراد به بند سبز زندان عادل آباد شیراز و گذراندن ۳ روز در قرنطینه زندان، در روز شنبه ۲۷ اسفند ماه (۱۷ مارچ) ضمن جدا کردن افراد از یکدیگر، بازداشت شدگان را جداگانه به بدترین بندهای زندان عادل آباد که به قاتلین و سارقین اختصاص دارد منتقل کرده اند. لازم به یادآوری است در پی شناسایی و هجوم ماموران امنیتی به خانه یکی از نوکیشان مسیحی که از آن بعنوان کلیسای خانگی یاد می شده، این حادثه منجر به بازداشت جمعی از نوکیشان مسیحی در شیراز شده است. بر اساس گزارش منتشره ، ماموران امنیتی در مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۰ (برابر با ۸ فوریه ۲۰۱۲) پس از شناسایی و یورش به جلسه کلیسای خانگی ، ضمن برخورد و بد رفتاری با افراد، بازداشت شدگان را به مکان نامعلومی انتقال دادند. پیش از این نیز « مجتبی حسینی » و « همایون شکوهی » در (اردیبهشت سال ۱۳۸۷) برابر با (۱۱ مه ۲۰۰۸) به همراه ۸ تن از دیگر نوکیشان مسیحی ساکن شیراز به اتهام ایمان و باورهای مسیحی بازداشت و از سوی دادگاه به ۵ سال حکم تعلیقی محکوم شده بودند که از دوره ۵ ساله این حکم همچنان یکسال آن باقی است. با فرا رسیدن جشن های کریسمس و آغاز سال نو میلادی ۲۰۱۲، ماموران امنیتی جمهوری اسلامی با ایجاد فشار و رعب و وحشت در برخی از شهرهای ایران تا کنون اقدام به بازداشت جمعی از نوکیشان مسیحی در شهرهای اهواز ، شیراز، کرمانشاه و اصفهان نموده اند که دامنه این برخوردهای امنیتی پس از کلیساهای خانگی بطور علنی دامنگیر اعضا کلیساهای رسمی و ساختمانی نیز شده است . بطوری که از تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۰ بدستور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی از دو کلیسای رسمی پروتستان عمانوئیل و کلیسای انجیلی پطرس در تهران از آنان خواسته شده که کلیه مراسم کلیسایی خود را به زبان فارسی لغو کنند. پیش از این نیز کلیسای جماعت ربانی مرکز در تهران با فشارهای مقامات امنیتی در سال 2009 مجبور به تعطیل نمودن جلسات روز های جمعه خود به زبان فارسی شد.

همچنین در يك اقدام سازماندهی شده توسط ماموران اطلاعات که منجر به بازداشت « حکمت سلیمی » از کشیشان کلیسای رسمی پولس در اصفهان و جمعی از اعضای آن کلیسا نیز شده است، گفته می شود جلسات کلیسایی در حال حاضر با توجه به محدودیت ها ، کماکان برگزار می گردد.

برای شناخت محبت

خبرگزاری هرانا - علیرضا سیدیان، شهروند مسیحی ساکن تهران روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ماه در هنگام خروج از کشور بازداشت شد.

علیرضا سیدیان، شهروند مسیحی بازداشت شد

خبرگزاری هرانا - علیرضا سیدیان، شهروند مسیحی ساکن تهران روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ماه در هنگام خروج از کشور بازداشت شد.



بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، این شهروند مسیحی و از اعضای کلیسای موسوم به «کلیسای ایران» که پیشتر از سوی دادگاه انقلاب به شش سال حبس و شلاق محکوم شده بود پس از قصد خروج از کشور برای تعطیلات نوروزی بازداشت شده است. نامبرده از سوی شعبه ۲۶ به ریاست قاضی پیرعباسی به اتهام اجتماع و تبانی به قصد اخلاف در امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام به شش سال حبس، هجده میلیون تومان جریمه نقدی و ۹۰ ضربه شلاق محکوم شده بود. وی با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی به صورت موقت آزاد شده بود.

آزادی سه شهروند بهایی در مشهد

مارس 18, 2012

خبرگزاری هرانا – غروب روز شنبه ۲۷ اسفند ماه ۹۰ سه شهروند بهایی ساکن مشهد به نامهای نوید نبیلی، بهناز حدادزاده و فتانه حاجی پور پس از یک ماه بازداشت هر کدام به قید وثیقه ملکی معادل ۶۰ میلیون تومان آزاد شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، این سه شهروند بهایی به همراه ۷ شهروند بهایی دیگر در رابطه با نمایشگاه خصوصی نوجوانان بهایی دستگیر شده بودند نمایشگاه مزبور جهت کمک به کودکان بی بضاعت تشکیل شده بود.

گزارشی از بازداشت نوکیشان مسیحی در سال ۱۳۹۰

برای شناخت محبت

مسیحیان و نوکیشان مسیحی در ایران در حالی سال 1390 را به پایان می‌رسانند که همانند سال‌های گذشته با تهدیدات و فشارهای مضاعف جمهوری اسلامی روبرو بودند. و سال جدید خورشیدی در حالی در ایران آغاز می‌شود که زندان‌های سرتاسر کشور پر است از زندانیانی که بنا به دگراندیشی در پشت میله‌های زندان و به دور از عزیزان خود در رنج و عذاب به سر می‌برند. در سال ۱۳۹۰ افزایش بازداشت‌ها و دستگیری‌ها و فشار بر کسانی که از دین اسلام و یا دین موروئی آنان بر می‌گردند به ویژه نوکیشان مسیحی تنها بخشی از مخالفت‌های جمهوری اسلامی با هر گونه دگر اندیشی بود.



در سالی که گذشت فشار بر نوکیشان مسیحی تا آنجا دامنه داشت که علاوه بر کلیساهای خانگی، کلیساهای ساختمانی و رسمی نیز تحت فشار قرار گرفت و برخی جلسات در کلیساها که برای فارسی زبانان برگزار می‌شد نیز به دستور مقامات امنیتی اطلاعات تعطیل شد. به این امید که از این طریق مردم و یا نوکیشان مسیحی از رفتن به کلیسا منصرف شوند. موج احضار و بازداشت مسیحیان بخصوص پس از کریسمس (سالروز جشن میلاد مسیح) و سال نو میلادی افزایش چشمگیری داشت و پس از چراغ سبز علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر مقابله با هرگونه دگراندیشی خارج از اصول اسلامی، این دومین مرحله از فشار بر مسیحیان بود. از سوی دیگر نمی‌توان از تهدیدات و فشارهای جمهوری اسلامی در برخورد با نوکیشان مسیحی سخن گفت اما از تاثیر رسانه‌ها حکومتی و مذهبی و تریبون‌های روحانیون وابسته به نظام سخن به میان نیاورد. بر کسی پوشیده نیست که فعالیت رسانه‌های آزاد در جمهوری اسلامی یک رویاست، از این رو جوسازی این تریبون‌ها که بودجه بسیاری از آنها از طریق سرویس‌های امنیتی، سپاه پاسداران و بسیج تامین می‌شود و یا به پایگاه‌های حکومت وابستگی دارند تاثیر زیادی در برخورد قوه قضائیه و حاکمیت با مسیحیان داشته و به طور سازمان یافته اهداف شوم حاکمیت بر علیه مسیحیان را هدایت می‌کنند. سال جدید خورشیدی در حالی در ایران آغاز می‌شود که زندان‌های سرتاسر کشور پر است از زندانیانی که بنا به دگراندیشی سیاسی؛ عقیدتی و مذهبی در پشت میله‌های زندان و به دور از عزیزان خود در رنج و عذاب به سر می‌برند و تاریکتر آنکه هیچ سازمان حقوقی و مرجع قضائی برای رسیدگی به فریاد آنان فرصت فعالیت ندارد. برخی از زندانیان مسیحی از جمله (نورالله قبیتی زاده و فرشید فتحی) دومین نوروز خود را در زندان بدون مرخصی می‌گذرانند و چشمان منتظر خانواده‌های آنان در فراق آنان لبریز اشک است. در ادامه بر طبق اخبار و گزارشات مستند و منتشر شده از سوی «محبت نیوز» در سال گذشته به اسامی نوکیشان مسیحی بازداشت شده در سال ۱۳۹۰ پرداخته می‌شود...

-آذربایجان غربی

برای شناخت محبت

-چهارشنبه، سوم فرودین ماه ۳ شهروند که در مسافرت نوروزی به سر می‌بردند، در جاده سلماس به روستای بروشخواران توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند. صالح جهانگیرزاده اهل روستای بروشخواران از توابع سلماس و «حمید نجفی» به همراه همسرش «ماهز نجفی» شهروندان مسیحی اهل کرج که برای تعطیلات نوروز به این شهرستان مسافرت کرده بودند، توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شده‌اند.

-تهران

«-عباس سارجالو نژاد» از نوکیشان مسیحی در شامگاه ۱۲ فروردین ۱۳۹۰، با ورود تعدادی از ماموران لباس شخصی اطلاعات به منزلش بازداشت و وی را به مکان نامعلومی انتقال دادند. ماموران ضمن بازجویی ایشان را به شدت نیز مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار دادند.

-گروگانگیری یک نوزاد - یک زوج مسیحی به نام های «ن» و «ک» که مدتی قبل یک طفل بی سرپرست را از راه قانونی به فرزندی گرفته بودند، نیروهای اداره امنیتی اطلاعات برای استفاده از این طفل به عنوان اهرم فشار بر این خانواده مسیحی این کودک را از آنان پس گرفته‌اند. ماموران امنیتی ضمن تهدید از این زوج خواسته‌اند اگر چنانچه خواهان بازپس‌گیری فرزندشان هستند باید از دوستان نوکیش مسیحی خود که در زندان اوین در بازداشت هستند شکایت کنند.

-خانم «میترا زحمتی» در بهار سال ۱۳۹۰ بازداشت و به سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. وی بعد از چند ماه بازداشت به بند عمومی زنان زندان اوین منتقل شد. میترا زحمتی از سوی دادگاه به دو سال و نیم زندان محکوم شده است. این حکم در دادگاه تجدید نظر نیز به تأیید رسیده و وی هم اکنون در بند عمومی زنان زندان اوین دوران محکومیت خود را سپری می‌کند.

-خانم «مریم جلیلی» در تابستان سال ۱۳۹۰ بازداشت شده است. وی چندین ماه در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین به سر برد و سپس به بند عمومی زنان زندان اوین منتقل شد. در آذر ماه ۱۳۹۰ از سوی دادگاه انقلاب به اتهام عضویت در گروه غیر قانونی به دو سال و نیم زندان محکوم شد.

-خانم «شهلا رحمتی» از نوکیشان مسیحی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ بازداشت در مورخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۰ از سوی دادگاه بدوی به اتهام عضویت در گروه غیر قانونی به دو سال و نیم زندان محکوم شد، این حکم در دادگاه تجدید نظر بررسی و از اتهامات وارده تبرئه شد. نامبرده در تاریخ ۲۹ آذر ماه ۱۳۹۰ پس از تحمل ۲۸۷ روز بازداشت از زندان آزاد شد.

-خانم «لیلا محمدی» ۳۰ ساله از نوکیشان مسیحی ساکن در شرق تهران، وی روز شنبه مورخ ۸ مرداد ۱۳۹۰ توسط تعدادی از ماموران امنیتی در ساعت ۳۰: ۱۰ دقیقه شب در محل سکونت خود بازداشت شد همچنین ماموران امنیتی خانه وی را بازرسی و تفتیش نموده و برخی از لوازم ایشان را ضبط و با خود بردند. وی پس از ۵ ماه بازداشت در زندان اوین، توسط دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام «همکاری با عوامل وابسته به گروه‌های خارجی، تبلیغات ضد اسلامی، ایجاد تشکل و فریب هموطنان تحت عنوان کلیسای خانگی، توهین به مقدسات و اقدام علیه امنیت ملی» متهم شناخته شد. بر همین اساس این نوکیش مسیحی به دو سال حبس تعزیری محکوم و رای صادره به ایشان ابلاغ شد.

-آقای (پرویز - گ) بدلیل فعالیت های بشارتی همسرش توسط ماموران امنیتی احضار و سپس بازداشت می شود. ایشان پس از سه روز بازداشت و بازجویی با دادن تعهد آزاد می شود.

-خانم «فاطمه نوری» در اواخر شهریور ماه سال ۱۳۹۰ در محل سکونت خود در شرق تهران توسط ماموران امنیتی بازداشت و روانه زندان اوین شد وی از دانشجویان رشته هنر بوده که به اتهام

برای شناخت محبت

«شرکت در کلیسای خانگی، توهین به مقدسات و اقدام علیه امنیت ملی» در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و به مدت یکسال از تحصیل در دانشگاه محروم شد.

- آقای ماسیس موسسین ماموران وزارت اطلاعات در روز چهارشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۰ با مراجعه به محل کار ایشان بدون هیچ توضیحی وی را بازداشت و با خود بردند. نامبرده پس از ۸ روز بازداشت و انجام مراحل بازجویی از زندان رجایی شهر کرج با سپردن وثیقه بطور موقت آزاد شد.

-رباط کریم

«-فریبرز آرزوم» ۴۴ ساله از نوکیشان مسیحی ساکن شهرستان رباط کریم روز دوشنبه مورخ ۲۵ مهرماه ۱۳۹۰ برابر با (۱۷ اکتبر ۲۰۱۱) توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. چهار تن از ماموران لباس شخصی با ورود ناگهانی به منزل این هموطن مسیحی نامبرده را بازداشت کردند. ایشان دارای دو فرزند و همچنان بلاتکلیف در زندان اوین بسر می برد.

-اهواز

کشیش «فرهاد سبکرو» به همراه همسرش «شهناز جیزان» و دو تن از خادمین کلیسا بنامهای «ناصر ضامن دزفولی» و «داود علیجانی» در ۱۱ صبح روز جمعه دوم دی ماه ۱۳۹۰ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۱) توسط ماموران امنیتی بازداشت شدند. ماموران امنیتی در اقدامی از قبل سازماندهی شده با یورش گسترده به کلیسای خانگی جماعت ربانی اهواز کلیه اعضا و افراد شرکت کننده در مراسم هفتگی کلیسا را بازداشت و با دو دستگاه اتوبوس به مکان نامعلومی منتقل کردند.

«شهناز جیزان» پس از ۱۰ روز بازداشت به قید وثیقه آزاد شد. کشیش فرهاد سبکرو و ناصر ضامن دزفولی و داود علیجانی نیز پس از تحمل دو ماه بازداشت و بلاتکلیفی به قرار وثیقه بطور موقت آزاد شدند.

-کرمانشاه

«-مسعود دلجانی» از نوکیشان مسیحی از سوی دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه به ۳ سال زندان محکوم می شود. نامبرده در يك دادگاه فرمایشی علاوه بر پروسه مبهم قضایی، فاقد وکیل مدافع منتخب و حتی امکان دفاع از خود را نداشته است. وی پیش از این در ۲۶ اسفندماه ۱۳۸۹ (۱۷ مارچ ۲۰۱۱) به همراه همسر و ۹ تن از دیگر نوکیشان مسیحی در يك کلیسای خانگی توسط ماموران لباس شخصی اطلاعات بازداشت شد. وی همچنین در ۱۸ تیرماه ۱۳۹۰ (۹ جولای ۲۰۱۱) پس از گذراندن ۱۱۴ روز آزاد اما پس از دو هفته مجدد بازداشت شد. وی هم اکنون برای تحمل ۳ سال حبس خود در زندان دیزل آباد کرمانشاه بسر می برد.

-در روز سه شنبه دوم اسفندماه ۱۳۹۰ (۲۱ فوریه ۲۰۱۲)، ماموران امنیتی ۱۳ تن از اعضای يك کلیسای خانگی را بازداشت نمودند اسامی این افراد: خانم ها - مریم سلطانی- آزاده شریفی- نگین حق پرست - شیرین قنبری - مینا علیخانی و آقایان- مهدی چقاكبودی - شهاب نورمحمدی - محمد کرمانشاهی اصل- علیرضا فیض آبادی- رضا کرد زنگنه - حسین پورمحمدی - محمد مهدی فرجی - و مجتبی بابا کرمی گزارش شده است. بنا بر گزارشات رسیده ۹ تن از این افراد پس از يك روز بازداشت و بازجویی و گرفتن عکس و انگشت نگاری و اخذ تعهد مبنی بر عدم شرکت در هرگونه اجتماعات مسیحی فردای آن روز آزاد شدند. در این میان خانم «آزاده شریفی» پس از ۸ روز بازداشت آزاد می شود و ۳ تن دیگر از نوکیشان مسیحی بنام های آقایان، «مهدی چقاكبودی»، «مجتبی باباکرمی» و خانم «شیرین قنبری» از تاریخ فوق همچنان در بازداشت بسر می برند.

-اصفهان

برای شناخت محبت

-آقای « حکمت سلیمی » کشیش کلیسای رسمی پولس در اصفهان روز چهارشنبه مورخ سوم اسفند ۱۳۹۰ (۲۲ فوریه ۲۰۱۲) در ساعت ۷ بامداد با هجوم ماموران امنیتی به منزل ایشان واقع در فولاد شهر اصفهان بازداشت شد و همچنان در بازداشت بسر می برد.

-بانو گیتی حکیم پور ۷۸ ساله و از خادمین کلیسا در همان تاریخ توسط ماموران امنیتی در آپارتمان محل اقامت خود توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. نامبرده پس از ۳ روز بازداشت موقتاً آزاد شد.

« -عنایت جعفری»، یکی دیگر از نوکیشان مسیحی است که در پی بازداشت گسترده مسیحیان فارسی زبان در اصفهان، توسط ماموران امنیتی در منزلش بازداشت شد. وی همچنان در بازداشت بسر می برد.

« -شهرام قانلی» این نوکیش مسیحی توسط ماموران امنیتی در روز چهارشنبه به تاریخ سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۲ ماه فوریه ۲۰۱۲) در منزلش بازداشت شد. وی همچنان در بازداشت بسر می برد.

-خانم «مریم دل آرام» ۵۶ ساله، مورخه (سوم اسفند ماه ۱۳۹۰) در منزلش با ورود تعدادی مامور لباس شخصی بازداشت شد. ایشان همچنان در بازداشت بسر می برند.

-خانم « شهناز ظریفی» از نوکیشان مسیحی و مادر دو فرزند می باشد که در مورخه (سوم اسفند ماه ۱۳۹۰) همزمان با بازداشت جمعی از نوکیشان مسیحی وی نیز در منزلش بازداشت شد. ایشان نیز همچنان در بازداشت بسر می برند.

-آقای «فریبرز پارسی نژاد» از نوکیشان مسیحی روز جمعه مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۰ (۲ مارچ ۲۰۱۲) هنگامی که از محل کارش در یکی از شهرهای جنوبی کشور به اصفهان بازگشت، توسط ماموران امنیتی در منزلش بازداشت شد. نامبرده همچنان در بازداشت بسر می برد.

« -مجید عنایت» و از اعضای کلیسای خانگی اصفهان وی نیز در همان روز چهارشنبه سوم اسفند ماه ۱۳۹۰ (۲۲ فوریه) در محل کارش توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. نامبرده همچنان در بازداشت بسر می برد.

اسامی بر خی دیگر از افراد بنام های - کیهان امیریان - میثم حجتی - خداداد نصیری - نیز جزو بازداشت شدگان اصفهان در تاریخ مشابه گزارش شده است.

-شیراز

ماموران امنیتی در مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۰ (برابر با ۸ فوریه ۲۰۱۲) جمعی از نوکیشان مسیحی را که به منظور دعا و پرستش و تعلیم کتب مقدس دور هم جمع شده بودند را بازداشت نمودند. اسامی این افراد عبارتند از : خانم « فریبا ناظمیان پور » و آقایان « مجتبی حسینی » ، « همایون شکوهی» ، « محمدرضا پرتویی (کوروش) و «وحید حکانی» می باشند. این افراد همچنان در زندان عادل آباد شیراز بلا تکلیف در بازداشت بسر می برند.

همچنین سه تن دیگر از این بازداشت شدگان بنامهای خانم « شریفه دوخ » و آقایان « مسعود گلرویان» و « نیما شکوهی ۱۷ ساله، پس از تحمل ۳۶ روز بازداشت روز چهارشنبه مورخ ۲۴ اسفند ماه ۱۳۹۰ (۱۴ مارچ ۲۰۱۲) بطور موقت آزاد شدند.

آمار و گزارش های مربوط به تعداد دستگیر شدگان مسیحی به خصوص در روزهای منتهی به سال بیشتر و بیشتر می شد اما باید توجه داشت این اسامی در برگیرنده نام تمام دستگیر شدگان نیست. بر همگان روشن است جفایی که با نقض حقوق مسیحیان در ایران به آنان وارد می شود بیشتر از آن است که در اخبار و از طریق رسانه ها منعکس می شود، چرا که در نبود تریبون های آزاد و با وجود محدودیت های شدید خبری برخی خانواده های دستگیر شدگان نیز بخاطر مسائل امنیتی حاضر به اعلام

اسامی آنان نیستند و یا از بیم تهدیدات ماموران امنیتی ترجیح می‌دهند اخبار دستگیری‌ها و شکنجه‌های عزیزان خود در زندان‌ها را افشا نکنند.

گزارش آماری نقض حقوق بشر – ویژه اسفند ماه ۱۳۹۰

مارس 21, 2012



خبرگزاری هرانا – نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بر اساس برنامه ماهانه خود که بیش از ۲۴ ماه از آغاز آن می‌گذرد، اقدام به انتشار گزارش آماری ماهانه از وضعیت حقوق بشر ایران ویژه اسفند ماه ۱۳۹۰ نمود.

در این نوشتار ۱۹۶ گزارش حقوق بشری منتشره بهمن ماه در ۱۱ رسته حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. و علاوه بر تلاش برای ارتقای دقت گزارشات تلاش شده است جنبه‌های آموزشی نیز در گزارش تقویت شود. بررسی حقوقی اخبار و گزارشات مهم و پرداختن به گزارشاتی که بیشترین و کمترین توجه را به خود را اختصاص داده است در کنار استفاده از محاسبات آماری و نموداری را باید از دیگر نکات برجسته این گزارش دانست.

ارزیابی عمومی اخبار نقض حقوق بشر در اسفند ماه

در آخرین ماه از سال ۱۳۹۰، به مانند گزارشهای پیشین با موارد متعددی از نقض حقوق بشر در کشور مواجه بودیم؛ هرچند که بسیاری از اخبار در حوزه حقوق بشر تحت الشعاع انتخابات مجلس و سایر وقایع سیاسی جاری در کشور، بیش از گذشته نیز مورد کم توجهی قرار گرفتند. برخی از مواردی که در این گزارش مورد اشاره قرار می‌گیرد، حاکی از آن است که نقض حقوق بشر جدا از رفتار طبقه‌ی حاکم به مشکلات متعدد ناشی از ساخت سنتی- فرهنگی جامعه‌ی ایرانی نیز مرتبط است. یکی از مهم ترین اخبار در این حوزه محکومیت پنج جوان عرب خوزستانی به نام‌های «عبدالرحمن حیدری»، «طه حیدری»، «جمشید حیدری»، «منصور حیدری» و «امیر معاوی» به اتهام محاربه

برای شناخت محبت

به اعدام بود. این افراد که از سال گذشته به جرم تیراندازی به سمت یک یا دو مامور امنیتی در بازداشت به سر می‌برند، طی این مدت حتی از ملاقات با خانواده‌های خود نیز محروم مانده‌اند. چهار تن از بازداشت شدگان از اعضای یک خانواده هستند.

در خصوص مجازات اعدام برای زندانیان سیاسی، همچنین با رد درخواست عفو عبدالرضا قنبری، در کمیسیون عفو و بخشودگی دادگستری کل استان تهران، این معلم زندانی در معرض اجرای حکم اعدام قرار گرفت. عبدالرضا قنبری معلم ادبیات فارسی یکی از مدارس پاکدشت، استاد دانشگاه و از بازداشت شدگان اعتراضات ششم دی ماه سال ۸۸ (عاشورا) است که به اتهام محاربه از سوی شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی به اعدام محکوم شد.

در ادامه‌ی اعمال فشار و محدودیت‌ها و کنترل فضای مجازی و وب توسط حکومت ایران نیز سید علی خامنه‌ای، رهبری نظام جمهوری اسلامی، حکمی صادر کرده است که بر اساس آن ارگانی تحت عنوان شورای عالی فضای مجازی با اعضای حقوقی و حقیقی تشکیلخواهد شد. بر پایه‌ی حکم مذکور این شورا وظیفه دارد «مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور ایجاد کند تا اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال با این موضوع از حیث سخت افزاری، نرم افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه‌ی سطوح تحقق یابد».

از سوی دیگر احمد شهید، گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران گزارش تازه‌ای را در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشور منتشر کرد. این گزارش که به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه می‌شود، نسبت گزارش قبلی آقای شهید تا حدی جامع‌تر تدوین شده است. وی در این گزارش از عدم همکاری مقامات ایران گلایه کرده و نوشته است که آن‌ها با درخواست او برای سفر به این کشور موافقت نکرده‌اند.

بازتاب ویژه‌ی اخبار در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

عموماً برخی از گزارش‌ها در حوزه‌ی حقوق بشر با حساسیت خاصی از سوی رسانه‌ها و فعالین شبکه‌های اجتماعی دنبال شده و مورد توجه ویژه‌ی افکار عمومی قرار می‌گیرند. این در حالیست که ممکن است بعضاً این موارد حجم کمتری از نقض حقوق بشر را نسبت به موارد مشابه به خود اختصاص داده باشند و یا لاقلاً سایر موارد نیز به همین اندازه حائز اهمیت باشند.

یکی از این موارد مربوط به برخورد نیروهای امنیتی با برگزار کنندگان مراسم سنتی- آیینی چهارشنبه سوری بود که طی سال‌های اخیر به فرصتی برای بروز شادی‌های جمعی بدل شده است. از این رو ماموران انتظامی و امنیتی در شب چهارشنبه سوری با ایجاد نوعی حکومت نظامی اعلام نشده در تهران از آتش بازی شهروندان در برخی نقاط پایتخت جلوگیری کردند. در برخی از مناطق نیز نیروهای امنیتی با برگزار کنندگان این جشن درگیر شدند و برخی از شهروندان را بازداشت نمودند. مضاف بر این فرمانده انتظامی استان کرمانشاه نیز از بازداشت ۴۰ تن در این شهر به علت آنچه وی مزاحمت و ایجاد اختلال در نظم عمومی عنوان کرده است، خبر داد.

هم چنین حکم سنگین و بی سابقه‌ای که دستگاه قضایی برای یک وکیل دادگستری در آخرین ماه سال ۹۰ صادر کرد، واکنش‌های بسیاری را در پی داشت. عبدالفتاح سلطانی، عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر و وکیل سرشناس دادگستری از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ۱۸ سال حبس در زندان برازجان و بیست سال محرومیت از وکالت محکوم شد. آقای سلطانی نوزدهم شهریور ماه ۱۳۹۰ در تهران بازداشت شد. در همین خصوص نرگس محمدی، نایب رییس

کانون مدافعان حقوق بشر و یکی دیگر از وکلای پایه یک دادگستری نیز در دادگاه تجدید نظر به ۶ سال زندان محکوم شد. وی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی که ریاست آن بر عهده قاضی پیر عباسی است به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود که این حکم در شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر این حکم کاهش یافت.

بی‌توجهی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به گزارش‌های حقوق بشری

ماهانه بسیاری از گزارش‌های حقوق بشری به رغم اهمیت، مورد کم توجهی و حتی بی‌توجهی قرار می‌گیرند. این نوع رفتار گزینشی دلایل متعددی منجمله پوشش نامناسب از سوی رسانه‌ها و فعالین فضای مجازی و ذائقه‌ی مخاطبان را در بر می‌گیرد. بایستی اشاره کرد که این نوع رفتار همسویی خواسته یا ناخواسته‌ای با رفتار طبقه‌ی حاکم و رسانه‌های دولتی نیز برقرار کرده است.

یکی از این موارد مربوط به جان باختن یک زن کارتن خواب در پایتخت بود. وی در پی آتش سوزی در یک ساختمان دو طبقه‌ی متروکه در خیابان ولیعصر پایتخت، حوالی پل همت، در آتش سوخت و جان خود را از دست داد.

در حوزه‌ی کارگری هم، یکی از کارگران اخراجی نساچی کردستان به نام «منصور زارعی» ۴۲ ساله که از بیش از ۱۵ سال سابقه‌ی کار برخوردار بود، به علت بیکاری و فقر اقتصادی ناشی از آن، روز دوشنبه، پانزدهم اسفندماه خودکشی کرد و به زندگی خود پایان داد. در ماه گذشته نیز یکی از کارگران قسمت رنگ گروه بهمن (مзда) پس از اینکه از قرار داشتن نام خود در لیست اخراج پایان سال مطلع شد، در محوطه‌ی کارخانه دست به خودکشی زد و جان باخت.

علاوه بر این در یک درگیری مسلحانه در منطقه کوی انقلاب اهواز یک نوجوان ۱۵ ساله به نام «حسن حیدری» با اصابت مستقیم گلوله توسط نیروهای امنیتی کشته شد. این واقعه پس از محاصره‌ی منزل «ثامر حیدری» از شهروندان عرب، که ماموران امنیتی قصد بازداشت وی را داشتند؛ صورت گرفت و این افراد به دلیل عدم تسلیم شدن نامبرده دست به خشونت عریان زده و اقدام به تیر اندازی با سلاح گرم به سمت منزل وی کردند.

شبکه‌ی دولتی پرس تی وی با پخش اعترافات عده‌ای از بازداشت شدگان عرب شهر شوش آن‌ها را متهم به خشونت، ترور و به صورت مشخص شایسته‌ی اعدام معرفی نمود. در فیلم مذکور و در اعترافات که به نظر می‌رسد تحت فشار صورت گرفته است، این افراد به اقدامات تروریستی اعتراف می‌کنند. طی روزهای اخیر تعداد کثیری از اقلیت قومی عرب به اتهام اختلال در روند برگزاری انتخابات بازداشت شده بودند.

همین‌طور پس از اینکه در آخرین روزهای بهمن ماه، «نشر چشمه» دچار تعلیق شد و به نظر می‌رسید با رایزنی هیئت مدیره‌ی اتحادیه‌ی ناشران و کتابفروشان تهران با مسئولان اداره‌ی کتاب و معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، مشکل این انتشارات معتبر حل شود، خبرها از اداره‌ی کتاب وزارت ارشاد حاکی از آن است که از این پس، کتاب‌های انتشارات ثالث نیز مجوز دریافت نمی‌کنند و به نظر می‌رسد این ناشر هم به جمع ناشران بلاتکلیف یا معلق پیوسته است.

از سوی دیگر پس از آنکه برای اولین بار در کشور، چندی پیش دستگاه قضایی در خصوص پرونده‌ی جنجالی اسیدپاشی به آمنه بهرامی نو، برای متهم پرونده حکم قصاص چشم صادر کرد، طی ماه گذشته نیز دو نفر با چنین حکمی مواجه شده‌اند. یکی از این احکام، مربوط به پرونده «معصومه عطایی» بود که از سوی شعبه‌ی ۱۷ دادگاه کیفری استان اصفهان با حکم قصاص چشم متهم روبه رو شد. هم چنین

برای شناخت محبت

فردی به نام محمدرضا که متهم به ریختن آهک در چشمان کودکی به نام «فاطمه» است، به قصاص از ناحیه دو چشم برای سلب بینایی محکوم شد.

در روز پنج شنبه ۱۸ اسفند ماه (هشتم مارس) نیز، نیروهای امنیتی و انتظامی مانع از برگزاری روز جهانی زن در شهر سنندج شدند. این مراسم که در پی فراخوان تعدادی از فعالان اجتماعی شهر سنندج قرار بود به صورت راهپیمایی از سه راه نمکی شروع و تا میدان انقلاب ادامه یابد، با دخالت نیروهای امنیتی و انتظامی حاضر در محل لغو گردید. نیروهای انتظامی ضمن متفرق کردن حاضرین، چند تن از شرکت کنندگان در مراسم را بازداشت نمودند.

مضاف بر این موارد طی هفته‌های اخیر دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی روند سرکوب خود نسبت به شهروندان مسیحی در کشور را افزایش داده که این امر به بازداشت‌های گروهی هموطنان مسیحی در شیراز، اصفهان و کرمانشاه منجر شده است. این در حالیست که حداقل در دو مورد از بازداشت‌های جمعی، دایره برخورد با هموطنان مسیحی از کلیساهای غیر رسمی (خانگی) به کلیساهای رسمی موسوم به جماعت ربانی نیز رسیده است.

بررسی حقوقی برخی از گزارش‌های اسفندماه

در این بخش برخی از موارد نقض حقوق بشر که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، به علت لزوم آموزش در کنار اطلاع رسانی و آگاهی افراد جامعه با حقوق بنیادین خود، از لحاظ حقوقی مختصراً بررسی می‌شود.

جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات و نقض حق آزادی بیان که دولت ایران از طرق مختلف و با جدیت تمام آن را دنبال می‌کند و به تازگی نیز به تشکیل ارگانی موسوم به «شورای عالی فضای مجازی» انجامیده است، نقض ماده‌ی ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. همچنین بخشی از بند ۲۵ اعلامیه هزاره نیز به تضمین آزادی رسانه‌ها برای اجرای نقش اساسی آن‌ها و نیز حق مردم برای دسترسی به اطلاعات، تاکید دارد.

ممانعت از تجمع و راهپیمایی در روز جهانی زن نیز علاوه بر اینکه ناقض بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر حق آزادی عقیده و بیان تاکید نموده‌اند؛ است، به بند ۱ ماده‌ی ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده‌ی ۲۱ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که حق تشکیل و آزادی اجتماعات را به رسمیت می‌شناسد، نیز بی توجه است. این همه در حالیست که بر طبق اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی هم تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.

فشار بر اقلیت‌های مذهبی در کشور هم نقض حقوقی هم چون آزادی تبلیغ دین، آزادی عقیده-بیان و برابری مذهبی را می‌رساند. طبق ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هر شخصی حق دارد از آزادی دین و تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار آن بطور فردی یا جمعی و به طور علنی یا در خفا برخوردار باشد. همینطور بند ۱ ماده ۱ اعلامیه مربوط به اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی نیز از موجودیت و هویت ملی، قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین‌های خود حمایت و ایجاد شرایط را برای ارتقای این هویت مهم قلمداد می‌کند. بند ۱ و ۲ ماده ۲ همین اعلامیه نیز تاکید می‌دارد که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها حق دارند در نهان و به طور علنی، آزادانه و بدون مداخله و یا هر شکل از تبعیض، دین خود را اعلام و به آن عمل کنند و به صورتی موثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی شرکت کنند.

برای شناخت محبت

در رابطه با صدور احکام متعدد اعدام توسط دستگاه قضایی در کشور، ماده‌ی ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده‌ی ۶ اعلامیه حقوق مدنی-سیاسی، هشدار می‌دهند که حق زندگی، از حقوق ذاتی هر انسان به حساب می‌آید و این حق بایستی به موجب قانون نیز حمایت شود. بند ۲ ماده‌ی ۱ دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی به منظور الغای مجازات مرگ هم اقدامات لازم را در جهت منسوخ کردن مجازات مرگ در قلمرو قضائی را، به کشورها گوشزد می‌کند.

علاوه بر این صدور احکامی غیر انسانی نظیر درآوردن چشم از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی نقض ماده‌ی ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که تاکید دارد هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا رذیلی قرار داد.

در آخر هم باید اشاره کرد که بر پایه‌ی بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق هر کس به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک - پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت شناخته شود. در همین خصوص اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به داشتن مسکن متناسب با نیاز، تاکید دارد و می‌افزاید که دولت موظف است که با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمند ترند خصوصاً روستائینان و کارگران زمینه‌ی اجرای این اصل را فراهم کند.

مقدمه آمار

بر اساس گزارش‌های گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در محدوده زمانی اسفند ماه سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۹۶ گزارش از سوی حداقل ۴۰ منبع خبری یا حقوقی انتشار یافته است.

در بررسی موردی ۱۹۶ گزارش اسفند ماه، تعداد ۴۴۷۴۰ مورد نقض حقوق که ۱۱۶۴۰ مورد آن نقض مستقیم حقوق بنیادین بشر با حضور آمر در تطبیق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعداد ۳۳۱۰۰ مورد آن نقض حقوقی است که در عین وجود معاهدات بین المللی، نقض بنیادین حقوق بشر محسوب نمی‌شود؛ ارزیابی شده است،

عمده موارد نقض حقوقی که علیرغم تاثیر مستقیم از سیاستگذاری‌های حکومت، اقدام مستقیم و منظم نقض حقوق بشر را در بر نمی‌گیرد، در حوزه کارگری بوده است و حقوقی از قبیل اخراج، تعلیق و یا بیکاری کارگران پس از تعطیلی کارخانه رخ داده است.

بدیهی است گزارش‌هایی که در پی می‌آید با توجه به عدم اجازه دولت ایران به فعالیت مدافعان حقوق بشر تنها بخش کوچکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران است. در موضوع میزان خطای گزارش که حداکثر ۳ درصد در بحث منابع برآورد می‌شود باید اشاره کرد که ارگانهای خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران میزان ۳۴ درصد گزارش‌های این ماه را ارائه و مستند کرده‌اند، رسانه‌های حکومتی یا نزدیک به دولت میزان ۲۳ درصد و سایر منابع خبری-حقوقی غیر دولتی ۴۴ درصد گزارش‌ها را منتشر کرده‌اند که بدیهی است بخش آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران امکان زیادی برای مستند کردن گزارش‌های سایر گروه‌های خبری یا حقوقی را ندارد و در این حوزه حسب تجربه و شناخت خود عمل می‌کند.

«در حال حاضر در گزارشی که پیش رو است، میزان موارد نقض حقوق نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۹٪ کاهش و نسبت به ماه قبل نیز ۶٪ کاهش داشته است.»

مشروح آمار

کارگری:

برای شناخت محبت

در آبان ماه سال جاری ۲۲ گزارش در مورد نقض حقوق کارگران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید که تعداد ۱ گزارش از آن گزارش‌هایی را در بر می‌گرفت که مستقیماً نقض حقوق بشر نبوده ولی مرتبط به سیاستگذاری‌های حکومت و همینطور حقوق مدنی است. مجموع موردی این نقض حقوق بالغ بر ۳۵۸۰۲ مورد است.

بر اساس این گزارش‌ها ۳۳۱۲۰ کارگر به دلیل تعطیلی کارخانه و یا تعدیل نیرو از کار اخراج شدند، در مجموع ۲۸ ماه از حقوق کارگران در شرکت‌ها و کارخانجات مختلف با تعویق همراه بوده است که بر اساس آمار موجود بیشترین آن تعویق ۲۴ ماهه پرداخت حقوق کارگران مخابرات راه دور بوده است.

بر اثر سوانح در محل کار به دلیل فقدان ایمنی شغلی ۱۱ کارگر جان خود را از دست دادن و از سوی دیگر دستگاه امنیتی کشور ۱ تن را بازداشت و ۸ تن دیگر را احضار کردند. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کارگران ۴۵٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز شاهد افزایش ۱۱٪ بوده ایم.»

اقلیت‌های مذهبی:

در ماه گذشته از مجموع ۲۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۵۹ مورد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۲۸ تن از شهروندان بهایی و مسیحی بوده است هم چنین ۱۰ تن از اقلیت‌های مذهبی به ۱۷۲ ماه حبس تعزیری، ۸ ماه تعلیقی محکوم شدند.

هم چنین منزل ۱۰ تن از اقلیت‌های مذهبی نیز در شهرهای مختلف مورد تفتیش قرار گرفت. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ۱۶٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز شاهد افزایش ۲۳٪ بوده ایم.»

اقلیت‌های قومی-ملی:

در ماه گذشته از مجموع ۱۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۵ مورد نقض حقوق اقلیت‌های قومی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

از این تعداد می‌توان به بازداشت ۵ شهروند و محکومیت ۱۵ تن از سوی دستگاه قضایی به ۲۲۷ ماه حبس تعزیری و محاکمه و احضار ۲ تن دیگر از جمله موارد نقض حقوق اقلیت‌های قومی بوده است. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های قومی ۵۲٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۱۴٪ را شاهد بوده ایم.»

اصناف:

در ماه گذشته از مجموع ۵ گزارش ثبت شده، تعداد ۸۱۲۱ مورد نقض حقوق اصناف در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

ممانعت از یک تجمع صنفی و محکومیت تو تن از فعالین صنفی به ۲۴۰ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی و ۲۸۸ ماه حبس تعزیری از سوی دادگاه انقلاب از جمله موارد نقض حقوق اصناف بوده است.

«طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اصناف ۶۸٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۴۴٪ را شاهد بوده ایم.»

فرهنگی:

برای شناخت محبت

در ماه گذشته از مجموع ۳ گزارش ثبت شده، تعداد ۳ مورد نقض حقوق فرهنگی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. در این حوزه بایستی به ممانعت از اجرای دو مراسم فرهنگی توسط و ممانعت از نشر یک اثر فرهنگی اشاره داشت.

«طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق فرهنگی ۳۳٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۶۲٪ را شاهد بوده ایم.»

زنان:

در ماه گذشته از مجموع ۳ گزارش ثبت شده، تعداد ۳ مورد نقض حقوق زنان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

در این رشته حقوقی می بایست به محاکمه یک فعال حقوق زنان و ممانعت از یک مراسم در سالگرد روز جهانی زن اشاره داشت هم چنین قوه قضائیه یک فعال حقوق زنان را به ۳ ماه حبس تعزیری و ۱۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد.

«طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زنان ۴٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۰۰٪ را شاهد بوده ایم.»

کودکان:

در ماه گذشته از مجموع ۶ گزارش ثبت شده، تعداد ۳۷۷ مورد نقض حقوق کودکان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

محرومیت ۲۰۰ کودک از تحصیل و مصومیت ۱۷۴ دانش آموز در مدارس کشور هم چنین دو مورد تنبیه فیزیکی کودکان توسط والدین که منجر به مرگ آنها شد از جمله موارد نقض حقوق کودکان در اسفند ماه بوده است.

«طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کودکان ۶۶٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۰۰٪ را شاهد بوده ایم.»

اعدام:

در ماه گذشته از مجموع ۱۷ گزارش ثبت شده، تعداد ۳۹ مورد صدور و اجرای حکم اعدام در زندان ها و یا در ملاء عام توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد. در اسفند ماه سال جاری، حسب گزارشات به ثبت رسیده، ۱۸ شهروند به اتهام های مواد مخدر، قتل، محاربه و تجاوز به اعدام محکوم شدند و ۱۷ زندانی نیز بر اساس اتهام قتل، جرایم مواد مخدر، تجاوز اعدام شدند.

۴ تن از محکومین نیز به اتهام های چون قتل، تجاوز در ملاء عام اعدام شدند. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل صدور و اجرای حکم اعدام ۴٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱٪ را شاهد بوده ایم.»

دانشجویان:

در ماه گذشته از مجموع ۱۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۷۱ مورد نقض حقوق دانشجویان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

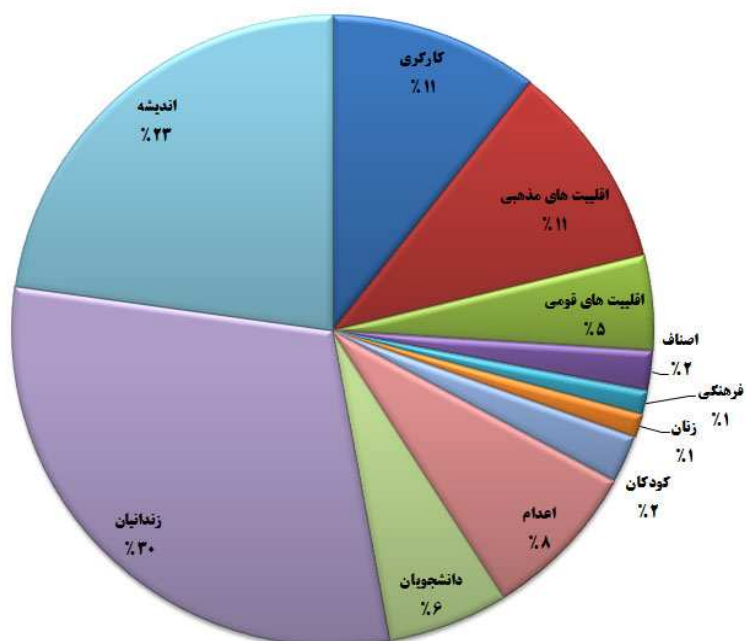
بر اساس این گزارش دو دانشجو بازداشت یک دانشجو ضرب و شتم، یک دانشجو به دادگاه و دو دانشجوی دیگر نیز به کمیته انضباطی احضار شدند.

برای شناخت محبت

هم چنین میبایست اضافه کرد که ۲۹ دانشجو از حق تحصیل محروم شدند و یک تن نیز به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شد.

«طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق آکادمیک ۷۲٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است.»

مقایسه نموداری گزارش ماهانه بر اساس رشته ها در اسفند ۹۰



زندانیان:

در ماه گذشته از مجموع ۴۰ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۰۵ مورد نقض حقوق زندانیان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

این تعداد گزارش مربوط به ۱۸ مورد شکنجه و یا ضرب و شتم زندانیان، ۱۱ مورد عدم رسیدگی پزشکی، ۳۹ مورد اعمال محدودیت مضاعف، ۱۵ مورد نقل و انتقال اجباری و ۸ مورد اعمال فشار و تهدید زندانیان بود.

هم چنین ۸ مورد بلاتکلیفی و ۱۲ مورد اعتصاب غذا نیز از دیگر موارد نقض حقوق زندانیان لحاظ شده است. «طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زندانیان ۲٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۲۱٪ را شاهد بوده ایم.»

اندیشه و بیان:

در ماه گذشته از مجموع ۵۵ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۳۵ مورد نقض حقوق در حوزه اندیشه و بیان توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

بر اساس این آمار ۱۰۸ تن از فعالین در این حوزه بازداشت، ۱ تن احضار به اطلاعات و دادگاه انقلاب و ۷ نفر دیگر نیز در دادگاه مورد محاکمه قرار گرفتند.

همینطور ۱۱ تن از فعالین نیز جمعا به ۳۸۷ ماه حبس تعزیری، ۶۰ ماه حبس تعلیقی ۳ میلیون ریال جزای نقدی و ۱۲۰ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند.

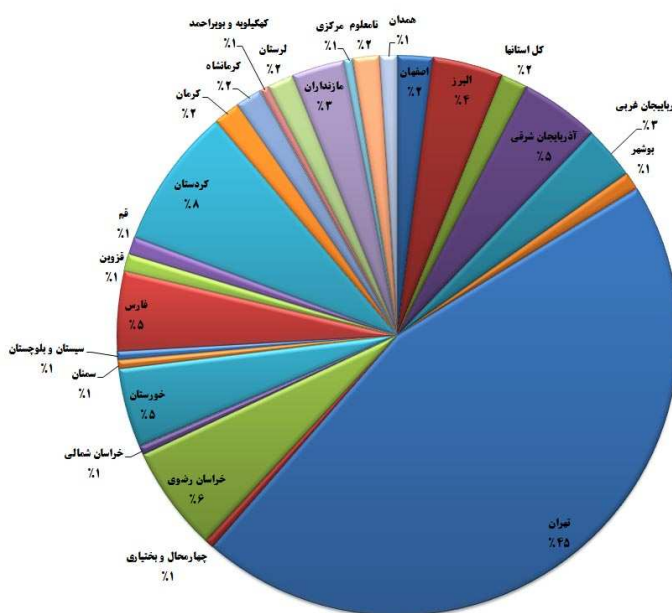
برای شناخت محبت

«طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اندیشه و بیان ۵۳٪ نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۸٪ را شاهد بوده‌ایم.»

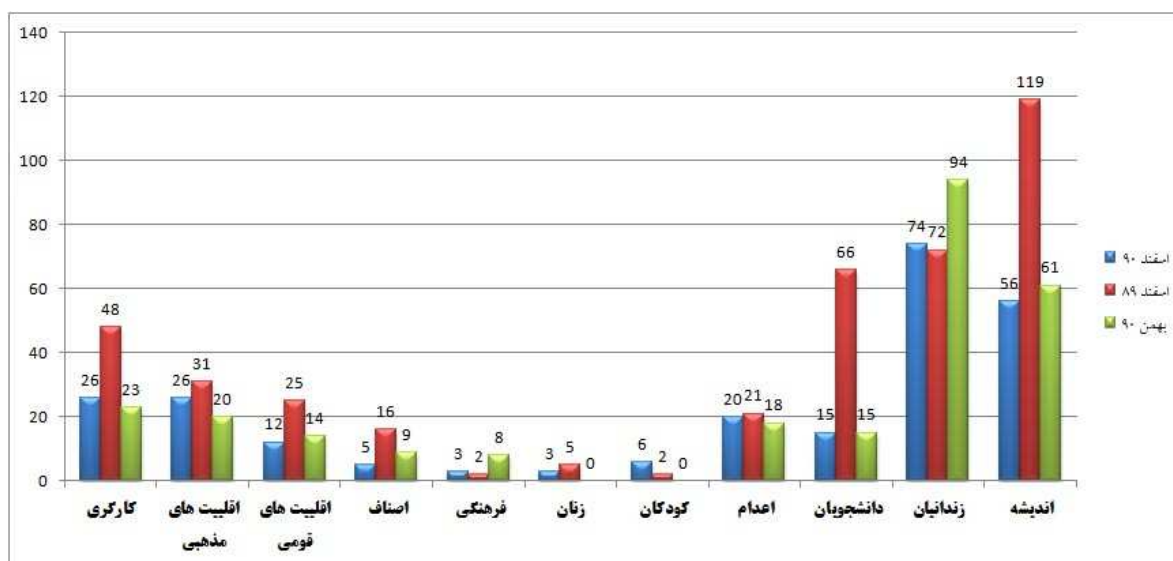
بررسی آمار

نمودارها

نمودار زیر مقایسه گزارش ماهانه بر اساس گستره رسته‌ها در اسفند ماه ۱۳۹۰ است، همانطور که در ذیل مشاهده می‌کنید، زندانیان با ۳۰٪ و حوزه اندیشه و بیان با ۲۳٪ به ترتیب در رتبه اول و دوم تعداد موارد گزارش شده از سوی گزارشگران حقوق بشر قرار دارند.



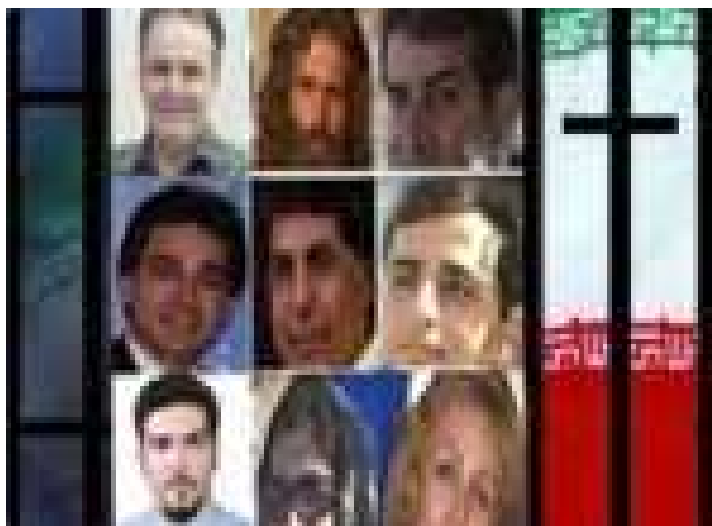
در ادامه می‌توانید نمودار دایره‌ای مربوط به مقایسه استان‌ها و حجم گزارشات ثبت شده که رابطه مستقیمی با توان گزارشگران حقوق بشر در ایران دارد را مشاهده نمائید. در پایان برای مقایسه آماری اسفند ماه ۹۰ با ماه مشابه سال قبل و بهمن ماه سالجاری، به نمودار ذیل توجه کنید.



آخرین اخبار بازداشت و آزادی مسیحیان کشور در زمستان نود

مارس 22, 2012

برای شناخت محبت



مسیحیان ایران که در روز پایانی سال با خبر آزادی موقت سه نفر از بازداشت شدگان شیراز خوشحال شدند، زمستان بسیار سختی را تجربه کردند.

آیا با آغاز رسمی بهار، زمستان سرد و خشن زورش کم میشود یا نه؟ به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان، منابع مسیحی در شهر همیشه بهار شیراز خبر آزادی موقت سه تن از بازداشت شدگان نوکیش مسیحی آن شهر با وثیقه های سنگین ملکی در روز چهارشنبه هفته گذشته 42 اسفند ماه (14 مارچ 2012) را تأیید کردند.

مطابق این خبر نوجوان 17 ساله نیما شکوهی، خانم شریفه دُخ و آقای مسعود گلرویان هم اکنون تا زمان احضار مجدد آزاد هستند.

هر چند کام مسیحیان ایران با این خبر آزادی برای شب سال تحویل اندکی شیرین شد، اما همچنان سوز سرمای زمستان در خانه «کشیش حکمت سلیمی» در اصفهان به شدت می پیچد و دختر خردسال او «ساویز» که امسال تولد خود را برای اولین بار بدون حضور پدر دلبندهش گذراند، به شدت آن را احساس می کند.

فردا رسماً بهار در سرزمین اجدادی ما ایران زمین آغاز می شود، در حالی که همچنان فرشید فتحی و نورالله قیبتی زاده میروند تا پانزدهمین ماه اسارت خود را نیز به پایان برسانند. خانواده فرشید آواره شده اند و در غربت روزگار سخت فراق را می گذرانند. از احسان بهروز دانشجوی مسیحی بیش از 4 ماه است خبری جز تداوم زندان در دست نیست و نیما شکوهی نوجوان مسیحی باید شب سال تحویل خود را در شیراز بدون حضور والدینش فریبا و همایون که به جرم برگزاری کلیسای خانگی در زندان آن شهر هستند بگذراند.

زمستان امسال دومین زمستانی بود که مسیحیان ایران هدف شدید ترن حملات نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قرار گرفتند. اگر در زمستان سال گذشته بیشتر کلیساهای خانگی و اعضای آنها در تهران و شهرستانها آماج شدیدترین حملات بودند، امسال کلیساهای رسمی و ثبت شده دارای مجوز کشور نیز از حملات در امان نبودند. جمع بندی آنچه در زمستان 1390 بر مسیحیان کشور گذشت به طور خلاصه به شرح زیر است:

در اهواز- سردی زمستان برای مسیحیان ایران امسال از اهواز یکی از گرمترین شهرهای ایران آغاز شد. در حالی که نورالله قیبتی زاده همچنان نزدیک یکسال بود که در زندان کارون اهواز به سر می برد، ناگهان خبر حمله وحشیانه به جلسه ویژه کریسمس در روز 2 دی (23 فوریه) مسیحیان ایران را

برای شناخت محبت

تکان داد. در طی این یورش ماموران نقاب دار همه حاضران از جمله کودکان کانون شادی کلیسا بازداشت شدند. همه این بازداشت شدگان به جز 4 نفر همانروز آزاد گردیدند. کشیش فرهاد سبک روح و همسرش شهناز جیزان به همراه دوتن از خادمان کلیسا داوود علیجانی و ناصر ضامن دزفولی به زندان کارون اهواز منتقل شدند. شهناز جیزان 8 روز بعد 11 دیماه (اول ژانویه 2012) با گذاشتن وثیقه بطور موقت آزاد شد. همین اتفاق 2 ماه بعد برای کشیش فرهاد سبک روح و ناصر ضامن دزفولی در 2 اسفند (21 فوریه) عینا تکرار شد. ولی برای داوود علیجانی تهیه و سپردن وثیقه ملکی به درازا کشید و او عاقبت در 18 اسفند (8 مارچ) تا زمان برگزاری دادگاه رها شد.

همچنین از اهواز خبر رسید که روز 22 بهمن ماه نورالله قبیته زاده کارگر زحمت کش و نوکیش مسیحی که از سوم دی ماه سال 1389 در اسارت می باشد از زندان کارون اهواز توسط ماموران به مقصد نامعلومی خارج شده است. چند هفته بعد تأیید شد که به دلایلی ذکر نشده او را به زندان دستگرد اصفهان منتقل کرده اند!

در شیراز - در روز چهارشنبه 19 بمن ماه (8 فوریه) تعداد 7 نفر از نوکیشان مسیحی در محل یک کلیسای خانگی در شیراز بازداشت شدند.

خانه متعلق به آقای همایون شکوهی غلام زاده و همسرش فریبا ناظمیان بود. آنها به اتفاق پسر نوجوانشان به نام نیما و 4 نفر دیگر به اسامی خانم شریفه دُخ و آقایان مسعود هکائی، مجتبی علاء الدین حسین و مسعودگرویان به زندان عادل آباد منتقل گردیدند.

همان شب ماموران یک نوکیش مسیحی دیگر به نام «کوروش پرتوئی» را نیز در محل منزل مسکونیش دستگیر کردند. خبرها حاکی از آن بود که وی نیز از ایمانداران همان کلیسای خانگی می باشد. این عده به جز 3 نفری که در بالا به آزادی آنها در روزهای اخیر اشاره شد، بقیه در بندهای مختلف زندان شیراز به طور مجزا و در شرایط بسیار سخت نگهداری می شوند. چند نفر آنها از جمله زوج صاحبخانه دارای محکومیت و بازداشت قبلی نیز هستند که این موضوع را حساستر می سازد.

در تهران - 14 بهمن ماه امسال در پایتخت این خبر در بین مسیحیان پیچید که برای «فرشید فتحی» تاریخ دادگاه تعنُّن و به او ابلاغ کرده اند. فرشید از 26 دی ماه سال 1389 که در تهران بازداشت شد هنوز در زندان اوین نگهداری می شود. گفته شد به او برای 17 اسفند تاریخ دادگاه داده اند. بعد اعلام شد که او به دادگاه رفت. از نتیجه دادگاه و تاریخ دقیق آن هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست. در حال حاضر اطرافیان و خانواده فرشید فتحی در خارج کشور به دلایل نامشخصی از هرگونه خبر رسانی در مورد او توسط برخی سازمانهای مسیحی به شدت منع شده اند.

خبر بازداشت ماسیس موسسیان نیز در روز 19 بهمن (8 فوریه 2012) موجی از ناراحتی برای مسیحیان پایتخت به ارمغان آورد. ماسیس یکی از مشایخ و مسیحیان شناخته شده و فعال کلیسای جماعت ربانی نارمک در تهران است. او که در محل کارش به دلایل نامعلومی با اتهام نامشخص تبلیغ برای مسیحیت بازداشت شده بود در روز 27 بهمن (16 فوریه) با قید وثیقه سنگین ملکی تا زمان برگزاری دادگاهش بطور موقت آزاد شد.

اخبار مسیحیان تهران در اسفند ماه با خبر ایجاد محدودیتهای بیشتر برای کلیساهای فارسی زبان در تهران پی گیری شد. خبرگزاری مسیحی کمپس دایرکت نیوز خبر ممنوع شدن جلسات فارسی روزهای جمعه کلیساهای عمانوئیل و پطرس مقدس تهران را اعلام کرد و اف سی ان نیز خبر ممنوعیت این جلسات در کلیسای انجیلی ارامنه تهران را داد. اخبار محدودیتهای بسیار زیاد برای کلیساهای جماعت

برای شناخت محبت

ربانی، از جمله دستور بستن کلاس روزهای شنبه کلیسای مرکز که مخصوص آموزشی نوایمانان بود، توجه بسیاری از هموطنان مسیحی را به خود جلب کرد.

از تهران بزرگ و نواحی اطراف آن مانند رباط کریم و ورامین و کرج گزارشات بیشتری درباره بازداشت و زندان نوکیشان مسیحی وجود دارد که به خاطر درخواست خانواده هایشان از ذکر نام آنها خودداری می شود.

در کرمانشاه - اخبار مسیحیان ایران در اسفند ماه شروع شد با انتشار خبر حمله به یک کلیسای خانگی در کرمانشاه. مطابق خبر منتشر شده از سوی آژانس خبری مسیحیان ایران، در روز سه شنبه دوم اسفند برابر 12 فوریه ماموران اطلاعاتی کرمانشاه به خانه ای در آن شهر هجوم بردند و تعداد 13 نفر را بازداشت کردند. 9 نفر آنها روز بعد و یک نفر پس از 8 روز آزاد شدند از سه نفر دیگر به اسامی مهدی جفا کیبودی، محسن با با کریمی و شیرین قنبری خبری در دست نیست. لازم به ذکر است منابع مسیحی در منطقه هنوز این خبر را رسماً تأیید نکرده اند.

همین منبع غیر رسمی گزارشی از حکم 3 سال زندان برای یک معلم مسیحی اهل کرمانشاه به نام «مسعود دلجانی» را در بهمن ماه منتشر کرده بود که توسط منابع مسیحی منطقه این خبر تأیید شده است و گفته می شود این نوکیش مسیحی دوره محکومیتش را در زندان دیزل آباد کرمانشاه سپری می کند. او اولین بار در اسفند ماه سال 1389 بازداشت شده بود.

لازم به یاد آوری است که 26 اسفند ماه سال گذشته نیز خبرهایی درباره حمله به یک کلیسای خانگی در کرمانشاه منتشر شده بود. 12 دی ماه سال 1388 (زمستان 2 سال قبل) نیز کلیسای پنطیکاست آشوری کرمانشاه به دستور مقامات امنیتی تعطیل شد که این تعطیلی هنوز تداوم دارد.

در اصفهان - به دنبال کشف و ضبط یک کامیون حامل کتاب مقدس در شهر اصفهان در بهمن ماه توسط نیروی انتظامی آن شهرستان، خبر بازداشت کشیش حکمت سلیمی رهبر کلیسای پولس مقدس اصفهان در روز 3 اسفند (2 فوریه 2012) توسط خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر منتشر شد. پس از آن منابع مسیحی در اصفهان خبر بازداشت‌های دیگری در همان روز را دادند. تاریخ این بازداشتها همه در یک روز بودو نشان می داد که برنامه ای از پیش طراحی شده برای این بگیر و ببندها وجود داشته است و ظاهراً همه آنها در ارتباط هستند.

از بازداشت شدگان آن روز یک بانوی 78 ساله از اعضای قدیمی و برجسته کلیسای حضرت لوقای اصفهان بود که در ساعات اولیه بامداد در خانه اش بازداشت شد ولی 3 روز بعد در 6 اسفند ماه با تلاش رهبران کلیساهای اسقفی آزاد شد. کلیسای پولس مقدس و کلیسای حضرت لوقا هردو از کلیساهای حوزه اسقفی اصفهان هستند.

منابع مسیحی اصفهان بازداشت خانمها شهناز ظریفی و مریم دل آرام و آقایان شهرام قانیدی و مجید عنایت و فریبرز پارسی نژاد را نیز در این شهر تأیید کرده اند. همه آنها به جز یک نفر در همان تاریخ 3 اسفند بازداشت شده اند. فقط گفته می شود آقای پارسی نژاد که در روز مذکور در اصفهان نبوده است وقتی نه روز بعد یعنی 12 اسفند به اصفهان بر می گردد بازداشت می شود.

کلیساهای مسیحی سراسر کشور از همه ایمانداران داخل و خارج خواسته اند اکنون که زمستان می رود برای زندانیان مسیحی و خانواده های آنها و همه زندانیان عقیدتی در هنگام تحویل سال به نام دعا کنند و از خداوند بخواهند زور زمستان را کم و برکت و خرمی بهار را افزون کند.

برای شناخت محبت

گزارشی از وضعیت زندانیان بهایی در پایان سال ۱۳۹۰



خبرگزاری هرانا - با فرارسیدن عید باستانی نوروز و سال نو، در واپسین روزهای سال ۱۳۹۰ طبق اخبار رسمی ۶۷ شهروند بهایی دور از خانواده هایشان در زندان ها و بازداشتگاههای جمهوری اسلامی محبوس می باشند.

۴۳ نفر از این زندانیان بهایی در حال گذراندن مجموعاً «۲۶۰ سال حبس تعزیری هستند و ۲۴ نفر دیگر در بازداشت موقت ادارات اطلاعات می باشند. این آمار در حالی ارائه می شود که در سال ۱۳۹۰ بسیاری از شهروندان بهایی خارج از لیست ذیل، مدتی را بازداشت یا دوران محکومیتشان به اتمام رسیده است.

در این سال تعداد زیادی از بهاییان به حکم های از ۱۲ سال تا ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شدند بسیاری منتظر احضار و اجرای حکم و بسیار دیگر منتظر رای دادگاه های تجدید نظر می باشند. تعدادی از بهاییان از جمله شعله طائف و مهران بندی پس از اتمام دوران حبس به محل های تبعید رفتند. اماکن کسب بسیاری از بهاییان، پلمپ و جواز کسب بسیاری دیگر لغو یا تمدید نگردید. تعداد اندک از دانشجویان بهایی باقیمانده در دانشگاهها اخراج شدند و پس از چند سال بار دیگر در دفترچه ثبت نام آزمون سراسری یکی از شرایط شرکت در کنکور سال ۱۳۹۱ اعتقاد به اسلام یا یکی از ادیان رسمی مذکور در قانون اساسی عنوان شد و این در حالی صورت گرفت که در خرداد ماه طی یک هجوم از قبل طراحی شده تعداد زیادی از اساتید دانشگاه مجازی بهاییان، بازداشت و منازل بهاییان مرتبط با موسسه مزبور مورد تفتیش قرار گرفت تا با این عمل تنها روزنه کسب علم جوانان محروم از تحصیل بهایی گرفته شود.

پرونده آتش زدن بیش از پنجاه خانه روستاییان بهایی ایول در مازندران پس از یک سال بی هیچ نتیجه ای مختومه اعلام شد و بهاییان روستای کتا (از توابع یاسوج) مورد حمله، تهدید و بازداشت قرار گرفتند تا محل زندگی و زمینهای کشاورزی خود را ترک کنند و هیچ مسئولی حاضر به اجرای عدالت و حمایت از ایشان نشد.

نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر بزودی در پایان سال ۹۰ به صورت تفصیلی و آماری اقدام به انتشار گزارشات نقض حقوق بشر خواهد کرد اما در زیر می توانید اسامی زندانیان بهایی که در آغاز سال جدید در زندان بسر خواهند برد را ملاحظه کنید.

اسامی زندانیان بهایی عبارتست از:

برای شناخت محبت

- تهران (اوین - بند زنان):
- ۱ - فریبا کمال آبادی (محکومیت ۲۰ سال)
 - ۲ - مهوش ثابت (محکومیت ۲۰ سال)
 - ۳ - نوشین خادم (محکومیت ۴ سال)
 - ۴ - منیژه نصرالهی (محکومیت ۳ سال) تهران (اوین - بند ۳۵۰):
 - ۵ - شهرام چینیان (محکومیت ۸ سال)
 - ۶ - پیمان کشفی (محکومیت ۴ سال)
 - ۷ - افشین حیرتیان (محکومیت ۴ ساله)
 - ۸ - شاهرخ طائف (محکومیت ۴ ساله)
 - ۹ - فواد خانجانی (محکومیت ۴ ساله)
 - ۱۰ - دیدار رئوفی (محکومیت ۳ سال)
 - ۱۱ - سما نورانی (محکومیت یک سال کرج (رجایی شهر):
 - ۱۲ - جمال الدین خانجانی (محکومیت ۲۰ سال)
 - ۱۳ - وحید تیزفهم (محکومیت ۲۰ سال)
 - ۱۴ - عفیف نعیمی (محکومیت ۲۰ سال)
 - ۱۵ - بهروز توکلی (محکومیت ۲۰ سال)
 - ۱۶ - سعید رضایی (محکومیت ۲۰ سال)
 - ۱۷ - کامران مرتضایی (محکومیت ۵ سال)
 - ۱۸ - محمود بادوام (محکومیت ۴ سال)
 - ۱۹ - فرهاد صدقی (محکومیت ۴ سال)
 - ۲۰ - رامین زیبایی (محکومیت ۴ سال)
 - ۲۱ - ریاض سبحانی (محکومیت ۴ سال)
 - ۲۲ - کامران رحیمیان (محکومیت ۴ سال - در مرحله تجدید نظر) مشهد:
 - ۲۳ - داوود نبیل زاده (محکومیت ۵ سال)
 - ۲۴ - جلالیر وحدت (محکومیت ۵ سال)
 - ۲۵ - سیما اشراقی (محکومیت ۵ سال)
 - ۲۶ - رزیتا واثقی (محکومیت ۵ سال)
 - ۲۷ - ناهید قدیری (محکومیت ۵ سال)
 - ۲۸ - سیما رجبیان (محکومیت ۲ سال)
 - ۲۹ - نسرین قدیری (محکومیت ۲ سال)
 - ۳۰ - کاویز نوزدهی (محکومیت ۲ سال)
 - ۳۱ - هومن بخت آور (محکومیت ۲ سال)
 - ۳۲ - عزت الله احمدیان (بازداشت موقت)
 - ۳۳ - شهزاد خلیلی (بازداشت موقت)
 - ۳۴ - حوریه محسنی (بازداشت موقت)
 - ۳۵ - نگین احمدیان (بازداشت موقت)
 - ۳۶ - آرمان مختاری (بازداشت موقت)

برای شناخت محبت

- ۳۷- نغمه ذبیحیان (بازداشت موقت)
- ۳۸- شایان تفضلی (بازداشت موقت) (شیراز):
- ۳۹- کیوان کرمی (محکومیت ۱۰ ماه)
- ۴۰- وحدت دانا (محکومیت ۱۰ ماه)
- ۴۱- افشین احسنیان (محکومیت ۱۰ ماه)
- ۴۲- فرهام معصومی (محکومیت ۱۰ ماه)
- ۴۳- نیما دهقان (بازداشت موقت)
- ۴۴- یکتا فهندژ (بازداشت موقت)
- ۴۵- مژگان عمادی (بازداشت موقت)
- ۴۶- سام جابری (بازداشت موقت)
- ۴۷- سینا ساریخانی (بازداشت موقت)
- ۴۸- فرید عمادی (بازداشت موقت)
- ۴۹- مژده فلاح (بازداشت موقت)
- ۵۰- فرشید یزدانی (بازداشت موقت)
- ۵۱- ایمان رحمت پناه (بازداشت موقت)
- ۵۲- هومن زارعی (بازداشت موقت)
- ۵۳- کامبیز حبیبی (بازداشت موقت)
- ۵۴- کاووس صمیمی (بازداشت موقت) (سمنان):
- ۵۵- افشین ایقانی (محکومیت ۴ سال و ۳ ماه)
- ۵۶- بهفر خانجانی (محکومیت ۴ سال)
- ۵۷- سیامک ایقانی (محکومیت ۳ سال)
- ۵۸- نادر کسای (محکومیت ۳ سال)
- ۵۹- علی احسانی (محکومیت ۲ سال) (کرمان):
- ۶۰- عرفان شجاعی (بازداشت موقت)
- ۶۱- بختیار راسخی (بازداشت موقت)
- ۶۲- فرحناز نعیمی (بازداشت موقت)
- ۶۳- فرین راسخی (بازداشت موقت) (ساری):
- ۶۴- هوشنگ فناپیان (محکومیت ۴ سال)
- ۶۵- انور مسلمی (محکومیت یک سال)
- ۶۶- ناتولی درخشان (بازداشت موقت) (یاسوج):
- ۶۷- علی بخش بذر افکن (محکومیت ۲ سال و شش ماه)
تهیه و گردآوری: لوا متحده

فروش تجهیزات شنود و فیلترینگ اینترنت توسط چین به ایران

خبرگزاری هرانا - یک شرکت چینی تجهیزات پیشرفته‌ی شنود و فیلترینگ اینترنت به ایران فروخته است. محمود تجلی‌مهر کارشناس آی‌تی می‌گوید این تجهیزات باید وارد لیست تحریم‌ها شوند.



به گزارش خبرگزاری آلمان، ۱۳۰ میلیون دلار معادل ۹۸ میلیون یورو مبلغ قراردادی است که در سال ۲۰۱۰ بین ایران و چین برای فروش تجهیزات پیشرفته‌ی شنود و فیلترینگ اینترنت بسته شده است.

رویترز نیز گزارش داده است که شرکت چینی «زتی» که طرف این قرارداد است با چند شرکت آمریکایی نیز همکاری می‌کند.

بر اساس گزارش بی بی سی، این تجهیزات برای شنود تلفن ثابت، موبایل و ارتباطات اینترنتی استفاده می‌شود و بخشی از یک قرارداد ۶.۹۸ میلیون یورویی، بین دو شرکت مخابراتی ایرانی و چینی است. پیشتر سازمان‌های مدافع حقوق بشر از شرکت‌های بین‌المللی و بنگاه‌های اقتصادی‌ای که «با فروش و صادرات ابزارهای مورد استفاده در سانسور و تعقیب» با دولت ایران همکاری می‌کنند، انتقاد کرده بودند.

دیپلمات‌های ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در بروکسل نیز نزدیک به دو ماه پیش بر سر ممنوع کردن فروش تجهیزات مخابراتی که احتمال داده شده دولت ایران برای کنترل مخالفانش استفاده کند، به توافق اصولی رسیده بودند.

دوچپه وله به نقل از محمود تجلی‌مهر، مدیر پیشین یک پروژه مخابراتی در ایران، نوشته است که تجهیزات فروخته شده این شرکت چینی به ایران «فراتر از کنترل فعالیت‌های اینترنتی شهروندان ایرانی است».

وی که با شرکت‌های مخابراتی چینی و اروپایی کار کرده، افزوده است: ردیابی کاربران، جلوگیری از صدا و پیام الکترونیکی، توقف ارسال نامه‌های الکترونیکی، چت و دسترسی به وبسایت از جمله قابلیت‌های این سیستم جاسوسی است.

برای شناخت محبت

آمار تعداد مهاجران در دنیا و اروپا بتفکیک ادیان و مقصد نهائی آنها

مهاجرت مسیحیان دنیا به اروپای مسیحی نشین طبیعی است. حجم بالای مهاجرت مسلمانان که از نظر آموزه های قران کتاب مقدس آنها مسیحیان کافر تلقی می شوند به کشورهای مسیحی نشین اروپا جای تعجب دارد.



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان ، جام نیوز از رسانه های حکومتی مدتی پیش در خبری ادعا کرد که نتایج یک بررسی نشان می دهد شمار مسیحیان مهاجر در جهان بیش از مسلمانان مهاجر است.

جام ادعا داشت که این مطلب را به به نقل از رویترز منتشر کرده است، در این خبر نوشته شده است که نتایج یک بررسی نشان می دهد شمار مسیحیان مهاجر در جهان بسیار بیشتر از مسلمانان مهاجر است.

و ادامه داده است : بررسی انجام شده توسط یک نهاد مذهبی حکایت از آن دارد که از مجموع 214 میلیون نفری که از کشورهای خود مهاجرات کرده و در دیگر کشورهای جهان سکنی گزیده اند، 106 میلیون نفر (49 درصد) را مسیحیان تشکیل می دهند و این در حالی است که تنها 60 میلیون نفر یعنی 27 درصد، مسلمان هستند.

بر این اساس حتی در اروپا که مهاجرت مسلمانان بیش از دیگران مورد بحث بوده نیز تعداد مهاجرین مسیحی بسیار بیشتر است، به طوری که از مجموع 47 میلیون مهاجری که کشور خود را به مقصد اروپا ترک کرده اند 26 میلیون نفر (56 درصد) مسیحی و تنها 13 میلیون نفر (27 درصد) مسلمان بوده اند. در همین حال این بررسی می گوید که سه میلیون و 600 هزار یهودی نیز از کشورهای خود مهاجرت کرده اند که در مقایسه با دیگر ادیان رقم ناچیزی است اما این تعداد 25 درصد از مجموع یهودیان جهان را تشکیل می دهند و از این نظر سهم مهاجران یهودی از مجموع جمعیت بیش از دیگر ادیان است.

بسیاری از متخصصان معتقد هستند که مشکلات اقتصادی، تلاش برای یافتن زندگی و شغل بهتر و همچنین تلاش برای دریافت حقوق بیشتر مهمترین دلایل مهاجرت در جهان بوده است. همچنین گفته شده است که مذهب نیز یکی از دلایلی است که بر تصمیم افراد برای مهاجرت به دیگر کشورها دخیل بوده است. شایان ذکر است که این تحقیق از سال 2010 آغاز، و بیش از یک سال به طول انجامید.

برای شناخت محبت

بررسی به عمل آمده از مطالعه اصل مطلب در سایت خبرگزاری معروف رویترز نشان داد که جام نیوز با حذف بخشی از قسمت‌ها در متن ترجمه شده از خبر اصلی تلاش کرده تا واقعیتی مهم در این تحقیق اجتماعی را پنهان کند.

بطور مثال جام نیوز نوشته است: که مقصد بیشتر مهاجران دنیا اروپای می باشد. به احتمال زیاد این حذف کردنها برای پوشاندن این واقعیت می باشد که مهاجرت مسیحیان دنیا به اروپای مسیحی نشین صورت می گیرد. در حالی که حجم بالای مهاجرت مسلمانان که از نظر آموزه های قران کتاب مقدس آنها مسیحیان کافر تلقی می شوند به کشورهای مسیحی نشین اروپا جای تعجب دارد.

مردم سراسر جهان به دلایل عمدتاً اقتصادی و امنیتی تمایل بسیاری برای مهاجرت به کشورهای اروپائی با اکثریت جمعیت مسیحی دارند. طبیعی است که مقصد مسیحیان آمریکای لاتین و آفریقا برای یک زندگی بهتر باید اروپای مسیحی باشد. اگر مقصد آنها بیشتر خاورمیانه و شمال آفریقای مسلمان نشین بود جای تعجب داشت.

واقعیت این است که مسلمانان خودشان نیز به خوبی می دانند که وضع زندگی در کشورهای با اکثریت جمعیت مسلمان تا چه اندازه رقت بار و غیر قابل تحمل است و به همین دلیل علاقه روز افزونی برای مهاجرت به کشورهای مسیحی نشین اروپا و آمریکای شمالی در آنها وجود دارد.

اما نکته ای که بسیاری از آنها نمی دانند این است که ریشه مشکل کشورهای مسلمان نشین دنیا از کجا سرچشمه می گیرد. به همین دلیل است که رهبران مسلمانان تلاش می کنند ریشه عقب ماندگی کشورهای مسلمان نشین را غربیها نشان دهند تا چشم مسلمانان را بر روی واقعیت‌های دینشان ببندند.

اسلامگرایان افراطی الله اکبر گویان به صورت يك اسقف

اسید پاشیدند

مسلمانان افراطی در حین انجام مراسم کلیسایی به صورت يك اسقف کلیسا اسید پاشیدند که باعث سوختگی صورت و کور شدن يك چشم وی شد.

مسلمانان افراطی تنها کمی پس از جنبشی هفت روزه در کلیسایی در اوگاندا به رهبر آن کلیسا و در وسط مراسم کلیسایی اسید پاشیدند. این حمله موجب سوختگی شدید، کور شدن يك چشم و خطر از دست دادن بینایی در چشم دیگر شده است.



به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، به نقل از کامپس دایرکت، اسقف عمر مولینده 39 ساله که سابقن یک شیخ مسلمان بوده و اکنون مسیحی است در ساختمان کلیسایش به نام کلیسای بین المللی «انجیل حیات» در شهر ناموسوبا در 10 کیلومتری کامپالا مورد حمله قرار گرفت. این اسقف از تخت بیمارستان به این خبرگزاری گفت که درحال رفتن به محل برگزاری جشن به همراه اعضای کلیسایش و صدها نو ایمان بود که مردی که ادعا می کرد مسیحی است به سمت او آمد. اسقف مولینده که هنوز آثار سوختگی بر بدن و صورتش مشخص است گفت: «شنیدم که با صدای بلند گفت «کشیش، کشیش» من به سمت او چرخیدم و او مایعی را به صورت من پاشید و چند نفر دیگر هم مایع را به پشت من پاشیدند. آنها پس از این عمل با فریاد «الله اکبر» از آن محل فرار کردند.» روی صورت اسقف مولینده به همراه گردن و بازو هایش جراحاتی سیاه رنگ که بر اثر اسید ایجاد شده اند مشخص است و لبهایش ورم کرده است.

یک دکتر درباره وی گفت که سوختگی های ناشی از اسید 30 درصد صورت وی را پوشانده و بینایی یکی از چشمانش را هم از او گرفته است. «ما تمام تلاشمان را برای نجات چشم دیگر و جلوگیری از پخش شدن اسید در قسمت های دیگر بدن انجام می دهیم.»

اسقف مولینده می گوید که اسلامگرایان افراطی که با مسیحی شدنش و صحبت های او در مخالفت با دادگاه های اسلامی مخالفند به او حمله کرده اند.

برای شناخت محبت

در گزارش خبرگزاری کامپس همچنین آمده است که رهبران مسلمان در تاریخ 23 مهر ماه فتوایی علیه او صادر کردند که دستور کشتن او را داده بودند. اسقف مولینده بخاطر مناظره ها و چالش هایی که گاهن برای مسلمانان در رابطه با اسلام پیش می کشد، در منطقه و جهان شناخته شده است.

شناسایی گروهی از وبلاگ و وبسایتهای سیاسی و مخالف حکومت



خبرگزاری هرانا - در ادامه اعمال محدودیت ها و فشار بر حوزه اینترنت و فضای وب، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات نیروی انتظامی ایران (فتا) از شناسایی چند سایت و وبلاگ که مدعی شده اند به «انتشار اکاذیب و پست‌های سیاسی و تبلیغات سوء، سبب تشویش اذهان عمومی و ایجاد ناامنی در فضای سایبری» مشغول بوده اند، خبر داد.

به گزارش ایرنا، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات نیروی انتظامی اعلام کرده است که در پایش سایت های خبری، تحلیلی و سیاسی، چند سایت و وبلاگ شناسایی شد که با انتشار اکاذیب و پست های سیاسی و تبلیغات سوء، سبب تشویش اذهان عمومی و ایجاد ناامنی در فضای سایبری داشتند. بر اساس ادعای نیروی انتظامی، این سایت ها و وبلاگ ها تحت پوشش خاطرات شخصی و همچنین صفحات علمی مراکز آموزشی، اقدام به این عمل غیر قانونی می کردند. پلیس فتا تاکید کرد: این نیرو با افرادی که سبب بهم زدن نظم و امنیت و همچنین هتک حیثیت در فضای مجازی شوند، برخورد قانونی خواهد کرد.

طی سالهای اخیر و به ویژه ماههای گذشته، اعمال محدودیت و کنترل فضای وب شدید تر شده، و ارگان های متعدد نظامی، انتظامی، امنیتی و قضایی، به صورت گسترده ای به فیلترینگ، هک، کنترل و شناسایی وبلاگ نویسان، گردانندگان سایت های اطلاع رسانی و همچنین تارنماهای مخالف مشغولند.

برای شناخت محبت

عفو بین الملل: دست کم ۳۶۰ تن در سال گذشته در ایران اعدام شدند



سازمان عفو بین الملل در گزارشی اعلام کرده است، شمار اعدام ها در ایران در سال ۲۰۱۱ به طور چشم گیری افزایش یافته است و در این سال دست کم ۳۶۰ تن اعدام شده اند.

سازمان عفو بین الملل گزارش سالانه خود درباره صدور و اجرای احکام اعدام در کشورهای مختلف جهان در سال گذشته میلادی ۲۰۱۱ را صبح روز سه شنبه منتشر کرد.

این سازمان بین المللی مدافع حقوق بشر تصریح کرده است، پرونده دو سوم اعدام شدگان در ایران در سال ۲۰۱۱ در ارتباط با قاچاق مواد مخدر بوده است.

در گزارش سازمان عفو بین الملل آمده است که ایران از نظر شمار اعدام ها همچنان در رده دوم جهانی قرار دارد. چین با هزاران اعدام در سال گذشته همچنان در صدر قرار دارد.

سازمان عفو بین الملل همچنین گفته است: به رغم این که در تعداد زیادی از کشور ها شمار اعدام ها کاهش یافته، اما شمار اعدام ها از طریق قوه قضاییه در کشورهای خاورمیانه و به ویژه ایران، عراق و عربستان سعودی افزایش قابل توجهی داشته است.

طبق این گزارش در سال ۲۰۱۰ شمار اعدام ها در ایران دست کم ۲۵۲ مورد و عربستان سعودی ۲۷ مورد گزارش شده بود.

سازمان عفو بین الملل می گوید، اطلاعات معتبری را در اختیار دارد که نشان می دهد که علاوه بر تعداد اعدام های اعلام شده، ۲۴۷ نفر نیز به طور «مخفیانه» در ایران اعدام شده اند.

طبق این گزارش، در سال گذشته دست کم سه متهم که در سن زیر ۱۸ سال مرتکب جرم شده بودند در تهران اعدام شده اند و چهار نوجوان نیز در نقاط دیگر ایران اعدام شده اند.

در گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل آمده است که اعدام در ملا عام در کشورهایی چون ایران، عربستان سعودی، کره شمالی و سومالی صورت گرفته است.

سازمان عفو بین الملل می گوید، کشورهایی مانند ایران، چین، عربستان، عراق و کره شمالی برای گرفتن «اعتراف» از متهمان از شکنجه استفاده می کنند.

برای شناخت محبت

طبق این گزارش در سال گذشته در ۲۰ کشور حکم اعدام اجرا شده است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ در ۲۳ کشور اعدام اجرا شده بود.

عفو بین الملل در ادامه گفته است: تعداد اعدام های اعلام شده در جهان در سال ۲۰۱۱ دست کم ۶۷۶ مورد بوده است، این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ تعداد اعدام ها ۵۲۷ مورد بود. البته این رقم شامل هزاران اعدام که در سال ۲۰۱۱ در کشور چین صورت گرفته، نیست.

سلیل شتی، دبیرکل عفو بین الملل، در این زمینه گفته است: «اکثریت کشور ها از به کار گیری مجازات اعدام صرف نظر کرده اند».

دبیرکل سازمان عفو بین الملل از آن دسته کشورهایی که هنوز از مجازات اعدام استفاده می کنند، خواسته در راستای حذف این مجازات «غیر انسانی» گام بردارند.

سازمان عفو بین الملل در این زمینه گفته است: تاکنون ۹۶ کشور مجازات مرگ را لغو کرده اند. ۹ کشور آن را برای جنایات عادی لغو کرده اند، ۳۵ کشور نیز طی ده گذشته از این مجازات استفاده نکرده اند.

گزارشی از حمله به منازل شهروندان بهایی در شیراز



آنچه در زیر می خوانید گزارشی از حمله مزدوران رژیم و بازداشت تعدادی از شهروندان بهایی در شیراز است که یک نسخه از آن برای پارس دیلی نیوز ارسال شده است. در تاریخ 1390/11/14 و 1390/11/18 ماموران لباس شخصی که به گفته خودشان طی حکمی از دادگاه انقلاب اسلامی شیراز به منزل تعدادی از بهاییان شیراز مراجعه نمودند ولی در هیچ یک از منازل این حکم رویت نشد و به تفتیش منازل پرداخته و به ساکنان منازل بی احترامی و بی حرمتی کردند و 11 نفر از بهاییان شیراز به نامهای سام جابری، یکتا فهندژ، مژده فلاح، فرشید یزدانی، فرید عمادی، پیام تسلیمی، سومیترا ممتازیان، مژگان عمادی، سینا ساریخانی، ایمان رحمت پناه، نیما دهقان را دستگیر کرده و در انتظار عمومی به بازداشتگاه پلاک 100 انتقال دادند و در تاریخ 1390/12/4 هومن زارعی در محل کارش بازداشت شد. طی مراجعات بسیار به دادگاه (دادگاه انقلاب) از دستگیری این افراد اظهار بی اطلاعی کردند و از ورود خانواده هایشان به دادگاه انقلاب جلوگیری به عمل آوردند.

سرانجام خانواده ها پس از مراجعات متوالی بعد از گذشت 32 روز به ملاقات این عزیزان رفته و هر خانواده 3 دقیقه وقت ملاقاتی داشتند. در تاریخ 1390/12/16 از خانواده های سومیترا ممتازیان و پیام تسلیمی وثیقه 100 میلیون تومانی خواستند و با قید این وثیقه ها این دو نفر آزاد شدند.

در تاریخ 1390/12/20 که 40 روز از بازداشت گذشته بود آقایان را به بازداشتگاه مرکزی شیراز (عادل آباد) انتقال دادند و خانم ها نیز به کانون اصلاح و تربیت واقع در کین آباد فرستاده شدند و در محیطی بیگانه برای این افراد زندانی هستند.

محیطی که عمومی می باشد و کلیه ی خلافکاران از جمله قاتلان، دزدان و قاچاقچیان مواد مخدر نیز حضور دارند. در ملاقات حضوری که داشتند آقایان خبر از برخورد نامناسب بازجویان، ضرب و شتم آنان توسط بازجویان خبر دادند و خانم ها را تهدید کردند و خانواده ها با دنیایی از دلواپسی از سرنوشت آنها روبرو هستند.

برای شناخت محبت

در تاریخ 1390/12/27 به منازل 7 نفردیگر به نامهای کاووس صمیمی، کامبیز حبیبی، وحید معصومی، میثاق معصومی، سولماز روحانی، خداخواست روحانی، نیلوفر کرمی یورش برده و آقایان کاووس صمیمی و کامبیز حبیبی را دستگیر کردند و به تفتیش منازل پزداخته و لوازم شخصی آنان را به همراه بردند و گفتند که هر زمان که تماس گرفته شد خودشان را سریعاً به پلاک 100 اداره اطلاعات شیراز معرفی نمایند...

گزارشی در مورد بازداشت و وضعیت ایمان رحمت پناه، شهروند بهایی (تصویر بالا) در روز جمعه 14 بهمن ماه ماموران اطلاعات زنگ منزلشان را زدند و خود را مامور گاز خطاب کرده وارد منزلشان شدند و آنها هر چه اصرار کردند حکم را نشان دهند بدون نشان دادن حکم منزل و ماشین آنها را تفتیش کردند و کل خانواده را در گوشه ای از منزل با اجبار نگاه داشتند. حتی پدر خانواده که مرضی قلبی داشت دچار مشکل شد و تا چند دقیقه کل بدنش شروع به لرزش کرد. و یکی از آنها به پدر و پسر خانواده با گفتن معتاد و لاغر مردنی و سیگاری توهین کرد و انگار آنها قانون های جدیدی برای خود مرسوم دانسته اند.

ایمان رحمت پناه که اکنون در بازداشت است آن موقع شیراز نبود و بعد از بازداشت وی روز ها میگذشت و خانواده اش بی خبر از او و به هر ارگانی از جمله دادستان، معاون دادستان، رئیس دادگستری، امام جمعه، امور سیاسی، امور امنیتی و حتی جاهای مختلف تهران برای اینکه حداقل یک تماس از وی گرفته شود تا از حال او با خبر شوند بی نتیجه بود و آنها هر روز صبح زود از خانه بیرون زده تا بتوانند کاری کنند و در کنار بی اهمیتی مسولین در بعضی مکان ها به خانواده وی توهین و یا حتی در مکان مربوطه با بی احترامی راه نمی دادند و چون اکثر امور زندگی با ایشان بوده بعد از دستگیری مشکلات بسیاری را در زندگی دچار شدند اما برای هر کس که به حضورش میرفتند بی اهمیت بود و انگار انسانیت برای همه مرده بود.

تا اینکه بعد از گذشت حدود یک ماه با پیگیری های شدید این خانواده توانستند وی را 3 دقیقه ملاقات کنند آن هم بعد از ساعت ها انتظار و در کابین پشت تلفن.

و باز پیگیری های مجدد برای اینکه بدانند اتهام وی چه چیز است و برای آزادیش هر تلاشی کردند اما باز بی اهمیت به موضوع. دیگر نزدیک عید شده بود و انگار بازجویی و باز پرسی ایشان تمام شده بود و خوش خیال از اینکه برای عید خانواده در کنار هم خواهند بود که در تاریخ 90/12/27 اتفاقی وحشتناک تر رخ داد نه تنها او را آزاد نکردند بلکه وی را به جایی کثیف و بد انتقال دادند یعنی زندان عادل آباد. آنجایی که جای دزد، قاتل، معتاد و... است او که بی گناه است آنجا چه باید بکند؟ و به چه حقی؟

جایی که انواع کثیفی، مرضی و حشرات موجود است، قضایی که هیچکس رقبت خوردنش را ندارد، نبود آب گرم آن هم در دو حمام برای این همه زندانی، مکانی سرد و نبود وسایل از جمله پتو به اندازه ی کافی و در کنار اندوهی که خانواده را فرا گرفته بود به هر جا رفتند تا حداقل روز اول عید را در کنار خانواده باشد به درهای بسته خوردند و روز اول عید اشک بجای شوق همراه خانواده وی بود و روز اول عید را در جلوی زندان عادل آباد به سر بردند تا اینکه با لطف رئیس زندان توانستند آن روز عزیز خود را ملاقات کنند باز هم در تلفن و پشت کابین. اما در کنار شوقی که از حضور در کنار او داشتند متوجه شدند که وی مریض شده.

و اکنون چندین روز میگذرد و او در زندان و با شرایط بد به سر میبرد. لینک زیر: داستان وفاء، کودک مژگان عمادی یکی از دوازده زندانی اخیر بهایی در شیراز تصویر

داستان زندگی آرزو تیموری زندانی سابق مسیحی

داستان زندگی آرزو تیموری زندانی سابق مسیحی: من صدای او را بر بالین خود آشکارا شنیدم! یکی از تلاشهای شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان در راستای وظیفه اطلاع رسانی، پیگیری وضعیت عزیزانی است که خبرهایی درباره آنها منتشر کرده ایم و کاربران اف سی ان با اسم آنها از این طریق آشنا هستند.



معمولا مسیحیانی که در ایران توسط ماموران امنیتی به زندان می افتند، حتی اگر یک روز هم بازداشت شده باشند ، بعد از آن دوست ندارند با کسی صحبت یا مصاحبه بکنند. آنها نمی خواهند ماجرای خود را بگویند ، چون همچنان می ترسند. ترس از بازداشت مجدد و تکرار صحنه های طاقت فرسا. حتی اگر خارج باشند برای جان بستگان خود در داخل ایران بیمناک هستند. به همین دلیل گشودن دهان آنان به حکایات زندگیشان بسیار سخت است.

یکی از تلاشهای شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان در راستای وظیفه اطلاع رسانی، پیگیری وضعیت عزیزانی است که خبرهایی درباره آنها منتشر کرده ایم و کاربران اف سی ان با اسم آنها در اخبار گذشته برخورد داشته اند.

تجربیات زندگی این افراد ، بازداشت و دادگاهی شدنشان می تواند چراغ راه کسانی شود که زندگیشان را وقف عشق به خداوند و خدمت به عیسی مسیح کرده اند.

همینجا از عزیزانی که به ایشان دسترسی نداریم و در خبرها و گزارشهای قبلی ما نام آنها برده شده است درخواست می کنیم با ما تماس بگیرند و اگر برایشان ممکن است خاطرات زندگی و تجربیات زندان خود را از طریق ما با خواهران و برادران خود تقسیم نمایند.

برای شناخت محبت

مدتی پیش رفتیم به دیدار یک زوج مسیحی که در سال 1389 بازداشت شدند و به مدت 8 ماه تا اردیبهشت سال قبل در زندان همدان بازداشت بودند. آرش کرماجانی و آرزوی تیموری که به خاطر تهدیدات جانی اکنون در خارج از ایران به سر می‌برند، در یک شب طولانی سفره دلشان را برای خبرنگار اف سی ان ان گشودند و ماجرای شنیدنی زندگی، ایمان و اسارت خود را به همه هموطنانشان تقدیم کردند. با تشکر فراوان از آنها ابتدا خاطرات آرزو را نقل می‌کنیم و در فرصتهای بعدی به داستان زندگی آرش می‌پردازیم.

من صدای او را آشکارا شنیدم!

آرزو از آن دسته انسانهایی است که آنچه که در خبر از آنها می‌شنوی با چیزی که در واقعیت هستند خیلی فرق دارند. وقتی اخبار مربوط به دستگیری آنها در شهریور ماه 1389 در برنامه بیست و سی سیما پخش شد از او و دیگر بازداشت شدگان بدون ذکر نام به عنوان «دزدان عقیده» یاد شد. اخبار بعدی که درباره مقاومت او در زندان و پای بندیش به ایمان مسیحی علی‌رغم همه فشارها برای نفی عیسی مسیح، به گوش می‌رسید نیز باعث شد تا او را در ذهن خود به شکل یک معلم تربیت شده برای تعلیم کلام خدا تصور کنیم. لابد آنطور که در اخبار سیما گفته شد او را کشورهای غربی برای این منظور تربیت کرده بودند!

اما وقتی او را میبینی متوجه می‌شوی ماجرا چیز دیگری است و همه چیز خلاف تصویرت می‌باشد. دختری ساده دل با قلبی مثل کودکان و سیمائی خواهرانه، زنی 25 ساله با چهره ای صادق و دوستانه، او داستان زندگی خودش را برایمان اینطور خلاصه می‌کند:

امید بر باد

پانزده ساله بودم که به فکرم رسید «امام رضا» می‌تواند مشکلاتم را حل کند. پس به قصد زیارت او، برای رفتن به مشهد بدون اجازه از خانه بیرون زدم. من در خانه رنج بسیار می‌کشیدم. پدر و برادرانم اسیر پنجه‌های شیطان اعتیاد بودند و به علت وضع بد مالی و بی‌کاری پدرم از همان کودکی مجبور بودم به عنوان یک «کودک کار» کمک خرج خانواده باشم.

خیابان جای بدی بود و اصلاً آن را دوست نداشتم. محله ما در اسلام شهر، منطقه‌ای در حاشیه تهران، نیز وضع فرهنگی بسیار بدی داشت. نه خانه، نه محله و نه شهر هیچکدام دریچه‌امیدی برای من نبودند. به این نتیجه رسیده بودم که باید تحولی ایجاد کنم و از این دایره وحشت و رنج دائم خارج شوم. مثل بیشتر مردم ایران؛ می‌دانستم چه چیز را نمی‌خواهم و نباید بکنم ولی نمی‌دانستم چه می‌خواهم و چه باید بکنم. همه جا صحبت از رهائی به کمک ایمان به اسلام بود و معجزاتی که امامان و امامزاده‌ها در زندگی آدمها می‌کنند.

من هم برای یافتن آنها بیرون زدم و یک روز صبح خودم را در مشهد دیدم. زیارت و دعا کردم. با خلوص و از ته دل خواستم که امام رضا کمک کند. واقعا به خاطر تبلیغات زیادی که در این زمینه در ایران می‌شود، باور داشتم که او در زندگی من معجزه‌ای خواهد کرد. اما دریغ. وقتی به تهران برگشتم وضعم از قبل هم بدتر شد. فشار خانه، به خصوص برادرانم به علت رفتن بی‌اجازه من و مدتی دوری بدون خبر بیشتر شد. مرتب کتک می‌خوردم و فحش و ناسزا می‌شنیدم.

برای شناخت محبت

آنها حتی میگفتند روی چاقوئی موسوم به «الله - محمد - علی» که برایشان جنبه مقدس داشت قسم خورده اند که مرا بکشند. هرچند عاقبت آن چاقو از سه نقطه شکست و آنها نتوانستند منظور خود را عملی کنند. بار دیگر تصمیم گرفتم بیرون بزنم. دیگر نمی خواستم برگردم.

خیابان بی رحم

به خیابان رفتم. بدون جا و سرپناه و پول به جمع چندین هزار دختر ساکن پارکها و خیابانهای تهران پیوستم. من هم شدم اسیر خیابان و تمام زشتیهای آن که اگر بخواهم بگویم مثنوی هفتاد من کاغذ می شود. مردانی شکارچی و زنانی با تورهای بزرگ در یک دست و قرصها و داروهای روان گردان در دست دیگر، برای کاسبی لقمه ای نان در خیابانهای به قول مسئولان «ام القرای» جهان اسلام به کمین نشسته بودند. از بخت بعد چند ماه بعد یک تصادف بسیار سخت هم کردم.

آرزو با دونفر دیگر در یک ماشین سواری در یکی از اتوبانهای تهران به علت سرعت زیاد و عدم تعادل راننده تصادف می کنند و اتومبیل حامل آنها واژگون می شود. دو نفر از سرنشینان اتومبیل می میرند. پای آرزو به شدت آسیب می بیند. به همه بدبختیهای او پای لنگ و درد آلود هم اضافه می شود. قوز بالای قوز.

تقریباً پنج سال با پای درد خودم را در خیابانها کشیدم. پلاتین در پایم کار گذاشته بودند. بعضی وقتها به علت مشکلات مالی سرپناهی برای خوابیدن و استراحت در زمستان نداشتم. آنوقت در حالی که درد پا امانم را می برید مجبور بودم جلوی ماشین یا تاکسیهای عبوری را بگیرم و مسیری را در آنها سوار بشوم تا کمی گرما و نیرو برای راه رفتن بعدی ذخیره کنم. توی این شرایط بسیار سخت وقتی میلنگیدم و راه می رفتم، برخی نیز ادایم را در می آوردند و مسخره ام می کردند. بعضی نیز لابد فکر می کردند دارم ادا در می آورم و میخواهم ترحم دیگران را جلب کنم. همه اینها آزارم می داد.

دکترها در بیمارستان به من گفته بودند باید زودتر پایم را عمل کنم. آنها می گفتند اگر اینکار را نکنم ممکن است مجبور شوند پایم را قطع کنند.

اما عمل پول می خواست که من نداشتم. بیمه هم نبودم. کابوس احتمال از دست دادن پا نیز به رنجهایم افزوده شد. در کنار دهها بدبختی و مشکلات دیگر. اسارت و بی خبری. مدهشی و بی خوابی، بی سرپناهی و احساس تهی بودن.

آره درسته.

من در خیابانها داشتم غرق می شدم و بدتر از همه اینکه امیدی هم به نجات و تغییر نداشتم.

صدای آشنا

سرانجام پس از گذشت نزدیک 5 سال بانوئی نیکوکار پیدا می شود، هزینه های عمل پای آرزو را تقبل می کند و پای او را از قطع شدن نجات می دهد. او برای اولین بار طعم محبت و احسان واقعی را که هرگز در زندگی نچشیده بود احساس می کند. کار خدا در زندگی او تازه شروع شده است و انقلاب واقعی در راه است.

در همان دوران با یک زوجی آشنا شدم که حرفهای متفاوتی درباره خدا میزدند. آنها خدا را پدری مهربان توصیف می کردند که محبت است.

راستش را بخواهید هرچند با آنها در دعا شریک می شدم، اما درست حرفهایشان را درک نمی کردم. خدا جور دیگری به من در خانه و مدرسه و محله و شهر معرفی شده بود. البته روابطم را با آنها ادامه دادم چون فکر می کردم شاید بتوانند به من کمکی بکنند. گاهی اوقات با آنها به جلسات دعا می رفتم. چون این جلسات به دلم می چسبید و یک کمی هم کنجکاو بودم ببینم چه خبر است باز ادامه دادم.

برای شناخت محبت

پس از مدتی یاد گرفته بودم دعا کنم. معالجه پایم هم کمی مرا خوشبین تر کرده بود. یک بار که سخت سرما خورده بودم و مریض شده بودم دوباره ناراحتی و ناامیدی به سراغم آمد. سخت تب داشتم و در همان حال شروع به دعا کردم و از خدا خواستم به من کمک کند. او هم آمد. تا صبح در حالی که در تب می سوختم او بر بالینم نشست و با صدائی آشنا و صمیمی با من صحبت کرد و به من آرامش داد. وقتی از بستر بیماری برخوردارم برای اولین بار آرامش عجیبی در خودم احساس می کردم. آرزو که حالا طعم محبت را چشیده و خدا را خوانده است و پاسخ از او شنیده در ایمان جدی تر می شود و می خواهد با کلام خدا بیشتر آشنا گردد تا او را بهتر بشناسد و به او نزدیکتر شود. خداوند خودش گفته است :

من صدای گوسفندانم را می شنوم. او صدای من را شنیده بود و من هم صدای او را آشنا یافته بودم. کم کم او دواى قلب بیمار من شد و دیگر به هیچ دوائى جز او احساس نیاز نمی کردم و احتیاجی نداشتم. او همچنین پناهگاه خستگی هایم شده بود و دیگر من در به در دنبال تکیه گاهی نمی گشتم. از آرامشی که او به من می داد جهانم تازه شده بود. زندگی من در دستان او داشت به کلی تغییر می کرد. اما هنوز مشکلاتی بود. آرزو داشت درونی متحول را تجربه می کرد. روحی تازه در بدن او به تدریج جاری می شد که حس امید را به او بر می گرداند. اما در خارج هنوز نمودی عینی را در زندگی روزمره اش به آن بزرگی تحول درونی لمس نمی کرد. تا اینکه خداوند او را به یک کلیسا برد.

زوال تاریکی

یک روز به اتفاق چند دوست مسیحی برای اولین بار برای انجام کاری به یکی از کلیساهای رسمی تهران رفتم. من هیچوقت در زندگی به حساب نیامده بودم و نه تنها محبت بلکه احترام هم ندیده بودم. حالا محبت خدا را در درونم داشتم ولی هنوز نمود بیرونی آن را حس نمی کردم. وقتی به آن کلیسا رفتم، ابتدا سرگردان دنبال کسی می گشتم که کارم به او مربوط می شد. ناگهان با آقائی از خادمان کلیسا برخورد کردم. او از من پرسید چه خدمتی می تواند به من بکند. وقتی کارم را به او گفتم. او بسیار مودبانه و دقیق من را راهنمایی کرد. او به قدری با احترام با من رفتار و صحبت کرد که تا به حال چنین چیزی ندیده بودم. حالا احساس می کردم ظاهر من نیز دیگر تغییر کرده است و تحولات درونی در من نمود بیرونی نیز یافته. علاوه بر حس شیرین محبت، با حس زیبایی احترام نیز آشنا شدم و همین باعث شد تا تصمیم قطعی برای سپردن خودم به دستان عیسی مسیح و درآمدن به خدمت خداوند بگیرم.

چندی بعد در یک جلسه کلیسای خانگی او با یک نوایمان دیگر به نام آرش آشنا می شود که این آشنائی به عقد رسمی و ازدواج آنها می انجامد. این هردو که از جوانان به شدت آسیب خورده اجتماع محسوب می شدند و زندگی خود را دوباره از خداوند باز یافته بودند. تصمیم می گیرند دیگر جوانان آسیب دیده را کمک و خدمت نمایند.

ما وقتی با آدمهائی که مثل خودمان اسارت هائی در زندگی داشتند آشنا می شدیم تلاش می کردیم تا با گفتن داستان زندگی شخصی و نجاتمان در آنها امید به تغییر ایجاد کنیم. بعد از ازدواجمان در سه سال پیش، برای بیش از یک سال تا پیش از دستگیری، با افرادی که نیاز به کمک داشتند آشنا می شدیم و

برای شناخت محبت

با توصیف کاری که خدا در زندگی ما کرده است و صحبت درباره ایمانمان آنها را وامی داشتیم که به خود بیندیشند و به تغییر امیدوار شوند.

من نمیدانستم اسم این کاری که می کردم چه بود. آیا می توان آن را تبشیر قلمداد کرد یا نه؟ من مانند آن کوری بودم که به دست عیسی شفا یافت و این را شهادت می داد. فقط همین. بله این واقعیت داشت من مرده بودم، محبت عیسی مسیح من را نجات داد. این خلاصه همه آن چیزی است که من می دانم و با افتخار به همه اعلام می کنم.

تلاش شیطان

شهریور ماه سال 89 آرزو و همسرش را در همدان به اتهام بشارت مسیحی و ارتباط با سازمانهای بیگانه بازداشت و روانه زندان کردند.

در دوران بازجوئی و زندان خوب متوجه شدم که چه فرقی کرده ام و ایمان مسیحی من چه تاثیری در زندگیم گذاشته است. قبل از ایمان آوردن این احساس را داشتم که قلبم خالی است و کسی در عمق قلب من جای ندارد و آن را درک نمی کند. در بازداشتگاه اطلاعات همدان وقتی در انفرادی بودم ضمن همه ترسها و ناراحتیهائی که داشتم، احساس می کردم قلبم پر است. خداوند در قلب من و در کنارم بود.

این را خوب حس می کردم و از احساس آن قوت می گرفتم. می دانستم او به خوبی ترس و احساسات من را درک می کند. همانطور که در کلامش گفته است؛ مطمئن بودم حتی قبل از اینکه در رحم مادرم قرا بگیرم او من را می شناخته است. با این احساس همه سختی ها را تحمل می کردم.

ماموران سعی می کردند گذشته من را به یادم بیاورند. ایمان من را مسخره می کردند و آن را بازی بچه گانه و زودگذری می خواندند. وقتی از خداوند و کتاب مقدس کلامی نقل می کردم، با شکلک ادای من را در می آوردند.

چون فهمیده بودند این کار را دوست ندارم سعی می کردند از این طریق ناراحتم کنند تا خرد شوم. بترسم و به دست و پایشان بیفتم و ایمانم را انکار کنم. به من می گفتند تو یک ویروس در بدنت افتاده که مریضت کرده و داری هدیان می گوئی.

ما اینقدر اینجا نگهت میداریم تا این ویروس از بدنت خارج شود.

آنها به دفعات از من انکار می خواستند و این برایشان اهمیت داشت. من به ایشان می گفتم که هرگز این کار را نمی کنم. آنوقت که من در بدبختی و هلاکت غرق بودم چرا به من نگاه نمی کردید و از من سراغی نمی گرفتید؟

آن زمانی که من و هزاران مانند من به محبت و توجه و احترام نیاز داشتیم چرا عقیده و دین و ایمان ما برای شما و دوستانتان مهم نبود؟

چرا آنموقع فکر نکردید من و امثال من راجع به خدا چه فکر می کنیم و چطور می اندیشیم؟ حالا که خود خدا دست به کار شده و زندگی من را نجات داده است چرا شما به موضوع علاقه مند شده اید و می خواهید من دست بردارم؟

من نمی توانم و نمی خواهم از نجات دهنده خود دست بردارم.

تعداد متقاضیان پناهندگی در اروپا باز هم افزایش یافت

گزارش بخش آمار اتحادیه اروپا (یوروستات) شامل این موارد است: تعداد پناجویان مراجعه کننده به کشورهای قاره اروپا، تعدادی که پذیرفته شده اند و آمار متقاضیان ثبت شده در اروپا از نظر کشورهای مبدا و مقصد.



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی ربان به نقل از زمانه، در یک سال گذشته تعداد پناجویان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا افزایش یافته است. افغانستان، پاکستانی ها، روسها و عراقی ها بیش از هر ملتی در دنیا به کشورهای اروپائی درخواست پناهندگی می دهند. کشورهای فرانسه و آلمان نیز بیش از سایر کشورهای قاره سبز مورد علاقه پناجویان هستند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشت، یوروستات (Eurostat) بخش آمار اتحادیه اروپا، روز جمعه چهارم فروردین ماه (۲۳ مارس) در لوکزامبورگ اعلام کرد که در طول سال گذشته میلادی تعداد ۳۰۱ هزار پناهجو در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا ثبت شده اند.

بنا به این گزارش، این تعداد نسبت به سال ۲۰۱۰ نزدیک به ۱۴ درصد افزایش داشته است.

در سال ۲۰۱۰ میلادی ۲۵۹ هزار پناهجو در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ثبت شده بودند.

بیشترین تعداد پناجویان از افغانستان بوده اند که تعداد آن ها ۲۸ هزار نفر بوده است. پس از افغانستان کشورهای روسیه، پاکستان و عراق قرار دارند.

بیشترین هجوم پناجویان با ۵۶ هزار و ۳۰۰ نفر، به فرانسه بوده است. آلمان با ۵۳ هزار و ۳۰۰ پناهجو در رتبه دوم قرار دارد.

در آلمان بیشترین پناجویان از افغانستان و سپس صربستان و عراق هستند.

اما به نسبت جمعیت کشورها، بیشترین تعداد پناجویان در کشورهای مالت، لوکزامبورگ، سوئد، بلژیک و قبرس ثبت شده اند.

برای شناخت محبت

در مالت به ازای هر یک میلیون نفر، چهار هزار و ۵۰۰ پناهجو ثبت شده است. از سوی دیگر کشور کوچک لیختن‌اشتاین با ۷۵ پناهجو کمترین پناهجوی ثبت‌شده اروپا در سال گذشته را داشته است.

در سال گذشته نرخ رد تقاضای پناهندگی حدود ۷۵ درصد بود که سه چهارم جمعیت پناهجو را شامل می‌شود. همچنین در سال گذشته به ۲۹ هزار نفر حق پناهندگی اعطا شده است.

۲۱ هزار نفر از متقاضیان پناهندگی نیز با اینکه پناهندگی نگرفته‌اند اما به دلیل آن که احتمال می‌رود با بازگشت به کشورشان جان آن‌ها در خطر قرار گیرد مورد حمایت قرار گرفته‌اند اما از حق پناهندگی برخوردار نشده‌اند.

یوروستات که دفتر آن در لوکزامبورگ است آمارهای خود را از هر کشور عضو اتحادیه اروپا جمع‌آوری می‌کند. این نهاد همچنین آمار مناطق مختلف کشورها را نیز در دست دارد.

وزیر علوم جمهوری اسلامی مسیحی شده!

شبکه العربیه (Alarabiya) با پخش مستندی به نام زیر خاکستر درباره «کامران دانشجو» وزیر علوم و تحقیقات جمهوری اسلامی ایران، مدعی شد: «وی با تغییر دین مسیحی شده است. فارس: شبکه العربیه (Alarabiya) با پخش مستندی به نام زیر خاکستر درباره «کامران دانشجو» وزیر علوم و تحقیقات جمهوری اسلامی ایران، مدعی شد: «وی با تغییر دین مسیحی شده است.» «حسن عباسی» از اپوزیسیون در گفتگو با نجاج محمد علی گفت: «تو به یونان سفر کردی و این مرد تائید کرد که او مسیحی شده است!

نجاج محمد علی مدعی شد: «شخصیت دانشجو فارق از اینکه وی مسیحی شده است یا خیر، در انگلیس جنجال زیادی بوجود آورد، زیرا وی متهم به تلاش برای قتل «سلمان رشدی» نویسنده کتاب آیات شیطانی بود که موجب اخراج وی از لندن پایتخت انگلیس شد.

نجاج گفت: «دانشجو پس از بازگشت به تهران، دارای مسئولیت های متعددی شد، که گفته شده مهمترین آن ها مشارکت وی در فعالیت های هسته ای ایران بوده است، ولی آنچه کامران دانشجو را مهم جلوه داد مسئولیت وی در ستاد انتخابات کشور در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم بود که منشاء اختلافات و ایجاد شک و شبهه در صحت آن شد و موجب بروز بحرانی که در ایران شد که همچنان ادامه دارد.

زمانی که دانشجو به تهران بازگشت از دوستان نزدیک محمود احمدی نژاد شد. وی مدتی مدیر مرکز پرواز بود مرکزی که کارشناسان غربی معتقدند تبدیل به یکی از موسسات فرعی وزارت دفاع به نام (فدات) شده است و گفته شده، قلب مخفی و محرمانه ایران برای تولید سلاح های هسته ای می باشد. آنچنان که روزنامه «اشپیگل» (Spiegel) «منبع این اطلاعات» نوشته است شخصیت دیگری که نقش مهمی داشت، «محسن فخری زاده» بوده که در پنجم ماه فوریه سال 2010 ترور شد.

این روزنامه مدعی شده است که وی همکار کامران دانشجو در برنامه 111 بوده و گروهی که در ساخت و تولید موشک شهاب 3 شرکت داشته نیز با آن ها همکاری داشته اند.» در اواخر سال 2009 مدارکی از سوی یکی از سایت های ایرانی منتشر شد که معلوم می کرد کامران دانشجو وزیر علوم و تحقیقات در اواخر سال 1978 و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسیحی شده است.

حکومت ایران این داستان را نه تکذیب کرد و نه تائید و تنها این داستان منجر به ایجاد مناقشاتی در فضای اینترنتی بین ایرانی ها شد.

برای شناخت محبت

نجاح مدعی شد: «دانشجو زمانی که جانشین وزیر کشور بوده است نقش بسیار مهمی در پیروزی احمدی نژاد در انتخابات سال 2009 داشته است. پس از شکست تلاش های ما در پاریس و لندن به یونان رفتیم تا مدارک اصلی را در آن جا مورد جستجو قرار دهیم. زمانی که به دنبال مکانی که کامران دانشجو در آن جا غسل تعمید داده شده بود رفتیم به شخص سالخورده ای برخورد کردیم که شاهد غسل های تعمید بوده است. وی مدعی شد که دانشجو در سال 78 غسل تعمید داده شده بود.

نسل جوان ایران به دنبال جایگزینی برای اسلام هستند



ایران در لیست دیدبان جهانی سازمان درهای باز رتبه پنجم را از لحاظ جفای به مسیحیان دارد. اما در وانفسای این جفاها بوی تغییراتی نیز به مشام می رسد.

آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»- مسلمانان در ایران بیشتر از هر زمان دیگر پذیرای پیغام انجیل هستند و نوکیشان مسیحی هم بخاطر ایمانشان به مسیح مورد جفا، بازداشت و زندان و حتی خنجر اعدام قرار دارند.

مسیحیان آگاهند که هرگونه فعالیت در راستای ابراز اعتقاداتشان و آگاهی ماموران و مقامات امنیتی و دولتی از فعالیت های مسیحی شان خطرات و عواقب بدی را برای آنان در پی خواهد داشت. به نقل از سرویس خبری میسیون برنامه رادیویی فارسی زبان کلام امید داستانی را که به تازگی در زندگی آقای «ر» و همسرش خانم «س» که از شنوندگانشان هستند اتفاق افتاده را بازگو می کند.

با خبردار شدن مقامات از فعالیت های کلیسایی آقای «ر» و خانم «س» در کلیسای خانگی، این دو تن دستگیر و پس از هفته ها بازجویی به قید وثیقه آزاد شدند. این زوج مسیحی در نامه ای به مسئول ایرانی رادیو کلام امید شهادت دادند که درک و فهمشان از کلام خدا نقشی اساسی در ثابت قدمی شان بازی کرده است. آنها اظهار داشتند: «می خواهیم خدا را برای دعاهای شما شکر کنیم. وقتی در زندان بودیم، گاهن درباره شما فکر می کردیم و مطمئن بودیم که خدا در هر شرایطی از ما استفاده می کند. ایمان داریم که اگر ما ایرانیان تعالیم حقیقی عیسی مسیح را بشنویم، به فیض خدا قادر خواهیم بود تا بدون توجه به آزمایشات و سختی ها بر ایمان خود استوار بایستند. عیسی مسیح در حال بنای کلیسای خود در ایران است.»

برای شناخت محبت

تیم رادیویی مذکور با پاسخ هایی که از شنوندگانشان می گیرند تشویق و تقویت می شوند تا پیغام انجیل را با وجود محدودیت های شدید اعمال شده از سوی دولت اسلامی ایران به داخل کشور برسانند. این گروه رادیویی همچنین کنفرانس هایی را برای ایمانداران ایرانی برگزار می کند. رهبران این تیم تا کنون مراسم عروسی مسیحی برگزار کرده اند، برای کسانی که نیازهای خاص دارند دعا کرده اند، عشاء ربانی را برقرار کرده اند و نو ایمانان را تعمید داده اند. یکی از شنوندگان به این رادیو می نویسد: «کار امروز خداوند در ایران کمی از یک بیداری روحانی ندارد.» قطع نسل جوان امروز ایران نیز سرسختانه به دنبال جایگزینی برای «اسلام» هستند.

بلا تکلیفی یک خانواده‌ی بهایی پس از ۸۰ روز بازداشت موقت



خبرگزاری هرانا - علی‌رغم گذشت بیش از ۸۰ روز از زمان بازداشت اعضای یک خانواده به نام‌های «بختیار راسخی»، «فرحناز نعیمی» و «فرین راسخی»، این سه شهروند بهایی ساکن کرمان کماکان در بلا تکلیفی به سر می‌برند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، خبرگزاری حقوق بشر ایران، اعضای یک خانواده‌ی بهایی کرمانی در حالی کماکان در بازداشت به سر می‌برند که فرحناز نعیمی، مادر خانواده، پس از گذشت اندک زمانی از بازداشت دچار خونریزی شدید روده شده است.

با پیگیری‌های صورت گرفته آقای سلیمانی رئیس زندان، قول دادند که خانم نعیمی را به بیمارستان اعزام کنند اما وزارت اطلاعات مانع از دیدار وی با هرگونه پزشک شده است.

نامبرده در حالی تاکنون تحت معالجه قرار نگرفته است که بیش از ۱۰ روز است به دستور مستقیم آقای مسعود ولایتی (معاذاللهی) قاضی و بازجوی پرونده ممنوع الملاقات و ممنوع التماس شده‌است.

مسئولان زندان در این خصوص مدعی شده بودند که تمامی تلفن‌های زندان قطع است.

از سوی دیگر بختیار راسخی، پدر خانواده نیز از ابتدای زمان بازداشت تا به امروز، در سلول انفرادی به سر می‌برد و هیچ اطلاعی از وضعیت وی در دست نیست. این در شرایطی است که قاضی پرونده به صورت کتبی با ملاقات موافقت اما وزارت اطلاعات در این مورد کارشکنی می‌نماید.

ممانعت از مرخصی و آزادی مشروط چهار شهروند بهایی

برای شناخت محبت



خبرگزاری هرانا - وحدت دانا، افشین احسنیان، کیوان کرمی و فرهام معصومی چهار شهروند بهایی از مرخصی و آزادی مشروط محروم شدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، از شروع محکومیت ۱۰ ماهه چهار شهروند بهایی ساکن شیراز به نام های وحدت دانا، افشین احسنیان، کیوان کرمی و فرهام معصومی در زندان پیرینو بیش از ۴ ماه می گذرد و علیرغم اعلام مسئولان قضایی که پس از ۵۰ روز (یک ششم حکم صادره) به ایشان مرخصی داده خواهد شد و با وجود مراجعات مکرر خانواده های زندانیان به دادگاه انقلاب تاکنون از اعطای مرخصی به ایشان جلوگیری شده است.

قابل ذکر است، از اعطای مرخصی جهت درمان هم خودداری شده است درحالی که وحدت دانا از بیماری قلبی و کیوان کرمی از درد سنگ کلیه بشدت رنج می برند.

از سوی دیگر با آزادی مشروط کیوان کرمی و فرهام معصومی هم مخالفت شده است در حالی که کیوان کرمی ۷ ماه و فرهام معصومی ۶ ماه از دوره محکومیت ۱۰ ماهه خود را گذرانیده اند و طبق قانون زندانها، زندانیانی که نیمی از دوره محکومیت را گذرانده باشند می توانند با آزادی مشروط، آزاد گردند.

ادعای آخوند حکومتی: تبلیغات مسیحیان در جهان اسلام با

آزادی روبروست!



یک آخوند و مدرس تاریخ اسلام به تحلیل نتایج خود از فعالیت شبکه های مسیحی فارسی زبان که در ماهواره و اینترنت به ترویج مسیحیت می پردازند ، پرداخت.

آژانس خبری مسیحیان فارسی زبان « محبت نیوز» – آخوند «مسعود دوست آذر» مدرس تاریخ اسلام در حوزه های علمیه تبریز به تحلیل نتایج فعالیت شبکه های ترویج مسیحیت که به زبان فارسی از طریق ماهواره و اینترنت صورت می گیرد، پرداخت.

وی مدعی شده است که شبکه های ماهواره ای ضد اسلامی با نام مسیح، آزادانه مقدسات مسلمین را مورد خدشه قرار می دهند و اکثریت فعالیت این شبکه ها بر اساس توهین و تخریب دیگر ادیان صورت می گیرد».

وی با طرح این ادعای عجیب که تبلیغات مسیحیان در جهان اسلام با آزادی روبروست ، بدون ذکر نامی از بزرگان و یا خلفای اسلامی، گفت: « بزرگان و خلفای اسلامی چون از قدرت فقهی و استدلالی اسلام مطمئن بودند و بر اساس اعتقادات خود آزادی عقیده را محترم می شمردند نسبت به تبلیغات مسیحیان آزادی فراوانی قائل بودند (!) و کشیشان مسیحی به خود اجازه توهین و هتاک را نمی دانند و اغلب فعالیت تبلیغی مسیحیان نیز موجب گرایش مسلمانان به مسیحیت نمی شد».

ایشان سپس در انتها از حوزه های علمیه خواست تا نسبت به این موضوع و شبکه ها تحرک بیشتری از خود نشان دهند.

در مقابل ادعاهای واهی که توسط این آخوند شیعه مطرح شده چند پرسش مهم وجود دارد. نخست آنکه باید پرسید، بر طبق ادعای ایشان در کجای جهان اسلام و یا کدام کشورهای اسلامی مسیحیان حق تبلیغ آزادانه ایمان و اعتقادات دینی اشان را داشته و یا دارند؟ بعنوان نمونه در حکومت های اسلامی همچون «جمهوری اسلامی ایران» که نظام مذهبی مشروعیت خود را از دین می گیرد مسیحیان نه حق ساختن کلیسا دارند و نه اینکه حتی شخص ی بتواند در جمع یا گروهی آزادانه از ایمان مسیحی خود صحبت

برای شناخت محبت

کند چه رسد به آنکه بخواهد اعتقادات دینی خود را تبلیغ هم نماید. گواه این موضوع نیز خبرهای منتشره از بازداشت گسترده مسیحیان یا نوکیشان مسیحی در کلیساهای خانگی است که فقط به صرف ایمان و اعتقادات و باورهای دینی خود هم اکنون در زندان و یا بازداشتگاهها بلا تکلیف بسر می‌برند. علاوه بر کلیساهای خانگی، برخی کلیساهای ساختمانی و رسمی نیز تحت کنترل و فشار قرار دارند و حتی برخی جلسات پرستشی و عبادتی در کلیساهای به دستور مقامات امنیتی اطلاعات تعطیل شده است. از سوی دیگر این مدرس تاریخ اسلام نگفته است که در مورد کدام زمان و دوره تاریخی صحبت می‌کنند که به گفته ایشان نسبت به تبلیغات مسیحیان آزادی فراوانی قائل بودند. اگر برآستی اینگونه است چرا حاکمان و بزرگان حکومت اسلامی ایران از همین افراد که وی به نیکی از آنان یاد می‌کند سر مشق نمی‌گیرند و بر همان اصول کشور داری نمی‌کنند؟ اشاره و منظور این مدرس دانشگاه به کدام یک از بزرگان و خلفای اسلام است که تبلیغ مسیحیان را محترم می‌شمردند؟

و اینکه اگر چنین خلفا و علمایی در اسلام وجود دارند چرا دولتمردان فعلی و رهبران مذهبی مسلمان در ایران و دیگر کشورهای اسلامی از بزرگان اسلام رسم حکومت داری را نمی‌آموزند؟ اگر اینان تا این حد به استدلالات اسلام اعتقاد دارند و به قوی آزادی عقیده را محترم می‌شمارند پس چرا نسبت به تبلیغات مسیحیان و دیگر اقلیت های دینی در کشور آزادی قائل نیستند و چرا از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با هرگونه دگر اندیشی مخالفت می‌کردند و توسط ماشین ترور خود بسیاری از رهبران و کشیشان مسیحی را ناجوانمردانه به قتل رساندند و هم اکنون نیز زندان‌ها پر است از زندانیان عقیدتی و نوکیشان مسیحی؟!

-تبلیغ مسیحیت فراگیر شده است

در همین حال آخوند محسن قرآنتی، رییس ستاد اقامه نماز در جمهوری اسلامی نیز در نخستین کارگاه تخصصی نماز با عنوان نیایش که در حضور 400 نفر از اعضای هیأت امنای بقاع متبرکه استان خراسان رضوی با اعتراف به اینکه تبلیغ آئین مسیحیت در میان مردم فراگیر شده است، گفت: «امروز مسیحیت به شدت تبلیغ می‌کند. وی همچنین افزود:

«باید مسؤولان خود را مراقبت کنند و اصول کارهای خود را برای تبلیغ دین قرار دهند.»

طرح این ادعاها در مورد آزادی تبلیغ ادیان غیر اسلامی در سرزمین های اسلامی به ویژه کشورهای نظیر ایران به شدت با موضع گیری و رفتار حاکمیت در تضاد است و این تناقض گوییها به خوبی از اظهارات مقامات مسئول و روحانیون وابسته به نظام مشهود است. چرا که آنها از یک سو تمایل دارند تا اسلام را به عنوان دینی آزاد معرفی کنند و از سوی دیگر به شدت از گسترش «مسیحیت» بیم دارند و با آن مقابله می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران رکورد دار اعدام در سال 2011

برای شناخت محبت

جمهوری اسلامی ایران، با حداقل 360 اعدام در راس 20 کشور اعدام کننده جهان در سال 2011 قرار گرفت.

افزون بر آن در کنار عربستان سعودی جزو 2 کشوری است که کودکان را اعدام کرده است.



به گزارش «محبت نیوز» به نقل از شهرزاد، در گزارش عفو بین الملل همچنین آمده است که طبق اطلاعات موثق، غیر از رقم اعدام‌های رسمی، رقم بالایی از اعدام‌های پنهانی نیز در ایران وجود داشته است.

عربستان سعودی با حداقل 82 اعدام و عراق با حداقل 68 اعدام در رده دوم و سوم کشورهای اعدام کننده قرار دارند. ایالات متحده آمریکا با 43 اعدام رده چهارم را به خود اختصاص داده است. عفو بین الملل رقم اعدام‌ها در چین را منتشر نکرده، چرا که این کشور آمار مربوط به اعدام‌ها را به عنوان «اسرار دولتی» پنهان نگه می‌دارد.

طبق این گزارش، در سال 2011 در سطح جهان 676 نفر اعدام شده‌اند که این رقم 149 مورد بیش از سال 2010 است. این در حالی است که شمار کشورهای اعدام کننده از 23 به 20 کشور کاهش یافته است.

تداوم بلاتکلیفی ۱۲ تن از بهاییان بازداشتی ساکن شیراز



خبرگزاری هرانا - ۱۲ تن از شهروندان بهایی ساکن شیراز که اکثر آن‌ها ۲ ماه پیش بازداشت شده‌اند، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان به سر می‌برند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، یکتا فهندژ، مزده فلاح، مژگان عمادی، ایمان رحمت پناه، نیما دهقان منشادی، فرشید یزدانی، فرید عمادی، سینا ساریخانی، سام جابری، هومن زارعی با گذشت ۲ ماه از زمان بازداشت هم‌چنان بلاتکلیف هستند. از سوی دیگر کاووس صمیمی و کامبیز حبیبی که ۲ هفته قبل توسط نیروهای امنیتی شیراز دستگیر شدند نیز شرایط مشابهی دارند.

چندی پیش خانم فهندژ، فلاح و عمادی به «زندان کین آباد» و باقی این شهروندان بهایی به «بازداشتگاه زندان عادل آباد» منتقل شده بودند.

خانواده‌ی این شهروندان بهایی ساکن شیراز علی‌رغم پیگیری‌های مکرر، تنها یکبار، آن هم در پنجم فرودین ماه سال جاری و با پایان یافتن تعطیلات اداری در نوروز، موفق شدند قاضی پرونده را ملاقات کنند که وی نیز پاسخ روشنی در خصوص وضعیت نامبردگان نداده است. گفتنی است، تا امروز تلاش‌های ایشان برای ملاقات مجدد با قاضی پرونده و دادستان بی نتیجه مانده است. این در حالیست که برخی گزارش‌ها حاکی از قصد انتقال افراد محبوس در بازداشتگاه زندان عادل آباد، به محل این زندان است.

پیام اسقف کلیسای کلدانی تهران به مسیحیان غرب

ایشان طی پیامی به مسیحیان غرب اظهار داشت ، فرهنگی که جایی برای خدا ندارد آینده ای هم نخواهد داشت و از آنان خواست تا قدر این آزادی را بدانند.



به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران، «محبت نیوز»، به نقل از سرویس خبری بین المللی آشوریان، اسقف کلیسای کلدانی تهران، «رمزی گارمو» در نشستی با سازمان خیریه کاتولیک «Church in need» از مسیحیان غربی خواست تا «از آزادی هایشان بهترین استفاده را بکنند». وی تأکید کرد که مسیحیان غرب نباید «برندگان فرهنگی شوند که می خواهد خدا را از قلب های مردم بیرون سازد»، و آنها باید از آزادی خود در جهت «اشاعه عزت برای زندگی انسان» استفاده کنند. وی گفت: «فرهنگی که بدون خداست به تباهی ختم می شود و آینده ای ندارد. قدر آزادی که از آن بهره مند هستید را بدانید. از این آزادی در کشورهایتان چطور استفاده می کنید؟»

مسیحیان ایران اقلیت کوچکی از جامعه ایران را تشکیل می دهند اما با این حال به گفته اسقف «رمزی گارمو» «حیات آنها به تعدادشان بستگی ندارد، بلکه این مهم بسته به کیفیت ایمان و شهادت های زنده آنهاست».

مسیحیان ایران با «گفتگوهای روزمره» شان با مسلمانان «شهادت های معتبری از ارزش های انجیل» را به آنان می رسانند. مهاجرت تعداد قابل توجهی از مسیحیان از ایران به دلیل های سیاسی، اقتصادی و مذهبی موجب بروز یک چالش است اما اسقف گارمو تأکید کرد که جامعه مسیحی ایران به این دلیل دلسرد نمی شود.

وی افزود: «با اینکه ما ترسو بودیم اما حقیقت این است که خدا ما را به این کشور فرستاده است.» بعضی فراموش می شود که تحمل عذاب در راه کلیسا، منشاء حیات برای آن کلیساست. «چنین آزمون هایی سبب احیا و قوت یافتن کلیسا می شود.

-مسیحیان در ایران

برای شناخت محبت

ایشان همچنین گفته اند ۹۹ درصد از جامعه ایران مسلمان هستند و تغییر دین از اسلام به مسیحیت ممنوع و مجازات اعدام را در پی دارد.

وی با ذکر جمعیت اقلیت مسیحی در ایران البته بدون احتساب مسیحیان فارسی زبان، اقلیت مسیحی را تنها حدود ۸۰ هزار نفر اعلام کرد و افزود که از این تعداد سه چهارم از آنها ارمنی ارتدکس هستند. ۲۰ هزار مسیحی کاتولیک ساکن ایران هم به سه دسته مختلف تقسیم می شوند که هر یک آداب خاص خود را دارند.

این مسیحیان اجازه انجام مراسم مذهبی خود در داخل کلیسا را دارا می باشند اما اجازه ابراز عمومی اعتقادات خود را ندارند و فعالیت های بشارتی هم برای آنها ممنوع می باشد.

حمایت از توقف روند مهاجرت مسلمانان به اروپا

تجمع گروه‌های دست راستی توسط گروه‌های مختلفی سازماندهی شده است که نگران «اسلامی شدن اروپا» هستند.



به گزارش «محبت نیوز» به نقل از بی بی سی، گروه‌های دست راستی از سراسر اروپا روز شنبه ۳۱ مارچ ۲۰۱۲ در دانمارک برای تشکیل «ائتلافی ضد اسلامی» تجمع کرده و دست به تظاهرات زدند. «مجمع دفاع از انگلستان»، گروه ملی‌گرای افراطی بریتانیا در این تجمع شرکت و ابراز امیدواری کرده است که این تظاهرات، مقدمه‌ای برای جنبشی سراسری در اروپا باشد. فعالان ضد نژادپرستی نگران آن هستند که گروه‌های اسلام‌هراس تندرو در حال متحد شدن هستند. پلیس در جریان این تجمع گروهی از هواداران گروه‌های دست راستی را بازداشت کرد. اما تحلیلگران می‌گویند چیزی که اهمیت دارد این است که بسیاری از رهبران گروه‌های ضد اسلامی چند کشور اروپایی در این تجمع حضور دارند. گروهی از این افراد از روز چهارشنبه در شهر آرهوس دانمارک، دومین شهر بزرگ این کشور حضور داشته‌اند و طی این مدت به برپایی نشست‌ها و جلسات مشغول بوده‌اند. یکی از بانیان این تجمع، «مجمع دفاع از انگلستان» است که خواهان توقف روند مهاجرت مسلمانان به اروپاست و این روند را تهدیدی می‌داند که در نهایت به تعارض منجر خواهد شد. این گروه امیدوار است که این تجمع، منجر به جنبشی در قاره اروپا شود که در نتیجه آن به طور همزمان در کشورهای مختلف این قاره، تظاهرات برگزار شود. ریچارد گلپین، خبرنگار مسایل جهانی بی‌بی‌سی می‌گوید که هنوز مشخص نیست که آیا این گروه ملی‌گرای افراطی بریتانیا در اهداف خود موفق خواهد شد یا نه. در همین حال فعالان ضد نژادپرستی از این مساله هراس دارند که رویکرد گروه‌های تندروی ضد اسلامی در اروپا، منجر به افزایش تنش‌ها در شهرهای مختلف اروپایی شده و این به افراطگرایی گروه‌های اسلامی و ضد اسلامی دامن بزند.

برای شناخت محبت

متیو گودوین، کارشناس گروه های دست راستی در بریتانیا از دانشگاه ناتینگهام گفته است که تجمع این گروه‌ها در دانمارک، حتی اگر تعداد افراد شرکت کننده کم باشد، از نظر راهبردی، چشمگیر و حائز اهمیت است.

اعلام نگرانی امریکا از حقوق اقلیت ها در جمهوری اسلامی



ایالات متحده آمریکا روز دوشنبه ضمن «اعلام نگرانی عمیق» از حقوق اقلیت ها در جمهوری اسلامی، بار دیگر از ایران خواست رهبران بهائیان را آزاد کند. به گزارش «محبت نیوز» به نقل از رادیو فردا، ویکتوریا نولاند سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ضمن اشاره به این که روز یکشنبه ۱۰ هزار روز از زندانی بودن رهبران بهائیان گذشت به خبرنگاران گفت: «ما آزار و دستگیری های متناوب اعضای جامعه بهائیان توسط جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم و همچنان عمیقن نگران آزار و ارباب تمام اقلیت های دینی در ایران هستیم.» خانم نولاند با نام بردن از اقلیت های دینی و مذهبی مسیحی، سنی، دراویش و زرتشتی از ایران خواست سریع حقوق تمام گروه های مذهبی در انجام مراسم دینی شان را تضمین کن

دستور وزارت آموزش و پرورش برای شناسایی دانش آموزان

بهایی



خبرگزاری هرانا - وزارت آموزش و پرورش ایران طی یک بخشنامه به ادارات کل آموزش و پرورش کشور خواهان شناسایی و معرفی دانش آموزان بهایی به حراست این وزارت خانه شده است. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، در یک نمونه از این اقدامات اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای تهران در نامه به مدارس شهرستان های تهران خواهان اجرای این بخشنامه شده است. در سند محرمانه ای که به دست گزارشگران هرانا رسیده است اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای تهران در نامه محرمانه که به مدیران مدارس تابع شهرستان شهریار ارسال شده است خواهان اجرای این طرح در فرمهای پیوستی ارسالی همراه با این سند شده است. بر اساس سند پیش رو این طرح شامل نو آموزان پیش دبستانی نیز شده و از مسئولین اجرای این طرح خواسته شده به صورت محرمانه اسامی این دانش آموزان را به کارشناس حراست آموزش و پرورش تحویل دهند.

بازداشت یک شهروند بهایی در مشهد



خبرگزاری هرانا - یک شهروند بهایی ساکن مشهد به نام «نگار ملک زاده» صبح روز دوشنبه ۱۴ فروردین ماه ۹۱ پس از احضار و معرفی خود به اداره اطلاعات مشهد، بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شد.

بنابر اطلاع گزارشگران هرانا از مشهد، نامبرده یکی از شهروندان بهایی ساکن مشهد می باشد که طی یک ماه و نیم اخیر در رابطه با تشکیل یک نمایشگاه خصوصی صنایع دستی نوجوانان بهایی دستگیر شده است.

اسلامی کردن مهدهای کودک؛ رقص و آواز ممنوع

آوریل 4, 2012

برای شناخت محبت



مدیرکل بهزیستی استان تهران رقص و آواز در مهدهای کودک ایران را «برنامه‌های آموزشی غیراخلاقی» و مهدهایی که این برنامه‌ها را آموزش می‌دهند «متخلف» نامیده است. به گزارش «محبت نیوز» به نقل از مردمک، ولی‌الله نصر به خبرگزاری فارس گفته است که اگر امسال مهدهای کودک رقص و آواز را آموزش دهند با آن‌ها بعنوان متخلف برخورد خواهد شد. آقای نصر گفته است که امسال سازمان بهزیستی برنامه‌های آموزشی در مهدهای کودک را براساس «موازین اسلامی و شرعی تدوین کرده و این برنامه‌ها را کنترل می‌کند.» به گفته او «تمامی برنامه‌های تدوین شده به مهدهای کودک ارسال شده‌اند به طوری که مهدها حق آموزش برنامه‌های غیراخلاقی را ندارند.»

مدیرکل بهزیستی استان تهران با ابراز تأسف از این‌که در سال‌های اخیر برخی از مهدهای کودک برنامه‌هایی چون رقص و آواز به کودکان آموزش داده‌اند گفت: «امسال با مهدهای متخلف برخورد شدیدی صورت می‌گیرد.»

از پایان مردادماه سال گذشته به‌دستور وزارت آموزش و پرورش ایران در کلاس‌های پیش‌دبستانی، دختران و پسران اجازه ندارند در کنار هم باشند.

پیش از این صادق محصولی، وزیر پیشین رفاه و تامین اجتماعی دولت دهم، گفته بود که اگر مدیران مهدهای کودک ضوابط اسلامی را رعایت نکنند، با آن‌ها برخورد جدی می‌شود.

آقای محصولی تأکید کرده بود که مبانی دینی و مذهبی باید رکن اصلی در مهدهای کودک باشد و از مدیران مهدهای کودک خواسته بود که به‌گونه‌ای کار کنند که کودکان در سن 13 سالگی «یک شهید فهمیده» باشند.

در نخستین سال جنگ ایران و عراق، محمدحسین فهمیده، دانش‌آموز 13 ساله، با بستن نارنجک به کمر خود به زیر یک تانک عراقی رفت و کشته شد.

آموزش پیش‌دبستانی در ایران شامل دوره اختیاری ویژه کودکان رده سنی چهار و پنج سال است که با هدف آمادگی آنان جهت ورود به مراکز آموزش ابتدایی فعالیت می‌کنند.

مقامات وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم ایران در دو سال اخیر به‌شکل بی‌سابقه‌ای به اسلامی کردن مراکز آموزشی ایران روی آورده‌اند.

پس از رویدادهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، مسئولان جمهوری اسلامی، از جمله سید علی خامنه‌ای، رهبر حکومت، مراکز آموزشی را جزو مکان‌هایی دانستند که در آن «تفکرات غربی» و «مخالف با اسلام» رشد می‌کنند.

به همین خاطر تلاش آنان در جهت ایجاد تغییرات بنیادی در دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز آموزشی است تا از این طریق به مقابله با «توطئه‌های دشمنان انقلاب» بپردازند.

پرتاب نارنجک توسط اسلامگرایان به یک گردهمایی مسیحی



اسلامگرایان مظنون با دو هدف به مسیحیان حمله کردند که یکی از این اهداف یک گردهمایی بشارتی بود که مسیحیان منطقه در صدد آماده شدن برای عید قیام مسیح بودند ، در این حمله دست کم یک تن کشته و چندین تن زخمی شدند.

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، به نقل از وبسایت بیزینس غنا، مسئولین کنیایی تأیید کردند که در روز شنبه 12 فروردین، در انفجار های جداگانه در شهر ساحلی مومباسا دست کم یک نفر کشته و 26 تن زخمی شدند.

کمیسر ساحلی، ارنست مونیی گفت: «در انفجار اول در متوایا در 15 کیلومتری شمال مومباسا سه نفر به شدت زخمی و در انفجار دوم در استادیوم شهرداری دو تن جراحات جدی برداشتند.

ایشان گفتند که سرنشین یک خودرو نارنجکی را به سمت گروهی از ایمانداران مسیحی که مراسمی بشارتی در متوایا برگزار می کردند پرتاب نمود. چند دقیقه بعد هم نارنجکی به همان شکل به سوی استادیومی در مومباسا رها شد.



معاون پلیس ساحلی، جاسینتا کینیوا پیشتر به زینخوا گفته بود که اولین حمله که به مسیحیان در محیطی باز شده بود 10 زخمی داشته است.

معاون پلیس ساحلی در تماسی تلفنی شنبه شب گفت: «این مراسم بشارتی در محلی به نام «نیامبورا» برگزار می شد که مردی یک نارنجک به سوی آنها پرتاب کرد. زخمی ها فوراً به بیمارستان منتقل شدند و محل انفجار هم پلمپ شده است.

این حمله موقعی انجام شده است که تعدادی از مسیحیان برای برگزاری جلسه های بشارتی در سراسر کنیا آماده می شوند تا به پیشواز عید قیام مسیح بروند. عید قیام مسیح یکشنبه هفته آینده خواهد بود و هفته قبل از آن هفته مقدس خوانده می شود.

به گفته یک شاهد عینی به نام دان ندامبوکی مراسم در متوایا تقریباً تمام شده بود که انفجار رخ داد و ایمانداران مسیحی فوراً برای یافتن مکانی امن فرار کردند. انفجار در حدود ساعت 06:40 بعدازظهر رخ داد. نارنجک قبل از خوردن به زمین بر روی یک خانم افتاد. این خانم هم در میان گروه زخمی شدگان بود.»

اما یکی دیگر از شاهدان که نخواست نامش برده شود گفت که موج انفجار سر زن را جدا کرد. این شاهد گفت: «تشخیص اینکه این یک بمب بود یا یک نارنجک بسیار سخت بود. زیرا انفجار شدیدی شنیدیم و مردم شروع به دویدن به هر طرف برای یافتن جایی امن کردند. همه گیج بودند.»

پلیس گفت که خدمات اورژانس از جمله آمبولانس ها برای رساندن کمک به محل اعزام شدند. این انفجار در حالی رخ داده که کنترل های امنیتی در کنیا به منظور یافتن و بیرون کردن گروه اسلامگرای الشباب شدت یافته است.

هنوز هیچکس یا گروهی مسئولیت این انفجار ها را بر عهده نگرفته است. الشباب یک گروه شبه نظامی اسلامی است که پایگاه آن در سومالی می باشد. این گروه زمانی کنترل بخش بزرگی از سومالی را در دست داشت و گفته می شود که این گروه با گروه اسلامی-تروریستی القاعده ارتباط هایی دارد.

قبرستان تاریخی مسیحیان در کرمان زیر و رو شد



خبرگزاری هرانا - قبرستان تاریخی مسیحیان که در حریم قلعه دختر واقع شده بدون آنکه در فهرست آثار ملی جای گیرد کاملاً تخریب شد. این قبرستان که در راستای طرح آزادسازی قلعه دختر و قلعه اردشیر قرار گرفته، بارها توسط معتادان زیر و رو و قبرها به منظور یافتن اشیاء گرانبها تخلیه شده بود.

خبرگزاری میراث فرهنگی - گروه میراث فرهنگی - قبرستان تاریخی مسیحیان که در حریم قلعه دختر قرار گرفته از بین رفت. شواهد امر و گفته‌های افراد ساکن در نزدیکی قلعه دختر از تاریخی بودن این قبرستان خبر می‌دهد. آن‌ها می‌گویند قدمت این قبرستان بیش از ۲۰۰ سال است.

برای شناخت محبت

به گزارش CHN این درحالی است که هنوز هیچ کارشناسی برای بررسی تاریخی در این محل حضور نیافته است. با این وجود مسئول روابط عمومی سازمان میراث‌فرهنگی کرمان علت تخریب قبرستان تاریخی مسیحیان را آزادسازی طرح قلعه دختر و قلعه اردشیر عنوان کرد.

«محمد مهدی افضلی»، مدیر روابط عمومی سازمان میراث‌فرهنگی کرمان در این باره به CHN گفت: «قبرستان تاریخی مسیحیان در فهرست ملی ثبت نشده است و تخریب قبرستان در راستای پروژه آزادسازی اطراف قلعه دختر و قلعه اردشیر توسط شهرداری و میراث‌فرهنگی بوده است.»

به گفته وی، پیش از این، قبرستان قدیمی دیگری در اطراف گنبد جبلیه وجود داشت که چون مدت طولانی از قبرهای اطراف آن گذشته بود با همکاری شهرداری تخریب شد.

افضل‌ی معتقد است، پروژه آزادسازی حریم قلعه دختر و قلعه اردشیر توسط شهرداری با هماهنگی میراث در حال انجام است و اگر چنین تخریبی در قبرستان تاریخی مسیحیان وجود داشته باشد مربوط به این پروژه است.

پیگیری‌های خبرنگار CHN از تخریب قبرستان تاریخی مسیحیان تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است چنانچه کارشناسان با اظهار بی‌اطلاعی از پاسخگویی سرباز می‌زنند.

انتشار کتاب عیسی نامه در گرجستان توسط جمهوری اسلامی!

نویسنده هدف از تالیف کتاب «عیسی نامه» را به تصویر کشیدن علاقه ایرانیان مسلمان نسبت به عیسی مسیح از منظر ادبی ذکر نمود و اظهار امیدواری کرد تا انتشار این کتاب گامی در جهت تقویت روابط ادیبانی باشد.



به گزارش شبکه خبری مسیحیان فارسی زبان به نقل از ابنا ، اخیراً رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی در تفلیس پایتخت گرجستان ، جلد دوم کتاب «عیسی نامه» تالیف «پروفسور ماگالی تودوا» از ایرانشناسان گرجی چاپ و منتشر کرده است. بنا به گزارش ابنا این کتاب شامل اشعار فارسی 82 ادیب و سخنور ایرانی در مقام عیسی مسیح و مریم مادر او می باشد. همچنین کتاب مذکور شامل پژوهشی گسترده به سه زبان گرجی، فارسی و انگلیسی تحت عنوان «تعریف عیسی مسیح در شعر فارسی» می باشد.

برای شناخت محبت

ابنا نوشته است: مولف کتاب مذکور که در سالهای اخیر موفق به دریافت جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی شده است دارای تالیفات و ترجمه های متعددی از زبان فارسی به زبان گرجی است که کتاب «شاهکارهای شعر فارسی» از آن جمله می باشد. وی هدف از تالیف کتاب «عیسی نامه» را به تصویر کشیدن علاقه ایرانیان مسلمان نسبت به حضرت مسیح از منظر ادبی ذکر نمود و اظهار امیدواری کرد تا انتشار این کتاب گامی در جهت تقویت روابط ادیبانی باشد.

«احسان خزاعی» رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی در گرجستان در خصوص انتشار کتاب عیسی نامه به ابنا گفت:

یکی از محوری ترین فعالیت های رایزنی فرهنگی از بدو تاسیس تاکنون حمایت از تالیفات، تحقیقات و ترجمه های ایرانشناسان گرجی است و انتشار کتاب مذکور در همین راستا و نیز در جهت نشان دادن احترام، روابط و پیوندهای عمیق شاعران مسلمان پارسی گوی با سایر ادیان الهی به ویژه مسیحیت می باشد. وی همچنین آمادگی رایزنی فرهنگی را برای حمایت از چاپ آثار ادبی سایر ایرانشناسان گرجی اعلام کرد.

ابنا اضافه کرده که آقای تودوآ به اشعار خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی بسیار علاقه مند است و آنها را به زبان گرجی برگردانده و قرار است در آینده توسط رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در تفلیس چاپ و منتشر شود.

حمایت جمهوری اسلامی از دشمنان قسم خورده شیعیان در مصر برای حفظ اصول انقلابی و ایجاد خفقان

منابع مسیحی مصر گزارش می دهند که دانشجویان سلفی دارای عقاید تندروی اسلامی آن کشور مرتب به ایران مسافرت می کنند و با کمک نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی برای ایجاد خفقان در مصر آموزش می بینند.



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از منابع مسیحیان مصری، جمهوری اسلامی تلاش بسیاری برای منحرف کردن انقلاب مصر به سوی یک دیکتاتوری مذهبی می کند. مزدوران جمهوری اسلامی در منطقه اراده کرده اند حتی به قیمت دفاع از سلفی ها که شیعیان را همپای یهودیان بزرگترین دشمنان خود می دانند، نگذارند یک دمکراسی سکولار در مصر تشکیل شود.

در اسفند ماه این خبر را داشتیم که شماری از دانشجویان سلفی دانشگاه قاهره مانع از اکران فیلم سینمایی ایرانی «جدایی نادر از سیمین» به بهانه «تبلیغ تشیع» توسط این فیلم شدند. مطبوعات مصر آن زمان نوشتند که این اقدام با اعتراض روشنفکران و هنرمندان مصری روبرو شده است.

برای شناخت محبت

از جمله «جبهه نوآوری»، گروهی که طیف وسیعی از روشنفکران و هنرمندان مصری را دربر می‌گیرد، با انتشار بیانیه‌ای، جلوگیری از اکران فیلم «جدایی نادر از سیمین» در دانشگاه قاهره را حادثه‌ای «تاسف‌بار» توصیف کرد. آنها در بیانیه خود نوشتند: «جریان‌های تندرو در دانشگاه‌های ما به آن اندازه نفوذ کرده‌اند که در حال گسترش تاریکی هستند. در حالی که دانشگاه باید محلی برای گسترش روشنایی باشد.»

«جبهه نوآوری» پس از آن تشکیل شد که اسلامگرایان موفق شدند در نخستین انتخابات پارلمانی پس از انقلاب مصر، اکثریت کرسی‌های پارلمان را از آن خود سازند.

منابع مسیحی مصر گزارش می‌کنند که اکنون تعدادی از دانشجویان سلفی دانشگاه‌های مصر بطور منظم و برنامه‌ریزی شده به ایران سفر می‌کنند و با پذیرائی گرم مقامات اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی در تهران روبرو می‌شوند.

از جمله دید و بازدیدهای این دانشجویان ملاقاتشان با لباس شخصیهای تحت نظر بیت رهبری به نام «انصار حزب الله» می‌باشد. گفته می‌شود در یکی از این دیدارها انصاری‌ها برادران تندرو و افراطی مصری را در تهران به دیدن نمایش اعتراضی که علیه دو فیلم بر پرده سینماها در خیابانها راه انداخته‌اند می‌برند. آنها نیز از این برخوردها فیلم و عکس تهیه کرده‌اند و با خود به عنوان سوغات به مصر برگردانده‌اند.

چند روز پیش دانشجویان سلفی در یکی از دانشگاه‌های قاهره با افتخار فیلمها و عکسهای تهیه شده از حرکات انصار حزب الله در تهران را برای بقیه همفکرانشان نمایش داده‌اند و گفته‌اند: باید در عقایدمان راجع به شیعیان در این مقطع تجدید نظر کنیم. فعلا آنان دشمن مانیستند. لازم است با آنها علیه مسیحیان و یهودیان متحد شویم. بعد از نابودی آنها شیعیان را هم به وقتش سر جایشان می‌نشانیم! یاد آور میشود که با بالا گرفتن رقابت منطقه ای بین جمهوری اسلامی و اسلامگرایان معتدل حاکم بر ترکیه در منطقه خاورمیانه، اکنون علاوه بر سوریه، مصر نیز یکی از صحنه‌های این رقابت محسوب میشود. در حالی که حکومت ترکیه به اخوان المسلمین مصر برای تسخیر گام به گام قدرت خط می‌دهد، جمهوری اسلامی با حمایت غیر علنی مالی و تدارکاتی تلاش در تقویت و خط‌دهی به احزاب تندو سلفی دارد با آن که آنها مطابق اصول بنیادی سلفی‌ها شیعیان را کافر و غیر مسلمان می‌دانند.

ایقان شهیدی جهت اجرای حکم زندان احضار شد

برای شناخت محبت



خبرگزاری هرانا – ایقان شهیدی، فعال حق تحصیل و شهروند بهائی برای اجرای محکومیت ۵ سال حبس تعزیری خود به زندان اوین احضار شد. به گزارش جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی، بر اساس اخطاریه‌ای که چندی پیش برای این فعال حق تحصیل فرستاده شده، اعلام شده در صورتی که آقای شهیدی خود را به زندان معرفی نکند، وثیقه‌ی مربوطه ضبط خواهد شد.

برنامه های تلویزیون مسیحی بهار را به خانه ایرانیان برد

با فرا رسیدن بهار، سال نو برای ایرانیان هم آغاز می شود. در این ایام شبکه مسیحیان فارسی زبان، برنامه ای ویژه و زنده مخصوص نوروز را به منازل ایرانیان برد



گزارش:

آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، طبق گزارش دریافتی، تیم تلویزیونی مسیحیان فارسی زبان sat 7 پارس تمام تلاش و همت خود را در این ایام بکار گرفتند تا ویژه برنامه نوروزی را برای هموطنانمان در داخل و خارج از ایران تهیه کنند.

این تیم تلویزیونی شب را تا دیر وقت تمرین می کردند و سپس از ساعت 04:30 صبح برای فیلم برداری مجددن به استودیو می آمدند. در طی آماده شدن برای برنامه زنده و با افزایش هیجان برای

برای شناخت محبت

آن، گروه لحظه ای دست از کار می کشیدند و برای آغاز برنامه مدتی به دعا می پرداختند. در برنامه، مجریان رضا و نیکو شعری را در زمان آغاز لحظه تحویل سال خواندند، و سپس تماس های بینندگان را که به همراه شوری از عشق و علاقه و احساسات بینندگان بود دریافت می کردند، سراینندگان برنامه زنده اجرا کردند و مهمان های ویژه، مدیر اجرایی شبکه و پرستو، مجری برنامه کودکان به نام گردونه نیز در مقابل دوربین حاضر شدند.

در برنامه نوروزی تلویزیون sat 7 پارس به سنت های باستانی عید نوروز مانند دید و بازدید، خانه تکانی، خرید لباس نو، رنگ کردن تخم مرغ، و چیدن سفره هفت سین نیز پرداخته شد و مجریان برنامه به میهمانان هدایایی اهدا کردند.

مدیر اجرایی sat 7 پارس توضیح داد که شوق و هیجان خاصی در سال نو وجود دارد.

از وی پرسیده شد؛ از آنجایی که کریسمس و عید قیام برای ایمانداران مسیحی بسیار اهمیت دارد، این اعیاد چگونه گذشت؟

وی در پاسخ گفت که این اعیاد الزامات شادی برای وی و بسیار دیگر از ایرانیان نبوده زیرا که با بسیاری از فشارها برای مسیحیان در ایران همراه بود.

در طی سال گذشته، مردم ایران با چندین مورد چالش برانگیز روبرو شدند. تورم، بیکاری، مسدود کردن فن آوری ها تأثیر زیادی بر سطح زندگی بسیاری از ایرانیان گذاشته است. اما در چنین محیطی، ارقام و گزارشات حاکی از رشد کلیساهای در ایران را به همراه داشت که البته بخشی بخاطر ثمرات جنبش کلیساهای خانگی در کشور است.

مدیر اجرایی sat 7 پارس امیدوار است که برنامه های این شبکه ایمانداران مسیحی را به سطوح جدید رشد روحانی و بلوغ برساند. تاکنون بخش بزرگی از این امر از طریق سری برنامه های شاگردسازی به انجام رسیده است.

مسیحیان بویژه نوکیشان مسیحی ایران در این امید سال جدید را آغاز خواهند کرد که علیرغم افزایش فشارها و با وجود خطر های بسیار، همچنان تشنه فراگیری کلام خدا از کتاب مقدس هستند. شبکه تلویزیونی مسیحیان فارسی زبان sat 7 پارس در صدد است تا برنامه های تهیه ببیند که با فرهنگ بینندگان همخوانی داشته باشد. تیم این شبکه تلاشی فوق العاده به کار بست تا در ایام نوروز سرگرمی های مسیحی را برای بینندگانش فراهم آورد.

ردپای جمهوری اسلامی در سوء قصد به رهبر مسیحی لبنانی

رهبر مسیحی در لبنان، «سمیر فرید جعجع» توسط افرادی که بعد مشخص شد تک تیر انداز بوده اند مورد سوء قصد قرار گرفت. ظن این می‌رود که اسلحه های استفاده شده برای این سوء قصد از ایران ارسال شده باشند.



به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، خبرگزاری البوابه، روزنامه لبنانی النهار، از منابع نزدیک به تحقیقات این سوء قصد به سمیر فرید جعجع، رهبر مسیحی لبنانی نقل کرد که این تیراندازی توسط تک تیراندازان انجام شده است.

این رهبر مسیحی روز چهارشنبه (۴ آوریل) هنگامی که به همراه محافظان خود قصد خروج از محل اقامت خود را داشته، هدف «تک تیراندازان» قرار گرفته است.

جعجع در این رابطه گفت که دفترش هدف گلوله قرار گرفته است. وی، بی‌آنکه از گروه مشخصی نام ببرد، می‌گوید: «هدف از حمله به دفترم، در حقیقت ترور خود من بوده است.»

به نقل از خبرگزاری فرانسه، مارک تونر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در واکنش به خبر ترور نافرجام سمیر جعجع، رئیس حزب «نیروهای لبنانی»، ضمن محکوم کردن این اقدام، گفت که مخالفت جعجع با نظام حاکم سوریه دلیل این اقدام بوده است.

برای شناخت محبت

روزنامه لبنانی النهار همچنین گزارش داد که تحقیقات اولیه نشان می‌دهند که اسلحه استفاده شده توسط تک تیراندازان «بسیار پیچیده» و «در واقع در لبنان در دسترس نیست». این گزارش می‌افزاید که مهاجمان از اسلحه «استیر اچ-اس. 50 با کالیبر 12.7 میلیمتر ساخت اتریش» استفاده کردند.

به گزارش روزنامه تلگراف، وین در سال 2006 بخاطر فروش 800 فقره از این تفنگ‌ها به تهران مورد انتقاد لندن و واشنگتن قرار گرفت. این روزنامه بریتانیایی گفت که نیروهای آمریکایی هم 100 فقره از این اسلحه‌های ساخت اتریش را در یک محل نگهداری اسلحه متعلق به شورشیان عراقی در بغداد پیدا کردند. از منابع امنیتی آمریکا نقل شده است که این اسلحه‌ها بخشی از محموله‌ای بودند که توسط اتریش برای ایران ارسال شده بودند.

وزیر کشور لبنان یک روز پس از این حمله از طرف خود گفت که این سو قصد به آقای ججع «جدی» بود. وی افزود که نجات آقای ججع تنها یک «معجزه» بود.

این سیاستمدار لبنانی با تأکید بر نیاز به انجام گفتگو از مردم لبنان خواست که از سو قصد به آقای ججع، رهبر مسیحی «درس بگیرند».

به گزارش العربیه، آنتوان زهرا از نمایندگان پارلمان و عضو حزب نیروهای لبنانی نیز در این رابطه گفته است: «ما با یک پیام مواجه نیستیم، بلکه با یک اقدام به ترور مواجهیم و این عمل با نقشه‌ای دقیق و تدارکی طولانی مدت همراه بوده است».

حزب نیروهای لبنانی به رهبری سمیر ججع از مخالفان سرسخت رژیم بشار اسد و حزب الله لبنان است. سمیر ججع پیش از این سرکوب‌های خونین بشار اسد در سوریه و فعالیت‌های حزب الله که به بی‌ثباتی در لبنان دامن می‌زند را به شدت مورد انتقاد قرار داده بود.

«ایران و حزب الله فعالیت‌های ججع را دنبال می‌کنند»

دوبچه وله می‌نویسد، سایت «مشرق» که به محافل محافظه‌کار و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی نزدیک است، در گزارشی در اواسط ماه مارس (اواخر اسفند ۹۰) نوشت، سمیر ججع و هیئت همراه وی «سفری مشکوک» به قطر داشته و یک نشست کاری با حمد بن جاسم آل ثانی، نخست‌وزیر، و وزیر خارجه قطر برگزار کرده است.

گفته می‌شود، شرکت‌کنندگان در این نشست، که در منزل نخست‌وزیر قطر برگزار شده، به موضوع بحران در سوریه و تازه‌ترین تحولات منطقه پرداخته‌اند.

سایت «مشرق» می‌افزاید که ججع یک ماه پیش از سفر نیز در ۱۲ ژانویه «با هیئتی متشکل از سرتیپ «وهب قاطیسا» مسئول کمیته امنیت، آموزش و تسلیحات و «ادی ابو اللمع» از رهبران آن گروه وارد اربیل مرکز اقلیم کردستان عراق شده و با مسعود بارزانی، رهبر اقلیم و حزب دموکرات و «مسرور بارزانی» رئیس اطلاعات اقلیم ملاقات و مذاکره کرده است.»

خبرگزاری حکومتی مهر در اواخر دی‌ماه (ژانویه ۲۰۱۲) گزارشی درباره‌ی انگیزه‌ی سفر سمیر ججع به منطقه اربیل در شمال عراق منتشر کرد. گفته می‌شود این سفر خشم رسانه‌های نزدیک به نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق را برانگیخته است.

حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل، درباره اهداف سفر ججع به منطقه‌ی کردنشین اربیل، به خبرگزاری مهر گفته بود: «سفر ناگهانی سمیر ججع رئیس «نیروهای لبنان» به اقلیم کردستان عراق در چارچوب تلاش‌های سیاسی و میدانی آمریکا، اسرائیل، عربستان و قطر برای سرنگونی دولت بشار اسد و در نهایت حذف مقاومت اسلامی لبنان (حزب الله) قابل تجزیه و تحلیل است.»

از قرار معلوم محافل اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی فعالیت‌های سمیر جعجع را به دقت زیر نظر دارند.

شرایط بحرانی و احتمال دیپورت پناهجویان مسیحی از سوئد

با وجود تلاش و ابراز نگرانی فعالان پناهندگی در استکهلم برای جلوگیری از اخراج پناهجویان ایرانی از سوئد که می‌تواند در صورت بازگشت خطرانی نیز برای آنها به همراه داشته باشد، اما همچنان احتمال دیپورت این افراد توسط اداره مهاجرت سوئد وجود دارد.



اژانس خبری مسیحیان ایران « محبت نیوز » - از چندی پیش به دنبال تصمیم اداره مهاجرت کشور سوئد مبنی بر اخراج پناهجویان ایرانی که در میان آنها تعدادی از هموطنان مسیحی نیز حضور دارند فعالان حقوق بشر و فعالین سیاسی تلاش‌های زیادی کردند تا این اقدام عملی نشود که از جمله آنها می‌توان به برپایی تظاهرات ایرانیان به دعوت فدارسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد (13 فوریه) در اعتراض به حکم اخراج یک پناهجو و بازداشت پناهجویی دیگر و همینطور بیانیه چهار فعال حقوق بشر خطاب به اداره مهاجرت سوئد اشاره کرد.

برای شناخت محبت

در این بیانیه آمده بود که ما چهار فعال حقوق بشر ایرانی و معترض به سیاست‌های نژادپرستانه دولت سوئد در حق جامعه پناهجویی به شدت تصمیم غیرانسانی اداره مهاجرت سوئد را مبنی بر اخراج «محمد رضا حامدی» در تاریخ 15 فوریه 2012 محکوم می‌کنیم و از اداره مهاجرت این کشور می‌خواهیم در اسرع وقت برای آزادی پناهجویان در این کشور از جمله «محمد علی هدایی» و «یاسین الیاسی» اقدام نماید. آنها از اداره مهاجرت سوئد خواستند تا نسبت به این افراد و تقاضاهایشان انسانی‌تر رفتار کند.

-سرنوشت محمدعلی هدایی

8 فوریه روزنامه سوئدی «*Världen Idag*» گزارش داد که «محمدعلی هدایی» شهروند ایرانی که به مسیحیت گرویده است در خطر دیپورت به ایران قرار دارد. این روزنامه پیش از دستگیری آقای هدایی توسط پلیس از نزدیک با او ملاقات کرده بود. در این دیدار او در مورد خود گفت: «اگر خواسته مسیح بر این باشد که به ایران برگردم من از خواسته او تابعیت می‌کنم و خود مسیح هم از من محافظت خواهد کرد.» اداره مهاجرت سوئد تردیدی به مسیحی شدن علی ندارد، اما به نظر می‌رسد نسبت به شرایط علی که در صورت بازگشت احتمالی او به ایران پیش خواهد آمد آگاهی کامل ندارد و ممکن است فعالیت‌های بشارتی او خطرات زیادی را برای سرنوشت او ایجاد کند. علی روزانه از طریق سایت‌های اجتماعی از جمله فیسبوک به زبان فارسی به معرفی و تبلیغ برای مسیح می‌نویسد و فعالیت‌های بشارتی مسیحی انجام می‌دهد. آقای هدایی چندی پس از این ماجرا بازداشت و روانه زندان شد. چند روز پس از این مصاحبه پلیس سوئد تصمیم گرفت دیپورت علی به ایران را عملی کند.

-تلاش فعالان برای دیپروت نشدن

روز جمعه ۱۶ مارس، پلیس سوئد آقای هدایی را برای دیپورت به ایران از بازداشتگاه به فرودگاه آرلندا انتقال داد و او را تا داخل هواپیما نیز برد. صبح روز پنجشنبه ۱۵ مارس به فراخوان فدراسیون واحد استکهلم و سازمان‌های دیگری در اعتراض به حکم دیپورت محمدعلی هدایی، شماری از پناهجویان و مدافعین حقوق پناهندگی در مقابل اداره مهاجرت در شهر استکهلم دست به اعتراض زدند. همزمان «سارا نخعی» مسئول فدراسیون استکهلم و «رسول بناوند» مسئول سازمان «بیمرز» در مورد وضعیت محمدعلی هدایی با یکی از مسئولین اداره مهاجرت صحبت کردند و به تصمیم این اداره اعتراض کردند. صبح روزی که قرار بود علی به ایران دیپورت شود «اندیشه علیشاهی» از مسئولین فدراسیون استکهلم مستقیم با مسئول پرونده محمدعلی هدایی در دادگاه مهاجرت استکهلم صحبت کرد و خواستار متوقف کردن دیپورت وی به ایران شد. فعالان حقوقی از مردم خواستند که اعتراض را به داخل فرودگاه بکشاند تا مانع دیپورت وی به ایران شوند. بدنبال آن، عزت دولت آبادی از پناهجویان فعال به همراه چند نفر دیگر خود را به فرودگاه رساندند. مریم هدایی دختر محمد علی هدایی که سالهاست در سوئد زندگی می‌کند، بلیطی را برای همان پرواز خریداری کرد و خود را به داخل هواپیما رساند و اعتراض خود را به سیاست غیر انسانی دولت سوئد در برخورد به پناهندگان به درون هواپیما کشاند. چند پلیس برای خارج کردن مریم هدایی وارد هواپیما شدند و مسافرین هواپیما دخالت کردند و فضای هواپیما متشنج شد. پرواز هواپیما حدود نیم ساعت به تأخیر افتاد. این اعتراضات باعث شد تا پلیس را مجبور کند محمدعلی هدایی را پیاده و به بازداشتگاه پلیس مرزی برگرداند.

-وضعیت محمدرضا حامدیان اصفهانی

یکی دیگر از نوکیشان مسیحی ایرانی که در خطر دیپورت به ایران قرار دارد «محمدرضا حامدیان اصفهانی» است که پس از تغییر دین نام خود را به ماکسیم تغییر داد. او سال 2008 پس از خروج از

برای شناخت محبت

کشور و بدلیل شرایط ناامن خود را برای پناهندگی به اداره مهاجرت سوئد معرفی کرد. اما سال گذشته به این دلیل که ایشان با ویزا از ایران خارج شده بودند با پناهندگی وی مخالفت کردند. وی در ایران تغییر دین داده بود و به خاطر تبلیغ مسیحیت و بشارت در محل کار اخراج شده است. او به دستور پلیس و اداره مهاجرت زندانی شد و هم اکنون اداره مهاجرت به شدت برای دبیوریت او و خانواده اش فشار می‌آورد و شرایط زندگی آنان با بازگشت به ایران به مخاطره خواهد افتاد. از این رو سازمان های حقوق بشری و فعالان زیادی برای تغییر نظر اداره مهاجرت سوئد تلاش می کنند اما وی هنوز جوابی دریافت نکرده است و کماکان در انتظار و خطر دبیوریت به سر می برد.

خبر اجرای حکم اعدام یوسف ندرخانی

در پیامی که همراه این عکس به زبان انگلیسی در یک شبکه اجتماعی اینترنت وجود دارد خبر اعدام یوسف ندرخانی آمده است، همراه با اعتراض به سازمانهای جهانی و کلیساهای دنیا برای سکوت در برابر این جنایت!



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان، اکنون نزدیک دو هفته است که یک پیام مشکوک در اینترنت دست به دست می گردد که خبر از اجرای حکم اعدام یوسف ندرخانی می دهد. این در حالی است که عکسی که همراه این خبر منتشر شده و شخصی را با چشمان بسته در روی جرثقیل پای طناب دار نشان می دهد، از فروردین سال گذشته بر روی اینترنت قرار گرفته است. در پیامی که همراه این عکس به زبان انگلیسی وجود دارد خبر اعدام یوسف ندرخانی آمده است، همراه با اعتراض به سازمانهای جهانی و کلیساهای دنیا برای سکوت در برابر این جنایت! نویسنده این پیام ادعا کرده که ندرخانی رهبر یک گروه بزرگ از مسیحیان در شمال ایران است.

برای شناخت محبت

در اسفند ماه گذشته برای آخرین بار شایعه قطعی شدن و ابلاغ حکم اعدام ندرخانی به اجرای احکام توسط «مرکز آمریکائی برای عدالت جهانی» منتشر شده بود. یکی از نزدیکان این زندانی عقیدتی ضمن تأیید این خبر گفت که از جزئیات آن اطلاع ندارد! تحقیقات بیشتر و عدم تأیید وکیل ندرخانی مشخص کرد که این خبر شایعه بوده است. هرچند منجر به واکنش مقامات بالا در چند کشور جهان از جمله آمریکا و بریتانیا شد.

اینبار خبر اعدام یوسف ندرخانی توسط همان سازمان مرکز آمریکائی برای عدالت جهانی هم تکذیب شد. ناظران مسائل حقوق بشر ایران معتقدند دو احتمال قوی در مورد عوامل پخش شایعات مزبور وجود دارد:

اول از همه ممکن است این کار دستگاههای تبلیغاتی و امنیتی جمهوری اسلامی باشد که تلاش می کنند با پخش اخبار دروغ و بعد تکذیب فوری و ساده آنها از حساسیت جامعه جهانی نسبت به این خبر بکاهند و فعالان حقوق بشر و مسیحیان ایران را به جامعه جهانی مشتبی دروغگوی خبر ساز معرفی کنند که ادعاهایشان جنبه واقعی ندارد.

دوم اینکه این احتمال وجود دارد که این شایعات توسط اطرافیان ندرخانی برای ایجاد سر و صدا و مطرح کردن خودشان صورت می گیرد. بدون اینکه به عواقب ناگوار پخش چنین شایعاتی برای ندرخانی و خانواده اش فکر بکنند یا به این موضوعات بسیار مهم و حیاتی حساس باشند.

اینکه حکومت جمهوری اسلامی بخواهد از این طریق بفهمد که در صورت اعدام ندرخانی با چه واکنشی در داخل و خارج کشور مواجه میشود نیز خیلی دور از ذهن نیست.

البته حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت غیر قابل پیش بینی و ناقض حقوق انسانی شهروندان خود است. اینکه مراحل قضائی برای آقای ندرخانی کامل نشده است هرگز نمی تواند مانع این شود که دستگاه قضائی جمهوری اسلامی دست به یک اقدام غیر انسانی در مورد او نزند.

به همین دلیل مسیحیان ایران و جهان باید با هوشیاری و تکیه بر منابع و اخبار درست بر فشار منطقی و مستدل خود بر دولتهایشان بیفزایند تا جهان شاهد آزادی هرچه سریعتر ندرخانی و عقب نشینی دستگاه قضائی حکومت اسلامی از اجرای حکم ناعادلانه ارتداد علیه یک انسان بی گناه باشد.

صدور اخطاریه نسل‌کشی در دفاع از مسیحیان خاورمیانه

سازمان اتحاد جهانی مسیحی اخطاریه‌ای را بدلیل نسل‌کشی اقلیت‌های غیرمسلمان در کشورهای مسلمان خاورمیانه صادر نمود.



به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز»، آقای تاد ننتون، سخنگوی سازمان صدای شهادی مسیحی موافق این است که جفا علیه اقلیت‌های مسیحی در سطح بالایی قرار دارد. با این حال او در استفاده از واژه «نسل‌کشی» در این اخطاریه ابراز تردید نمود و گفت: «به نظر من بار معنایی این واژه بسیار سنگین است. من ندیده‌ام که کارکنان ما در خاورمیانه و یا مسیحیان ساکن آنجا از چنین واژه‌ای استفاده کنند. البته اینکه بگوییم آنها در خطر به سر می‌برند بسیار به واقعیت

برای شناخت محبت

نزدیک است. اما اگر از واژه نسل کشی استفاده شود آنوقت موضوع کمی فراتر از شناسایی ما از این منطقه می رود.

اما این حرف ها هم بدین معنا نیست که هیچ خشونت علیه مسیحیان صورت نمی گیرد. سازمان درهای باز از واژه «مذهب کشی» برای توصیف اوضاع در عراق استفاده می کند. پیش از این خشونت علیه ایمانداران مسیحی کلیسای این کشور را تقلیل داده است. کمی پیش خبر حمله به فروشگاه های مسیحیان در شمال عراق توسط مسلمانان و طرح بمبگذاری القاعده در برخی کلیساهای ترکیه و چندین خبر در مورد حمله به مسیحیان پاکستان و سوریه را شنیدیم.

بزرگترین نگرانی این است که با روی کار آمدن دولت های اسلامی آینده چگونه خواهد شد. نتلتون می گوید مسیحیان نگرانی این هستند که «اگر به دلیل کم بودن تعداد مسیحیان نماینده ای برای آنها از صندوق های انتخابات بیرون نیاید اوضاع برای ما به چه معنا خواهد بود؟ دولت ما در آن وقت چه تلاشی برای حفاظت از ما خواهد کرد؟ داشتن چنین ترسی بسیار ملموس است».

سازمان اتحاد جهانی مسیحی از رئیس جمهوری آمریکا، باراک اوباما می خواهد تا درخواستی را به دبیر کل سازمان ملل مبنی بر صدور اخطاریه نسل کشی تسلیم نماید. در این اخطاریه خواسته خواهد شد که حمایت مالی از مؤسساتی که تبعیض مذهبی را ترویج می کنند برداشته شود و حداقل 15 درصد از بودجه ایالات متحده برای گسترش دموکراسی در منطقه صرف «مبارزه با برتری اسلام» شود. با این حال، با توجه به زمانی که طول کشید تا دولت اوباما سفیر بین المللی برای آزادی مذهب را تعیین نماید، نتلتون می گوید: «جالب است که ببینیم آیا وزارت خارجه آمریکا پاسخی به این درخواست برای حفاظت از آزادی مذهبی در خاورمیانه و به خصوص کشور هایی که در روند انتقال دولت هستند، می دهد و یا خیر».

با ارائه نمونه عراق، آیا خاورمیانه رهایی دیگری را به خود خواهد دید؟ این موضوع برای مسیحیان امری محال نیست. نتلتون در این مورد می گوید «بدلیل گستردگی این معضلات در سراسر منطقه شما نمی توانید با سفر به کشور های همسایه خود را در سایه حفاظت، آزادی و رفتار بهتر قرار دهید. بسیاری از مسیحیان احساس می کنند که باید بطور کامل از منطقه خاورمیانه خارج شوند تا احترام و آزادی مذهبی داشته باشند».

نتلتون اضافه کرد که باقی مانده ای از کلیسا ها در اکثر مناطق سختی دیده وجود دارد. این مسیحیان از هر فرصتی برای زندگی بر طبق انجیل و رساندن امید خود به گوش دیگران استفاده می کنند. گاهی حتی از داخل سلول زندان. به دعا برای آنها ادامه دهید.

آزادی یک زندانی نوکیش مسیحی پس از شش ماه اسارت در زندان

فریبرز آرم که در مهرماه سال گذشته در منزل شخصی خود بازداشت شده بود، به طور ناگهانی پس از گذشت یک مدت زمان طولانی اسارت به دلیل نامعلوم، روز چهارشنبه آزاد شد و به خانواده خود پیوست.



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان از رباط کریم، آقای فریبرز آرم زندانی 44 ساله نوکیش مسیحی ساکن آن شهر پس از 6 ماه اسارت، روز چهارشنبه 23 فروردین (11 آپریل) از زندان آزاد شد و به خانواده خود پیوست.

آقای آرم روز 25 مهر ماه 1390 در خانه مسکونی خود مورد هجوم ماموران لباس شخصی قرار گرفته بود. ماموران آن روز در ساعات اولیه صبح (قبل از ساعت 8)، زمانی که هنوز او از منزل خارج نشده بود یورش بردند و دستگیرش کردند.

پس از دستگیری او را به نقطه نامشخصی منتقل نمودند و خانواده اش تا مدت‌ها از او اطلاعی نداشتند. اولین تماس‌های خانواده با او مدت‌ها پس از بازداشت بدون ذکر دلیل انجام گرفت. خانواده آقای آرم به شدت از خبررسانی در مورد او منع شده بودند و از تماس با رسانه‌ها واهمه داشتند. فریبرز آرم متأهل و دارای 2 فرزند است.

برای شناخت محبت

بازداشت فریبرز بدون حکم قضائی صورت گرفت و هنوز از اتهامات وارد شده به او و نحوه آزادی خبر موثقی در دست نیست. چند روز قبل منابع رسمی به خانواده او گفته بودند که فریبرز درست سر شش ماه آزاد خواهد شد. این وعده از جمله موارد معدودی بود که درست از آب در آمد و دل خانواده فریبرز و همه مسیحیان کشور را پس از عید قیام شاد کرد.

دستگیری و آزادی این ایماندار مسیحی که از ایمانداران ساده و قدیمی منطقه خود می باشد، در حالی صورت گرفت که قوه قضائیه ایران ادعا می کند؛ مسیحیان در ایران از آزادی کامل برخوردار هستند. البته در این مورد باید گفت وضع برخی مسیحیان نسبت به سایر زندانی عقیدتی و سیاسی بدتر نیست. حکومت اسلامی آنقدر دستش در بازداشتها و رفتار ضد قانونی و ضدبشری علیه همه مردم ایران از هر قوم و مذهبی آلوده است که بازداشت بدون دلیل شخصی به مدت 6 ماه دیگر چندان هم دلخراش به نظر نمی آید.

لازم به یاد آوری است که دو تن دیگر از نوکیشان مسیحی؛ فرشید فتحی و نورالله قبیتی زاده از دی ماه سال 1389 بدون هرگونه اتهام مشخصی همچنان در بازداشت به سر می برند. گفته شد که فرشید فتحی که در زندان اوین تحت بازداشت است اسفند ماه گذشته به دادگاه رفته است. از حکم او و نتیجه دادگاه هنوز اطلاع موثقی در دست نیست.

در مورد نورالله قبیتی زاده نیز شایعه شد که پس از حدود یک سال اسارت در زندان کارون اهواز به دلایل کاملاً نامشخصی به زندان اصفهان منتقل شده است. نظام قضائی جمهوری اسلامی و سیستم امنیتی حاکم بر آن به شدت از اطلاع رسانی درباره زندانیان مسیحی هراس دارند.

انتقال یک شهروند بهایی به زندان رجایی شهر کرج



خبرگزاری هرانا - شهرام چینیان شهروند بهایی ساکن حسن آباد تهران که به اتهام توهین به مقدسات به ۸ سال زندان و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شده به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، شهرام چینیان در اسفند ۱۳۸۷ بازداشت و سپس در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ پس از ارائه جواز کسب به عنوان وثیقه از زندان اوین آزاد شد. وی پس از قطعی شدن حکم در اسفند ۱۳۹۰ از دادگاه به زندان اوین منتقل شده بود. شهرام چینیان هم اکنون در سالن ۱۲ زندان رجایی شهر کرج بسر می‌برد.

بازگشایی کلیسای بمبگذاری شده پس از شش سال



مسیحیان تحت جفای عراقی در مراسم بازگشایی رسمی کلیسایی که شش سال پیش مورد بمبگذاری قرار گرفت بود، شرکت کردند. این مراسم به «لحظه جشن واقعی» توصیف شده است. به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران، «محبت نیوز» به نقل از بنیاد برناباس، این کلیسا در شهر کرکوک که بر اثر انفجار یک دستگاه خودروی بمبگذاری شده در ۹ بهمن ۱۳۸۴ تخریب شده بود، اکنون بطور کامل بازسازی شده است.

در آن انفجار یک نوجوان ۱۳ ساله مسیحی به نام «فادی راعد» کشته شد. این نوجوان در راه بازگشت از مدرسه به کلیسا رفته بود تا برای نمره های خوبش از عیسی مسیح تشکر کند. ساختمان کلیسا در مراسم بازگشایی مملو از مسیحیان و رهبران کلیسایی از مناطق اسقف نشین دیگر بود. یکی از مسیحیان شرکت کننده، این مراسم را «لحظه جشن واقعی» توصیف کرد.

برای شناخت محبت

در این مراسم سر اسقف لوئیس ساکو به شهید جوان این کلیسا، «فادی راعد» ادای احترام کرد و گفت که این خون ریخته شده وی «دعوتی برای ایستادگی» در میان «چالش‌ها» یی است که جامعه مسیحی همچنان با آن روبروست. او از مسیحیان خواست که عراق را ترک نکنند و با ماندن در این کشور شهادتینی برای مسیح باشند.

حمله سال 1384 به این کلیسا بخشی از یک سری حملات هماهنگ بود. این حمله طوری زمانبندی شده بود که دقیقاً در پایان مراسم روز یکشنبه انجام شود. در این سری حملات کلیسایی دیگر در کرکوک و دو کلیسا هم در بغداد مورد حمله قرار گرفتند.

همچنین مراسم بازگشایی این کلیسا مجالی برای مسیحیان در میان مصیبت‌هایی است که با آن روبرو هستند. دو حمله دیگر در هفته گذشته به خوبی جفایی که بر مسیحیان عراقی روا می‌شود را نمایان می‌کند.

روز 3 فروردین 1391 بدن «داود سلمان» 45 ساله که با گلوله سوراخ سوراخ شده بود در شهر موصل پیدا شد.

نه گلوله از فاصله نزدیک به وی شلیک شده بود.

وی که یک عکاس آزاد بود چهار روز قبل از پیدا شدن جسدش ربوده شده بود. ربودن مسیحیان در عراق برای طلب پول به امری جاری برای جامعه مسیحی این کشور تبدیل شده است.

سه شنبه اول فروردین 1391 هم یک کلیسا در بغداد همزمان با 20 حمله بمبگذاری دیگر هدف قرار گرفت

با انفجار خودروی حامل بمب در نزدیکی این کلیسا دو نگهبان کشته و پنج تن زخمی شدند. این سری حملات از سوی تندروهای اسلامی بخاطر نهمین سالگرد حمله آمریکا به عراق سازماندهی و انجام شده بود.

قدیمی ترین کلیسای تهران کجاست و چه قدر قدمت دارد؟



کمتر کسی از ساکنان پایتخت می داند که در یکی از خیابان های جنوبی تهران ، قدیمی ترین کلیسای این شهر با معماری زیبا و خاصی به نام «سورپ گئورک» قرار دارد. «محبت نیوز» - بر اساس منابع تاریخی قدمت ساخت کلیسای ساختمانی در تهران مصادف با روی کار آمدن حکومت قاجاریه است و به حدود دویست و دوازده سال پیش بازمی گردد. برطبق شواهد بدست آمده کلیسای «سورپ گئورک» نخستین و قدیمی ترین کلیسای تهران است که تاریخ ساخت آن بین سال های 1153 تا 1169 هجری شمسی (۱۷۹۰ - ۱۷۹۵ م) عنوان شده است. سفر پدیا می نویسد این کلیسا در محله سنگلج یکی از چهار محله عتیق تهران قرار دارد. آن زمان محل کلیسا خارج از محدوده مسکونی شهر بود، به طوریکه داخل حصار صفوی و نزدیک راه غربی شهر و دروازه عتیق قزوین قرار داشت.

بازداشت یک خانواده بهایی در بجنورد

خبرگزاری هرانا - در روز شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۱ ماموران امنیتی به منزل هوشمند ثنایی شهروند بهایی ساکن شهرستان بجنورد مراجعه کرده و پس از تفتیش و ضبط بعضی وسایل شخصی و مذهبی، نامبرده را به همراه همسرش، شعله شهیدی بازداشت کردند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، شعله شهیدی در همان روز پس از چند ساعت بازجویی آزاد می‌شود ولی دوباره صبح روز شنبه ۲۶ فروردین، شعله شهیدی به اداره اطلاعات احضار که پس از تفهیم اتهام بازداشت و به زندان منتقل می‌گردد. در پی این بازداشت در روز یکشنبه ۲۷ فروردین ماه شایان ثنایی فرزند ایشان نیز به اداره اطلاعات احضار که نامبرده نیز بازداشت می‌شود.

محرومیت از تحصیل یک شهروند بهایی در مقطع کارشناسی



خبرگزاری هرانا - الحان مهرابی یزدی شهروند بهایی و دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، از ادامه تحصیل محروم شده است.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، الحان مهرابی شهروند بهایی که در مقطع کارشناسی ناپیوسته دانشگاه علوم پزشکی کرمان تحصیل می‌کرد، در حالی که تنها یک ترم تئوری و یک ترم کارآموزی ایشان باقی مانده بود از تحصیل محروم شد.

خانم مهرابی در سال ۱۳۸۶ در کنکور سراسری مجاز به انتخاب رشته شده‌اند سپس در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در رشته علوم آزمایشگاهی در مقطع کاردانی قبول شده و با موفقیت به اتمام می‌رسانند، در مرحله بعد در مقطع کارشناسی ناپیوسته در همان رشته به دانشگاه علوم پزشکی شیراز ورود پیدا می‌کنند. حال بعد از گذشت دو ترم در حالی که تنها یک ترم تئوری و یک ترم کارآموزی ایشان باقی مانده سایشان غیر فعال شده است.

برای شناخت محبت

پس از پیگیری‌های فراوان مسئولین دانشگاه تنها یک نامه، در حالی که قسمتهای بالا و انتهای آن را پوشانده بودند، مبنی بر اینکه «خانم الحان مهرابی یزدی در صورت برائت از فرقه ضاله بهائیت قادر به ادامه تحصیل در مراکز دولتی می‌باشند.» به ایشان نشان می‌دهند.

بازداشت شش شهروند بهایی در قائم شهر و تنکابن



خبرگزاری هرانا - ماموران امنیتی شهرستان قائم شهر در روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ۹۱ به منزل فرانک حیرانی (درخشانیان) شهروند بهایی ساکن شهر مزبور مراجعه کرده و پس از تفتیش کامل محل و ضبط کامپیوتر، کتب و نوارهای مذهبی، نامبرده را نیز بازداشت کردند این اقدام در حالی صورت گرفت که فرانک حیرانی یک روز پیش از آن در روز چهارشنبه ۲۳ فروردین ماه به اداره اطلاعات احضار که پس از ساعت‌ها بازجویی آزاد شده در حالیکه قرار بوده روز بعد (پنجشنبه ۲۴ فروردین) بار دیگر خود را به اداره اطلاعات ساری معرفی کند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، نامبرده ابتدا به زندان شهید کچویی ساری منتقل می‌شود ولی صبح روز شنبه ۲۶ فروردین ماه از زندان ساری به زندان قائم شهر منتقل می‌شود.

از طرف دیگر در روز یکشنبه ۲۷ فروردین ۹۱ ماموران امنیتی به منزل یک شهروند بهایی شهرستان تنکابن به نام مهنام درخشان مراجعه کرده که پس از بازرسی منزل و ضبط بعضی وسایل شخصی و مذهبی، نامبرده را نیز بازداشت و به محل نامعلومی منتقل می‌کنند.

همچنین روز چهارشنبه ۳۰ فروردین ماموران اداره اطلاعات قائم شهر به همراه ماموران اداره اماکن و اداره کار قائم شهر که حدود سی نفر بوده‌اند به محل کسب (کارگاه تولید آلوم) یک شهروند بهایی به نام انیس مطیعی واقع در زیکلای قائم شهر مراجعه کرده که چون نامبرده دارای جواز کسب بوده

برای شناخت محبت

نتوانستند بهانه‌ای برای پلمپ آن پیدا کنند لذا فقط به بازرسی محل اکتفا کردند و انیس مطیعی را نیز تحت عنوان شکایت شاکی خصوصی بازداشت کردند.

ماموران سپس به منزل پدری آقای مطیعی که جنب کارگاه بوده و ضمن تفتیش منزل و ضبط کتب و عکسهای مذهبی، «سروش مطیعی» (برادر) را نیز دستگیر نمودند قابل ذکر است ماموران امیر مطیعی (برادر دیگر) را که خواستار رویت حکم بازرسی بوده را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند.

در همین روز چهارشنبه ۳۰ فروردین ماموران امنیتی قائم شهر به منزل ساحل میری مراجعه کرده که پس از تفتیش و ضبط کامپیوتر و کتب مذهبی نامبرده را نیز به همراه همسرش راحله میری بازداشت نمودند و به نقطه نامعلومی انتقال دادند این درحالیست که راحله میری باردار می‌باشد.

انتقال وکیل در اویش گنابادی به بیمارستان پس از ماه ها تعلل



خبرگزاری هرانا - افشین کرمپور یکی از وکلای در اویش سلسله نعمت الهی گنابادی صبح روز سه شنبه بیست و نهم فروردین ماه به جهت درمان شکستگی ناحیه پا به بیمارستان طالقانی تهران منتقل شد.

به گزارش تارنمای مجذوبان نور، آقای کرمپور که بیش از سه ماه است از ناحیه مچ پای چپ دچار آسیب دیدگی شده بود، علیرغم درد شدیدی که طی این مدت با آن مواجه بوده است، با خودداری مسئولان زندان اوین برای انتقال ایشان به بیمارستان روبرو بود.

اسفندماه سال گذشته و زمانی که ماموران زندان قصد انتقال آقای کرمپور به بیمارستان را داشتند، وی به دلیل استفاده ماموران یگان حفاظت زندان اوین از دستبند و پابند از انتقال به بیمارستان خودداری کرده و این اقدام را خلاف قوانین توصیف کردند.

افشین کرمپور از وکلای در اویش گنابادی می‌باشد که سیزدهم شهریور ماه سال گذشته و در جریان وقایع و ناآرامی‌های شهرستان کوار استان فارس، در پی دعوت به فرمانداری شهرستان کوار و حضور در آن محل توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بند امنیتی زندان اوین منتقل شد.

ده تن از درویش گنابادی به محاربه و افساد فی الارض متهم شدند

خبرگزاری هرانا - دادگاه رسیدگی به اتهامات هفده تن از درویش گنابادی شهرستان کوار استان فارس، با انتساب اتهام سنگین محاربه (افساد فی الارض) به ده تن از این درویش اسفندماه سال گذشته برگزار شده است.

شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی و جزایی شهرستان کوار به ریاست قاضی همتی، در جلسه‌ای که اسفندماه سال گذشته و با حضور هفده تن از درویش سلسله نعمت الهی گنابادی ساکن شهرستان کوار استان فارس برگزار گردید، با طرح اتهام حمل سلاح غیر مجاز بر علیه تمامی متهمان، ده تن از این درویش را نیز به محاربه (افساد فی الارض) متهم کرد.

بر اساس اعلام تارنمای مجذوبان نور، از هفده درویش مذکور آقایان کاظم دهقان، حمیدرضا آرایش، محمد علی دهقان، امیر حمزه دهقان، محسن اسماعیلی، ابوذر ملکپور، بهیار رجبی، سید ابراهیم بهرامی، محمد علی شمشیر زن و محمد علی صادقی به «محاربه و افساد فی الارض» و «حمل سلاح غیر مجاز» متهم شده و اتهام هفت تن دیگر از این درویش به نام‌های آقایان غلامعلی بیرمی، امید علی اکبری تبار، مهرداد کشاورز، محمد آرایش، عبدالرضا آرایش، منوچهر زارع و امان چراغی نیز «حمل سلاح غیر مجاز» عنوان گردید.

بر این اساس و با توجه به نوع اتهامات مطروحه، قاضی پرونده، رسیدگی به اتهامات این پرونده را خارج از اختیارات ذاتی و صلاحیت دادگاه اعلام کرده و رسیدگی و اتخاذ تصمیم را به دادگاه انقلاب شیراز واگذار کرده است.

لازم به یادآوری است که در جریان ناآرامی‌های یازدهم شهریورماه سال گذشته در شهرستان کوار استان فارس که با حمله به منازل تعدادی از درویش این شهر و پرتاب گار اشک آور و شلیک گلوله از سوی نیروهای خودسر آغاز شد، قریب چهل تن از این درویش بازداشت شده و تعدادی نیز زخمی شدند. همچنین وحید بنانی از دیگر درویش این شهرستان نیز جان خود را از دست داد.

فرشید فتحی، شهروند مسیحی به شش سال حبس محکوم شد



خبرگزاری هرانا - فرشید فتحی از بازداشت شدگان نوکیش مسیحی توسط دادگاه انقلاب اسلامی به تحمل شش سال حبس محکوم گردید.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، فرشید فتحی از بازداشت شدگان نوکیش مسیحی که بیش از ۱۵ ماه است بدون حق مرخصی در زندان اوین بسر می‌برد، توسط دادگاه انقلاب به ۶ سال حبس محکوم گردید.

دادگاه فرشید فتحی به بهانه‌های مختلف چندین بار به تعویق افتاده بود و سرانجام پس از گذشت بیش از یکسال بلاتکلیفی پس از انجام امور بازپرسی و تشکیل پرونده در محل دادرسی مستقر در زندان اوین، دادگاه ایشان در دی ماه سال ۱۳۹۰ (ژانویه ۲۰۱۲) برگزار گردید.

در حالی که گزارشی از جزئیات برگزاری این دادگاه منتشر نشده اما به نقل از یک منبع آگاه، و بر اساس حکم صادره گفته می‌شود دادگاه اتهام وی را اقدام علیه امنیت ملی، ارتباط با سازمان‌های خارجی و تبلیغ مذهبی، عنوان نموده است.

این حکم در حالی برای این هموطن مسیحی صادر می‌شود که در ۱۵ ماه بازداشت غیر قانونی، وی به صورت بلاتکلیف در زندان بسر برده است.

گفتنی ست فرشید فتحی هم اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین نگهداری می‌شود.

بررسی موارد حقوق نقض شده در این گزارش:

برای شناخت محبت

- اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچکس را نمی توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت اخافه قرار داد.
- بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.
- ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
- ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد.
- بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادت و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد.
- بند ۱ ماده ۱ اعلامیه مربوط به اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی: از موجودیت و هویت ملی، قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین‌های خود حمایت و ایجاد شرایط را برای ارتقای این هویت تشویق شود.
- بند ۱ و ۲ ماده ۲ اعلامیه مربوط به اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی: اشخاص متعلق به اقلیت‌ها حق دارند در نهان و به طور علنی، آزادانه و بدون مداخله و یا هر شکل از تبعیض، از فرهنگ خاص خود بهره‌مند و برخوردار شوند، دین خود را اعلام و به آن عمل کنند و به زبان خاص خود سخن بگویند و به صورتی موثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی شرکت کنند.

سالنامه آماری نقض حقوق بشر در سال ۹۰ منتشر شد



گزارش پیش رو دربردارنده اطلاعات آماری یکسال شمسی (۸۹ - ۹۰) نقض حقوق بشر در ایران است. این گزارش که بصورت آماری-تحلیلی ارائه می شود، به همت نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران تهیه شده است.

مسئله به دلیل عدم اجازه دولت ایران به مدافعان حقوق بشر جهت فعالیت به خصوص در حوزه گزارشگری نقض حقوق بشر و همینطور ممانعت از گردش آزاد اطلاعات و بالطبع به رسمیت نشناختن حوزه مستقل در فعالیتهای مدنی از سوی دولت ایران، در حال حاضر مسئله گزارشگری امری دشوار و خطیر با محدودیتهای فراوان در ایران محسوب می شود.

در چنین شرایطی بدیهی است مدافعان حقوق بشر علیرغم دشواری بسیار، تنها می توانند حجم بسیار اندکی از نقض گسترده حقوق بشر در ایران را دیده بانی کرده و یا امکان تحقیق و مستند کردن در

برای شناخت محبت

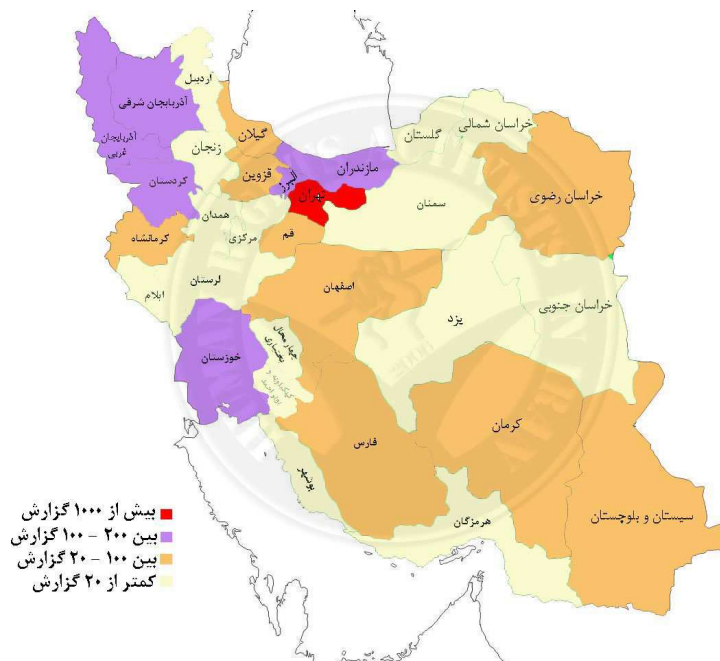
رابطه با گزارشات سایر گروهها و رسانه ها را بیابند. با این حال هر چند با توجه به محدودیتهای فوق نمیتوان وجود کسر و نقص و خطا را در گزارش پیش رو رد کرد اما این نهاد حقوق بشری، گزارش پیش رو را به لحاظ محتوای آماری-تحلیلی و مستند بودن ۲,۸ درصد خطا ارزیابی میکند.

بعنوان مقدمه در اولین بخش گزارش پیش رو لازم است اشاره شود گروههای مدافع حقوق بشر در ایران تلاش زیادی برای بهبود وضعیت گزارشگری نقض حقوق بشر در ایران می‌کنند با این حال تفاوت فاحشی را حسب آمار می‌توان در تمرکز گزارشات بر مرکز کشور در مقایسه با سایر نقاط کشور بعنوان یکی از نقاط ضعف نهادهای مدنی ایرانی مشاهده کرد.

عمده تفاوت گزارش آماری سال ۱۳۹۰ در دومین سال انتشار این شکل جامع گزارش، بررسی آمار ارائه شده و مقایسه آن با آمار سال ۱۳۸۹ است که برای اولین بار صورت می‌گیرد. به همین منظور در تمامی بخش‌ها علاوه بر ارائه آمار سال ۱۳۹۰ میزان رشد و کاهش نقض حقوق بشر در هر یک از رسته‌های حقوقی به تناسب سال ۱۳۸۹ نیز گنجانده شده است.

ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با کاهش ۱۵ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۹، ۳۱٪ از گزارشات نقض حقوق بشر را مستند کرده است، منابع دولتی با افزایش ۱۰ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۹، ۲۲٪ کل گزارشات نقض حقوق بشر را مستند کردند هم چنین سایر منابع مستقل نیز با کاهش ۴۵ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۹، ۴۷٪ گزارشات را مستند کردند.

با در نظر گرفتن آمار ۳۶۰۰ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه‌های حقوق بشری جاری مستند شده در ایران از مجموع ۲۵۵۹ گزارش، که برای ۱۰۸۹۹۳۷ نفر از شهروندان اعمال شده است به پراکندگی‌ها در نقشه ذیل بنگرید.



همانطور که در فوق مشاهده می‌کنید تفاوت فاحشی بین مرکز و سایر نقاط کشور حسب گزارشات منتشره وجود دارد.

این در حالی است که به لحاظ جمعیت (سرشماری سال ۱۳۹۰) تهران ۱۲۰۰۰۰۰۰ و سایر نقاط کشور ۶۲۹۶۱۷۰۲ شهروند را در خود دارد.

مقایسه جمعیت تهران با سایر استانها



با این وصف طبق آمار، تمرکز مدافعان حقوق بشر در سال ۱۳۹۰، ۴۲ درصد در تهران و ۵۸ درصد در سایر نقاط کشور بوده است، این در حالی است که طبق نمودار فوق تهران تنها ۱۴ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است.

مقایسه گزارشگری تهران و سایر نقاط کشور



جدول پراکندگی گزارشگری بر اساس تفکیک استانها

جدول زیر در بردارنده اسامی و اطلاعات استانی است که گزارشگری نقض حقوق بشر در ایران را تشکیل می‌دهند و همینطور میزان گزارشاتی که از آن منطقه مخابره شده است، بدیهی است عدم ذکر نام هر استان به معنی عدم وجود گزارشی از آن منطقه است.

هم چنین در جدول زیر میزان رشد و یا کاهش گزارشات با آمار ارائه شده در مقایسه با سال ۱۳۸۹، مورد بررسی قرار گرفته است که کاهش گزارشگری میتواند مربوط به سخت تر شدن امکان فعالیت گزارشگران حقوق بشر در آن مناطق باشد و عوامل رشد نیز علاوه بر رشد نقض حقوق بشر، میتواند به فعالیت بیشتر منابع رسمی مربوط باشد.

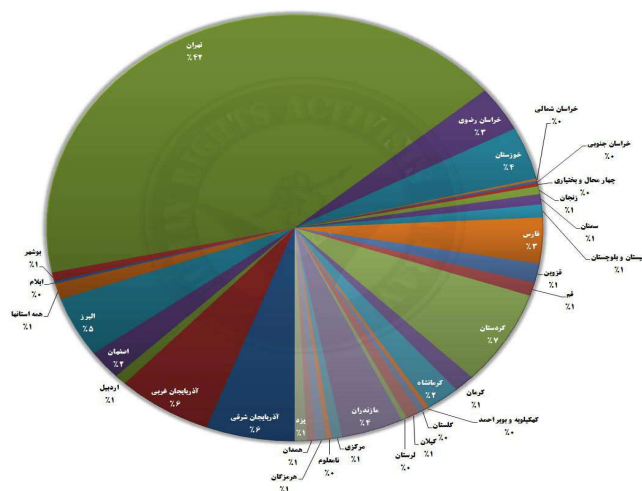
جدول استانی دارای گزارش بر اساس حجم گزارشات نقض حقوق بشر و مقایسه میزان رشد یا کاهش گزارشگری با سال ۱۳۸۹

برای شناخت محبت

نام استان	تعداد گزارشات	میزان رشد %	نام استان	تعداد گزارشات	میزان رشد %
آذربایجان شرقی	۱۴۸	۲۶	قم	۲۶	-۳۹
آذربایجان غربی	۱۵۹	-۵	کردستان	۱۸۴	-۱۴
اردبیل	۲۰	۵	کرمان	۳۵	۲
اصفهان	۵۷	-۳۲	کرمانشاه	۵۶	-۱۲
البرز	۱۱۷	-۳۳	گلستان	۱۱	-۵۲
ایلام	۵	-۳۷	گیلان	۲۳	-۱۷
بوشهر	۱۷	۵۸	لرستان	۹	-۷۳
تهران	۱۰۸۱	-۴۰	مازندران	۱۰۳	-۲۴
خراسان رضوی	۸۸	-۳۲	مرکزی	۱۸	-۱۴
خوزستان	۱۰۲	-۲۰	نامعلوم	۹	-۸۳
خراسان شمالی	۴	-۶۳	هرمزگان	۱۸	۲۷
قزوین	۳۷	-۹	همدان	۱۴	-۳۳
خراسان جنوبی	۴	-۶۰	یزد	۲۰	۱۵
زنجان	۱۵	-۲۸	سیستان و بلوچستان	۲۵	-۵۰
سمنان	۲۰	-۳۱	کل کشور	۳۱	۷۷
فارس	۸۹	۶	کهگیلویه و بویر احمد	۸	-۴۲
چهارمحال و بختیاری	۷	۰			

در ذیل نمودار دایره ای مربوط به مقایسه استانها و حجم گزارشات ارسالی را مشاهده میکند

توانمندی سازمانهای مدافع حقوق بشر در امر گزارشگری به تفکیک استانها

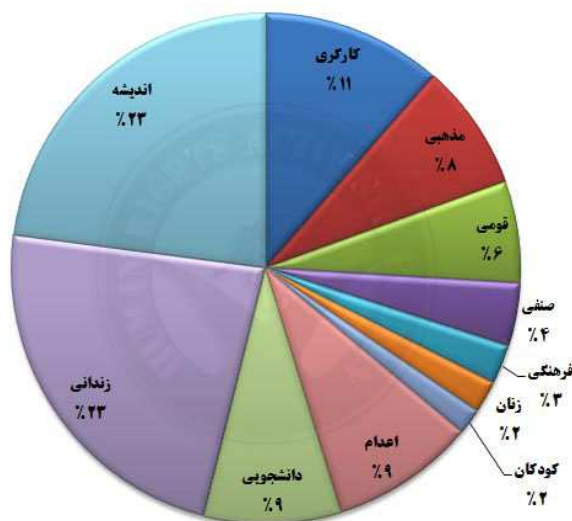


برای شناخت محبت

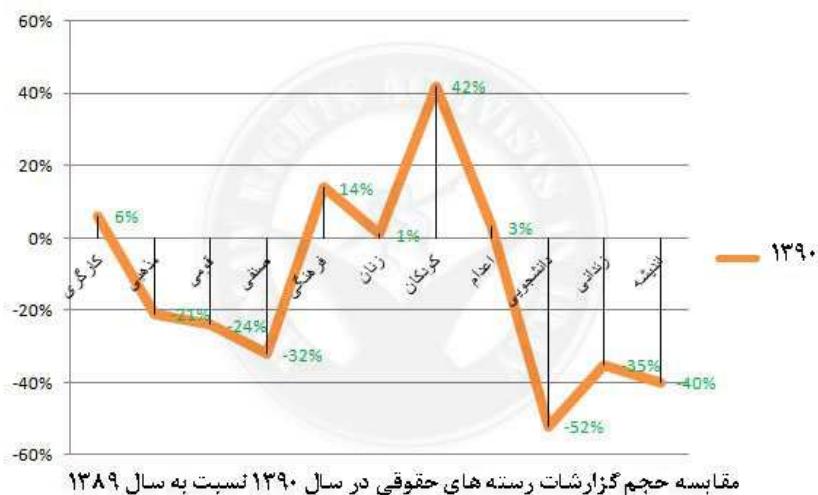
توانمندی سازمانهای مدافع حقوق بشر در امر خطیر گزارشگری در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ ۲۹٪ کاهش داشته است. در بررسی اولیه، افزایش گزارشگری در استانهای آذربایجان شرقی، اردبیل، هرمزگان، فارس، کرمان، بوشهر و یزد با درصد کمی وجود داشته است که عوامل آن را در استان آذربایجان شرقی می توان مربوط به مجموعه اعتراضات شهریور ماه و در استان فارس مربوط به افزایش اجرای حکم اعدام دانست.

اما کاهش کلی گزارشگری از مناطق مرکزی و حاشیه ای کشور به دلیل کاهش نقض حقوق بشر و یا کم کاری سازمان های حقوق بشری نبوده است، بلکه این امر عمدتاً مربوط به افزایش فشار بر مدافعان حقوق بشر و هزینه مند شدن فعالیت گروه های مستقل حقوق بشری از سوی حکومت ایران است. برای شروع بررسی رسته های نقض حقوق بشر در یکسال گذشته به جاست ابتدا نگاهی به نمودار مقایسه رسته ها بر اساس حجم گزارشات یکساله داشته باشیم.

مقایسه رسته های حقوقی بر اساس حجم گزارشات



در مقایسه رسته ای حجم گزارشات منتشر شده در سال ۱۳۹۰ با سال ۱۳۸۹ که بیشتر صعود مربوط به نقض حقوق کودکان با ۴۲٪ و بیشترین نزول مربوط به حقوق دانشجویان با ۵۲٪ به نمودار زیر بنگرید.



برای شناخت محبت

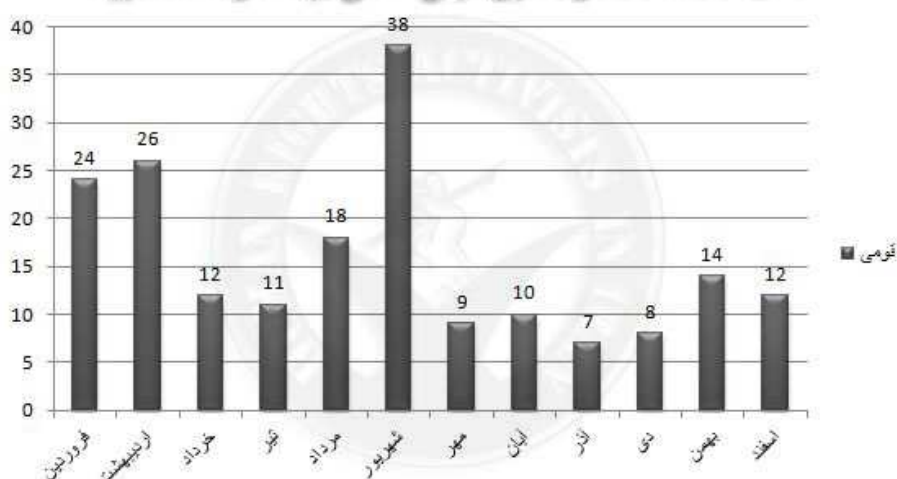
اقلیتهای قومی - ملی

در این رسته ۱۶۵ گزارش توسط نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید که بر اساس آنها ۶۹۱ شهروند بازداشت شدند، ۱۱۴ نفر مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، ۵۶ نفر در شهرهای مرزی تحت نام مبارزه با قاچاق کالا به قتل رسیدند، ۲۹ نفر به نهادهای امنیتی-قضایی احضار شدند و ۶۰ مورد متفرقه دیگر نیز گزارش شده است.

همچنین ۱۲۰ شهروند از سوی دادگاههای انقلاب محاکمه شدند و برای ۱۷۸ نفر نیز ۲۱۱۶ ماه حبس تعزیری و ۶۷۶ ماه حبس تعلیقی، ۱۷۲ میلیون ریال جریمه نقدی ۱۷۴۰ ضربه شلاق و ۲۴۰ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی صادر شده است.

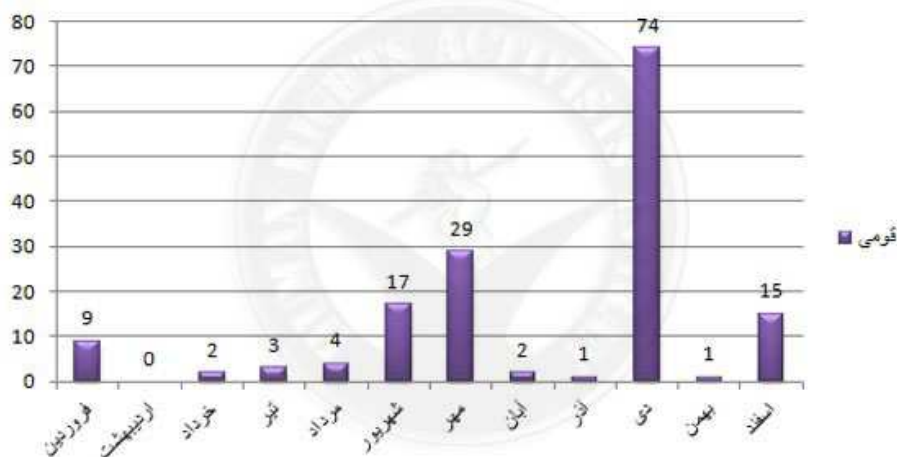
در حوزه اقلیت های قومی ۱۸۸ مورد نقض موارد و بندهای مقابله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۱۶۵ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۱۲۵۰ نفر از شهروندان است در ذیل مقایسه گزارشات مربوط به نقض حقوق اقلیت های ملی را بر اساس تفکیک ماهانه مشاهده می کنید.

مقایسه ماهانه نقض حقوق قومی - ملی بر اساس تعداد مورد



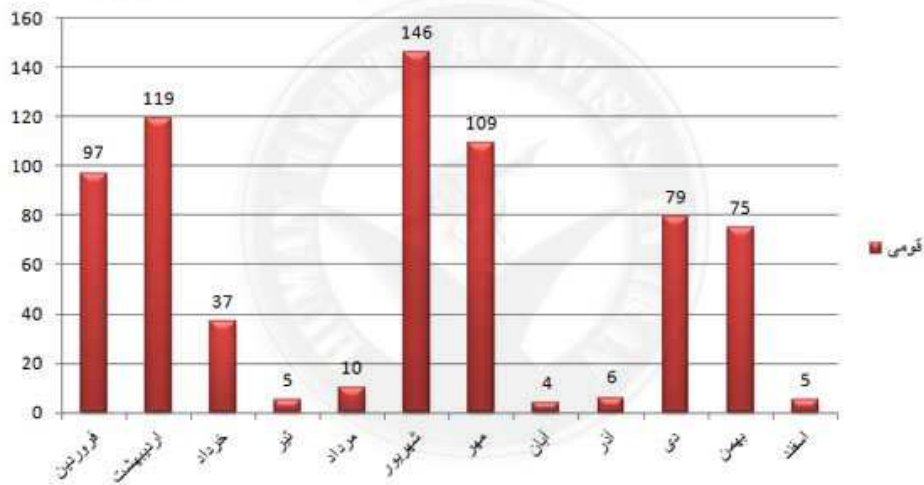
نمودار مقایسه ای سایر موارد در این حوزه نیز در پی می آید:

مقایسه ماهانه تعداد محکومین در رسته اقلیت های قومی



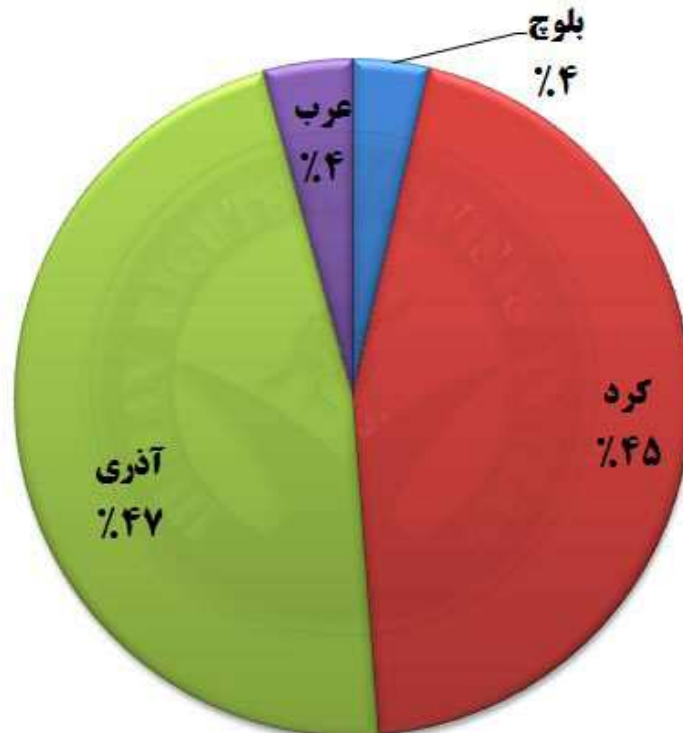
برای شناخت محبت

مقایسه ماهانه تعداد بازداشتی‌ها در رسته اقلیت‌های قومی



در این رسته، آذری‌ها با ۴۷٪ گزارش در صدر دیده‌بانی گزارشگران حقوق بشر قرار دارند و به ترتیب کردها با ۴۵٪، بلوچ‌ها ۴٪ و عرب‌ها ۴٪ در رده‌های بندی دیده‌بانی قرار می‌گیرند. بر اساس آمار فوق و در مقایسه آن با سال ۱۳۸۹ بلوچ‌ها با کاهش ۶۴٪ حجم گزارشات کردها با کاهش ۴۲٪، آذری‌ها با افزایش ۱۴٪ حجم گزارشات و عرب‌ها با افزایش ۲۸٪ مواجه شدند.

مقایسه حجم گزارشات سالانه اقلیت‌های قومی بر اساس تفکیک قومیت‌ها



در حوزه اقلیت‌های قومی بازداشت شهروندان ۳۵٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است، هم‌چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی با افزایش ۷۲٪ همراه بوده است. در مقایسه ماهانه نقض حقوق قومی بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۳۱٪ کاهش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در خرداد ماه با ۷۰٪ و بیشترین نزول در مهر

برای شناخت محبت

ماه با ۶۴٪ گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق اقلیت های قومی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



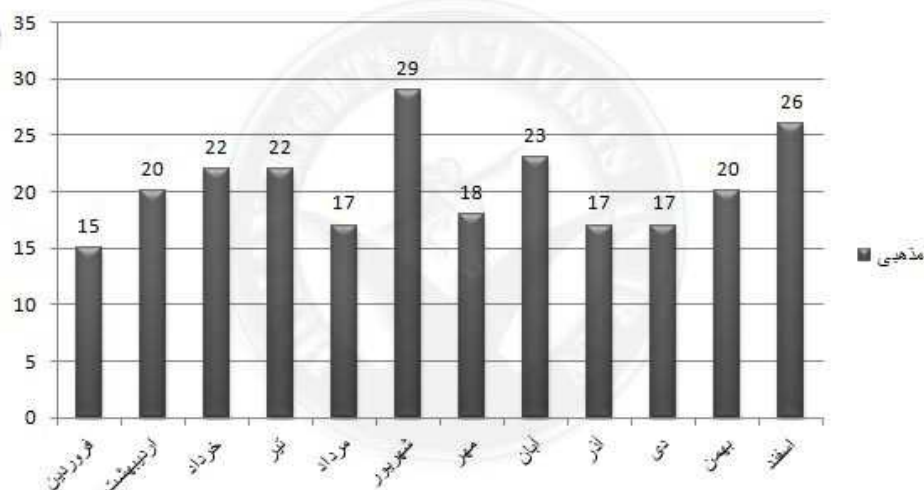
مقایسه نقض موردی حقوق اقلیت های قومی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹

اقلیت های مذهبی

در این رسته در طی یکسال گذشته ۲۰۶ گزارش از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است و بر این اساس ۶۹۱ شهروند بازداشت شدند، ۴ مورد جلوگیری از اجرای آیین مذهبی گزارش شده است، ۷ مورد ضرب و شتم، ۳ مورد تخریب یا پلمپ اماکن اقلیت های مذهبی، ۳ مورد آسیب به امنیت شغلی، ۳ مورد ممانعت از دفن اجساد، ۱۶ مورد ممانعت از فعالیت اقتصادی اقلیت های مذهبی، ۱۲۹ مورد احضار به نهادهای امنیتی-قضایی و ۱۳۹ مورد متفرقه از نقض حقوق اقلیت های مذهبی گزارش شده است.

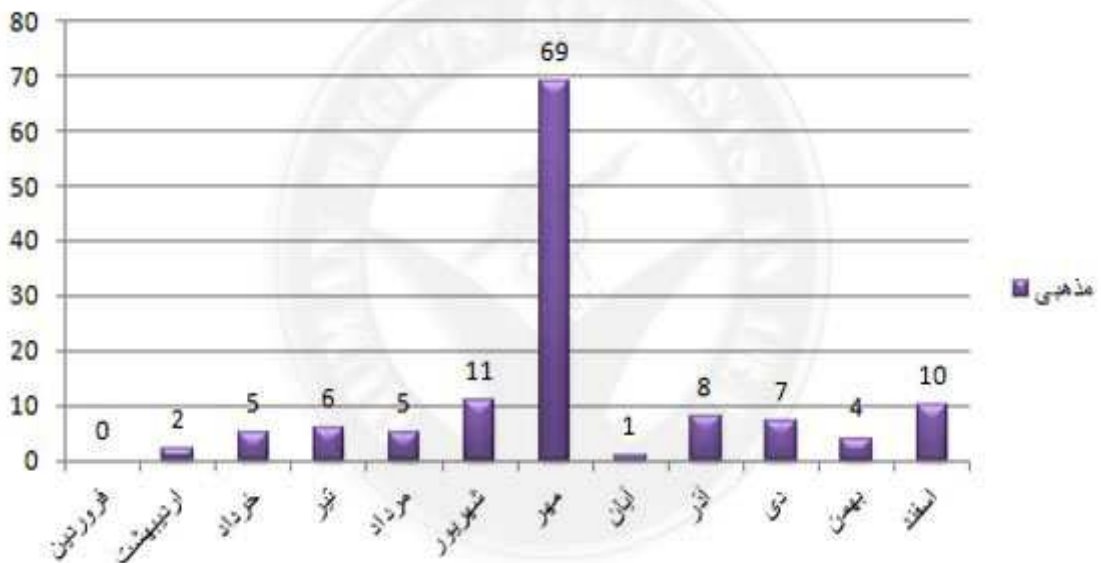
۱۲۸ نفر از اقلیت های مذهبی از سوی نهادهای قضایی مجموعاً ۴۱۴۰ ماه حبس تعزیری، ۲۱۲ ماه حبس تعلیقی، ۱۸۴ میلیون ریال جریمه نقدی، ۲۵۰ ضربه شلاق و ۶۰ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند. در حوزه اقلیت های مذهبی ۲۴۶ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۲۰۶ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۸۱۰ نفر از شهروندان است.

مقایسه ماهانه نقض حقوق اقلیت های مذهبی بر اساس تعداد مورد

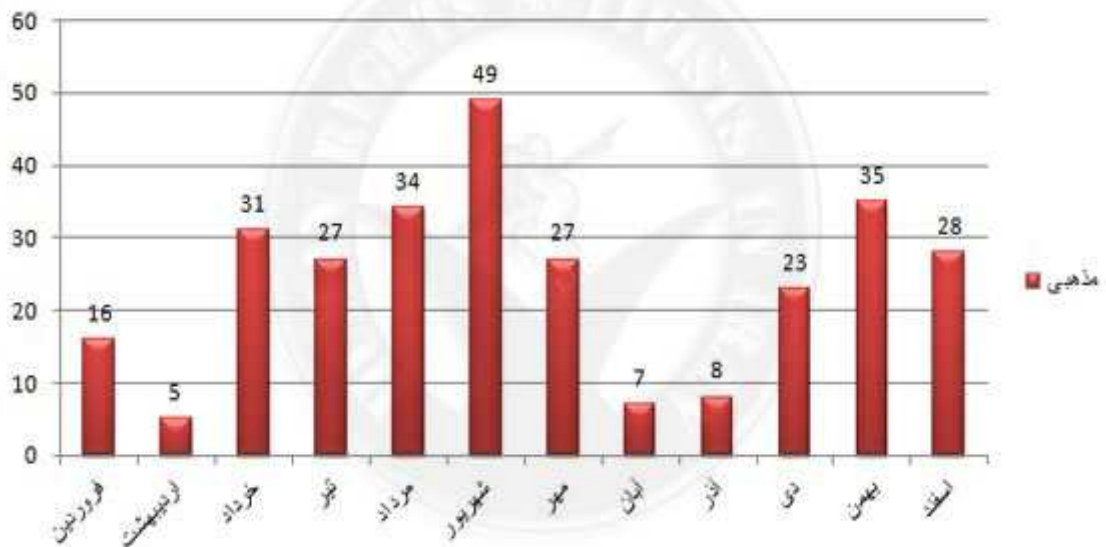


برای شناخت محبت

مقایسه ماهانه تعداد محکومین در حوزه اقلیت های مذهبی



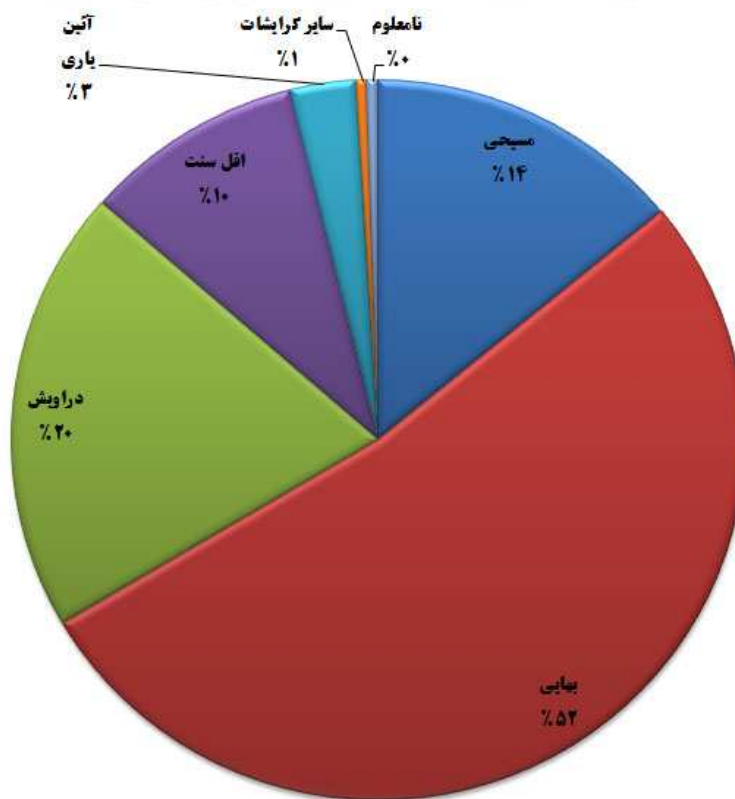
مقایسه ماهانه تعداد بازداشت ها در حوزه اقلیت های مذهبی



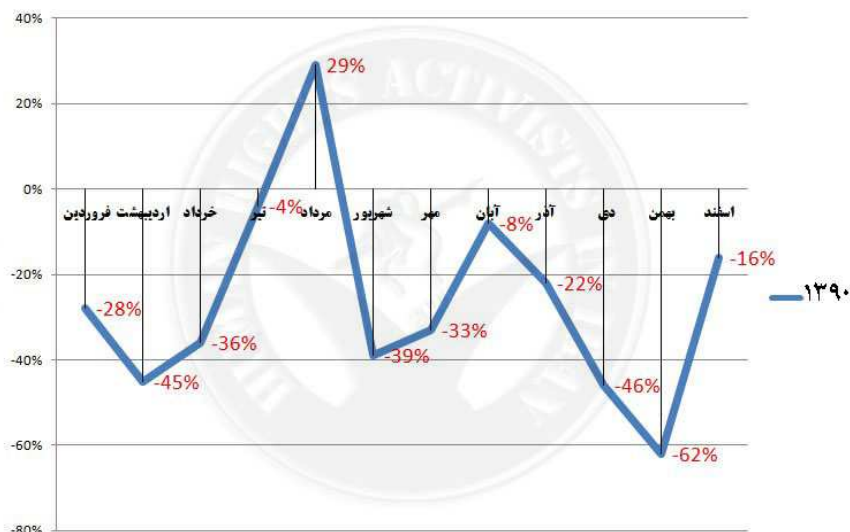
در این رسته، بهائیان با ۵۲٪ گزارش در صدر دیده بانی گزارشگران حقوق بشر قرار دارند و به ترتیب در اویش با ۲۰٪ مسیحیان ۱۴٪ و اهل سنت ۱۰٪ در رده های بندی دیده بانی قرار می گیرند.

برای شناخت محبت

مقایسه حجم گزارشات در رسته اقلیت های مذهبی بر اساس ادیان و مذاهب



در حوزه اقلیت های مذهبی بازداشت شهروندان ۹٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با کاهش ۴٪ همراه بوده است. در مقایسه ماهانه نقض حقوق مذهبی بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۳۰٪ کاهش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در مرداد ماه با ۲۹٪ و بیشترین نزول در بهمن ماه با ۶۲٪ گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق اقلیت های مذهبی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



مقایسه نقض موردی حقوق اقلیت های مذهبی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹

برای شناخت محبت

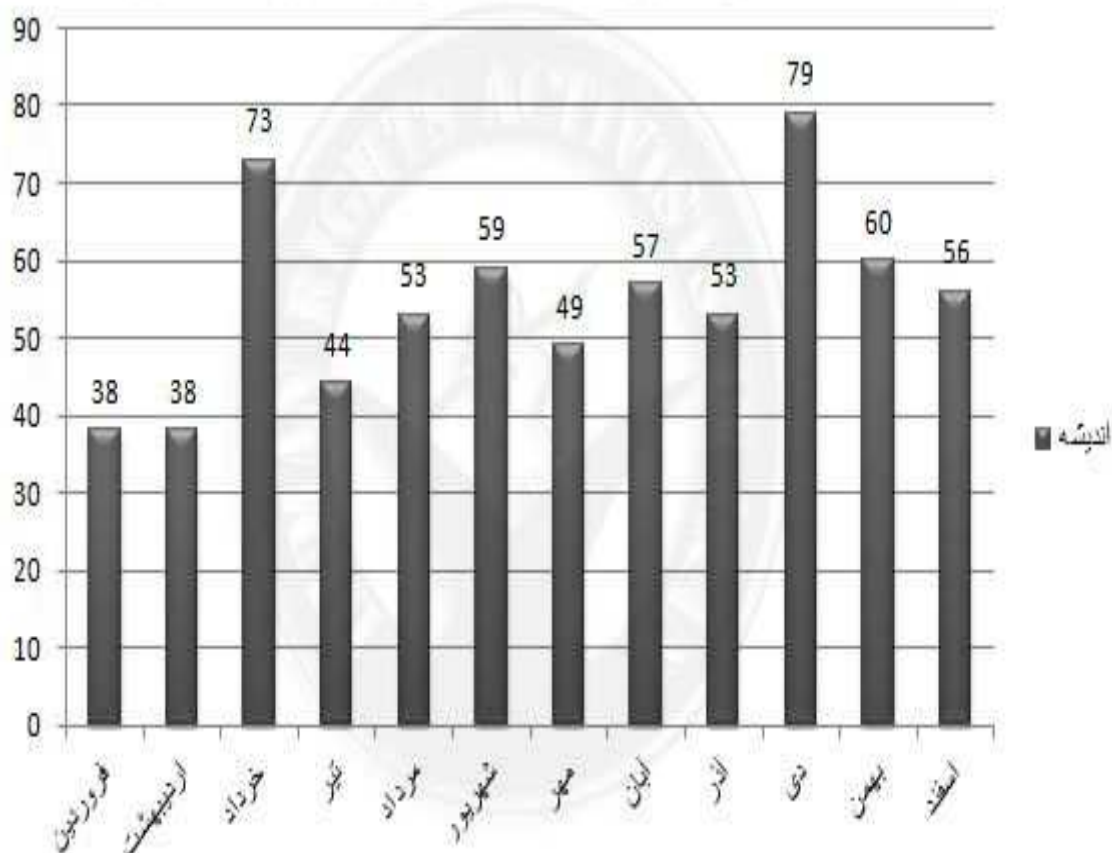
اندیشه و بیان

در این رسته در طی سال ۱۳۹۰، جمعاً ۵۸۷ گزارش از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است، در این جمع، ۲۳ مورد اعمال فیلترینگ اینترنتی گزارش شده است، ۱۸ توقیف نشریه، ۱۱ اختلال عمدی در شبکه اینترنت، ۱ مورد اختلال عمدی در شبکه مخابرات، ۳۳۶ بازداشت موردی، ۹ مورد ضرب و شتم، ۱۷ مورد ممانعت از برگزاری تجمع، مراسم یا سخنرانی، ۱۴ مورد پلمپ تشکل و دفاتر، ۳۰ بازداشت فله‌ای، ۳۴ مورد تهدید و ارباب، ۹۹ مورد احضار به مراجع قضایی- امنیتی و ۸۷ مورد سایر موضوعات متفرقه در حوزه اندیشه و بیان گزارش شده است.

هم چنین در این حوزه ۵۶۰ نفر محاکمه شدند، ۱۸۷ نفر از سوی مراجع قضایی به ۹۵۰۷ ماه حبس تعزیری، ۳۲۰ ماه حبس تعلیقی، ۲۳ میلیارد و ۶۰۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال جریمه نقدی، ۸۹۲ ضربه شلاق و ۱۱۱۰ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند.

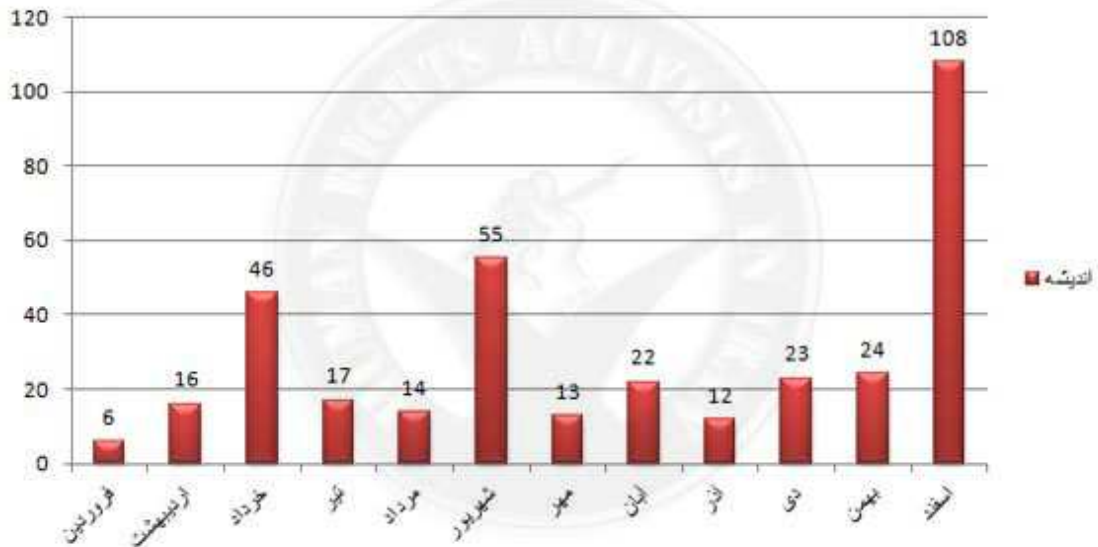
در حوزه اندیشه و بیان ۶۵۹ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۵۸۷ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۱۵۱۱ نفر از شهروندان است.

مقایسه ماهانه نقض حقوق اندیشه و بیان بر اساس تعداد مورد

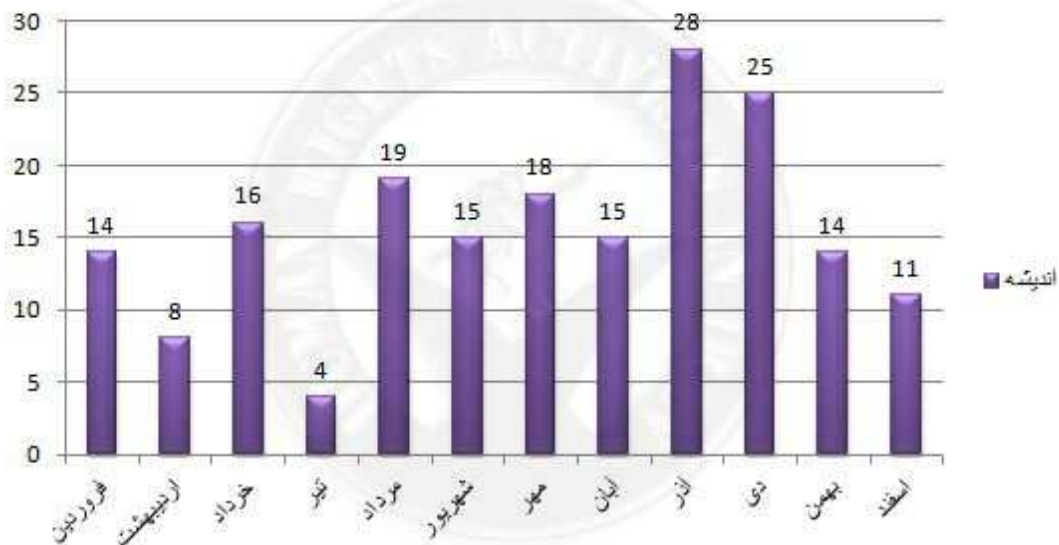


برای شناخت محبت

مقایسه ماهانه تعداد بازداشتی‌ها در رسته اندیشه و بیان



مقایسه ماهانه تعداد محکومین در رسته اندیشه و بیان

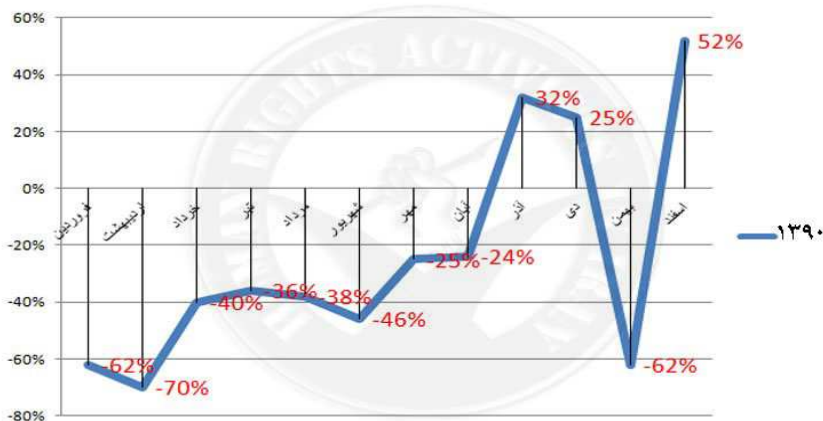


در حوزه اندیشه و بیان، بازداشت شهروندان ۲۱٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با کاهش ۲۹٪ همراه بوده است.

در مقایسه ماهانه نقض حقوق اندیشه و بیان بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۴۳٪ کاهش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در مرداد ماه با ۲۹٪ و بیشترین نزول در بهمن ماه با ۶۲٪ گزارش شده است.

برای مقایسه نقض موردی حقوق شهروندی (حوزه اندیشه و بیان) در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.

برای شناخت محبت

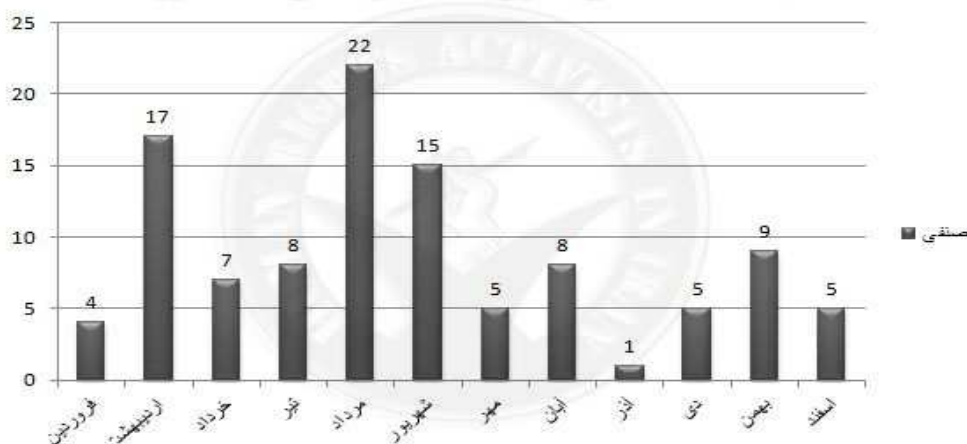


مقایسه نقض موردی حقوق شهروندی (اندیشه و بیان) در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹

اصناف

در رسته حقوق اصناف در سال ۱۳۹۰، جمعاً ۱۰۲ گزارش از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است که از این گزارشات ۱۰۶ مورد آن مربوط به بازداشت موردی فعالان حقوق صنفی، ۴۶۴ مورد پلمپ اماکن، ۱ مورد ابطال مجوز تشکلات صنفی، ۱ مورد لغو مراسم، ۳۶ مورد احضار به مراجع قضایی- امنیتی، ۲۲۴۵۷ مورد متفرقه گزارش شده است. در این رسته ۱۹ تن از سوی دستگاه قضایی به ۵۵۲ ماه حبس تعزیری، ۱۹۲ ماه حبس تعلیقی و ۴۲۰ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی محروم شدند. همچنین ۱۰۲ مورد گزارش در کل در این رسته گردآوری شده است که شامل ۱۰۶ مورد نقض مستقیم حقوق بشر برای ۳۱۱۲۹ شهروند بوده است. در حوزه اصناف ۱۰۶ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۱۰۲ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۳۱۱۲۹ نفر از شهروندان است.

مقایسه ماهانه نقض حقوق اصناف بر اساس تعداد مورد



در حوزه اصناف بازداشت شهروندان ۵۴٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با افزایش ۴۷٪ همراه بوده است.

در مقایسه ماهانه نقض حقوق صنفی بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۳۸٪ کاهش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در مرداد ماه با ۵۰٪ و بیشترین نزول در آذر ماه با ۸۸٪ گزارش شده است.

برای مقایسه نقض موردی حقوق اصناف در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار ذیل بنگرید.

برای شناخت محبت



دانشجویی

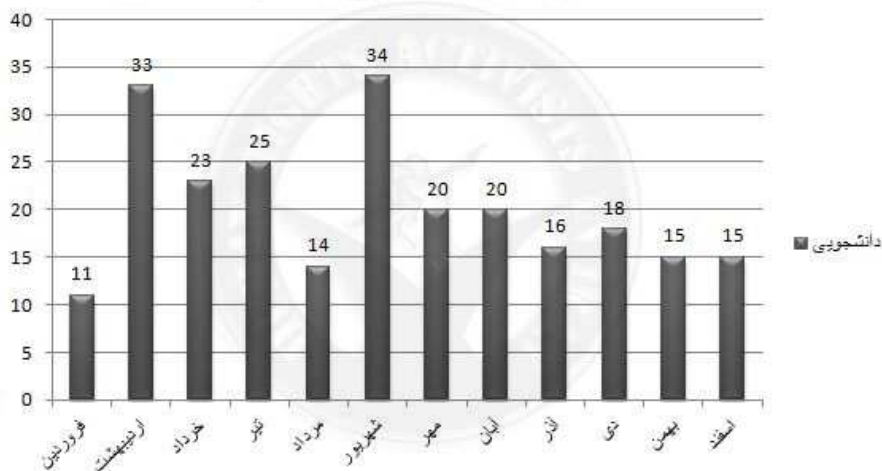
در این رسته در سال ۱۳۹۰ جمعاً ۲۲۴ گزارش از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است که در مجموع شامل ۵۲ مورد بازداشت دانشجوی، ۳ مورد اخلاف در تجمع، ۵ مورد ضرب و شتم، ۲ مورد لغو مجوز نشریه دانشجویی، ۲۷ مورد احضار به مراجع قضایی- امنیتی، ۲۳ مورد احضار به کمیته‌های انضباطی، ۴۸ مورد اقدام در راستای اعمال تقنیک جنسیتی، ۲ مورد پلمپ اماکن و دفاتر تشکلات، ۴۲ مورد تعلیق از تحصیل، ۶۲ مورد اخراج و یا محرومیت از تحصیل ۸۳ مورد سایر موارد نقض حقوق آکادمیک گزارش شده است.

در این رسته در سال گذشته ۶۶ دانشجو از سوی دستگاه قضایی کشور محاکمه شدند و ۷۸ دانشجو نیز به ۱۰۴۵ ماه حبس تعزیری، ۱۰۸ ماه حبس تعلیقی، ۳۹۸ ضربه شلاق و ۳۶ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند.

مجموعاً از ۲۲۴ گزارش گردآوری شده ۲۲۴ مورد نقض حقوق دانشجویی برای ۵۳۰ نفر به ثبت رسیده است.

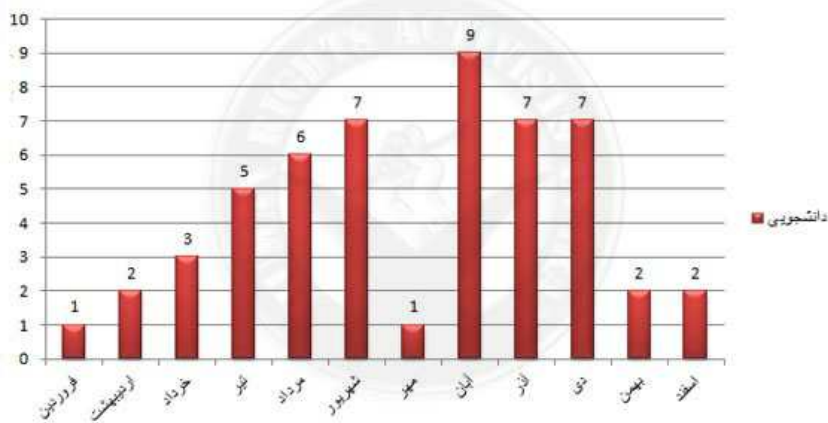
در حوزه دانشجویی ۲۲۴ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۲۲۴ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۵۳۰ نفر از دانشجویان است.

مقایسه ماهانه نقض حقوق دانشجویی بر اساس تعداد مورد

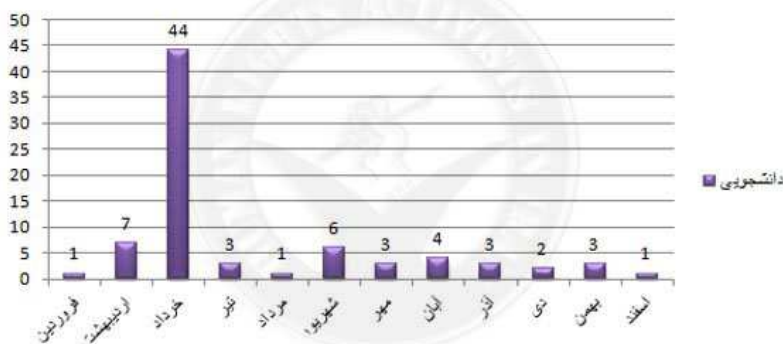


برای شناخت محبت

مقایسه ماهانه تعداد بازداشتی‌ها در رسته دانشجویی



مقایسه ماهانه تعداد محکومین در رسته دانشجویی



در حوزه دانشجویی بازداشت شهروندان ۷۸٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با کاهش ۲۹٪ همراه بوده است. در مقایسه ماهانه نقض حقوق دانشجویان بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۵۵٪ کاهش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در اسفند ماه با ۷۷٪ و بیشترین نزول مشترکا در آذر ماه و فروردین ماه با ۷۱٪ گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق دانشجویان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



برای شناخت محبت

اعدام

در این رسته در سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۳۳ گزارش از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است که شامل محکومیت ۵۲۳ نفر به اعدام و اجرای حکم اعدام ۴۵۶ نفر می باشد که از این تعداد ۸۲ نفر در ملاء عام اعدام شدند.

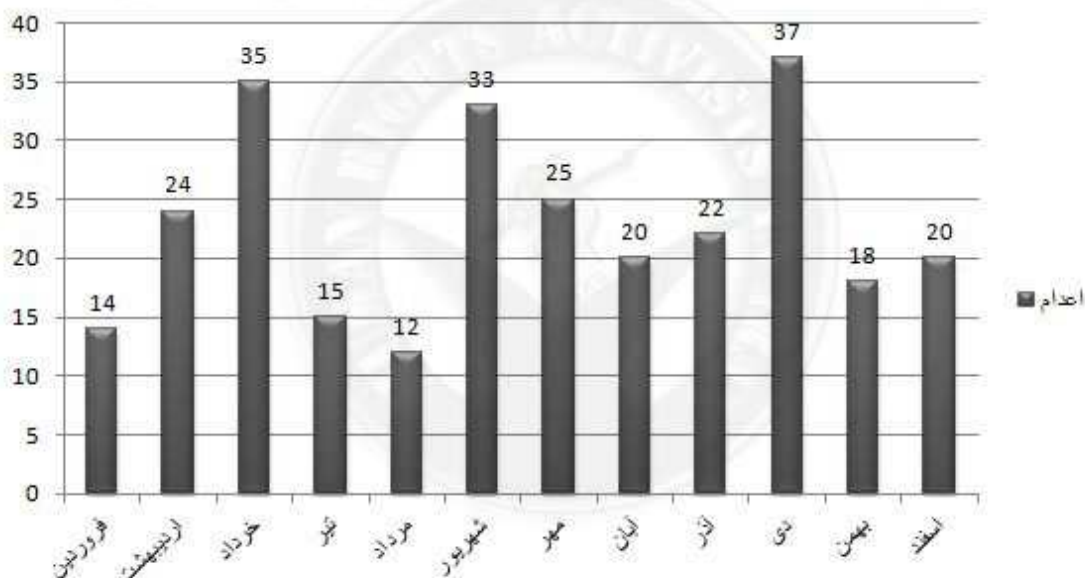
در سال گذشته دست کم ۳۰۸ نفر از اعدام شدگان را مردان و ۵ تن را زنان تشکیل دادند هم چنین ۱۴۳ تن بدون اعلام هویت در رسانه های دولتی، اعدام شدند و یا به عبارتی دیگر ۶۸٪ اعدامیان مرد و ۱٪ زن و ۳۱٪ با هویت نامعلوم اعدام شدند.

۳ تن از اعدام شدگان به دلیل دگر اندیشی و بر اساس فعالیت های سیاسی و به اتهام محاربه اعدام شدند که پیکر آنها تحویل خانواده نشده و یا پس از دفن توسط دستگاه قضایی محل دفن ایشان به خانواده ابلاغ شده است.

در گزارشات منتشر شده، ۳۱۳ مورد اتهام جرایم مربوط به مواد مخدر ۱۹ مورد اتهام تجاوز به عنف، ۴۰ مورد اتهام قتل، ۷ مورد اتهام محاربه، ۴ مورد اتهام لواط و یا همجنس گرایی، ۳۱ مورد اتهام تجاوز ۶ مورد آدم ربایی و تجاوز، ۳ مورد رابطه نامشروع، ۳ مورد سرقت، ۱۶ مورد سرقت مسلحانه و ۳۳ مورد بدون اعلام اتهام در رسانه های دولتی در خصوص اجرای حکم اعدام برای متهمین قرائت شده است.

در حوزه صدور و اجرای حکم اعدام ۲۸۰ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۲۴۴ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۱۰۷۷ نفر از شهروندان است.

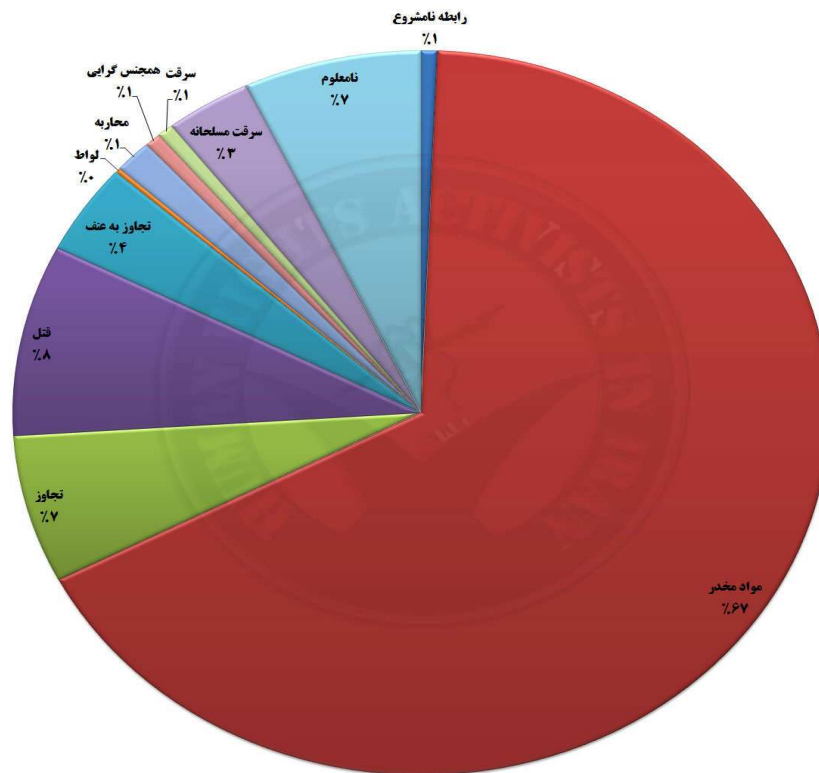
مقایسه ماهانه صدور و اجرای حکم اعدام بر اساس تعداد مورد



در نمودار زیر اجرای حکم اعدام در دادگاه های مختلف کشور بر اساس جرم مورد بررسی قرار گرفته است که جرایم مربوط به مواد مخدر با ۷۱٪ در صدر، قتل ۹٪، تجاوز ۷٪، تجاوز به عنف و سرقت مسلحانه ۴٪ در رده های بعدی قرار دارند.

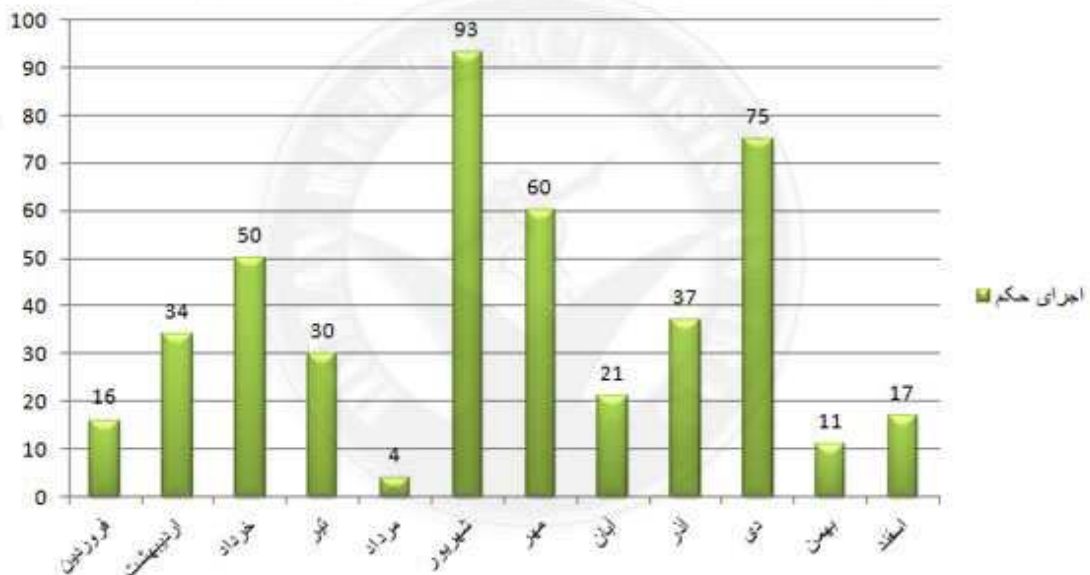
برای شناخت محبت

مقایسه اجرای حکم اعدام بر اساس تفکیک اتهامات



برای مشاهده اجرای حکم اعدام در طی ماههای مختلف سال ۱۳۹۰ به نمودار زیر بنگرید.

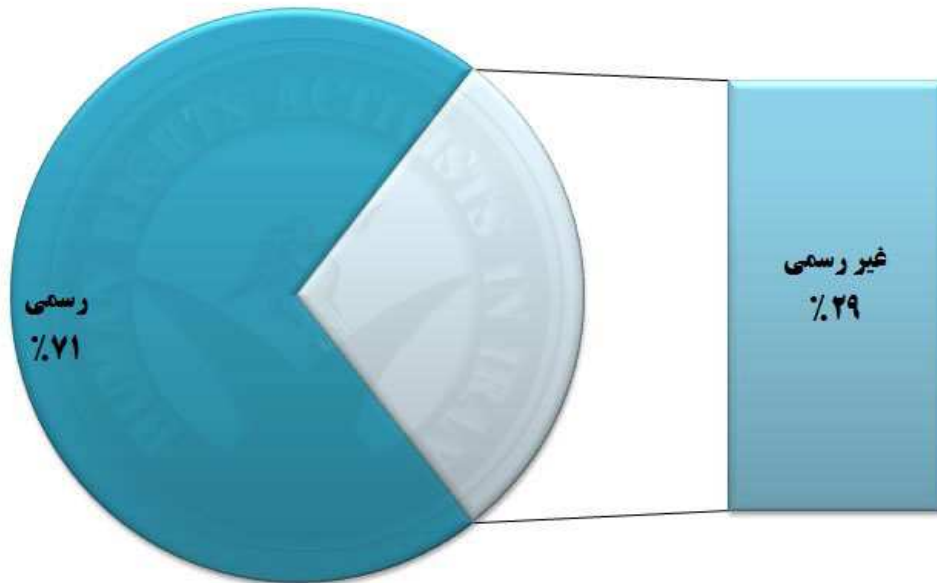
مقایسه ماهانه اجرای حکم اعدام بر اساس تعداد نفقات



در این نمودار که رابطه مستقیمی با اعدام های مخفیانه دارد منابع مستقل و یا غیر رسمی ۲۹٪ گزارشات را منتشر کرده اند که در اکثر آنها قوه قضائیه سکوت کرده است.

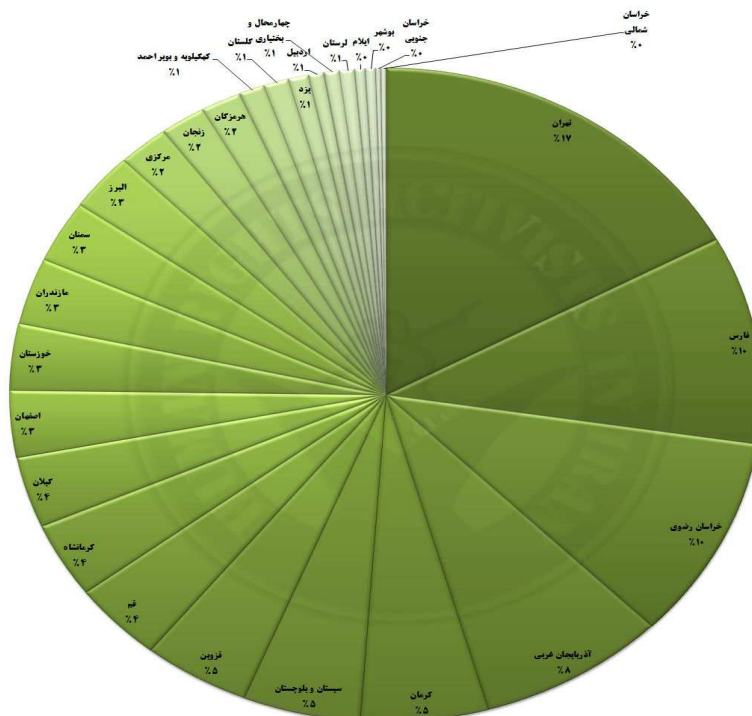
برای شناخت محبت

تفکیک اعدام های رسمی و مخفیانه در سال ۹۰



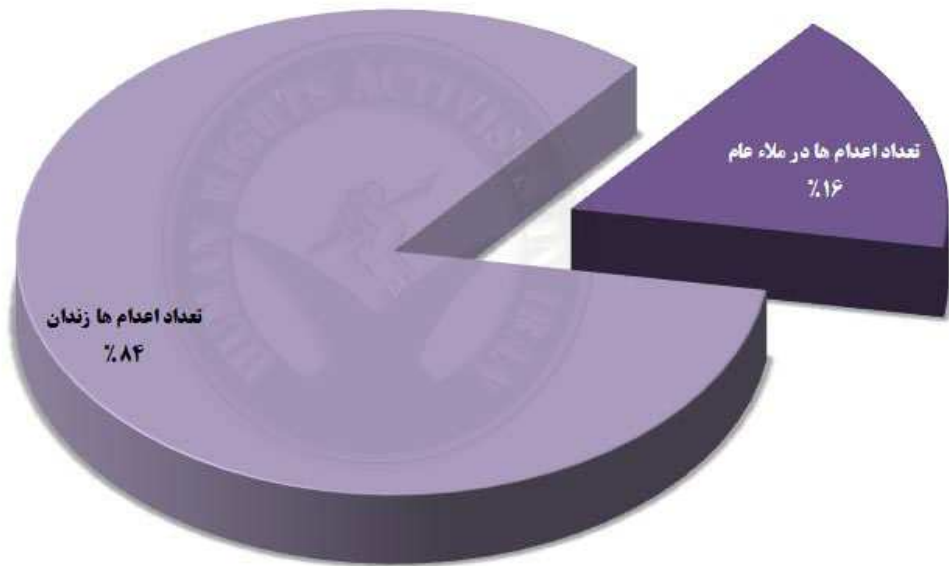
در نمودار زیر نیز اجرای حکم اعدام در استان های مختلف کشور مورد بررسی قرار گرفته است که بر این اساس استان تهران با ۱۷٪ در صدر و فارس و خراسان رضوی با ۱۰٪ و آذربایجان غربی با ۸٪ در رتبه های بعدی قرار دارند.

مقایسه حجم اعدام ها در استان های مختلف کشور

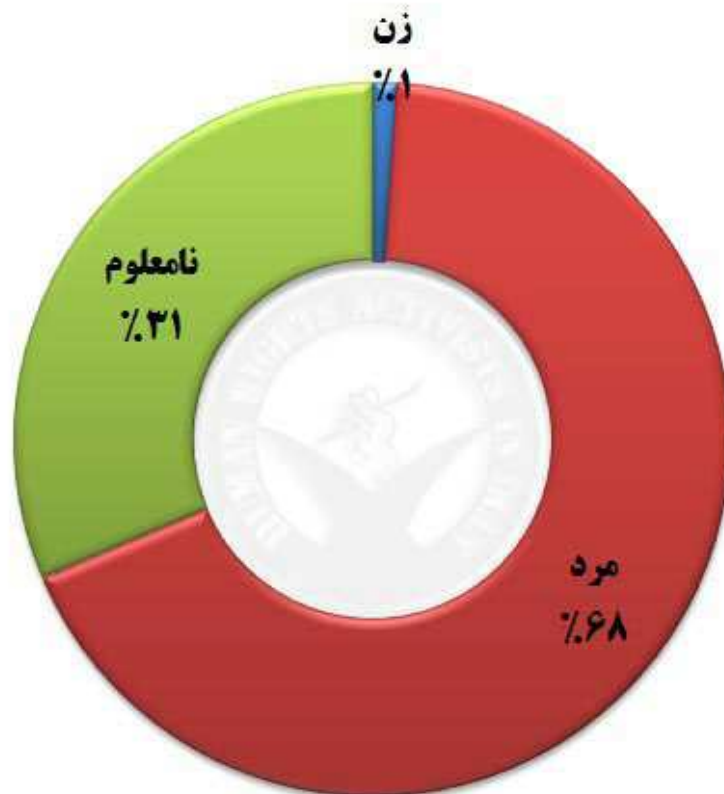


بر اساس نمودار زیر ۱۶ درصد اعدام ها در ملاء عام و انظار عمومی به اجرا در آمده است.

مقایسه محل اجرای حکم اعدام در سال ۹۰



مقایسه جنسیت اعدام شدگان در سال ۹۰



در حوزه اعدام زندانیان عادی و عقیدتی صدور حکم اعدام از سوی دادگاه های عمومی و انقلاب نسبت به سال ۱۳۸۹، ۴۱٪ افزایش داشته است هم چنین اجرای حکم اعدام نیز با افزایش ۱۴٪ همراه بوده است.

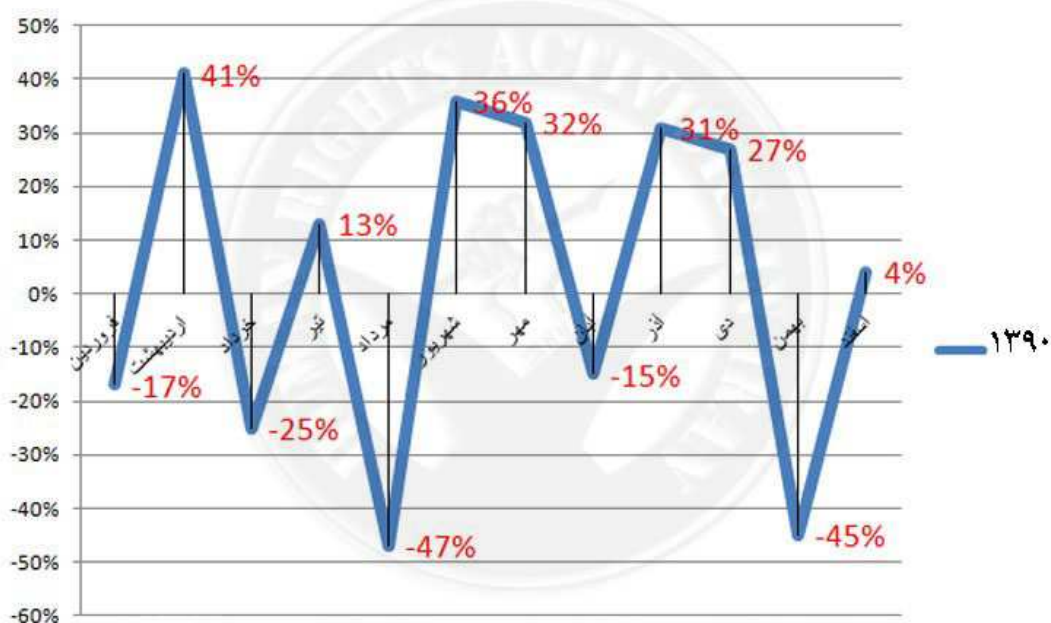
برای شناخت محبت

در بررسی اجرای احکام اعدام، اجرای حکم در ملاء عام ۸۲٪ نسبت به سال پیش افزایش داشته است و اجرای حکم در زندان ها نیز با افزایش ۱٪ همراه بوده است.

قابل ذکر است در این رسته اعدام های مخفیانه و بی هویت در زندانها ۲۶٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش داشته است و این در حالی است که اعلام اعدام ها از سوی قوه قضائیه و رسانه های دولتی با کاهش ۴٪ همراه بوده است.

در مقایسه ماهانه رسته اعدام ها بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۳٪ افزایش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در اردیبهشت ماه با ۴۱٪ و بیشترین نزول در مرداد ماه با ۴۷٪ گزارش شده است.

برای مقایسه صدور و اجرای حکم اعدام در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



مقایسه نقض موردی حقوق بشر در صدور و اجرای حکم اعدام در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹

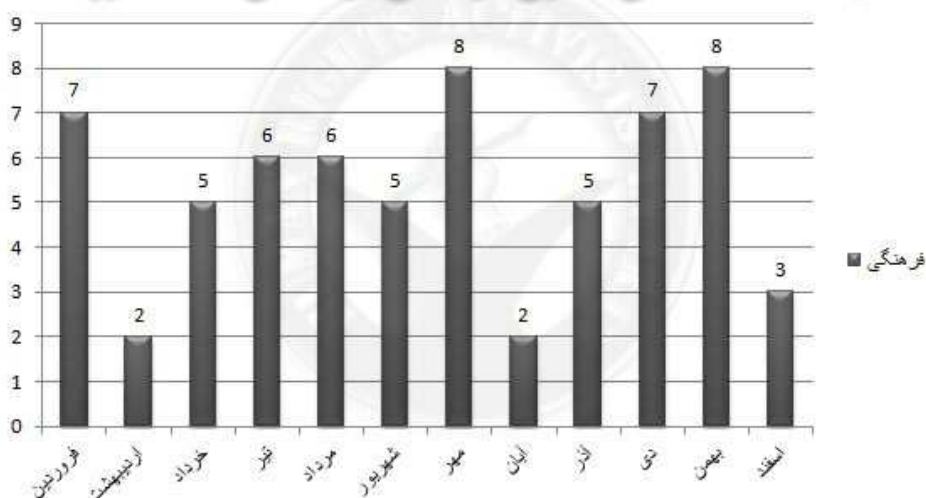
حقوق فرهنگی

در این رسته در سال گذشته ۶۳ گزارش نقض حقوق بشر از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است که جمعاً ۱۲۰ تن دستگیر، مجوز ۲ تشکل فرهنگی باطل و از انتشار ۱۱ اثر فرهنگی و نیز از اجرای ۷ برنامه فرهنگی ممانعت بعمل آمده است، همچنین ۵۲ تن به مراجع قضایی-امنیتی احضار شدند، ۲ تن ممنوع الخروج، ۲ تن ممنوع التصوير و ۱۹ مورد نیز موارد متفرقه از نقض حقوق بشر در این بخش را در بر گرفته است. در این حوزه ۵ تن از فعالین از سوی دستگاه قضایی به ۱۶۲ ماه حبس تعزیری، ۶۰ ماه حبس تعلیقی، ۹۰ ضربه شلاق و ۲۴۰ ماه محرومیت از فعالیت فرهنگی محکوم شدند.

در حوزه فرهنگی ۶۴ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۶۳ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۲۳۰ نفر از شهروندان است.

برای شناخت محبت

مقایسه ماهانه نقض حقوق فرهنگی بر اساس تعداد مورد



در حوزه فرهنگی بازداشت شهروندان ۶۲٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با افزایش ۶۰٪ همراه بوده است. در مقایسه ماهانه نقض حقوق فرهنگی بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۳٪ افزایش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در اردیبهشت ماه با ۱۰۰٪ و بیشترین نزول در فروردین ماه با ۴۶٪ گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق فرهنگی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



کارگری

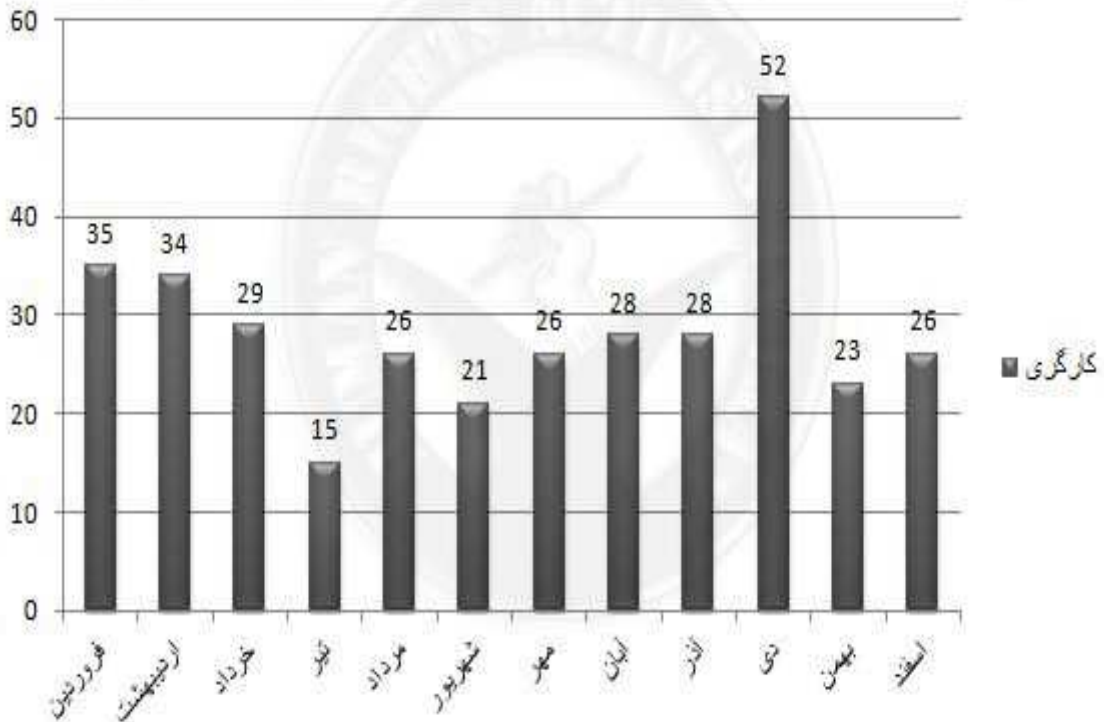
در این رشته در سال ۱۳۹۰، ۲۹۳ گزارش در بررسی های آماری گردآوری شد که بر اساس آن جمعاً ۴۵ تن دستگیر شدند، ۷۵ مورد اعتصاب کارگری گزارش شده است، ۴۴۵۲۵ کارگر از کار اخراج یا تعدیل شده‌اند، گزارشات عقب افتادن حقوق ۱۷۷۱ ماه کارگران مستند شده است، ۱۷۲۳۲۶ کارگر از کار بیکار شده‌اند، ۱۱۴ تن در سوانح کاری کشته شده‌اند، ۶۹ مورد صدمات جسمی به کارگران در حین کار گزارش شده است، ۱۳۱۲۳ مورد نبود بیمه کار برای کارگران گزارش شده است، ۱۱۶۷ کارگر بلاتکلیف در حوزه کار گزارش شده است، ۴۳ فعال کارگری احضار و ۶۱ مورد سایر موارد مستند شده است.

برای شناخت محبت

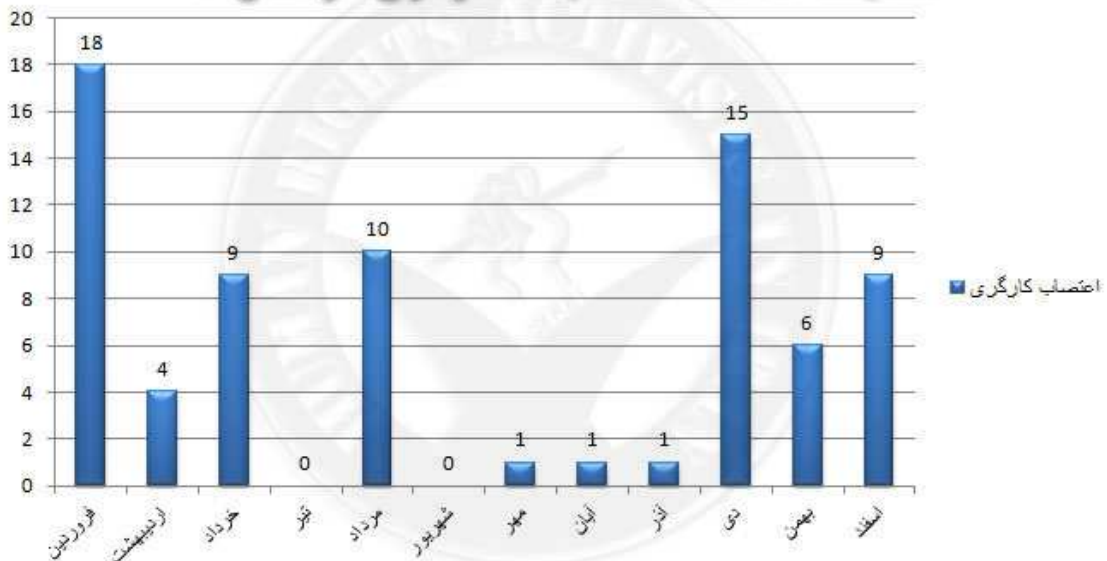
در مجموع ۲۶ تن از فعالین کارگری از سوی دستگاه قضایی به ۱۰۲۱ ماه حبس تعزیری، ۲۶ ماه حبس تعلیقی و ۸۱ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شدند.

در حوزه کارگری ۳۴۴ مورد نقض موارد و بندهای مقابله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۲۹۳ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۱۸۱۹۸۳ نفر از کارگران و یا فعالین حقوق کارگری است.

مقایسه ماهانه نقض حقوق کارگری بر اساس تعداد مورد

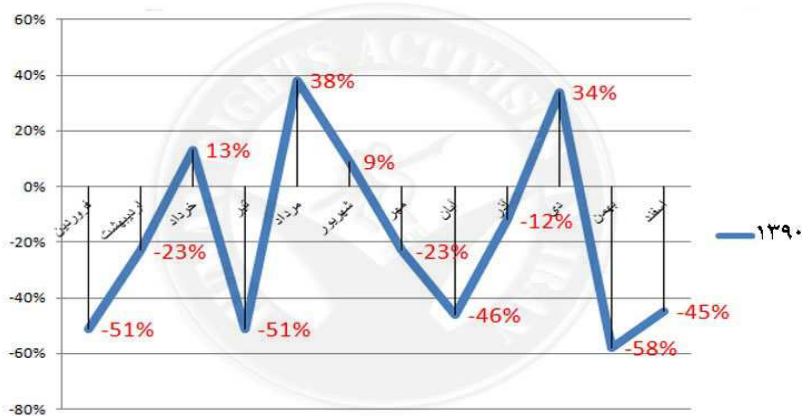


مقایسه ماهانه اعتصابات کارگری در سال ۹۰



برای شناخت محبت

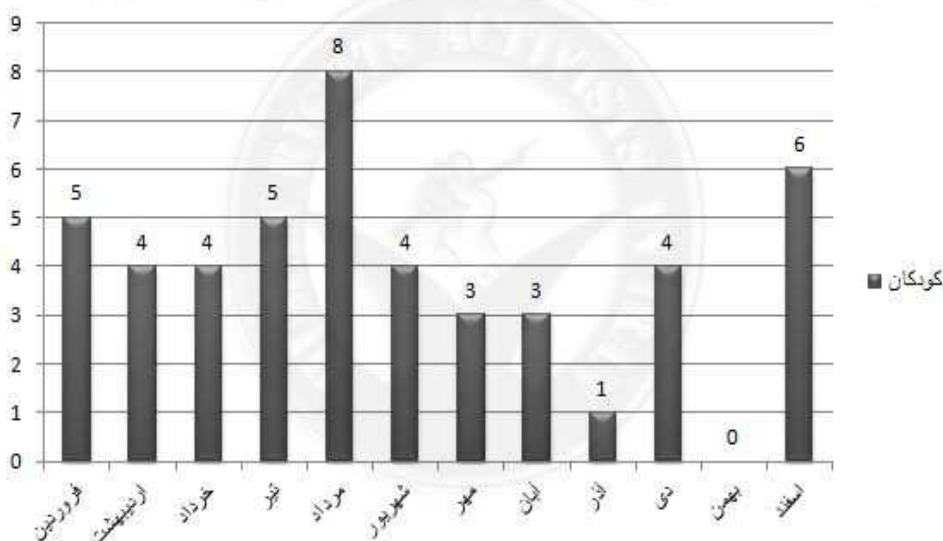
در حوزه کارگری بازداشت شهروندان ۱۱٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با افزایش ۴۶٪ همراه بوده است. در مقایسه ماهانه نقض حقوق کارگری بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۱٪ کاهش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در مرداد ماه با ۲۹٪ و بیشترین نزول در بهمن ماه با ۶۲٪ گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق کارگری در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



مقایسه نقض موردی حقوق کارگران در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹

در این رشته و در سال ۱۳۹۰ از مجموع ۴۲ گزارشی که توسط نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گردآوری شد جمعاً ۲۷ مورد کودک آزاری و آزار جنسی، ۴ مورد صدور و یا اجرای حکم اعدام، ۶۰۰۰۰۱ مورد کار کودکان، ۳ مورد بازداشت فعالین حقوق کودکان، ۲۰۰ مورد محروم از تحصیل را در بر گرفته است. در کل گزارشات گردآوری شده در این حوزه ۴۲ مورد بوده است که ۴۷ مورد نقض حقوق بشر برای ۶۳۲۸۵۴ نفر برآورد شده است. در حوزه کودکان ۴۷ مورد نقض موارد و بندهای مقاله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۴۲ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۶۳۲۸۵۴ نفر از کودکان و یا فعالین حقوق کودک است.

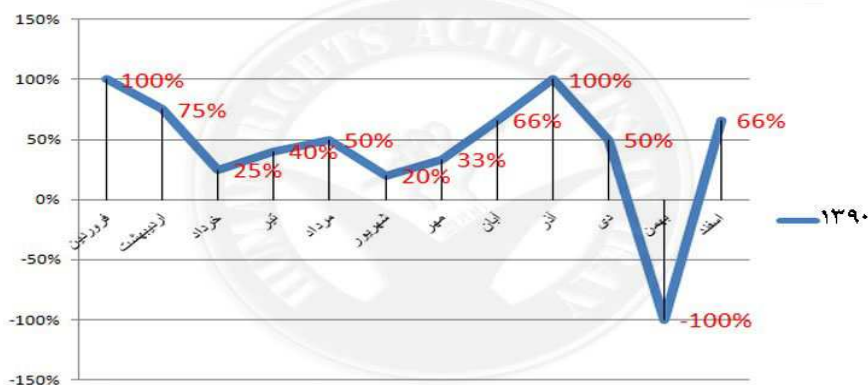
مقایسه ماهانه نقض حقوق کودکان بر اساس تعداد مورد



برای شناخت محبت

حقوق کودکان

در حوزه حقوق کودکان، بازداشت فعالان این عرصه ۱۰۰٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است، با این حال صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با کاهش ۱۰۰٪ همراه بوده است. در مقایسه ماهانه نقض حقوق کودکان بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۴۴٪ افزایش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه مشترکاً در فروردین ماه و آذر ماه با ۱۰۰٪ و بیشترین نزول در بهمن ماه با ۱۰۰٪ کاهش گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق کودکان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.

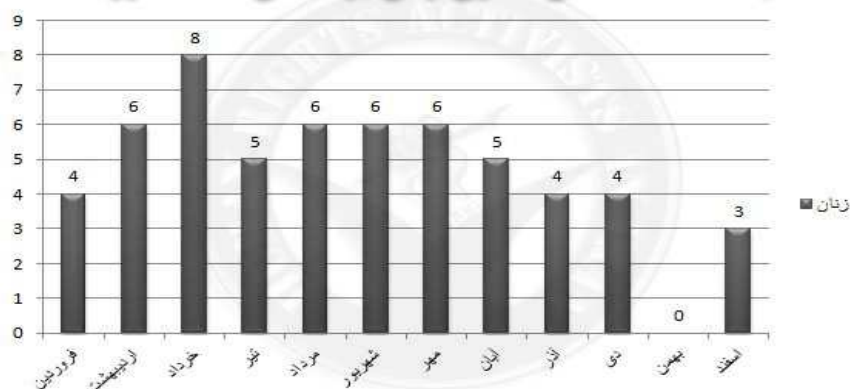


مقایسه نقض موردی حقوق کودکان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹

زنان

در این رشته در سال ۱۳۹۰ جمعاً ۵۲ گزارش گردآوری شده است که بر اساس آن جمعاً ۷ فعال حقوق زنان بازداشت شدند، ۶ مورد خودسوزی زنان گزارش و ۸ مورد قتل ناموسی، ۱ مورد ممانعت از تجمع یا مراسم، ۱۵ مورد سایر موارد متفرقه گزارش شده است. ۹ تن از فعالین این عرصه از سوی دستگاه قضایی کشور به ۴۷ ماه حبس تعزیری، و ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال جریمه نقدی محکوم شدند. در کل گزارشات گردآوری شده در این حوزه ۵۲ مورد بوده است که شامل ۵۷ مورد نقض حقوق زنان برای دستکم ۷۱ تن بوده است. در حوزه زنان ۵۷ مورد نقض موارد و بندهای مقاوله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۵۲ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۷۱ نفر از زنان و فعالین حقوق زنان است.

مقایسه ماهانه نقض حقوق زنان بر اساس تعداد مورد



برای شناخت محبت

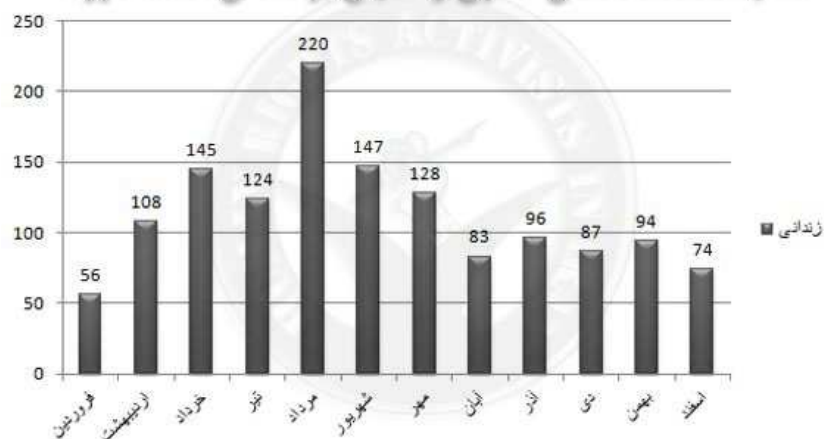
در حوزه زنان بازداشت شهروندان ۱۴٪ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است، هم چنین صدور احکام حبس از سوی دستگاه قضایی نیز با کاهش ۳۰٪ همراه بوده است. در مقایسه ماهانه نقض حقوق زنان بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۶٪ افزایش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در مرداد ماه با ۲۹٪ و بیشترین نزول در بهمن ماه با ۶۲٪ گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق زنان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



زندانیان

در این رشته در سال ۱۳۹۰ تعداد ۵۹۲ گزارش گردآوری شده است که بر اساس آن جمعاً ۱۰۵۵ مورد شکنجه و یا ضرب و شتم زندانیان، ۱۲۴ مورد عدم رسیدگی یا محرومیت از خدمات پزشکی زندانیان، ۶۸ مورد انتقال غیرقانونی زندانی به سلول انفرادی، ۳۸۴ مورد اعمال محدودیت خارج از قانون بر زندانیان، ۱۱۹ مورد اقدام به اعتصاب غذای زندانیان، ۲۷۶ مورد انتقال اجباری یا تبعید زندانیان، ۲ مورد خودکشی زندانی، ۲۱۳۰ اعمال فشار و تهدید زندانیان، ۳ مورد قتل زندانیان، ۱۴۱ مورد بلاتکلیفی زندانیان، ۸ مورد مرگ زندانی بر اثر بیماری، ۱۷ مورد اجرای حکم شلاق و قصاص عضو، ۷۵ مورد عدم دسترسی به وکیل، ۵۴ مورد پرونده سازی بر علیه زندانیان، ۲۳۴۰۱۳ مورد نگهداری زندانی در محیط نامناسب و ۶۱ مورد گزارشات متفرقه گردآوری شده است. در حوزه زندانیان ۱۳۶۲ مورد نقض موارد و بندهای مقابله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۵۹۲ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۲۳۸۵۱۲ نفر از زندانیان است.

مقایسه ماهانه نقض حقوق زندانیان بر اساس تعداد مورد



برای شناخت محبت

در مقایسه ماهانه نقض حقوق زندانیان بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۶٪ افزایش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در مرداد ماه با ۶۱٪ و بیشترین نزول در فروردین ماه با ۶۴٪ گزارش شده است. برای مقایسه نقض موردی حقوق زندانیان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، به نمودار زیر بنگرید.



مقایسه نقض موردی حقوق زندانیان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹

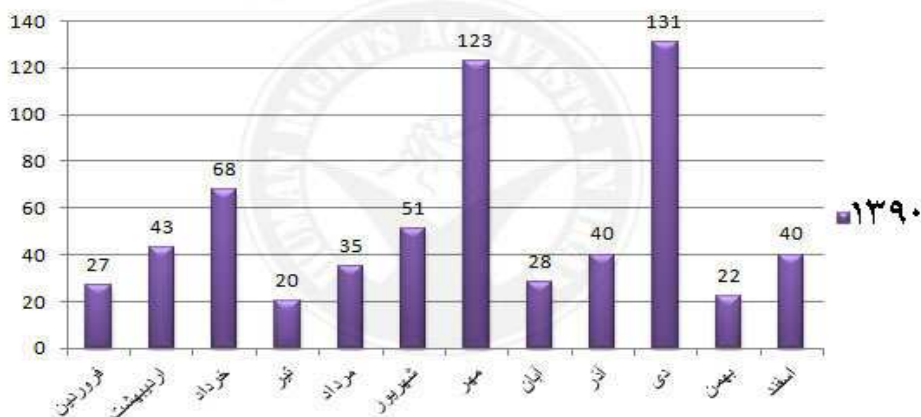
محکومیت ها

به گزارش نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در طی یکسال گذشته مراجع قضایی حکومت ایران اعم از بدوی و تجدید نظر، اقدام به صدور ۲۰۱۸۹ ماه حبس (تعلیقی و تعزیری) برای ۶۲۸ تن از فعالین نموده‌اند که از این مقدار، ۱۸۵۹۰ ماه حبس تعزیری و ۱۵۹۹ ماه حبس تعلیقی بوده است. هم چنین ۳۳۷۹ ضربه شلاق و ۲۴ میلیارد و ۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی نیز برای ایشان صادر شده است.

در حوزه اصناف ۷۴۴ ماه، حوزه اقلیت‌های ملی-قومی ۲۷۹۲ ماه، اقلیت‌های مذهبی ۴۳۵۲ ماه، اندیشه و بیان ۹۸۲۷ ماه، دانشجویان ۱۱۵۳ ماه، زنان ۵۶ ماه، فرهنگی ۲۲۲ ماه، کارگران ۱۰۴۳ ماه را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است این آمار فقط احکام موردی که مشخصات یا اطلاعات مربوط به حکم منتشر شده است را شامل می‌شود.

در بررسی کلی آمار، دستگاه قضایی حکومت ایران، ۶۲۸ تن از شهروندان را بیش از ۱۷۵ سال محروم از حقوق اجتماعی، و نیز بیش از ۱۶۸۲ سال محکومیت حبس تعزیری و تعلیقی صادر نموده است.

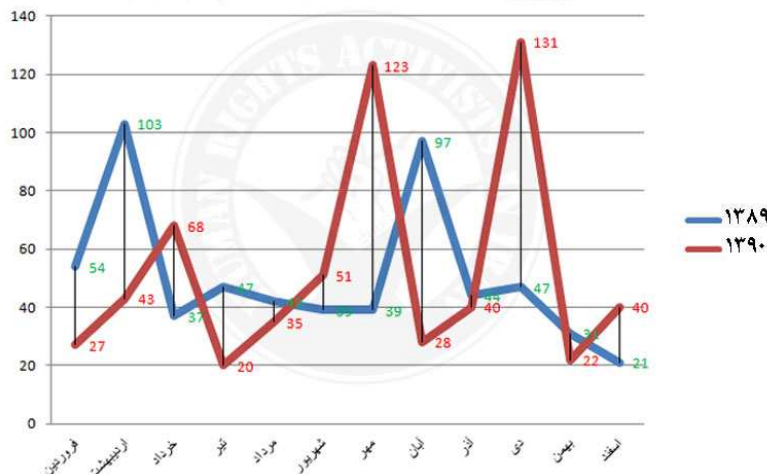
مقایسه ماهانه محکومیت شهروندان در سال ۱۳۹۰



برای شناخت محبت

در این بخش از گزارش و در مقایسه با احکام صادره از سوی دادگاه‌های انقلاب در سال گذشته ۱٪ افزایش در سال ۱۳۹۰ وجود داشته است، بر اساس آمارهای موجود در بخش کارگری محکومیت‌ها ۴۶٪ افزایش داشته است و هم چنین در بخش مذهبی ۴٪ کاهش، قومی ۷۲٪ افزایش، صنفی ۴۷٪ افزایش، فرهنگی ۶۰٪ افزایش، زنان ۳۰٪ کاهش، کودکان ۱۰۰٪ کاهش، دانشجویی ۲۹٪ کاهش، اندیشه ۲۹٪ کاهش داشته است.

مقایسه صدور حکم برای شهروندان بین سال ۹۰ و ۸۹ بر اساس تعداد نفرات



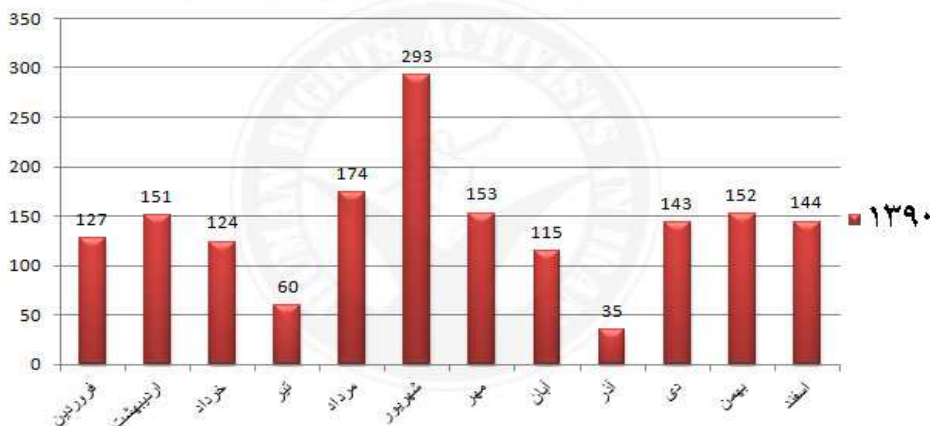
بازداشت‌ها

در طی یکسال گذشته نیروهای امنیتی ۱۶۷۱ تن از فعالین را بازداشت نموده‌اند که از این تعداد ۱۰۱۰ مورد آن به صورت موردی و ۶۶۱ مورد آن به صورت بازداشت فله‌ای یا بدون مشخص شدن هویت بازداشت شده بوده است.

در این رابطه، اصناف ۱۰۶ مورد بازداشت، اقلیت‌های قومی ۶۹۲ مورد، اقلیت مذهبی ۲۹۰ مورد، اندیشه و بیان ۳۵۶ مورد، دانشجویان ۵۲ مورد، زنان ۷ مورد، فرهنگی ۱۲۰ مورد، کارگران ۴۵ مورد، کودکان ۳ مورد را شامل می‌شوند.

لازم به ذکر است بازداشت‌های فله‌ای شهروندان در طرح امنیت اجتماعی و اخلاقی نیروی انتظامی نیز بالغ بر ۷۸۳۰۳ مورد شده است که اکثر آن مربوط به بازداشت خرده فروشان مواد مخدر و برخوردهای تحت نام ارادل و اوباش بوده است.

مقایسه ماهانه بازداشت شهروندان در سال ۱۳۹۰



برای شناخت محبت

در این بخش از گزارش و در مقایسه با بازداشت‌ها صورت گرفته توسط نیروهای امنیتی در سال گذشته ۳٪ افزایش در سال ۱۳۹۰ داشته‌ایم بر همین اساس در بخش کارگری بازداشت‌ها ۱۱٪ کاهش داشته است و هم چنین در بخش مذهبی ۹٪ کاهش، قومی ۳۵٪ افزایش، صنفی ۵۴٪ افزایش، فرهنگی ۶۲٪ افزایش، زنان ۱۴٪ افزایش، کودکان ۱۰۰٪ افزایش، دانشجویی ۷۸٪ کاهش، اندیشه ۲۱٪ کاهش داشته است.

